ایران توشه

- دانلود نمونه سوالات امتحانی
- دانلود گام به گام
- دانلود آزمون گاج و خیلی سبز و سنجش
- دانلود فیلم و مقاله آنلیزشی
- کنکور و مشاوره

IranTooshe.Ir

@irantooshe

IranTooshe

نکته و تست دین و زندگی دوم

درس اول (جلوه های حکمت و تدبیر)

بچه های گل بریم سراغ شروع یه نکته و تست عجیب غریب برای درس یک دوم
قبل مطالعه این جزوه باید متن کتاب رو مورت داده باشید و بعداً بیاید با من همراه بشید
هر قسمت کتابو که تا حالا سوال اومده یا احتمال داره بیاد تبدیل کردم به یه سوژه طرح تست
خوب روی گزینه ها فک کن و بعداً جواب رو ببین تا مغزت حاپی فضر بزرونها

یکی از سوال های اصلی هر نوجوان و جوانی این است که ..... و پاسخ این سوال ..... و برای رسیدن به پاسخ درست ابتدا باید ..... و سپس .... که مفهوم برداشت شده از آیه شریفه ی .... بیانگر پاسخی است به این سوال.

۱) ما در چگونه جهانی زندگی می کنیم-به نگاه وی به زندگی جهت می دهد و در برنامه ها و تصمیم های او تاثیر می گذارد-از آیات شریفه ی قرآن کریم بهره ببریم-آن گاه به مشاهده ی برخی موجودات پیرامون خود بپردازیم-خَلَقَ اللّهُ السَّماواتِ وَالأَرضَ بالحَقِّ

۲) ما در چگونه جهانی زندگی خواهیم کرد-به نگاه وی به زندگی جهت می دهد و در برنامه ها و تصمیم های او تاثیر می گذارد-از آیات شریفه ی قرآن کریم بهره ببریم-آن گاه به مشاهده ی برخی موجودات پیرامون خود بپردازیم -رَبَّنا ما خَلَقتَ هذا باطِلًا

۳) ما در چگونه جهانی زندگی می کنیم-در نگاه وی به زندگی تاثیر می گذارد و به برنامه ها و تصمیم های او جهت می دهد-از آیات شریفه ی قرآن کریم بهره ببریم-آن گاه به مشاهده ی برخی موجودات پیرامون خود بپردازیم-خَلَقَ اللّهُ السَّماواتِ وَالأَرضَ بالحَقِّ

٤) ما در چگونه جهانی زندگی می کنیم-در نگاه وی به زندگی جهت می دهد و در برنامه ها و تصمیم های او تاثیر می گذارد-از آیات شریفه ی قرآن کریم بهره ببریم-آن گاه به مشاهده ی برخی موجودات پیرامون خود بپردازیم -رَبَّنا ما خَلَقتَ هذا باطِلًا

چند مورد از موارد زیر به درستی بیان شده است؟

الف) در یک مجوعه، پیوستگی به ، هدف ارتباط و هماهنگی معنا می بخشد. غ هدف به ، پیوستگی ارتباط و هماهنگی معنا می بخشد.

ب) خداوند متعال در آفرینش مخلوقات طوری اندازه ها را برقرار کرد که محکم و استوار بم مانند که معلول عدم خروج مخلوقات از قانون مندی خاص خود است و این مفهوم از آیه شریفه ای برداشت می شود که از نتایج و برکات آن، تنظیم تقویم سالیانه توسط انسان هاست. غ علت نه معلول (آیه: لاالشمس ینبغی لها ان تدرک القمر ...)

پ) آنگاه که بگوییم: ((این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار)) پیام آیه شریفه ی ((خلق الله السماوات و الارض بالحق ان فی ذلک لایه للمومنین)) بر خلاف آیه شریفه ی ((ان فی خلق السماوات و الارض و اختلاف الیل و النهار لآیات لاولی الباب)) نمی تواند ارتباط مفهومی کامل تری با کلام مان داشته باشد. ص

ت) کسی می تواند حقیقت جهان را بدرستی دریابد که اهل ایمان و تفکر و خردورزی باشد. غ (طبق متن کتاب فقط خردورزی و تعقل صحیح می باشد)

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

ث) هر آیه ای که به تقدیر جهان اشاره داشته باشد قطعاً به مفهوم قانون مندی جهان هستی و حکمت و تدبیر خداوند نیز اشاره داشته است. ص (جمع بندی: آیات= انا کل شی خلقناه بقدر + و الذی قدر فهدی + الله الذی سخر لکم البحر لتجری الفلک فیه بامره...+لا الشمس ینبغی لها ان تدرک القمر ... همگی به تقدیر + قانون مندی + حکمت و تدبیر خدا اشاره دارند)

ج)به بیان حضرت علی(ع) زبان بی زبانی جامدات به نوعی معرفی خداوند به عنوان صاحب اختیاری است که تدبیر همه امور به دست اوست و برقراری اندازه ها در آفرینش پدیده ها به منظور اسباط مفهوم نظم استوار میان موجودات و غایت مندی آن هاست. ص

چ) عناصر موجود در طبیعت، که هر کدام ساختمان و آثار خاص خود را دارند، در دسته ها و شکل های مختلف با هم همکاری می کنند که حاصل آن پیدایش موجودات با ساختمان و با خواص و آثار پایدار است. غ طبق متن کتاب ص ۱۱ خواص جدید نه پایدار چون پایداری خواص به معنای تکراری بودن است. (توجه کنید نظم و قانون موثر بر آفرینش پدیدها ثبات دارد نه خواص و آثار آنان!)

ح) هر همکاری بین عناصرطبیعت از نظم و قانون مندی خاصی پیروی می کند و نتایج معینی را در پی دارد. ص متن کتاب

خ) میان وظایف و مسئولیت ها پیوستگی و ارتباط، برای رسیدن به عامل جداکننده ی یک سامان از دیگری مشاهده می شود، به گونه ای که کار هر موجودی مکمل و ادامه ی کار دیگری است و کارها و مسئولیت ها در ارتباط با هم معنا می یابند. ص (عامل جداکننده ی یک سامان از دیگری=هدف)

د) همکاری، پیوستگی و نظام، همواره برای آن است که به هدف معینی منجر شود و به سرانجام روشنی برسد. ص

ذ) وقتی می گوییم خداوند و عالم غیب حق است، یعنی خداوند و عالم غیب واقعیت دارد. ص (زیرنویس)

ر) شکل گیری همکاری ها پس از آفرینش اجزا توسط خداوند در نهایت سبب عاملی است که خود سبب پیدایش مفهوم جدایی در همکاری ها می شود. ص این جمله اصلاً خارج از کتاب نیست و بار ها در آزمون های آزمایشی به گونه های مختلف مطرح شده منتظرم واسه اومدنش در کنکور ۹۹ ...

> ۵ــ هر سامان و نظمی و هر همکاری و فعالیتی، به دنبال هدف خاصی است که آن را از سایر سامان‌دهی‌ها و همکاری‌ها جدا می‌کند.

چند مورد از موارد زیر متن زیر را به درستی تکمیل می کند؟

بر طبق فرمایشات حضرت علی (ع) در بخشی از خطبه ۹۰ نهج البلاغه مبنی بر ..... می توان به ..... پی برد.

الف) (او خداوندی است که موجودات را آفرید، بدون این که از هیچ نمونه ی آماده و پیش ساخته ای ایده بگیرد و از کار خالق دیگری که پیش از وی جهانی را آفریده باشد، تقلید کند) ، (توحید خالقیت بدین معنا که تنها مبدا و خالقِ صاحب اختیار خداست و در کار آفرینش شریک ندارد) غ طبق متن کتاب عبارت (صاحب اختیار مربوط به توحید در ربوبیت)

ب) (آثار صنع و نشانه های حکمتش در نوآوری های بی سابقه و خلقت بی نظیرش هویداست.) ، (مفهوم آیه شریفه ی ((الحمد لله المتجلی لخلقه بخلقه)) پی برد.) غ عبارت دوم حدیث است نه آیه!

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

ج) (دلالتش بر وجود خدا همواره استوار است و در هر لحظه آفریننده ی خود را نشان می دهد) ، (مفهوم برداشت شده از هر آیه شریفه ای که با ((و من آیاته...)) آغاز می شود پی برد.) ص

د) (آن گاه بدان نظم و ظرافت بخشید و آن را در مسیرانجام وظیفه و دست یابی به هدف خاص وی هدایت کرد.) ، (مفهوم برداشت شده از آیه شریفه ((الذی خلق فسوی و الذی قدر فهدی))) ص به جمع بندی پایین تست نگاه کن!

ه) (اگر خداوند به او دستوری داد، انجام دادنش بر وی دشوار نباشد وسرکشی نکند.) ، (علت این موضوع که چرا دلالت یک مخلوق بر وجود خالق همواره استوار است) غ

✓ اگه بخوان از این درس امسال تست طراحی کنند احتمالاً بیان سراغ این قسمت خطبه که:

۱. خدای متعال همه ی مخلوقات را براساس مقیاس، نظم مشخص، اندازه های (رمز: منا) مخصوص و متناسب با هر یک از آن مخلوقات آفرید . (اول منا!)

۲. در آفرینش آن ها طوری اندازه ها را برقرار کرد که محکم و استوار بمانند و از هم فرونپاشند .هر چیزی را مطابق برنامه ای دقیق به بهترین شکل طراحی کرد.(بعد اتقان صنع!)

۳. آن گاه بدان نظم و ظرافت بخشید و آن را در مسیر انجام وظیفه و دست یابی به هدف خاص وی هدایت کرد.(در آخر هدایت با بخشیدن نظم و ظرافت یا همون ((قدر فهدی))

هر چی غیر از این ۳ مورد دادن رو بگیر غلط! مثلاً توی گزینه (ه) داریم: (دلالت یک مخلوق بر وجود خالق همواره استوار است) خب این عبارت از قبل از این ۳ مورد در خطبه قرار گرفته پس غلطه! گرفتی چی میگم؟

۳ مورد بالا نتیجه اش میشه این که:

۱. هیچ یک از مخلوقات از محدوده و چهارچوب تعیین شده از جانب خداوند تجاوز نکند

۲. برای رسیدن به مقصد مورد نظر و کمال نهایی کوتاهی ننماید

۳. اگر خداوند به او دستوری داد، انجام دادنش بر وی دشوار نباشد و سرکشی نکند.

+تذکر: مواظب باش نتایج رو با علت ها قاطی نکنی!!

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

جمع بندی توپ:

جمع بندی همه آیات ((و من آیاته...))

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَالِمِينَ

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

جمع بندی آیات ((حق دار))

انا انزلنا علیک الکتاب بالحق (هدایت انسان با ارسال کتاب رو اثبات کرده نه ابزار تفکر و تعل رو)

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ

خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنْذِرُوا مُعْرِضُونَ

نکته بین راهی مهم!!! در متن درس حتماً به علت و معلولی قبل از شعر سعدی و علت بیان شعر سعدی توجه کن:

خلقت انسان، حرکت ابرها و نزول باران که انسان‌ها در زندگی روزانه‌ی خود مشاهده می‌کنند و تفکر در آن‌ها برای هر کس امکان‌پذیر است با وجود این نشانه‌ها، هر کس خردمندی پیشه نکند و به درستی نیندیشد، زیان آن را خواهد دید و جایگاه خود در جهان را نخواهد شناخت. سعدی می‌گوید :

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود هر که فکرت نکند، نقش بود بر دیوار

یه جمع بندی خاص از آیات (مومن) دار : (مورد اول از همین درس و بقیه از دروس دیگر)

۱. **مومنین یا اهل ایمان خالی (یعنی هم راه با عمل صالح نیومده باشه!!!): توی آیاتی که مربوط به حق و هدفمندی باشن کجا اومده؟ آفرین فقط توی یه آیه در درس اول داشتیم اونم جایی بود که می گفت:**

۲. **خلق الله السماوات و الارض بالحق(حواست هست برای خردمندان داشتیم عدم باطل بودن ولی برای مومنین داریم: حق بودن) ان فی ذلک لایه للمومنین. (جهان شناسی مقدمه ای بر خداشناسی)**

۳. **اهل ایمان و عمل صالح: سپاس خدا را که اگه ما رو هدایت نمی کرد هرگز هدایت نمی شدیم عاموا و ما کنا لنهتدی لو لا ان هدانا الله اشاره داره به: عدم بهره گیری از هدایت الهی(علت) می دهد رهنمون نشدن ابدی انسان به سعادت(معلول) (درس یک سوم)**

۴. **اهل ایمان به خدا و رستاخیز و عمل صالح: که دچار حزن و ترس از عاقبت زندگی نمی شوند: فَلاخَوف عَلَیهِم: رفع ترس و ایجاد شجاعت و ارتباط با کلام امام حسین "من مرگ را جز سعادت ...." + وَلاهُم یَحزَنون:رفع ناامیدی و ایجاد نشاط**

۵. **اهل ایمان و خواست آخرت و سعی و تلاش برای آن: نتیجه اش میشه: فَأُولئکَ کانَ سَعیُهُم مَشکورًا (درس پنج دوم)**

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

با توجه به آیات قرآن کریم می توان دریافت که اولین و دومین ویژگی خردمندان به ترتیب ...۱.. و ...۲.. می باشد و نتیجه ویژگی ..۳.. این است که ...۴... و انسان های خرمند پس از این که ...۵...

از خدا می خواهند: ...۶... که به معنای ...۷... می باشد و ویژگی دوم خردمندان بیانگر یکی از سرمایه های وجودی انسان است که او را از سایر موجودات متمایز می کند که قیاس استفاده از این سرمایه ارزشمند و عدم استفاده از آن معلول تفکر در آیه شریفه ی ...۸... می باشد که یکی از محیار های جامعه اسلامی نیز ...۹.. بیان شده است و عبارت (عبث) در این آیه بیانگر این است که ...۱۰.. در خلقت راه ندارد و توحید ربوبیت قبل از نفی خالقیت عبث معلول ... ۱۱... بودن خداست که تدبیر همه امور بدست اوست.

اِنَّ فی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْاَرْضِ	.....
وَاخْتِلافِ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ	.....
لَآیاتٍ لِأُولِی الْاَلْبابِ	.....
الَّذینَ یَذْکُرونَ اللّٰهَ	.....
قِیامًا وَ قُعودًا	.....
وَ عَلیٰ جُنوبِهِمْ	.....
وَ یَتَفَکَّرونَ	.....
فی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْاَرْضِ	.....
رَبَّنا ما خَلَقْتَ هٰذا باطِلًا	.....
سُبْحانَکَ	.....
فَقِنا عَذابَ النّارِ	.....

پاسخ:

۱. در همه حال به یاد خدا بودن
۲. تفکر در آفرینش آسمان ها و زمین
۳. دوم
۴. ربنا ما خلقت هذا باطلاً
۵. ربنا ما خلقت هذا باطلاً
۶. سبحانک فقنا عذاب النار
۷. منزه دانستن خدا از هر عیب از جمله فعل عبث و خلق بی هدف موجودات
۸. هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون انما یتذکر اولوالباب
۹. تعقل و تفکر و خردورزی
۱۰. بیهودگی و بی هدفی
۱۱. رب العالمین

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

نکات مهم تست زنی من:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

تکلیف جلسه آینده: مطالعه دقیق این جزوه + متن درس یک دوم + پیش خوانی متن درس دو سال دوم

مهدی غفوری **اولین** مدرس دین و زندگی به **سبک زیست شناسی** در ایران

صد ها نفر همگام با من **دینی** را صد می زنند پس به کمتر از **۱۰۰** راضی نشو!

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

نکته و تست

دین و زندگی

غفوری ۹۰

جلد دوم

با کاروان هستی

نکته و تست دین و زندگی دوم

درس دوم (با کاروان هستی)

بچه های گل بریم سراغ شروع یه نکته و تست عجیب غریب برای درس دو دوم
قبل مطالعه این جزوه باید متن کتاب رو مرور داده باشید و بعداً بیاید با من همراه بشید
هر قسمت کتابو که تا حالا سوال اومده یا احتمال داره بیاد تبدیل کردم به یه سوژه طرح تست
خوب روی گزینه ها فک کن و بعداً جواب رو ببین تا مغزت حابی فضر بخوره!

کدام گزینه مفهوم درستی از عامل دریافت شده طی مشاهده ی نظام مندی موجودات هستی توسط انسان را بیان می کند؟

۱) مهم ترین گام برای رسیدن درک درستی از نظام حاکم بر جهان خلقت اعتقاد به خداوندی حکیم،عادل و قادر است.

۲) خداوند با حکمت خود جهان را خلق کرده است و آن را طوری تدبیر و اداره می کند که همه حوادث و رخداد های جهان در یک چارچوب سامان دهی شده و قانون مند اتفاق می افتد.

۳) ایمان به خداوند حکیم و نظام حکیمانه او ، این اطمینان را به انسان می بخشد که جهان دارای حافظ و نگهبانی است که اشتباه در کار او راه ندارد.

۴) به علت علم و قدرت بی پایان خداوند به هیچ وجه احتمال نابودی دنیا نمی رود و هیچ کس جز او نمی تواند آن را از نابودی نجات دهد.

نکته: منظور از عامل دریافت شده طی مشاهده ی نظام مندی موجودات هستی توسط انسان:

۱) حکمت

۲) تدبیر

هر کدام به تنهایی بیاید گزینه کامل نیست و کنار می رود.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

در درس گذشته به سراغ برخی موجودات رفتیم و با مشاهده‌ی نظام‌مندی آن‌ها، حضور حکمت و تدبیر الهی را دریافتیم.

چند مورد به درستی بیان شده است؟

۱. مجموعه ی نظام مند، مجموعه ای است که اجزاء آن به گونه ای سامان یافته اند که فعالیت دسته جمعی آن ها منتهی به اهداف معین می شود. غ (هدف واحد نه اهداف؛همه مجموعه ها در نهایت یک هدف نهایی دارند نه اهدافی)

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

۲. شاخصه اصلی هر مجموعه بزرگ و کوچکی در نوع هدفی که هر یک از اجزای آن دنبال می کنند خلاصه می شود. غ شاخصه اصلی هر مجموعه هدفمندی است و این موضوع به معنی داشتن یا نداشتن هدف است نه نوع هدف.

۳. فعالیت هر سلول در هر قسمت بدن نه تنها در خدمت همان قسمت است، بلکه در خدمت نهایی ترین هدف، یعنی رشد و حیات بدن نیز هست. ص

۴. هر دستگاهی نظم، قانون مندی و هدف خاص خود را دارد. امّا این امر نه تنها مانع هماهنگی و همکاری سراسری آن ها برای رسیدن به هدف نهایی نیست، بلکه در خدمت آن است پس بین نظم، قانون مندی و هدف خاص هر مجموعه با هماهنگی و همکاری همان مجموعه با سایر مجموعه های خلقت رابطه طولی برقرار است که در نهایت هر در جهت هدفی واحد فعالیت می کنند . ص

۵. این موضوع که بگوییم: خاصیت رشد و نمو به قسمت خاصی از بدن مربوط نیست، بلکه به مجموعه ی بدن و دستگاه های آن مربوط است و همه ی این دستگاه ها به نحوی برای این هدف فعالیت می کنند. به این سبب است که: نظام های بزرگ از به هم پیوستن نظام های کوچک شکل می گیرند. غ به این سبب است که: هرچه دایره ی نظام، بزرگ تر می شود، نظم و قانون مندی گسترده تری لازم است که نظام های کوچک تر را در درون خود جای دهد.

نکته: باید به عبارات علت و معلولی بدن انسان توجه کنید:

۳ــ نظام‌های بزرگ از به هم پیوستن نظام‌های کوچک شکل می‌گیرند؛ بدین‌صورت که بطن‌ها، دهلیزها و دریچه‌ها قلب را می‌سازند، قلب و سرخرگ و مویرگ دستگاه گردش خون، و مجموعه‌ای از دستگاه‌ها نیز بدن را شکل می‌دهند.

۴ــ هرچه دایره‌ی نظام، بزرگ‌تر می‌شود، نظم و قانون‌مندی گسترده‌تری لازم است که نظام‌های کوچک‌تر را در درون خود جای دهد. به‌طور مثال خاصیت رشد و نمو به قسمت خاصی از بدن مربوط نیست، بلکه به مجموعه‌ی بدن و دستگاه‌های آن مربوط است و همه‌ی این دستگاه‌ها به‌نحوی برای این هدف فعالیت می‌کنند.

۶. نظام های به هم پیوسته و تو در تو که بدن را می سازند، فعالیت هماهنگ و سازمان یافته ای انجام می دهند که در پایان منجر به حیات و رشد می شود. ص

نکته: کتاب در کنار رابطه ی طولی دو لفظ دیگر هم به کار برده: ۱)تو در تو ۲)به هم پیوسته

۵ــ این نظام‌های به هم پیوسته و تودرتو که بدن را می‌سازند، فعالیت هماهنگ و سازمان‌یافته‌ای انجام می‌دهند که در پایان منجر به حیات و رشد می‌شود.

ارتباط به هم پیوسته دستگاه‌ها

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

(حالا ممکنه بگید آقای غفوری چرا میگی به هم پیوسته که گفتن باید بگیم رابطه طولی مگه در رابطه عرضی ما به هم پیوسته بودن را نداشتیم؟ بچه ها واقعیت اینه که کتاب درسی وقتی از رابطه عرضی حرف زده رفته سراغ بررسی اجزا و اونا رو نظام های مستقلی در نظر گرفته که هر کدوم کار خاصی دارن بنابراین پیوستگی در این جا به معنی پیوستگی اهداف نیست بلکه پیوسته بودن اجزا به همدیگه رو میرسونه که در رابطه طولی داشتیم.)

۷. وقتی به کره ی زمین نگاه می کنیم،موجودات بی شماری را که هرکدام سامان خاص خود را دارند، مشاهده می کنیم که همه به هم وابسته اند. ص

۸. در پرتو شکل گیری حیات و زندگی ، انسان ها می توانند زندگی فردی و اجتماعی خود را سامان دهند و برای رسیدن به هدف های خود برنامه ریزی کنند.غ خیییلی دقت کن! طبق متن کتاب درسی داریم: (موجودات بی شماری را که هرکدام سامان خاص خود را دارند، مشاهده می کنیم که همه به هم وابسته اند و یک مجموعه ی عظیم را در این کره شکل داده اند و سبب شده اند که حیات و زندگی بر روی کره ی زمین ادامه یابد و در پرتو این حیات، انسان ها بتوانند زندگی فردی و اجتماعی خود را سامان دهند و برای رسیدن به هدف های خود برنامه ریزی کنند.) پس یادت باشه:تشکیل حیات بواسطه خداوند و تداوم آن با طرح و نقشه و برنامه ریزی حکیمانه خداست که در طول آن موجودات به هم پیوسته و با همکاری با همدیگر سبب تداوم حیات بر روی زمین میشن که حالا این تداوم حیات باعث میشه: ۱)سامان دهی زندگی فردی ۲)سامان دهی زندگی اجتماعی ۳)برنامه ریزی برای وصول به اهداف خود

۹. جهانی که در آن زندگی می کنیم، مانند بدن انسان، یک مجموعه به هم پیوسته، مرتبط و هماهنگ را تشکیل می دهد ص

۱۰. تنها از این مطلب که: مجموعه ی موجودات جهان، نظم، قانون مندی و هدف خاص خود را دارند، مجموعه ی موجودات جهان را می توان نظام واحد نامید.غ دقت کن: (اگر نمی گفت ((تنها از ...)) عبارت درست بود)

> ۲ــ هر دستگاهی نظم، قانون‌مندی و هدف خاص خود را دارد. امّا این امر نه‌تنها مانع هماهنگی و همکاری سراسری آن‌ها برای رسیدن به هدف نهایی نیست، بلکه در خدمت آن است.

> بنابراین، جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، مانند بدن انسان، یک مجموعه بهم پیوسته، مرتبط و هماهنگ را تشکیل می‌دهد. آن پنج ویژگی که برای بدن انسان ذکر شد، در جهان نیز مشاهده می‌شود. از این رو مجموعه‌ی موجودات جهان را می‌توان نظام واحد نامید. اکنون این سؤال به ذهن هر انسان اندیشمندی راه

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

۱۱. آنگاه که برای یافتن پاسخ به این سوال که: (این مجموعه ی بزرگ جهانی چه هدف و مقصدی را دنبال می کند؟) از آیات قرآن کریم بهره می بریم معلول استفاده انسان از ارزش وجودی است که سبب برتری او از سایر موجودات می شود و آنگاه طبق آیات قرآن کریم نتیجه می گیریم: یکی از ویژگی های بندگان خداوند شنود موثر (یستمعون) و پیروی از بهترین شنیده هاست که به واسطه ی همین ارزش وجودی مورد هدایت الهی قرار می گیرند(هداهم الله) و در این جا منظور از بندگان خداوند همان اولوالباب می باشد که با توجه به آیات قرآن کریم: اولین و دومین ویژگی خردمندان به ترتیب در همه حال به یاد خدا بودن و تفکر در آفرینش آسمان ها و زمین می باشد. ص (جمع بندی مهم)

اِنَّ فی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْاَرْضِ	.....
وَاخْتِلافِ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ	.....
لَآیاتٍ لِأُولِی الْاَلْبابِ	.....
الَّذینَ یَذْکُرونَ اللّٰهَ	.....
قِیامًا وَ قُعودًا	.....
وَ عَلیٰ جُنوبِهِمْ	.....
وَ یَتَفَکَّرونَ	.....
فی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْاَرْضِ	.....
رَبَّنا ما خَلَقْتَ هٰذا باطِلًا	.....
سُبْحانَکَ	.....
فَقِنا عَذابَ النّارِ	.....

۲ـ امام کاظم(ع) به هشام‌بن حکم فرمود : خداوند به اهل عقل و فهم بشارت داده و فرموده : «فبشر عبادالذین.....»

● پروردگار، به ما قوّه و نیرویی عنایت کرده تا با آن بیندیشیم و راه درست زندگی را از راه‌های غلط تشخیص دهیم. حقایق را دریابیم و از جهل و نادانی دور شویم.[۲]

... فَبَشِّرْ عِبادِ	پس بندگان مرا مژده ده
الَّذینَ یَسْتَمِعونَ الْقَولَ	آنان که سخن را می‌شنوند
فَیَتَّبِعونَ اَحْسَنَه،	و بهترین آن را پیروی می‌کنند
اُولٰئِکَ الَّذینَ هَداهُمُ اللّٰهُ	اینانند که خدا آنان را هدایت کرده
وَ اُولٰئِکَ هُمْ اُولُوا الْاَلْبابِ	و اینانند خردمندان

۱۲. جهان به بهترین شکل و در بهترین نظم آفریده شده و هیچ گونه خلل و بی نظمی در آن راه ندارد و به سوی خداوند که کمال مطلق است در حرکت است. ص

۱۳. این که می گوییم جهان حرکتی رو به رشد و رو به تکامل دارد معول آن است که: جهان به بهترین شکل و در بهترین نظم آفریده شده و هیچ گونه خلل و بی نظمی در آن راه ندارد و به سوی خداوند که کمال مطلق است در حرکت است. ص

محل یادداشت های من...

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

نکته و تست آیات

آیه انـجام (برادر اتقان) :

آخرینشو ببین برگرد دقیق نگاه کن

طبق آیه شریفه ی ((ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل تری من فطور)) می توان دریافت که نظم اسنجام کامل و پیوستگی و هماهنگی خلل ناپذیر جهان خلقت بدلیل لزوم ..... (فارجع البصر) برای درک هدفمندی جهان می باشد که تاکیدی است بر ..... و ..... خلقت که با طرح ..... در آیه بیان شده، در تست زنی از این آیه به این نکته توجه می کنم که گزینه ای که: استحکام/اتقان صنع/محکم/ استوار/اتقن/جبال/کوه ها/ ابر ها/ظرافت خلقت الهی/چیزی در عین تحرک ثابت باشد/آگاهی خداوند به اعمال بندگان در انتهای آیه/عدم فروپاشی در کلام امام علی(ع) ، اگر دیدم قول میدم بدون هیچ شکی سریع آن گزینه را رد کنم چرا که این کلید واژه ها برای آیه اتقان صنع برادر آیه انسجام است و طراح اگر بخواهد اذیت کند آن را در گزینه قرار می دهد! ، در عوض هر جا ..... و ..... و ..... و ..... در گزینه ها دیدم با روی باز از آن گزینه استقبال کنم.

بی نظمی؟ عدم انـجام کامل؟/ناهماهنگی؟/خلل؟/شکاف؟/ فطور؟/پراکندگی؟/بی ربطـی؟/عدم همکاری؟/بی هدفی؟/بی حکمتی می بینی؟ می بینی بابا؟ نه نمی بینی پس جهان هدف منده!

جوابیه:

۱. نظاره دقیق و عمیق برای درک هدفمندی جهان(فارجع البصر)
۲. نظم و انسجام خلقت
۳. استفهام انکاری
۴. عدم بی نظمی/عدم گسستگی/عدم شکاف

محل یادداشت های من...

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

آیه دوم:

تیتر: آیه ی الا بالحق معرضون

طبق آیه شریفه ی ((ما خلقنا السماوات و الارض و بینهما الا بالحق و اجل مسمی والذین کفروا عما انذروا معرضون)) می توان دریافت که: موجودات جهان ..... و ..... معینی دارند که ..... است(اجل مسمی) و اثباتی است بر صفت ..... الهی برای انسان که در نتیجه ی مشاهده ..... موجودات جهان بدست می آید و بی توجهی انسان نسبت به ..... الهی و ... حقانیت و ..... جهان هستی به ..... می انجامد، توحید ..... (خلقنا) و توحید ..... (اجل مسمی).

در تست زنی از این آیه به این نکات توجه می کنم که:

۱) هر گاه بپرسند چرا خداوند فرموده آفرینش این جهان جز بر پایه ی حق نیست؟ آنگاه در گزینه ها نگاه می کنم و اگر گزینه ای هدف شیطانی طراح قرار گرفته بود و بیان می داشت: خداوند آسمان ها و زمین را به حق آفرید تا هرکس پاداش آنچه انجام داده است را بیابد در حالی که به ایشان ظلم و ستم نمی شود. من سریعاً رویش خط بکشم و بگویم نه! چرا که این عبارت بیانگر مفهوم آیه شریفه ی: (وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ) می باشد و جواب درست گزینه ای است که آیه ((ما خلقنا السماوات و الارض و بینهما الا بالحق و اجل مسمی والذین کفروا عما انذروا معرضون)) را مفهوم گرداند یعنی بگوید: چون آفرینش آسمان ها و زمین دارای سرامد و پایان مشخصی است و کسانی که کافر شدند از حکمت خداوند و حق و هدفمند بودن جهان و دارای سرامد و اجل مسمی بودن جهان هستی روی گردانند.

۲)اگر بگویند: یکی از انذارهایی که مورد بی توجهی کافران قرار می گیرد، کدام است؟ جواب همین آیه است.

۳) معرضون ۲ جا داشتیم:

درس دوم سال دوم: هدفمندی و حقانیت آفرینش خداوند/اثبات صفت حکمت الهی برای انسان در نتیجه ی مشاهده ی نظام مندی موجودات جهان(بالحق)/بی توجهی انسان نسبت به هشدار الهی و انکار حقانیت و هدفمندی جهان هستی به کفر می انجامد/هدفمندی، شاخصه ی اصلی هر مجموعه و نظام/دیدگاه پیامبران و پیروان ادیان الهی نسبت به مرگ/توحید در خالقیت و ربوبیت نکته جمع بندی آیات دینی دو درس دو: هرگاه قدر+سخر دیدی بزن: جهان دارای قانون مندی/هرگاه له اسلم دیدی بزن خروج از قانون مندی ها غیر ممکن است./هرگاه اجل مسمی دیدی سریع بزن قانون مندی های جهان موقتی است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

درس ۵ سال دوم: هدفمندی و حقانیت آفرینش خداوند/اثبات صفت حکمت الهی برای انسان در نتیجه ی مشاهده ی نظام مندی موجودات جهان(بالحق)/بی توجهی انسان نسبت به هشدار الهی و انکار حقانیت و هدفمندی جهان هستی به کفر می انجامد/هدفمندی، شاخصه ی اصلی هر مجموعه و نظام/دیدگاه پیامبران و پیروان ادیان الهی نسبت به مرگ/توحید در خالقیت و ربوبیت یه جمع بندی توپ واسه درس پنج سال دوم: هرگاه اجل مسمی دیدی بزن دنیا دارای سرامد معین و دنیا دارای قانون مندی/هر وقت مصیر، رجع یرجعون ترجعون رجعوا رجعن ،اجل مسمی دیدی بزن معاد

۴)یعرضون هم یک جا داشتیم:

درس ۷ سال دوم:

النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ

بیانگر دوزخ و جهنم برزخی(سو+عذاب) و دوزخ اخروی و و معاد(اشد+عذاب)

مشابهت زمانی دنیا و برزخ(حاق(احاطه کرد) بال فرعون+غدوا+عشیا(روز و شب))

شدت عذاب آخرت به مراتب بالاتر از برزخ است.(اشد العذاب)

منظور از ((یوم تقوم ساعه)) روز قیامت است و آیه در مورد سرنوشت قوم فرعون است.

جوابیه:

۱) هدف-سرآمد
۲) موقتی
۳) حکمت
۴) نظام مندی/قانون مندی
۵) هشدار
۶) انکار
۷) هدف مندی
۸) کفر
۹) خالقیت
۱۰) ربوبیت

المپیادی بخون!

تحلیل جامع آیه: (ما خلقنا السماوات و الارض و بینهما الا بالحق و اجل مسمی والذین کفروا عما انذروا معرضون)

۱. نظام هدفدار، بدون برنامه نمی شود. تکوین و تشریع، براساس حق و حکمت - خَلَقْنَا ... بِالْحَقِّ
۲. در نظام آفرینش، کژی، انحراف، سستی، پستی، نادرستی و بیهودگی جایی ندارد. « ما خَلَقْنَا السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ وَ ما بَيْنَهُما إِلَّا بِالْحَقِّ »
۳. لازمه ی حقانیّت آفرینش، وجود جهانی پس از آن است. (اگر معاد نباشد، بسیاری از نابرابری ها و بی عدالتی ها جبران نشده و موجّه نخواهد بود.)
٤. توجّه به محدودیّت دنیا و ناپایداری نعمت ها و پدیده ها، زمینه حق گرایی و دل نبستن به دنیا و هشداری برای انسان است. « أَجَلٍ مُسَمًّى»
٥. نظام تکوین و تشریع برای هدایت و کمال انسان است، با این حال، برخی ناسپاسی کرده و کفر می ورزند. «وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنْذِرُوا مُعْرِضُونَ»
٦. تمام هستی در مسیر حق حرکت می کند و این انسان است که می تواند با انتخاب مسیری ناحق، منحرف شود. «وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنْذِرُوا مُعْرِضُونَ»
۷. در نظام تعلیم و تربیت و تبلیغ، هشدار و تهدید لازم است. « أُنْذِرُوا»
۸. اعراض از حق، نشانه ی اراده و اختیار انسان است. « مُعْرِضُونَ»

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

آیه سوم:

تیتر: آیه ی (حق صور مصیر)

طبق آیه شریفه ی ((خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ)) می توان بیان داشت که: هر یک از مخلوقات در ..... ترکیب و شکل خلق شده اند و خداوند هرچه را که ..... رساندن آن ها به ..... بوده است در خلقتشان قرار داده است و کاروان هستی همانطور که از خداست رو به سوی .... دارد و طبق سخنان حضرت علی(ع) خداوند هر چیزی را در ..... شکل طراحی کرد و آنگاه بدان ..... و ..... بخشید تا هیچ یک از مخلوقات از ..... و ..... تعیین شده از جانب خداوند تجاوز نکنند و برای رسیدن به مقصد مورد نظر و ..... نهایی کوتاهی نکنند و اگر خداوند به او دستوری داد انجامش دشوار نباشد و ..... نکند؛ و آنگاه که کلمه ی ((مصیر)) را در آیه میبنیم که در کنار (حق) بیان شده به ضرورت معاد براساس حکمت الهی(درس ششم سال دوم) پی می بریم که می توان گفت: حکیم کسی است که کارهایش هدفمند است و به نتایج صحیح و درست منتهی می شود . از این رو خدای حکیم، مرتکب کار عبث و بیهوده نمی شود، زیرا کار عبث از جهل و نادانی سرچشمه می گیرد . هر موجودی را برای هدف شایسته ای خلق می کند و امکانات رسیدن به آن هدف را هم به او عطا می نماید و اگر تمایلات و گرایش هایی در وجودش قرار داده، پاسخ مناسب آن را هم پیش بینی کرده است . هر انسانی گرایش به بقا و جاودانگی دارد و از مرگ و نابودی گریزان است و بسیاری از کارهای خود را برای حفظ و بقای خود انجام می دهد. همچنین هر انسانی طالب و خواستار همه ی کمالات و زیبایی هاست و این طلب به هیچ حدّی محدود نمی شود .او به دنبال پایان ناپذیرها و افول ناشدنی هاست.

جمع بندی خفن حق دار های کتاب:

ان فی خلق سماوات و ارض و اختلاف لیل و نهار لایات لاولی الباب الذین... ربنا ما خلقتَ هذا باطلاً ... سبحانک فقنا عذاب النار

خلق الله سماوات و ارض بالحق ان فی ذلک لایه للمومنین

آثار صنع و نشانه های حکمتش در نوآوری های بی سابقه و خلقت بی نظیرش هویداست.

هر یک از موجوداتی که خدا آفریده برهان آفریدگاری و دلیل خداوندی اوست(ان فی خلق سماوات و ارض...) حتی اگر آن موجود جامد و بی زبان باشد چرا که آن هم با زبان بی زبانی خالق خود را معرفی می کند و تدبیر(توحید ربوبیت) خدا را باز می گوید.

ما خلقنا سماوات و ارض و ما بینهما الا بالحق و اجل مسمی و الذین کفروا عما انذروا معرضون

خلق سماوات وارض بالحق و صورکم فاحسن صورکم و الیه المصیر

و من آیاته ...

و خلق الله سماوات و ارض بالحق و لتجزی کل نفس بما کسبت و هم لایظلمون

افحسبتم انما حلقناکم عبثاً و انکم الینا لا ترجعون

و ما خلقنا السماء و الارض و ما بینهما باطلاً ذلک ذن الذین کفروا من النار

و قضی بینهم بالحق و هم لایظلمون

والوزن یومئذ الحق

تکنیک حفظ آیات حق دار

خلق الله ... حق ... ایات للمومنین

خلق ..... حق ... فاحسن صورکم الیه مصیر

ما خلقنا...الا حق.. اجل مسمی+کفروا+معرضون

و خلق....حق..... ولتجزی کل نفس بما کسبت و لا یظلمون

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

جوابیه:

۱) بهترین

۲) لازمه

۳) هدف

۴) خدا

۵) بهترین

۶) نظم و ظرافت

۷) محدوده و چارچوب

۸) هدف

۹) سرکشی

حواست هست؟!!

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ: خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ: أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ (نیازمندی و فقر مخلوقات در بقا به خدا) (توحید در ربوبیت=ان یشاء یذهبکم)

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ (آیه معروف خردمندان...)

خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ

وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ (کفایت خداوند بر انسان و توکل بر او سبب آرامش و امید) (اصرار مشرکان به وحدانیت خدا)

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَى جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَالِمِينَ

آیه چهارم:

تیتر: آیه ی (له الملک و له الحمد و علی کل شی قدیر)

طبق آیه شریفه ((يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)) می توان بیان داشت که: همه مخلوقات خدا را .... و ستایش می کنند(توحید عبادی/عملی) و بنابراین این آیه همانندهر دو قسمت آیه شریفه "ایاک نعبد وایاک نستعین" دلالت بر توحید عملی دارد؛ از طرفی هرکجا در آیات کلید (حمد) دیده شد مانند همین آیه و یا آیه شریفه ی (الحمد لله رب العالمین) می توان گفت آن آیه اشاره به توحید عبادی دارد چرا که حمد مصداق عبادت است؛ .... و فرمانروایی مطلق از آن خداست(له الملک)(توحید ولایت) بنابراین می توان گفت: در این آیه شریفه همانند آیه شریفه ی ((ولله ما فی السماوات والارض والی الله ترجع الامور)) به توحید در مالکیت اشاره شده است و در آیه دوم توحید در مالکیت از کلمه (لله) به دست می آید که به معنای (برای خدا-مال خدا) است . و قسمت آخر آیه (الی الله ترجع الامور) فقط به خاطر کامل شدن آیه آمده است ومربوط به بازگشت امور به خدا است. از آیه ی شریفه ی (یسبح لله ....) می توان نتیجه گرفت هر کلید واژه ((ل + الله)) نمی تواند قطعاً برای توحید مالکیت باشد یا توحید مالکیت را بیان نماید و رمزی که اکثر اساتید محترم به دانش آموزان برای توحید در مالکیت می گویند رمزی است به شرط خاص؛ ولی در کل این آیه هم به توحید مالکیت اشاره دارد(له الملک) و هم به توحید در ولایت(له

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

الملک) و در تست ها اولویت با توحید در ولایت می باشد ؛ در ضمن از این آیه نتیجه می شود که قدرت مطلق و بلامنازع خداوند است و موجودات بی جان هم دارای ..... مخفی هستند که باعث می شود به ستایش خداوند بپردازند که این موضوع(ستایش خداوند) بدلیل له الملک و له الحمد و هو علی کل شی قدیر می باشد و این آیه با بیت: ((گفتم این شرط آدمیت نیست/ مرغ تسبیح گوی و من خاموش)) ارتباط مفهومی دارد.

حواست هست؟!!

قادرین: ایجاب الانسان الان نجمع عظامه بلی قادرین علی ان نسوی بنانه (امکان معاد)

قدیر: یُسَبِّحُ لِلّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْکُ وَلَهُ الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ (قدرت بلامنازع خدا)

قدیر: وَمِنْ آیَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِیهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَی جَمْعِهِمْ إِذَا یَشَاءُ قَدِیرٌ (معاد جسمانی)

جوابیه:

۱. تسبیح
۲. مالکیت
۳. شعور

آیه پنجم:

تیتر: آیه ی (طوعاً و کرهاً)

طبق آیه شریفه ی ((أَفَغَیْرَ دِینِ اللَّهِ یَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَکَرْهًا وَإِلَیْهِ یُرْجَعُونَ)) می توان بیان داشت که: ..... از راه غیرالهی امری مردود و منکر است و و ظیفه ی هر انسانی؛ بندگی خداوند و حرکت در مسیر .... الهی است و فرمانروایی مطلق(توحید در ولایت) خداوند و اطاعت .... و خواه و ناخواه همه موجودات از او و در برابر فرمان های او به این صورت تعبیر می شود که همه موجودات عالم تحت ..... واحد الهی عمل می کنند و به سوی ..... که مقصد نهایی جهان خلقت است روان می باشند.(نظام واحد جهانی) از سوی دیگر در این آیه و آیه شریفه ی ((خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَکُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَکُمْ وَإِلَیْهِ الْمَصِیرُ)) کلید های (مصیر) و (یرجعون) هر دو رساننده ی مفهوم (معاد) هستند که اولی به امکان تحقق معاد جسمانی و دومی به اثبات ضرورت معاد براساس حکمت الهی اشاره دارد.

جوابیه:

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

۱. دین طلبی
۲. دین
۳. تکوینی(همگانی)
۴. قانون مندی
۵. خداوند

جمع بندی آیات اندیشه و تحقیق درس:

آیه: و مِن آیاتِهِ خَلقُ السَّماواتِ و الأرضِ و اختِلافُ ألسِنَتِکُم و ألوانِکُم إنَّ فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِلعالِمین

پیام آیه: این آیه بیانگر حکیمانه بودن خلقت با استناد به آفرینش آسمانها و زمین (توحید خالقیت) و هم چنین اختلاف و گوناگونی زبان ها و رنگ پوست ها است. / اینها نشانه هایی برای للعالمین = دانشمندان و عالمان است.

آیه: و مِن آیاتِهِ منامُکُم باللَّیلِ و النَّهارِ و ابتِغاؤُکُم مِن فَضلِهِ إنَّ فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَومٍ یسمَعون

پیام آیه: این آیه بیانگر حکیمانه بودن خلقت با استناد به خواب و استراحت انسان در شب و نیم روز و هم چنین بهره گیری از بخشش خداوند است. / این دو نشانه‌ای برای افراد شنوا است.

آیه: و مِن آیاتِهِ یُرِیکُمُ البَرقَ خَوفًا و طَمَعًا و یُنَزِّلُ مِنَ السَّماءِ ماءً فَیُحیی بِهِ الأرضَ بَعدَ موتِها إنَّ فی ذلِکَ لَآیاتٍ لِقَومٍ یعقِلون

پیام آیه: این آیه بیانگر حکیمانه بودن خلقت با استناد به برق آسمان و ترس و رجای ناشی از آن (بارش باران) و هم چنین حیات مجدد طبیعت پس از مرگ با نزول باران است. (اشاره ای غیر مستقیم به امکان معاد جسمانی با تکیه بر رستاخیز طبیعت) / این دو مورد نشانه‌ای برای افراد عاقل و دوراندیش است.

آیه: و مِن آیاتِهِ أن تَقومَ السَّماءُ و الأرضُ بِأمرِهِ ثُمَّ إذا دَعاکُم دَعوَةً مِنَ الأرضِ إذا أنتُم تَخرُجون

پیام آیه: این آیه بیانگر حکیمانه بودن خلقت با استناد به برپایی آسمان ها و زمین به امر خدا و هم چنین خروج انسان ها از قبر در روز رستاخیز است. / این دو امر بیانگر غایتمندی و حکیمانه بودن خلقت و قدرت نامحدود الهی دارد. / (بِأمرِهِ) نشانه‌ی توحید در ربوبیت (ولایت هم درست است به شرطی که در گزینه ها ربوبیت نبینیم!)

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

عبارت (تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ) اشاره به اعجاز محتوایی قرآن (اعجاز علمی = نیروی گرانش) دارد. / خروج انسان ها از قبر بیانگر معاد جسمانی و هم چنین مرحله ی دوم قیامت یعنی زنده شدن مردگان است. / اشاره به اثبات معاد جسمانی در پرتو قدرت الهی

آیه: وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ

پیام آیه: این آیه بیانگر حکیمانه بودن خلقت با استناد به آفرینش آسمان ها و زمین (توحید خالقیت)، گستراندن بساط جنبندگان بر روی زمین و هم چنین جمع آوری موجودات در روز قیامت است. / این سه دلیل نشان از غایتمندی خلقت و قدرت نامحدود الهی دارد. / این آیه بر قضای الهی دلالت دارد.

نکات مهم تست زنی من:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

تکلیف جلسه آینده: مطالعه دقیق این جزوه + متن درس دو دوم + پیش خوانی متن درس سه سال دوم

نکته و تست

دین و زندگی

غفوری ۹۰

جلد سوم

سرمایه‌های انسان

+ سفری به کل دینی کنکور

نکته و تست دین و زندگی دوم

درس سوم (سرمایه های انسان)

بچه های گل بریم سراغ شروع یه نکته و تست عجیب غریب برای درس سه دوم
قبل مطالعه این جزوه باید متن کتاب رو مرور داده باشید و بعداً بیاید با من همراه بشید
هر قسمت کتابو که تا حالا سوال اومده یا احتمال داره بیاد تبدیل کردم به یه سوژه طرح تست
خوب روی گزینه ها فک کن و بعداً جواب رو ببین تا مغزت حابی فضر بزونه!

کدام مطلب به درستی بیان شده است؟ (تست از مقدمه درس مطرح شده است)

۱) طرح این سوال که: (آیا انسان ویژگی هایی دارد که نشان دهنده ی جایگاه ممتاز او در میان مخلوقات باشد؟) معلول مطالعه ویژگی های انسان جهت شناخت بهتر او و تفاوت های او با سایر موجودات است.

۲) شایسته است پس از بررسی مفاهیم شاخص و اصلی آیه شریفه ی((وَ سیقَ الَّذینَ اتَّقَوا رَبَّهُم اِ لَی‌الجَنَّةِ زُمَرًا ...)) به مطالعه ویژگی های انسان با تدبر در قرآن کریم، پرداخته شود. (پیش از مطالعه معاد)

۳) سرنوشت عمومی موجودات جهان تقرب الهی است و انسان علاوه بر آن دارای سرانجامی خاص است که در جهان اخروی به پاداش و مجازات اعمال خود برسد. (تقرب الهی مخصوص انسان هاست)

۴) این که بگوییم گروهی به تقرب الهی می رسند و بهشت نصیبشان می شود و گروهی دیگر سرانجامی تلخ دارند و به جهنم در می آیند به ترتیب از دقت در آیه شریفه ی ((فُتِحَت اَبوابُها)) و ((فُتِحَت اَبوابُها)) قابل اثبات است . (برعکس ذکر شده)

نکته: ترکیب گزینه ۴ با کل دین و زندگی ۳ سال:

سلام علیکم: برزخ
سلام علیکم طبتم:قیامت(پاک شدید)

نگهبانان بهشت به آنان سلام می کنند و خوشامد می گویند و به آنان وعده می دهند که همیشه در این جایگاه نیکو، در امنیت و سلامت به سر خواهند. (رستاخیز)

سوء العذاب:برزخ
اشدالعذاب:قیامت

غدواوعشیا در آیه دیدی بدون درنگ و فکر باید بگی برزخ و تا به زمانی برزخ با دنیا!
بدترین عذاب دادن میگی جهنم برزخی / شدیدترین عذاب دادن میگی جهنم رستاخیزی

انسانی که به جهنم برزخی می رود می گوید: خدایا منو برگردون!

پاسخ قطعی خدا: کَلّا انَّها کَلِمَةٌ هُوَ قائِلُها

انسانی که به جهنم قیامتی می رود می گوید: خدایا منو بیرون ببر!

پاسخ قطعی خدا: عمر کافی دادیم بهتون بازم برگردید آدم نمیشید! کار صالح انجام نمیدید.

جهنم برزخی: ظالمین
جهنم رستاخیزی:کافرین

امروزه نیز وقتی به حوادث جهان می نگریم، مشاهده می کنیم که مستکبران و ستمگران برای رسیدن به منافع و فزایند دنیایی خود حقوق ملت ها را زیر پا می گذارند . (مبارزه با دشمنان خدا از آشکار محبت به خدا) پس یه ظالم داریم که میره جهنم برزخی ایه کافر داریم که میره جهنم رستاخیزی و یه دونه مستکبر و ستمگر داریم که باید باهاشون مبارزه کنیم!

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

بهشت برزخی:طیبین

بهشت رستاخیزی:متقین

بهشت رستاخیزی هشت در دارد که بهشتیان از آن درها وارد می شوند یک در مخصوص پیامبران و صدّیقان (+راهنمایان دینی که مردم را راهنمایی می کنند) و یک در مخصوص شهیدان و درهای دیگر برای گروه های دیگر است.

مگر زمین خدا وسیع نبود؟ برزخ

مگر پیامبری نیامد برای شما؟ قیامت

فرشتگان (رستاخیز) می گویند: مگر پیامبران برای شما دلایل روشنی نیاوردند؟ آنان می گویند: بلی! فرشتگان نیز تقاضای آن ها را نمی پذیرند و درخواستشان را بی جا می دانند. (حواست باشه نگه تو گزینه ها خداوند گفت: مگر پیامبران...)

ساءت مصیرا: جهنم برزخی

بما کنتم تعملون: بهشت برزخی

وقتی به جهنم رستاخیزی افکنده می شوند به آن ها می گویند: شما و آنچه را می پرستیدید، هیزم دوزخ خواهید بود. (پس در این جا هیزم دوزخ رو با تا دیدی سریع نگو دوزخ)

توفا: جهنم برزخی

تتوفا:بهشت برزخی

توفی= دریافت تمام و کامل و کاملاً مربوط به بعد روحانی و غیرمادی انسان (در هنگام مرگ فقط روح انسان گرفته می شود؛ اما به تعبیر قرآن همه ی وجود انسان گرفته می شود و این خود به معنای حقیقت بودن روح است.)

اِنَ الذین: جهنم برزخی

الذین: بهشت برزخی

آیه ای که ((اِنَ الذین)) + ((توفی)) دارد آخرش به ((ساءت مصیرا)) ختم می شود و درباره ی ستم بر خود توسط گناهکاران و توجیه آنان در مورد اظهار ناتوانی بر ترک گناه و فرار از مسئولیت.
آیه ای که ((الذین)) + ((تتوفی)) دارد آخرش به ((ادخلوا الجنه بما کنتم تعملون)) ختم می شود و سخن فرشتگان به پاکان در برزخ که بدلیل اعمال نیک مستمر دنیایی پاکان وصول بهشت برزخی

حاق بآل فرعون: جهنم برزخی کل آل فرعون

ادخلوءال فرعون: جهنم رستاخیزی کل آل فرعون

وقتی خداوند حضرت موسی را مأمور مبارزه با فرعون کرد، آن حضرت از خداوند خواست که برادرش هارون را مشاور، پشتیبان و شریک در امر هدایت مردم قرار دهد. خداوند نیز درخواست حضرت موسی را پذیرفت. (حدیث منزلت-سال سوم درس پنجم)

فُتِحَت اَبوابُها : جهنم رستاخیزی

وَ فُتِحَت اَبوابُها : بهشت برزخی

مثل آدم های باتقوا مثل سوارکارانی است که بر اسب های راهوار و رام سوار شده اند و لجام اسب را در اختیار دارند و راه می پیمایند تا این که وارد بهشت می شوند. (امام علی (ع) درس شانزدهم دینی ۱)
خداوند در قرآن کریم از شیطان به عنوان موجود گمراه کننده ای که سوگند خورده آدم را فریب دهد و از رسیدن بهشت باز دارد.

وَ سیقَ الَّذینَ اتَّقَوا رَبَّهُم : بهشت رستاخیزی

وَسیقَ الَّذینَ کَفَروا : جهنم رستاخیزی

پیامد دوم دیدگاه اهیون (پیامبران الهی) در مورد معاد:
آنان از خداوند عمر طولانی می خواهند تا بتوانند در این جهان با تلاش در راه خدا و خدمت به انسان ها، با اندوخته ای کامل تر خدا را ملاقات کنند و به درجات برتر بهشت نائل شوند.

قالوا فیم کنتم: جهنم برزخی

وَ قالَ لَهُم خَزَنَتُها /قیلادخُلوا : جهنم رستاخیزی

پیامبر: اگر یکی از پیروان ما که به علوم و دانش ما آشناست، وجود داشته باشد، باید دیگرانی را که به احکام ما آشنا نیستند، راهنمایی کند و دستورات دین را به آن ها آموزش دهد. در این صورت، او در بهشت با ما خواهد بود.

یقولون سلام: بهشت برزخی

وَ قالَ لَهُم خَزَنَتُها سلام: بهشت رستاخیزی

یعنی خداوند مخلوقات دیگر را آفرید تا بشر از آن ها بهره بگیرد و انسان را آفرید تا به جایگاه قرب الهی نایل شود و به دیدار او برسد و در بهشتی که خدا برایش آماده کرده، میهمان ابدی او گردد و آنچه از زیبایی و خوبی و لذّت که می شناسد و تمنّا می کند یا نمی شناسد و خدا می داند، از دست با کرامت الهی بگیرد. (سیزده سوم)

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

قال یا قیل: قیامت

قالوا یا یقولون: برزخ

زنان و مردان به عنوان افراد نوع انسان، ویژگی های فطری یکسان و هدف مشترکی دارند که با استفاده از سرمایه های ذاتی خود می توانند به آن هدف برسند و در بهشت جاوید خاوند منزل گزینند. (چهارده سال سوم)

قالوا بَلی : جهنم رستاخیزی

اگر جوان، این دوره را با پاکی و پاکدامنی بگذراند و در حالی به زندگی مشترک با همسرش وارد شود که آلوده به گناه و فحشا نشده باشد، راه رسیدن به بهشت را برای خود و فرزندان خود بسیار هموار کرده است. (چهارده سال سوم)

قالوا کنا مستضعفین فی الارض: جهنم برزخی

جمله کوتاه روان و شیوای پیامبر: اَلجَنَّةُ تَحتَ اَقدامِ الاُمَّهاتِ ؛ بهشت زیر پای مادران است.

چند مورد از مطالب زیر صحیح می باشد؟

۱. ارزش هر کس به درک و فهم وی از حقیقت هستی و جایگاه خود در نظام آفرینش بستگی دارد. ص

جمع بندی کامل (ارزش) های دینی کنکور: (یک تست قطعی ۹۹)

*عفاف یک حالت روحی و فضیلت اخلاقی است که سبب می شود انسان اندام ظاهری خود را وسیله ی خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار ندهد و اجازه ندهد ناپاکان از او سوء استفاده کنند. انسان عفیف حیا دارد از این که دیگران به خاطر بدنش به او توجه کنند و به تحسین و تمجید وی بپردازند. او در وجود خود ارزش های والاتری می یابد که می تواند تحسین و احترام دیگران را برانگیزد. انسان عفیف، کراستگی او به گونه ای است که جسم او وسیله ی جلب توجه دیگران قرار نمی گیرد. او خود را بزرگ تر از آن می یابد که دیگران او را به عنوان ابزاری برای لذت جویی نگاه کنند (۱۲ دوم)

*گرچه عفاف خصلت همه انسان با فضیلتی، اعم از مرد و زن است امّا وجود آن در زنان و دختران ارزش بیش تر و برتری دارد (۱۲ دوم)

*نوجوانی که می کوشد با نشان دادن استعداد خود در یک رشته ی ورزشی یا خلق یک اثر هنری یا کار مؤثّر در یک کارگاه صنعتی، تحسین دیگران را برانگیزد و اعتماد آنان را جلب کند، با آن فردی که با لباس نامناسب یا آرایش غیر معمولی یا به کاربردن کلمه ی نامناسب یا نابجا یا گذاشتن سیگاری بر لب اظهار وجود می کند، بسیار متفاوت است. این شخص به طور ناخودآگاه ضعف روحی خود را به دیگران نشان داده و آن دیگری ارزش های وجودی خود را به زیبایی هر چه تمام تر آشکار کرده است (۱۲ دوم)

*پوشش مناسب، از نشانه های عفاف و عزت نفس است به گونه ای که از نوع پوشش هر کس می توان میزان توجّه وی به این دو ارزش انسانی را دریافت (۱۳ دوم)

*چگونگی و نوع پوشش، تا حدود زیادی به آداب و رسوم ملت ها و اقوام بستگی دارد. اسلام، ضمن پذیرش این تنوع و گوناگونی، مردان را موظف کرده لباسی بپوشند که وقار و احترام آنان حفظ شود و با ارزش های اخلاقی جامعه هماهنگ باشد.

*رعایت نحوه و شکل پوشش و پیروی از دستورات خداوند هرچه کامل تر و دقیق تر انجام شود، نزد خدا باارزش تر و آثار و ثمرات فردی و اجتماعی آن افزون تر است و فرد را به رشد و کمال معنوی بالاتری می رساند (۱۳ دوم)

نظارت همگانی (امر به معروف و نهی از منکر) آن چنان مهم و ارزشمند است که امام حسین هدف از قیام و شهادت خود و یارانش را احیای آن دانست (۱۴ دوم)

خیلی خیلی دقت کنید: در آیه (قُل هَل نُنَبِّئُکُم...) در انتهای آیه ذکر شده: (فَلا نُقیمُ لَهُم یَومَ القِیامَةِ وَزنا) که معنای وزن همان ارزش است! یعنی برای اعمال زیان کارترین مردم، خداوند هیچ ارزش و میزانی قرار نداده. (۵ دوم)

یَوْمَ الْقِیامَةِ وَزْنًا — ارزش قرار نمی‌دهیم.

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

جمع بندی آیه ی ((قُل هَل نُنَبِّئُکُم...)) :

تیپ سوال: زیان کارترین مردم چه کسانی هستند؟ و اینان درباره ی خود چه فکر می کنند؟ جواب:

قُل هَل نُنَبِّئُکُم

بِالاَخسَرینَ اَعمالا

ضـــــــــیـــــــــان کـــــــار ترین؟

ضـــ=ضـــل سعیهم یـــ=یـــحسنون صنعا کـــ=کـــفروا بایات و

الَّذینَ ضَلَّ سَعیُهُم

فِی الحَیاةِ الدُّنیا

حقیقت عمل از بین نمی رود فقط گم می شود!

وَ هُم یَحسَبون

اَنَّهُم یُحسِنونَ صُنعًا

در مورد خودشان فکر می کنند که بهترین اند؛ شیطان با سواستفاده از فطرت خیرخواهانه انسان ها این پندار را شکل می دهد که عمل ناپسند خود را زیبا ببینند.

أُولئِکَ الَّذینَ کَفَروا

بِایاتِ رَبِّهِم وَ لِقائِه

فَحَبِطَت اَعمالُهُم

فَلا نُقیمُ لَهُم یَومَ القِیامَةِ وَزنا

زیان کارترین انسان ها:

۱)تلاش ایشان در دنیا منجر به نتیجه نمی شود. ضَلَّ سَعیُهُم

۲)گمان می کنند بهترین عملکرد را دارند که اشتباه است. اَنَّهُم یُحسِنونَ صُنعًا

)به نشانه های خداوند و دیدار او کفر ورزیدند. کَفَروا بِایاتِ رَبِّهِم وَ لِقائِه

ویژگی های غافلین از مرگ و جهان پس از مرگ و سرنوشت آنها دو تا داشتیم:

یک دسته اونایی که کلاً فقط عاشق دنیا و مال اندوزی و غفلت از آیات خدا بودن و قاعده ی یراغ

(لا یرجونـــ+رضوا+اطمئنوا+غافلونـــ) رو دقیق اجرا می کردن و در انتها وارد نار(آتیش) داغ داغ میشدن چون یراغ هم غـــــ داشت!!!

و اما یک دسته دیگه هم داشتیم که تو آیه بالا اومده: اونایی که سعی می کنن و تو آیه مربوط بهشون هم ما کلید سعی رو داریم ولی چون به نشانه های پروردگارشون و دیدارش کفر ورزیدن بنابراین سعی و کوشش شون تباه و ضل شد!(ضَلَّ سَعیُهُم)

سرنوشت زیان کارترین افراد:

۱)اعمالشان تباه و نابود می شود. فَحَبِطَت اَعمالُهُم

۲)در رستاخیز اعمالشان مورد سنجش قرار نگرفته و کاملاًرد می شود و وزنی برای اعمالشان وزنی قرار نمی گیرد چون تباه شده اند. فَلا نُقیمُ لَهُم یَومَ القِیامَةِ وَزنا

ادامه جمع بندی (ارزش) ها:

امام صادق(ع) فرمود: هنگامی که مرده ای را در قبر می گذارند، شخصی بر او ظاهر می شود و به او می گوید: ای فلان، ما در دنیا سه چیز بودیم: رزق تو که با پایان یافتن مهلت تو قطع شد و اینک همراه تو نیست خانواده ات که تو را رها کردند و برگشتند و من که عمل تو هستم که با تو می مانم. آگاه باش (فعالیت آگاهانه انسان در برزخ) که من در میان این سه، در نزد تو از همه بی ارزش تر و سبک تر بودم. (۷ دوم)

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

معیار و وسیله ی سنجش اعمال، حقّ است؛ یعنی، به میزانی که اعمال مشتمل بر حق و عدل باشد، ارزشمند و سنگین است، در غیر این صورت، سبک خواهد بود و وزنی نخواهد داشت و چون اعمال پیامبران و امامان عین حق و حقیقت است، معیار و میزان سنجش اعمال سایرین قرارم بگیرد. هر چه عمل انسان به راه و روش آنان نزدیک تر باشد، ارزش افزون تری خواهد داشت. (۸ دوم)

امام خمینی در پیام ارزشمندی، بعد از تبیین دقیق مرزهای دوستی و بیزاری می گوید: مگر تحقق دیانت، جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحّدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین (مبارزه با دشمنان خداوند=ابراز بیزاری از آنان) میسّر شود. (۱۱ دوم)

ویژگی ها و ارزش هایی که خداوند در وجود انسان قرار داده است، سبب تمایز بنیادین او از سایر موجودات می شود. این ویژگی ها متناسب با هدف خلقت انسان، یعنی تقرّب به خداوند که تقرّب به همه خوبی ها و زیبایی هاست، می باشد (۱ سوم)

شگفتی اعجاز قرآن در آن است که هر قدر زمان می گذرد و انسان به قلّه های بلندتری در علم و معرفت دست می یابد، نه تنها از ارزش آن کاسته نمی شود بلکه درخشندگی اش آشکارتر می گردد و ابعاد جدیدی از معارف آن کشف می شود (۳ سوم)

تحولات فرهنگی امری تدریجی است و تغییر فرهنگ جاهلی به فرهنگ و ارزش های اسلامی ناگهانی صورت نمی گیرد و برنامه ای مستمر و مداوم نیاز دارد (۶ سوم)

عموم مردم در افکار و اعتقادات و رفتار و عمل، دنباله رو شخصیت های برجسته جامعه خودهستند و آن ها را اسوه قرار می دهند. اگر این الگوها صاحب کمالات و ارزش های الهی باشند، مردم نیز به نسبت همّت و استعداد خود از این کمالات و ارزش ها بهره مند می شوند و اگر آن ها به سوی زشتی ها و بدی ها بروند، بیشتر مردم نیز از آن ها دنباله روی خواهند کرد (۷ سوم)

حدیث امام علی: (۱۲ سوم)

بزرگترین حقی که خدا واجب کرده چیه؟ حق رهبر بر مردم و مردم بر رهبر

چرا این حق ایقدر مهمه؟ ۱) حاکم باید اصلاح بشه تا مردم اصلاح بشن ۲) مردم باید پایداری کنن تا حاکمان نیکو بشن

این حق سبب چی شده؟ ۱) دوستی و الفت ۲) ارجمندی دینشان

حالا چه زمانی حق در میان جامعه ارزشمند میشه؟ زمانی که مردم وظیفه شان نسبت به حاکم را انجام و حاکم حقشونو ادا کنه.

دمکراسی رایج در جهان، هدف خود را صرفاً تأمین خواسته های دنیوی مردم قرار داده است و نسبت به ارزش های الهی بی اعتناست (۱۲ سوم)

خداوند مخلوقات دیگر را آفرید تا بشر از آن ها بهره بگیرد و انسان را آفرید تا به جایگاه قرب الهی نایل شود و به دیدار او برسد و در بهشتی که خدا برایش آماده کرده، میهمان ابدی او گردد و آنچه از زیبایی و خوبی و لذّت که می شناسد و تمنّا می کند یا نمی شناسد و خدا می داند، از دست با کرامت الهی بگیرد آیا می توان بهایی از این با ارزش تر و گرانقدرتر برای انسان یافت؟ پس با ارزش ترین بها نزد انسان از جانب خدا= بهشت و تقرب الهی (۱۳ سوم)

خانواده ارزشمندترین بناء و بنیان نزد خداست که با پیوند زن و مرد به وجود می آید و با آمدن فرزندان، کامل می شود (۱۴ سوم)

دوره بلوغ تا ازدواج حساس ترین و ارزشمندترین دوره عمر انسان است (۱۴ سوم)

داشتن قدرت انتخاب، ارزشمند و در عین حال، مسئولیت زاست (۱۵ سوم)

در پیمان زناشویی، مرد به نشانه ارزشی که برای زن قائل است و اعلام صداقت خود در محبّت به همسر، متعهد می شود که هدیه ای را به عنوان (مهر) به زن تقدیم کند. قرآن کریم از دو کلمه ی (نحله) و (صداق) برای مهر استفاده کرده است نحله به معنای هدیه و پیشکش و صِداق به معنای نشانه صداقت و راستی است. (۱۶ سوم)

۲. آنگاه که طبق فرمایش حضرت علی (ع) بگوییم: ((روزها فکر من این است و همه شب سخنم که چرا غافل از احوال دل خویشتنم/ از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود به کجا می روم آخر، ننمایی وطنم)) آنگاه می توان نتیجه

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

گرفت که شرط بهره مندی از رحمت الهی این است که انسان با استفاده از قوه ی عقل به درک درست جایگاه خود در این جهان برسد. غ حضرت امام علی(ع) : خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده در کجا قرار و به کجا می رود.

۳. خدا به ما کرامت بخشیده و بر بسیاری از مخلوقات برتری داده و آنچه که در آسمان و زمین است برای ما افریده و توانایی بهره مندی از آنها را در وجود ما قرار داده است.ص

۴. از مفهوم آیه شریفه ی ((وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ...)) می توان به یکسانی حقوق زن و مرد اشاره داشت و منزلت انسان اختیاری حفظ می شود یا از دست می رود. غ یکسانی منزلت زن و مرد نه حقوق شان.

۵. از مفهوم آیه شریفه ی ((وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ...)) می توان دریافت علت بخشش کرامت به انسان بدلیل وجود بعد روحانی بوده که با آیه شریفه ی ((ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ)) و آیه شریفه ی ((فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ)) و حدیث امام علی(ع) : (خدا رحمت کند کسی را که...) و شعر مولوی: (روز ها فکر...) ارتباط مفهومی دارد. ص

جمع بندی (کرامت) در دین و زندگی: (کرامت اخلاقی/کرامت نفس/کرامت و برتری انسان بر سایر مخلوقات)

*محور های اصلی دین: کسب مکارم اخلاقی مانند تقوا، عفاف، صداقت و کرامت نفس.

*لازمه استقرار و ماندگاری یک پیام، تبلیغ دائمی و مستمر آن است.پیامبران الهی با ایمان راسخ و مجاهدتی بی مانند، در طول زمان های مختلف*قدم در راه تبلیغ دین الهی می گذاشتند و سختی ها و ناملایمات را تحمل می کردند تا خداپرستی، عدالت طلبی و کرامت های اخلاقی میان انسان ها بماند و گسترش یابد و شرک، ستمگری و رذائل اخلاقی از بین برود

*لازم است بدانیم که در آن زمان در میان قبایل، بزرگی و شرافت تنها مخصوص بزرگان و رؤسا بود و فضایلی چون علم، عدالت خواهی، جوان مردی، صداقت، پاکی و کرامت نفس وقتی ارزش داشت که رئیس قوم یک فرزندان و بستگان وی دارای آن صفات باشند

*مقام و منزلت حضرت علی نزد خدا و تمجیدهای فراوان رسول اکرم از ایشان، بدون سبب و یا به خاطر خویشاوندی با پیامبر نیست، بلکه به خاطر ایمان بی نظیر و عمل بی مانند ایشان است. صداقت، ایثار، جهاد، یک رنگی، وفا، عبادت، علم و سایر کرامت های اخلاقی ایشان را به چنین مقامی رسانده است

*انسان هایی آزاده، شجاع، باایمان و عدالت طلب چون امام علی ، مقداد، عمار، ابوذر و سلمان تربیت شدند، که یاد آنان یادآور فضائل و کرامت های انسانی است

*پیامبر خدا حکومتش را بر پایه برابری و مساوات بنا کرد و اعلام کرد همه انسان ها از یک مرد و زن آفریده شده اند و ملاک کرامت و گرامی بودن، تقواست

*تربیت شخصیت های اسلامی: از جمله وظایف انسان های بزرگوار و با کرامت آن است که اگر افرادی را مستعد و مشتاق فضیلت یافتند، به تربیت آنان همت گمارند و برای رسیدن به رشد و کمال یاریشان دهند و از زیبایی ها و فضایل وجود خود، به آنان ببخشند

*دعا برای ظهور امام مهدی (عج) : خدای! از تو آن دولت با کرامتی را طلب می کنیم که با آن، اسلام و اهلش را عزیز می گردانی و نفاق و اهلش را خوار می سازی. ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به طاعت خود و رهبران به سوی راحت قرار ده و کرامت دنیا و آخرت را از برکت آن بر ما ارزانی دار.

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

*تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت به معنای ارائه یک الگو از حاکمیت دینداران است که با الهام از تعالیم انبیاء، برای خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت انسان ها تلاش می کنند. در این حکومت، زمینه عبودیت، معنویت خواهی، برابری و عدالت، به همراه توسعه و سرزندگی کشور و رفاه و آسایش عمومی به طور نسبی فراهم می آید. دینداران و حق طلبان جهان امیدوار به تجدید حیات فضائل اخلاقی و کرامت های انسانی می شوند و جهانیان آماده ظهور موعود جهانی خواهند شد.

*خداوند به انسان کرامت و بزرگی بخشیده و بر بسیاری از مخلوقات برتری داده و خطاب به وی فرمود: ای فرزند آدم، این موجودات و مخلوقات را برای تو آفریدم و تو را برای خودم.

*آن کس که تصمیم می گیرد و مرتکب گناه می شود و کرامت خدادادی خود را لکه دار می کند، خود انسان است.

*تحقیقات نشان می دهد اکثر گناهکاران و مجرمان افرادی هستند که عزت نفس خود را از دست داده و تحقیر شده اند. بنابراین یکی از راه های مبارزه با کژی ها و زشتی ها در جامعه ۱ افزایش عزت نفس انسان ها و ۲ حفظ کرامت آن هاست.

*کرامتی که خداوند به انسان بخشیده و بر سایر مخلوقات برتری داده، اختصاص به زن یا مرد، به تنهایی، ندارد هرکدام از زن و مرد به میزان تقوا، عفاف و دوری از گناه، نزد خداوند گرامی تر است.

*همه ی ما فضائلی چون صداقت، کرامت، عزت نفس و عدالت را دوست داریم و از دورویی، حقارت نفس، ریا و ظلم بیزاریم. (شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و بیزاری از آن)

*عشق به حق:

الهی سینه ای ده آتش افروز — در آن سینه دلی و آن دل همه سوز

کرامت کن درونی درد پرورد — دل دردی، درون درد و برون درد

هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست — دل افسرده غیر از آب و گل نیست

*نمی شود کسی دوستدار فضیلت ها و کرامت ها باشد و در جهان زشتی و نامردمی و ستم ببیند و در عین حال بتواند قرار و آرام بگیرد. (مبارزه با دشمنان خدا)

*یکی از اقسام پستی ها و حقارت ها آن است که افراد هوس ران و گناهکار به انسان به چشم ابزار هوس رانی های خود نگاه کنند و به شخصیت انسانی و با کرامت او توجه ننمایند (امیدوارم تا اینجا لذت برده باشید دینی به این سبک خیلی میچسبه!! ما رو داخل کانالمون هم دنبال کن: کنکوریکس)

۶. پروردگار، به ما قوّه و نیرویی عنایت کرده تا با آن بیندیشیم و راه درست زندگی را از راه های غلط تشخیص دهیم. حقایق را دریابیم و از جهل و نادانی دور شویم که این عامل تنها چراغ درونی است و به وسیله چشم و گوش انسان انجام شده و طبق آیه شریفه ی ((فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِینَ یَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَیَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُوْلَئِکَ الَّذِینَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُوْلَئِکَ هُمْ اولوالباب)) شرط و لازمه هدایت انسان به کار بستن قوه ی عقل و در زمره خردمندان قرار گرفتن است و با حدیث امام صادق(ع) : (خدا انبیا را نفرستاد جز اینکه مردم در پیام الهی تعقل کنند) ارتباط مفهومی دارد. غ همه قسمت ها صحیح ولی(امام کاظم) نه صادق!

جمع بندی (عقل و تعقل) در دین و زندگی:

عاملی درونی، انسان ها را برای رسیدن به لذت های زود گذر دنیایی، به گناه دعوت می کند و از پیروی از عقل و وجدان باز می دارد. (نفس اماره)

قانون عقل و خبر پیامبران: دفع خطر احتمالی لازم است.

نمی شود که انسان های با ایمان و درستکار با پیروی از دین و تربیت از فطرت و عقل به درجاتی از رشد و کمال برسند و با رسیدن مرگ دفتر زندگی آنان بسته شود و همه ی کمالات کسب شده را از دست بدهند. چنین کاری از خداوند حکیم محال است و هرگز سر نخواهد زد (ضرورت معاد براساس حکمت الهی)

توکل، جانشین تنبلی و ندانم کاری افراد نیست بلکه کمک کننده و امید دهنده به کسی است که اهل همّت، تعقل و پشتکار است. (رمز=اهل تپه باید توکل کنن!)

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

قرآن کریم از انسان ها می خواهد که درباره ی هدفمندی جهان بیندیشند و با عقل و استدلال و منطق آن را بپذیرند. از این رو مردم را دعوت می کند به پدیده های پیرامون خود نظر کنند.

در عصر نزول قرآن رشد عقلی بشریت به میزانی رسیده بود که بتواند کامل ترین برنامه را دریافت کند و به کمک این برنامه، پاسخ نیازهای فردی و اجتماعی خود را به دست آورد. (آمادگی جامعه بشریت از علل ختم نبوت)

رسول خدا در هر فرصتی، فضایل متعالی و جایگاه حضرت علی و اهل بیت را برای مردمی که قرن ها با نظام قبیله‌ای خو گرفته بودند و ثروت زیاد و نظایر آن را نشانه شرافت می دانستند بیان می کرد تا دل های آنان را برای پذیرفتن امامت و رهبری کسانی آماده کند که میان عرب و غیرعرب تفاوتی قائل نمی شدند و مردم را به تعقل، عدالت و بندگی خداوند فرا می خواندند و ساده می زیستند.

دو آیه (سیروا فی الارض) دار داریم که یکی به (افلا تعقلون) ختم میشن باید جمع بندی کنیم:

((أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ))

سیر و سیاحت در زمین و آگاهی از تاریخ و درس عبرت گرفتن، برای هدایت و تربیت بسیار کارگشاست.

کفار از مخالفت با پیامبران چیزی بدست نمی‌آورند، در دنیا گرفتار قهر و عذابند. ولی اهل تقوا به آخرت که بهتر از دنیاست می‌رسند.

به کار انداختن عقل و فکر بشر از اهداف رسالت انبیا و قرآن است.

((قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنْشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ))

نتایج سیر و گردش در زمین:

۱)درک چگونگی پیدایش دنیا

۲)مشاهده ی چگونگی آفرینش جهان پس از مرگ

۳)مشاهده قدرت خداوند

آفرینش نخستین انسان از دلایل امکان معاد

وجود جهان پس از مرگ لازمه هدفمندی جهان خلقت می باشد.

برخی امور از نظر عقلی امکان پذیر نیستند و محال است در جهان خارج پیدا شوند؛ برای مثال، ممکن نیست که یک عدد هم زوج و هم فرد باشد.

همچنین، ممکن نیست یک جسم در یک زمان، هم در مکان الف باشد و هم در مکان ب. امّا برخی امور هستند که پیدایش آن ها از نظر عقلی امکان پذیر است اما شرایط و عوامل خارجی بسیار زیادی باید دست به دست هم دهند تا آن امور تحقق یابند (عمر طولانی حضرت مهدی عقلانی است ولی غیرعادی است)

اگر با مقام و قدرتی که داری دچار تکبّر یا خود بزرگ بینی شدی به بزرگی حکومت خداوند که برتر از توست، بنگر. این کار تو را از آن سرکشی نجات می دهد، تندروی تو را فرو می نشاند و عقلت را به جایگاه اصلی باز می گرداند (عهدنامه مالک اشتر)

عقل و وجدان، انسان را به تمایلات عالی فرامی خواند، چون به دنبال خوشبختی همیشگی اوست. امّا هوی و هوس(نفس امّاره) از انسان می خواهد که فقط به غرایز و تمایلات دانی مشغول باشد و توجهی به تمایلات عالی نداشته باشد

انسان عزیز همواره به ندای عقل و وجدان و نفس لوّامه گوش فرامی دهد و تسلیم نفس امّاره نمی‌شود.

همواره دیده ایم که علاقه و محبّت اولیه، چشم و گوش را می بندد و عقل را به حاشیه می راند، به گونه‌ای که فریاد های خیرخواهانه او را نمی شنوند

آمادگی برای ازدواج نیازمند دو بلوغ است: یکی بلوغ جنسی و دیگری بلوغ عقلی و فکری که مدتی پس از بلوغ جنسی فرا می رسد. با رسیدن بلوغ عقلی، جوان در می یابد که باید زندگی را بسیار جدّی گرفت و برای آینده برنامه ریزی کرد. توجه به داشتن شغل و پیدا کردن کار، فکر کردن درباره ویژگی های همسر، تنظیم خرج و هزینه خود و دوری از بی برنامه بودن از نشانه های بلوغ عقلی است. نباید فاصله میان بلوغ جنسی و عقلی با زمان ازدواج زیاد شود و تشکیل خانواده به تأخیر افتد.

انسان با کمک عقل خود می تواند به درک این حقیقت برسد که بنابر حکمت و عدل خداوند، مرگ نابود کننده او و پایان همیشگی زندگی اش نیست و آینده ای روشن در جهانی دیگر در انتظار اوست، امّا نمی داند که نحوه زندگی او پس از مرگ چگونه است.

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

برای تشخص هدف و راه رسیدن به آن، خداوند دو چراغ به وی داده است: عقل در درون وجود او و فرستادگان الهی در بیرون. انسان به کمک عقل خود بسیاری از مجهولات و مسائل را درمی یابد و پاسخ می دهد. مثلاً می داند که جهان مبدأ و آفریدگاری دارد و آینده ای روشن در انتظار اوست همچنین انسان به کمک عقل خود متوجه می شود که نمی تواند پاسخ برخی از مسائل بنیادین را به طور درست و کامل بدهد و برای این گونه مسائل نیازمند هدایت الهی است. از این رو خداوند پیامبرانی را می فرستد تا پاسخ این گونه مسائل را به انسان ها برسانند و هدایتشان کند. بدین ترتیب، اگر انسان عاقلانه بیندیشد، راه درست یابی به همه نیازها برای وی مشخص شده و دلیلی برای توجیه ناکامی ها ندارد

امام کاظم: ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد، جز برای آن که این بندگان در پیام الهی تعقل کنند. کسی این پیام را بهتر می پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند و آنان که در تعقل و تفکر برترند، نسبت به فرمان های الهی داناترند و آن کس که عقلش کامل تر است، رتبه اش در دنیا و آخرت بالاتر است + حجت نهان همان عقل است.

عقل وسیله فهم پیام الهی است. و آنکه تعقل کند هدف و آینده و راه درست زندگی را می یابد.

خداوند، متناسب با دو ویژگی (عقل) و (اختیار) در انسان ها، آن ها را با فرستادن دین راهنمایی و هدایت کرده است و پیامبران الهی مسئولیت ابلاغ و رساندن آن را به مردم برعهده داشتند

۷. **با توجه به آیه شریفه ی ((إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا)) می توان دریافت که خداوند، راه رستگاری و راه شقاوت را به ما نشان داد سپس ما را صاحب اراده و اختیار آفرید و مسئول سرنوشت خویش قرار داد. تا خود راه رستگاری را برگزینیم و از شقاوت دوری کنیم.** غ خیلی جمله قوی و توپه! دقت کن (سپس) کجا قرار گرفته! اصل متن کتاب: خداوند، ما را صاحب اراده و اختیار آفرید و مسئول سرنوشت خویش قرار داد. سپس راه رستگاری و راه شقاوت را به ما نشان داد تا خود راه رستگاری را برگزینیم و از شقاوت دوری کنیم.

جمع بندی آیات اختیار: (لعل-اِ ما-لنفسه)

لعل دیدی بگو اختیار:

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلْكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْ كُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ

وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

إما (Emma) دیدی ۱۰۰ درصد بگو اختیار:

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

لنفسه دیدی بگو اختیار: (البته استثنا هم زیاد داره مثلاً در حدیث امام صادق داریم: صائنًا لنَفسِهبه معنای نگه دارنده نفس خود که در این جا به خصوصیات ویژه فقها اشاره میشه و مفهوم اختیار مورد نظر نیست)

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ

۸. با توجه به آیه شریفه ی ((فَأَقِمْ وَ جْهَكَلِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا)) می توان بیان داشت که چونهمه مردم به سرشت الهی خلق شده اند باید به زندگی رویکرد دینی بدهند و خود شناسی مقدم بر خدا شناسی است و این آیه مارا از سرگردانی در اینکه (از کجا آمده ام ...) نجات می بخشد و با آیه شریفه ی ((وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ...)) ارتباط مفهومی دارد چرا که قسمت دوم این آیه آمده است: ((وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ)) و ما باید قسمت دوم را حتماً حفظ باشیم چرا که طراح ممکن است قسمت دوم را در تست ندهد؛ خدا سرشت ما را با خود آشنا کرد و گرایش خود را در ما قرار داد. هر کس در خود می نگرد یا به تماشای جهان می نشیند خدا را می یابد و محبتش را در دل حس می کند. همچنین با حدیث امام علی (ع): (در هیچ چیز ننگریستم مگر اینکه خدا را قبل از آن ، بعد از آن و با آن دیدم) ارتباط مفهومی دارد و با بیت: (دوست نزدیک تر از من به من است / وین عجب تر که من از وی دورم ... مهجورم) ارتباط مفهومی دارد و می توان بیان داشت که: مشهود بودن خدا در همه یک رمز قابل اعتماد برای سرمایه رشد (فطرت خدا آشنا) می باشد. همچنین نباید این سرمایه رشد را با سرمایه رشد با عنوان: (گرایش به خیر و نیکی) اشتباه گرفت که رمز دومی گرایش به چیز های مثبت و بیزاری از چیز های منفی است ولی اولی: گرایش به خداست. ص

۹. با توجه به آیه شریفه ی ((وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا)) می توان بیان داشت: خدانا خت خیر و نیکی و گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و بیزاری از آن را در ما قرار داد، تا به خیر و نیکی رو آوریم و از گناه و زشتی بپرهیزیم از این روست که همه ی ما فضائلی چون صداقت، کرامت، عزت نفس و عدالت دوست داریم و از دو رویی، حقارت نفس، ریا و ظلم بیزاریم و اگر به یکی از گناهان آلوده شدیم، خود را سرزنش و ملامت می کنیم و در اندیشه ی جبران بر می آییم و می توان گفت: مفهوم این آیه معلول وجود فطرت خدا آشناست و با آیه ((وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ)) ارتباط مفهومی دارد که خداوند در این آیه به نفس لوامه سوگند یاد کرده است(هرچند برخی تفاسیر می گویند خداوند انقدر مطمئن بوده که گفته: لا اقسم یعنی قسم نمی خورم!!! ولی شما همین رو بلد باشید کافیست!) ص

جمع بندی انواع نفس در کل دینی کنکور به شدت مهم (در هیچ جزوه ای به این سبک پیدا نخواهید کرد!)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

الف) نفس امارَة

که همواره انسان را به بدی‌ها فرمان می‌دهد و اگر با عقل و ایمان مهار نشود، انسان را به سقوط و تباهی می‌کشاند.

در قرآن می‌خوانیم: «إِنّ النَّفْسَ لَأَمّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلّا ما رَحِمَ رَبّی » به درستی که نفس انسان را به کارهای زشت و ناروا فرمان می‌دهد مگ آن که پروردگارم رحم کند.

این نفس، آنقدر خواهش و خواسته خود را تکرار می‌کند تا انسان را گرفتار سازد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: نفس امّارة همچون فرد منافق تملّق انسان را می گوید و در قالب دوست جلوه می‌کند تا بر انسان مسلّط شود و او را به مراحل بعد وارد کند

کل جملات کتاب:

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْنْسَانَ وَ نَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ(در این جا اقرب: منظور قرب وجودی نه قرب الهی)

نفس هر دم در درونت در کمین...

در زمان تسلیم شدن انسان در برابر نفس اماره شکست درونی متبوع شکست بیرونی است

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

دشمن ترین دشمن تو همان نفسی است که در درون توست.

عاملی درونی، انسان ها را برای رسیدن به لذت های زود گذر دنیایی، به گناه دعوت می کند و از پیروی از عقل و وجدان(نفس لوامه) باز می دارد .

ب)نفس لوامه:

مراد از آن، همان وجدان اخلاقی باشد. آری، انسان دارای حالتی است که در برابر انجام بدی‌ها یا کم شدن خوبی‌ها، هم در دنیا خود را ملامت می‌کند و هم در آخرت. این ملامت‌ها، همان ندامت و پشیمانی است که می‌تواند مقدّمه توبه(درس۷ پیش) باشد و یا بستری برای یأس و خودباختگی(درس ۵ دوم دیدگاه مایدیون) فراهم آورد.

(کامل توضیح داده شد در مورد شماره ۹)

ج)نفس مطمئنّة :

که **در اثر نماز و یاد خدا** حاصل می‌شود و انسان به **آرامش و اطمینان** دست پیدا می‌کند. قرآن کریم در یک می‌فرماید: «أَقِمِ الصَّلاةَ **لِذِكْرِي**» نماز را به پادار تا به یاد من برسی و در جای دیگر می‌فرماید: «أَلا بِذِكْرِ اللَّهِ **تَطْمَئِنُّ** الْقُلُوبُ» آگاه باشید که با یاد خداوند دلها **اطمینان** و آرامش پیدا می‌کنند.

در مقابل تردید و تشکیک مخالفان در **معاد** که بازگشت آن به **قدرت** خداوند است، قرآن بر قدرت الهی در باز آفریدن انسان‌ها تأکید می‌کند. (اثبات امکان معاد با ذکر نمونه ها) اینجوری بگو یادت نره: **مطمئن** باش معادی در کار هست!

۱۰. با توجه به آیه شریفه ی ((وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ)) می توان بیان داشت: بهره‌ی از امداد غیبی و یاری خدا در رسیدن به مقصد ، معلول تلاش انسان در راه خدا و خوشبختی خود است. و با سنت توفیق الهی متناسب بوده و به انجام عمل صالح از برنامه های اخلاص اشاره دارد. ص

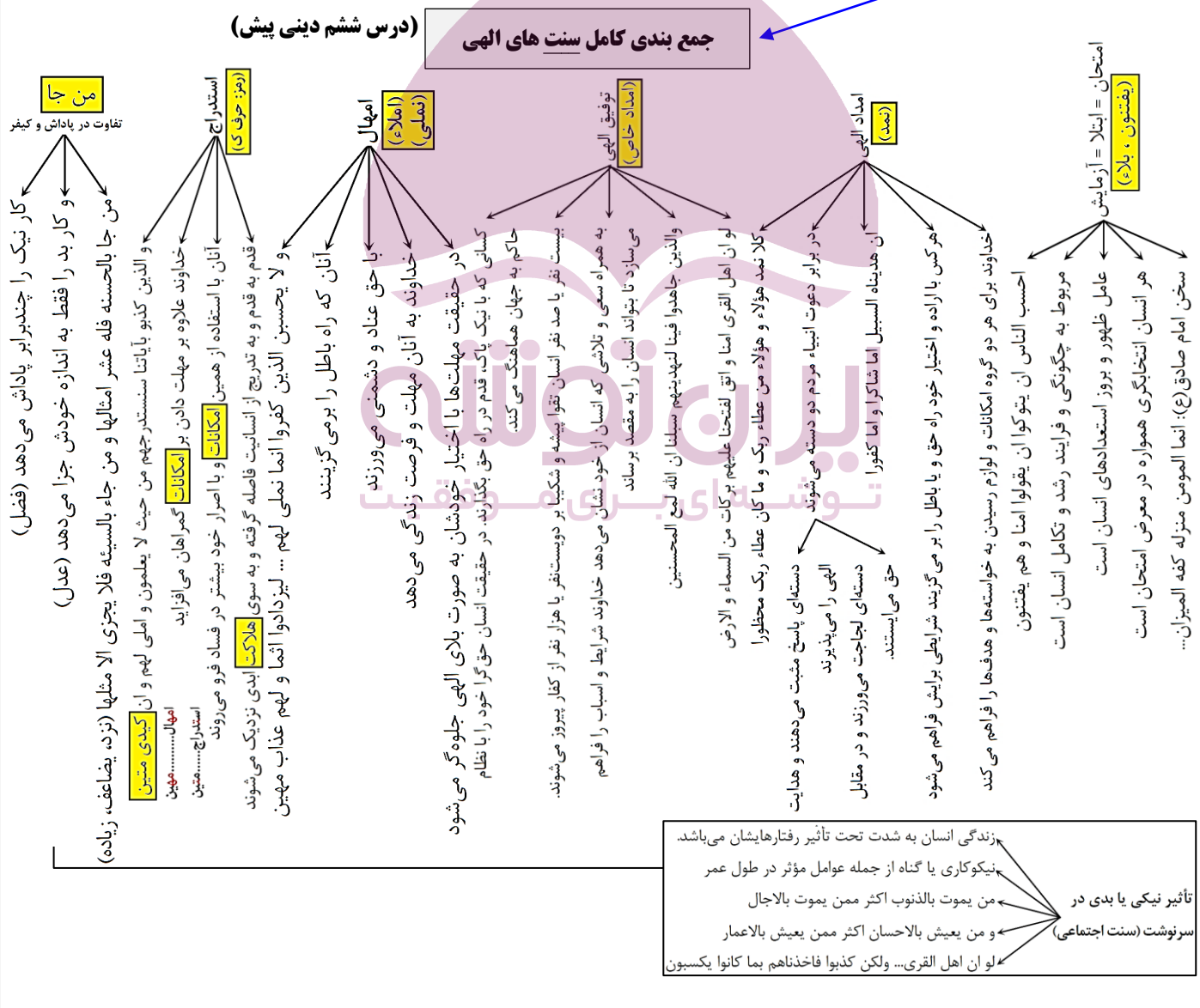

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

۱۱. با توجه به آیه شریفه ی ((یَا أَیُّهَا النَّاسُ کُلُوا مِمَّا فِی الْرْضِ حَلَالًا طَیِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّیْطَانِ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُ و مُبِ یرإِنَّمَ ا یَأْمُرُکُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَن تَقُولُواْ عَلَى اللّهِ مَا لاَتَعْلَمُونَ)) می توان بیان داشت: می توان به وجود عامل خارجی در بالا بردن انگیزه گناه نام برد که خود را برتر از آدمیان می داند و و سوگند یاد کرده که فرزندان آدم را فریب دهد و از رسیدن به بهشت باز دارد. کار او زیبا و لذت بخش نشان دادن گناه و سرگرم کردن به آرزوهای سراب گونه ی دنیایی است و جز از همین طریق، راه نفوذ دیگری در ما ندارد .این خود ما هستیم که به او اجازه ی وسوسه می دهیم یا راه فریب را بر او می بندیم. غ دقت کنید همه قسمت ها درست هستند به جز کار شیطان که : وسوسه کردن و دادن وعده های دروغین است و باید بدانیم که : شیطان یکسری کار داره: ۱)وسوسه ۲)وعده / یکسری راه فریب داره: زیبا آرزو سکینه غافل

جمع بندی (شیطان) :

توهم: برتری بر آدم

سوگند : فریب بنی آدم

راه های فریب : زیبا خانوم(زیبا نشان دادن گناه) آرزو خانوم(سرگرم کردن به آرزو های سراب گونه دنیایی) سکینه خانوم (ایجاد کینه میان مردم) غافل میشن (غافل کردن از خدا و یاد او)

کارش:وسوسه + وعده دروغین

راه نفوذ : نفس اماره

گفته شیطان به اهل جهنم: در روز قیامت که کار از کار گذشته و فرصتی برای توبه باقی نمانده، به اهل جهنم می گوید خداوند به شما وعده ی حق داد، اما من به شما وعده ای دادم و خلاف آن عمل کرد البته من بر شما تسلطی نداشتم(وجود اختیار) ، فقط شما را به گناه دعوت کردم. این خودتان بودید که دعوت مرا پذیرفتید. امروز خود را سرزنش کنید نه مرا. نه من می توانم به شما کمکی کنم و نه شما می توانید مرا نجات دهید.

وسوسه کردن طبق آیه : دعوت به بدی(فحشا و سو) + ناآگاهانه صحبت کردن

اقرار شیطان : ناتوانی از فریب مخلصین

رمز حفظ موارد حرام : (دروغ به غول شِرک) (ترکیب با درس۱۲ دوم)

فاحشه ای به اسم(اثم) بغ بغه به شِرک(همون غول معروف!) دروغ گفت که نمیدونه!!

زشت کاری (فواحش) — گناه (اثم) — تجاوز به ناحق (بغی بغیر حق) — شرک به خدا (تشرکوا) شرک همیشه چی بود؟ سلطاااان! — درباره خدا ناآگاهانه سخن گفتن نسبت دروغ بستن به خدا وسوسه شیطان هم همینه دقیقاً!!

حالا یه سوال: شِرک همیشه چی بود تو فیلماش؟ آفرین سلطاااان! پس اونایی که به خدا شرک می ورزند (لم ینزل سلطان) اند یعنی برای اعتقاد خودشون هیچ استدلالی ندارن!

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

یک آیه مهم و تمام:

((إِنّ الْمُتّقِينَ فِي جَنّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ))

بهشت رستاخیزی=متقین(اما بهشت برزخی=طیبین)

جایگاه مادی متقین= فِي جَنّاتٍ وَنَهَرٍ

قرب الهی= عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ

نکات مهم تست زنی من:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

تکلیف جلسه آینده: مطالعه دقیق این جزوه + متن درس سه دوم + پیش خوانی متن درس چهار سال دوم

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

مهدی غفوری اولین مدرس دین و زندگی به سبک زیست شناسی در ایران

صد ها نفر همگام با من دینی را صد می زنند پس به کمتر از ۱۰۰ راضی نشو!

@konkurpex

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

نکته و تست

دین و زندگی

غفوری ۹۰

جلد چهارم

خود حقیقی

+تیپ بندی کامل سوالات

نکته و تست دین و زندگی دوم

درس چهارم (خود حقیقی)

بچه های گل بریم سراغ شروع یه نکته و تست عجیب غریب برای درس چهار دوم
قبل مطالعه این جزوه باید متن کتاب رو حفظ داده باشید و بعداً بیاید با من همراه بشید
هر قسمت کتابو که تا حالا سوال اومده یا احتمال داره بیاد تبدیل کردم به یه سوژه طرح تست
خوب روی گزینه ها فک کن و بعداً جواب رو ببین تا مغزت حابی فضر بزرونه!

چند مورد از مطالب ذکر شده گزینه ی **صحیحی** در وصف یک ودیعه ی الهی است که موجب تمایز حرکت انسان به سوی کما ل می شود؟

- خداوند، سرشت ما را با خود آشنا کرد و گرایش به خود را که گرایش به همه ی خوبی ها و زیبایی هاست، در ما قرار داد و همه ی ما فضائلی چون صداقت، کرامت، عزّت نفس و عدالت را دوست داریم. غ با توجه به صورت تست باید گزینه ای درست باشد که همه ی ویژگی های یک سرمایه انسان(نه چند سرمایه) را توضیح بدهد در حالی که ویژگی اول در این سوال مربوط به فطرت خدا آشنا و ویژگی دوم مربوط به گرایش به خیر و نیکی در انسان است ولی دقت کافی به کلمه ((و)) در بین این دو ویژگی هم داشته باشید اگر طراح بین این دو (بنابراین) هم قرار بدهد باز هم عبارتی درست است چرا که فطرت خدا آشنا می دهد گرایش به خیر و نیکی ولی باز هم جواب ما نیست.
- آنگاه که با باباطاهر هم صدا شویم و بگوییم: ((به صحرا بنگرم صحرا تو بینم به دریا بنگرم دریا تو بینم)) می توان گفت: گاهی غفلت ها سبب دوری ما از خداوند می شود، ولی باز که به محضر خدا برمی گردیم، او را در کنار خود می یابیم و آن خود مصداقی است از ((دوست نزدیک تر از من به من است)) . غ همه قسمت ها درست و در مورد یک سرمایه هم صحبت می کنند ولی اگر این عبارت را درست گرفته اید قطعاً هنوز هم جا برای مطالعه دقیق متن کتاب دارید! متن کتاب: گاهی غفلت ها سبب دوری ما از او می شود، ولی باز که به خود برمی گردیم، او را در کنار خود می یابیم.
- پروردگار، به ما قوّه و نیرویی عنایت کرده تا با آن بیندیشیم و راه درست زندگی را از راه های غلط تشخیص دهیم و خود مسئول سرنوشت خویش باشیم. غ یکی از کلک های تستی خیلی اپیدمی شده که در آزمون ها حسابی استفاده میشه ولی در کنکور تا به حال خیلی کم دیدم! ممکنه در کنکور هم... دقت کنید که قسمت اول عبارت مربوط به قوه عقل ولی قسمت دوم (خود مسئول سرنوشت خویش) مربوط به سرمایه اراده و اختیار هست بنا براین این عبارت دو سرمایه را بیان می کند و همچنین اگر به عنوان یک گزینه بدون توجه به صورت تست هم تحلیل کنیم باز هم اشتباهه چرا؟ چون قوه عقل علت نیست برای مسئول سرنوشت بودن! بلکه اختیار علت است برای مسئولیت پذیری!
- وجود نعمت عصمت در پیامبران و امامان سبب شد تا راه رسیدن به امداد های غیبی خداوند نیز هموار تر از گذشته باشد. ص عصمت از دینی سوم ترکیب شد با نعمت هدایت از سرمایه های رشد انسان که در نهایت هر دو ترکیب شدند با سنت امداد از دینی پیش دانشگاهی!

در درس قبل دانستیم که انسان ویژگی‌هایی دارد که او را از سایر موجودات جدا می‌کند و حرکت او به سوی کمال را متمایز می‌سازد. در این درس می خواهیم بدانیم که:

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

تیپ بندی به سبک غفوری

تیپ ۱: یک ویژگی از یک بُعد را می دهند و نام آن بُعد را می پرسند یا برعکس:

راه حل:

کلید واژه های بعد جسمانی:

غیر مجرد/خاکی/مقدم در آفرینش/طین/تجزیه و تحلیل/فرسوده و متلاشی/نیاز به مکان و زمان (محدود)/از دست دادن آگاهی/بعد از مرگ فانی/تغییرات بدن از نوزادی تا پیری/وابسته به جسم و کالبد/تجزیه و تحلیل/مستهلک/بازسازی بدنی/تقسیم سلولی/سوخت و ساز/گلیکولیز/کربس/تنفس سلولی/بار ها عوض شدن/ حقیقت انسان نیست.

کلید واژه های بعد روحانی:

مجرد/افلاکی(آسمانی)/مسجود فرشتگان/روح در آیات/(خلق آخر) در آیات/عدم تجزیه و تحلیل/عدم متلاشی شدن/بعد از مرگ باقی/عدم از دست دادن آگاهی/عدم نیاز به زمان و مکان(نامحدود)/ قوّه ی تفکر و اندیشه/ قدرت اختیار و تصمیم گیری/ عواطف و احساسات / اخلاق/خود حقیقی/شخصیت واقعی/دانش مندان نشانه هایی برای اثبات ذکر/ثابت بودن خود/عدم نیاز به هیچ گونه اثبات/تاریخ تولد یک شخص ثابت است/تصمیم های آینده/خوشحالی از کار خیر/شرمندگی از کار شر/کمک خواستن از خدا/طلب بخشش از خداوند/اعمال توحید عبادی/تسبیح خدا/جبران گذشته/از خود دانستن رفتار گذشته/محور ثابت/حقیقت تغییر ناپذیر/قوانین و مقررات جامعه و روابط بین افراد/ثبات هویت/ثبات خود/جاودانگی/کمالات نامحدود.

تیپ ۲: بازی با کلید های تیپ یک:

راه حل:

نکته:

بعد روحانی انسان قابلیت تغییر دارد در نتیجه ثبات ندارد. (تغییر= انقلاب،تحول)

بعد روحانی انسان قالبیت عوض شدن(تعویض) ندارد در نتیجه تجزیه و تحلیل هم ندارد. (عوض = جایگزین، جانشین)

دانش آموز: عه!!! آقاااااااای غفوری پس چرا کتاب درسی توی توضیحات (ثابت بودن خود) واسه اثبات وجود بعد روحانی گفته که: ((هر کس این را در درون خود می یابد که گرچه در طول زندگی حالات گوناگون پیدا می کند، یک محور ثابت و حقیقت تغییر ناپذیر دارد که به پشتوانه ی آن می گوید: گذشته آن گونه بودم و اکنون این گونه هستم.))

مگه شما نگفتید بعد روحانی تغییر پذیری داره؟!!!

غفوری: صبر کنید بچه ها!!! قبل از این که من چیزی بگم این تست کنکور زبان ۹۲ رو بخونید:

زبان ۹۲: ثبات شخصیت انسان، دلیل ثبات بعد غیر مادی او ..... که پیام ((ثبات شخصیت)) این است که روح آدمی ..... نمی پذیرد.

۱)نیست–تجزیه و تحلیل ۲)است–تجزیه و تحلیل ۳)نیست–تغییر و دگرگونی ۴)است–تغییر و دگرگونی

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

کلید سازمان سنجش: گزینه یک

با توجه به تستی که دیدید و بنده هم طراحش نبودم و تست کنکور به عنوان یک سند معتبر هست؛ باید بگیم بعد روحانی تغییر می کند و ثبات ندارد (مثلاً شخصی که قبلاً دروغ می گفته الان دیگه دروغ نگه! خب این میشه تغییر!) ولی کتاب درسی هم بی راه نگفته بچه ها! دقت کنید کتاب گفته: بعد روحانی حقیقتی تغییر ناپذیر است یعنی حقیقت و وجود و خود اصلی انسان هیچ گاه از بین نمی رود و همیشه پایدار است نه این که منظور این باشه که بعد روحانی هیچ وقت نمیتونه منقلب بشه و مثلاً گناهان رو کم کنه فقط منظور این هست که بعد روحانی همیشه هست و نابود نمیشه!! گرفتی بابا؟!

تیپ ۳: سوالات ترکیب آیه با بعد های انسان:

راه حل:

تحلیل کامل دو آیه ابتدای درس:

إِذْ قَالَ رَبُّکَ لِلْمَلَائِکَةِ إِنِّی خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِینٍ فَإِذَا سَوَّیْتُهُ وَنَفَخْتُ فِیهِ مِنْ رُوحِی فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِینَ

پیام: وجود انسان از دو بعد: جسمانی(مقدم–طین) و روحانی(موخر–روحی)/ انسان چرا مسجود فرشتگان؟ بعد روحانی/ اول خلقت سپس آراستگی سپس دمیدن روح

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَکَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا ___ آخَرَ فَتَبَارَکَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِینَ

پیام: وجود انسان از دو بعد مادی(جسمانی) و غیرمادی(روحانی) تشکیل شده/ بعد روحانی خلقتی متفاوت دارد/ مراحل: جنین– خون بسته– پاره گوشت– استخوان– گوشت (عربی: نطفه – علقه– مضغه – عظام– لحم)

ریز تیپ الف: آیه میدن آیه میخوان:

مثال: سراسری ۹۵ ریاضی: با توجه به آیه شریف ((إِذْ قَالَ رَبُّکَ لِلْمَلَائِ ... کَةِ إِنِّی خَالِقٌ بَشَرًا ...)) خدای متعال بشر را از چه چیزی خلق کرده و چه زمانی شایسته سجده فرشتگان شده است؟

جواب: طین– فَإِذَا سَوَّیْتُهُ وَنَفَخْتُ فِیهِ مِ ... نْ رُوحِی (مواظب باشید طراح در گزینه ها قسمت دوم آیه ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً ... را ابتدا

ریز تیپ ب: آیه میدن بُعد میخوان:

مثال: سنجش ۹۲ و ۹۵: از تدبر در آیه شریفه ی ((إِذْ قَالَ رَبُّکَ لِلْمَلَائِکَةِ إِنِّی خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِینٍ فَإِذَا سَوَّیْتُهُ وَنَفَخْتُ فِیهِ مِنْ رُوحِی ...)) به دست

که وجود انسان از ..... و سجده فرشتگان بر آدم پس از ..... صورت گرفته است.

جواب: دو بعد جسمانی و روحانی و حقیقت انسان همان همان روح یا بعد روحانی اوست– و نفخت فیه من روحی

ریزتیپ ج: بُعد یا پیام استخراجی میدن آیه میخوان: (مهم)

مثال: تالیفی غفوری احتمالی کنکور ۹۹:

به ترتیب از دقت در کدام آیه شریفه می توان به این مطلب رسید که:

(انسان دارای ارزش های قابل احترام است)← إِذْ قَالَ رَبُّکَ لِلْمَلَائِکَةِ إِنِّی خَالِقٌ بَشَرًا...

(تفاوت خلقت بعد روحانی با بعد جسمانی)← ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ...

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

(تمام مراحل آفرینش زیرنظر خداوند است)← ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ...

(اهدای قدرت آفرینش به سایر مخلوقات)← ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ...

(خودشناسی، مقدّمه ی خداشناسی، که به‌تجلیل از خداوند ختم می شود)← ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ...

(گفتگو خدا با فرشتگان موقع خلقت انسان) ← إِذْ قَالَ رَبُّکَ لِلْمَلَائِکَةِ إِنِّی خَالِقٌ بَشَرًا...

(اعجاز محتوایی قرآن کریم از دلایل ختم نبوت) ← ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ...

نکته: با توجه به عبارت (أَحْسَنُ الْخَالِقِینَ) می توان گفت که قدرت آفرینش در موجوداتی غیر از خدا که خود آفریده خدا هستند نیز قرار دارد مثلاً حضرت عیسی می توانست دست به آفرینش زند!

نکته: فرشتگان در خلقت انسان با خداوند مشارکت نداشته اند ولی در حین آفرینش با خداوند صحبت داشته اند.

ریز تیپ د: ترکیب با سایر درس ها بدن:

مثال: با توجه به آیه ((و لقد کرمنا بنی آدم ...)) کرامت انسان بر بسیاری از مخلوقات در گرو ..... و اعطای این مقام به او نتیجه برخورداری او از ..... می باشد.

جواب: خوشتن شناسی-روح

تیپ ۴: سوالات رویاهای صادقه(کلی)

راه حل: دانستن نکته زیر!!:

انسان، در این قبیل خواب ها، از ظرف زمان یا مکان خود خارج می شود و به زمانی در گذشته یا در آینده می رود و یا در مکانی که تا به حال نرفته، قرار می گیرد در حالی که جسم او در رختخواب است و چشم و گوش او چیزی نمی بیند و نمی شنود. برخی از آن ها مطابق با واقعیت هستند و از یک رویداد خارجی حکایت می کنند/ خبر از حوادث گذشته یا رویدادهای آینده می دهند یا نشان دهنده ی مکانی هستند که هرگز در بیداری آن جا را ندیده ایم .

مثال:سنجش ۸۶ و ۹۰: رویاهای صادقه خواب هایی هستند که ..... و دلیل بر ..... است.

جواب درست: از حوادث آینده خبر می دهند یا بیانگر مکانی هستند که شخص آنجا را ندیده-غیر مادی بودن روح

جواب غلط: از حالات عمیق درونی انسان که ریشه در خلق و خوی او دارد خبر می دهند-ضمیر ناخودآگاه

تیپ ۵: تست های مفهوم شخصیت + تست های متن محور

راه حل: شخصیت تا میگن یاد بعد روحانی بیوفت! و تموووووم! فقط یادت باشه شخصیت استدلالی نیست منطقیه! و هیچ وابستگی به جسم نداره!

کلید واژه ها چی بودن؟! کلید واژه های بعد روحانی:

مجرد/افلاکی(آسمانی)/مسجود فرشتگان/روح در آیات/خلق آخر در آیات/عدم تجزیه و تحلیل/عدم متلاشی شدن/بعد از مرگ باقی/عدم از دست دادن آگاهی/عدم نیاز به زمان و مکان(نامحدود)/ قوّه ی تفکر و اندیشه/ قدرت اختیار و تصمیم گیری/ عواطف و احساسات / اخلاق/خود حقیقی/شخصیت واقعی/دانش مندان نشانه هایی برای اثبات ذکر/ثابت بودن خود/عدم نیاز به هیچ گونه اثبات/تاریخ تولد یک شخص ثابت است/تصمیم های

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

آینده/خوشحالی از کار خیر/شرمندگی از کار شر/کمک خواستن از خدا/طلب بخشش از خداوند/اعمال توحید عبادی/تسبیح خدا/جبران گذشته/از خود دانستن رفتار گذشته/محور ثابت/حقیقت تغییر ناپذیر/قوانین و مقررات جامعه و روابط بین افراد/ثبات هویت/ثبات خود/جاودانگی/کمالات نامحدود.

مثال۱: سنجش ۹۵: آن بخش از وجود انسان که هر کس درک روشنی از آن دارد و نیاز به اقامه استدلال ندارد ..... نام دارد و ..... .

جواب: شخصیت – تجزیه و تحلیل نمی پذیرد و فرسوده نمی شود ولی تغییر می کند امااااا حقیقتی است تغییر ناپذیر یعنی همیشه هست.

مثال۲: سنجش ۸۸ و ۹۲ و ۹۴: ثبات در تعداد سلول های عصبی انسان و تغییر در عناصر آن دال بر .... انسان است.

جواب: دو بعدی بودن انسان

مثال۳: سنجش ۸۶ و ۹۰ و ۹۱: اگر برخی انسان ها قسمت هایی از بدن خود را در حادثه ای از دست بدهند هیچ گاه احساس نمی کنند قدری از هویت خودشان کم شده بیانگر این اس که: ....

جواب: شخصیت و هویت انسان چیزی مستقل از جسم اوست و حقیقتی است تغییر ناپذیر

تیپ ۶: تست های سوره یوسف:

دو دسته تست سوره یوسف درکل دین و زندگی دوم:

الف)تست های چهار رویای صادقه:

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ (٤)

[یاد کن] زمانی را که یوسف به پدرش گفت ای پدر من [در خواب] یازده ستاره را با خورشید و ماه دیدم دیدم [آنها] برای من سجده می‌کنند (٤)

رویای اول : مربوط به رویای حضرت یوسف (ع) در کودکی است که آن حضرت خواب دید 11 ستاره و خورشید و ماه بر او سجده می کنند.

و حضرت یعقوب (ع) آن را تعبیر کرد که 11 ستاره منظور برادرانش بوده اند و خورشید و ماه نیز مادر و پدرش بوده اند.

وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانِ قَالَ أَحَدُهُمَآ إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْزًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِّئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (٣٦)

و دو جوان با او به زندان درآمدند [روزی] یکی از آن دو گفت من خویشتن را [به خواب] دیدم که [انگور برای] شراب می‌فشارم و دیگری گفت من خود را [به خواب] دیدم که بر روی سرم نان می‌برم و پرندگان از آن می‌خورند به ما از تعبیرش خبر ده که ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم (٣٦)

رویای دوم : یکی (اولی) خواب دید که انگور می فشارد و شراب می سازد. حضرت یوسف (ع) آن را تعبیر کرد به زودی آزاد می شود و از خواص دربار می شود.

رویای سوم: دیگری (دومی) خواب دید که نانی بر سر می برد و پرندگان از آن می خورند حضرت یوسف (ع) آن را تعبیر کرد به دار آویخته می شود و پس از مرگ لاشخورها سرش را سوراخ می کنند و از آن می خورند.

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِن كُنتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ (٤٣)

و پادشاه [مصر] گفت من [در خواب] دیدم هفت گاو فربه است که هفت [گاو] لاغر آنها را می‌خورند و هفت‌خوشه سبز و [هفت‌خوشه] خشکیده دیگر ای سران قوم اگر خواب تعبیر می‌کنید در باره خواب من به من نظر دهید (٤٣)

رویای چهارم: خواب عزیز مصر بود که خواب دید هفت گاو لاغر ، هفت گاو فربه را می خورند و همچنین هفت خوشه سبز و هفت خوشه ی خشک را هم دید حضرت یوسف (ع) آن را تعبیر کرد هفت سال پیاپی فراوانی خواهد بود و آبادانی خواهد شد و هفت سال بعد قحطی سختی در سرزمین مصر خواهد شد و دستور داد در این هفت سال آذوقه ذخیره کنند

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

ب)تست های ((پاکدامنی حضرت یوسف)) : (درس ۱۲ دوم)

تو رو خدا بچه ها همینجوری الکی کلید واژه حفظ نکنید شما باید بدونید داستان چیه!!

ابتدا آیات را فقط بخوان و هیچی حفظ نکن!!! فقط داستان رو میخوام بگیری همین!

وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (٢١)

و آن کس که او را از مصر خریده بود به همسرش گفت نیکش بدار شاید به حال ما سود بخشد یا او را به فرزندی اختیار کنیم و بدین گونه ما یوسف را در آن سرزمین مکانت بخشیدیم تا به او تاویل خوابها را بیاموزیم و خدا بر کار خویش چیره است ولی بیشتر مردم نمی دانند (٢١)

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (٢٢)

و چون به حد رشد رسید او را حکمت و دانش عطا کردیم و نیکوکاران را چنین پاداش می دهیم (٢٢)

وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

و آن [بانو] که وی در خانه اش بود خواست از او کام گیرد و درها را [پیاپی] چفت کرد و گفت بیا که از آن توام [یوسف] گفت پناه بر خدا او آقای من است به من جای نیکو داده است قطعا ستمکاران رستگار نمی شوند (٢٣)

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ

و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود آهنگ او میکرد چنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم چرا که او از بندگان مخلص ما بود (٢٤)

وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

و آن دو به سوی در بر یکدیگر سبقت گرفتند و [آن زن] پیراهن او را از پشت بدرید و در آستانه در آقای آن زن را یافتند آن گفت کیفر کسی که قصد بد به خانواده تو کرده چیست جز اینکه زندانی یا [دچار] عذابی دردناک شود (٢٥)

قَالَ هِيَ رَاوَدَتْنِي عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (٢٦)

[یوسف] گفت او از من کام خواست و شاهدی از خانواده آن زن شهادت داد اگر پیراهن او از جلو چاک خورده زن راست گفته و او از دروغگویان است (٢٦)

وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ (٢٧)

و اگر پیراهن او از پشت دریده شده زن دروغ گفته و او از راستگویان است (٢٧)

فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ

پس چون [شوهرش] دید پیراهن او از پشت چاک خورده است گفت بی شک این از نیرنگ شما [زنان] است که نیرنگ شما [زنان] بزرگ است (٢٨)

يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ (٢٩)

ای یوسف از این [پیشامد] روی بگردان و تو [ای زن] برای گناه خود آمرزش بخواه که تو از خطاکاران بوده ای (٢٩)

وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (٣٠)

و [دسته ای از] زنان در شهر گفتند زن عزیز از غلام خود کام خواسته و سخت خاطرخواه او شده است به راستی ما او را در گمراهی آشکاری می بینیم (٣٠)

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ (٣١)

پس چون [همسر عزیز] از مکرشان اطلاع یافت نزد آنان [کسی] فرستاد و محفلی برایشان آماده ساخت و به هر یک از آنان [میوه و] کاردی داد و [به یوسف] گفت بر آنان درآی پس چون [زنان] او را دیدند وی را بس شگرف یافتند و [از شدت هیجان] دستهای خود را بریدند و گفتند منزه است خدا این بشر نیست این جز فرشته ای بزرگوار نیست (٣١)

قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِنَ الصَّاغِرِينَ (٣٢)

[زلیخا] گفت این همان است که در باره او سرزنشم میکردید آری من از او کام خواستم و[لی] او خود را نگاه داشت و اگر آنچه را به او دستور می دهم نکند قطعا زندانی خواهد شد و حتما از خوارشدگان خواهد گردید (٣٢)

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَ (۳۳) أَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ

[یوسف] گفت پروردگارا زندان برای من دوست داشتنی تر است از آنچه مرا به آن می خوانند و اگر نیرنگ آنان را از من بازنگردانی به سوی آنان خواهم گرایید و از [جمله] نادانان خواهم شد (۳۳)

فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۳٤)

پس پروردگارش [دعای] او را اجابت کرد و نیرنگ آنان را از او بگردانید آری او شنوای داناست (۳٤)

ثُمَّ بَدَا لَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيَسْجُنُنَّهُ حَتَّى حِينٍ (۳۵)

آنگاه پس از دیدن آن نشانه ها به نظرشان آمد که او را تا چندی به زندان افکنند (۳۵)

وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانِ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْزًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِّئْنَا بِتَأْ (۳٦)

و دو جوان با او به زندان درآمدند [روزی] یکی از آن دو گفت من خویشتن را [به خواب] دیدم که [انگور برای] شراب می فشارم و دیگری گفت من خود را [به خواب] دیدم که بر روی سرم نان می برم و پرندگان از آن می خورند به ما از تعبیرش خبر ده که ما تو را از نیکوکاران می بینیم (۳٦)

قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا بِتَ أُوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّ (۳۷) هِ وَهُمْ بِا

گفت غذایی را که روزی شماست برای شما نمی آورند مگر آنکه من از تعبیر آن به شما خبر می دهم پیش از آنکه [تعبیر آن] به شما برسد این از چیزهایی است که پروردگارم به من آموخته است من آیین قومی را که به خدا اعتقاد ندارند و منکر آخرتند رها کرده ام (۳۷)

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ (۳۸) كْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

و آیین پدرانم ابراهیم و اسحاق و یعقوب را پیروی نموده ام برای ما سزاوار نیست که چیزی را شریک خدا کنیم این از عنایت خدا بر ما و بر مردم است ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی کنند (۳۸)

يَا صَاحِبَيِ السِّجْنِ أَأَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ (۳۹)

ای دو رفیق زندانیم آیا خدایان پراکنده بهترند یا خدای یگانه مقتدر (۳۹)

مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّ ا أَسْمَاءً سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَ رَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَ

شما به جای او جز نامهایی [چند] را نمی پرستید که شما و پدرانتان آنها را نامگذاری کرده اید و خدا دلیلی بر [حقانیت] آنها نازل نکرده است فرمان جز برای خدا نیست دستور داده که جز او را نپرستید این است دین درست ولی بیشتر مردم نمی دانند (٤۰)

يَا صَاحِبَيِ السِّجْنِ أَمَّا أَحَ دُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا وَأَمَّا الْآخَرُ فَيُصْلَبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِ (٤۱) يهِ تَسْتَفْتِيَانِ

ای دو رفیق زندانیم اما یکی از شما به آقای خود باده می نوشاند و اما دیگری به دار آویخته می شود و پرندگان از [مغز] سرش می خورند امری که شما دو تن از من جویا شدید تحقق یافت (٤۱)

وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنْسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي (٤۲) السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ

و [یوسف] به آن کس از آن دو که گمان میکرد خلاص می شود گفت مرا نزد آقای خود به یاد آور و[لی] شیطان یادآوری به آقایش را از یاد او برد در نتیجه چند سالی در زندان ماند (٤۲)

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَا بِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ (٤۳) إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُ

و پادشاه [مصر] گفت من [در خواب] دیدم هفت گاو فربه است که هفت [گاو] لاغر آنها را می خورند و هفت خوشه سبز و [هفت خوشه] خشکیده دیگر ای سران قوم اگر خواب تعبیر می کنید در باره خواب من به من نظر دهید (٤۳)

قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالِمِينَ (٤٤)

گفتند خوابهایی است پریشان و ما به تعبیر خوابهای آشفته دانا نیستیم (٤٤)

وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ (٤۵)

و آن کس از آن دو [زندانی] که نجات یافته و پس از چندی [یوسف را] به خاطر آورده بود گفت مرا به [زندان] بفرستید تا شما را از تعبیر آن خبر دهم (٤۵)

يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ (٤٦) أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَ

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

ای یوسف ای مرد راستگوی در باره [این خواب که] هفت گاو فربه هفت [گاو] لاغر آنها را می خورند و هفت خوشه سبز و [هفت خوشه] خشگیده دیگر به ما نظر ده تا به سوی مردم برگردم شاید آنان [تعبیرش را] بدانند (٤٦)

قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ

گفت هفت سال پی در پی می کارید و آنچه را درویدید جز اندکی را که می خورید در خوشه اش واگذارید (٤٧)

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تُحْصِنُونَ

آنگاه پس از آن هفت سال سخت می آید که آنچه را برای آن [سالها] از پیش نهاده اید جز اندکی را که ذخیره می کنید همه را خواهند خورد (٤٨)

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ

آنگاه پس از آن سالی فرا می رسد که به مردم در آن [سال] باران می رسد و در آن آب میوه می گیرند (٤٩)

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلَى رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ

و پادشاه گفت او را نزد من آورید پس هنگامی که آن فرستاده نزد وی آمد [یوسف] گفت نزد آقای خویش برگرد و از او بپرس که حال آن زنانی که دستهای خود را بریدند چگونه است زیرا پروردگار من به نیرنگ آنان آگاه است (٥٠)

قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدْتُنَّ يُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ

[پادشاه] گفت وقتی از یوسف کام [می]خواستید چه منظور داشتید زنان گفتند منزه ست خدا ما گناهی بر او نمی دانیم همسر عزیز گفت اکنون حقیقت آشکار شد من [بودم که] از او کام خواستم و بی‌شک او از راستگویان است (٥١)

ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ (٥٢)

[یوسف گفت] این [درخواست اعاده حیثیت] برای آن بود که [عزیز] بداند من در نهان به او خیانت نکردم و خدا نیرنگ خائنان را به جایی نمی رساند (٥٢)

وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ (٥٣)

و من نفس خود را تبرئه نمی کنم چرا که نفس قطعا به بدی امر می کند مگر کسی را که خدا رحم کند زیرا پروردگار من آمرزنده مهربان است (٥٣)

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ (٥٤)

و پادشاه گفت او را نزد من آورید تا وی را خاص خود کنم پس چون با او سخن راند گفت تو امروز نزد ما با منزلت و امین هستی (٥٤)

حالا کلید واژه های زیر رو حفظ کن:

کلید واژه ها:

معاذ الله (پناه به خدا بردن حضرت یوسف هنگام مواجهه با ارتکاب به گناه)

حکم/علم (هنگامی که یوسف به بلوغ رسید خدا حکمت و علم به ایشان عطا نمود)

نصرف سوء//تصرف کید (از ریشه صرف + سوء/کید) (نصرف سو هنگام درخواست کامجویی از یوسف)(تصرف کید هنگام زندان)

مخلصین/محسنین(مخلصین همراه با نصرف سوء) (محسنین همراه با تعبیر خواب دو زندانی)

خمراً/خبزاً(تعبیر خواب دو زندانی اولی (خمرا) ارج و مقام نزد پادشاه می یابد. دومی(خبزا) به دار آویخته و پرندگان از سرش می خورند.)

سجن احب (زندان دوستی در مقابل انجام گناه)

سبع بقرات(تعبیر خواب پادشاه)

لم اخنه(عدم خیانت در غیاب عزیز مصر نشانه ی عفاف حضرت یوسف)... (احتمالی کنکور ۹۹)

تیپ ۷: نکات پراکنده:

نکته ۱: اگر روح انسان به فضیلت آراسته شود مقرب درگاه خدا و مسجود فرشتگان و اگر به رذیلت ها تن دهد فرو رفتن تا اعماق جهنم

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

نکته ۲: قوانین و مقررات جامعه و روابط بین افراد بر پایه ی پذیرش منِ ثابت بنا شده اند.

نکته ۳: برخی از افراد در امکان معاد و چنین واقعه ی عظیمی در تردیدند. آنان که فکر می کنند حقیقت انسان همین بُعد جسمانی اوست، می گویند چگونه ممکن است هم هی انسان ها، پس از مرگ و پوسیده و متلاشی شدن، دوباره زنده شوند؟

قرآن کریم از دو جهت به این سؤال پاسخ می دهد:

۱ حقیقت وجود انسان، نفس و روح اوست و این حقیقت، هنگام مرگ نابود نمی شود بلکه توسط فرشته ی مرگ به تمام و کمال دریافت می گردد.

۲ پاسخ دیگر قرآن کریم مربوط به امکان آفرینش مجدد جسم برای پیوستن به روح در آخرت است. این پاسخ خود به سه گونه طرح شده و به اثبات آفرینش مجدد جسم پرداخته است.

نکات مهم تست زنی من:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

تکلیف جلسه آینده: مطالعه دقیق این جزوه + متن درس دو دوم + پیش خوانی متن درس سه سال دوم

مهدی غفوری اولین مدرس دین و زندگی به سبک زیست شناسی در ایران

صد ها نفر همگام با من دینی را صد می زنند پس به کمتر از ۱۰۰ راضی نشو!

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

دینی
(سری کام

به نام جهان آفرین قادر و توانا

جامع دینی

۹۹

گارانتی تضمینی
۱۰۰ درصد

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

دین و زندگی جـــامع کنکور

استاد مهدی غفوری

کنکور ۹۹

فصل دوم: درس ۵ تا ۹ دینی دوم

درس ۵ | پنجره ای به روشنایی |

اولین پیامد نگرش الهیون، بیرون آمدن زندگی از بن بست و باز شدن پنجره ی امید و روشنایی به روی انسان و ایجاد شور و نشاط و انگیزه ی فعالیت و کار در زندگی است.

بررسی متن کتاب همراه با میکس آیات و متن:

دانستیم که در میان کاروان هستی،انسان ویژگی های منحصر به فردی دارد که او را از سایر مخلوقات متمایز می کند .اکنون می خواهیم تأثیر این ویژگی ها را در عاقبت و سرانجام او بررسی کنیم و پاسخ پرسش های زیر را به دست آوریم.

چه سرانجامی در انتظار انسان است؟

آیا آینده ی او با دیگر آفریده ها تفاوت دارد؟

آیا دفتر زندگی وی با مرگ بسته می شود؟

یا پس از آن، زندگی به شکل دیگری ادامه می یابد؟

تولد:

رحمت الهی را به خانه ها می آورد.

ترکیب:

نرم شدن پیامبر با مردم ..... به برکت رحمت الهی

احساسات لطیف زن ..... در سایه رحمت الهی

توبه ..... دروازه ی رحمت الهی

دو دیدگاه:

کودکی که از مادر متولّد می شود، رحمت الهی را به خانه می آورد، شادی و نشاط را در خانواده می پراکند و نهال عشق و محبت را در دل مادر و پدر می پرورد .این کودک با بازی های کودکانه، زیر نگاه پدر و مادر رشد می کند تا به دوره ی نوجوانی و جوانی می رسد .در این دوره، احساس استقلال می کند، توانایی های جدیدی در خود می یابد و جدّی بودن زندگی را لمس می کند .در می یابد که زندگی آینده به تصمیم های امروز او بسته است .به تدریج تصمیم هایی می گیرد، سرد و گرم زمانه را می چشد، فراز و نشیب های زندگی را طی می کند، دوره ی میان سالی و پختگی را هم می گذراند تا این که آثار پیری و ضعف آشکار می شود.پس از گذشت زمانی، کم یا زیاد، مرگ می رسد و دفتر حیات این فرد در دنیا بسته می شود؛ پدیده ای حتمی که فرا روی ماست و هیچ گریزی از آن نیست .انسان ها، معمولاً در برخورد با مرگ دو دیدگاه دارند:

نوجوانی:احساس استقلال فرد+یافتن توانایی های جدید +لمس کردن جدی بودن زندگی + فهمیدن اینکه زندگی آینده به تصمیم امروز بستگی دارد

میانسالی:پختگی را می گذراند

پیری:آشکار شدن ضعف

مرگ :پدیده حتمی فرا روی ما

دیدگاه منکران معاد (نام دیگر در تست ها=دیدگاه اول یا دیدگاه مادی یا دیدگاه مادیون) : (رمز=پایان،بسته،نیستی)

مرگ پایان زندگی است و هر انسانی پس از مدتی زندگی در دنیا، دفتر عمرش بسته می شود و حیات او پایان می یابد و رهسپار نیستی می شود. پیروان این دیدگاه هشدار قران کریم مبنی بر وجود معاد را نادیده می گیرند.

۱ ۲ ۳

ایران نوشت
نوشته ای برای موفقیت

سوالات:

یکی از انذارهایی که مورد بی توجهی کافران قرار می گیرد، کدام است؟

ما خَلَقَ نَاالسَّماواتِ وَ الاَ رض(توحید در خالقیت از ریشه ی خلق)

وَ ما بَیِ نَهُماالّا بالحق و اجل مسمی(حق و هدفمندی و حقانیت جهان آفرینش و حکمت خدای مهربون)(موقتی بودن جهان هستی(نه روح وبعد روحانی انسان حواست باشه!!!!) (سرامد یا پایان قطعی برای جهان هستی)

وَ الَّذینَ کَفَروا عما انذرو معرضون(معرض=روی گردان)

معرضون ۲ جا داشتیم:

درس دوم سال دوم: هدفمندی و حقانیت آفرینش خداوند/اثبات صفت حکمت الهی برای انسان در نتیجه ی مشاهده ی نظام مندی موجودات جهان(بالحق)/بی توجهی انسان نسبت به هشدار الهی و انکار حقانیت و هدفمندی جهان هستی به کفر می انجامد/هدفمندی، شاخصه ی اصلی هر مجموعه و نظام/دیدگاه پیامبران و پیروان ادیان الهی نسبت به مرگ/توحید در خالقیت و ربوبیت نکته جمع بندی آیات دینی دو درس دو: هرگاه قدر+سخر دیدی بزن: جهان دارای قانون مندی/هرگاه له اسلم دیدی بزن خروج از قانون مندی ها غیر ممکن است./هرگاه اجل مسمی دیدی سریع بزن قانون مندی های جهان موقتی است.

درس ۵ سال دوم: هدفمندی و حقانیت آفرینش خداوند/اثبات صفت حکمت الهی برای انسان در نتیجه ی مشاهده ی نظام مندی موجودات جهان(بالحق)/بی توجهی انسان نسبت به هشدار الهی و انکار حقانیت و هدفمندی جهان هستی به کفر می انجامد/هدفمندی، شاخصه ی اصلی هر مجموعه و نظام/دیدگاه پیامبران و پیروان ادیان الهی نسبت به مرگ/توحید در خالقیت و ربوبیت یه جمع بندی توپ واسه درس پنج سال دوم: هرگاه اجل مسمی دیدی بزن دنیا دارای سرامد معین و دنیا دارای قانون مندی/هر وقت مصیر، رجع یرجعون ترجعون رجعوا رجعن ،اجل مسمی دیدی بزن معاد

جا معرضون داشتیم اما یه جا هم یعرضون داشتیم:

ریشه اعتقاد مادیون؟ علم پذیرش روح

ما خَلَقْنَا السَّماواتِ وَالْأَرْضَ	چرا خدا فرموده آفرینش این جهان جز بر پایه ی حق نیست؟معاد / موقتی بودن دنیا (اجل مسمی)
وَ ما بَیْنَهُما إِلّا بِالْحَقِّ	
وَ أَجَلٍ مُسَمًّى	و سرآمدی معیّن و مشخّص
وَالَّذینَ کَفَروا	.کافران.از.حکمت و معاد.روی.گردانند.
عَمّا أُنْذِروا مُعْرِضونَ	از آن‌چه انذار شدند.رویگردانند.
النّارُ یُعْرَضونَ عَلَیْها	آنان بر آتش عرضه می‌شوند
غُدُوًّا وَ عَشِیًّا	هر بامداد و شامگاه
وَ یَوْمَ تَقومُ السّاعَةُ	و آن‌گاه که قیامت بر پا شود
أَدْخِلوا آلَ فِرْعَوْنَ	(ندا می‌رسد) وارد کنیدآل‌فرعون را
أَشَدَّ الْعَذابِ	در شدیدترین عذاب

پیام آیات آیه دوم: از درس ۷ دینی دوم(یعرضون...)

بیانگر دوزخ و جهنم برزخی(سو+عذاب) و دوزخ اخروی و و معاد(اشد+عذاب)
مشابهت زمانی دنیا و برزخ(حاق(احاطه کرد) بال فرعون+غدوا+عشیا(روز و شب))
شدت عذاب آخرت به مراتب بالاتر از برزخ است.(اشد العذاب)
منظور از ((یوم تقوم ساعه)) روز قیامت است و آیه در مورد سرنوشت قوم فرعون است.

پس هر جا معرضون دیدی بزن روی گردانی از دو چیز: ۱)حکمت خدا ۲)معاد که به کفر می انجامه ولی هر جا یعرضون دیدی(درس ۷ سال دوم) بزن آتش برزخ در مورد آل فرعون

زندگی دنیا، اگر بدون توجه به آخرت باشد، چگونه خواهد بود؟

۱ اِنَّ الَّذینَ لایَرجونَ لقاءَنا

۲ وَ رَضوا بالحَیاةِ الدُّنیا

۳ وَ اطمَأنُّوا بها

۴ وَ الَّذینَ هُم عَن ءایاتِنا غافِلونَ

أُولئکَ مَأواهُمُ النّارُ بِما کانوا یَکسِبون

قاعده یراغ:

ی:یرجون ر:رضو ا: اطمَأنُّوا غ:غافلون

هرگاه یراغ دیدی در تست سریع بزن دیدگاه منکران معاد و زندگی پس از مرگ و اسباب دوزخی شدن انسان و یاد آتیش و عذاب الهی که خیلی داغه که غ داره و یراغ که غ داره بیوفت. هی بگو یراغ که غ داره خیلی داغههههه!

+زندگی دنیوی بدون توجه به آخرت نتیجه اش دوزخ است.
+تلاش مستمر بدون توجه به آخرت نتیجه اش دوزخ است.

دیدگاه منکران معاد و زندگی پس از مرگ(مادی گرایان) و فرجام این اعتقاد(مواهم النار بما کانو یکسبون)

اسباب و عوامل دوزخی شدن یا همون قاعده یراغ خودمون!:

۱)غفلت از آخرت(لایرجون لقاءنا)

۲)دلبستگی و قناعت به دنیا(رضوا بالحیات الدنیا)

۳)تکیه به زندگی دنیوی(اطمَأنُّوا بها)

۴)غفلت از نشانه های خداوند(عَن ءایاتِنا غافِلونَ)

غفلت از نشانه های خداوند دلیل انکار معاد است.

زندگی دنیوی اگر بدون توجه به آخرت باشد سرانجام و عاقبتی جز عذاب الهی ندارد.

ایران توشه توشه‌ای برای موفقیت

نکته: هرگاه در تستی گفتند این آیه مربوط به کدام پیامد دیدگاه مادیون است؟

میگیم پیامد اول نه دوم! که موارد زیر رو شامل میشه تک تک شون رو میتونن بدن به ما به جای اینکه در گزینه ها بنویسن پیامد اول یا دوم که ما باید بتونیم تشخیص بدیم هر کدوم واسه کدوم پیشامده اول یا دوم؟

پیامد اول:

از پیامدهای مهم این نگرش برای انسانی که گرایش به جاودانگی

دارد، این است که همین زندگی چند روزه نیز برایش بی ارزش می شود؛ در نتیجه:

به یأس و ناامیدی دچار شده،

شادابی و نشاط زندگی را از دست می دهد،

از دیگران کناره می گیرد

و به انواع بیماری های روحی دچار می شود.

گاهی نیز برای تسکین خود و فرار از ناراحتی، در راهی قدم می گذارد که روز به روز بر سرگردانی و یأس او می افزاید.

به طور کلی کلید های زیر رو بلد باشد:

۱)نا امیدی

۲)عدم شادابی

۳)کناره گیری

۴)بیماری های روحی

۵)گاهی راهی سرگردانی(همشون تهشون ی دارن!!!)

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

زیان کارترین مردم چه کسانی هستند؟ و اینان درباره ی خود چه فکر می کنند؟

قُل هَل نُنَبِّئُکُم

بِالاَخسَرینَ اَعمالا

الَّذینَ ضَلَّ سَعیُهُم

فِی الحَیاةِ الدُّنیا

حقیقت عمل از بین نمی رود فقط گم می شود!

قاعده تمییز:

بعد از فعل (حَسُنَ) تمییز می آید. در این آیه داریم: یُحسِنونَ صُنعًا

بعد از اسم تفضیل هم تمییز می آید. در این آیه داریم: بِالاَخسَرینَ اَعمالا

در این آیه تمییز هابه همراه کلمه قبلشان همان کد های آیه هستند

وَ هُم یَحسَبون

أَنَّهُم یُحسِنونَ صُنعًا

در مورد خودشان فکر می کنند که بهترین اند؛ شیطان با سواستفاده از فطرت خیرخواهانه انسان ها این پندار را شکل می دهد که عمل ناپسند خود را زیبا ببینند.

أُولئکَ الَّذینَ کَفَروا

بِایاتِ رَبِّهِم وَ لقائِه

فَحَبِطَت اَعمالُهُم

فَلا نُقیمُ لَهُم

یَومَ القِیامَةِ وَزنا

ویژگی های غافلین از مرگ و جهان پس از مرگ و سرنوشت آنها دو تا داشتیم:

یک دسته اونایی که کلاً فقط عاشق دنیا و مال اندوزی و غفلت از آیات خدا بودن و قاعده ی یراغ

(لا یرجونـــــ+رضوا+اطمئنوا+غافلونـــــ) رو دقیق اجرا می کردن و در انتها وارد نار(آتیش) داغ داغ میشدن چون یراغ هم غـــــــ داشت!!!

و اما یک دسته دیگه هم داشتیم که تو آیه بالا اومده: اونایی که سعی می کنن و تو آیه مربوط بهشون هم ما کلید سعی رو داریم ولی چون به نشانه های پروردگارشون و دیدارش کفر ورزیدن بنابراین سعی و کوشش شون تباه و ضل شد!(ضَلَّ سَعیُهُم)

زیان کارترین انسان ها:

۱)تلاش ایشان در دنیا منجر به نتیجه نمی شود. ضَلَّ سَعیُهُم

۲)گمان می کنند بهترین عملکرد را دارند که اشتباه است. أَنَّهُم یُحسِنونَ صُنعًا

۳)به نشانه های خداوند و دیدار او کفر ورزیدند. کَفَروا بِایاتِ رَبِّهِم وَ لقائِه

تکنیک حفظ:

ضـــــــــــیـــــــــــان کـــــــار ترین؟

ضـــ=ضـــل سعیهم یـــ=یـــحسنون صنعا کـــ=کـــفروا بایات و لقاء

سرنوشت زیان کارترین افراد:

1)اعمالشان تباه و نابود می شود. فَحَبِطَت اَعمالُهُم

2)در رستاخیز اعمالشان مورد سنجش قرار نگرفته و کاملاً رد می شود و وزنی برای اعمالشان وزنی قرار نمی گیرد چون تباه شده اند. فَلا نُقیمُ لَهُم یَومَ القِیامَهِ وَزنا

حواست جمع باشه:

یه دونه تباه داشتیم توی ویژگی های زیان کار ترین افراد که ((ضل سعیهم‌فی الدنیا)) بود و یدونه تباه و نابود هم توی سرنوشت همین افراد داشتیم که ((حبطت اعمالهم)) بود.

زیان کارترین افراد نه دنیا را دارند(فی الدنیا) و نه آخرت را(فَلا نُقیمُ لَهُم یَومَ القِیامَهِ وَزنا)

ظرف تحقق آیه=روز قیامت

یکی از وقایع مرحله دوم وقوع قیامت سنجش اعمال است که برای کافران هیچ عملی سنجیده نمی شود.

نکته: هرگاه در تستی گفتند این آیه مربوط به کدام پیامد دیدگاه مادیون است؟

میگیم پیامد دوم نه اول! که موارد زیر رو شامل میشه تک تک شون رو میتونن بدن به ما به جای اینکه در گزینه ها بنویسن پیامد اول یا دوم که ما باید بتونیم تشخیص بدیم هر کدوم واسه کدوم پیشامده اول یا دوم؟

گروهی نیز می کوشند که راه غفلت از مرگ را پیش بگیرند، خود را به هر کاری سرگرم می سازند

تا آینده ی تلخی را که در انتظار دارند، فراموش کنند.

خداوند در قران این گروه از مادی گرایان را زیان کارترین مردم معرفی می کند.

آیات اندیشه و تحقیق : مربوط به دیدگاه اول یا دیدگاه مادیون

ان هی الا حیاتنا الدنیا...ما نحن بمبعوثین: دیدگاه اول را درباره مرگ نشان می دهد و در مورد کسانی است که در زندگانی سرگرم شده و مرگ را پایان زمدگی می دانند.

ارسلنا...ان اعبدوا: هدف از ارسال پیامبران پرستش خداوند می باشد(هدایت تشریعی)

سخن اشراف کافر که معاد را انکار می کنند:

وَقَالَ الْمَلَا: (اشراف)

۱)هر پیامبر صرفا انسانی مثل ماست.(ما هذا الا بشرا مثلکم)

۲)اطاعت از پیامبران موجب خسران می شود.(لئن اطعتم...لخاسرون)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

ویژگی های اشراف:

۱)کفر به خدا (کفروا)

۲)تکذیب قیامت(کذبوا بلقاءالاخره)

۳)بهره مندی از نعمت های دنیوی(اترفنا=مرفه ساختیم فی حیاه الدنیا)

۴)انکار نبوت(ما هذا الا بشرا مثلکم)

یعدکم+اذا متم و کـــنتم ترابا+مخرجون+لما توعدون: انکار معاد جسمانی توسط مادی گرایان

مالکم اله غیره=توحید در ربوبیت(رب و اله=توحید در ربوبیت)

ان اعبدوا+توحید در عبادت

۳. با مطالعه و دقت در آیات ۳۲ تا ۳۷ سوره‌ی مؤمنون، توضیح دهید این آیات بیانگر کدام تفکر درباره‌ی مرگ است؟

این آیات بیانگر عدم اعتقاد کفار به آخرت و منحصر کردن زندگی به همین زندگی دنیایی است.

فَأَرْسَلْنَا فِيهِم رَّسُولًا مِّنْهُمْ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ

توحید عبادی بعد اجتماعی ← تقوا لازمه نظام الهی

و در میانشان پیامبری از خودشان فرستادیم که خداوند را بپرستید، برای شما هیچ معبودی غیر از او نیست، پس آیا تقوا پیشه نمی کنید؟

وَقَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

توحید عبادی بعد اجتماعی

و اشراف قومش که کافر بودند و دیدار آخرت را تکذیب می کردند و در زندگی دنیا آن ها را مرفه ساختیم، گفتند

مَا هَٰذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ

این (مرد) جز بشری همانند شما نیست، از آن چه می خورید، می خورد و از آن چه می نوشید، می نوشد.

✓ وَلَئِنْ أَطَعْتُم بَشَرًا مِّثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذًا لَّخَاسِرُونَ

گر — تحقق

و اگر بشری مثل خودتان اطاعت کنید، قطعاً در آن صورت زیان کارید.

✓ أَيَعِدُكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنَّكُم مُّخْرَجُونَ؟!

آیا وعده

آیا به شما وعده می دهد هنگامی که مردید و خاک و استخوان شدید(باز) شما (زنده می شوید و از خاک) بیرون آورده می شوید؟

(هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ)

چه دور است، دور است، آن چه وعده داده می شوید.

إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ

منحصر دانستن حیات به دنیا (نگاه مادی)

جز این زندگی دنیای ما، چیزی نیست؛ (عده ای) می میرند و (عده ای) زندگی می کنیم و ما برانگیخته نخواهیم شد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

پیامد های دیدگاه اول:

این دیدگاه با میل به جاودانگی تناقض و تعارض دارد و معتقدین این دیدگاه به بن بست می رسند.

نتایج پیامد اول(گروه اول مادی گرایان) :

بی ارزش شدن زندگی

دچار یاس و نا امیدی

از دست دادن شادابی و نشاط زندگی

کناره گیری از دیگران

ابتلاء به انواع بیماری های روحی

قدم گذاشتن در راه های خلاف جهت چی؟ جهت تسکین خود و فرار از ناراحتی

بین میل به جاودانگی و بی ارزش شدن زندگی چند روزه ی دنیا و کفر به آیات پروردگار و لقای او رابطه ی علیت برقرار است که عنوان هر یک به ترتیب ..... و و است.

علت – معلول – معلول

معلول-علت-علت

گروه دوم راه غفلت از مرگ را پیش می گیرند و خود را به هر کاری سرگرم می کنند تا آینده تلخ خود را فراموش کنند.

نتایج پیامد دوم(گروه دوم مادی گرایان) :

انجام هر کاری برای فراموشی آینده تلخ خود = غفلت از مرگ با هدف فراموش کردن آینده ی تلخ خود

قرارگیری در زمره زیان کارترین افراد(طبق قران کریم)

نکته: عامل اصلی بی توجهی به مرگ یا ترس و اضطراب از آن چیست؟ میل به جاودانگی انسان ها

دیدگاه پیامبران الهی یا دیدگاه دوم یا دیدگاه معتقدان به معاد:

پیامبران الهی و پیروان آنان مرگ را پایان بخش دفتر زندگی نمی پندارند بلکه آن را غروبی می دانند که طلوعی درخشان تر در پیش دارد یا پلی به حساب می آورند که آدمی را از یک هستی (دنیا) به هستیِ بالاتری (آخرت) منتقل می کند .رسول خدا فرمود:

برای نابودی و فنا خلق نشده اید،بلکه برای بقا آفریده شده اید و با مرگ تنها از جهانی به جهان دیگر منتقل می شوید.

از ایشان پرسیدند :با هوش ترین مؤمنان چه کسانی هستند؟

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

فرمود :آنان که فراوان به یاد مرگ اند و بهتر از دیگران خود را برای آن آماده می کنند .

امیر مؤمنان فرمود:

ای مردم !آدمی در همان حال که از مرگ می گریزد، آن را ملاقات می کند .دورانِ زندگی میدان

از دست دادن جان است و فرار از مرگ عین نزدیک شدن به آن می باشد.

سوالات:

چرا خداوند فرموده آفرینش این جهان **جز بر پایه ی حق نیست**؟

ما خَلَقنَا السَّماواتِ وَ الأَرض(توحید در خالقیت از ریشه ی خلق)

وَ ما بَینَهُما **الّا بالحق** و اجل مسمی(حق و هدفمندی و حقانیت جهان آفرینش و حکمت خدای مهربون)(موقتی بودن جهان هستی(نه روح وبعد روحانی انسان حواست باشه!!!!) (سرامد یا پایان قطعی برای جهان هستی)

والَّذینَ کَفَروا عما انذرو معرضون(معرض=روی گردان)

گزینه نادرست برای این سوال:

خداوند آسمان ها و زمین را به حق آفرید تا هرکس پاداش آنچه انجام داده است را بیابد در حالی که به ایشان ظلم و ستم نمی شود.(آیه: خلق+الحق+لتجزی+لایظلمون)

گزینه صحیح برای این سوال:

چون آفرینش آسمان ها و زمین دارای سرامد و پایان مشخصی است و کسانی که کافر شدند از حکمت خداوند و حق و هدفمند بودن جهان و دارای سرامد و اجل مسمی بودن جهان هستی روی گردانند.

آیا خداوند فقط همین دنیا را آفریده است؟

خیر زیرا:

۲ آیه مهم:

قُل **سیروا** فی الأَرضِ دعوت خدا به سیر در زمین برای فهمیدن قدرت الهی (گردش در زمین برای عبرت گرفتن)
دعوت خدا به سیر در زمین برای درک آفرینش مجدد آن (گردش در زمین برای عبرت گرفتن)

فَانظُروا کَیفَ **بَدَأَ** الخَلق آفرینش نخستین انسان از دلایل امکان معاد

ثُمَّ اللّهُ یُنشِیءُ النَّشأَةَ الآخِرَةَ خدا همان گونه که آفرینش را اغاز نمود بر خلقت جهان آخرت توانایی دارد وجود جهان پس از مرگ لازمه هدفمندی جهان خلقت می باشد.

اِنَّ اللّهَ عَلی کُلِّ شَیءٍ **قَدیر** قدرت نامحدود خدا (قدیر)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

نتایج سیر و گردش در زمین:

۱)درک چگونگی پیدایش دنیا

۲)مشاهده ی چگونگی آفرینش جهان پس از مرگ

۳)مشاهده قدرت خداوند

وَ ما هِذِهِ الحَیاةُ **الدُّنیا** منظور ملکوت دنیا(تعریف دنیا از نظر وحی الهی)

اِلّا لَهوٌ وَ لَعِب اگر به دنیا مستقل نگاه شود ، لهو و لعب است و شایسته دلبستگی نیست.

وَ انَّ الدّارَ الاخِرَةَ مقایسه دنیا و آخرت که آخرت پاسخگوی میل به جاودانگی انسان است.

لَهِیَ **الحَیَوانُ** اختصاص زندگی راستین به آخرت مشروط به آگاهی و معرفت مستمر است.

لَو کانوا یَعلَمون رسول خدا :برای نابودی و **فنا** خلق نشده اید بلکه برای **بقا** آفریده شده اید و با مرگ تنها از جهانی به جهان دیگر **منتقل** می شوید

یکی از نتایج بر حق بودن خلقت جهان که به انسان مربوط می شود، چیست؟

پیام آیه: دیدگاه الهیون نسبت به مرگ

وَخَلَقَ اللّه السَّمَاوَاتِ وَالْرْضَ **بِالْحَقِّ** نظام پاداش و جزا از نتایج برحق بودن جهان خلقت(مربوط به انسان)

وَ لِ**تُجْزَی** کُلُ نَفْسٍ تحقق عدالت الهی

بِمَا کَسَبَتْ حکیمانه بودن نظام خلقت ، با دریافت بازتاب اعمال انسان ها رقم می خورد (عدالت نتیجه حکمت)

وَ هُمْ لَا یُظْلَمُونَ

چه تفاوت های مهمی میان دنیا و آخرت وجود دارد؟

وَ **ما** هِذِهِ الحَیاةُ الدُّنیا منظور ملکوت دنیا(تعریف دنیا از نظر وحی الهی)

اِلّا لَهوٌ وَ لَعِب اگر به دنیا مستقل نگاه شود ، لهو و لعب است و شایسته دلبستگی نیست.

ما + الا همیشه معنی فقط می دهد... زندگی دنیوی فقط برای لهو و لعب است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

وَ انَّ الدّارَ الاخِرَةَ مقایسه دنیا و آخرت که آخرت پاسخگوی میل به جاودانگی انسان است.

آخرت:محل زندگی واقعی+سرای پاداش+برتر از زندگی دنیوی ولی دنیا:بازیچه و سرگرمی و سرای عمل که خوشی ها و سختی های آن در مقایسه با آخرت تنها یک بازیچه است(لهو و لعب) و بسیار کوتاه مدت و کم اثر می باشد.

لَهِیَ الحَیَوانُ اختصاص زندگی راستین به آخرت مشروط به آگاهی و معرفت مستمر است.

لَو کانوا یَعلَمون

چه کسانی در این جهان دچار **حزن و ترس** از عاقبت زندگی خود نمی شوند؟

پیام آیه: دیدگاه الهیون نسبت به مرگ

مَن ءامَنَ باللّه وَ الیَومِ الاخِرِ وَ عَمِلَ صالِحًا

می دهد

نتیجه

فَلاخَوف عَلَیهِم: رفع ترس=شجاعت

وَلاهُم یَحزَنون: رفع ناامیدی=نشاط

ویژگی افرادی که دچار حزن و ترس از عاقبت زندگی خود نمی شوند:

۱)ایمان به خدا ۲)ایمان به رستاخیز(معاد) ۳)انجام عمل صالح

فَلاخَوف عَلَیهِم: رفع ترس=شجاعت ارتباط با کلام امام حسین "من مرگ را جز سعادت ... "

وَلاهُم یَحزَنون:رفع ناامیدی=نشاط

چگونه می توان یک **زندگی نتیجه بخش و پر ثمر** داشت؟

وَ مَن اَرادَ الاخِرَةَ

وَ سَعی لَها سَعیَها

وَ هُوَ مُؤمِن

فَأُولئکَ کانَ سَعیُهُم **مَشکورًا**

لازمه زندگی پر ثمر؟ اَرادَ الاخِرَةَ+ سَعی لَها سَعیَها+ هُوَ مُؤمِن

شرایط قبول اعمال انسان توسط خدا؟ اَرادَ الاخِرَةَ+ سَعی لَها سَعیَها+ هُوَ مُؤمِن

ارتباط با کلام امام حسین (من مرگ را ...)/ شیرین تر از عسل بیان کردن طعم مرگ توسط قاسم (ع)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

پیامدهای دیدگاه دوم یا دیدگاه الهیون:

پیامد اول:

اولین پیامد این نگرش، **بیرون** آمدن زندگی از بن بست و باز شدن پنجره ی امید و روشنایی به روی انسان و ایجاد شور و **نشاط** و انگیزه ی فعالیت و کار در زندگی است.

چنین انسانی دارای انرژی فوق العاده و همت **خستگی ناپذیر** است و از کار خود **لذت** می برد .او با تلاش و توان بسیار در **خدمت به خلق خدا** می کوشد و می داند که هر چه بیش تر به دیگران خدمت کند، آخرت او زیباتر خواهد بود . **حضرت علی** علیه السلام روزها به نخلستان می رفت و به حفر چاه مشغول می شد و وقتی به آب می رسید، در حالی که عرق از سر و رویش جاری بود، آن را **وقف** می کرد و در اختیار عموم مردم قرار می داد .گاه زمین بزرگی را انتخاب می کرد و به کاشتن نخل می پرداخت و وقتی کار به انجام می رسید، آن را **وقف** مردم و به خصوص **محرومان** می کرد.

رمز ها: بیرون از بن بست+شور و نشاط+تلاش درخدمت به خلق خدا +وقف مردم به ویژه محرومان+حضرت علی و حفر چاه

اثر ۲ این نگرش، **نهراسیدن** از مرگ و آمادگی برای **فداکاری** در راه خداست .

خداپرستان حقیقی (((چرا برخی از افراد با این که بیان می کنند آخرت را قبول دارند و از لحاظ فکری آن را پذیرفته اند، تلاش چندانی برای آن جهان نمی نمایند و در زندگی خود به گونه ای عمل می کنند که گویی آخرتی در پیش نیست؟ زیرا ممکن است برحسب عادت یا تقلید یا به لحاظ نظری پذیرفته باشند که آخرتی هم هست اینان **خداپرستان حقیقی** نیستند و دارای ایمان قوی نمی باشند و معاد را صرفا به زبان یا حداکثر در اندیشه قبول دارند و قلبا بدان نگرویده اند.)))

گرچه در دنیا زندگی می کنند و **زیبا** هم زندگی می کنند، اما به آن **دل نمی سپرند**؛ از این رو، مرگ را ناگوار نمی دانندآنان معتقدند که مرگ برای کسانی **ناگوار و هولناک** است که: زندگی را محدود به دنیا می بینند یا با کوله باری از گناه با آن مواجه می شوند .نترسیدن خداپرستان از مرگ به این معنا نیست که آنان آرزوی مرگ می کنند، بلکه آنان از خداوند **عمر طولانی** می خواهند تا بتوانند در این جهان با

تلاش در راه خدا و خدمت به انسان ها، با **اندوخته ای کامل** تر خدا را ملاقات کنند و به درجات برتر بهشت نائل شوند . از طرف دیگر، همین عامل سبب می شود که **دفاع** از حق و مظلوم و **فداکاری** در راه خدا **آسان تر** شود و **شجاعت** به مرحله ی **عالی** آن برسد و آن گاه که حیات این دنیا چیزی جز ننگ و ذلت نباشد و فداکاری در راه خدا ضروری باشد،انسان ها به استقبال شهادت روند و با شهادت خود، راه **آزادی** انسان ها را هموار کنند؛ از این رو، آن گاه که حضرت امام حسین در دو راهی ذلت و شهادت قرار گرفت، شهادت را برگزید و فرمود:

اِنّی لا اَرَی المَوتَ الّا سَعادَةً — من مرگ را جز سعادت، **مرگ با عزت**

وَ الحَیاةَ مَعَ الظّالِمین — و زندگی با ظالمان را جز ننگ

اِلّا بَرَمًا — می دهد: و خواری نمی بینم. **زندگی با ذلت**

یک مثال دیگر:

شب عاشورا حضرت قاسم فرزند حضرت امام حسن علیه السلام نزد عمویش آمد و پرسید:

عموجان آیا من هم شهید می شوم؟

امام به جای جواب، پرسید :چنین رفتنی پیش تو چگونه است؟

جواب داد :شیرین تر از عسل! (((اِنّی لا اَرَی المَوتَ الّا سَعادَةً)))

امام فرمود :آری، تو هم شهید خواهی شد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

یادداشت های من درس ۵:

.....

فصل دوم: درس ۵ تا ۹ دینی دوم

درس ششم(آینده روشن)

پیامبران الهی، مرگ راگذرگاهی به حیات برتر می دانند.(لحی الحیوان)

قانون عقل و خبر پیامبران:

اگر سیم برقی را که بدون حفاظ است، بر دیوار منزل خود مشاهده کنیم و یکی از اعضای خانواده به ما خبر دهد که در آن برق جریان دارد، از دست زدن به آن خودداری می کنیم . زیرا در این گونه موارد از یک قانون عقلی پیروی می کنیم که می گوید دفع خطر احتمالی لازم است .

حال اگر با خبری مواجه شویم که از قطعی ترین خبرهاست، با آن چگونه برخورد می کنیم؟ آن هم خبری که درباره ی زندگی ابدی ماست.

مهمترین خبری که انبیاء دربار ه ی آینده ی بشر آورد ه اند، خبر از معاد و سرای آخرت است . همه ی آنان پس از ایمان به خدا، ایمان به آخرت را مطرح کرده و آن را لازمه ی ایمان به خدا دانسته اند . قرآن کریم با چنان صراحت و قطعیتی از آخرت یاد می کند که جای هیچ شک و شبه های را باقی نمی گذارد .در این کتاب الهی، بعد از توحید و یکتاپرستی، دربار ه ی هیچ موضوعی به انداز ه ی معاد سخن نرفته است. حدود ۲۵ درصد آیات قرآن کریم به موضوع معاد اشاره دارد. اول توحید بعداً معاد

کدام یک از آیات ابتدای درس خبر از جهان آخرت به ما می دهد؟ در این آیه بر چه نکاتی درباره ی قیامت تأکید شده است؟

اللّهُ لَا إِلَه إِلَّا هُوَ تقدم محبت بر بیزاری ؛ یگانگی خدا در همه ی ابعاد

لَيَجْمَعَنَّكُم إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ حاکمیت تدبیری حساب شده در جهان خلقت ضرورت برپایی قیامت را ایجاب می کند
قطعیت موضوع معاد و رستاخیز(لا ریب فیه)

وَمَنْ أَصْدَقُ مِن اللّهِ حَدِيثًا صادق القول بودن خدا

قاعده عقلی : دفع خطر احتمالی لازم است.

در جواب: چرا ممکن نیست که دفتر زندگی انسان با مرگ بسته شود و همه ی کمالات کسب شده را از دست بدهد؟

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

الله=محبت(تولی)

لا اله=بیزاری(تبری)

ایمان به معاد لازمه ایمان به خداست: يَوْمِ الْقِيَامَةِ+ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

از ریشه جمع دیدی=معاد جسمانی و روحانی=حقیقت معاد

وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا .... لَا رَيْبَ فِيهِ (دلیل از تردید بودن معاد بخاطر صادق القول بودن خداوند)

علت معلول

قرآن کریم تنها به خبر دادن از آخرت قناعت نکرده و بارها با دلیل و برهان ضرورت آن را ثابت کرده است .از جمله راه هایی که قرآن کریم برای بیان ضرورت معاد بر آن ها تأکید کرده است، عبارتند از:

ضرورت معاد=چرا باید معادی باشد؟

۱ حکمت الهی

۲ عدل الهی

ضرورت معاد براساس حکمت الهی

حکیم کسی است که کارهایش **هدفمند** است و به نتایج صحیح و درست منتهی می شود .از این رو خدای حکیم، مرتکب کار **عبث** و بیهوده نمی شود، زیرا کار عبث از **جهل و نادانی** سرچشمه می گیرد .هر موجودی را برای هدف شایسته ای خلق می کند و امکانات رسیدن به آن **هدف** را هم به او عطا می نماید و اگر **تمایلات و گرایش هایی** در وجودش قرار داده، پاسخ مناسب آن را هم پیش بینی کرده است .به طور مثال، در مقابل **احساس تشنگی و گرسنگی** حیوانات، آب و غذا را آفریده تا بتوانند تشنگی و گرسنگی خود را برطرف نمایند.

حال اگر به وجود خود توجه کنیم، می بینیم که هر انسانی **گرایش به بقا و جاودانگی** دارد و از مرگ و نابودی گریزان است و بسیاری از کارهای خود را برای حفظ و بقای خود انجام می دهد.

همچنین هر انسانی **طالب و خواستار** همه ی کمالات و زیبایی هاست و این طلب به هیچ حدّی محدود نمی شود .

او **به دنبال** پایان ناپذیرها و افول ناشدنی هاست.(حضرت ابراهیم: لا اُحِبُّ الآفِلِينَ)

حکیم کیست ؟ کسی است که که کار هایش هدفمند است و به نتایج صحیح منتهی میشود

البرز توشه توشه ای برای موفقیت

دنیایی که در آن زندگی می کنیم و عمر محدود انسان ها پاسخ گوی این گونه **نیاز**ها نیست . نمی شود که خداوند **عشق** به **خود و حیات ابدی** را در وجود کسی قرار دهد و سپس او را در حالی که مشتاق اوست، از هستی بیندازد .نمی شود که انسان های با ایمان و درستکار با پیروی از دین و تبعیت از فطرت و عقل به درجاتی از **رشد و کمال** برسند و با رسیدن مرگ دفتر زندگی آنان بسته شود و همه ی کمالات کسب شده را از دست بدهند .چنین کاری از خداوند حکیم محال است و هرگز سرنخواهد زد.

کلید های ضرورت معاد براساس حکمت الهی:

هدفمند/عبث/هدف/تمایل/گرایش/احساس/طالب/خواستار/به دنبال/عشق به خدا و حیات ابدی/رشد/کمال/نیاز/بینهایت

اَفَحَسِبتُم؟ بیان ضرورت تحقق معاد از طریق طرح استفهام انکاری — پرسش از منکران معاد

اَنَّما خَلَقناکُم عَبَثًا ضرورت - حکمت (عبث) — توحید خالقیت خلقت حکیمانه و هدف دار

وَ اَنَّکُم اِلَینا لا تُرجَعونَ بازگشت به سوی خدا — کاروان هستی از خداست و رو به سوی خدا دارد.

مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ضرورت - حکمت

ذَلکَ ظَنُّ الَّذِینَ کَفَرُوا چه کسانی آفرینش آسمان و زمین را باطل می پندارند؟

یکی از مصادیق کفر حکیمانه ندانستن نظام آفرینش است

فَوَیْلٌ لِلَّذِینَ کَفَرُوا مِنَ النَّارِ عقوبت بی اعتقادی به قیامت (ذلک ظن) — بیم دادن خدا به کافران

وجود دو ویژگی **گرایش به بقا و جاودانگی و خواستار کمالات بی نهایت بودن** در انسان اثبات کننده ی معاد در پرتو **حکمت الهی** است.

ضرورت معاد براساس عدل الهی: **عدل=قسط=میزان**

عدل یکی از **صفات الهی** است .خداوند عادل است و جهان را بر عدل استوار ساخته است.

رسول خدا می فرماید: بِالعَدلِ قامَتِ السَّماواتُ وَ الأَرضُ آسمان ها و زمین براساس عدل پابرجاست.

زندگی انسان ها نیز در داخل این نظام عادلانه قرار دارد؛ از این رو، خداوند وعده داده است که هرکس را به آن چه **استحقاق** دارد برساند و حقّ کسی را ضایع نگرداند.

اما زندگی انسان در دنیا به گونه ای است که امکان تحقق این وعده را نمی دهد .

زیرا:

الف **پاداش** بسیاری از اعمال، مانند شهادت در راه خدا، در دنیا امکان پذیر نیست.

همچنین پاداش کسی که کارهای نیک فراوانی دارد و به جمع زیادی از انسان ها خدمت کرده است، با توجه به عمر محدودی که دارد، میسّر نیست.

ب **مجازات** بسیاری از کسانی که به دیگران ستم کرده اند در این دنیا عملی نیست. برای مثال، مجازات کسی که افرادی را به قتل رسانده یا مانع رشد استعدادهای بسیاری از انسان ها شده است، در این جهان ممکن نیست .و اگر جهان دیگری نباشد، که ظالم را به مجازات واقعی اش برسانند و حق مظلوم را باز ستانند، بر نظام عادلانه ی خداوند ایراد وارد می شود.

کلید های ضرورت معاد براساس عدل الهی:

استحقاق / پاداش / کیفر/ قسط/ میزان / ام نجعل / لایظلم/مجازات/عدم قابلیت جبران/استعداد/**ک در آیات**

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَ الْمُفْسِدِينَ ضرورت - عدل (ام نجعل)

فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَ الْفُجَّارِ عدم برابری اهل ایمان و عمل صالح با مفسدان و پرهیزکاران با بدکاران در پیشگاه خدا

نظام عادلانه جهان=وعده خداوند(هر کس به آنچه استحقاق دارد می رسد+حق کسی ضایع نمی گردد)

لتجزی کل نفس بما کسبت و هم لایظلمون ضرورت-عدل

نکته: هر گاه از ریشه کسب کلمه ای در آیات آمد اشاره داره به نتایج بازتاب اعمال خودمان.

امکان معاد جسمانی:

چگونه ممکن است که با وجود مرگ و پوسیده شدن انسان دوباره زنده شود و جسم داشته باشد.

کدام گروه از افراد در امکان معاد جسمانی تردید می کنند؟ آنان فکر می کنند حقیقت انسان همین بعد جسمانی اوست.

چگونه ممکن است که همه انسان ها پس از مرگ و پوسیده و متلاشی شدن،دوباره زنده شوند؟

قرآن کریم از دو جهت به این سؤال پاسخ می دهد:

۱ حقیقت وجود انسان، نفس و روح اوست و این حقیقت، هنگام مرگ نابود نمی شود بلکه توسط فرشته ی مرگ به تمام و کمال دریافت می گردد .(توفی)

۲ پاسخ دیگر قرآن کریم مربوط به امکان آفرینش مجدد جسم برای پیوستن به روح در آخرت است .این پاسخ خود به سه گونه طرح شده و به اثبات آفرینش مجدد جسم پرداخته است.(امکان معاد جسمانی)

۱)قدرت بی پایان(قادرین)

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ بَلَى قَادِرِينَ عَلَى أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَ

معنی: آیا آدمی می پندارد که ما استخوانهایش را گرد نخواهیم آورد؟آری، ما قادر هستیم که سر انگشتهایش را برابر کنیم.

اشاره به قدرت نامحدود خدا (ایحسب – قادر)

۲)به دلیل آفرینش نخستین انسان(حی)

امکان معاد با تمثیل

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ

معنی: در حالی که آفرینش خود را از یاد برده است ، برای ما مثل می زند که چه کسی این استخوانهای پوسیده را زنده می کند ؟ بگو :کسی آنها را زنده می کند که در آغاز بیافریده است ، و او به هر آفرینشی داناست.

۳)به دلیل رستاخیز در طبیعت(میت)

مرحله دو قیامت

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ

معنی:خداست که بادها را می فرستد تا ابرها را برانگیزند و ما آنها را به سرزمینهای مرده می رانیم و زمین مرده را به آن زنده می کنیم زنده گشتن در روز قیامت نیز چنین است.

نکته مرگ: در تست زنی و کنکور سراسری اگر هر دو کلمه "حی" و "میت" وجود داشت اولویت با "میت" است یعنی: رستاخیز در طبیعت.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَٰلِكَ تُخْرَجُونَ

معنی :زنده را از مرده بیرون آرد و مرده را از زنده و زمین را پس از، مردنش زنده می سازد و شما نیز این چنین از گورها بیرون شوید

اشاره به نظام مرگ و زندگی طبیعت / قیامت در مرحله دوم

پایان درس ششم سال دوم

یادداشت های درس ششم:

...

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

فصل دوم: درس ۵ تا ۹ دینی دوم

درس هفتم(منزلگاه بعد=برزخ)

قرآن کریم از وجود عالمی پس از مرگ خبر می دهد، به نام برزخ

برزخ در لغت به معنای فاصله و حایل میان دو چیز است .عالم برزخ نیز میان زندگی دنیایی و حیات اخروی قرار گرفته و آدمیان، پس از مرگ وارد آن می شوند و تا قیامت در آن جا می مانند.

و من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون

عالم برزخ میان دنیا و اخرت است.

انسان ها پس از مرگ وارد برزخ می شوند.

مدت حضور در عالم برزخ تا زمانی است که قیامت برپا گردد.

ویژگی های برزخ:

1)پس از مرگ، گرچه فعالیت های حیاتی بدن متوقف می شود، امّا فرشتگان حقیقت وجود انسان را که همان روح است توفّی می کنند، یعنی آن را به طور تمام و کمال دریافت می کنند.

اِنَّ الَّذینَ تَوَفّاهُمُ الْمَلائِکَةُ

شاخ نکته: آیه ای که ((انَّ الذین))+((توفی)) دارد آخرش به ((ساءت مصیرا)) ختم می شود و درباره ی ستم بر خود توسط گناهکاران و توجیه آنان درمورد اظهار ناتوانی بر ترک گناه و فرار از مسئولیت. اینجوری بگو که یادت نره!!خدا ظالمین رو قطعاً قطعاً (ان) مجازات میده!!

الَّذینَ تَتَوَفّاهُمُ الْمَلائِکَةُ طَیِّبینَ

شاخ نکته: آیه ای که ((الذین)) +((توفی)) دارد آخرش به ((ادخلوا الجنه بما کـــــنتم تعملـــــون)) ختم می شود و سخن فرشتگان به پاکان در برزخ که بدلیل اعمال نیک مستمر دنیایی پاکان وصول به بهشت برزخی یافته اند.

غول نکته!

توفا: جهنم برزخی

توفا:بهشت برزخی

نکته ی توفی در اندیشه و تحقیق درس: توفی به معنای دریافت تمام و کامل است و کاملاً مربوط به بعد روحانی و غیرمادی انسان استو کاربرد آن برای مرگ انسان و دریافت روح توسط فرشتگان بیانگر این واقعیت است که حقیقت وجود انسان فقط روح است زیرا در هنگام مرگ فقط روح انسان گرفته می شود؛ اما به تعبیر قران همه ی وجود انسان گرفته می شود و این خود به معنای حقیقت بودن روح است.

2) بنابراین گرچه بدن حیات خود را از دست می دهد، امّا روح همچنان به فعالیت آگاهانه ی خویش ادامه می دهد.(فعالیت آگاهانه=هوشیاری و اگاهی)(رمز=قال+ارجعون)

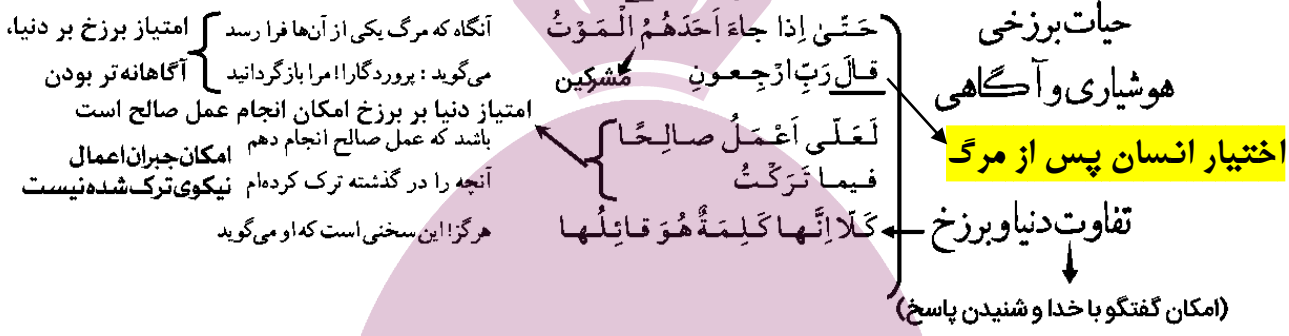

غول نکته ی دینی(!): طبق متن درس داریم:

ظرف تحقق

توفـــــــــــــــی می دهد= فعالیت آگاهـــــانه روح در عالم برزخ

علت معلول

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

برزخ در کلام پیامبر

در جنگ بدر، وقتی بزرگان لشکر کفار کشته شدند و سپاه اسلام پیروز شد، رسول خدا آن کشتگان را ندا داد :ای فلان، ای فلان، آنچه پروردگارمان به ما وعده داده بود، حق یافتیم؛ آیا شما نیز آنچه پروردگارتان وعده داده بود، حق یافتید؟(زندگی و حیات آگاهانه برزخ)

گفته شد :ای رسول خدا، آیا ایشان را می خوانی درحالی که مردگان اند؟

فرمود :قسم به کسی که جانم در دست اوست، ایشان به این کلام از شما شنواترند، و فقط بر پاسخ دادن توانا نیستند.(افزایش آگاهی در برزخ=شنواترند)

3)در این عالم، انسان با فرشتگان گفتگو می کند و پاسخشان را می شنود .همچنین

اموری را درک و مشاهده می کند که درک آن ها در دنیا ممکن نبود .به طور مثال، اعمالی

را که در دنیا انجام داده، مشاهده می کند.((شاخ نکته: گفتگو با خدا در آیه دیدی(که همراه با درخواست بازگشت به دنیا است) سریع بزن فعالیت آگاهانه ولی اگه گفتگوی فرشتگان با انسان دیدی یعنی از ریشه ی قال همراه با ملائکه در آیه دیدی بزن گفتگو با فرشتگان یا درک و مشاهده امور غیر قابل درک در دنیا که با مشاهده اعمالی که در دنیا انجام شده است متناسب است.))

إِنَّ الَّذينَ تَوَفّاهُمُ الْمَلائِكَةُ ظالِمي أَنْفُسِهِمْ ← ستمگران=گناهکاران=بیدادگران

فرشتگان مرگ به گناهکاران در برزخ ← قالوا فيمَ كُنْتُمْ ← اولین سؤال فرشتگان از گناهکاران در برزخ

گناهکاران به فرشتگان مرگ در برزخ ← قالوا كُنّا مُسْتَضْعَفينَ فِي الْأَرْضِ ← توجیه گناهکاری خود

فرشتگان مرگ به گناهکاران در برزخ ← قالوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللّهِ واسِعَةً فَتُهاجِروا فيها ← انسان مسئول اعمال خود است و عذر و بهانه پذیرفته نیست

فَأُولئِكَ مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ وَ ساءَتْ مَصيرًا ← بخشی از جزای گناهکاران در برزخ داده می شود به دلیل قابلیت جزا پس برزخ وسیعتر از دنیا است.

نساء، ۹۷

الَّذينَ تَتَوَفّاهُمُ الْمَلائِكَةُ طَيِّبينَ

فرشتگان مرگ به طیبین در برزخ ← يَقولونَ سَلامٌ عَلَيْكُمُ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ ← معلول: برخورداری از درود فرشتگان هنگام ورود به بهشت برزخی معلول اعمال نیک مستمر است.

بِما كُنْتُمْ تَعْمَلونَ ← علت: کان + فعل مضارع = استمرار

نحل، ۳۲

برزخ در کلام پیامبر:

در جنگ بدر، وقتی بزرگان لشکر کفار کشته شدند و سپاه اسلام پیروز شد، رسول خدا آن

کشتگان را ندا داد :ای فلان، ای فلان، آنچه پروردگارمان به ما وعده داده بود، حق یافتیم؛ آیا شما نیز آنچه پروردگارتان وعده داده بود، حق یافتید؟(زندگی و حیات آگاهانه برزخ)

گفته شد :ای رسول خدا، آیا ایشان را می خوانی درحالی که مردگان اند؟

فرمود :قسم به کسی که جانم در دست اوست، ایشان به این کلام از شما شنواترند، و فقط بر

پاسخ دادن توانا نیستند.(افزایش آگاهی در برزخ=شنواترند)

برزخ در کلام امام کاظم:

امام کاظم (ع):

کمیت فضایل تعیین کننده کمیت دیدار مومن با خانواده اش است

مومن برحسب مقدار فضیلت هایش پس از مرگ به دیدار خانواده اش می رود برخی از آنان هر روز و برخی هر دو روز و برخی هر سه روز و کمترین آنان هر جمعه.(فعالیت آگاهانه و هوشیاری و آگاهی انسان در برزخ

3) بخشی از پاداش و جزای مردم در عالم برزخ داده می شود. مؤمنان در بهشت برزخی و کافران در جهنم برزخی که تجلی کوچکی از بهشت و جهنم آخرت است، روزگار می گذرانند.

فَأُولٰئِكَ مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ وَ ساءَتْ مَصيرًا

بخشی از جزای گناهکاران در برزخ داده می شود به دلیل قابلیت جزا پس برزخ وسیعتر از دنیا است.

ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

برخورداری از درود فرشتگان هنگام ورود به بهشت برزخی معلول اعمال نیک مستمر است.

علت: کانَ + فعل مضارع = استمرار

نحل، ۳۲

فَوَقاهُ اللّٰهُ سَيِّئاتِ ما مَكَروا وَ حاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سوءُ الْعَذابِ

موسی: پس خدا او را حفظ کرد از بدی‌های نیرنگ آنان و احاطه کرد آل فرعون را بدترین عذاب. «جهنم برزخی»

کل آل فرعون نه فقط فرعون را

النّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْها غُدُوًّا وَ عَشِيًّا

آنان بر آتش عرضه می‌شوند هر بامداد و شامگاه

تشابه زمانی دنیا و برزخ ←

قیامت: وَ يَوْمَ تَقُومُ السّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذابِ

و آن‌گاه که قیامت بر پا شود (ندا می‌رسد) وارد کنید آل فرعون را در شدیدترین عذاب «جهنم قیامت»

غافر، ۴۵ و ۴۶

برزخ در کلام امام صادق:

جایگاه برزخی عمل: (عمل انسان همراه همیشگی اوست و تا قیامت با او می ماند.)

امام صادق (ع) فرمود :هنگامی که مرده ای را در قبر می گذارند، شخصی بر او ظاهر می شود و به او می گوید :ای فلان، ما در دنیا سه چیز بودیم :رزق تو که با پایان یافتن مهلت تو قطع شد و اینک همراه تو نیست خانواده ات که تو را رها کردند و بازگشتند و من که عمل تو هستم که با تو می مانم . آگاه باش(فعالیت آگاهانه انسان در برزخ) که من در میان این سه، در نزد تو از همه بی ارزش تر و سبک تر بودم.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

4) ارتباط عالم برزخ با دنیا، پس از مرگ نیز هم چنان برقرار است، بدین معنا که پرونده ی اعمال انسان ها با مرگ بسته نمی شود و پیوسته بر آن افزوده می گردد.

همان گونه که قرآن کریم می فرماید،اعمالی که انسان در زمان حیات خود انجام می دهد، دارای آثاری هستند که برخی از این آثار بعد از حیات او هم باقی می ماند . آثاری را که بعد از مرگ ازاعمال انسان بر جا می ماند **ما تاخر** می نامند یعنی با این که فرد از دنیا رفته، پرونده ی عملش همچنان **گشوده** است و آثار عمل در آن ثبت می گردد. همچنین به اعمال و آثاری که پیش از مرگ ، در پرونده اعمال فرد ثبت شده است **ما تقدم** می گویند.

مثال: ما تاخر: از ریشه ی اخر + آثار ما تقدم: از ریشه قدم

کسی مسجدی می سازد تا مردم در آن خدا را عبادت کنند و وظایف اجتماعی خود را انجام دهند، تا وقتی که این فرد زنده است، به خاطر هر کار خیری که در مسجد صورت می گیرد، به او پاداش می دهند .این پاداش، مربوط به مسجد ساختن و آثار ماتقدم آن است .پس از مرگ او نیز تا زمانی که از مسجد استفاده می کنند، در پرونده ی عمل او پاداش می نویسند و بر حسنات او می افزایند. این افزایش حسنات نیز مربوط به آثار ما تأخر است.

طبق درس ششم چون حی+موت داریم و اولویت با موت است میشه اثبات امکان معاد طبق رستاخیز در طبیعت

ارتباط دنیا با برزخ
اعمال ما تأخر

إِنّا نَحنُ نُحيِي المَوتىٰ وَ نَكتُبُ ما قَدَّموا وَ آثارَهُم
ثبت پیوسته اعمال (تشابه دنیا و برزخ)
یس، ۱۲

صوردوم – زنده شدن انسانها
همانا که ما مردگان را زنده می‌کنیم
و اعمالی را که پیش فرستاده‌اند و آثارشان را ثبت می‌نماییم.

يُنَبَّأُ الإِنسانُ يَومَئِذٍ بِما قَدَّمَ وَ أَخَّرَ
قیامت
در آن روز به انسان خبر داده می‌شود به آنچه پیش فرستاده و آنچه پس فرستاده است
قیامة، ۱۳

ظرف تحقیق آیه عالم قیامت است.

برزخ در کلام پیامبر:

هر کس **سنت و روش نیکی** را در جامعه جاری سازد، تا وقتی که در دنیا مردمی به آن سنّت عمل می کنند، ثواب آن اعمال را به حساب این شخص هم می گذارند، بدون این که از اجر انجام دهنده ی آن کم کنند و هر کس **سنّت زشتی** را در بین مردم باب کند، تا وقتی که مردمی بدان عمل کنند، گناه آن را به حساب او نیز می گذارند، بدون این که از گناه عامل آن کم کنند. پیام: برخورداری انسان از آثار بخشی از اعمال خود در دنیا پس از مرگ

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

برزخ در کلام امام صادق:

شش چیز است که مؤمن، بعد از مرگ نیز از آن ها بهره مند می شود:

رمز: کف چادر — آبی که برای خیرات جاری کرده — واسمون باقی میمونه!

فرزند صالحی که برای او طلب مغفرت کند،
کتاب قرآنی که از آن قرائت شود،
چاه آبی که حفر کرده و به مردم اب می دهد،
درختی که کاشته است،
آبی که برای خیرات **جاری** کرده
و **روش پسندیده** ای که بنا نهاده و دیگران پس از وی، آن را **ادامه** می دهند.

پاشنه آشیل همه کنکوری ها درترکیب آیات درس هفتم(برزخ) با آیات درس نهم(قیامت)

رمز های تعیین کننده برای تشخیص و تفکیک آیات برزخ از قیامت:

قـــــــ

یادداشت های درس هفتم:

...

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

فصل سوم: درس ۱۰ تا ۱۳ دینی دوم

درس ۱۰ دینی دوم(اعتماد بر او)

اَلَیسَ اللّهُ بکافٍ عَبدَه آیاخدا برای بنده اش کافی نیست؟

مبنای توکل بر خدا چیست؟ کاف(کفایت او برای بندگان)

رابطه ی میان .... و ... مستقیم می باشد.(توکل - عبودیت و بندگی)

نکات مقدمه و تیپ تست های (مقدمه):

۱) سرنوشت ابدی انسان ها براساس رفتار آنان در دنیا تعیین می شود.

۲) سنجش ۹۱ : پاداش و کیفر اخروی(ابدی) ساخته ای (اعمال-رفتار-اهداف) ماست که قران کریم خطاب به کسانی که زر و سیم اندوختند و در راه خدا انفاق نمی کنند می فرمایید: (و هر کس به اندازه ای بدی کند آن را می بیند/پس آنچه می اندوختید را بچشید.)

۳) سرنوشت ابدی انسان ها براساس رفتار آنان در دنیا تعیین می شود

پس لازم است: (می دهد)(قبل می دهد = علت)(بعد می دهد = معلول)

۱)بار دیگر با خدای خود تجدید عهد کنیم.(تجدید عهد با خدا)

۲)تصمیم بگیریم راه زندگی را محکم تر و مطمئن تر از گذشته بپیماییم.((تصمیم پیمودن مصمم راه زندگی)

۳)عوامل تقویت کننده عزم را به یاد داشته باشیم و به کار ببندیم.(مثال:توکل)

درس یک سال سوم: نیاز برتر سوم انسان همان: کشف راه درست زندگی است که دغدغه اصلی انسان های فکور و خردمند است.
مرتبط با دو نیاز برتر قبلی است یعنی:۱)درک هدف زندگی و ۲)درک آینده ی خویش/ دلیل اهمیت این نیاز: تنها یک بار به دنیا آمدن و تنها یک بار زندگی در دنیا را تجربه کردن/عدم انتخاب راه درست زندگی می دهد: ۱)عدم دست یابی به هدف برتر خلقت
۲)خسران(زیان) در جهان آخرت ۳)عدم تنظیم مناسب زندگی دنیوی
۴)عدم به وجود آمدن جامعه ای عادلانه(خسران دنیوی و اخروی هر دو باهم)//ارتباط با آیه ی اهدنا الصراط المستقیم...غیرالمغضوب علیهم و لاالضالین(پیام:درخواست هدایت الهی و کشف راه درست زندگی توسط انسان(اهدنا) + خروج از صراط مستقیم می دهد: ورود انسان به گمراهی و قرار گرفتن در خشم الهی

سوپر تست احتمالی(طراح استاد غفوری) : (جاهای خالی را پر کنید)

درخواست .... از خداوند معلول .... است که آیه ..... ترسیم کننده پیام مورد دوم می باشد. پاسخ: هر ۵ مورد از موارد زیر بدرستی تکمیل می کنند.

هدایت الهی توسط انسان – تعیین سرنوشت ابدی براساس رفتار در دنیا – قیل ادخلو ابواب جهنم خالدین فیه
هدایت الهی توسط انسان – تعیین سرنوشت ابدی براساس رفتار در دنیا – و لکن حقت کلمه العذاب علی الکافرین
هدایت الهی توسط انسان – تعیین سرنوشت ابدی براساس رفتار در دنیا – طبتم فادخلوها خالدین
هدایت الهی توسط انسان – تعیین سرنوشت ابدی براساس رفتار در دنیا – و اورثنا الارض نتبوا من الجنه حیث یشاء
هدایت الهی توسط انسان – تعیین سرنوشت ابدی براساس رفتار در دنیا – فمن یعمل مثقال ذره خیرا/شرا یرهٗ

حقیقت توکل بر خداوند: ارتباط دارد با: الیس الله بکاف عبده +حسبی الله + کفایت و بس بودن خدا برای انسان متوکل

۱.توکّل بر خدا به معنای اعتماد به خداوند و سپردن نتیجه ی کارها به اوست.

۲.انسان متوکّل خداوند را تکیه گاه مطمئن خود می یابد و در عین عمل به وظایف، امورش را به او واگذار می کند.

۳.انسان متوکّل می داند که در صورت انجام وظیفه، هر نتیجه ای که به دست آید، به مصلحت اوست، گرچه خود بدان مصلحت آگاه نباشد (معلول) زیرا خدای حکیمی(حق) که جهان را تدبیر (توحید ربوبیت) و اداره (توحید ربوبیت) می کند از هر کس نسبت به ما مهربان تر (اِنَّ اللّهَ یُحِبُّ الْمُتَوَکِّلین) است (علت) .

ترکیب و جمع بندی خفن:

ان فی خلق سماوات و ارض و اختلاف لیل و نهار لایات لاولی الباب الذین... ربنا ما خلقتَ هذا باطلاً ... سبحانک فقنا عذاب النار

خلق الله سماوات و ارض بالحق ان فی ذلک لایه للمومنین

آثار صنع و نشانه های حکمتش در نوآوری های بی سابقه و خلقت بی نظیرش هویداست.

هر یک از موجوداتی که خدا آفریده برهان آفریدگاری و دلیل خداوندی اوست(ان فی خلق سماوات و ارض...) حتی اگر آن موجود جامد و بی زبان باشد چرا که آن هم با زبان بی زبانی خالق خود را معرفی می کند و تدبیر(توحید ربوبیت) خدا را باز می گوید.

ما خلقنا سماوات و ارض و ما بینهما الا بالحق و اجل مسمی و الذین کفروا عما انذروا معرضون

خلق سماوات وارض بالحق و صورکم فاحسن صورکم و الیه المصیر

و من آیاته ...

و خلق الله سماوات و ارض بالحق و لتجزی کل نفس بما کسبت و هم لایظلمون

افحسبتم انما خلقناکم عبثاً و انکم الینا لا ترجعون

و ما خلقنا السماء و الارض و ما بینهما باطلاً ذلک ذن الذین کفروا من النار

و قضی بینهم بالحق و هم لایظلمون

والوزن یومئذ الحق

تکنیک حفظ آیات حق دار

خلق الله ... حق ... ایات للمومنین

خلق ..... حق ... فاحسن صورکم الیه مصیر

ما خلقنا...الا حق.. اجل مسمی+کفروا+معرضون

و خلق....حق..... ولتجزی کل نفس بما کسبت و لا یظلمون

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

می دهد

انسان متوکّل می داند که در صورت انجام وظیفه، هر نتیجه ای که به دست آید، به مصلحت اوست، گرچه خود بدان مصلحت آگاه نباشد.

۴. تکیه و اعتماد بر خدا به انسان آرامش می دهد و به آینده امیدوار می کند.

اولین پیامد دیدگاه پیامبران الهی درمورد معاد: اولین پیامد این نگرش، بیرون آمدن زندگی از بن بست و باز شدن پنجره ی امید و روشنایی به روی انسان و ایجاد شور و نشاط و انگیزه ی فعالیت و کار در زندگی است چنین انسانی دارای انرژی فوق العاده و همت خستگی ناپذیر است و از کار خود لذت می برد. او با تلاش و توان بسیار در خدمت به خلق خدا می کوشد و می داند که هر چه بیش تر به دیگران خدمت کند، آخرت او زیباتر خواهد بود مثال: حضرت علی و کار در نخلستان و حفر چاه و وقف چاه برای مردم.

۵. حضرت علی در یکی از دعاهای خویش می گوید:

خداوندا تو با آنان که به تو بیش تر عشق می ورزند، بیش از دیگران انس می گیری(انسان متوکل لیاقت بیشتری برای بهره مندی از امداد های خداوند دارد.)

و برای اصلاح کار آنان که بر تو توکّل می کنند از خودشان آماده تری، (انسان متوکل لیاقت بیشتری برای بهره مندی از امداد های خداوند دارد.)

اسرار ایشان را می دانی و بر اندیشه هایشان آگاهی و بر میزان بینش آنان دانایی.(و کـــــفی به بذنوب عباده خبیـــــرا)

رازهایشان نزد تو آشکار و دل هایشان در حسرت دیدار تو داغدار.

اگر تنهایی، آنان را به وحشت اندازد، یاد تو آنان را آرام سازد(تنهایی انسان نقطه ی مقابل یاد خداست و یاد خداوند انسان ها را از وحشت تنهایی نجات می دهد.)

و اگر مصیبت ها بر آنان فرو بارد، به تو پناه آورند و روی به درگاه تو دارند(استعاذه و پناه بردن به خداوند)، چون می دانند سر رشته ی کارها به دست توست(توحید ربوبیت) (چرا انسان های توکل کننده به خداوند در هنگام مصیبت روی به درگاه خداوند دارند؟ چون ...)(فلسفه ی توکل بر خداوند اعتقاد به توحید ربوبیت است)

تصمیم و توکل(رابطه مستقیم دارند) :

نوجوانی و جوانی دوران تصمیم های بزرگ است(معلول) زیراهرچه عمر می گذرد و قوای انسان به سستی می گراید، توان انسان برای تصمیم های بزرگ نیز کاهش می یابد(علت).

۴ ویژگی جوان و نوجوان که نشان می دهد در نوجوانی و جوانی نیاز شدیدتری به توکل و اعتماد بر خداوند حس می شود:

۱)معمولاً آزاد از تمنّیات و وابستگی هاست .
۲)شجاعت روحی بالایی دارد و دست و پای وجودش چندان به رشته های دنیایی بسته نشده است.
۳) مانند برخی از بزرگسالان نیست که به ثروت یا مقام دل بسته یا در حسادت نسبت به دیگری بسوزد یا در فکر تجملات زندگی باشد
۴)او می تواند آرمان های بزرگ داشته باشد، آرمان هایی که از نوع پروازند، از نوع رفتن و صعود کردن، نه از نوع ماندن و در باتلاق زندگی دنیایی فرورفتن.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

سوپر نکته خفن غفوری:

و ما هذه الحیاه الدنیا الا لهو و لعب و ان الدار الاخره لهی الحیوان لو کانوا یعلمون(پیام:بیانگر دیدگاه پیروان ادیان در مورد حقیقت دنیا و جهان آخرت که دنیا بازیچه و سرگرمی و سرای عمل است در حالی که آخرت محل زندگی واقعی و سرای پاداش است و جهان آخرت به عنوان پاسخگوی میل به جاودانگی انسان است) ارتباط دارد با:

او(جوان و نوجوان) می تواند آرمان های بزرگ داشته باشد، آرمان هایی که از نوع پروازند، از نوع رفتن و صعود کردن، نه از نوع ماندن و در باتلاق زندگی دنیایی فرورفتن. دست و پای وجودش چندان به رشته های دنیایی بسته نشده است؛ مانند برخی از بزرگسالان نیست که به ثروت یا مقام دل بسته یا در حسادت نسبت به دیگری بسوزد یا در فکر تجملات زندگی باشد. جوان و نوجوان معمولاً آزاد از تمنّیات و وابستگی هاست.

سوپر تست تألیفی: (هر کدام از کلمات قرمز رنگ می تواند یک جای خالی در آزمون ها و کنکور سراسری باشد)

تحقق پیام آیه شریفه ی (و ما هذه الحیاه الدنیا..) در دوران نوجوانی و جوانی **بیشتر** است و این تصور نادرست که در این دوران زندگی نیاز شدیدتر به توکل و اعتماد بر خداوند نیست **معلول** دقت در پیام آیه شریفه ی **(ان هی الا حیاتنا الدنیا)** از زبان **الملا(اشراف)** یعنی کسانی که **(کافر شدند و دیدار آخرت را تکذیب)** کردند.

۲ نمونه از تصمیم های بزرگ(به ویژه در نوجوانی و جوانی) :

حضرت ابراهیم:

۱)در نوجوانی **مقاومت** در برابر خواسته های سرپرست و عموی خود (آزر)که او را دعوت به **بت پرستی** نمود.

۲)پس از آن در سنین بالاتر اقدام به **بت شکنی** نمود.

۳)**بنای کعبه**

۴)در اواخر عمر از امتحان الهی مبنی بر **قربانی کردن** فرزندش سربلند بیرون آمد.

حضرت امام علی(ع) :

۱)در سن ۱۰ سالگی تصمیمات بسیار سنگین و سختی در مقابل **هجوم قریش و معاندین** پیامبر گرفتند.

۲)به عنوان **اولین مرد مسلمان** به پیامبر ایمان آورد و در همه شرایط یار ایشان بود تا جایی که در سن ۲۳ سالگی با **خوابیدن** در بستر پیامبر فداکاری نمود و **توطئه** کسانی که قصد جان آن حضرت را داشتند **خنثی** نمود.

۳)**جنگ** های پی در پی **همراه** با پیامبر بودند.

۴)پس از رحلت پیامبر به قصد **حفظ** اسلام **سکوت** کردند و **خلافت** را در دوران پر از فتنه **قبول** نمودند.

بررسی ۳ آیه درس:

حقیقت توکل:

فَبِما رَحْمَةٍ مِنَ اللّهِ لِنْتَ لَهُمْ — (ای پیامبر) به (برکت) رحمت الهی (علت) / در برابر آنان نرم و مهربان شدی (معلول)

گرو — وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا — اگر درشت‌خو بودی

تحقق — غَلیظَ الْقَلْبِ — سنگدل

تحقق — لَانْفَضّوا مِنْ حَوْلِکَ — از اطراف پراکنده می‌شوند

۱- فَاعْفُ عَنْهُمْ (دلسوزی‌رهبر) ..... توکل وقتی درست است که انسان وظیفه و مسئولیت خود

۲- وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ (آموزش) .....

۳- وَ شاوِرْهُمْ فِی الْأَمْرِ (مشورت) ..... را انجام داده باشد.

۴- فَإِذا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللّهِ ..... قاطعیت همراه با توکل

إِنَّ اللّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ .....

بیانگر توحید عبادی

آل عمران، ۱۵۹ ← حدیث سربار-بیت جبار

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

نکات آیه لنت لهم: (عنوان کامل آیه: بما رحمت من الله می دهد لنت لهم تهشم خدا متوکلین رو دوست داره)

ارتباط آیه با: (نکته دوم توکل)

توکّل در جایی درست است که انسان مسئولیت و وظیفه ی خود را به خوبی انجام دهد،

یعنی ۱) فکر و اندیشه ی خود را به کار گیرد، با دیگران ۲) مشورت کند، بهترین راه ممکن را ۳) انتخاب نماید و با ۴)عزم و اراده ی محکم برای رسیدن به مقصود ۵) تلاش کند .در این صورت است که می توان بر خدا توکّل کرد . زیرا توکّل، جانشین تنبلی و ندانم کاری افراد نیست بلکه کمک کننده و امید دهنده به کسی است

که اهل همّت، تعقل و پشتکار است.(اهل تپه باشد)

ارتباط با دیدگاه پیامبر سربار:

توکل کننده بدون عمل سربار دیگران است.

ارتباط با بیت جبار:

گر توکّل می کنی در کار کن کشت کن پس تکیه بر جبّار کن

ارتباط با:

توکّل کننده ای که اهل معرفت باشد، می داند که انسان باید در راستای راهیابی به نیازها و خواسته هایش، از ابزار و اسباب بهره جوید . زیرا این ابزار و اسباب بنابر حکمت الهی قرار داده شده و بی توجّهی به آن ها، بی توجهی به حکمت و علم الهی است.

اگر در تستی بپرسند: برای رسیدن به تصمیم بهتر باید چه کنیم؟ ج:مشورت(و شاورهم ...)

اگر در تستی بپرسند: عامل تفرقه و پراکندگی افراد از یکدیگر و رهبر خویش چیست؟ ج:درشت خویی

اگر در تستی بپرسند: کدام قسمت آیه نشان دهنده رابطه احساس مسئولیت و توکل است؟ ج: و شاورهم فی...

بیانگر توحید عبادی

آیه دوم:

علت‌ومبنای‌توکل:

«چرا باید به خدا توکل کرد؟»

وَ تَوَکَّلْ عَلَی الْحَیِّ الَّذی لا یَموتُ .....

وَ سَبِّحْ بِحَمْدِهِ .....

وَکَفیٰ بِهِ یکی‌ازمبانی‌قابل‌تمسک‌توکل‌به‌خدا،کفایت‌آگاهی‌خدانسبت‌به‌بندگان‌است.

بِذُنوبِ عِبادِهِ خَبیرًا .....

فرقان، ۵۸

نکات خاص آیه:

۱)در این آیه از پیامبر خواسته شده که به خدا توکل کند چرا؟چون الف)زنده است و نمی میرد یعنی حضور همیشگی دارد و ب)او بر کار بندگان خود خبیر و آگاه است و علم خداوند کفایت دارد بر همه چیز از جمله گناهان بندگان

۲)لازمه ی توکل بر خداوند چیست؟ او را حی و حاضر دانستن است.

۳)قران کریم پس از آن که خدا را حی و حاضر و زنده اعلام می کند از پیامبر چه چیزی می خواهد؟ این که به تسبیح یا منزه شمردن خدا از هر عیبی و حمد چنین خدای بلند مرتبه ای بپردازد.

۴)کسی که بر خداوند توکل می کند باید ۳ مورد زیر را رعایت کند(داشته باشد) :

- حیات را صفت ذات خدا بداند(الحی الذی لا یموت)
- زبان به حمد و تسبیح و تنزیه خدا بگشاید(سبح بحمده)
- خود را در محضر خدا بیابد(کفی به ذنوب عباده خبیراً)

۵)تناسب مستقیم میان ((علم انسان بر حاضر و آگاه بودن خداوند بر همه چیز)) و ((توکل و اعتماد او بر خداوند)) وجود دارد.

۶)((کفی به ذنوب...خبیراً) ارتباط با آیه: ((انه خبیر بما تفعلون)) و آیه: ((و هو علی کل شی ء شهید)) = کل عالم وجود محضر خداوند است.

۷)ارتباط با نکته اول توکل: (توکل امری قلبی)

توکلّ کردن فقط به معنای گفتن جمله ی ((خدایا، بر تو توکلّ می کنم)) نیست بلکه انسان باید در قلب خود بر خدا توکلّ کند و واقعاً او را تکیه گاه خود ببیند .اگر این گونه باشیم، خداوند کارهای ما را به بهترین وجه چاره خواهد کرد و آن چیزی را که حقیقتاً به نفع ماست پیش خواهد آورد .خداوند آینده هایی را می بیند که ما نمی بینیم و به مصلحت هایی توجه دارد که ما درک نمی کنیم .گاهی چیزهایی را به نفع خود می پنداریم در حالی که به ضرر ماست، یا اموری را به ضرر خود می دانیم در حالی که به نفع ماست . بنابراین شایسته است که با اخلاص بر خدا اعتماد کنیم

+ارتباط با حدیث امام صادق(هر بنده ای از بندگانم ..... نیت خالص به جای پناه بردن به کسی...چاره جویی...)

۸)مطابق نکته ۸ که بر اخلاص در توکل تاکید شده و چون اخلاص معنای دیگری از توحید عبادی است بنابراین:

توکل ناظر بر توحید عبادی است.

۹)اگر بپرسند چرا باید بر خدا توکل کرد باید دو ویژگی خدا در این آیه یعنی: الف)زنده است و نمی میرد یعنی حضور همیشگی دارد و ب)او بر کار بندگان خود خبیر و آگاه است و علم خداوند کفایت دارد بر همه چیز از جمله گناهان بندگان ؛ را بیان کنیم به همراه یک ویژگی دیگر خداوند که در آیه ۳۸ زمر(آیه بعدی که بررسی می کنم) آمده است یعنی: ((تمام قدرت ها در اختیار خداست و تنها اوست که می تواند بدی ها را از ما دور کند و تنها اوست که نعمت ها را به ما می رساند و هیچ مانعی در مقابل او نیست)) را بیان کنیم.

۱۰)اگر بپرسند چرا بر غیر خدا نمی توان توکل کرد؟(اختصاص توکل به خدا) در این صورت حق نداریم از این آیه برای پاسخ گویی بهره.(باید از ۳۸ زمر بهره بگیرید)

آیه سوم:

نکات خاص آیه:

۱)اعلام خالقیت پروردگار توسط مشرکان(اعتراف به توحید خالقیت)

۲)پس از اعلام خالقیت خداوند، بیان می کند که بر غیر خدا و بت ها نمی توان توکل کرد(قل افرایتم ما تدعون من دون الله)

چرا؟ به دو دلیل:

الف)چون نه خالقیت از آنهاست.

ب)و نه ربوبیت از آنهاست چون قدرت بر سود و زیانی ندارند.

نتیجه گیری نکته دوم:

اختصاص توکل بر خدا و لزوم عدم توکل بر غیر خدا

۳)با توجه به((قل حسبی الله علیه یتوکل المتوکلون)) درمی یابیم: لزوم قبول انحصار کفایت و بس بودن خداوند برای متوکلان.

۴)با توجه به((ان ارادنی الله یضر...)) درمی یابیم: حکم و اراده ی الهی یعنی توحید ربوبیت و قضای الهی.

۵)ارتباط ((هل هن کاشفات ضره)) با این قسمت از حدیث امام صادق: ((گرچه همه ی آسمان ها و زمین و هرچه در آن هاست، علیه او برخیزند.)) نشان دهنده قدرت و اراده ی الهی که بر همه مخلوقات غلبه دارد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

فصل سوم: درس ۱۰ تا ۱۳ دینی دوم

درس ۱۱ دینی دوم(دوستی با حق)

مقدمه و تیپ تست مقدمه:

آفرینش با رحمت و محبّت آغاز شد.

خدای رحمان موجودات را آفرید و رحمتش را در همه جا گستراند و فرمود:

رَحْمَتی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْء (رحمت عام خداوند و گستره وسیع آن)

رحمتم هر چیزی را فراگرفته است

خدا با همین اسم رحمان(نه رحیم) آدمیان را آفرید و به سعادت و کمال راهنمایی کرد.

گروهی به خدا دل سپردند و راه اطاعت پیمودند و برخی محبّت و رحمتش را از یاد بردند و راه سرپیچی پیش گرفتند .خداوند درهای بازگشت(توبه) را به رویشان گشود و یاد خود را در دلشان انداخت تا شاید دوباره به سویش روکنند. بدین گونه اسم غفار خود را به نمایش گذاشت.

همه ي ما پيوند عاطفي ميان خود و خدا را احساس مي كنيم.
آرزوي ما خدايي شدن
مقصد و مأواي ما در كنار او آرام گرفتن
گرايش و شوق خدا به رستگاري و سعادت ما بيشتر از شوق ما به ديدار خداست. خداوند ابزار هاي رستگاري و كمال را مهيا ساخته و همت كوچك ما را با پاداش بزرگ پاسخ مي دهد.(7 پيش)

ان الله یحب التّوابین

بیت مقدمه:

نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود زمانه طرح محبّت نه این زمان انداخت

آفرینش با رحمت و محبّت آغاز شد.

پیام بیت: محبت و الفت بر افرینش جهان مقدم است و خداوند جهان را بر اساس محبت بنا نموده است. (رَحْمَتی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْء)

نکات ترکیبی مقدمه با درس ۷ دینی پیش دانشگاهی(توبه):

توبه: برای بندگان: به معنای بازگشتن از گناه به سوی فرمان برداری خداوند

برای خداوند: به معنای بازگشت خدا ازعقوبت و عذاب به سوی لطف و آمرزش توبه ی خدا از روی لطف و کرم او و برای بخشیدن انسان است.

نکته ۱: غفاریت ریشه در رحمانیت دارد تقدم رحمانیت بر غفاریت.

نکته۲: خداوند با نام غفار، با باز گذاشتن در های بازگشت برای گناهکاران خود به سوی آنها رفت و یاد خود را در دلشان انداخت.(متن درس توبه)

نکته ۳: توبه‌پاک کردن گناهان(پیرایش و تخلیه) است یعنی: خارج کردن گناهان از قلب + شستشو دادن قلب

نکته ۴: راه های شناخت آیات و احادیث توبه :

If آیه:

اولش ال نداره ، آخرش غفور رحیم داره

اولش ال داره ، آخرش غفور رحیم نداره

نکته ۵: توبه + جبران ..... تاب + اصلح ..... نتیجه یتوب (خدا مي بخشد)

توبه + ایمان و عمل صالح..... تاب + آمن + عملَ صالحاً ..... نتیجه یبدلُ اللهُ سیئاتهم حسنات

نکته ۶:طبق ((او بظلم نفسه ثم)) در آیه شریفه ((ومنْ یعملْ سوءاً أویظْلم نَفْسه ثُمّ یستَغْفرِ اللّه یجِد اللّه غَفُوراحیما)) ؛ با گناه حق خود عالی در رسیدن به کمال ضایع می شود، و طبق متن مقدمه این درس((و برخی محبّت و رحمتش را از یاد بردند و راه سرپیچی پیش گرفتند.)) می توان نتیجه گرفت: از یاد بردن محبت و رحمت و صفت رحمانیت خدا توسط انسان و در پیش گرفتن راه سرپیچی، باعث ضایع گشتن حق خود عالی در رسیدن به کمال می شود.

نکته ۷: قیام(نفس لوامه) و انقلاب درونی انسان علیه خود(نفس اماره) را توبه می نامند(بیانگر وجود اختیار در انسان).

تست مقدمه(احتمالی ۹۹) :

اگر از خود بپرسیم (بزرگترین عشق و محبتی که باید قلب ما را فرا بگیرد عشق به کیست؟) و (این عشق چه ثمرات و نتایجی دارد؟) به ترتیب پیام کدام آیات پاسخ به این سوالات خواهد بود؟

پاسخ قسمت اول: (و من الناس من یتخذ من دون الله...والذین ءامنو اشد حبا لله)

پاسخ قسمت دوم: (قل ان کنتم تحبون فاتبعونی...غفور رحیم) (لاتجد قوماً یومنون بالله...یوادون) (قد کانت لکم اسوه حسنه ... انا براءاء منکم و مما...)

تحلیل آیات درس + سوالات تحلیلی آیات:

سوال۱)مردم بر دو دسته اند :گروهی که محب و دوست خدا هستند و خدا را دوست دارند.

گروهی چیزهای دیگر را همتای خدا می گیرند و به غیر او دل می بندند و به آنها دوستی می ورزند حال این غیر می تواند انسان یا شیطان و یا مال و جاه و شهوت باشد که شیطان مردم غافل را به سوی آن ها وسوسه می کند.

آیه:

محبت به حق

وَ مِنَ النّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دونِ اللّٰهِ اَنْدادًا يُحِبّونَهُمْ كَحُبِّ اللّٰهِ — مشرک

وَ الَّذينَ ءامَنوا اَشَدُّ حُبًّا لِلّٰهِ — مؤمن

و بعضی ازمردم همتایانی به جای خدا می‌گیرند آن‌ها را دوست می‌دارند مانند دوستی خدا — خطای مشرکین

اما کسانی که ایمان آورده‌اند به خدا محبّت بیشتری دارند. — ویژگی مؤمنان

بقره، ۱۶۵

۱۷ نکته و تمرین خاص آیه:

۱)انسان ها در دوستی خود دو دسته اند:

الف)گروهی که به جای خدا، غیرخدا را دوست دارند و مانند خدا به آن ها عشق می ورزند.

ب)گروهی که محب و دوست دار خداوند اند، که این عشق و محبت به خدا ثمره(معلول-میوه-نتیجه) تبلور ایمان در آن هاست.

۲)عشق و علاقه ی افراد با ایمان نسبت به خدا از عشق و علاقه ی بت پرستان نسبت به معبودشان بیشتر و عمیق تر است.

۳)بیانگر بعد (آری) در تولی(دوستی با خدا) است.

۴)(من یتخذ من دون الله) بیانگر شرک است زیرا خداوند یگانه و بی همتاست بنابراین کسی که برای او شریک بگیرد به شرک دچار شده است.(شرک در عبادت)

۵)مرتبط با این قسمت از مقدمه درس:

گروهی به خدا دل سپردند و راه اطاعت پیمودند و برخی محبّت و رحمتش را از یاد بردند و راه سرپیچی پیش گرفتند.

((که تاریخ سرگذشت مقابله ی این دو گروه بوده است مثال: مقابله ی ابراهیم با نمرود،موسی با فرعون،عیسی با حاکم مشرک روم و کاهنان یهود و پیامبر گرامی اسلام با مشرکان حجاز))

۶)عشق و محبت مومنان به خداوند برترین نوع عشق ورزی است.

۷)رابطه مستقیم میان ایمان به خداوند و محبت به او

۸)غیر مومنان به بت های خود اندازه ی خدا عشق می ورزند.

۹)محبت خداوند، اساس دین داری است.

۱۰) متن کتاب درسی:

((اگر به مجموعه ی این پیام ها نگاه دیگری کنیم، می بینیم که قرآن کریم از رویارویی و تقابل دو گروه سخن می گوید: گروهی که زندگی خود را بر محور حبّ و عشق به خداوند بنا کرده اند و گروهی که از دوستی او سر باز زده و محبّت غیر او را برگزیده اند. گویا تاریخ، سرگذشت مقابله ی این دو جریان بوده است))

۱۱)برای بررسی ریشه ای علت این ۳ سوال :

(راستی، ریشه ی این مقابله چیست؟) (آیا راهی برای سازش این دو جریان وجود دارد؟) (هرکدام از ما خود را در کدام جبهه می یابد؟)

باید از ۲ مورد کمک بگیریم:

الف) به نقش محبّت و عشق در زندگی انسان بپردازیم؛

ب) و تأثیر آن را در تصمیم گیری های فردی و اجتماعی افراد بررسی کنیم.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۱۲)در تست های خفن از شما می خواهند:

تست: توجه به نقش محبت و عشق در زندگی انسان و تاثیر آن بر تصمیم گیری های فردی و اجتماعی او ...

الف) در پاسخ به کدام سوال کمک کننده است؟

ج: (راستی، ریشه ی این مقابله چیست؟) (آیا راهی برای سازش این دو جریان وجود دارد؟) (هرکدام از ما خود را در کدام جبهه می یابد؟)

ب) و پیام کدام آیه شریفه سبب طرح این سوال شده است؟

ج: (و من الناس من یتخذ من دون الله...والذین ءامنو اشد حبا لله)

(قل ان کنتم تحبون فاتبعونی...غفور رحیم)

(لاتجد قوماً یومنون بالله...یوادون)

(قد کانت لکم اسوه حسنه ... انا براءاء منکم و مما...)

۱۳)مرتبط با تیتر ((محبّت به حقّ))

۱۴)مرتبط با متن درس:

اگر(بعد از اگر= علت) عشق و محبّت انسان از این امور محدود فراتر رود(علت ۱) و دل به سرچشمه ی کمالات و زیبایی ها سپارد(علت ۲)، این عشق زندگی او را بیش از این دگرگون می کند(معلول) .سرگذشت دوستان خدا این گونه است.

آن کس که:

۱به خدا ایمان دارد (شرط اول ایمان)

۲و محبّت او را در قلب خود جای داده است، (شرط دوم محبت قلبی به خداوند)

۳به میزانی که ایمانش اوج می گیرد (شرط سوم تعالی ایمان)

۴و محبّتش فزون تر و عمیق تر می شود (شرط چهارم افزون شدن و تعمّق (عمق بخشی) محبت به خدا)

آنگاه:

احساس حیاتی دوباره می کند (معلول۱) و شور و شوقی فرح بخش وجودش را فرا می گیرد (معلول۲).

۱۵)مشتاقان عشق الهی یعنی کسانی که به خدا ایمان دارند و ایمانشان اوج گرفته و به خدا محبت قلبی دارند و این محبت عمیق و رو به فزون است بدلیل احساس حیات دوباره و فراگرفتن وجودشان از شور و شوقی فرحش بخش، ندا سر داده اند:

الهی سینه ای ده آتش افروز در آن سینه دلی و آن دل همه سوز

کرامت کن درونی درد پَروَرد دلی در وی، درون درد و برون درد

هر آن دل را که سوزی نیست دل نیست دل افسرده غیر از آب و گل نیست

مؤمن [وَ الَّذِينَ ءامَنوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ]

۱۶) ارتباط با متن درس:

آثار محبت به حق:

افسردگی، خمودی، ترس و جُبن را ازبین می برد.

و نشاط، تحرّک، شجاعت و قدرت می بخشد.

سنگین و تنبل را چالاک و زرنگ، بخیل را بخشنده، کم طاقت و ناشکیبا را متحمّل و شکیبا می کند.

آدمی را از خودخواهی و نفع پرستی بیرون آورده و به ایثار و از خودگذشتگی می رساند. (پیامد دوم دیدگاه پیامبران در مورد معاد)

همّت و اراده را قوی، غل و غش ها را پاک و اندیشه را خلّاق.

خلاصه:

عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می بخشد و زندگی حقیقی به وی عطا می کند.

۱۷)تمرین:

اگر بگوییم: الف) ..... آنگاه پیام آیه شریفه ب)..... را آشکار ساخته ایم و آنگاه که ج) ..... ندا سر می دهند: (الهی سینه ای ده آتش افروز در آن سینه دلی و آن دل همه سوز) اشاره دارد به تناسب میان د) ..... .

پاسخ:

الف)افسردگی، خمودی، ترس و جُبن را ازبین می برد.

و نشاط، تحرّک، شجاعت و قدرت می بخشد.

سنگین و تنبل را چالاک و زرنگ، بخیل را بخشنده، کم طاقت و ناشکیبا را متحمّل و شکیبا می کند.

آدمی را از خودخواهی و نفع پرستی بیرون آورده و به ایثار و از خودگذشتگی می رساند. (پیامد دوم دیدگاه پیامبران در مورد معاد)

همّت و اراده را قوی، غل و غش ها را پاک و اندیشه را خلّاق.

عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می بخشد و زندگی حقیقی به وی عطا می کند.

ب) (وَ مِنَ النّاسِ مَن یَتَّخِذُ مِن دونِ اللّه اَندادًا یُحِبّونَهُم کَحُبِّ اللّه وَ الَّذینَ ءامَنو ا اَشَدُّ حُب لله)

ج) مشتاقان عشق الهی

د) ایمان و محبت به حق

نقش محبت:

۱محبّت و دوستی سرچشمه ی اصلی تصمیم ها و کارهای انسان است.

۲فعّالیّت هایی که آدمی در طول زندگی انجام می دهد، ریشه در دل بستگی ها و محبّت های او دارد و همین محبّت هاست که به زندگی آدم ها جهت می بخشد.

۳هرقدر این محبّت شدیدتر باشد، تأثیر آن نیز در زندگی عمیق تر و گسترده تر است.(تناسب میان عمق محبت و تاثیر آن در زندگی که مستقیم است)

مثال:

یک دختر و پسر، قبل از ازدواج، به چیزی جز خود نمی اندیشند .دنیای آن ها بر محور خود می چرخد و به کارهای خود و علاقه های شخصی خود سرگرم اند.

این دختر و پسر:

همین که کانون خانواده را تشکیل دادند و به هم دل بستند(علت)،

سرنوشت خود را به سرنوشت دیگری بسته می بینند(معلول۱)،

شعاع خواسته هایشان وسیع تر می شود(معلول۲)

و چه بسا خواسته های همسر بر خواسته های خود تقدّم می یابد(معلول۳) .

و آن گاه که صاحب فرزند شوند(علت)،

رفتارشان به کلی عوض می شود(معلول صفر) .

پسر، فردی چالاک و پرتحرک می گردد و برای رفع نیازهای زن و فرزند، راحتی را از خود می گیرد(معلول۱)

و دختر، با صدای کودک، مانند برق می جهد و سراسیمه به سوی فرزندش می دود .همین دختر که تا دیروز کم طاقت و زود رنج جلوه می کرد، اکنون با قدرت شگرفی درمقابل بی خوابی، گرسنگی و کار زیاد، صبور و شکیباست(معلول۲).

محبت به فرزند(علت) سبب می شود:

از خودمحوری درآید، خود را فراموش کند(معلول۱)

و فردی ایثارگر، با اراده، نیرومند، مصمم و پرکار شود(معلول۲).

تمرین سرکلاسی: جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید:

الف)..... و ..... سرچشمه ی اصلی تصمیم ها و کارهای انسان است.(محبت-دوستی)

ب)فعّالیّت هایی که آدمی در طول زندگی انجام می دهد، ریشه در ..... و .... های او دارد.(دل بستگی ها-محبت ها)

ج)... است که به زندگی آدمی جهت می بخشد.(محبت)

صحیح یا غلط بودن هر جمله را معین کنید؟

الف)وسعت بخشیدن به شعاع خواسته های زن و مرد معلول به دنیا آمدن فرزند است. غ معلول تشکیل کانون خانواده و ازدواج

ب)آن گاه که زن و مرد صاحب فرزند شوند رفتارشان از دنیایی که کاملاً بر مبنای خود می چرخد به ایثار و از خودگذشتگی عوض می شود. غ در هنگام ازدواج و تشکیل کانون خانواده هم سرنوشت خود را به سرنوشت دیگری بسته می بینند و چه بسا خواسته های همسر بر خواسته های خودشان تقدم یابد.

ج)آنگاه که زن و مرد خود را فراموش کنند و تبدیل به فردی بااراده نیرومند مصمم و پرکار شوند ؛ محبت به فرزند در کنار محبت به خدا در قلبشان اوج گرفته است. غ

این خیییلی خفنه باید می گفت محبت به فرزند در طول محبت به خدا قرار داره نه در کنار محبت به خدا چرا که محبت به خدا از همه محبت ها بالاتره! خداییی حال کردی؟ یه صلوات واسه شادی روح مادربزرگم بفرست. خیلی چاکریم!...

سوال ۲) لازمه ی دوستی با خداوند پیروی از دستورات اوست.

آیه:

اولین اثر «پیروی از خدا» قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ — سرسپردگی لازمه محبت است

سرسپردگی — فَاتَّبِعُونِي — سرپیچی نشانه عدم صداقت در دوستی است

لازمه‌ی دوستی با خدا — يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ — ارتباط با بیت: به جان خودم رفتاری شگفت.....

وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ — ارتباط با حدیث: ما اجب الله من عصاه

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ — ارتباط با مناجات: شیرینی دوست با تو.....

آیه خطاب به پیامبر (ص) است تا «شرط دوستی با خدا» آل‌عمران، ۳۱ «عامل بخشش گناهان» را به به مردم نشان می‌دهد.

۱۱ نکته خاص آیه:

۱)خطاب به پیامبر است.

۲)شرط و لازمه ی دوستی خداوند چیست؟ پیروی از دستورات او و سرسپردگی در مقابل خداست.

۳)یکی از دستورات خداوند پیروی از رسول است بنابراین پیروی از پیامبر(ص) معلول دوستی خداست.

۴)دین فقط محبت به خدا و پیامبر نیست بلکه اطاعت نیز لازم است.

۵)نتیجه اطاعت پیامبر این که:

الف)جلب محبت خدا

ب)آمرزش گناهان

۶)محبت انسان به خدا و پیروی از او محبت خدا به انسان و آمرزش را در پی دارد.

۷)فاتبعونی بیانگر توحید عبادی

۸)ارتباط با تیتر((پیروی از خداوند)) از آثار محبت به خدا

۹)ارتباط با متن درس:

نمی شود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد اما از فرمانش سرپیچی کند .این سرپیچی نشانه ی عدم صداقت در دوستی است .

شعر منسوب به امام صادق:

خدا را نافرمانی کنی و اظهار دوستی با او نمایی؟(استفهام انکاری)

به جان خودم این رفتاری شگفت است.

اگر دوستی ات راستین(علت) بود، اطاعتش(معلول) می کردی؛

زیرا دوستدار، مطیع محبوب خود است.

برخی می گویند :

۱)قلب انسان با خدا باشد، کافی است

۲)و عمل به احکام دین ضرورتی ندارد،

۳)اعمال ظاهری و ظاهر انسان مهم نیست، آن چه اهمیت دارد، درون و باطن انسان است.

این توجیه، با کلام خداوند سازگار نیست.

خداوند می فرماید:

۱)اگر مرا دوست دارید (علت۱)

۲)و اگر محبت من در قلب شما قرار گرفته،(علت۲)

شایسته است از دستورات من پیروی کنید(معلول) .چگونه ممکن است کسی به دیگری اظهار ارادت و علاقه ی قلبی کند امّا برخلاف خواسته ی او عمل نماید؟

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

امام صادق علیه السلام فرمودند:

ما اَحَبَّ اللّهَ مَنْ عَصاهُ کسی که از فرمان خدا سرپیچی می کند(علت)، او را دوست ندارد(معلول).

خواسته و فرمان خداوند، یعنی دین همان برنامه ی سعادت و راه رستگاری و کمال ماست.

خداوند نیازی ندارد تا به ما فرمان دهد و نیازش را برطرف کند .خداوند، در فرمان هایش فقط و فقط به مصلحت ما نظر دارد .مانند دوست ریاکاری نیست که فقط به خواسته ی دل ما توجه کند .او ناصحانه به ما هشدار می دهد که چه بسیار چیزهایی که شما خوشتان می آید ولی به ضرر شماست و چه بسیار چیزهایی که بدتان می آید امّا به نفع شماست . حتی اگر احساس کنیم برخی دستورهای خداوند سخت است، باید مطمئن باشیم که این دستور برای سعادت ما ضروری است.

باید بگذاریم عشق به سعادت حقیقی در دل ما جوانه بزند، آن گاه خواهیم دید که هر سختی بر ما آسان خواهد شد.(جوانه زدن عشق به سعادت حقیقی در دل انسان می دهد آسان شدن هر سختی بر انسان)

امام سجاد در ابتدای یکی از مناجات های خود، به خدا:

لا تَجِدُ قَوماً یُؤمنونَ باللهِ وَ الیَومِ الأ خر یُوادّونَ مَن حادَّ اللهَ وَ رَسولَه

خدایا ! کیست که شیرینی دوستی با تو را چشیده باشد و غیر تو را طلب کند؟(استفهام انکاری)(شیرینی دوستی با خداوند می دهد غیر او را طلب نکردن)

(ای آرزوی دل مشتاقان) مشتاقان عشق الهی:الهی سینه ای ده... وَ الَّذینَ ءامَنوا اَشَدُّ حُبّ لِلّه

(و ای نهایت آرمان دوستان) اگر عشق و محبّت انسان از این امور محدود فراتر رود و دل به سرچشمه ی کمالات و زیبایی ها سپارد ...

(دوستی تو را از تو می خواهم) الهی سینه ای ده آتش افروز در آن سینه دلی و آن دل همه سوز ■ دل به سرچشمه ی کمالات و زیبایی ها(خدا)سپارد، این عشق زندگی او را بیش از این دگرگون می کند.

(و دوستی هر که تو را دوست دارد) وقتی محبّت خداوند در دلی خانه کرد، آن دل محبّت همه ی کسانی را که رنگ و نشانی از او دارند، در خود می یابد دوستی با دوستان خدا

(و دوستی هر کاری که مرا به تو نزدیک می کند.) چگونه ممکن است کسی به دیگری اظهار ارادت و علاقه ی قلبی کند امّا برخلاف خواسته ی او عمل نماید؟

جمع بندی مهم همه متن درس پیروی از خداوند : (در آیات هرگاه از ریشه((حب)) دیدی همراه با از ریشه((تبع)))

سرپیچی/عدم صداقت دوستی/شعر امام صادق:نافرمانی و اظهار دوستی؟.../خدا:اگر دوست میدارید اطاعت کنید/حدیث امام صادق:عصا و نافرمان خدا را ما احب!(دوست نداره!)/جوانه زدن عشق میده آسان شدن هر سختی/امام سجاد: شیرینی دوستی و طلب غیر خدا؟ نوچ نوچ!

۱۰)عامل اثبات کننده محبت به خدا اطاعت از پیامبر است.

۱۱)توبه خداوند و آمرزش گناهان انسان در گرو دوست داشتن خداوند و تبعیت از او(ترکیب با درس ۷ پیش)

دوستی با دوستان خدا:

وقتی محبّت خداوند در دلی خانه کرد، آن دل محبّت همه ی کسانی را که رنگ و نشانی از او دارند، در خود می یابد و به مقداری که این رنگ و نشان بیش تر و قوی تر باشد، علاقه و محبّت نیز فزون تر می شود .در منظومه ی عاشقان و دوستان الهی که برگرد کعبه وجود او حلقه زده اند، نزدیک ترین آن ها، رسول خدا و اهل بیت ایشان هستند که مظهر تمام و کمال حق و جلوه ی زیبایی های اویند هرکس این خانواده را بشناسد و با فضائل اخلاقی آنان آشنا گردد، عشق به آنان را در خود می یابد.

تذکر: هرگونه کپی برداری و استفاده از متن جزوه بدون اجازه مولف حرام است و شما به مولف جزوه که ساعتها برای تدوین این جزوه زحمت کشیده مدیون خواهید بود

سوال ۳) نمی شود کسی به خدا و روز آخرت ایمان داشته باشد ولی با دشمنان او و رسولش دوستی کند.

آیه:

«بیزاری از دشمنان خدا» لا تَجِدُ قَوْمًا ..... يُؤْمِنونَ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ الْأخِرِ ..... يُوادّونَ مَنْ حادَّ اللّٰهَ وَ رَسولَهُ ..... وَ لَوْ كانوا اٰباءَهُمْ ..... اَوْ اَبْناءَهُمْ اَوْ اِخْوانَهُمْ ..... اَوْ عَشيرَتَهُمْ .....

⊕ تولی ..... دوام متضاد

⊖ تبری ..... ارتباط با لا اله الا الله ..... ارتباط با سخنان امام خمینی (ره)

۸ نکته خاص آیه:

۱)لازمه ی ایمان به خدا و روز آخرت(تولی) ترک دوستی با دشمنان خداست(تبری) یعنی لازمه ی تولی، تبری است.

۲)آن کس که به دوستی با خداوند افتخار می کند از هر چه ضد خدایی است بیزار است.

۳)خویشان و نزدیکان هم اگر جزو دشمنان خدا بودند نباید مومنان با آنان رابطه ی مودت آمیز برقرار کنند.پس روابط در دین داری و بیزاری از دشمنان خدا بی تاثیر است.

۴)درس ۸ پیش: آیه ی ((محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم)) نیز بیانگر تولی و تبری است.

۵)ارتباط با تیتر((بیزاری از دشمنان خدا))

۶) ارتباط با متن درس:

دوست دار + از – بیزار است.

۱ عاشق روشنایی، از تاریکی می گریزد .

۲ دوستدار زندگی و بقا، از نیستی و نابودی متنفر است .

۳ دل بسته ی عدالت و آزادی و صداقت و وفا، از ظلم و استبداد و ریا و بی وفایی بیزار است.

۴ و آن کس که به دوستی با خدا افتخار می کند، با هرچه ضدخدایی است، مقابله می نماید . او دوستدار حق و دشمن باطل است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

مثال:

حضرت علی در یکی از مراسم حج، که مسلمانان از نقاط مختلف به مکه آمده بودند، از طرف رسول خدا مأموریت یافت این خبر را به مردم برساند که خدا و رسولش از مشرکین بیزارند و به مشرکین اعلام کند که بهتر است توبه کنید و خود را از گمراهی نجات دهید.

۷)ارتباط با کلام امام خمینی:

امام خمینی در پیام ارزشمندی، بعد از تبیین دقیق مرزهای دوستی و بیزاری می گوید:

مگر تحقق دیانت، جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحّدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین (مبارزه با دشمنان خداوند=ابراز بیزاری از آنان) میسرّ شود.

۸)آیه خطاب به پیامبر اکرم است.

جمع بندی سریع همه تیتر بیزاری از دشمنان خدا:

دوست دار از مثبت منفی بیزار است/حضرت علی مراسم حج بیزار از مشرکین توبه نجات از گمراهی/امام خمینی دیانت محبت برائت نفرت(همه شون تهشون ((ت)) اومده) / هرگاه در آیه ای ((یوادون+حاد)) دیدی/ ابتدای آیه: لاتجد قوماً

سوال ۴) حضرت ابراهیم و کسانی که به او اقتدا می کنند، همواره از کسانی که دشمنان خدا هستند و بت می پرستند و از آن چه می پرستند بیزاری می جویند و اعلام برائت می کنند.

سوال ۵) میان کسانی که با خدا دوستی می ورزند و کسانی که دشمنان خدا هستند، برای همیشه رابطه دشمنی برقرار است، مگر آن که آنان از دشمنی با خدا دست بردارند.

آیه:

«مبارزه با دشمنان خدا»

امة پیامبر اسلام

قَدْ كانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ — همانا که برای شما نمونه‌ی نیکویی بود

معلول (مقام الگویی ابراهیمی)

فی إبْراهیمَ وَ الَّذینَ مَعَهُ — در روش ابراهیم و همراهان او

علت (برائت از مشرکین و معبودان آنها)

إذْ قالُوا لِقَوْمِهِمْ — آن‌گاه که به قوم خود گفتند

إنّا بُرَءاءُ مِنْكُمْ — به حقیقت که ما از شما بیزاریم (ابراز بیزاری درواقع مبارزه است)

وَ مِمّا تَعْبُدونَ مِنْ دونِ اللّهِ — و از آن‌چه جز خدا می‌پرستید

كَفَرْنا بِكُمْ — نسبت به شما کافریم

توصیف ابراهیم از رابطه با اقوام

وَ بَدا بَیْنَنا وَ بَیْنَكُمُ الْعَداوَةُ — و پدید آمده میان ما و شما دشمنی

وَ الْبَغْضاءُ أبَدًا — و کینه برای همیشه

ایمان یگانه عامل برقراری محبت است

حَتّی تُؤْمِنُوا بِاللّهِ وَحْدَهُ — مگر اینکه به خدای یگانه ایمان آورید.

ممتحنه، ۴

۱۴ نکته خاص آیه:

۱)این آیه حضرت ابراهیم و هم کیشان همراه او(کسانی که به او اقتدا می کنند) را سرمشق و الگوی پسندیده ای برای پیروان پیامبر معرفی می کند.(مقام الگوی حضرت ابراهیم و پیروان راستین او)

۲)علت این مقام الگویی برائت(از ریشه ی برء در آیات) جستن و بیزاری آنان از بت پرستان و معبودانشان است.

۳)عبارت((برءاء منکم)) بیانگر تبری و بُعد ((نه)) در جمله لا اله الا الله است.

۴)دشمنی ابدی میان دو جبهه ی حق و باطل

۵)عبارت ((عداوه و البغضا)) بیانگر مبارزه با دشمنان خدا و تسلیم نشدن در برابر آنهاست.

۶)فقط ایمان به خدای یگانه عامل برقراری رشته محبت بین انسان هاست.

۷)((مما تعبدون من دون الله)) عبد+من دون الله دارد که بیانگر شرک در عبادت است.(چون برءاء داره میشه نفی شرک عملی!)

۸)مقام الگویی در ۳ جا داشتیم که هر ۳ جا هم برای جامعه اسلامی است یکی در این آیه و دیگری:

الف)کنتم خیر امه اخرجت للناس... : به شرط ایمان به خدا و انجام وظیفه ی امر به معروف و نهی از منکر

ب)و کذلک جعلناکم امه وسطاً... : به شرط مصونیت از افراط و تفریط و الگو گیری از پیامبر.

۹)ارتباط با تیتر((مبارزه با دشمنان خدا))

۱۰)ارتباط با متن درس:

عاشقان خدا پرچمدار مبارزه با زشتی ها، ستم و ستمگران بوده اند.

همه ی پیامبران، از حضرت نوح و حضرت ابراهیم تا پیامبر اسلام زندگی خود را در مبارزه ی با ستم و پلیدی گذراندند و پرچم مبارزه را از نسلی به نسل بعد منتقل کردند.

نمی شود کسی دوستدار فضیلت ها و کرامت ها باشد و در جهان زشتی و نامردمی و ستم ببیند و در عین حال بتواند قرار و آرام بگیرد.

نکته: دو تا ((نمی شود که)) در متن درس داشتیم: ۱) نمی شود انسان از صمیم دل کسی را دوست داشته باشد اما از فرمانش سرپیچی کند . این سرپیچی نشانه ی عدم صداقت در دوستی است .(تیتر: پیروی از خداوند) ۲) نمی شود کسی دوستدار فضیلت ها و کرامت ها باشد و در جهان زشتی و نامردمی و ستم ببیند و در عین حال بتواند قرار و آرام بگیرد.(تیتر: مبارزه با دشمنان خدا)

از این رو جهاد در راه خدا در برنامه ی تمام پیامبران الهی بوده و بیش تر آنان درحال مبارزه ی با ستمگران به شهادت رسیده اند .

امروزه نیز وقتی به حوادث جهان می نگریم، مشاهده می کنیم که مستکبران و ستمگران برای رسیدن به منافع و لذایذ دنیایی خود حقوق ملت ها را زیر پا می گذارند و حتی از داشتن یک سرزمین برای زندگی شرافت مندانه محروم می کنند . رنج و محرومیت مردم فلسطین نمونه ی آشکاری از رفتار مستکبران است که جز با مبارزه، برطرف نخواهد شد.

کلید واژه های ((مبارزه با دشمنان خدا)) : (در آیات از ریشه برءاء + عداوه=دشمنی و بغضاء=کینه)

مبارزه با منفی ها/نمی شود+قرار و آرام گرفتن/جهاد در ره خدا/شهادت در راه مبارزه با ستمگران/منافع و لذایذ/مثال فلسطین

تذکر:

نمی شود + دوستدار فضیلت و آراستگی = تیتر مبارزه با دشمنان خدا آخرش=عدم آرام و قرار=مبارزه

نمی شود + از صمیم دل کسی را لاو داشته باشد = تیتر پیروی از خداوند آخرش=سرپیچی از فرمان خداوند=عدم صداقت در دوستی

۱۱)در این آیه حضرت ابراهیم و پیروان آن حضرت خطاب به قوم(لقومهم) خود فرموده اند: (نسبت به شما و آنچه که می پرستید بیزاریم) بنابراین روابط(قومی، خانوادگی و ...) در دین داری و بیزاری و مبارزه با دشمنان خدا کاملاً بی تاثیر اند و این که انسان با کسی هم قوم یا هم خون باشد تاثیری در بیزاری جستن و مبارزه او علیه باطل و دشمنان خدا ندارد پس این آیه و به ویژه (لقومهم) با آیه (لا تجد قوماً یومنون ... او عشیرتهم(یا قبیله شان)) تناسب دارد.

۱۲)مبارزه با دشمنان خدا باید تا برقراری توحید ادامه یابد مگرنه همیشه میان حق و باطل و دوست و دشمن خداوند مبارزه است.

۱۳)این آیه خطاب به پیامبر اکرم و پیروان ایشان است.

نکته: در قالب یه تمرین نکته رو جا میندازیم با همدیگه!

تمرین:معین کنید مخاطب هر آیه چه شخص(اشخاصی) می باشد؟

۱)قل ان کنتم تحبون... (خطاب به پیامبر)

۲)لا تجد قوماً یومنون... (خطاب به پیام بر)

۳)قد کانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم... (خطاب به پیامبر و همراهان ایشان)

۱۴)اعلام و ابراز برائت به ۳ شیوه در این آیه بیان شده است:

الف)لفظی و زبانی: برءاء منکم

ب)قلبی و باطنی: کفرنا بکم

ج)عملی:بدا بیننا و بینکم عداوهٔ و بغضا

تذکر مهم: ترتیب بالا خیییلی مهمه و یه جورایی احتمالی کنکور ۹۹ حساب میشه!

بگو: اول زبانی بعداً باطنی و در آخر عملی.

به عربی هم میشه : ۱)برءاء ۲)کفرنا ۳)عداوهٔ و بغضا

نتیجه گیری:

دینداری با دوستی با خدا آغاز می شود و برائت و بیزاری از باطل و دشمنان خدا را به دنبال دارد .به همین جهت اگر کسی بخواهد قلبش را خانه خدا کند(تولی) باید شیطان و امور شیطانی را از آن بیرون نماید(تبری).

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

لا اله الا الله در ۴۲ درس دین و زندگی:

۱. مهم ترین شعار اسلام

۲. در برگیرنده همه ابعاد توحید (توحید نظری + توحید عملی)

۳.موجب فلاح و رستگاری پیامبر : قولوا لااله الا الله تفلحوا (اولین سخن رسول خدا در دعوت مردم به اسلام)

۴. بهای بهشت (از منظر پیامبر)

۵.دژ مستحکم خداوند: کلمه لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی آمن من عذابی (خدیث سلسه الذهب)

۶. دژ مستحکم پیامبر

۷. دژی که انسان را از شرک در عقیده و عمل حفظ می کند.

۸. پیامبر : نه من و نه گویندگان قبل از من کلمه ای پرمحتوا همانند لااله الا الله نگفته ایم.

۹. مرکب از نفی شریک خداوند (لا اله) اثبات یگانگی خدا (الا الله)

۱۰. مرکب از تولی (محبت به حق +) تبری (بیزاری از باطل) دین داری استوار بر ۲ پایه تولی و تبری است.

۱۱. به میزانی که دوستی با خدا عمیق تر باشد نفرت از باطل هم عمیق تر است.

۱۲.ارتباط با سخن امام خمینی: مگر تحقق دیانت، جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحّدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسرّ شود.

۱۳.ارتباط با سفارش امام خمینی به مسلمانان جهان: باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض(=کینه) عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

فصل دوم: درس ۱۰ تا ۱۳ دینی دوم
درس ۱۲ دینی دوم(فضیلت آراستگی)

تشریح مقدمه و تیپ تست های مقدمه:

اِنَّ اللّهَ جَمیل وَ یُحِبُّ الجَمالَ خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد.

از برنامه های ارزشمند مؤمنان، حضور عزّتمند، عفیفانه و آراسته دراجتماع است . این مفاهیم گرچه متفاوت اند امّا رشته ای نامرئی و ظریف، آن ها را به یکدیگر پیوند می دهد و زیبایی خاصی پدید می آورد.

تیپ تست: جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید:

۱)مفهوم دریافت شده از آیه شریفه ((اِنَّ اللّهَ جَمیل وَ یُحِبُّ الجَمالَ)) متناسب با آیه الف)..... می باشد و مخاطب مورد دوم در بهره برداری از نعمات دنیایی ب)... می باشد.

۲)حضور عزتمند و عفیفانه و آراسته در جامعه به شرط ج)... ارزشمند شمرده می شود.

۳) رابطه میان آراستگی، عفاف و عزت در عین تفاوت در مفاهیم نوعی رابطه د)... و ه)... است که این رابطه ر)... خاصی را پدید می آورد.

ج: الف)قل من حرم زینه الله التی اخرج لعباده ... ب)مومنان و غیر مومنان ج)تحقق ایمان د)نامرئی ه)ظریف ر)زیبایی

پکیج تحلیلی آیات درس:

آیه اول:

اَعوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّیطانِ الرَّجیمِ
بِسمِ اللّهِ الرَّحمنِ الرَّحیمِ

ان الله جمیل و یحب الجمال

فضیلت آراستگی

قُل مَن حَرَّمَ زینَةَ اللّهِ ..... جواز استفاده از زینتهای الهی برای بندگان
الَّتی اَخرَجَ لِعِبادِهِ
وَالطَّیِّباتِ مِنَ الرِّزقِ .....

نفی رهبانیت

قُل هِیَ لِلَّذینَ ءامَنوا روزی های پاک در دنیا برای همه مردم در آخرت اختصاص به مومنان
فِی الحَیاةِ الدُّنیا .....
خالِصَةً یَومَ القِیامَةِ .....
کَذٰلِکَ نُفَصِّلُ الآیاتِ .....
لِقَومٍ یَعلَمونَ اعتدال در بهره مندی از نعمتهای دنیوی و اخروی

محرمات الهی

قُل اِنَّما حَرَّمَ رَبِّیَ (۱)الفَواحِشَ — بگو پروردگارم حرام کرده زشت کاری ها را
ما ظَهَرَ مِنها وَ ما بَطَنَ — چه آشکار و چه پنهان آن ها را
وَالاِثمَ (۲) وَ البَغیَ (۳) بِغَیرِ الحَقِّ — و نیز گناه و سرکشی به ناحق را
وَ اَن تُشرِکوا (۴) بِاللّهِ — و این که به خدا شرک بورزید،
ما لَم یُنَزِّل بِهِ سُلطانًا — چیزی را که برای آن دلیلی نفرستاده
وَ اَن تَقولوا عَلَی اللّهِ — و این که به خدا نسبت دهید
ما لا تَعلَمونَ (۵) — چیزی را که نمی دانید.

این جمله در خصوص کدام یک از محرمات است؟

اعراف، ۳۲ و ۳۳ ناآگاهانه درباره خدا سخن گفتن

نکات خاص آیه:

۱)این آیه کسانی را که استفاده از نعمت های حلال و پاک و زیبایی هایی را که خداوند آفریده حرام می دانند مورد سوال قرار داده و می فرماید خداوند نعمت ها و زینت هایی که برای بندگانش آفریده را حرام نکرده است.

۲)این آیه مردم را دعوت می کند به استفاده از زینت هایی که خدا برای انسان آفریده است و حرمت و روی گردانی از آنها را مردود می شمارد.

۳)خداوند مردم را به استفاده از روزی های پاک و خدادادی دعوت می کند به شرطی که پاک و حلال باشند.

۴)استفاده از زیور های حلال در دنیا مشترک بین مومنان و غیر مومنان است.

۵)تاثیر روزی های حلال بر باطن انسان(و الطیبات من الرزق)

۶)مومنان از نعمت های حلال خداوند استفاده می کنند و این نعمت ها در قیامت به طور خاص به مومنان مختص است.

۷)قران انسان هایی را تربیت می کند که رشد و تعالی زندگی مادی و معنوی را با هم دارند.

۸)به دوری از کار های حرام توصیه شده است.

۹)آنچه خدا حرام کرده است به ترتیب:

الف.زشت کاری (فواحش) چه آشکار (ظهر) چه پنهان (بطن)

ب.گناه (اثم)

پ.تجاوز به ناحق (بغی بغیر حق)

ت.شرک به خدا (تشرکوا) که مشرکان برای اعتقاد خود استدلالی ندارند (لم ینزل سلطان)

ث.درباره خدا ناآگاهانه سخن گفتن یا نسبت دروغ بستن به خدا(تقولوا ما لاتعلمون)

(حتی موارد شک هم نباید به خدا چیزی را نسبت داد چه برسد به وقتی که درباره خدا چیزی را نمی دانیم)

ایران نسیم
توشه‌ای برای موفقیت

رمز حفظ موارد حرام : (دروغ به غول شِرک)

فاحشه ای به اسم(اثم) بغ بغه به شِرک(همون غول معروف!) دروغ گفت که نمیدونه!!

زشت کاری (فواحش)
گناه (اثم)
تجاوز به ناحق
(بغی بغیر حق)
شرک به خدا (تشرکوا)
شرک همیشه چی بود؟ سلطاااان!
درباره خدا ناآگاهانه سخن گفتن
نسبت دروغ بستن به خدا

حالا یه سوال: شِرک همیشه چی بود تو فیلماش؟ آفرین سلطاااان! پس اونایی که به خدا شرک می ورزند (لم ینزل سلطان) اند یعنی برای اعتقاد خودشون هیچ استدلالی ندارن!

۱۰)این آیه به اعتدال در زندگی از معیار های جامعه و تمدن اسلامی (درس ۸ پیش معیار ششم) اشاره دارد. مردم جامعه اسلامی در عین حال که برای آخرت تلاش می کنند از زیبایی های جهان و نعمات الهی هم بهره می برند البته این نعمات نباید در جهت دروغ به غول شِرک به کار برود یعنی نباید برای فواحش(زشت کاری) + اثم(گناه) + بغی بغیر حق(تجاوز به ناحق) + شرک به خدا بدون سلطان + ان تقولوا ما لا تعلمون به کار برود که در این صورت حرام خواهد بود.

۱۱)لزوم آراستگی ظاهری در کنار آراستگی باطنی و بهره مندی متعادل از زینت های دنیوی

۱۲)مقابله با زهد افراطی که منجر به ترک دنیا و توجه صرف به آخرت گردد.(من حرم زینه)

۱۳)نهی تحریم زینت های الهی و روزی های پاک برای بندگان خدا(زینه الله التی اخرج لعباده و الطیبات من الرزق)

۱۴)در قیامت این زینت ها مخصوص مومنان است و لاغیر

۱۵)استفاده از زینت های الهی همراه با راز و نیاز و پایبندی به اخلاق (ءامنوا...)

۱۶) این آیه و آیه دوم، نمونه ای از سخنان خداوند درباره ی آراستگی و پوشش است .برای درک عمیق تر و استفاده ی بهتر از راهنمایی های خداوند درباره ی مساله ای که هر روز با آن سر وکار داریم، از کلمات پیشوایان خود و شیوه ی زندگی آنان کمک می گیریم.

۱۷)مرتبط با تیتر((آراستگی، شیوه ی پیشوایان دین))

۱۸)مرتبط با متن:

پیشوایان ما نه تنها در زیبایی باطنی خود می کوشیدند بلکه به زیبایی و آراستگی ظاهر هم توجه داشتند(تعادل) و یاران خود را نیز به رعایت آن دعوت می کردند.

۱۹)ارتباط با احادیث آراستگی:

پیامبر: لباس سفید و روشن بپوشید که پاک تر و پاکیزه تر است . (اِنَّ اللّهَ جَمیل وَ یُحِبُّ الجَمالَ)

امام علی: آراستگی از اخلاق مؤمنان است.

امام صادق: خداوند زیبایی و آراستگی را دوست دارد و از نپرداختن به خود و خود را ژولیده نشان دادن بدش می آید.

امام صادق: دو رکعت نماز که با بوی خوش گزارده شود، بهتر از هفتاد رکعت نماز بدون بوی خوش است.

پیامبر هنگام ملاقات: خدای تعالی دوست دارد وقتی که بنده اش به سوی دوستانش می رود خود را آماده و آراسته کند

۲۰)ارتباط با موضوع(آراستگی در اجتماع و هنگام عبادت)

۲۱)ارتباط با متن:

این شیوه ی رسول خدا) ص (و سایر پیشوایان ما سبب شد که مسلمانان در اندک مدتی به آراسته ترین و پاکیزه ترین ملت ها تبدیل شوند و الگو و سرمشق سایر ملت ها قرار گیرند.(مقام الگویی مسلمانان برای سایر ملت ها به واسطه ی آراستگی و پاکیزگی

۳ جای دیگه هم در آیات مقام الگویی داشتیم بگو:

الف)کنتم خیر امه اخرجت للناس... : به شرط ایمان به خدا و انجام وظیفه ی امر به معروف و نهی از منکر

ب)و کذلک جعلناکم امه وسطاً... : به شرط مصونیت از افراط و تفریط و الگو گیری از پیامبر.

ج) قد کانت لکم اسوه حسنه فی ابراهیم... : حضرت ابراهیم و هم کیشان همراه او(کسانی که به او اقتدا می کنند) را سرمشق و الگوی پسندیده ای برای پیروان پیامبر معرفی می کند.(مقام الگوی حضرت ابراهیم و پیروان راستین او) علت این مقام الگویی برائت (از ریشه ی برء در آیات) جستن و بیزاری آنان از بت پرستان و معبودانشان است.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

آیه دوم:

عفاف

یا بَنی ءادَمَ یکسانی منزلت زن و مرد.....

قَد اَنزَلنا عَلَیکُم لِباسًا .....

دو هدف از پوشش؟ یُواری سَوءاتِکُم (A) وَ ریشًا (B) حفظ از ناپسندی (عفاف)- زیبایی (آراستگی ظاهری)

وَ لِباسُ التَّقوی ذٰلِکَ خَیرٌ آراستگی باطن (مقدم)...

ذٰلِکَ مِن ءایاتِ اللّٰهِ .....

لَعَلَّهُم یَذَّکَّرونَ .....

اعراف، ۲۶

- امام صادق(ع) لباس نازک و بدن نما نپوشید زیرا نشانه سستی و ضعف دین است.
- ظاهر تجلی گاه باطن است.

نکات خاص آیه:

۱)اهمیت اسلام به آراستگی ظاهری و آراستگی باطنی

۲)کارکرد و هدف پوشش و لباس برای انسان:

الف)پوشش ناپسندی ها(یواری سوءاتکم)

ب)زینت و زیبایی(ریشاً)

۳)ارتباط میان آراستگی و عفاف(مراعات پوشش و لباس ظاهری در گرو برخورداری از تقوی است)

۴) هر گاه بپرسند کدام آیه پاسخ به این سوال است پاسخ همین آیه می باشد. ((میان آراستگی وعفاف چه رابطه ای وجود دارد؟

۵)پوشش در جوامع امری فطری است.

۶)بهترین لباس برای انسان لباس تقوا و پرهیزکاری است.(لباس التقوی ذلک خیر)

۷)اگر انسان لباس تقوا را بر خود بپوشاند خواهد توانست پوشش و لباس ظاهری را مراعات کند و حفظ نماید.

۸)ارتباط با تیتر((تناسب میان ظاهر و باطن در آراستگی))

۹)ارتباط با متن درس:

ظاهر هر کس تجلّی اندیشه و باور اوست و اندیشه ها، اخلاق و روحیات، اعمال و ظواهر را می سازند و شکل می دهند.

مثال:

آن کس که نظم و برنامه ریزی را قبول دارد، اگر واقعاً به آن ایمان و باور داشته باشد، دست به برنامه ریزی می زند و هرکاری را در زمان خاص خود انجام می دهد.

از سوی دیگر، رفتارهای ظاهری نیز به تدریج بر باطن انسان تأثیر می گذارد(تاثیر تدریجی رفتار های ظاهری بر باطن و روحیه انسان) و روحیه ی فرد را تغییر می دهد .شما می توانید نمونه های فراوانی بیابید که چگونه برخی اعمال، سبب تغییر اخلاق و حتّی طرز تفکّر افراد شده است. البته ممکن است انسان های ریاکار خود را در میان جمع خوب جلوه دهند، در حالی که باطن زشتی داشته باشند . امّا این ظاهر زیبا عاریتی و موقتی است و نمی تواند از چشمان تیز بین انسان های خردمند مخفی بماند .بالاخره، باطن زشت آنان آشکار می شود و خود را نشان می دهد.

ایران توشه توشه ای برای موفقیت

برخی نیز برای توجیه ظاهر نامناسب خود به این جمله متوسّل می شوند که : دل باید پاک باشد، ظاهر چندان اهمیتی ندارد، امّا خوب است آنان توجه کنند که دل پاک و باحیا و عفیف، ظاهر پاک و با عفاف را به دنبال می آورد و همان طور که گفته اند: ((از کوزه همان برون تراود که در اوست)) مگر می شود کسی حقیقتی را از صمیم قلب دوست داشته باشد، اما هر روز کاری بر ضد آن انجام دهد؟

((حقیقت این است که دل به هر جا رود عمل هم به همان جا می رود.))

۳ مفهوم مهم درس:

عفاف، عزّتمندی و آراستگی:

عفاف یک حالت روحی و فضیلت اخلاقی است که سبب می شود انسان اندام ظاهری خود را وسیله ی خودنمایی و جلب توجه دیگران قرار ندهد و اجازه ندهد ناپاکان از او سوء استفاده کنند .انسان عفیف حیا دارد از این که دیگران به خاطر بدنش به او توجه کنند و به تحسین و تمجید وی بپردازند.

او در وجود خود ارزش های والاتری می یابد که می تواند تحسین و احترام دیگران را برانگیزد .انسان عفیف، آراسته است اما آراستگی او به گونه ای است که جسم او وسیله ی جلب توجه دیگران قرار نمی گیرد . او خود را بزرگ تر از آن می یابد که دیگران او را به عنوان ابزاری برای لذت جویی نگاه کنند.

به همان اندازه که رشته های عفاف در روح انسان ضعیف می شود، نوع آراستگی به خصوص آراستگی در پوشش تغییر می کند و پوشش جنبه ی خودنمایی به خود می گیرد .اما هر اندازه که این رشته مستحکم شود، پوشش و آراستگی ظاهری جلوه گاه زیبایی های روح و شخصیت متعالی انسان می گردد.

امام صادق: لباس نازک و بدن نما نپوشید؛ زیرا چنین لباسی نشانه ی سستی و ضعف دین است.

امام علی: بپرهیز از این که خود را برای دیگران بیارایی و با انجام گناه به جنگ با خدا برخیزی.

عفاف خصلت هر انسان با فضیلتی، اعم از مرد و زن است. امّا وجود آن در زنان و دختران ارزش بیش تر و برتری دارد .زن، مظهر جمال خلقت است و این زیبایی هم در باطن و هم در ظاهر او متجلّی است . احساسات لطیف زن که بیانگر زیبایی های درونی وی می باشند و همچون سایه ی رحمت الهی، آرامش بخش کانون گرم خانواده است، با زیبایی ظاهر او عجین شده است.

زن کانون عفاف خانواده است. همواره ندایی درونی او را به پاکی و پاکدامنی فرا می خواند .گویا روح بزرگ او نمی پسندد که بازیچه ی خواسته های پست و حقیر ناپاکان شود .از این رو می کوشد آراستگی او در جامعه به گونه ای باشد که گوهر زیبای وجودش از نگاه نا اهلان دور بماند و روح بلندش تحقیر نشود .او درمی یابد که اعطای هر کمالی از جانب خدا، مسئولیّتی را نیز به همراه می آورد. همان طور که اگر کسی به کمال علم زیبنده شد، نباید علمش را ابزار دست قدرتمندان ستم پیشه کند، موهبت زیبایی نیز نباید در خدمت هوسرانان قرار گیرد و همان گونه که اگر انسان از علم خود به درستی استفاده نکند، به جای رستگاری، شقاوت نصیبش می شود، عرضه ی نابجای زیبایی، به جای گرمی بخشیدن به کانون خانواده عفت و حیا را از بین می برد.

عزت در مقابل حقارت و ذلت قرار دارد:

انسان عزیز در خود عظمت و صلابتی می یابد که موجب می شود حقارت و پستی را نپذیرد و تن به شکست و زبونی ندهد .بزرگ ترین شکست نیز شکست روحی و معنوی است .چه بسا انسان هایی در جنگ ظاهری شکست بخورند امّا روح بلندشان پیروز و عزیز باقی بماند. یکی از اقسام پستی ها و حقارت ها آن است که افراد هوس ران و گناهکار به انسان به چشم ابزار هوس رانی های خود نگاه کنند و به شخصیت انسانی و با کرامت او توجه ننمایند . انسانی که دارای عزّت نفس است، این حقارت و پستی را نمی پذیرد و از همان ابتدای جوانی به گونه ای در جامعه ظاهر می شود که اجازه ی چنین تحقیری را به دیگران نمی دهد .گرچه او هم

زیبایی و آراستگی را دوست دارد، امّا این زیبایی و آراستگی را در پوششی از حجاب نگه می دارد تا شخصیت متعالی خود را از دست ندهد.

نیاز به مقبولیت و رابطه ی آن با آراستگی:

برخی از نیازها در دوره ی نوجوانی و جوانی، بیش تر خود را نشان می دهد که در این میان می توان از نیاز به توجّه و تحسین دیگران و مقبولیت نام برد. جوان برای این که ثابت کند وجودش برای جامعه مفید است، تلاش می کند که توانایی ها و استعدادهای خود را کشف و شکوفا کند و آن ها را در معرض دید دیگران قرار دهد و جایگاه مناسب خود را در میان دیگران تثبیت کند.

نوجوانی که می کوشد با نشان دادن استعداد خود در یک رشته ی ورزشی یا خلق یک اثر هنری یا کار مؤثّر در یک کارگاه صنعتی، تحسین دیگران را برانگیزد و اعتماد آنان را جلب کند، با آن فردی که با لباسی نامناسب یا آرایش غیر معمولی یا به کاربردن کلامی تند و نابجا یا گذاشتن سیگاری بر لب اظهار وجود می کند، بسیار متفاوت است. این شخص به طور ناخود آگاه ضعف روحی خود را به دیگران نشان داده و آن دیگری ارزش های وجودی خود را به زیبایی هر چه تمام تر آشکار کرده است.

نکته:

آراستگی همراه با عفت و حیا نشانه ی:

الف. شخصیت روحی

ب. درک متعالی فرد از زندگی است

و تحسین قلبی همسالان را به دنبال دارد. حتی آن فردی که نسبت به پوشش همراه با عفت و حیای دیگری روی خوش نشان نمی دهد، در قلب و وجدان خود او را می ستاید.

خلاصه تفکر در آیات

رعایت حیا در حضور جنس مخالف الزامی است:

۱) آب ندادن گوسفندان توسط دختران شعیب در حضور مردان(لا نسقی حتی یصدر الرعا)

۲)رفتن موسی به سایه ای پس از آب دادن گوسفندان دختران(فسقی لهما ثم تولی الی الظل)

۳)گام برداشتن دختران شعیب همراه با رعایت عفاف(تمشی علی استحیاء)

خلاصه اندیشه و تحقیق

کلید واژه های ((پاکدامنی حضرت مریم)) : اعوذ/غلام/یالیتنی + درخواست نیست و نابود شدن و شدت ناراحتی حضرت مریم در هنگام آگاهی از بارداری خود.

کلید واژه های ((پاکدامنی حضرت یوسف)) :

معاذ الله (پناه به خدا بردن حضرت یوسف هنگام مواجهه با ارتکاب به گناه)

حکم/علم (هنگامی که یوسف به بلوغ رسید خدا حکمت و علم به ایشان عطا نمود)

نصرف سوء//تصرف کید (از ریشه صرف + سوء/کید) (نصرف سو هنگام درخواست کامجویی از یوسف)(تصرف کید هنگام زندان)

مخلصین /محسنین(مخلصین همراه با نصرف سوء) (محسنین همراه با تعبیر خواب دو زندانی)

خمراً/خبزاً(تعبیر خواب دو زندانی اولی (خمرا) ارج و مقام نزد پادشاه می یابد. دومی(خبزا) به دار آویخته و پرندگان از سرش می خورند.)

سجن احب (زندان دوستی در مقابل انجام گناه)

سبع بقرات(تعبیر خواب پادشاه)

لم اخنه(عدم خیانت در غیاب عزیز مصر نشانه ی عفاف حضرت یوسف)... (احتمالی کنکور ۹۹)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

نکته نوشت کلاسی:

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

دینی سال دوم دبیرستان
درس چهاردهم(نظارت همگانی)

۱)مقدمه:

در روزگاران قدیم که دریانوردان با کشتی های بادبانی پهنه ی دریاها و اقیانوس ها را می پیمودند، با حوادث دلهره آور و خاطره انگیزی روبه رو می شدند . حرکت با چند قطعه چوب بر دریایی که کرانه های آن ناپیداست، ***ساکنان کشتی را به هم نزدیک می کرد*** .آنان در هنگام خطر حس می کردند که چقدر سرنوشتشان به یکدیگر گره خورده است ! یا همه با هم نجات خواهند یافت و یا همه با هم در دریا فرو می روند. پیام کلی: سرنوشت همه افراد جامعه همانند سرنوشت افراد داخل کشتی به هم گره خورده است.

سوپر ترکیب غفوری: آیه اندیشه و تحقیق درس یک دینی چهارم: من بهش میگم آیه کشتی و نامردان!!! ((:

آیه: (هُوَ الذِی یسَیِّرکُمْ فِی الْبرِ و البحر ...)

ترجمه آیه: او کسی است که شما را در خشکی و دریا سیر می دهد؛ زمانی که در کشتی قرار می گیرید، و باد های موافق آنان را (بسوی مقصد) حرکت می دهد(قدر الهی=بادهای موافق باعث حرکت کشتی(قضا) می شوند + توحید در ربوبیت) و خوشحال می شوند، ناگهان طوفان شدیدی می وزد؛ و امواج از هر سو به سراغ آنها می آید؛ و گمان می کنند هلاک خواهند شد (در لحظات حساس و خطر که احساس می کنند خودشان قدرت هیچکاری ندارند بیشتر به یاد خدا می افتند .) ؛ در آن هنگام، خدا را از روی اخلاص می خوانند (هر کس در فطرت خود، خود را وابسته به یک قدرت بی پایان و بی نیاز می یابد .) که اگر ما را از این گرفتاری نجات دهی ، حتماً از سپاس گزاران خواهیم بود امّا هنگامی که خدا آنها را رهایی بخشید، باز به ناحق، در زمین ستم می کنند . (بدکاری مردم پس از نجات از بحران ها(اذا هم یبغون) نشان دهنده عمیق نبودن اعتقادشان به خداوند و به زیان خودشان است(انما بغیکم علی انفسکم) ای مردم! ستم های شما، به زیان خود شماست ! از زندگی دنیا بهره می برید، سپس بازگشت شما بسوی ماست(معاد جسمانی و بازگشت به سوی خداوند)؛ و ما، شما را به آنچه عمل می کردید، خبر میدهیم!

رمز های حفظ آیه: رِیحٍ طَیِّبَةٍ(بادهای موافق) + اَلبرِ و بَحرِ (خشکی و دریا) + ریح(باد) + بغی(ستم و تجاوز)

ترکیب خفن: موارد حرام طبق آیه درس ۱۲ دینی ۲:

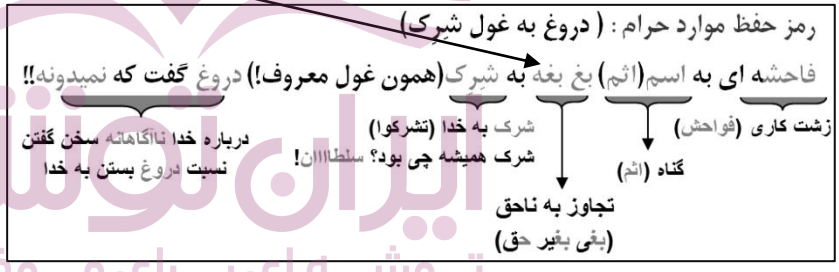

ارتباط این آیه با درس اخلاص(٤ سال چهارم)
خداوند، گرایش به پرستش خود را در خلقت ما قرار داده و به وسیله پیامبران الهی و کتاب های آسمانی ما را به سوی آن راهنمایی نموده است(هدایت تشریعی) . انسان هایی که این گرایش فطری را نادیده گرفته اند و بنده هوای نفس و شیطان شده اند، ۱)از این گرایش غافل شده و ۲)سرگرم امور زود گذر دنیا گردیده اند. = در آن هنگام، خدا را از روی اخلاص می خوانند.

سخن رسول الله به یارانش:

مردم یک جامعه مانند سرنشینان کشتی اند . اگر کسی جایی را که نشسته، به بهانه ی این که جای خودش است، سوراخ کند، نه تنها خودش بلکه همه را غرق خواهد کرد.

پیام: لزوم نظارت همگانی و تشبیه جامعه به یک کشتی که در حال پیمودن اقیانوس زندگی برای رسیدن به کمال و رستگاری است. (مشبه=مردم، مشبه به= سرنشینان کشتی، وجه شبه: مسئولیت های مشترک و هدف واحد)

تطبیق

برخی از افراد وقتی مرتکب گناهی می شوند و دیگران به آن ها تذکر می دهند، این را دخالت در حوز ه ی زندگی خود می شمرند و سلب آزادی خود تلقی می کنند . این دیدگاه را با آیات و روایات، به خصوص با مثال کشتی مقایسه کنید و نتیجه گیری نمایید.

پاسخ:

جست و جو در زندگی شخصی افراد جایز نیست اما اگر آشکار شد که شخص مرتکب منکری شده شده است ؛ نهی از منکر واجب می شود چرا که آثار عمل او به جامعه رسیده و ضرر وارد می کند. همان طور که اگر فردی در کشتی عملی انجام دهد که ظاهراً شخصی است ولی سبب صدمه به کشتی و غرق شدن کل سرنشینان کشتی گردد؛ باید به سرعت در برابر عمل او مقامت نمود و او را منصرف کرد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۲)هدف‌واحد و مسئولیت مشترک:

سرنوشت سرنشینان یک کشتی که در حال گذر از دریاها و اقیانوس هاست، در امور زیر به هم پیوند خورده و مسئولیت مشترکی دارند:

- ✓ **همه ی آن ها با یک وسیله و به سمت یک هدف حرکت می کنند .**
- ✓ **هیچ یک از ساکنان کشتی نمی تواند به میل خود و بدون توجه به دیگران جهت حرکت کشتی را تغییر دهد.**
- ✓ **کشتی هم نمی تواند در آنِ واحد چند جهت متفاوت را دنبال کند.**
- ✓ **حفظ امنیت و سلامت کشتی برای رسیدن به مقصد بر عهده ی همه ی افراد است.**
- ✓ **اختصاصی بودن جا و برخی وسایل دیگر این حق را به کسی نمی دهد که هر طوری که میل دارد از آن ها استفاده کند.**
- ✓ **حالات روحی و اخلاقی افراد مانند ترس یا شجاعت، نا امیدی یا امیدواری افراد در لحظه های خطر بر دیگران تأثیر دارد و سرنوشت همه ی ساکنان را تغییر می دهد.**
- ✓ **سپردن هدایت کشتی به ناخدای خبره و وظیفه شناس و کمک به او بهترین راه رسیدن کشتی به مقصد است.**

خلاصه موارد بالا جهت به خاطرسپاری: همه یک هدف/جهت کشتی به میل یک مسافر نیست/کشتی فقط یک جهت/نقش همه در امنیت و سلامت/اختصاص جا و برخی وسایل/تاثیر حالات روحی یک فرد بر بقیه/بهترین راه رسیدن به مقصد= ناخدای خبره و کمک به وی

نتیجه:

- ✓ **هر فردی نمی تواند به میل خود مقصدی برای کشتی اجتماع تعیین کند.**
- ✓ **هر فردی به بهانه استقلال در مسائل شخصی، نمی تواند بگوید: هر طور که میل دارم زندگی می کنم و انتخاب های من ارتباطی به دیگران ندارد.**
- ✓ **هر کس به بهانه ی نفع شخصی نمی تواند بگوید: من فقط برای رفاه و سعادت خود تلاش می کنم و کاری به دیگران ندارم.**
- ✓ **ارتباط و تاثیرگذاری اعضای جامعه بریکدیگر نسبت به سرنشینان یک کشتی عمیق تر است چراکه از جهات مختلف با یکدیگر پیوند خورده اند و در زندگی طولانی مدت اجتماعی، اخلاق، آداب و رسوم و فرهنگ پدید می آید که بر هر یک از افراد تاثیر می گذارد.**

آیه:

قبول فرمان های الهی:
- وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا . ۱. ضرورت وحدت و یکپارچگی همبستگی اجتماعی
- وَ لَا تَفَرَّقُوا . ۲. محور وحدت حبل الله است. .....
- وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ . ۳. وحدت کلمه نتیجه ی کلمه توحید است. . . .

اسلام عامل الفت و اخوت و وحدت:
- إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً ..... دشمنی دیرینه
- فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ .....
- فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا تا به لطف او بایکدیگر برادر شدید
- وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ و بر کنار پرتگاه آتش بودید — منظور اختلاف و تفرقه است
- فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا که شما را از آن رهانید
- كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ این گونه خدا آیات خود را روشن بیان می کند

عمر، نعمت خداوند:
- لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ تا این که هدایت شوید (یادآوری نعمت ها برای توجه به نعمت آفرین است، به جهت هدایت است.)

تیپ تست های آیه:

۱.منظور از پرتگاه آتش(شفا حفره من النار) در آیه چیست؟ وجود اختلاف،تفرقه و کینه ورزی در صدر اسلام

۲..... عامل رهایی بخشی جامعه از ..... و ..... است. (اسلام-تفرقه-نابسامانی)

۳.عامل اصلی وحدت و برادری جامعه اسلامی ..... می باشد.(لطف خداوند در تالیف قلوب مسلمانان)

۴..... میان مسلمانان عامل هدایت ایشان است.(اتحاد)

۵. از عبارت ..... در این آیه به توحید عملی می رسیم.(واعتصموا بحبل الله)

۶.سراسری ریاضی ۹۵: لازمه تمسک به ریسمان الهی چیست؟(همدلی برادری و دوری از تفرقه و اختلاف در جامعه اسلامی)

۳) دعوت به خیر و نیکی:

دعوت به خیر و نیکی قبل از امر به معروف است .

این دعوت برای آشنایی و تشویق و ترغیب دیگران به خوبی هاست تا میدان بر بدی ها تنگ شود و تمایل به سوی آن ها کاهش یابد .

این دعوت، هم سلامت جامعه را دوام می بخشد و هم به تعالی آن کمک می کند و هم به عنوان پیش گیری، مانع گسترش گناه می شود و نیاز به درمان را که همان وظیفه ی دوّم است، کم می کند.

بهترین و مؤثرترین روش دعوت نیز روش عملی است زیرا که امام صادق می فرماید: دعوت کننده ی مردم باشید اما نه با زبان، بلکه با پارسایی، تلاش، نماز و نیکی، که این رفتارها خود دعوت کننده هستند.(رفتار های دعوت کننده: ۱.پارسایی ۲.تلاش ۳.نماز ۴.نیکی)

کلید واژه های دعوت به خیر و نیکی: آشنایی/تشویق/ترغیب/تمایل به بدی کم/میدان بر بدی تنگ/دوام سلامت/تعالی بخشی/پیش گیری/مانع گسترش گناه/دعوت کننده/پارسایی/تلاش/نماز/نیکی/یدعون+الخیر. سراسری ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۷ از همین کادر مطرح شد!!

نکته: دعوت به خوبی ها و نیکی ها، گرایش به آن ها را در مردم افزایش می دهد و زمینه های گناه را کم رنگ می کند اما این دعوت همیشه باعث پیشگیری نمی شود.(احتمالی ۹۹)

شرط رستگاری — اولین مقدم: وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ ..... پیشگیری از گناه ـ زمینه گناه را کم می کند...

۴) امر به معروف=واجبات و مستحبات و نهی از منکر=محرّمات و مکروهات:

همواره افرادی هستند که از فرمان های الهی سرپیچی می کنند و مرتکب گناه می شوند؛ یعنی واجبات را ترک می کنند و محرمات را انجام می دهند .به علت ارتباط و پیوند عمیق میان انسان ها و تأثیرپذیری فراوانی که از یکدیگر دارند، در صورتی که در مقابل گناهکار اقدام مناسب (که همان نظارت همگانی است که به صورت امر به معروف و نهی از منکر انجام می شود) نشود، رفتار او مانند یک بیماری مسری به دیگران سرایت می کند. این وظیفه آن چنان مهم و ارزشمند است که امام حسین هدف از قیام و شهادت خود و یارانش را احیای امر به معروف و نهی از منکر دانست .

دو شرط رستگاری و فلاح جامعه

اولین مقدم: وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ ..... پیشگیری از گناه ـ زمینه گناه را کم می کند...

دومین موخر: وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ ....> واجبات و مستحبات

وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ....> محرمات و مکروهات ..... درمان گناه

ثمره ی وجود نظارت همگانی در جامعه ← وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

سربلندی و رستگاری جامعه ی اسلامی در دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر است.

آل عمران، ۱۰۳ و ۱۰۴

نکته مهم: امر به معروف و نهی از منکر در واجبات و حرمات واجب است و در مستحبات و مکروهات، مستحب است.

همه ی احادیث امر به معروف و نهی از منکر:

امام علی:

امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید
که افراد شرور و بدکار جامعه بر شما مسلط می شوند
و آن گاه هر چه دعا کنید به اجابت نرسد.

امام علی(ع) به امام حسن و امام حسین

ترک امر به معروف و نهی از منکر می دهد: تسلط افراد شرور و بدکار و عدم اجابت دعاها حتی در صورت تکرار

خارج 91 در میدان عمل به نظارت همگانی آنجا که نافرمانان متجاوز از حدود به استمرار سرپیچی ها پافشاری کنند پرداختن به وظیفه دومین که پیام آیه شریفه: و یامرون... می باشد وجوب خود را اعلام می دارد تا به بیان امام علی(ع) : راه اجابت دعا ها مفتوح بماند.

امام باقر:

امر به معروف و نهی از منکر فریضه ی بزرگ الهی است که همه ی واجبات با آن برپا می شود
و به وسیله ی آن امنیت برقرار می گردد،
کسب و کار مردم حلال و حقوق افراد تأمین می شود
و در سایه ی آن آبادانی می آید
و از دشمنان انتقام گرفته می شود
و کارها رو به راه می گردد.

امام باقر(ع)

امر به معروف و نهی از منکر: فریضه همه واجبات بر آن برپا اند./امنیت/کسب و کار حلال/حقوق افراد/آبادانی/انتقام از دشمنان/کار ها ررو به راه

هنر 86: بنابه فرموده امام باقر انجام همه مستحبات از نتایج امر به معروف و نهی از منکر نمی باشد.

امام صادق:

گروهی از اینان(بنی اسرائیل) هرگز در کارهای گناهکاران شرکت نداشتند امّا هنگامی که آن ها را ملاقات می کردند، به روی آن ها می خندیدند و با آنان مأنوس می شدند. (تایید کننده گناه دیگران در گناه شریک)

امام صادق ← **خندیدن به گناه کار موجبات انجام گناه را فراهم می کند.**

خارج 90: مورد لعن پیامبران قرار گرفتن قوم بنی اسرائیل به بیان امام صادق معلول انس ورزیدن با گناهکاران و صحه گذاشتن بر زشت کاری آنان

رسول الله:

هر کس به کار نیکی امر یا از کار بدی بازدارد یا مردم را به خیر راهنمایی کند یا به نحوی موجبات تشویق آن ها را فراهم سازد، در آن عمل خیر سهیم و شریک است و همچنین، هر کس امر به کار بد کند یا دیگران را بدان راهنمایی و تشویق نماید، او نیز در آن بدی شریک است.

امر راهنمایی یا تشویق به کار بد می دهد سهیم بودن در بدی پیامبر **بازداشتن از بدی و تشویق به نیکی می دهد سهیم بودن در نیکی**

امام علی:

تمام کارهای نیک، حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون قطره ی آبی است در برابر دریای پهناور.(ارتباط با قیام امام حسین(ع))

امام علی(ع) **ارزش بسیار بالای امر به معروف و نهی از منکر در مقابل تمام کار های نیک**

نکته خفن غفوری:

اگر در تستی بگویند: با توجه به بیان امام صادق(ع) :

الف)مانوس شدن با گناهکاران توسط انسان باعث چه می شود؟ جواب: باعث شریک شدن در گناه آنان

ب) مانوس شدن با گناهکاران توسط قوم بنی اسرائیل باعث چه می شود؟ جواب: باعث مورد لعن پیامبران قرار گرفتن.

غفوری says...

۲ آیه دیگر امر به معروف و نهی از منکر:

وَ الْمُؤْمِنونَ وَالْمُؤْمِناتُ .....

بَعْضُهُمْ اَوْلِياءُ بَعْضٍ سرپرستی و مسئولیت اجتماعی مومنان

زمینه‌ساز بهره‌مندی از رحمت الهی ((توصیف))

(۱) يَأْمُرونَ بِالْمَعْروفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ اولین

(۲) وَ يُقيمونَ الصَّلاةَ نظارت همگانی مستمراً .....

(۳) وَ يُؤْتونَ الزَّكاةَ اقامه نماز مستمراً .....

(۴) وَ يُطيعونَ اللّٰهَ وَ رَسولَهُ پرداخت صدقه مستمراً ....

ولایت پذیری مستمراً ... از معیار های تمدن اسلامی

پذیرش ولایت الهی و نپذیرفتن حاکمیت طاغوت از دلایل ولایت ظاهری

((ثمره)) أُولٰئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللّٰهُ إِنَّ اللّٰهَ عَزيزٌ حَكيمٌ لازمه جذب رحمت الهی ؛ مورد فوق است.

آمد تا حق بودن این وعده بیان کند. .....

توبه، ۷۱

آمد تا توانایی خدا را وعده خود را بیان کند. .....

خلاصه مهم:

نشانه مرد و زن با ایمان فرقی نمی کند چه جنسیتی داشته باشند!

1.مسئول و ولی نسبت به یکدیگر
2.امر به معروف و نهی از منکر
3.برپا داشتن نماز
4.پرداختن زکات
5.اطاعت از خداوند و پیامبرش

می دهد ← قرار گیری در رحمت خداوند

راه بهترین امت شدن

معلول: كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنّاسِ .....

علت:
(۱) تَأْمُرونَ بِالْمَعْروفِ .....
(۲) وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ .....
(۳) وَ تُؤْمِنونَ بِاللّٰهِ ... .

آل‌عمران، ۱۱۰

تقدم امر به معروف به ایمان خدا: اینست که امر به معروف موجب گسترش ایمان می شود.

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

دو مورد ویژگی جامعه اسلامی:

انجام امر به معروف و نهی از منکر + ایمان به خدا می دهد: بهترین امت و الگوی سایر جوامع

جامعه اسلامی با توجه به متن درس نه سال چهارم: جامعه ای الگو و اسوه برای سایر مسلمانان است.

نکته خفن شماره یک غفوری:

تنها آیه ای که فعل امر به معروف و فعل نهی از منکر در آن با (ت) شروع می شود همین آیه است که باید حواسمان باشد که در ابتدا با (کنتم خیر امه) شروع شده و خداوند همراه با امر به معروف و نهی از منکر به ایمان نیز جهت مقام الگویی اشاره نموده است.

سوپر نکته خفن شماره دو غفوری☺ احتمالی ۹۹

اگر قسمتی از آیه ای با عبارت : ((و یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر)) آغاز شود: ...

ابتدای آن آیه با مفهوم دعوت به خیر و نیکی = ((و لتکن منکم امه)) ؛ آغاز می شود.

انتهای آن با مفهوم سربلندی و رستگاری= ((و اولئک هم المفلحون)) ؛ پایان می پذیرد.

اگر قسمتی از آیه ای با عبارت : ((□ یامرون بالمعروف و ینهون عن المنکر)) آغاز شود: ...

ابتدای آن: آیه با عبارت ((و المومنون و المومنات)) ؛ آغاز می شود.

مفهوم آیه: زمینه ساز های قرار گیری در رحمت الهی (اولیا+امر به معروف و نهی از منکر+نماز+زکات+اطاعت خدا و رسول)

انتهای آن: با مفهوم مورد رحمت الهی قرار گرفتن و عبارت ((ان الله عزیزا حکیما)) ؛ پایان می پذیرد.

هیچگاه در تست ها قسمتی از آیه ای با عبارت : ((و ینهون عن المنکر)) آغاز نمی شود زیرا :

در این صورت مفهوم هر دو آیه بالا برداشت شده و دو گزینه صحیح می شود.

ولی دقت کنید ممکن است طراح این قسمت از آیه را بدهد و بگوید: ((با کدام مفهوم برداشت شده متناسب نیست؟)) در این صورت منظور طراح گزینه ای می باشد که در آن یکی از مفاهیم موجود در آیه ((کنت خیر امه اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تومنون بالله)) موجود باشد چرا که در این آیه فعل های مان با ((ت)) شروع می شود نه ((ی)) . +(قبلاً مفاهیم برداشت شده از این آیه را به دقت بررسی کردیم)

غفوری says...

۵)احکام امر به معروف و نهی از منکر: (واجب کفایی)

این احکام عبارتند از :

الف ــ شرایط انجام امر به معروف و نهی از منکر

کسی که می‌خواهد امر به معروف و نهی از منکر کند، باید :

شرایط:

۱ــ بداند چیزی را که شخص ترک کرده و انجام نداده، از واجبات است و یا آنچه را انجام داده، از محرمات است. علم به واجبات و محرمات

۲ــ بداند که شخص گناهکار تصمیم دارد گناه خود را ادامه دهد. پس اگر نداند یا گمان کند یا احتمال بدهد که تکرار نمی‌کند، امر به معروف یا نهی از منکر واجب نیست.

۳ــ احتمال بدهد که فلان روش برای امر و نهی او مؤثر واقع می‌شود و اگر بداند که با تغییر روش، امر و نهی او مؤثر واقع می‌شود، باید سعی کند روش خود را تغییر دهد تا امر به معروف و نهی از منکر دارای تأثیر باشد. مثلاً اگر توضیح دادن مؤثر نبود، می‌توان روش را عوض کرد. مثلاً کتاب مناسب معرفی کرد یا از فردی که با اطلاع‌تر است کمک گرفت.

۴ــ بداند که در امر و نهی او مفسده‌ای نیست. پس اگر بداند یا احتمال بدهد که از این طریق امر و نهی او ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجه دارد، باید روش دیگری پیش گیرد.

توجه : اگر انجام یک معروف یا ترک یک منکر از اموری باشد که خداوند به آن اهمیت زیاد می‌دهد، مثل اصول دین یا مذهب و حفظ قرآن کریم یا احکام ضروری دین، باید اهمیت آن را جدّی تلقی کنیم و خطرات آن را تحمّل کنیم و ضررهای آن را بپذیریم. امام حسین ــ علیه‌السلام ــ و یارانش برای حفظ اسلام و ازبین‌بردن ظلم و فساد بنی‌امیه جان خود را فدا کردند و آن مصیبت بزرگ را تحمّل نمودند.

ب ــ مراحل امر به معروف و نهی از منکر

مراحل:

مرحله‌ی اوّل : با شخص گناهکار طوری رفتار شود که بفهمد این رفتار به‌خاطر گناه او بوده است؛ مانند این که از او روی بگردانیم یا به او اخم کنیم.

مرحله‌ی دوم : با زبان، او را امر یا نهی کنیم و اگر احتمال می‌دهیم با موعظه (A) و نصیحت از گناه دست برمی‌دارد، لازم است به همین اکتفا کنیم. در موعظه و نصیحت می‌توان از شیوه‌های مختلف تربیتی (B) و استدلال و منطق بهره برد تا میزان تأثیرگذاری افزایش یابد و شخصِ گناهکار به عواقب (C) و نتایج عمل خود بهتر پی ببرد.

مرحله‌ی سوم : او را از انجام حرام بازداریم یا به واجب وادار کنیم. این مرحله برای زمانی است که بدانیم راه دیگری وجود ندارد. البته انجام این مرحله در جامعه، در حوزه‌ی مسئولیت‌های حاکم اسلامی و مشروط به اجازه‌ی اوست.

بیش از ۱۰ بار تکرار این کلید واژه ها در کنکور!!!

کلید واژه های شرایط: بداند/علم به واجبات/علم به محرمات/ادامه گناه/احتمال اثر/ تغییر روش/عدم مفسده/ضرر/جانی/آبرویی/مالی

کلید واژه های مراحل: #مرحله یک: رفتار/روی گرداندن/اخم #مرحله دو: زبان/موعظه/نصیحت/تربیتی/استدلال/منطق/اثرگذاری/عواقب/نتایج

#مرحله سه: بازداشتن/وادار کردن/عدم وجود راه دیگر/اجازه حاکم اسلامی

این نکات را بفهمید!! حفظ نکنید فقط میخوام بفهمید طراح چجوری میتونه با کلمات بازی کنه.

سوپر نکته یک غفوری:

اگر ((احتمال)) همراه با: ((یا نداند)) یا ((یا گمان کند)) بیاید همواره پس از آن دو مطلب می آیند: اولاً ((تکرار نمی کند))ثانیاً ((امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست)) .

مثال: تست: در بررسی .... امر به معروف و نهی از منکر اگر فردی احتمال بدهد یا نداند که مخاطب ..... ؛ در این صورت امر به معروف و نهی از منکر .... . پاسخ: شرایط-تکرار گناه می کند یا خیر-واجب نیست.

سوپر نکته دو غفوری:

بداند برای هر چهار مورد از شرایط امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده است: 1)بداند از واجبات یا از محرمات 2)بداند به گناه ادامه می دهد. که در هر دو مورد طراحان بجای استفاده از کلمه ((بداند)) از کلم ((علم به فلان)) استفاده می کنند که معادل هم اند. 3)در شرط سوم پس از آن اشاره شده است که: ((و اگر بداند که با تغییر روش موثر واقع می شود باید سعی کند روش خود را تغییر دهد)). 4)بداند که در امر و نهی او مفسده ای نیست و در ادامه کلمه ((بداند)) در کنار کلمه ((یا احتمال بدهد)) آمده است.

سوپر نکته سه غفوری:

احتمال بدهد برای سه مورد از شرایط امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده است: 1)یکی در انتهای شرط دوم که خود این شرط با کلمه ((بداند)) آغاز می شود ولی در انتها به ((احتمال بدهد که تکرار گناه کند)) ختم می شود. 2)احتمال بدهد که فلان روش موثر واقع می شود که در ادامه ی این شرط کلمه ((بداند)) نیز مطرح شده 3.احتمال بدهد در شرط چهارم در کنار ((بداند)) در جمله:((پس اگر بداند یا احتمال دهد که از این طریق امر و نهی او ضرر جانی مالی آبرویی دارد باید روش دیگری در پیش بگیرد)).

سوپر نکته فووووووق خفن غفوری:

اگر بداند.....همراه با ((+یا احتمال دهد)) با تکرار امر موثر واقع ... (روش امر به معروف).....باید آن را تکرار کند.

پس اگر نداند ..... گناه را تکرار نمی کند(انتهای شرط دوم)..... امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست.

و اگر بداند .....با تغییر روش موثر(ادامه ی شرط سوم).....باید روش خود را تغییر دهد.

پس اگر بداند .....همراه با ((+یا احتمال دهد)) ضرر جانی مالی آبرویی(ادامه شرط چهارم).....روش دیگری در پیش گیرد.

سوپر نکته چهارم غفوری: باز هم خفن!!

کلمه ((روش)) هم در شرط سوم و هم شرط چهارم ذکر شده است بنابراین فقط به شرط سوم اختصاص ندارد!

شرط سوم: احتمال بدهد که فلان روش موثر واقع می شود که در ادامه ی این شرط کلمه ((بداند)) نیز مطرح شده

ادامه شرط چهارم: پس اگر بداند یا احتمال دهد که از این طریق امر و نهی او ضرر جانی مالی آبرویی دارد باید روش دیگری در پیش بگیرد.

سوپر نکته پنجم غفوری:

کلید واژه ((کتاب مناسب)) یا ((کمک از فرد مطّلع تر)) مربوطه به مورد سوم از شرایط امر به معروف و نهی از منکر

ولی کلید واژه ((استدلال)) و ((منطق)) و ((شیوه های مختلف تربیتی)) مربوطه به مرحله دوم از مراحل امر به معروف و نهی از منکر

روش ها:

روش ها (مفاهیمی اخلاقی اند)

کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، موظف است :

۱ــ در انجام آن، مرتکب گناهی ــ مانند دروغ، توهین و تحقیر ــ نشود.

۲ــ مانند طبیبی مهربان رفتار کند.

۳ــ مصلحت مخاطب را رعایت کند.

۴ــ از خودخواهی و خودستایی بپرهیزد.

۵ ــ قصدش تنها رضای خدا باشد. ← **اخلاص**

۶ــ خود را منزّه ازگناه و برتر از گناهکار نبیند.

۷ــ اگر بداند و یا احتمال دهد که امر به معروف و نهی از منکر با تکرار، مؤثر واقع می‌شود، باید آن را تکرار کند[1].

کلید واژه های روش ها: عدم گناه /مهربان/رعایت مصلحت/عدم خودخواهی/حسن فاعلی=قصد فقط رضاالله/ عدم برتر بینی/تکرار در صورت علم به تاثیر گذاری یا احتمال به تاثیر گذاری/از بین رفتن اخوت

پایان جزوه خفن درس چهاردهم دینی دوم دبیرستان

خفن نوشت های تستی من:....

مهدی غفوری اولین مدرس دین و زندگی به سبک زیست شناسی در ایران

صد ها نفر همگام با من صد درصد می زنند پس به کمتر صد راضی نشو!

دین و زندگی دوم دبیرستان

درس ۱۵ (کار و درآمد حلال)

۱)مقدمه:

انسان هایی که در یک جامعه زندگی می کنند، با کار و تلاش و به کمک یکدیگر نیازهای مادی و معنوی خود را رفع می نمایند.

۲) کار، منشأ اصلی تولید ثروت:

در بینش و تفکر اسلامی، کار خلّاق و مولّد ،منشأ اصلی کسب مال و درآمد و کلید استفاده از منابع طبیعی و خدادادی است.

منطق فطرت هم برای پدید آورنده ی یک شی ء حق تصرف در آن را می پذیرد و او را مالک می شناسد. به همین جهت، مالک اصلی و حقیقی همه ی موجودات خداست.(توحید مالکیت)

پیامبر: هر کس به آباد کردن زمینی که بی استفاده است بپردازد و شخص دیگری در این کار بر او سبقت نگرفته باشد، آن زمین از آنِ (مالکیت)او خواهد بود.

کار، یا باید مولّد و خلّاق باشد و یا نتیجه ی مفیدی داشته باشد تا بتوان نام کار بر آن گذاشت.

کار مولّد و خلّاق اختصاص به کار در کارخانه یا کشاورزی و پزشکی ندارد .

تولید علم و پیشرفت در رشته های علمی از مهم ترین کارها .

تجارت کالاهای مفید و حلال و خدمات از کارهای سودمند .

یکی از بدترین بلاها برای هر جامعه روی آوردن به کارهای کاذب و دوری از کار مفید و مولّد ، امری که پیشوایان ما به صراحت آن را منع کرده اند.

آیه:

ضرورت کار و کسب روزی از زمین

هُوَ اَنْشَاَکُمْ مِنَ الْاَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَکُمْ فیها ...

او شما را از زمین آفرید و شما را به آبادانی آن واداشت

هود، ۶۱

نکته: هر گاه از ریشه ((انشأ)) در آیات دیدی: **اشاره به #لزوم توجه به اصل و مبدا و #توحید خالقیت دارد.**

نکته: (انشأ) در ۳ درس آمده: درس ۴ و ۵ دینی دوم که اشاره به آفرینش بعد روحانی دارد و یکی هم در آیه بالا که اشاره به آفرینش بعد حسمانی دارد چراکه بعد از آن عبارت ((من الارض)) بیان شده است.

جمع بندی:

۱. ثم + انشأناه + خلقا آخر (درس ۴ دینی ۲) ..... اشاره به توحید خالقیت ..... اشاره به منشا بعد روحانی انسان و بیانگر تفاوت خلقت بعد روحانی با جسمی.

۲. ثم+ ینشی+ النشاه الآخره (درس ۵ دینی ۲) ..... اشاره به توحید خالقیت.....اشاره به مشاهده چگونگی آفرینش جهان هستی برای درک آفرینش مجدد آن و وجود جهان آخرت.

۳. هو + انشأکم + من الارض (درس ۱۵ دینی ۲) ..... اشاره به توحید خالقیت ....اشاره به مبدا و خلقت اولیه ی بشر از خاک (بعد جسمانی) روش حفظ: کلمه (خاک) دارای حرف (ک) هست و (انشا) تنها در همین آیه همراه با ضمیر (کم) آمده که این ضمیر هم دارای حرف (ک) است.

جمع بندی کلید واژه های (کار منشا اصلی تولید ثروت) :

خلاق/مولد/کلید منابع/تصرف/خانواده مالک/عدم سبقت/کارخانه/کشاورزی/پزشکی/علم/پیشرفت+علم/تجارت/خدمات/کاذب یدترین/انشأ/استعمر/آبادانی

۳) ربا، کاذب ترین کارها:

۱. پول وسیله ای برای مبادله ی کالاست.

۲. اگر این پول، خودش مستقلاً مورد معامله قرار گیرد، بدون این که فایده ای در کار باشد، ربا پیش می آید .

۳. برخی اشخاص مقداری پول را نزد خود انباشته می کنند و آن را به کسانی که نیاز دارند، قرض می دهند و بدون این که کاری انجام دهند یا در کار آن ها شریک شوند و خطر احتمالی را بپذیرند، با وام گیرنده شرط می کنند که پول بیش تری بازگرداند .

۴. این عمل سبب می شود کسانی بدون فعالیت و کار به ثروت های زیادی برسند و پول که باید در جامعه گردش داشته باشد، در دست عده ای خاص متمرکز شود .گروهی هم که ناچار می شوند از چنین کسانی پول بگیرند، روز به روز فقیرتر می گردند؛ زیرا اینان ناچارند علاوه بر پولی که قرض گرفته اند، درصد زیادی نیز که قرض دهنده درخواست کرده، بپردازند .

۵. ادامه ی این کار سبب می شود که نیازمندان جامعه نیازمندتر و ربا خواران حریص تر و ثروتمند تر شوند و طبقه ای استثمارگر در جامعه پدید آید.

۶. امروزه، سرمایه داران بزرگ جهان وام هایی با بهره های سنگین به کشورهای فقیر و نیازمند می دهند و چون آن کشورها توان پرداخت پیدا نمی کنند، ناچار می شوند معادن و ثروت های طبیعی خود را در اختیار آن سرمایه داران قرار دهند .به همین سبب جهان به دو قطب غنی و فقیر، ثروتمند و گرسنه، مسلط و زیر سلطه تقسیم شده است.

۷. در عصر رسول خدا مردم عربستان به ربا آلوده بودند؛ تا این که از جانب خداوند دستورآمد این عمل را ترک کنند و به جنگ با خدا و رسول او نپردازند.

تمرین متن : جاهای خالی را با کلمات مناسب تکمیل کنید.

۱-در بینش و تفکر اسلامی، کار .... و .... ، منشأ اصلی کسب مال و درآمد و .... استفاده از منابع طبیعی و خدادادی است.

خلاق و مولد-کلید

۲-منطق ... هم برای پدید آورنده ی یک شی ء حق .... در آن را می پذیرد و او را .... می شناسد.

فطرت-تصرف-مالک

۳-به این جهت، مالک ... و ... همه ی موجودات خداست که خدا .... همه موجودات است.

اصلی-حقیقی-پدیدآورنده

۴-هر کس به آباد کردن زمینی که ..... بپردازد و شخص دیگری در این کار بر او ..... ، آن زمین از آنِ او خواهد بود.

بی استفاده است-سبقت نگرفته باشد

۵-کار، یا باید ... و ... باشد و یا ... داشته باشد تا بتوان نام کار بر روی آن گذاشت.

خلاق-مولد-نتیجه مفیدی

۶-از بدترین بلاها برای هر جامعه روی آوردن به کارهای ... و دوری از کار .... و .... است، امری که پیشوایان ما به صراحت آن را .... کرده اند.

کاذب-مفید-مولد-منع

۷- .... وسیله ای برای مبادله ی کالاست . اگر این پول، خودش .... مورد معامله قرار گیرد، بدون این که .... در کار باشد، .... پیش می آید.

پول-مستقلاً-فایده ای-ربا

آیه:

یا اَیُّهَا الَّذینَ ءامَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَ ذَروا ما بَقِیَ مِنَ الرِّبا اِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنینَ فَاِنْ لَمْ تَفْعَلوا فَأْذَنوا بِحَرْبٍ مِنَ اللّٰهِ وَ رَسولِهِ وَ اِنْ تُبْتُمْ فَلَکُمْ رُئوسُ اَمْوالِکُمْ لاتَظْلِمونَ وَ لاتُظْلَمونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید
پروای خدا داشته باشید **تقوا لازمه ترک ریاست**
و آن‌چه را از ربا باقی می‌ماند، رها کنید؛ **حرمت ربا**
اگر مؤمن هستید **ایمان شرط رها کردن ربا است.**
پس اگر چنین نکنید
با خدا و رسولش اعلان جنگ دهید.
و اگر توبه کنید توبه‌ازربادرگرو رسیدن‌اصل‌سرمایه‌به‌قرض دهنده‌است
سرمایه‌هایتان از آنِ خودتان صیانت‌ازمالکیت‌خصوصی
تا نه ظلم کنید و نه مورد ظلم واقع شوید.

حرمت‌وام‌مشروط
شرط: اِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنینَ
علت: فَاِنْ لَمْ تَفْعَلوا
معلول: فَأْذَنوا بِحَرْبٍ مِنَ اللّٰهِ وَ رَسولِهِ

مصداق آن: «ذروا مابقی من الربا» بقره ۲۷۸ و ۲۷۹ مصداق آن: «فلکم رئوس اموالکم»

رمز حفظ آیه:
ذروا (رها کردن ربا)
اذن(اعلان جنگ با خدا و پیامبر)

تیپ تست های آیه:

۱-آیه ی شریفه ((یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقی...)) در تفهیم ..... به مومنان است و در ادامه می فرماید اگر از این کار خودداری نکردید..... .(بر حذر ماندن از آلودگی به رباخواری-اعلان جنگ با خدا و رسولش را پذیرفتید)

۲-با توجه به آیه شریفه ((یا ایها الذین امنوا اتقوا الله و ذروا مابقی من الربا ان کنتم مومنین)) لازمه ایمان واقعی ..... معرفی شده است.(رعایت تقوای الهی و ترک ربا)

۳-در قرآن کریم فقط یکجا ((اعلان جنگ با خدا و رسولش)) مطرح می شود و آن زمانی است که یک نظام .... ، فرهنگ ..... را دنبال می کند.(اقتصادی-رباخواری)

نکته بازی

نکته: (ذروا) دیدی سریع بگو حرمت ربا و وجوب ترک آن + توحید در عبادت / نکته: با توجه به آیه لازمه ایمان واقعی، رعایت تقوای الهی و ترک ربا است. / نکته: ترک ربا باعث عدم ظلم به خود و دیگران می شود. / نکته: تارک ربا باید سود و بهره های پول را به صاحبانش بازگرداند اما اصل سرمایه مال خود اوست به همین دلیل نه ستم می کند و نه ستم می بیند. / نکته: اذنوا دیدی سریع بگو: اعلان جنگ + شرک عملی/ نکته: (تبتم) = توبه و بازگشت انسان از گناه

۱. در هر فعالیت اقتصادی، دو عامل دخالت دارد : سرمایه و کار . با سرمایه و کار نوعی مشارکت اقتصادی به وجود می آید و سود یا زیان آن، بنابر توافق قبلی، میان صاحب سرمایه و انجام دهنده ی کار تقسیم می شود.

۲. برنامه ی اسلام در مورد ثروت و سرمایه ، به کار گرفتن آن در تولید و سازندگی و توسعه و رفع فاصله ی طبقاتی و فقر است . آنان که ثروت اندوخته دارند، ۱)شایسته است آن را در بستر تولید و حیات اقتصادی به کار گیرند یا ۲)با کسانی که نیازمند سرمایه اند، شریک شوند، یا ۳)به صورت قرض الحسنه به نیازمندان بدهند تا بتوانند به کار و تولید بپردازند.

۳. سرمایه باید مانند خون در رگ های اقتصادی جامعه جریان داشته باشد و با گردش خود حیات جامعه را تأمین کند و عدالت اقتصادی را ممکن سازد.

۴. وقتی سرمایه ی افراد با کار مهندسان، کشاورزان، کارگران، محققان، معلّمان و استادان همراه شود، چرخ تولید به راه می افتد و ثروتی که از این راه به دست می آید باید براساس توافق قبلی و به عدالت میان صاحبان سرمایه و کار تقسیم شود.

۵. یکی از راه های برقراری عدالت، توزیع عادلانه ی سود حاصل از فعالیت اقتصادی میان دارندگان کار و سرمایه است . سودی که از این راه به صاحب سرمایه می رسد، نه تنها حلال و پاک است بلکه اگر با نیت الهی باشد، اجر و ثواب اخروی هم خواهد داشت.

۵) بانکداری:

۱. در نظام اسلامی، بانک کانون مشارکت کار و سرمایه است . صاحبان پول و سرمایه، ثروت خود را بدان جا می سپارند تا در یک فعالیت اقتصادی مانند راه اندازی کارخانه، بنا کردن ساختمان، آباد کردن زمین کشاورزی و تأسیس مراکز علمی و پژوهشی به کار گرفته شود و سود حاصل میان بانک، صاحب سرمایه و صاحب فعالیت تقسیم می شود.

۲. همچنین بانک به عنوان صاحب سرمایه با افراد جامعه وارد مشارکت می شود و سرمایه ی خود را طی قراردادی در اختیار افراد متقاضی می گذارد و با آنان در کار مشخصی مشارکت می کند . سرمایه ی بانک و کار افراد دست به دست هم می دهد و فعالیت اقتصادی شکل می گیرد . بانک سهم خود را به صورت ماهانه دریافت می کند تا وام گیرنده توان پرداخت آن را داشته باشد.

۳. بنابراین، بانکداری در نظام اسلامی راهی برای مشارکت کار و سرمایه است . آنچه اهمیت دارد این است که بانک ها سود حاصل از مشارکت خود را عادلانه تعیین کنند تا افراد جامعه توانایی همکاری سازنده با بانک را داشته باشند . روشن است اگر بانک ها بخش بیشتری از سود به دست آمده را بردارند، روش عادلانه ای را پیش نگرفته اند.

۴. قانون بانکداری که در مجلس شورای اسلامی تصویب شده و مبنای عمل بانک هاست، براساس مشارکت سرمایه و کار استوار است و از این جهت با مقررات مالی اسلام مطابقت دارد.

۵. تمرین متن: جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

در نظام اسلامی، بانک کانون مشارکت ... و ... است.

سود حاصل میان ..... ، ..... و .... تقسیم می شود.

آنچه اهمیت دارد این است که بانک ها سود حاصل از مشارکت خود را ..... تعیین کنند تا افراد جامعه توانایی همکاری سازنده با بانک را داشته باشند.

قانون بانکداری که در ..... تصویب شده و مبنای عمل بانک هاست، براساس مشارکت .... و ... استوار است و از این جهت با مقررات .... مطابقت دارد.

۶) تأمین نیازهای عمومی: (از اینجا به بعد درس مهم شد)

جامعه ی اسلامی هزینه های گوناگونی دارد که باید تأمین شود. این هزینه ها دو نوعند : ۱) هزینه های ناشی از خلأ ها و شکاف های موجود در جامعه و ۲)دیگری هزینه های برآمده از زندگی اجتماعی و شهری.

نیازهای جامعه از دو راه تأمین می شود: انفاق و مالیات

انفاق: (انفاق واجب=زکات و خمس + انفاق مستحب)

هزینه های ناشی از خلا ها و شکاف های موجود در جامعه و کارهای عام المنفعه مانند هزینه های مربوط به تأمین زندگی نیازمندان، مساکین، انسان های از کار افتاده، خانواده های بی سرپرست، تحصیل طلاب، دانش آموزان و دانشجویانی که از تمکّن کافی برخوردار نیستند، افراد مقروضی که توان

پرداخت قرض خود را ندارند و نیز ساختن مساجد و کتابخانه ها، ایجاد مؤسسات فرهنگی و تربیتی و تولید فیلم ها و نرم افزارهای آموزشی به منظور تربیت انسان های دیندار از راه انفاق است . افرادی که از نعمت سلامتی و تمکّن مالی برخوردارند، بخشی از اموال و سرمایه ی خود را به شکرانه ی سلامتی و رفاه شخصی در راه خدا صرف امور خیریه و عام المنفعه می کنند.

زکات: (یک انفاق واجب است)

قرآن کریم در بسیاری موارد، پس از برپا داشتن نماز (مقدم) بر پرداخت زکات (مواخر) تأکید کرده است.

رمز حفظ موارد زکات:

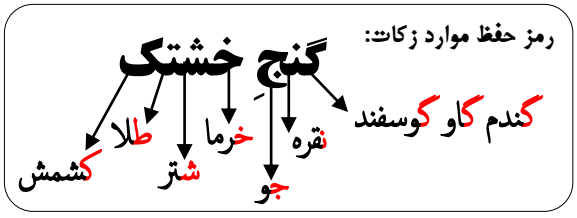

مواردی که ذکات به آن ها تعلق می گیرد:

غلاّت : گندم، جو، خرما و کشمش

دا م ها : شتر، گاو و گوسفند

سکّه ها : طلا و نقره.

نکات ذکات:

الف زکات اموال مذکور در صورتی واجب است که مورد زکات به حد معین یا تعداد معین برسد . هر یک از این اموال نه گانه حدّ نصاب خاصی دارند.

ب زکات، یک عبادت است و لازم است به نیّت زکات و با قصد قربت انجام شود.

ج زکات طلا و نقره در صورتی واجب است که به صورت سکّه ای باشد که معامله ی با آن رواج دارد؛ بنابراین، زیور آلات خانم ها زکات ندارد.

آیه ذکات:

زکاة

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ ..... نیازمندان و خانه‌نشینان

لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ .....

وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا ← کارکنان جمع آوری زکاة .....

وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ ← متمایل شدن دل های غیر مسلمان به اسلام

وَ فِي الرِّقَابِ ← آزادی بردگان .....

وَ الْغَارِمِينَ ← پرداخت قرض بدکاران .....

وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ← کسی که در راه مانده و سید نیست.

وَ ابْنِ السَّبِيلِ .....

فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ .....

وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ .....

توبه، ۶۰

مصارف زکاة

۸ مورد

موارد مصرف زکات:

- ✓ فقرا و مساکین
- ✓ عاملین و قلوب
- ✓ رقاب و غارمین
- ✓ سبیل الله و ابن سبیل

مبنای وجوب زکاة

زکات فطره: (یک انفاق واجب است)

در پایان ماه رمضان که عید فطر فرا می رسد و همه در شادی به سر می برند، خداوند، برای کمک به محرومان و مستمندان جامعه زکات فطره را واجب کرده است و احکام آن به شرح زیر است:

الف کسی که موقع غروب شب عید فطر بالغ و عاقل و هشیار است و فقیر نیست باید برای خودش و کسانی که نان خور او هستند، هر نفر به میزان تقریبی ۳ کیلو گرم گندم یا جو یا خرما یا برنج و مانند این ها به مستحق بدهد . اگر پول یکی از این ها را هم بدهد، کافی است.

ب کسی که دیگری باید فطره ی او را بدهد، واجب نیست فطره خود را بدهد.

ج کسی که نمی تواند مخارج سال خود و خانواده اش را تأمین کند و کسبی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و خانواده اش را پرداخت کند، فقیر است و دادن زکات فطره بر او واجب نیست.

د انسان باید زکات فطره را به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند بپردازد و موقع پرداختن نیّت زکات فطره نماید.

همیشه خمس و زکات به n چیز تعلق می گیرند و n-1 مورد مصرف دارند.

خمس: (یک انفاق واجب است)

خمس یکی از راه های تأمین نیاز های جامعه است که به هفت چیز تعلق می گیرد و رایج ترین آن ها منفعت کسب و کار است.

همه ی کسانی که از طریق کار، درآمدی کسب می کنند، پس از صرف هزینه های سالانه ی زندگی خود و خانواده، باید یک پنجم آنچه را باقی مانده، به عنوان خمس بپردازند.

هر کس باید یک روز از سال را روز تعیین میزان خمس اموال خود قرار دهد تا ببیند که آیا پرداخت خمس برعهده ی او هست یا نه. چنین شخصی در طول سال درآمدهایی به دست می آورد و از این درآمد، مخارج زندگی خود و خانواده اش را تأمین می کند. پس از گذشت یک سال، وقتی به روز موعود رسید، اگر از درآمد او چیزی باقی مانده باشد چه به صورت پول و چه به صورت کالا، باید یک پنجم آن را به عنوان خمس به حاکم اسلام و یا مجتهد جامع الشرایط پرداخت کند تا ایشان در راه هایی که قرآن کریم و رسول اکرم و ائمه اطهار معین کرده اند، به مصرف برساند.

نکات خمس:

۱ تا خمس مال پرداخت نشود، استفاده از آن جایز نیست؛ مثلاً با پولی که خمس آن پرداخت نشده، نمی توان چیزی خرید.

۲ اگر با پولی که خمس آن داده نشده است، خانه ای خریداری شود، نماز خواندن در آن خانه باطل است.

۳ آذوقه ای که از درآمد سال برای مصرف در خانه خریده شده است مانند برنج، روغن و چای اگر در آخر سال زیاد بیاید باید خمس آنچه باقی مانده است، پرداخت شود.

٤ زیور آلات خانم ها، اگر بیش از مقدار مصرفی متداول آن ها باشد و جنبه ی ذخیره به خود بگیرد، قسمت اضافی آن دارای خمس است و خمس آن باید پرداخت شود.

٥ اگر چیزی را که خمس آن داده نشده به کسی ببخشند، یک پنجم آن چیز مال او نمی شود.

٦ اگر بچه ای سرمایه ای داشته باشد و از آن منافعی به دست آید، بنابراحتیاط واجب بعد از آن که بالغ شد باید خمس آن را بدهد.

آیه خمس:

مصارف خمس
۶ مورد

وَ اعْلَمُوا أَنَّما غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ .....

فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ ← پس انداز و باقی مانده .....

وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبى سادات نیازمند .....

وَ الْيَتامى وَ الْمَساكِينِ .....

وَ ابْنِ السَّبِيلِ ← کسی که در راه مانده و سید است.

انفال، ۴۱

موارد مصرف خمس:

- ✓ خدا و پیامبر
- ✓ خویشاوندان پیامبر
- ✓ سادات(یتیم،مسکین،ابن سبیل)

جمع بندی:

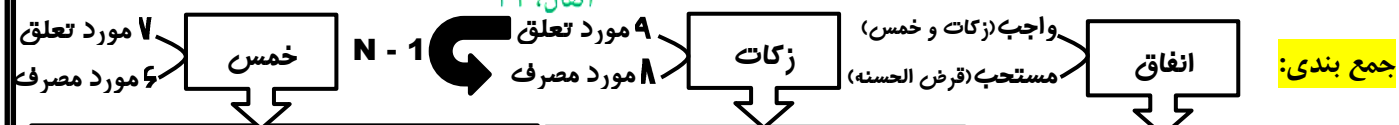

هزینه های ناشی از خلا ها و شکاف های موجود در جامعه و کارهای عام المنفعه

افرادی که از نعمت سلامتی و تمکّن مالی برخوردارند، بخشی از اموال و سرمایه ی خود را به شکرانه ی سلامتی و رفاه شخصی در راه خدا صرف امور خیریه و عام المنفعه می کنند.

رمز حفظ موارد زکات:

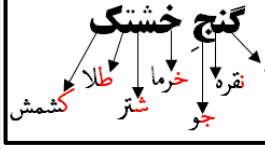

موارد مصرف زکات:
- ✓ فقرا و مساکین
- ✓ عاملین و قلوب
- ✓ رقاب و غارمین
- ✓ سبیل الله و ابن سبیل

قران: پس از برپایی نماز به زکات اشاره

زکات یک عبادت به نیّت زکات و با قصد قربت

زکات فطره: غروب شب عید فطر برای خود و کسانی که نان خور هستند، هر نفر به میزان تقریبی ۳ کیلو گرم گندم یا جو یا خرما یا برنج و مانند این ها به مستحق اگر پول یکی از اینها را هم بدهد، کافی

اگر از درآمد چیزی باقی مانده باشد چه به صورت پول و چه به صورت کالا، باید یک پنجم آن را به عنوان خمس به حاکم اسلام و یا مجتهد جامع الشرایط پرداخت کند تا ایشان در راه هایی که قرآن کریم و رسول اکرم و ائمه اطهار معین کرده اند، به مصرف برساند.

موارد مصرف خمس:
- ✓ خدا و پیامبر
- ✓ خویشاوندان پیامبر
- ✓ سادات(یتیم،مسکین،ابن سبیل)

غنمتم=پس انداز

مساکین +ابن سبیل
مشترک با زکات

لزوم پرداخت خمس قبل از استفاده مال/نماز باطل در خانه بدون پرداخت خمس/آذوقه زیاد خمس واجب/برنج روغن چای/زیورآلات خانم اگر ذخیره ای خمس واجب/ بچه سرمایه و منافع از آن وقتی بالغ بنابر احتیاط واجب خمس /بخشیدن مال بدون خمس یک پنجم مال برای گیرنده نیست.

مالیات:

امروزه یک شهر مانند خانه ای بزرگ است و همان گونه که یک خانواده، هزینه های رفاهی خود در خانه را می پردازد، باید هزینه های رفاهی خود در شهر را نیز پرداخت کند. پس تأمین هزینه های شهری برعهده ی همه ی شهروندان است.

علاوه بر هزینه های یک شهر، هزینه هایی وجود دارد که مربوط به زندگی در یک کشور است. ۱)ساخت راه های میان شهرها و روستاها، ۲)محافظت از جنگل ها و محیط های طبیعی، ۳)ایجاد امنیت و مانند این ها هزینه هایی دارد که افراد کشور باید در تأمین آن مشارکت کنند.

مالیات پولی نیست که برای دیگران پرداخت می کنیم، بلکه بابت هزینه ی زندگی خود و خانواده ی خودمان در جامعه است؛ از این رو پرداخت کننده های مالیات نباید منّتی بر کسی داشته باشند.

مابقی نکات:

نظام اسلامی وظیفه دارد خمس، زکات و مالیات را با روش مناسب و با حفظ حرمت شخص پرداخت کننده، از او دریافت کند و هرکدام را در جای خاص خود هزینه نماید و در آبادانی و سازندگی کشور بکوشد.

امام علی (ع) در نامه ای به مالک اشتر که از جانب ایشان حاکم مصر شده بود، چنین می نویسد:

برنامه ی مالیات را به گونه ای رسیدگی کن که به صلاح مالیات دهندگان باشد؛ زیرا بهبودی و صلاح دیگران در صلاح مالیات و مالیات دهندگان است، و کار دیگران سامان نیابد مگر آن که کار مالیات دهندگان سامان پذیرد، چرا که همه ی مردم جیره خوار مالیات و مالیات دهندگان هستند. اما باید بیش از آنچه به جمع مالیات بیندیشی، در فکر آبادی زمین باشی؛ زیرا مالیات جز از طریق آباد کردن زمین به دست نیاید، و هرکس بدون آباد کردن زمین مالیات طلب کند، ۱) شهرها را ویران و ۲) بندگان را هلاک سازد، و ۳)حکومتش جز اندک زمانی پایدار نماند.

آیات اندیشه و تحقیق:

۱– اِنَّ الْمُصَّدِّقینَ وَ الْمُصَّدِّقاتِ وَ اَقْرَضُوا اللهَ قَرْضاً حَسَناً«یُضاعَفُ لَهُمْ»وَ«لَهُمْ اَجْرٌ کَریمٌ»

ترجمه: همانا مردان و زنان صدقه دهنده و [کسانی که] به خداوند قرضی نیکو (قرض‌الحسنه) دادند، چند برابر به آن‌ها داده می‌شود و آنان اجر و پاداشی ارجمند دارند.

مفهوم آیه: افزایش سرمایه و اجر باکرامت، نتیجه‌ی انفاق و قرض‌الحسنه

۲– وَ لَقَدْ اَخَذَ اللهُ(میثاقَ بَنی إسرائیلَ)وَ بَعَثْنا مِنْهُمُ اثْنَیْ عَشَرَ نَقیباً وَ قالَ اللهُ إنّی مَعَکُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلاةَ

ترجمه: همانا خدا از بنی‌اسرائیل پیمان گرفت و از آنان دوازده سرپرست برانگیختیم و خداوند گفت: «همانا من با شما هستم اگر نماز را به پا دارید»

وَ ءاتَیْتُمُ الزَّکاةَ وَ ءامَنْتُمْ بِرُسُلی وَ عَزَّرْتُموهُمْ وَ اَقْرَضْتُمُ اللهَ قَرْضاً حَسَناً

ترجمه: و زکات را بپردازید و به فرستادگانم ایمان آورید و آنان را یاری دهید و به خداوند قرضی نیکو (قرض‌الحسنه) دهید.

A«لَاُکَفِّرَنَّ عَنْکُمْ سَیِّئاتِکُمْ» وَ B«لَاُدْخِلَنَّکُمْ جَنّاتٍ تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهارُ»

ترجمه: قطعا گناهانتان را از شما می‌پوشانم و قطعاً شما را به باغ‌هایی که از زیر [درختان] آنها نهرها جاری است، وارد می‌کنیم.

فَمَنْ کَفَرَ بَعْدَ ذٰلِکَ مِنْکُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَواءَ السَّبیلِ

ترجمه: پس هر یک از شما بعد از این کفر ورزد، قطعاً از راه راست گمراه گردیده است.»

مفهوم آیات: پوشاندن گناهان و رسیدن به نعمات بهشتی، نتیجه‌ی بر پا داشتن نماز، پرداخت زکات، ایمان به انبیای الهی و قرض الحسنه

شرط
۳- اِنْ تُقْرِضُوا اللهَ قَرْضاً حَسَناً (A) يُضاعِفْهُ لَكُمْ وَ (B) يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللهُ شَكورٌ حَليمٌ

ترجمه: اگر به خداوند قرضی نیکو(قرض‌الحسنه) دهید، آن را برایتان چند برابر می‌کند و شما را می‌بخشد و خداوند شکور و بردبار است.

مفهوم آیه: افزایش سرمایه و ثروت و آمرزش گناهان، نتیجه ی قرض الحسنه

دو نکته مهم:

نکته: اگر ابتدای آیه با (انّ) شروع شد و گزینه ها یا صورت سوال درباره (قرض الحسنه) باشد آنگاه انتهای آیه (یضاعف لهم) و (لهم اجر کریم) خواهد بود. (رمز: لهم دو بار تکرار شده)

نکته:اگر ابتدای آیه با (ان) شروع شود و گزینه ها یا صورت سوال درباره (قرض الحسنه) باشد آنگاه انتهای آیه (یضاعفه لکم) و (یغفر لکم) و (و الله شکور حلیم) خواهد بود. (رمز:لکم دوبار تکرار شده)

یادداشت ها و نکات من...

دینی دوم دبیرستان

درس ۱۶ (یاری از نماز و روزه)

۱)مقدمه:

۱. نماز، ستون خیمه ی دین و نشانه ی وفاداری ما به عهد خویش با خداست.
۲. جامعه ی اسلامی و فرد مسلمان با نماز شناخته می شود.
۳. در جامعه و خانواده ای که نماز راه نیافته،گویا اسلام وارد نشده است.
۴. در کنار نماز، روزه قرار دارد . جوامع اسلامی در سراسر جهان با آمدن ماه رمضان حال و هوای معنوی پیدا می کنند و رفتار مردم عوض می شود.
۵. اهمیت روزه و نماز و جایگاهشان در برنامه ی زندگی فرد مسلمان

تمرین مقدمه: جاهای خالی تست را با کلمات مناسب پر کنید:

تست: نماز به عنوان ستون ..... و نشانه ای است برای ... انسان به عهد خویش با خداوند، لازمه شناخت جامعه اسلامی .... و نشانه ی شناخت جامعه اسلامی .... است و راه نیافتن .... به جامعه و خانواده ..... است برای وارد نشدن اسلام به آن و تعویض رفتار مردم در ماه مشخصی از سال معلول ..... است.

جواب: خیمه دین – وفاداری – بررسی جامعه اسلامی از لحاظ توحید عبادی(نماز و روزه و ...) – نماز – نماز – علتی(نه معلول) – روزه گرفتن و تعویض حال و هوای معنوی

---

۲)متن ابتدایی:

می دانیم که اگر خدای مهربان برای زندگی ما انسان ها برنامه ای تنظیم کرده و وظایفی بر دوش ما قرار داده، جز مصلحت و سعادت ما هدفی نداشته است و گرچه ما به مصلحت برخی از این وظایف پی نمی بریم، اما یقین داریم که او دانای حکیمی است که جز براساس حکمت وظیفه ای را تعیین نمی کند. با وجود این، انسان دوست دارد حکمت و علت احکام الهی را بداند و با معرفت بیش تر دستورات الهی را انجام دهد . از این رو، خدای متعال به ما کمک کرده و فایده های مهم ترین احکام خود را از طریق آیات قرآن کریم و سخنان معصومین به اطلاع ما رسانده است. در این آیات، خداوند، مهم ترین فایده های نماز و روزه را متذکر می شود .دو فایده نماز عبارتند از: یک) یاد خدا دو) دوری از گناه. و مهم ترین فایده ی روزه نیز عبارت است از : تقوا، پاکی و پارسایی

تمرین متن ابتدایی: جاهای خالی تست را با کلمات مناسب پر کنید:

تست: پیام این ~~آیه شریفه ی~~ / حدیث از پیامبر اکرم(ص): ((تفکـــــروا فی کـــــل شیء و لاتفکـــــروا فی ذات الله)) پاسخی است به نیاز انسان در دانستن .... و ..... احکام الهی و این نیاز زمینه ساز انجام ..... دستورات الهی است که .... و ..... انسان را در پی خواهند داشت حتی اگر انسان به ..... برخی از این وظایف پی نبرد ولی باید بداند که این وظایف جز بر اساس .... الهی تعیین نشده اند برای مثال دو فایده نماز عبارتند از .... و ..... ؛ و همچنین مهمترین فایده ی روزه عبارت است از: تقوا و ..... و ..... که مورد اول یعنی تقوا با توجه به آیه ۲۶ سوره اعراف در درس ۱۲ دینی دوم دبیرستان (لباس التقوی ذلک خیر) لباس تقوا از آن جهت بهترین پوشش برای انسان است که ..... و با توجه به این آیه کلام خداوند تنها برای کسانی مفید واقع خواهد شد که ..... .

جواب: حکمت – علت – با معرفت بیشتر- مصلحت – سعادت – مصلحت – حکمت – یاد خدا – دوری از گناه – پاکی – پارسایی - اگر انسان لباس تقوا را بر خود بپوشاند خواهد توانست پوشش و لباس ظاهری را مراعات کند و حفظ نماید. – یذکرون(پند پذیر باشند)

---

۳)تقـوا: (خود نگهداری، تسلط بر خود)

۱. امام علی(ع) در نهج البلاغه: مَثَل آدم های بی تقوا مَثَل سوارکارانی است که سوار بر اسب های چموش و سرکشی شده اند که لجام را پاره کرده و اختیار را از دست سوارکار گرفته، به بالا و پایین می پرند و عاقبت، سوارکار را در آتش می افکنند . امّا مَثَل آدم های باتقوا مَثَلِ سوارکارانی است که بر اسب های راهوار و رام سوار شده اند و لجام اسب را در اختیار دارند و راه می پیمایند تا این که وارد بهشت می شوند. تفاوت اصلی میان این دو سوارکار که یکی به هلاکت می رسد و دیگری به رستگاری، در چموشی و سرکشی و لجام گسیختگی اسب یکی و راهوار و مطیع بودن اسب دیگری است.
۲. معنای تقوا: نگهداری و حفاظت
۳. انسان متقی یعنی کسی که خود نگهدار است و خود را حفاظت می کند . به عبارت دیگر ؛انسان متقی بر خودش مسلط است، زمام و لجام خود را در کنترل و در اختیار خود دارد و نمی گذارد که در پرتگاهی قرار بگیرد که با یک حرکت بی جا در دره های هولناک سقوط کند.
۴. انسان باتقوا، انسان توانمندی است که خود را در برابر گناه حفظ می کند و می کوشد که روزبه روز بر توانمندی خود بیفزاید تا اگر در شرایط گناه و معصیت قرار گرفت، آن قوّت و نیرو او را حفظ کند و از آلودگی نگه دارد . او مانند کسی است که بدن خود را چنان ورزیده ساخته که دچار بیماری نمی شود.

نکته مهم

عامل تعیین کننده میزان موفقیت انسان در رسیدن به هدف های بزرگ تقوا یا خود نگهداری یا میزان تسلط بر خود است. هر قدر هدف بزرگتر تقوای بیشتری نیاز دارد.

۵. خداوند مرتبه ی اوّلیه ی تقوا را در وجود همه ی ما انسان ها قرار داده به طوری که خوبی را دوست داریم و از بدی ها بیزاری می جوییم. امّا این مرتبه ی تقوا مانند نهالی است که برای رشد و تنومند شدن نیازمند آبیاری و رسیدگی است . در آن صورت است که انسان می تواند در برابر بادهای سهمگین گناه بایستد و مقاومت کند.
۱ راه برای تقویت نهال تقوا که مهم اند یکی نماز است و دیگری روزه.

۶. کل آیاتی که به تقوا اشاره کرده اند در ۱۶ درس دین و زندگی دوم دبیرستان: (جمع بندی به سبک ویژه استاد غفوری)

آیه ملأ (اشراف) فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ (۳۲) وَقَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَٰذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ (۳۳) وَلَئِنْ أَطَعْتُم بَشَرًا مِّثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذًا لَّخَاسِرُونَ (۳۴) أَيَعِدُكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنَّكُم مُّخْرَجُونَ (۳۵) هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ (۳۶) إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (۳۷)

ترجمه آیه ملأ: و در میان آنان رسولی از خودشان فرستادیم که: «خدا را بپرستید؛ جز او معبودی برای شما نیست؛ آیا (با این همه، از شرک و بت پرستی) پرهیز نمی‌کنید؟!» (۳۲) ولی اشرافیان (خودخواه) از قوم او که کافر بودند، و دیدار آخرت را تکذیب می‌کردند، و در زندگی دنیا به آنان ناز و نعمت داده بودیم، گفتند: «این بشری است مثل شما؛ از آنچه می‌خورید می‌خورد؛ و از آنچه می‌نوشید می‌نوشد! (پس چگونه می‌تواند پیامبر باشد؟!) (۳۳) و اگر از بشری همانند خودتان اطاعت کنید، مسلّماً زیانکارید. (۳۴) آیا او به شما وعده می‌دهد هنگامی که مردید و خاک و استخوانهایی (پوسیده) شدید، بار دیگر (از قبرها) بیرون آورده می‌شوید؟! (۳۵) هیهات، هیهات از این وعده‌هایی که به شما داده می‌شود! (۳۶) مسلّماً غیر از این زندگی دنیای ما، چیزی در کار نیست؛ پیوسته گروهی از ما می‌میریم، و نسل دیگری جای ما را می‌گیرد؛ و ما هرگز برانگیخته نخواهیم شد! (۳۷)

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَٰلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ (۲۷) أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ (۲۸)

۱- خداوند موجودات جهان را به باطل نیافریده بلکه خلقت آن‌ها هدفدار بوده است.
۲- کافران گمان می‌کنند که جهان بی‌هدف خلق شده است.
کلیت: ضرورت معاد بر اساس حکمت الهی و عدل الهی

وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ (۷۳) وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ

جایگاه متقین در قیامت: خلود در بهشت

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (۲۶)

دو هدف از پوشش: تقوا و آراستگی، تقوا شرط مراعات پوشش ظاهری

قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَٰنِ مِنكَ إِن كُنتَ تَقِيًّا (۱۸)

او (سخت ترسید و) گفت: «من از شرّ تو، به خدای رحمان پناه می‌برم اگر پرهیزگاری!

حضرت مریم: (س): جلوه‌ی عفت و پاکدامنی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ (۲۷۸) فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ (۲۷۹)

۱- کسب درآمد از راه ربا حرام است.
۲- کسب درآمد از این راه مساوی با چه کاری است؟ مساوی با جنگ با خدا
۳- اگر کسی بخواهد توبه کند و از این راه برگردد، باید چه کار کند؟ باید آن چه علاوه بر اصل سرمایه از مردم گرفته به صاحبانش برگرداند و فقط مجاز استکه اصل سرمایه‌ی خود را از بدهکار بگیرد.

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ ٱلصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تَتَّقُونَ (۱۸۳)

از مهم‌ترین ثمرات روزه (که یکی از مصداق‌های صبر است)، تقوا می‌باشد.

---

۴)نماز و بازدارندگی از گناه :

اثر نماز به تداوم و پیوستگی(عدم ترک نماز های روزانه) آن و نیز به میزان دقت و توجه ما بستگی دارد.

اگر (شرط) نمازهای روزانه ی خود را ترک نکنیم به میزان دقت و توجه خود، از آن تأثیر خواهیم پذیرفت. پس تاثیر پذیرفتن از نماز به شرطی است که ۱)عدم ترک نماز های روزانه ۲)دقت و توجه

نمی توان انتظار داشت که با خواندن چند رکعت نماز ۱)شتاب زده (شتاب زده خواندن نماز مصداق بی کیفیتی) و ۲)بدون رعایت آداب، فرد از کارهای غلط خود دست بردارد.

اگر تلاش کنیم که روز به روز نماز را با کیفیت بهتر و رعایت آداب آن انجام دهیم، به زودی تأثیر آن را حس خواهیم کرد.

افرادی که به نمازشان توجه بیشتری دارند، در مقایسه با کسانی که نماز نمی خوانند، از برخی منکرات بیش تر دوری می کنند.

اگر نماز را، ۱)کوچک نشماریم و ۲)نسبت به آنچه در نماز می گوییم و انجام می دهیم درک صحیح داشته باشیم و ۳)با توجه، نماز را بخوانیم، (نتیجه) ۱) نه تنها از گناهان ۲)که حتی از برخی مکروهات هم به تدریج دور خواهیم شد.((خلاصه: عدم کوچک شماری+درک+توجه می دهد دوری از ۱)گناهان ۲)برخی مکروهات))

تمرین نماز و بازدارندگی از گناه: جاهای خالی تست را با کلمات مناسب پر کنید:

اثر نماز وقتی در زندگی نمایان می شود که اولاً ..... و ثانیاً ..... داشته باشیم همچنین دست برنداشتن از کار های غلط ..... است برای خواندن نماز ..... و ..... ؛ این که شخص نمازگزار حتی از برخی مکروهات نیز دوری کند نتیجه کوچک نشمردن نماز و .... صحیح از آنچه در نماز گفته می شود و با ..... نماز خواندن است.

جواب: تداوم و پیوستگی – دقت و توجه – معلول – شتاب زده – بدون رعایت آداب – درک – توجه

---

۵) اگر های تستی نماز و عبارات زرهی:

قاعده: اگر یه چیز مثبت در نماز انجام آنگاه یه چیز منفی در زندگی منتفی
(این دو چیز به یک عمل بر می گردن و با هم در تضاد اند.)

الف) اگر ها:

اگر

- انجام به موقع نماز: بی نظمی منتفی
- لباس و بدن پاکیزه: آلودگی های ظاهری منتفی
- غصبی نبودن لباس و مکان نمازگزار: کسب درآمد از راه حرام منتفی
- تکبیر به بزرگی خداوند بر همه چیز: دیگران جای خدا منتفی
- در رکوع و سجود عظمت خدا: خضوع و خشوع در مقابل مستکبران منتفی
- اهدنا الصراط المستقیم: راه های انحرافی دیگران منتفی — شرط: صادقانه از خدا بخواهیم
- غیرالمغضوب علیهم ولا الضّالین: کسانی که خدا بر آن ها خشم گرفته یا راه را گم کرده اند منتفی

تکرار درست موارد بالا می دهد تسلط بالا بر خود و تقوای بی نظیر که می دهد عدم انجام منکرات

ب)عبارات زرهی نماز:

(منظور از عبارات زرهی نماز یعنی عبارات و اعمالی که در طی نماز می خوانیم و انجام می دهیم که ما را از یک منکر خاص به مانند یک زره جنگی در امان نگه می دارند)

زره نماز؟	منکر
سوره ی توحید	شرک به خدا
درود بر پیامبر	دوستی با دشمنان پیامبر
دعای قنوت	درخواست از دیگران
نماز جماعت	تفرقه در جامعه
ایاک نعبد	شرک عملی + پرستش غیر خدا
ایاک نستعین	شرک عملی + دوستی با دیگران

---

۶)خنثی کننده های نماز:

امام صادق: هر کس می خواهد بداند آیا نمازش پذیرفته شده یا نه، باید ببیند که نماز، او را از گناه و زشتی باز داشته است یا نه .به هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه و منکر شود، این نماز قبول شده است. اگر نماز، ما را از گناه و زشتی بازندارد، معلوم می شود که عیب و نقصی در نماز خواندن ما هست .

جمع بندی:

اثرگذاری نماز بر فرد وقتی است که: ۱)پیوسته باشد و ترک نشود ۲)با دقت و توجه باشد.

سرعت اثر گذاری نماز بر انسان وابسته به: ۱)کیفیت نماز ۲)رعایت آداب

پذیرفته شدن نماز وابسته به: میزان بازدارندگی نماز از گناه و زشتی و منکر

نکته: در انجام عباداتی مانند نماز، دو دسته شرط وجود دارد یکی شرط صحت و دیگری شرط کمال مثلاً اگر کسی واجبات نماز را درست انجام دهد نمازش صحیح است، یعنی شرایط صحت را دارد . امّا برای این که این نماز در او تأثیر داشته باشد و او را از گناهان بازدارد باید شرایط دیگری را هم رعایت کند، که به آن شرط کمال می گویند مثل این که با دقت و توجه نماز بخواند . مقصود از قبول شدن یا قبول نشدن در این احادیث، همان داشتن یا نداشتن شرط کمال است.

الف)خشم پدر و مادر:

امام صادق: فرزندی که از روی خشم به پدر و مادر خود نگاه کند هر چند والدین در حق او کوتاهی و ظلم کرده باشند نمازش از سوی خدا پذیرفته نیست.

ب)غیبت کردن:

پیامبر اکرم به ابوذر: هر کس غیبت مسلمانی را کند، تا چهل روز، نماز و روزه اش قبول نمی شود؛ مگر این که غیبت شده او را ببخشد.

---

۷)برنامه روزانه نماز:

پیامبر: نمازهای یومیّه مانند چشمه ساری است که مردم روزی پنج بار خود را در آن شست وشو می کنند.

*بیداری
*اقامه نماز صبح + پیشگاه خدا + عهد با خدا + وارد کار و فعالیت
*فعالیت روزانه + آلوده شدن به گرد و غبار
*اقامه نماز ظهر و عصر + پاک کردن قلب از غبارها
*ادامه فعالیت ها
*اقامه نماز مغرب و عشاء + پاک شدن مجدد از غبار ها + آرامش و آسودگی و آمادگی برای خواب شبانه

---

۸)روزه:

خداوند، انسان را به عملی راهنمایی می کند که اگر آن را به درستی(شرط صحت) و با معرفت(شرط کمال) انجام دهد، چنان قدرت و تسلطی بر خود پیدا می کند که ۱)می تواند موانع درونی را کنار بزند و ۲)گام های موفقیت به سوی برترین هدف های زندگی را به خوبی بردارد این عمل همان روزه است.

روزه، مصداق کامل تمرین صبر و پایداری در برابر خواهش های دل است.

---

۹)دو نکته مهم روزه:

۱. نتیجه نهایی روزه: انسان احساس می کند هر کاری را که خداوند دستور داده، می تواند به آسانی انجام دهد و احساس سختی ننماید.

۲. پیامبر: چه بسا روزه داری که جز گرسنگی و تشنگی چیزی نصیب او نمی شود؛ علت بیان: بعضی افراد به گونه ای روزه می گیرند که از اذان صبح تا اذان مغرب چیزی ننوشیده و نمی خورند ولی در طول روز مرتکب گناهانی می شوند در حالی که باید علاوه بر تحمل گرسنگی و تشنگی صفت تقوا ذر مقابل گناه در ما ایجاد و تقویت شود.

۱۰)آیات درس:

آیه خطاب خدا به پیامبر(ص)

ضرورت دعا برای کشف راه رستگاری

وَ اِذا سَاَلَكَ عِبادی عَنّی فَاِنّی قَریبٌ ← نزدیکی خدا به ما

و آنگاه که بندگانم درباره‌ی من از تو می‌پرسند (بگو) : من به آنان نزدیک هستم

اکنون که خدا نزدیک است وظیفه ما «علت»

اُجیبُ دَعْوَةَ الدّاعِ اِذا دَعانِ

اجابت می‌کنم دعای آن که مرا بخواند

فَلْیَسْتَجیبوا لی وَلْیُؤْمِنوا بی

پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان آورند

«معلول»

لَعَلَّهُمْ یَرْشُدونَ

باشد که راه یابند

به شرطی که بنده ی خدا: الف)دعوت خدا را بپذیرد ب)ایمان به خدا بیاورد ج)از صمیم قلب خدا را بخواند خداوند او را اجابت می کند (تقدم اجابت دعوت خدا توسط بنده بر اجابت دعای بنده توسط خدا (شبیه آیه توبه)

بقره، ۱۸۶

تقدم خواست انسان بر اجابت الهی/سرشت خدا آشنا یکی از سرمایه های انسان(فانی قریب)/شعر: دوست نزدیک تر از من به من است وین عجب تر که من از وی دورم

نماز

یا اَیُّهَا الَّذینَ ءامَنُوا ..... (.....)

اسْتَعینوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلاةِ ... در مسیر حرکت الهی از نماز ...

اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الصّابِرینَ ... و صبر یاری می گیریم .....

منظور از صبر همان **روزه** است.

بقره، ۱۵۳

سنت توفیق

روزه

یا اَیُّهَا الَّذینَ ءامَنوا ..... (.....)

کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصِّیامُ ... وجوب روزه: .....

کَما کُتِبَ عَلَی الَّذینَ مِنْ قَبْلِکُمْ ... روزه از مشترکات ادیان است.

لَعَلَّکُمْ تَتَّقونَ ... روزه تمرین تقوا است. .....

بقره، ۱۸۳

پیام کلی: روزه مصداق کامل پایداری در برابر خواهش های دل است.

امام باقر(ع) : اسلام بر پنج پایه استوار است: نماز، زکات، روزه، حج و ولایت / روزه مختص مسلمانان نیست / روزه تقوا را که از مصادیق صبر است افزایش می دهد.

فایده‌ی نماز

خداوند به پیامبر اُتْلُ ما اوحِیَ اِلَیْکَ مِنَ الْکِتابِ ۱. تلاوت قرآن .....

وَ اَقِمِ الصَّلاةَ ← وجوب نماز ۲-برپایی نماز .....

اِنَّ الصَّلاةَ .....

B تَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَالْمُنْکَرِ بازدارنده از گناه (تقوا)

A وَ لَذِکْرُ اللّٰهِ اَکْبَرُ یاد خدا (فایده‌ی برتر)...

وَ اللّٰهُ یَعْلَمُ ما تَصْنَعونَ ← اعتقاد به حضور الهی .....

عنکبوت، ۴۵

دریافت و ابلاغ وحی یکی از قلمرو های رسالت پیامبران (اتل ما اوحی الیک) + هر جا کتاب دیدی سریع بگو هدایت تشریعی انسان + مرجعیت دینی(اقم الصلاه)

۱۱)احکام روزه: (خیلی مهم احتمالی ۹۹ – از این یک صفحه یک تست قطعی کنکور)

۱ تعریف روزه

روزه آن است که انسان برای انجام فرمان خداوند، از اذان صبح تا مغرب از کارهایی که روزه را باطل می کند، خودداری نماید.

انسان می تواند در هر شب از ماه رمضان برای فردای آن نیت کند و بهتر است که شب اوّل ماه هم نیت روزه ی همه ی ماه را بنماید.

۲ باطل کننده های روزه

نُه چیز روزه را باطل می کند، که از آن جمله است : (کتاب ۶ مورد گفته)

۱. خوردن، آشامیدن،
۲. دروغ بستن بر خدا و پیامبر و جانشینان پیامبر علیهم السلام،
۳. رساندن غبار غلیظ به حلق،
۴. فرو بردن تمام سر در آب،
۵. باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح
۶. قی کردن

نکات مهم:

اگر روزه دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نمی شود.

اگر روزه دار، چیزی را که لای دندان مانده، عمدا بخورد روزه اش باطل می شود.

انسان نمی تواند به خاطر ضعف، روزه ی خود را بخورد ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی شود تحمل کرد، می تواند افطار کند چرا که حفظ جان واجب تر است.

روزه دار نباید غبار غلیظ و دود سیگار و تنباکو و مانند آن ها را به حلق برساند.

اگر روزه دار عمداً تمام سر را در آب فرو بَرَد، اگرچه باقی بدن او از آب بیرون باشد، باید قضای آن روز را بگیرد ولی اگر تمام بدن را آب بگیرد و مقداری از سر بیرون باشد اشکال ندارد و روزه ی او صحیح است.

سایر احکام روزه:

۱. کسی که غسل جنابت بر او واجب است، اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند و یا اگر وظیفه اش تیمم است، عمداً تیمم ننماید، نمی تواند روزه بگیرد . البته اگر سهل انگاری کند و غسل نکند تا وقت تنگ شود، می تواند با تیمم روزه بگیرد و صحیح است .امّا در مورد غسل نکردن، معصیت کرده است.
۲. اگر کسی به علت عذری مانند بیماری نتواند روزه بگیرد و بعد از ماه رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد، باید هم روزه را قضا کند و هم برای هر روز یک مُدّ یعنی تقریباً ۷۵۰ گرم گندم یا جو و مانند آن ها به فقیر بدهد.
۳. اگر کسی روزه ی ماه رمضان را عمداً نگیرد، باید هم قضای آن را به جا آورد و هم کفاره بدهد . (کفاره:یعنی برای هر روز دو ماه روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد به هر فقیر یک مُدّ و این کار باید تا رمضان آینده انجام شود.)
۴. اگر کسی به چیز حرامی روزه ی خود را باطل کند، مثلاً دروغی را به خدا نسبت دهد، کفّاره ی جمع بر او واجب می شود .یعنی باید هر دو کفّاره ی یاد شده را انجام بدهد . البته اگر هر دو برایش ممکن نباشد، می تواند هر کدام را که ممکن است، انجام دهد.

وظیفه شخص مسافر:

کسی که به سفر می رود، اگر شرط های زیر را داشته باشد، باید نمازش را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد.

۱. رفتن او کمتر از ٤ فرسخ شرعی یعنی ۲۲/۵ کیلومتر نباشد و مجموعه ی رفت و برگشت او کمتر از ۸ فرسخ نباشد.
۲. بخواهد کمتر از ده روز در جایی که سفر کرده بماند .پس کسی که می خواهد ده روز و بیشتر در محلّی که سفر کرده، بماند، باید نمازش را کامل بخواند و روزه اش را هم بگیرد.
۳. برای انجام کار حرام سفر نکرده باشد .مثلاً اگر به قصد ستم به مظلوم یا همکاری با یک ظالم در ظلم او سفر کند، باید روزه اش را بگیرد.
۴. اگر فرزند با نهی پدر و مادر به سفری برود که آن سفر بر او واجب نبوده، باید نماز را تمام بخواند و روزه اش را بگیرد.
۵. اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش یا به جایی که می خواهد ده روز در آن جا بماند، برسد، در چه صورتی باید روزه بگیرد و در چه صورتی نباید روزه بگیرد؟ در صورتی که که قبل از رسیدن به آن مکان چیزی نخورده باشد و یا نیاشامیده باشد می تواند روزه بگیرد ولی اگر به گمان نرسیدن به وطن بعد از اذان صبح چیزی خورده باشد دیگر نمی تواند روزه بگیرد.

۶. اگر مسافر بعد از ظهر به وطن یا به جایی که می خواهد ده روز بماند، برسد، وظیفه اش چیست؟ آن روز را نمی تواند روزه بگیرد چراکه شرط روزه گرفتن در هر محل درک زمان ظهر در آن محل است. (ظهر را باید آنجا باشد تا بتواند تصمیم بگیرد آن روز را می تواند روزه بگیرد یا خیر)

۷. اگر کسی که روزه است، بعدازظهر مسافرت کند، وظیفه اش نسبت به روزه ی آن روز چیست؟ روزه ی او درست است و باید آن را ادامه دهد.

۸. اگر کسی که روزه گرفته، پیش از ظهر مسافرت کند و بخواهد به بیش از چهار فرسخ برود، وظیفه اش چیست؟ آن روز را نمی تواند روزه بگیرد و لذا باید روزه خود را افطار کند و بعد ها یک روز به جای آن روز، روزه بگیرد. (اینجوری حفظ کن: سختی مسیر توی سفر باعث شده روزه قبل از ظهر رو بخوریم ولی اگه بعد از ظهر مسافرت کنیم چون تایمش خیلی کمتره پس تنبلی ممنوع باید روزه رو ادامه بدیم راستی حواست باشه اینو با این که مسافر بعد از ظهر به مقصدش برسه که نباید روزه بگیره اون روز رو قاطی نکنیا بابا جان!!)

۹. تست کنکور ۹۸: در کدام یک از سفر های ۵ روزه زیر مسافر باید نمازش را تمام بخواند؟

۱)مسافت رفت و برگشت او هر کدام کمتر از ۴ فرسخ و بیشتر از ۸ فرسخ نباشد.

۲)رفت و برگشت او جمعاً ۸ فرسخ و رفت او بیش از نیمی از آن نباشد.

۳)رفت او کمتر از ۴ فرسخ و برگشت کمتر از ۸ فرسخ نباشد.

۴)مسافت رفت او ۳ فرسخ و مسافت برگشت ۸ فرسخ باشد.

پاسخ: گزینه ۴ (خداوکیلی این تست کنکور ۹۸ عه ها خخخخ خدایی چی میزنن این طراحای کنکور؟)

۱۰. نکات ۵ و ۶ و ۷ و ۸ احتمالی کنکور ۹۹ هستند.

۱۱. یه جمع بندی توپ که از گیجی در بیای:

پیش از ظهر به مقصد برسد: اگه غذا خورده روزه نه! اگه نخورده روزه بله!

بعد از ظهر به مقصد برسد: روزه نه!

پیش از ظهر مسافرت را شروع کند: روزه نه!

بعد از ظهر مسافرت را شروع کند: روزه بله!

پایان جزوه درس شانزدهم دینی دو

محل یادداشت های من:

نکات فوق خاص غفوری

جزوه دینی دوم

۱)در آیه شریفه ((و من آیاته خلق السماوات و الارض و ما بث فیهما من دابه و هو علی جمعهم))اگر بپرسند کدام موضوع استنباط می شود ؛ شما بین دو گزینه زیر به شک می افتید:

گزینه اول)آفرینش جهان هستی با تمام مخلوقات

گزینه دوم)خلق آسمان ها و زمین و موجودات آن

جواب گزینه دوم است؛ مشکل بزرگ در طرح این تست در این نکته است که در گزینه دوم به جای آن که مفهوم و معنی یا همان موضوع آیه که ((خلق آسمان ها و زمین و پراکندن جنبندگان آن که از کلمه ی دابه مفهوم می شود)) را به صورت کامل بنویسد به صورت ناقص در گزینه دوم مطرح کرده است که همین می تواند دانش آموز بدبخت را به شک بیندازد که نکند گزینه اول هم درست باشد! اما اگر دقت کنید در آیه ی موجود در صورت تست حرفی از ((همه ی موجودات)) زده نشده بنابراین گزینه اول غلط خواهد بود!

---

۲)اگر در تستی بپرسند: ((کدام آیه به ویژگی انسان اشاره دارد و او را از سایر موجودات متمایز می کند)) شما کدام گزینه را انتخاب می کنید؟

گزینه اول) ((و نفس و ما سواها فالهمها فجورها و تقواها))

گزینه دوم)) ((انی خالق بشر من طین...))

گزینه سوم) ((کلوا مما فی الارض حلالاً طیباً و لا تتبعوا خطوات الشیطان))

بگذارید چیزی بگویم به عنوان استاد دینی به شما توصیه می کنم در حل این گونه سوالات(مثل سوال بالا!) حتی ۱ درصد هم از احساسات و عواطف تان در حل سوال کمک نگیرید! من و سایر طراحان به خوبی می دانیم که شما دوستان نظام قدیم تا چه حد روی کتاب درسی دین و زندگی مسلط هستید و امسال که خیلی از شما برای بار سوم و حتی بار چهارم وپنجم در حال مطالعه کتاب درسی دینی هستید مطمئناً همه مطالب را مطالعه کردید و به خوبی بر کتاب هایتان سوار هستید ولی نکته ای که هست گاهی این تسلط زیادی روی مطالب کار دستتان می دهد در این تست اگر گزینه اول را بررسی کنید متوجه می شوید که به ((وجود گرایش به خیر و نیکی در انسان)) به عنوان یکی از سرمایه های انسان اشاره دارد که این سرمایه ها را در درس سوم دینی دوم خواندیم و می دانیم که این سرمایه ها باعث برتری انسان بر سایر موجودات می شوند پس جواب گزینه یک هست ولی یک لحظه صبر کنید! متن سوال را درست بخوانید خیلی از شما نظام قدیمی ها حق تان نبوده که امسال هم پشت کنکور بمانید ولی می دانید چرا پشت کنکورید؟ بدلیل همین بی دقتی های ساده!! متن سوال گفته: ((و او را از سایر موجودات متمایز می کند.)) یعنی باید آیه ای را پیدا کنیم که در آن انسان را از سایر موجودات متمایز بداند! نه آن که به واسطه یک ویژگی خاص انسان را متمایز از سایر موجودات کرده باشد! گرفتید چی شد؟!! در صورتی جواب گزینه اول بود که طراح بگوید: ((کدام آیه به ویژگی انسان اشاره دارد که او را از سایر موجودات متمایز می کند.))

جواب گزینه دوم است ادامه آیه می گوید: ((فقعوا له ساجدین)) که این موضوع را بیان می کند که: انسان به واسطه وجود روح دارای ویژگی هایی شده است که او را از سایر موجودات متمایز کرده است و بنابراین فرشتگان بر روح انسان سجده می زنند.

پس می تونیم اینجوری بگیم:

وجود روح در انسان(علت) می دهد ویژگی های خاص(معلول)

ویژگی های خاص در انسان(علت) می دهد تمایز از سایر موجودات(معلول)

نتیجه: پس وجود روح در انسان(علت) می دهد تمایز از سایر موجودات(معلول)

نتیجه گیری در سوپرتست زنی به سبک غفوری:

پس هرگاه در تستی گفته شود:

الف) و او را از سایر موجودات متمایز می کند.

آنگاه پاسخ وجود روح است که می دهد برتری بر سایر موجودات و آن آیه ای را باید انتخاب کنیم که در ابدایش ((انی خالق بشر)) آمده و در انتهایش ((فقعوا له ساجدین)) آمده است.

ب) که او را از سایر موجودات متمایز می کند.

آنگاه پاسخ وجود یکی از سرمایه های انسان است مثلاً همون گزینه ی اول که در تست قبلی تحلیل نمودیم

نکته: این مورد در آزمون سنجش آمد منتظرش در کنکور ۹۹ هم باشید امضا غفوری...

۳) و الذی قدر فهدی .... اشاره دارد به هدایت هر موجودی متناسب با ویژگی های آن موجود ؛ خیلی از بچه ها تا ((هر)) را می بینند می گویند ایوللل پس این همون هدایت عام خداوند است ! نخیر چون گفته: متناسب با ویژگی های همان موجود پس نوع هدایت خاص است حالا میاد تو کنکور ببینید چند نفر اشتباه میزنن همین یه نکته رو!!!

---

٤)اصل توحید= قل هو الله احد توحید خالقیت=قل الله....و هو واحد القهار

نتیجه: اگر در تستی بگویند: ((قل الله)) باید بگویید توحید در خالقیت چون در ادامه ی این آیه خداوند می گوید:قل الله خالق کل شی ولی اگر در تستی بگویند: ((قل هو)) باید بگویید اصل توحید.

---

٥)اگر در تستی بگویند: بیت: ((دلی کز معرفت نور و صفا دید/به هر چیزی که دید اول خدا دید)) با کدام مورد اشاره دارد؟

و دو تا عبارت داد در گزینه های تان: ۱)ما رایت شیئا الا و رایت الله قبله و بعده و معه ۲)الله نور السماوات و الارض....

اولویت با مورد اول است چرا که نزدیک ترین عبارت مورد ا ول است با این که مورد دوم هم دقیقاً هم مفهوم است ولی اولویت در مورد اول است پس گزینه یک را بزنید و به متن کتاب درسی احترام بگذارید تا نتیجه کنکورتان ٥ رقمی نشود!!

---

٦)اگر در تستی بیت: ((ذات نایافته از هستی بخش/کی تواند که شود هستی بخش)) را به شما بدهند و بگویند با کدام مورد ارتباط مفهومی دارد:

گزینه اول: وابسته بودن جهان در پیدایش خود به خداوند

گزینه دوم: وابستگی ذاتی انسان و مخلوقات به خداوند

شما کدام را می زنید؟ آیا شک نمی کنید و نمی گویید ای باباااااا!!!این دو تا یک مطلب را می رسانند!! نخیر اشتباه نکنید طراح از شما مفهوم نخواسته است طراح از شما به یادآوردن دقیق متن کتاب را خواسته است! در متن کتاب برای تفسیر این بیت داریم: یک موجود تنها در صورتی برای موجود بودن به دیگری نیازی ندارد که ذات و حقیقتش مساوی با موجود بودن باشد و نیستی در او راه نداشته باشد....)) بنابراین جواب گزینه دوم است.

---

۷)مواظب باشید آیه ((و من آیاته خلق السماوات و الارض و ما بث فیهما من دابه و هو علی جمعهم)) یا ((و من آیاته ان تقوم السماء و الارض بامره...)) اشتباه نگیرید طراح قسمت دوم هر آیه را از شما طلب می کند که قسمت دوم آیه دوم میشه: برپایی آسمان و زمین به فرمان خداوند.

۸)گرایش به خیر و نیکی همون نفس لوامه است مواظب باش طراح اگه بگه همون فطرت خدا آشناست غلط بگیری، و توی آیات مواظب باش که باید آیه مربوط به نفس لوامه (فجورها و تقواها) رو تیک بزنی خیلیا میرن آیه مربوط به فطرت خدا آشنا یعنی آیه (فطر الناس علیها) رو اشتباهی تیک میزنن.

---

۹)یوم تقوم الساعه.....بیانگر جهنم رستاخیزی است نه برزخی حواست باشه!!!!

یادداشت نامه دینی دو

...

چطور دینی دو بخوانیم ؟ چطور تست بزنیم ؟

اولاً دینی دوم دبیرستان به گفته خیلی ها سخت ترین و پر آیه ترین کتاب دین و زندگی کنکور محسوب میشد پس استارت مون رو با دینی دوم زدیم

ثانیاً ما دینی دوم دبیرستان رو در ۵ زنجیره بررسی کردیم:

زنجیره اول: درس ۱ تا ٤ که پایه و اساس کل دینی کنکور محسوب میشه که به زودی جزوه شو واستون قرار میدم

زنجیره دوم: درس ۵ تا ۷ یا معاد شناسی

زنجیره سوم: درس ۱۰ تا ۱۲ یا محبت به حق

زنجیره چهارم:درس ١٤ تا ١٦ یا احکام

زنجیره پنجم: درس ۸ و ۹ و ۱۳ که حفظیات صرف محسوب میشن و شما باید این درس ها رو از روی کتاب درسی بخونید و مطمئناً هیچ مسکلی براتون درست نمیکنن

ثالثاً روند خوندنتون هم به این صورت باشه که اول یک دور جزوه هر درس رو دقیق میخونید و سپس فقط و فقط تست های تالیفی همان درس رو از روی کتاب تستی که دارید می زنید و در مرحله بعد اگر تستی بود که اشتباه زدید باید به متن جزوه برگردید و دوباره همان قسمت رو مطالعه کنید و سرانجام برای بار آخر دوباره یک نگاه کلی به متن جزوه کنید و تست های کنکور و سنجش همان دزس رو به صورت یک آزمون ۲۵ تستی در عرض ۱۰ دقیقه به جواب برسونید و باز اگر مشکلی در تست ها داشتید به متن جزوه برگردید با این روند آموزشی شما اگر ۱۰۰ نزدید آیدی بنده و سایر اساتید برای رفع اشکال هست میتونید بازهم کمک بگیرید که البته من مطمئنم و قسم میخورم ۱۰۰ می زنید.

موفق و پیروز باشید

مهدی غفوری

جهت استفاده از سایر جزوات ما را در کانال تلگرامی مان دنبال کنید:

@konkurpex

نکته و تست

دین و زندگی

غفوری ۹۰

جلسه پنجم

درس ۷ و ۸ و ۱۰ دینی سوم

نکته و تست دین و زندگی کنکور

درس ۷ و ۸ دینی سوم

بچه های گل بریم سراغ شروع یه نکته و تست عجیب غریب
قبل مطالعه این جزوه باید متن کتاب رو مرور داده باشید و بعداً بیاید با من همراه بشید
هر قسمت کتابو که تا حالا سوال اومده یا احتمال داره بیاد تبدیل کردم به یه سوژه طرح تست
خوب روی گزینه ها فک کن و بعداً جواب رو ببین تا مغزت حابی فضر بزورونها

درس هفتم: (درستی یا نادرستی هر جمله را بررسی کنید)

براساس تدبیر حکیمانهٔ خداوند، قرآن کریم و اهل بیت پیامبر اسلام، به عنوان دو میراث گرانبها تا ظهور حضرت مهدی راهنمای ما انسان ها به سوی رستگاری و فلاح خواهند بود. غ تا آخرالزمان

خطر انحراف از مسیر الهی و دور شدن از جامعه توحیدی، با گذشت سال ها از بعثت پیامبر به عنوان مشکلی جدید در جوامع مسلمان به وجود آمد. غ خطر انحراف از مسیر الهی و دور شدن از جامعه توحیدی، حتی برای جامعه ای که به دست پیامبر هم بنا شده، وجود دارد.

حضرت علی نحوه عمل مسلمانان، پس از رحلت پیامبر را مشاهده کرد و با روشن بینی و درک عمیقی که از نتیجه رفتارها و وقایع داشت، در زمان های مختلف مسلمانان را نسبت به عاقبت رفتارشان بیم می داد. ص

حضرت علی می فرمایند: به زودی پس از من زمانی فراخواهد رسید که در آن زمان چیزی پوشیده تر از حق و آشکارتر از باطل و رایج تر از دروغ بر خدا و پیامبرش نباشد. ص

ویژگی مشترک مردمی که به بیان امام علی در اختلاف با یکدیگر و پراکندگی متحدند و از اتحاد و یگانگی رویگردانند این است که قرآن را راهنمای خود می دانند. غ آنان خود را راهنمای قرآن می دانند، نه قرآن را راهنمای خود

وقتی قرآن بخواهد درست خوانده شود لزوم کار این ا ست که به صورت وارونه و به نفع دنیاطلبان معنایش نکنند. ص

حضرت علی حاکم شدن بنی امیه را نتیجه سستی مسلمانان در دفاع از مظلومین می داند. غ دفاع از حق

علت آن که حاکمان ستمگر بر مسلمانان چیره گردیدند این بود که بیشتر مسلمانان به هشدار قرآن کریم

عمل نکردند و سپاسگزار واقعی نعمت رسالت نشدند. ص

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

پس از سقوط بنی امیه، در زمانی که امام باقر رهبری شیعیان را برعهده داشت، حکومت مسلمانان به دست بنی عباس افتاد. غ امام صادق

از مسائل و مشکلات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوره بنی امیه و بنی عباس ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر اکرم بود که باعث شد همه مردم و محققان از یک منبع مهم هدایت بی بهره باشند. غ همه ی مردم خیر ! این وضع برای پیروان ائمه پیش نیامد زیرا احادیث پیامبر نزد ایشان حفظ شده بود. شیعیان این احادیث را از طریق این بزرگواران که خود انسان هایی معصوم و به دور از خطا بودند و سخنانشان مانند سخنان رسول خدا معتبر و موثق بود، به دست می آوردند.

این که سلیقه شخصی را در احکام دینی دخالت می دادند نتیجه تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث بود. غ

تحریف در معارف اسلامی سبب می شد که مدرک و منبعی که از طریق آن بتوان احادیث درست را از نادرست تشخیص داد، در دست نباشد. غ ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر اکرم

با نگهداری حدیث به شیوه انتقال حدیث بدون نوشتن آن به نسل های بعدی، احتمال خطا در نقل احادیث افزایش یافت ولی امکان کم و زیاد شدن عبارت ها یا فراموش شدن اصل حدیث وجود نداشت. غ احتمال خطا در نقل احادیث افزایش می یافت و امکان کم و زیاد شدن عبارت ها یا فراموش شدن اصل حدیث فراهم می شد.

ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر اکرم مقدمه ای بود بر تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث . ص دلیل: شرایط مناسب برای جاعلان حدیث فراهم می آمد که براساس اغراض شخصی به جعل یا تحریف حدیث بپردازند یا به نفع حاکمان ستمگر از نقل برخی احادیث خودداری کنند.

تنها راه تحریف در معارف اسلامی جعل و یا تحریف احادیث بود. غ دلیل: به نفع حاکمان ستمگر از نقل برخی احادیث خودداری کردند.

کعب الاحبار که ظاهراً مسلمان شده بودند، از موقعیت و شرایط برکناری امام معصوم استفاده کردند و به تفسیر و تعلیم آیات قرآن و معارف اسلامی، مطابق با افکار خود و موافق با منافع قدرتمندان پرداختند. ص

تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث نتیجه این موضوع بود که برخی از عالمان وابسته به قدرت و گروهی از علمای اهل کتاب برای دریافت جایزه از بنی امیه و بنی عباس احادیثی از قول پیامبر اکرم جعل می کردند. ص

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

دنیادوستی و عدم اسلام آوردن واقعی علت بود بر عملکرد کعب الاحبار. ص

این که جواب این سوال: ((کسی زکات واجب طلا و نقره خود را داده باشد، آیا واجب است کار دیگری هم انجامد دهد؟)) در زمان بنی امیه و بنی عباس این باشد: ((حتی اگر تک تک لقمه هایش هم از طلا و نقره باشد، هیچ چیز دیگری بر او واجب نیست)) نشان دهنده ی ((تحریف در معارف اسلامی و جعل احادیث)) و نتیجه ((ممنوعیت از نوشتن احادیث پیامبر اکرم)) بود. ص

عموم مردم در افکار و اعتقادات و رفتار و عمل، دنباله رو شخصیت های برجسته جامعه خود هستند و آن ها را اسوه قرار می دهند. ص

تربیت انسان هایی که یاد آنان یادآور فضائل و کرامت های انسانی است علت اسوه بودن رسول خدا در آن زمان بود. غ معلول نه علت!

ظهور شخصیت ها و الگوهای غیرقابل اعتماد نتیجه تلاش حاکمان وقت بود تا شخصیت های اصیل اسلامی، به خصوص عمار و ابوذر و مقداد و سلمان ، به انزوا کشیده شوند و افرادی که در اندیشه و عمل و اخلاق از معیارهای اسلامی به دورند، در جامعه جایگاهی برجسته پیدا کنند و الگوی مردم شوند. غ همه جمله درسته ولی بچه ها باید می گفت به خصوص اهل بیت پیامبر! (متن کتاب)

پیامبر خدا حکومتش را بر پایه برابری و مساوات بنا کرد و اعلام کرد همه انسان ها از یک مرد و زن آفریده شده اند و ملاک کرامت و گرامی بودن، ایمان و عمل صالح است. غ ملاک تقوا است.

اگر بگویند: تلاش حاکمین وقت برای به انزوا کشاندن شخصیت های اصیل اسلامی سریع بگو: ظهور شخصیت ها و الگوهای غیرقابل اعتماد

اگر بگویند: شخصیت های باتقوا، جهادگر و مورد احترام و اعتماد پیامبر منزوی شدند و طالبان قدرت و ثروت، قرب و منزلت یافتند. سریع بگو: تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت قیصری و کسرایی

آن دسته از افراد که در زمان رسول خدا در جبهه دشمنان اسلام بودند، پس از مدتی با تزویر و نیرنگ خود را در جبهه دوستان قرار دادند و به تدریج، شیوه حکومتی قیصران روم و کسراهای ایران را در پیش گرفتند. ص

اگر بگویند: افرادی که در اندیشه و عمل و اخلاق از معیارهای اسلامی به دورند، در جامعه جایگاهی برجسته پیدا کنند. سریع بگو: ظهور شخصیت ها و الگوهای غیرقابل اعتماد

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

اما اگر در تست حرفی از ثروت و مال اندوزی بود سریع بگو: تبدیل حکومت عدل نبوی به سلطنت قیصری و کسرایی.

درس هشتم:

(نکات ۱۰۰ درصدی و احتمالی درس هشتم بررسی می شود.)

سخن حضرت علی: آگاه باشید که....

وقتی می توانید در آن شرایط راه رستگاری را تشخیص دهید که ابتدا رهاکنندگان و پشت کنندگان به صراط مستقیم را شناسایی نمایید.

و وقتی می توانید به عهد خود با قرآن وفا کنید که شکنندگان پیمان را تشخیص دهید.

و آن گاه می توانید پیرو قرآن باشید که فراموش کنندگان قرآن را بشناسید.

تلاش ائمه سبب شد تا چهره اسلام راستین که براساس توحید، عدل و امامت استوار است و متناسب با شرایط زمان به نیازهای انسان ها پاسخ می دهد باقی بماند.

اقدامات مربوط به مرجعیت دینی: (کلید تست ها: تعلیم قرآن+حفظ سخنان+تبیین+تربیت)

تعلیم و تفسیر قرآن کریم (مبارزه با تحریف و جعل احادیث و آموزه های اصیل)

حتی آنان که تابع امامت امامان بزرگوار نیز نبودند توانستند از معارف قرآن بهره برده و به حقایق آن دست یابند.

اقدام برای حفظ سخنان و سیرهٔ پیامبر (حدیث سلسلة الذهب و لا اله الا الله)

كَلِمَةُ لا اِلٰهَ اِلَّااللّٰهُ حِصْنی فَمَنْ دَخَلَ حِصْنی اَمِنَ مِنْ عَذابی

کلمهٔ لا اِلٰهَ اِلَّااللّٰهُ قلعهٔ محکم من است و هرکس به این قلعهٔ محکم من وارد شود، از عذاب من در امان می‌ماند.

پس از اندکی درنگ، امام فرمود :

بِشُروطِها وَ اَنَا مِنْ شُروطِها امّا به شرط‌های آن و من از شرط‌های آن هستم

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

لا اله الا الله در دین کنکور:

۱ . مهم ترین شعار اسلام

۲ . در برگیرنده همه ابعاد توحید (توحید نظری + توحید عملی)

۳ . موجب فلاح و رستگاری پیامبر : قولوا لااله الا الله تفلحوا (اولین سخن رسول خدا در دعوت مردم به اسلام)

۴ . بهای بهشت (از منظر پیامبر)

۵ . دژ مستحکم خداوند : کلمه لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی آمن من عذابی (حدیث سلسله الذهب)

۶ . دژ مستحکم پیامبر

۷ . دژی که انسان را از شرك در عقیده و عمل حفظ می کند.

۸ . پیامبر : نه من و نه گویندگان قبل از من کلمه ای پرمحتوا همانند لااله الا الله نگفته ایم.

۹ . مرکب از نفی شریک خداوند (لا اله) اثبات یگانگی خدا (الا الله)

۱۰ . مرکب از تولی (محبت به حق +) تبری (بیزاری از باطل) دین داری استوار بر ۲ پایه تولی و تبری است.

۱۱ . به میزانی که دوستی با خدا عمیق تر باشد نفرت از باطل هم عمیق تر است.

۱۲ . ارتباط با سخن امام خمینی : مگر تحقق دیانت، جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحّدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسرّ شود.

۱۳ . ارتباط با سفارش امام خمینی به مسلمانان جهان : باید مسلمانان، فضای سراسر عالم را از محبت و عشق نسبت به ذات حق و نفرت و بغض(=کینه) عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند.

۱۴ . توحید تنها یک لفظ و شعار نیست. بلکه باید در زندگی اجتماعی ظاهر شود. و تجلی توحید در زندگی اجتماعی با ولایت امام که همان ولایت خداست، میسر است.

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

تبیین معارف اسلامی متناسب با نیازهای نو: (کلک تستی: مواظب باشید برای تالیف کتاب ها ؛ طراحان به جای تبیین معارف اسلامی متناسب با نیاز های نو ~~از تربیت شخصیت های اسلامی~~ استفاده نکرده باشند که غلط است!)

ائمه اطهار با تکیه بر علم الهی خود، به دور از انزوا و گوشه گیری و با حضور سازنده و فعال، درباره همه مسائل نو اظهارنظرکرده و مسلمانان را از معارف خود بهره مند می ساختند. (علت)

ثمره این حضور سازنده، فراهم آمدن کتاب های بزرگ در حدیث و سیره ائمه اطهار در کنار سیره پیامبر و قرآن کریم است. (معلول)

مثال: (رمز: کتاب که جمله هاش تبیین بشه باعث تبیین معارف اسلامی متناسب با نیاز های نو میشه!)

نهج البلاغه (بخش هایی از خطبه ها، نامه ها و کلمات حضرت علی)

غُرَرُالحِکَم و دُرَرُالکَلِم (یازده هزار سخن کوتاه از حضرت علی)

صحیفه سجادیّه (امام سجاد)

کافی(از کلینی)

مَن لا یَحضُرُهُ الفَقیه (از صدوق)

التهذیب و الاستبصار (از طوسی)

تربیت شخصیت های اسلامی:

در اطراف هر یک از این بزرگواران، شخصیت های برجسته ای تربیت شدند که در علم، ایمان، تقوا و جهاد در راه خدا سرآمد انسان های زمان خویش بودند. آن ها اندیشه های اسلام راستین (منظور تشیع) را در عالم گسترش دادند و آرمان های متعالی آن را حفظ کردند.

رمز همیشگی مون اینه دقیق بلد باشی هر تستی رو زدی! :

آرمان و آرزو با هم ازدواج کردند و بچه شون اسمش شد ایمانِ تقوا زاده، تربیت راست و درست این بچه باعث شد اندیشه های اسلام راستین را در عالم گسترش داده و آرمان های متعالی آن را حفظ کنه! و تموم!

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

مجاهده در راستای ولایت ظاهری: (کلید های تست: عدم تایید+معرفی خویش+آگاهی+شیوه درست مبارزه)

از ۲ جهت مبارزه:

۱ رهبری و اداره جامعه از جانب خداوند به آنان سپرده شده بود و لازم بود که برای انجام دادن این وظیفه به پاخیزند و در صورت وجود شرایط و امکانات، حاکمان غاصب را برکنار کنند.

۲ از آن جهت که سکوت در مقابل ظلم و زیرپا گذاشتن قوانین اسلامی را گناه می دانستند اگر حاکمی، حقوق مردم را زیر پا گذارد و به احکام اسلامی عمل نکند، براساس وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، باید با او مقابله و مبارزه کرد.

شیوه ها:

عدم تأیید حاکمان:

امامان هیچ یک از حاکمان غیرقانونی عصر خود را به عنوان جانشین رسول خدا تأیید نکردند.

امامان تفاوت های اخلاقی و رفتاری حاکمان را در نظر می گرفتند و در مواردی که بر طبق دستورات اسلام رفتار می کردند، عمل شان را تأیید می نمودند، امّا آنان را در غصب خلافت و جانشینی رسول خدا یکسان می دیدند و این مسئله را به مردم اعلام می کردند.

معرفی خویش به عنوان امام برحق:

آن بزرگواران همواره خود را ب هعنوان امام و جانشین برحق پیامبر اکرم معرفی می کردند.

↓

این دو اصل همواره برای حاکمان زمان هم روشن بود، آن ها می دانستند که امامان، حاکمان را به عنوان جانشین رسول خدا به رسمیت نمی شناسند و مشروعیتی برای آن ها قائل نیستند و خود را لایق این مسئولیت می دانند.

↓

به همین جهت همواره با امامان به بدی رفتار می کردند و نسبت به آنان و یارانشان انواع سختی ها و آزار و اذیت ها روا می داشتند تا آن جا که همه آن بزرگواران به شیوه های گوناگون توسط حاکمان وقت به شهادت رسیدند.

آگاهی بخشی به مردم:

راه رهایی مسلمانان از دست حاکمان طاغوتی و مشکلات اجتماعی= آگاه شدن(علت)

+ رشد و آگاهی مردم یک اصل اساسی (علت)

نتیجه: ائمه برای آگاه کردن مردم حتی از ایثار جان و مال خود دریغ نداشتند.(معلول)

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

انتخاب شیوه های درست مبارزه:

امامان شیوه مبارزه با حاکمان را متناسب با شرایط زمان برمی گزیدند؛ به گونه ای که هم تفکر اصیل اسلام راستین یعنی تشیع باقی بماند و هم به تدریج، بنای ظلم و جور بنی امیه و بنی عباس سست شود، در عین حال، روش زندگی امامان، به عنوان اسلام حقیقی، به نسل های آینده معرفی گردد.

کلید واژه تستی:

تفکر اصیل اسلام راستین = تشیع

اسلام حقیقی = روش زندگی امامان

تقیه: اقدامات مخفی به گونه ای که در عین ضربه زدن به دشمن، کمتر ضربه بخورند.

نمونه های شیوه های درست مبارزه با توجه به زمان: (خیلی مهم)

حضرت علی: دستور جهاد علیه معاویه را صادر کرد. / برای حفظ نظام نوپای اسلامی سکوت پیشه کرد. در عین حال گوشه گیری هم در پیش نگرفت.

امام حسن: دستور جهاد علیه معاویه را صادر کرد. / برخلاف میل خود، از جنگ دست برداشت و با معاویه قرارداد صلح امضا کرد.

امام حسین: در زمان معاویه همان روش برادر بزرگوارش را بعد از صلح، پیش گرفت و علیه معاویه دست به جهاد نزد. / وقتی یزید به حکومت رسید، امام روش خود را تغییر داد و متناسب با شرایط جدید، تصمیم گرفت زیر بار بیعت یزید نرود و علیه وی قیام کند. / پس از شهادت امام حسین و سرکوبی شدید شیعیان، سازمان تشیع ا ز هم پاشید.

امام سجاد: در کنار گسترش معارف از طریق دعا، به تجدید بنای سازمان تشیع پرداخت. انسان هایی فرهیخته و دارای بینش عمیق را تربیت کرد و بار دیگر با علاقه مندان اهل بیت ارتباط برقرار نمود. / بار دیگر تشیع به عنوان یک جریان بزرگ فکری و سیاسی در جامعه حضور فعال پیدا کرد. / در اثر فعالیت های امام سجاد ، در دوران امام باقر زمان معرفی اسلام اصیل فرارسید.

امام باقر: پایه گذاری یک مدرسه علمی بزرگ درمدینه / امّا زمان قیام علیه این حاکمان را مناسب نمی دید./ وقتی برادر آن حضرت، به نام زید، برای سازمان دادن یک قیام به ایشان مراجعه کرد، امام او را از این کار بازداشت و او نیز اطاعت کرد.

امام صادق: ناخشنودی نسبت به دستگاه بنی امیه به اوج رسیده بود./ امام صادق مبارزه خود را علنی تر کرد و در فرصت های مناسب از جمله در روز عرفه در مراسم حج، حق حکومت را از آن خود اعلام نمود / حتی به زیدبن علی، عموی خود اجازه قیام داد. / مدرسه علمی را که امام باقر پایه گذاری کرده بود، توسعه داد + هزاران شاگرد

امام کاظم: دوره شدت اختناق/ سال های طولانی در زندان/ مبارزه در قالب تقیه

امام رضا: ده سال از امامت ایشان در دوره هارون عباسی بسیار سخت(نه شدت اختناق!)/ با روی کار آمدن مأمون زمینه فعالیت شیعیان بیشتر شد/ مأمون برای جلب یاران امام و علویان به خود، به اجبار و زور امام را ولیعهد و جانشین خود معرفی کرد.

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

پس از شهادت امام رضا: مرحله بسیار سختی برای شیعیان و علویان پدید آمد، / ارتباط معمولی و آمد و رفت به خانه امام جواد نیز مشکل شد./ امام هادی را به اجبار به سامرا که مرکز خلافت بود، آوردند و در محلّی که یک پادگان نظامی بود، منزل دادند و به شهادت رساندند/ امام حسن عسکری نیز در همین محل و به همین ترتیب به شهادت رسید./ این سه امام بزرگوار معارف بازمانده از پدران گرامی خود را حفظ کردند و از طریق شاگردان به نسل های بعد رساندند و مانع نابودی مکتب اهل بیت شدند.

ولایت معنوی امامان:

پس از رسول خدا ، ائمه اطهار واسطه خیر و برکت و رحمت در جهان.

به اذن خداوند، از طریق معنوی و غیبی نیز به نیازهای مؤمنان پاسخ می دهند و آنان را به مقصود می رسانند.

مقام و منزلت انسان های با فضیلت ناشی از بندگی واقعی آنان در برابر خداست.

درس دهم: (درستی یا نادرستی هر یک از موارد زیر را تعیین کنید:)

دعا برای سلامتی حضرت مهدی و درخواست تعجیل در ظهورشان، برنامه ای دائمی و پیوسته است. ص

پاسخ به این سؤال که: ((نتیجه نهایی مبارزه حق علیه باطل چیست و پیروزی از آنِ کدام جبهه خواهد بود؟ جبهه حق یا جبهه باطل؟)) با بینش انسان درباره اسلام ارتباط دارد. غ پاسخ به این سؤال با بینش انسان درباره جهان ارتباط دارد. آنان که از شناخت آفریننده جهان درمانده اند و اداره کننده ای مدبر و حکیم(آفرینش هدفمند و حکمت خداوند) برای آن نمی شناسند، نمی توانند آینده ای روشن برای تاریخ انسان تصور کنند.

خداپرستان که معتقدند یکی از نام های خداوند حق است و اوست که با حکمت خود، جهان را اداره می کند، براساس وعده پیشوایان دین، باور دارند که آینده نهایی جهان از آنِ حق خواهد بود و باطل، شکست خورده و مغلوب، صحنه را ترک خواهد کرد و حق طلبان جهان را اداره خواهند کرد و مردم یک زندگی خوب و رو به کمالی خواهند داشت. غ وعده الهی!

امامان معصوم، برای تحقق وعده های الهی، برای اولین بار از طرح خاصی برای پایان تاریخ سخن گفته اند. غ اولین بار پیامبران الهی

در پایان تاریخ، درحالی که شرایط کاملاً آماده نیست، یک ولیّ الهی ظهور می کند و حکومت جهانی و عادلانه ای تشکیل می دهد که فقط براساس دین خدا اداره می شود. غ شرایط بایستی کاملاً آماده شده باشد

اعتقاد ظهور منجی عقیده اصلی پیامبران الهی است اما تعلیمات هر پیامبری، پس از وی دستخوش دگرگونی شد. غ به جز پیامبر اسلام

با وجود اعتقادات مختلف، همه در اصلِ الهی بودن پایان تاریخ و ظهور ولیّ خدا برای برقراری حکومت جهانی اتفاق نظر دارند. ص

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

در کتاب های حدیث اهل سنت تأکید شده که حضرت مهدی از نسل پیامبر اکرم و حضرت فاطمه است ولی هنوز به دنیا نیامده است. ص

زنده بودن حضرت مهدی و حاضر بودن ایشان در میان مردم باعث شد هر ماجراجوی فریب کاری که بخواهد خود را مهدی موعود معرفی کند، به زودی شناخته شود و مردم هوشیار فریب او را نخورند. غ به دلیل مشخص بودن پدر و مادر حضرت مهدی نه حضورشان! حضور حضرت در میان مردم چه ربطی به این موضوع دارد؟ اگر قرار باشد به حضور که این ماجراجویان هم در میان مردم هم حضور و هم ظهور دارند!

می دانیم که ناظر بودن حضرت مهدی بر کار های مسلمانان و امت اسلامی در مقابل غیبت ایشان قرار ندارد. ص ظهور در مقابل غیبت است نه حضور و حاضر بودن و نظارت بر اعمال مسلمانان

برخورداری جامعه به صورت های گوناگون از هدایت های امام و از ولایت معنوی ایشان معلول ظهور ایشان است. غ معلول حضور شان در میان مردم و زنده بودن ایشان

نگاه مثبت دین به آینده اسلام و اعتقاد به حضور حضرت مهدی(عج)، اصلی به نام انتظار را در دل ها زنده کرده است.غ این جمله کتاب نیست توجه کنید: نگاه مثبت دین به آینده تاریخ و اعتقاد به حضرت مهدی(عج)، اصلی به نام انتظار را در دل ها زنده کرده است.

انسان منتظِر، به معنای خاص کلمه، کسی است که هدف و آرمان خود را می شناسد و یقین دارد که روزی این هدف در جهان محقق می شود. از این رو همواره برای رسیدن جامعه به چنین هدفی تلاش می کند تا جامعه، هر چند یک قدم، به آن هدف نزدیک تر شود. و از آنجا که به خدا و جهان آخرت ایمان دارد، می داند که پاداش این تلاش خود را خواهد گرفت. ص

تست: هر انسان منتظری...

۱)به معنای خاص کلمه کسی است که برای رسیدن جامعه به اهداف و آرمان های خاصی همواره تلاش می کند.

۲) حکومت های غیرالهی و طاغوتی را نمی پذیرد و در مقابل آن ها می ایستد و مقاومت می کند.

۳) می کوشد در جهت همان نوع از جامعه ای که انتظارش را می کشید حرکت کند.

٤)قطعاً به خدا و جهان آخرت ایمان‌دارد.

گذشته سرخ به معنای اعتقاد به عاشورا و آمادگی برای ایثار و شهادت در راه گسترش عدالت، آرمانگرایی و حقیقت جویی می باشد. غ به نکته توجه کن: گذشته سرخ میشه: عدالت خواهی اما آینده سبز میشه: گسترش عدالت در تست ها!!!

الف ــ گذشتهٔ سرخ ــ اعتقاد به عاشورا و آمادگی برای ایثار و شهادت در راه عدالت‌خواهی، آرمانگرایی و حقیقت‌جویی.

ب ــ آیندهٔ سبز ــ باور به مهدویت و نپذیرفتن حکومت‌های طاغوتی و تلاش برای گسترش عدالت و انسانیت در سراسر جهان.

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

مسئولیت های منتظر:

تقویت معرفت، ایمان و محبّت به‌امام: (یقیین و عدم تردید + محبت و معرفت)

پیامبر: هرکس که دوست دارد خدا را در حال ایمان کامل و مسلمانی مورد رضایت او ملاقات کند، ولایت و محبّت امام عصر را بپذیرد.

پیامبر به حضرت علی: بزر گترین مردمان در ایمان و یقین، کسانی هستند که در روزگاران آینده زندگی می کنند، پیامبرشان را ندیده اند، امام آن ها در غیبت است و فقط به سبب خواندن قرآن کریم و احادیث معصومین (و تفکر در آن ها) ایمان می آورند.

عصر غیبت، عصر دودلی ها و شک و تردیدهاست.

مؤمن حقیقی، به خود تردید راه نمی دهد و با یقین، برای فردای روشن آماده می شود.

پیروی از امام عصر: (رمز: پیروی و تبعیت)

منتظر حقیقی تلاش می کند در عصر غیبت هم پیرو امام خود باشد و از ایشان تبعیت کند. پیروی از امام عصر پیروی از دستور آن حضرت مبنی بر مراجعه به عالمان دین و تبعیت از آن هاست.

پیامبر: خوشا به حال کسی که به حضور« قائم » برسد، درحالی که پیش از قیام او نیز پیرو او باشد.

ایجاد آمادگی در خود و جامعه: (رمز: آمادگی+مبارزه با باطل+استواری+یاران امام+عدد ۳۱۳)

منتظر، عصر غیبت را عصر آماده باش برای یاری امام تلقی می کند.

آنان که در زندگی خود با باطل مبارزه نکرده اند و با مستکبران مقابله ننموده اند، در روز ظهور، مانند قوم موسی به حضرت مهدی می گویند: تو و پروردگارت بروید بجنگید ما اینجا مینشینیم.

امام صادق: یاران مَهدی (عج) مردمانی مقاوم، سرشار از یقین به خدا و استوارتر از صخره ها هستند؛ اگر به کوه ها روی آورند، آن ها را متلاشی می کنند.

در صحنه فعالیت های اجتماعی و نبرد دائمی حق و باطل، در جبهه حق حضوری فعال داشته باشند.

یاران امام، پیشتازان تحول جهانی و سازندگان تمدن متعالی اسلامی اند.

هسته مرکزی این یاران، سیصد و سیزده نفر، به تعداد یاران پیامبر اکرم در جنگ بَدْر هستند که بنا به فرموده امام باقر پنجاه نفر از آنان از زنان اند. همچنین، در احادیث آمده که بیش تر یاران امام را جوانان تشکیل می دهند.

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

دعا برای ظهور امام: (رمز: انتظار+فرج +گشایش+دعا+طلب کرامت دنیوی و اخروی)

در انتظار ظهور بودن، خود از برترین اعمال عصر غیبت است.

فرج و گشایش واقعی برای دینداران با ظهور آن حضرت حاصل می شود.

امام علی: منتظر فرج الهی باشید و از لطف الهی مأیوس نشوید و بدانید که محبوب ترین کارها نزد خداوند، انتظار فرج است.

لازمه این انتظار، دعا برای ظهور امام عصر است.

دعای مهم: کرامت دنیا و آخرت را از برکت آن دولت با کرامت بر ما ارزانی دار.

نکات مهم تست زنی من:

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

تکلیف جلسه آینده: مطالعه دقیق این جزوه + متن درس ۷ تا ۱۱ سوم +
پیش خوانی متن درس ۱۲ سال سوم

مهدی غفوری اولین مدرس دین و زندگی به سبک زیست شناسی در ایران

صد ها نفر همگام با من دینی را صد می زنند پس به کمتر از ۱۰۰ راضی نشو!

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

کد اختصاصی خریدار: B16D78AF

به نام جهان آفرین قادر و توانا

خورشید پنهان+در انتظار طلوع

جامع دینی

۹۹

گارانتی تضمینی
۱۰۰ درصد

دین و زندگی جـــامع کنکور

استاد مهدی غفوری

کنکور ۹۹

دین و زندگی سوم دبیرستان

درس ۹ (خورشید پنهان)

۱)شناسنامه امام مهدی:

دوازدهمین امام

تولد: سپیده دم جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری در سامرا (تکنیک: ۵+۵+۲ =۱۲= سال تولد دوازدهمین امام)

تا ۲۶۰ در کنار پدر ماند(تکنیک:۲ ضرب در ۶ =۱۲= شروع امامت دوازدهمین امام شیعیان)

سال ۲۶۰ شروع امامت پس از به شهادت رسیدن امام حسن عسکری

دوره اول امامت تا سال ۳۲۹ هجری = غیبت صغری به کمک نواب اربعه یا نواب خاص

شش روز مانده به درگذشت آخرین نایب: نامه ای از طرف امام زمان: پس از آخرین نایب دیگر جانشینی نیست و شروع مرحله دوم امامت در شکل غیبت کبری.

۲) علت غیبت امام مهدی:

خداوند ~~راه رستگاری~~/نعمت هدایت را با وجود انبیاء و اولیای خود کامل کرده و راه رسیدن به رستگاری را به انسان ها نشان داده است .آن ها نه تنها راه سعادت را، ~~به مومنان~~ به مردم معرفی کردند بلکه دل سوزتر از پدری مهربان برای نجات آنان کوشیدند و رنج کشیدند.

پیامبر گرامی اسلام ، خود و ~~امامان معصوم را~~/امام علی را پدران امت معرفی فرموده است و روشن است که دل سوزی پدر برای فرزندان خود قابل توصیف نیست . اما فرزندان ناسپاس، قدر پدران مهربان خود را نشناختند و چنان در مسیر غلط پیش رفتند که یازده تن/~~دوازده تن~~ از رهبران آسمانی خود را شهید کردند.

پیامبر اکرم در زمان حیات، درباره دوازده/~~یازده~~ جانشین و امام بعد از خود با مردم سخن گفته بود و حضرت علی/ مهدی را معرفی کرده بود .امیرالمؤمنین و سایر امامان نیز درباره امام زمان و رسالتی که برعهده دارد، یاد کرده بودند.از این رو حاکمان بنی عباس/~~بنی امیه~~ درصدد بودند که مهدی موعود را به محض تولد از بین ببرند . آنان امام دهم و سپس امام یازدهم و خانواده ایشان را در محله ای نظامی در شهر سامرا/~~مدینه~~ منزل دادند و رفت و آمد های آنان را زیرنظر گرفتند تا درصورت امکان، امام دوازدهم را درهمان شروع امامت/ همان کودکی به شهادت برسانند. (انسانی ۹۳)

به سبب این ۱قدرناشناسی و ۲ناسپاسی و در ۳خطر بودن جان آن حضرت، خداوند آخرین ذخیره و حجّت خود را از نظرها پنهان کرد تا امامت در شکلی جدید و از پس پرده غیبت ادامه یابد . ادامه یافتن این غیبت نیز بر اثر باقی ماندن همان شرایط و عدم آمادگی مردم برای ظهور می باشداین غیبت آن قدر ادامه می یابد که نه تنها مسلمانان، بلکه جامعه انسانی شایستگی ۱درک ظهور(نه حضور) و ۲بهره مندی کامل از وجود آخرین حجّت (ذخیره)الهی را پیدا کند . در آن زمان، بشریت عملی شدن وعده های الهی در مورد ۱حکومت صالحان و ۲برپایی عدالت جهانی را به چشم خواهد دید .

تجربی ۹۰ و خارج ۹۴: خداوند نعمت هدایت را با وجود پیامبران اولوالعزم/انبیا و اولیای خود کامل کرده است و در همین رابطه پیامبر اکرم خود و حضرت امام علی (ع) را هادیان/پدران امت معرفی نمودند.

سنجش ۹۳ و انسانی ۹۴: علت نخستین غیبت حضرت حجت(ع) روش حاکمان بنی عباس که در صدد بودند آن حضرت را به محض تولد از بین ببرند و تداوم غیبت به دلیل عدم آمادگی مردم برای پذیرش حکومت عدل الهی است.

۳)جمع بندی:

شروع امامت در شکلی جدید و از پس پرده غیبت و پنهان گشتن حضرت مهدی از نظر ها معلول:

۱قدرناشناسی و ۲ناسپاسی و در ۳خطر بودن جان

علت غیبت نخستین: در خطر بودن جان(بواسطه نقشه قتل امام توسط بنی عباس) و علت غیبت دومین: قدر ناشناسی و ناسپاسی

ادامه یافتن غیبت حضرت مهدی معلول:

باقی ماندن همان شرایط و عدم آمادگی مردم برای ۱ظهور یا ۲پذیرش حکومت عدل الهی یا ۳در بهره مندی از رهبری ظاهری ایشان

پایان یافتن غیبت حضرت مهدی معلول: (نکته : این مورد در انتهای درس به گونه ای دیگر نیز ذکر شده است!)

نه تنها مسلمانان، بلکه جامعه انسانی شایستگی ۱درک ظهور(نه حضور) و ۲بهره مندی کامل از وجود آخرین حجت(ذخیره) الهی را پیدا کند .

عملی شدن وعده های الهی در مورد حکومت صالحان و برپایی عدالت جهانی معلول:

پایان یافتن غیبت حضرت مهدی + وجود شایستگی درک ظهور و بهره مندی کامل از وجود حضرت مهدی در جامعه انسانی

۴)احادیث مربوط به علت غیبت امام زمان:

پیامبر اکرم:

خداوند زمین را پر از قسط و عدل(موخر) خواهد کرد، بعد از این که پر از ظلم و جور(مقدم) شده باشد.

امام علی می فرماید:

زمین از حجت خدا خالی نمی ماند . امّا خداوند، به علت ستمگری انسان ها و زیاده رو یشان در گناه، آنان را از وجود حجت در میانشان بی بهره می سازد.(ستمگری و زیاده روی در گناه مصداقی برای قدرناشناسی و ناسپاسی و علت دومین غیبت)

امام باقر فرمودند:

قضای حتمی خداوند است که اگر به بنده خود نعمتی دهد، آن نعمت را از او نمی گیرد مگر آن که گناهی انجام دهد که شایستگی داشتن آن نعمت را از دست دهد و این مطلب، مطابق با این سخن خداوند است: (قرائت آیه موخر بر حدیث)

آیاتی که علت غیبت را بیان می کند

معلول تابع	ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ	این بدان سبب است که(خداوند)
	لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً	تغییر نمی‌دهد نعمتی را که
	اَنْعَمَها عَلىٰ قَوْمٍ	بر قومی ارزانی داشته
علت تابع	حَتّىٰ يُغَيِّروا	مگر آن که(آن‌ها) تغییر دهند
	ما بِاَنْفُسِهِمْ	وضع خویش را
	وَ اَنَّ اللّٰهَ سَميعٌ عَليمٌ	پیام کلی:

انفال، ۵۳

- ✓ اعطاء نعمت مقدم بر رفتار ماست، . . . .
- ✓ عامل اصلی غیبت خود مردم اند.
- ✓ تغییر و تحول در جامعه تابع نسبت خاص است
- ✓ سنت تاثیر نیکی ها و بدی ها در سرنوشت . . . . . .

معلول اِنَّ اللّٰهَ لا يُغَيِّرُ ما بِقَوْمٍ

علت حَتّىٰ يُغَيِّروا ما بِاَنْفُسِهِمْ

*زمینه ساز هلاکت و بدبختی یا عزت و سربلندی جوامع اعمال و کردار مردم است

رعد، ۱۱

۵)نتیجه گیری از احادیث و آیات مبحث شماره ٤ و ارتباط با سنت تاثیر نیکی و بدی در سرنوشت:

تغییر و تحول در امور مربوط به جامعه، قوانین و سنت های خاص خود را دارد که باید بدان ها توجه کرد؛

مثال:

(دور شدن از کار -)در جامعه ای که گرفتار بی عدالتی است، تصمیم یک فرد یا گروهی محدود برای برقراری عدالت، اگر از همراهی دیگر افراد برخوردار نباشد، به نتیجه نمی رسد .

(رفتن به سوی کار +)گسترش علم و فرهنگ نیز همین طور است . تنها زمانی دانش و فرهنگ یک ملت پیشرفت و ترقی می کند که عموم افراد جامعه مشتاق و خواهان این پیشرفت باشند.

به همین جهت قرآن کریم می فرماید : تا اقوام و ملت ها تغییر نکنند، خداوند نیز اوضاع و شرایط زندگی آنان را تغییر نخواهد داد.

جمع بندی:

علت‌غیبت ۱- خلفا و خطر
۲- خود مردم ← رمز آیه : لایغییر - حتی یغییروا
- نعمت ← رفتار
- ⊖ذلک بان الله لم یک مغیرا نعمه ... ← تغییر رفتار ← تغییر نعمت
- ⊕ و⊖ ان الله لایغیر مابقوم حتی یغییروا ما بانفسهم
- پیامبر(ص) : قسط و عدل بعد از ظلم و جور
- علی (ع) : ستمگری و گناه ← خالی ماندن زمین از حجت خدا
- امام باقر(ع) : گناه ← از دست دادن نعمت
- تغییر و تحول در امور جامعه ، قوانین و سنت های خاصی دارد (علم و فرهنگ ، دالت)

سنت تاثیر نیکی و بدی در سرنوشت:

و لو ان اهل القُری(شهرها) ۱)آمنوا و ۲)اتقوا (علت،گرو) (چون آیه کلمه ی اهل القری=مردم دارد بنابراین سنت اجتماعی است.)

لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض (معلول،تحقق)

و لکن کذبوا (علت،گرو)

فاخذناهم بما کانو یکسبون (معلول،تحقق)

تجربی ۹۵ (ثمره ایمان مردم و گرایش به تقوا در میان آنان چیست؟ جواب: لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض)

- ✓ زندگی ما و جامعه به شدت تحت تاثیر رفتار های ماست.
- ✓ این یک سنت اجتماعی است و با آیه ان الله لایغیر مابقوم حتی یغیروا ما بانفسهم ارتباط دارد. هر دو اشاره به سنت تاثیر نیکی و بدی در سرنوشت.
- ✓ جامعه ای که در مسیر نیکی ها گام بردارد در های رحمت الهی را به روی خود می گشاید وجامعه ای که به گناه آلوده شود به عذاب گرفتار می شود.
- ✓ ارتباط با کلام امام صادق(ع) : یموت بالذنوب بیشتر از یموت بالاجال و یعیش بالاحسان بیشتر از یعیش الاعمار

هنر۹٤: کدام آیه بیانگر قوانین و سنت های خاص خداوند برای اصلاح شرایط طندگی مردم است؟ ج : ان الله لایغیر مابقوم حتی یغیروا ما بانفسهم

خارج از کشور۹۲: با توجه به آیه (ان الله لایغیر مابقوم حتی یغیروا ما بانفسهم) مفهوم می گردد که:

۱)سنت الهی به گونه ای است که تحول از درون شروع شود. (تغییر را جا انداخته ثانیاً از درون اکثریت افراد!) پس غ

۲)تصمیم درونی مردم علت تغییر تصمیم الهی است.(تصمیم مردم بر تصمیم خدا هیچ تاثیری نداره!) پس غ

۳)تغییر و تحول در امور جامعه قوانین و سنت های خاص خود را دارد که باید بدان ها توجه نمود. جواب

ریاضی ۸۸: تغییر نعمات الهی تابع تغییر نفسانیات انسان هاست از آیه: ذلک بان الله...) برداشت نمی شود. نفسانیات همان افکار و اعمال انسان اند که مربوط به روح و روان فرد اند نه یک جامعه !

در تمام تست های این درس اگر آیه درس در صورت تست بود گزینه ای که به یک فرد اشاره داشت ۱۰۰٪ جواب نیست.

سوپر تست احتمالی ۹۹: چند مورد از موارد زیر می توانند برداشتی صحیح از آیه شریفه (ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم) باشد؟ (غفوری) (مشابه زبان ۸۶ ، تجربی و ریاضی ۸۸ و ریاضی ۹۱)

الف)عدالت خواسته فطری همه انسان هاست و در فطرت و ویژگی های خاص آفرینش همه انسان ها قرار داده شده است.

ب)خداوند ما را مسئول سرنوشت خود قرار داده و سپس راه رستگاری و راه شقاوت را به ما نشان داده است تا خود راه رستگاری را برگزینیم و از شقاوت دوری کنیم.

پ)برقرای عدالت همراهی اکثریت را می طلبد و عموم افراد جامعه باید آماده و پذیرای عدالت شوند.

ت)زیاده روی در گناه نشان بی نصیبی از عدالت است.

ت)ظلم پذیری جامعه به حاکمیت نظام سلطه می انجامد.

ج)تصمیم درونی مردم علت تغییر تصمیم الهی است.

چ)سنت الهی این گونه است که تحول از درون شروع شود.

ح)تغییر جامعه و پذیرش درونی عامل تغییر و تحول است.

خ)تغییر و تحول بر کل عالم حاکم است و از جمله بر درون انسان ها.

د)سنت خدا بر استمرار لطف و فیض بر جوامع خواهان فیض

ذ)تغییر دورنی جوامع تابع تغییر سنت خدا بر آن جوامع است.

۱)دو مورد ۲)سه مورد ۳)چهار مورد ٤)پنج مورد

جواب: گزینه دو ؛ فقط موارد پ و ت و ح صحیح می باشند.

---

٦)چگونگی رهبری معنوی و ظاهری در عصر غیبت:

غیبت در مقابل ظهور است نه حضور پس: امام زمان چون خورشید عالم تاب، انوار هدایت و رهبری(چه معنوی وچه ظاهری) خود را بر مسلمانان می تاباند .این انسان ها هستند که امام را نمی بینند، نه این که ایشان در بین مردم حضور نداشته باشد. (امام علی: حجت خداوند در میان مردم حضور دارد، از معابر و خیابان ها عبور می کند... تا اینکه زمان ظهور و وعده الهی و ندای آسمانی فرا می رسد . آن روز، روز شادی فرزندان علی و پیروان اوست.)

الف)بخش رهبری معنوی: امام زمان: بهره بردن از من در عصر غیبتم، مانند بهره بردن از آفتاب است هنگامی که پشت ابرها باشد. این پنهان بودن در پشت ابر ناشی از عدم شایستگی انسان ها دربهره مندی از رهبری ظاهری ایشان است . دوره غیبت، به معنای عدم رهبری امام عصر نیست بلکه رهبری حقیقی مسلمانان هم اکنون نیز با ایشان است . امّا این رهبری را انسان های عادی حس نمی کنند؛ همان طور که برخی از انسان ها فواید خورشید پشت ابر را درنمی یابند .اگر شب عالم را فراگیرد و خورشید هیچ گاه طلوع نکند، آن زمان است که نعمت وجود خورشید پشت ابر نیز بر همگان روشن خواهد شد.

بخش اصلی رهبری امام مربوط به ولایت معنوی است . ایشان که به اذن خداوند از احوال انسان ها آگاه است، به صورت های مختلف، افراد مستعد و به ویژه شیعیان و محبان خویش را از کمک ها و امدادهای معنوی برای رشد و تعالی برخوردار می سازد. (پس دریافت امداد معنوی از امام زمان تنها به شیعیان اختصاص ندارد ولی شیعیان و محبان کمک بیشتری دریافت می کنند = سنت امداد) اگر کمک و دستگیری ایشان نباشد، مشکلات و توطئه های دشمنان، ریشه مسلمانان و شیعیان را قطع خواهد کرد .هم اکنون نیز امام عصر ۱سرپرست، ۲حافظ و ۳یاور مسلمانان است .

هدایت باطنی افراد، حل بعضی از مشکلات علمی علما، خبر دادن از پاره ای رویدادها، دستگیری از درماندگان، شفای بیماران و دعابرای مؤمنان، نمونه هایی از این دستگیری هاست . چه بسیارند افرادی که از یاری آن حضرت برخوردار می شوند؛ بدون آن که ایشان را بشناسند.

ب)بخش رهبری ظاهری: ایشان به عالمان دین واگذار کرده است.(و اما الحوادث الواقعه فارجعوا الی رواة حدیثنا)

۷)جمع بـندی دو نـامه معروف امام زمان:

نامه اول:

از : امام زمان به: آخرین نایب خاص

زمان: شش روز مانده به درگذشت آخرین نایب

محتوا: شروع مرحله دوم امامت در شکل غیبت کبری

نامه دوم:

از: امام زمان به: شیخ مفید از علمای بزرگ اسلام

زمان: در زمان غیبت کبری

محتوا: (ما از اخبار و احوال شما آگاهیم و هیچ چیز از اوضاع شما بر ما پوشیده و مخفی نمی ماند.) (ما در رسیدگی به شماو سرپرستی شما کوتاهی و سستی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نمی بریم که اگر جز این بود، دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان، شما را ریشه کن می کردند.)

نتیجه: ولایت معنوی امام زمان همیشگی است و لطف و محبت امام همیشه هست و اگر کمک و دستگیری ایشان نباشد مشکلات و توطئه های دشمنان ریشه مسلمانان و شیعیان را قطع می کند.

ترکیب:سخن امام زمان به اسحاق بن یعقوب بیانگر مرجعیت دینی و ولایت ظاهری فقیهان در عصر غیبت و نامه ایشان به شیخ مفید بیانگر ولایت معنوی ایشان در عصر غیبت.(تکنیک: ولایت معنوی مفیده!)

۸)جمع بـندی نایبان امام زمان:

دو دسته نایب برای امام زمان :

۱)نواب اربعه یا نواب خاص که توسط شخص امام زمان تعیین شده اند.

۲)نواب عام: که همان عالمان دین هستند که باید سه شرط ۱)عادل ۲)باتقوا ۳)زمان شناس را داشته باشند و برخلاف نایبان خاص افراد مشخص و تعیین شده ای نیستند و مردم باید در زمان غیبت کبری برای احکام دینی به اینان مراجعه کنند.

۹)زمان پایان دوران غیبت:

تعیین زمان ظهور در اختیار خداست و کسی جز او از آن آگاهی ندارد.

از این امور جز خداوند، کس دیگری آگاهی ندارد .بنابراین، کسانی که زمان ظهور را پیش گویی می کنند، دروغگویند.

امام باقر: کَذبَ الوَقّاتونَ : تعیین کنندگان وقت، دروغ گویند.

پیامبر اکرم: مَثَل ظهور حضرت مهدی ، مَثَل برپایی قیامت است.مهدی نمی آید مگر ناگهانی.

۱۰)لوازم پایان غیبت:

در ابتدای درس:

پایان یافتن غیبت حضرت مهدی معلول:

نه تنها مسلمانان، بلکه جامعه انسانی شایستگی ۱درک ظهور(نه حضور) و ۲بهره مندی کامل از وجود آخرین حجّت(ذخیره) الهی را پیدا کند .

در انتهای درس: (در تست ها اولیت اول با این موارد است و اگر در گزینه ها نبود مراجعه به موارد بالا(ابتدای درس)

احساس نیاز جهانی به کمک الهی(نه کمک امام زمان! تله تستی)

ناامیدی از همه مکتب های غیرالهی

آمادگی لازم پیروان و یاران امام برای همکاری با ایشان است.

۱۱)انواع امور:

۱)عقلانی و عادی:
مثال: پاکیزگی باعث عدم ابتلا به بیماری می شود.
} هم عقلانی و هم اتفاق افتادنش امری طبیعی

۲)عقلانی ولی غیر عادی:
مثال: می توان با تحقیقات پزشکی عمر انسان ها را تا هزاران سال افزایش داد!
مثال:عمر ۹۵۰ ساله حضرت نوح
مثال:عمر زیاد حضرت مهدی
مثال:رویاهای صادقه که بر پایه بعد روحانی انسان اند.
} عقلانی است ولی یا تاکنون اتفاق نیافتاده یا در زمان حال اتفاق نیافتاده(عمر حضرت نوح) یا به چشم بعد مادی انسان قابل دیدن نیست(مانند رویا های صادقه)

۳)غیرعقلانی یا محال:
مثال: یک عدد هم فرد باشد هم زوج!
مثال: متحرکی در یک زمان هم در مشهد و هم در اصفهان!
} غیر عقلانی است

(تحلیل آیه ۱۱ رعد کامل در اندیشه و تحقیق) (احتمالی ۹۹)

له معقبات من بین یدیه و من خلفه یحفظونه من امر الله:

فرشتگان مامور حفظ جان انسان او را در برابر خطراتی که اراده حتمی خداوند نیست به امر خدا محافظت می کنند.

ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم:

حفاظت خداوند تا زمانی است که انسان کفران نعمت نکند و گرنه از لطف الهی محروم می شود.

و اذا اراد الله بقوم سوء فلا مرد له:

اراده خداوند بالاتر از همه اراده هاست پس اگر خداوند برای کسی بدی اراده کند هیچ کس قدرت ایستادگی در برابر اراده خداوند و تغییر آن را ندارد که با عبارت: ان ارادنی الله بضر هل کن کاشفات ضره در درس ده دوم ارتباط دارد و چون (اراد) آمده اشاره به توحید ربوبیت و قضای الهی دارد.

و ما لهم من دونه من وال:

تنها سرپرست و والی(وال در آیه) برای مردم خداست که اشاره به توحید در ولایت دارد.

هرچند ما بر خلاف اکثر استادای محترم نکته ای رو کم نگفتیم!!! ولی اگه هست یادداشت کن:

مهدی غفوری اولین مدرس دین و زندگی به سبک زیست شناسی در ایران

صد ها نفر همگام با من دینی را صد می زنند پس به کمتر از ۱۰۰ راضی نشو!

کد اختصاصی خریدار: B16D78AF

به نام جهان آفرین قادر و توانا

مرجعیت و ولایت فقیه به سبک غفوری

جامع دینی

۹۹

گارانتی تضمینی
۱۰۰ درصد

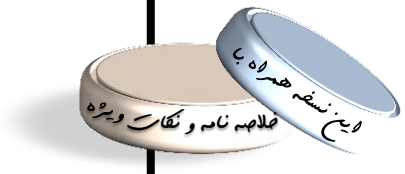

مهدی غفوری

دین و زندگی جـــامع کنکور

استاد مهدی غفوری

کنکور ۹۹

دین و زندگی سوم دبیرستان

درس ۱۱ (مرجعیت و ولایت فقیه)

۱) **مقدمه:** دو قلمرو ۱)مرجعیت دینی و ۲)ولایت ظاهری یا همان رهبری بر جامعه بر عهده امامان معصوم بود و آنان به عنوان حجّت های خدا در روی زمین، این مسئولیت ها را برعهده گرفتند و در همین چارچوب ، جهاد و مبارزه کردند.(آخرین ذخیره الهی=حضرت مهدی)

تست: با توجه به مسئولیت های حجت خداوند بر زمین کدام گزینه به اشتباه بیان نشده است؟(غفوری)

۱)حجت های خداوند که همان پیامبران و امامان معصوم بودند در چارچوب دریافت و ابلاغ وحی بر روی زمین جهاد و مبارزه نمودند.

۲)حجت های خداوند که پس از رحلت رسول خدا همان مراجع تقلید هستند که مرجعیت دینی و ولایت ظاهری را پس از ایشان برعهده می گیرند.

۳) حجت های خداوند که پس از رحلت رسول خدا همان امامان معصوم بودند، در چارچوب مرجعیت دینی و ولایت ظاهری جهاد و مبارزه کردند.

٤)حجت الهی همان مهدی موعود است که به عنوان آخرین ذخیره الهی به عقیده همه ی ادیان در پایان الهی جهان ظهور خواهد کرد و عدالت جهانی را با برقراری حکومت اسلامی برقرار می کند.

---

۲) پیامبر اسلام آخرین پیامبر الهی و قرآن، کتاب جاودانه اوست . پیروی از دین اسلام و دستورات الهی اختصاص به زمان پیامبر و امامان ندارد و هر انسانی وظیفه دارد مطابق با راهنمایی های خداوند زندگی کند تا به رستگاری برسد.

قرآن کتاب همیشگی هدایت هیچ گاه در قرآن باطل راه پیدا نخواهد کرد به همین جهت برای همیشه کتاب هدایت ما خواهد بود.

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

قرآن

معلول	لا یَأْتیهِ الْباطِلُ	باطل در این کتاب راه نیابد
	مِن بَیْنِ یَدَیْهِ	چه پیش از آن
	وَلا مِنْ خَلْفِهِ	و چه بعد از آن،
علت	تَنْزیلٌ مِنْ حَکیمٍ حَمیدٍ	که فرستاده‌ای است از سوی خدایی حکیم و

عدم تحریف قرآن در گذشته، حال و آینده = ارتباط با آیه لَنْ تَفْعَلُوا

فُصِّلَت، ۴۲ ستوده

قرآن یشتوانه محکمی برای مرجعیت دینی و ولایت ظاهری در عصر غیبت است.

اسلام دین ماندگار تاریخ خداوند ، مسیر هدایت و دین حق را با ارسال رسولان در اختیار ما قرار داده است.

اسلام

هُوَ الَّذی اَرْسَلَ رَسولَهُ	. . . . .
بِالْهُدیٰ وَ دینِ الْحَقِّ	. . . . .
لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ	غلبه اندیشه حق بر سایر اندیشه ها .
وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکونَ	. . . . .

توبه، ۳۳

اسلام در عصری پاسخگویی نیاز جامعه بشری در مرجعیت دینی و ولایت ظاهری است.

---

۳) **جواب این سوال که مرجعیت دینی و ولایت ظاهری چگونه ادامه می یابد؟** از سیره امامان بزرگوار بدست می آید.

سیره امامان چه بود؟ تربیت دانشمندان و فرستادن به دوردست ها برای آموزش چی؟ احکام اسلامی

این روش برگرفته از؟ قرآن کریم

دستور قرآن: گروهی از مردم وقت و همت را صرف شناخت دقیق دین (تفقه در دین) پس از کسب علم به شهر های خود رفته و آموزنده ی قوانین اسلامی به مردم باشند.

تفقه: تفکر عمیق & فقیه: افرادی که به معرفت عمیق در دین می رسند .

آیه سوم: **فقها چراغ هدایت راه از بیراهه**

فقها

وَ ما كانَ الْمُؤْمِنونَ لِيَنْفِروا كافَّةً
تخصص در دین بر همگان واجب است.
فَلَوْلا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ
تفقه در دین واجب و کفایی است.
مِنْهُمْ طائِفَةٌ

هدف از کوچ به ترتیب تخصص در دین و هشدار به مردم است

۱- لِيَتَفَقَّهوا فِي الدّينِ
۲- وَ لِيُنْذِروا قَوْمَهُمْ **هشدارنبایدها**
إِذا رَجَعوا إِلَيْهِمْ
لَعَلَّهُمْ يَحْذَرونَ ← ثمره هجرت برای تفقه

و نمی‌شود که مؤمنان همگی اعزام شوند
پس چرا اعزام نشوند از هر گروهی،
جمعی از آن‌ها
تا دانش دین بیاموزند،
و مردم خویش را هشدار دهند **کارفقیه‌انذارنبایست‌هاست**
آن‌گاه که به سوی آن‌ها باز گردند؛
تا مواظبت و توجه کنند.

پیام کلی: چون مسلمانان توان تخصص و تفقه در دین ندارند و چون همه مسلمانان دسترسی به پیامبر ندارند باید گروهی این تخصص را فرا می‌گرفتند.

---

٤) وظیفه مسلمان در زمان غیبت چیست؟ در زمان غیبت امام و عدم امکان دسترسی به ایشان به این فقیهان مراجعه کند.

چرا باید مراجعه کند؟ (دلیل مراجعت به فقیهان چیست؟)

پیامبر اکرم: حال کسی که از امام خود دور افتاده و به او دسترسی ندارد، سخت‌تر از حال یتیمی است که پدر را از دست داده است. زیرا چنین شخصی، در «مسائل زندگی» حکم و نظر امام را نمی‌داند. البته اگر یکی از پیروان ما که به علوم و دانش ما آشناست، وجود داشته باشد، باید دیگرانی را که به احکام ما آشنا نیستند، راهنمایی کند و دستورات دین را به آن‌ها آموزش دهد. در این صورت، او در بهشت با ما خواهد بود.[1]

متأهل در پاسخ بر نیازهای برتر

مرجعیت دینی

پاداش فقیه عصر غیبت چیست؟

بر اساس این روایت، با عمل به آیه ما كانَ المؤمنونَ لينفزوا كافة . . . ، یک فقیه در قیامت همنشین پیامبر خواهد بود .

۱ـ فقیه کسی است که با مطالعهٔ دقیق منابع اسلامی به مرحله‌ای از تخصص در دین رسیده که می‌تواند احکام اسلامی را به‌دست آورد و حلال و حرام دین را تشخیص دهد.

---

٥) شرایط ویژه فقیه چیست؟

امام صادق: فَأَمّا مَنْ كانَ مِنَ الفُقَهاءِ — هر کس از فقیهان که

صائِنًا لِنَفْسِهِ — نگهدارندهٔ نفس خود،
حافِظًا لِدينِهِ — نگهبان دین خود،
مُخالِفًا لِهَواهُ — مخالفت کننده با هوی و هوس خود
مُطيعًا لِأَمْرِ مَوْلاهُ — فرمان‌بردار فرمان خداوند خود باشد

فَلِلْعَوامِّ أَنْ يُقَلِّدوهُ ... — پس، بر مردم است که از او پیروی کنند

صحیح

۳ـ مردمی که می‌خواهند براساس قوانین اسلام زندگی کنند، اما به پیامبر و امام دسترسی ندارند، باید به فقیهی که دارای شرایط ویژه‌ای هستند، مراجعه نمایند.

٦) برای قضاوت به چه کسی مراجعه؟

امام صادق: از میان کسانی که در احکام دین تخصص دارند، یکی را برگزینید؛ که من چنین شخصی را ۱)قاضی و ۲)حاکم قرار داده ام.

۱ـ فقیه کسی است که با مطالعهٔ دقیق منابع اسلامی به مرحله‌ای از تخصص در دین رسیده که می‌تواند احکام اسلامی را به‌دست آورد و حلال و حرام دین را تشخیص دهد.

---

۷)به چه کسانی نباید برای قضاوت مراجعه کرد؟

امام صادق: دربارهٔ کسانی که برای قضاوت به سلاطین یا قاضی آنان مراجعه می کنند، فرمود :
هر کس به حق یا ناحق به چنین کسانی مراجعه کند، به طاغوت مراجعه کرده و این مخالف کلام خداست که می‌فرماید «می‌خواهند برای داوری نزد طاغوت روند، درحالی که باید به طاغوت کافر باشند.»[۱]
پرسیدند : پس چنین افرادی چه کنند؟ **مدعیان ایمان** ← يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ
فرمود : اینان باید به یکی از شما که سخنان ما را روایت می کند و در احکام دین تفکر می کند و آن‌ها را می‌داند، مراجعه کنند و به حکم او عمل نمایند. من چنین کسی را حاکم و داور میان شما قرار داده‌ام.»[۲]

۴ـ مردم نباید برای مجموعهٔ احکام فردی و اجتماعی خود به حاکمان طاغوت مراجعه کنند. اینان اگر از فقیه دارای شرایط پیروی نکنند، عملاً حکومت طاغوت را پذیرفته‌اند و مخالف فرمان قرآن کریم رفتار کرده‌اند.

---

۸)آقا شماره ٦ آخرش با شماره ۷ یکیه؟

خیر کاملاً یکسان نیست! فقط در کلمه (حاکم) وجه تشابه دارند دقت کنید در تست ها طراح کلمه قاضی رو بده شما نباید بگید وجوب عدم مراجعه به طاغوت یا مثلاً کلمه (داور) رو بده شما نباید گزینه ای که مربوط به تخصص هست رو انتخاب کنید.

انتهای سکشن ۷ : قاضی و حاکم (تخصص و قضاوت به اهل تخصص)

انتهای سکشن ۸ : داور و حاکم (وجوب عدم مراجعه به سلاطین و طاغوت برای قضاوت)

---

۹)لزوم زمان شناس بودن فقیه:

ولی عصر: پاسخ یکی از یاران خود به نام اسحاق‌بن یعقوب که دربارهٔ «رویدادهای جدید» عصر غیبت سؤال کرد و راه چاره را جست‌وجو نمود، فرمود :

وَ اَمَّا الْحَوادِثُ الْواقِعَةُ	و در مورد رویدادهای زمان
فَارْجِعوا فيها اِلىٰ رُواةِ حَديثِنا	به راویان حدیث ما رجوع کنید.
فَاِنَّهُمْ حُجَّتي عَلَيْكُمْ	که آنان حجّت من بر شمایند
وَ اَنَا حُجَّةُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ	و من حجّت خدا بر آن‌ها می‌باشم

فقها حجت امام اند
امام حجت خداست

۲ـ فقیه باید بتواند احکام مسائل و رویدادهای جدید را نیز که در زمان پیامبر اکرم و امامان اتفاق نیفتاده به‌دست آورد.

۱۰)تست جمع بندی متن پس از پیام حدیث (بسیار مهم)

تست: کدام گزینه به درستی بیان شده است؟(غفوری)

۱)بنا به فرمان امام زمان و به نیابت از ایشان فقیه دو مسئولیت مرجعیت دینی و رهبری و ولایت را بر عهده دارد و در حد توان جامعه اسلامی را در مسیر اهداف الهی هدایت و رهبری می کند. غ فقیه واجد شرایط

۲)تنها ابزار استنباط دقیق احکام توسط فقها کمک گرفتن از موازین دقیق نیست و آنها علاوه بر این از اختصاص تفکر در آیات نیز بهره می برند. غ اختصاص تفکر در آیه خیر! بلکه تفکر در آیات و روایات!

۳)تقلید در واقع مراجعه همه مردم که در احکام دین متخصص نیستند به کارشناسان دین یا همان فقها است که عمل مطابق با راهنمایی ایشان را بدنبال خواهد داشت. غ عموم مردم در احکام متخصص نیستند(گروهی مهاجرت کرده احکام را می آموزند.)

٤) از میان فقیهان دارای شرایط، آن کس که توانایی لازم برای برپایی و اداره حکومت را دارد، رهبری جامعه اسلامی را به دست می گیرد که از این طریق فرصت برای اجرای تمام احکام دین فراهم می شود.ص (ترکیبی با درس چهارم سال سوم)

---

۱۱) شرایط مرجع تقلید و ولی فقیه:

شرایط

الف) مرجع تقلید:

- **تخصص در فقه،**
- **۱ باتقوا باشد.**
- **۲ عادل باشد.**
- **۳ زمان شناس : بتواند احکام دینی را متناسب با نیازهای روز.**

ب)ولی فقیه: (مشروعیت)

- **تخصص در فقه،**
- **۱ باتقوا باشد.**
- **۲ عادل باشد.**
- **۳ زمان شناس : بتواند احکام دینی را متناسب با نیازهای روز.**
- **٤ با تدبیر و با کفایت:**

کلید واژه: پیچیده جهانی/خنثی سازی دشمن/درایت و کفایت و بینش

- **٥ شجاعت و قدرت روحی:**

کلید واژه: مبارزه با دشمن/اجرای احکام بدون ترس/پایداری

(شجاع باشه تهدید بشه نترسه)

در غیر این صورت پیروی از دستورات وی حرام است

یک مجتهد، علاوه بر تخصص در فقه باید دارای چه شرایطی باشد تا از نظر دین مشروعیت رهبری داشته باشد و در غیر این‌صورت پیروی از دستوراتش چه حکمی دارد؟

۱) با تقوا، عادل، زمان‌شناس، با تدبیر باشد و شجاعت و قدرت روحی داشته باشد – لازم نیست.

۲) با تقوا، عادل، زمان شناس، با تدبیر بوده و شجاعت و قدرت روحی داشته باشد – حرام است.

۳) نگهدارنده‌ی نفس خود، نگهبان دین خود و مخالفت‌کننده‌ی با هوی و هوس خود باشد – حرام است.

۴) نگهدارنده‌ی نفس خود، نگهبان دین خود و مخالفت‌کننده‌ی با هوی و هوس خود باشد – لازم نیست.

---

۱۲)ولایت فقیه زمینه ساز حکومت جهانی:

فرصت فراهم سازی آنچه برای ظهور حضرت مهدی لازم است در اختیار ۱)مومنان ۲)منتظران حضرت مهدی

۱) مرجعیت و ولایت فقیه = چراغ هدایتی که در پرتو نور آن ۱)راه از بی راهه شناسایی ۲)برگزیدن راه درست در میان هزاران راه بن بست.

۲) حکومت اسلامی قلعه و حصار محکم که منتظران در آن: آماده سازی و تشکل خود

دو مورد بالا علت است برای: تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت

تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت ارائه یک الگو از حاکمیت دین داران است که با الهام از تعالیم انبیا برای خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت انسان ها تلاش می کنند.

۱۳)ویژگی های حکومت اسلامی:

۱. زمینه عبودیت، معنویت خواهی، برابری و عدالت، به همراه توسعه و سازندگی کشور و رفاه و آسایش عمومی به طور نسبی فراهم می آید.

۲. دینداران و حق طلبان جهان امیدوار به تجدید حیات فضائل اخلاقی و کرامت های انسانی می شوند.

۳. جهانیان آماده ظهور موعود جهانی خواهند شد.

٤. وجود حکومت اسلامی می تواند امکان مقابله با توطئه ها و تهاجم ها را فراهم آورد.

٥. برنامه های وسیعی را برای پایداری و استقامت مسلمانان در مقابل مستکبرین تدارک ببیند.

٦. گرچه حمایت از محرومان و مستضعفان جهان، دشمنی ستمکاران را به دنبال دارد، امّا سبب تقویت جبهه حق در دنیا می شود و ما را به حکومت عدل جهانی نزدیک تر می سازد.(حمایت از محرومان می دهد دشمنی ستمکاران می دهد تقویت جبهه حق جهانی و حکومت عدل جهانی)

---

۱٤)راه های شناخت مراجع تقلید: (باید تحقیق کنیم)

۱ خود ما به اندازه ای از علم فقه اطلاع داشته باشیم که بتوانیم فقیه واجد شرایط را بشناسیم و تشخیص دهیم.

۲ از دو نفر عادل و مورد اعتماد که بتوانند فقیه واجد شرایط را تشخیص دهند، بپرسیم.(شرط پرسش: ۱)عادل ۲)مطمئن و مورد اعتماد ۳)تشخیص)

۳ یکی از فقیهان، در میان اهل علم آن چنان مشهور باشد که انسان مطمئن شود و بداند که این فقیه، واجد شرایط است.(شهرت فقیه)

---

۱۵)انتخاب ولی فقیه: (به صورت دسته جمعی)

نمی شود که هر کس به طور جداگانه برای خود ولی فقیه انتخاب کند. زیرا اداره جامعه تنها با یک مجموعه قوانین و یک رهبری امکان پذیر است در غیر این صورت هرج ومرج و تفرقه و پراکندگی پیش می آید

فقیهی می تواند رهبری جامعه اسلامی را بر عهده بگیرد و کشور را اداره کند و به پیش ببرد که هم شرایط تعیین شده در دین را دارا باشد (مشروعیت تشخیص برعهده مجلس خبرگان) و هم مورد پذیرش مردم باشد(مقبولیت)

شیوه انتخاب ولی فقیه در جمهوری اسلامی ایران:

❖ مستقیم: حضور مردم در اجتماعات و راه پیمایی ها در زمان انقلاب اسلامی و پذیرش ولایت امام خمینی

❖ غیرمستقیم(دو مرحله ای) : بنا بر قانون اساسی مردم ابتدا نمایندگان خبره خود را انتخاب می کنند و ایشان از میان فقها کسی را که برای رهبری شایسته تر است تشخیص داده و به جامعه اعلام می کنند.

یادداشت ها و نکات من...

۱۶)جمع بندی سریع کل درس:

شرایط

الف) مرجع تقلید:
- تخصص در فقه،
۱ باتقوا باشد.
۲ عادل باشد.
۳ زمان شناس : بتواند احکام دینی را متناسب با نیازهای روز.

ب)ولی فقیه: (مشروعیت)
- تخصص در فقه،
۱ باتقوا باشد.
۲ عادل باشد.
۳ زمان شناس : بتواند احکام دینی را متناسب با نیازهای روز.
۴ با تدبیر و با کفایت:
کلید واژه: پیچیده جهانی/خنثی سازی دشمن/درایت و کفایت و بینش
۵ شجاعت و قدرت روحی:
کلید واژه: مبارزه با دشمن/اجرای احکام بدون ترس/پایداری
(شجاع باشه تهدید بشه نترسه)

در غیر این صورت پیوری از دستورات وی حرام است

راه های شناخت مراجع تقلید: (باید تحقیق کنیم)
۱ خود ما به اندازه ای از علم فقه اطلاع داشته باشیم که بتوانیم فقیه واجد شرایط را بشناسیم و تشخیص دهیم.
۲ از دو نفر عادل و مورد اعتماد که بتوانند فقیه واجد شرایط را تشخیص دهند بپرسیم.(شرط پرسش: ۱)عادل ۲)مطمئن و مورد اعتماد ۳)تشخیص)
۳ یکی از فقیهان، در میان اهل علم آن چنان مشهور باشد که انسان مطمئن شود و بداند که این فقیه واجد شرایط است.(شهرت فقیه)

انتخاب ولی فقیه: (به صورت دسته جمعی)
نمی شود که هر کس به طور جداگانه برای خود ولی فقیه انتخاب کند. زیرا اداره جامعه تنها با یک مجموعه قوانین و یک رهبری امکان پذیر است در غیر این صورت هرج ومرج و تفرقه و پراکندگی پیش می آید
فقیهی می تواند رهبری جامعه اسلامی را بر عهده بگیرد و کشور را اداره کند و به پیش ببرد که هم شرایط تعیین شده در دین را دارا باشد (مشروعیت تشخیص برعهده مجلس خبرگان) و هم مورد پذیرش مردم باشد(مقبولیت)
شیوه انتخاب ولی فقیه در جمهوری اسلامی ایران:
- مستقیم: حضور مردم در اجتماعات و راه پیمایی ها در زمان انقلاب اسلامی و پذیرش ولایت امام خمینی
- غیرمستقیم(دو مرحله ای) : بنا بر قانون اساسی مردم ابتدا نمایندگان خبره خود را انتخاب می کنند و ایشان از میان فقها کسی را که برای رهبری شایسته تر است تشخیص داده و به جامعه اعلام می کنند.

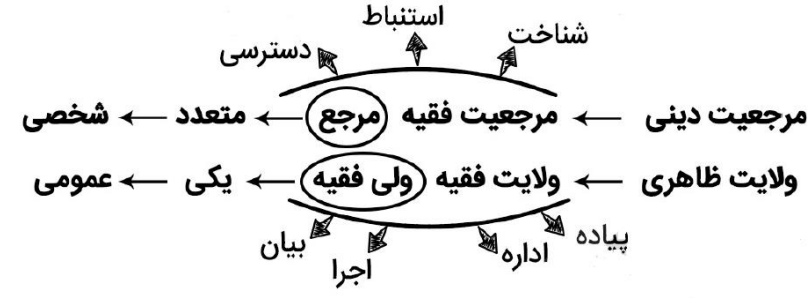

۱- با تقوا ⟸ (صحم)
۲- عادل
۳- زمان‌شناس (نیازروز)
+
۴- کفایت و تدبیر نقشه‌دشمنان
۵- شجاعت مبارزه‌وتهدیددشمنان

مهدی غفوری اولین مدرس دین و زندگی به سبک زیست شناسی در ایران
صد ها نفر همگام با من دینی را صد می زنند پس به کمتر از ۱۰۰ راضی نشو!

کد اختصاصی خریدار: B16D78AF

به نام جهان آفرین قادر و توانا

ویژگی های حکومت اسلامی به سبک غفوری

جامع دینی

۹۹

گارانتی تضمینی
۱۰۰ درصد

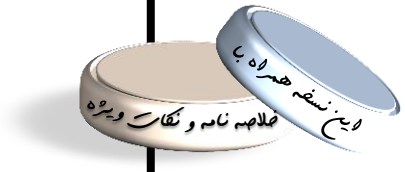

دین و زندگی جـــامع کنکور

استاد مهدی غفوری

کنکور ۹۹

دین و زندگی سوم دبیرستان

درس ۱۲ (ویژگی های حکومت اسلامی)

۱)مقدمه:

ولایت و رهبری جامعه در عصر غیبت، به نیابت از امام عصر برعهدهٔ فقیه واجد شرایط است یعنی فقیهی که شرایط پنج گانه ی مشروعیت(با تقوا+عادل+زمان شناس+با تدبیر+شجاعت) را دارد.(نیابت=جانشینی)

---

۲)سه کادری مهم ابتدای درس: (در سه کادری ها همیشه اولین و سومین کادر علت و معلول و کادر وسط هم علت هم معلول)

۱ ولایت و رهبری در جامعه اسلامی، به جانشینی و نیابت از رسول خدا و امامان انجام می شود و رهبر با پیروی از آن بزرگواران، قوانین اسلامی را در جامعه به اجرا درمی آورد و پیاده می کند. — علت

↓

۲ از این رو، ولی فقیه به عنوان رهبر جامعه اسلامی، از راهنمایی قرآن کریم بهره می برد و رسول خدا و اهل بیت ایشان را اسوه و سرمشق قرار می دهد و می کوشد که به شیوه آنان عمل نماید. — معلول / علت

↓

۳ لازم است برای شناخت رفتار و رابطه رهبر با مردم ابتدا به سراغ قرآن کریم برویم. — معلول

چرا فقیه به عنوان رهبر جامعه اسلامی از راهنمایی قرآن کریم بهره می برد؟ چرا فقیه به عنوان رهبر جامعه اسلامی رسول خدا و اهل بیت ایشان را اسوه و سرمشق قرار می دهد و می کوشد به شیوه آن ها عمل کند؟ جواب کادر یکم

چرا لازم است برای شناخت رفتار و رابطه رهبر با مردم ابتدا به سراغ آیات قرآن کریم برویم؟ جواب کادر یکم و دوم

(اولویت در گزینه های تست با کادر دوم است)

---

۳)وظیفه ی رهبر نسبت به مردم:

الف) طبق آیات قرآن:

۱) دلسوز و مهربان (لنت لهم) + از کوتاهی مردم بگذرد (فاعف عنهم) + طلب آمرزش برای مردم (واستغفر لهم)

۲) مشورت و تصمیم پس از مشورت (شاورهم فی الامر)

نکته: با توجه به توسعه جوامع(علت) ، لازمه مشورت، وجود گروه ها و نهادهای مشورتی(معلول) است که امروزه در جمهوری اسلامی ایران به شکل های گوناگونی مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام وجود دارد.

۳) در تصمیم گیری قاطع و استوار (فاستقم کما امرت) + با توکل برنامه ها را پیش برده (فاذا عزمت فتوکل علی الله)+ مانع خلل و سستی در نظام

٤) روشنگری مردم و افزایش بصیرت مردم با روش درست و منطقی (بالحکمه و الموعظه الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن) هدف؟ مردم ۱)راه حق را از باطل تشخیص ۲)در دام دشمنان نیفتند.

رمز مهم: دل کوتاه طلب / مشورت کن توکل کن استوار باش / تا روشن شوی

ب)طبق سیره پیامبر گرامی اسلام و امامان بزرگوار:

۱) قاطعیت و استواری نسبت به سرنوشت جامعه و اصول اسلامی + عدم اجازه به بی توجهی به قوانین اسلامی

۲) نگاه برابر و مطابق قانون به آحاد جامعه

۳) تربیت و هدایت مردم (مهم ترین حق مردم = تربیت و هدایت به دین و سعادت حقیقی)

٤) تواضع و فروتنی در برابر مردم + عزت و اقتدار و نفوذناپذیری در برابر ستمکاران و مستکبران

نکته:

دسته الف : در تصمیم گیری قاطع و استوار (فاستقم کما امرت) ... وظیفه رهبر طبق آیات قرآن

دسته ب: نسبت به سرنوشت جامعه و اصول اسلامی ؛ قاطعیت و استواری ... وظیفه رهبر طبق سیره

مثال:

تست) همه گزینه ها بیانگر وظیفه رهبری جامعه اسلامی استخراج شده از منبع اول بررسی وظایف رهبر است به جز....

۱) رهبر نسبت به مردم جامعه خود دلسوز و مهربان است.از کوتاهی های مردم می گذرد و برای آنان از خداوند آمرزش می خواهد.

۲) با مردم جامعه خود مشورت می کند و تصمیم گیری های خود را پس از مشورت انجام می دهد.

۳) رهبر با قاطعیت و استواری نسبت به سرنوشت جامعه اسلامی اجازه ی بی توجهی به قوانین اسلامی را نمی دهد.

٤) رهبر با قاطعیت و استواری نسبت به جامعه اسلامی تصمیم می گیرد و مانع هر گونه خلل و سستی در جامعه اسلامی می شود.

(ترجمه صورت تست: منبع اول بررسی وظایف رهبری طبق متن کتاب درسی= قرآن پس باید دنبال گزینه ای باشیم که رهبری جامعه را طبق آیات قرآن بیان نکرده باشد یعنی طبق سیره باشد)

---

٤)عهدنامه مالک اشتربه سبک غفوری: (از سال ۹۱ تا ۹۸ تقریباً هیچ سالی نبوده که یک تست از این جدول طرح نشده باشد!)

فرمان(معلول)	علت فرمان(علت)
مهربانی +برابری همه در دوستی	مردم یا برادر دینی یا آفرینش یکسان
If تکبّر← حکومت خدا	↓سرکشی ↓تندروی ↑عقل
میانه حق / شامل عدل/خشنودی	(خشم/خشنودی) عمومی←نابودی (خشنودی/خشم) خواص
دوری عیب جو	Max تلاش رهبر←پوشاندن عیب مردم
عدم شتاب تصدیق سخن چین	سخن چین☺ ظاهر=لباس نصیحت ☹باطن=خیانتکار(خ =رمز ما)
عدم مشورت ترسو	سستی روحیه (و=رمز ما)
عدم تساوی نیکوکار با بدکار	↓رغبت نیکو کار ↑شوق بدکار
پاسدار حق طبقات محروم دل مشغولی حکومتی باعث عدم رسیدگی محرومان نشود.	هرگز کار فراوان و مهم عذر نیست برای←ترک مسئولیت
عده ای اخمو برای تحقیق محرومان + رفع مشکلات	Max نیاز طبقه محروم به←عدالت

مورد اطمینان + خدا ترس + متواضع = اخم

٥)وظیفه مردم نسبت به رهبر:

الف)طبق آیات قرآن:

۱. تبعیت از رهبر + پایبندی قوانین و مقررات(فاتبعونی و اطیعوا امری)

۲. استقامت و پایداری برای APN = A اجرای قوانین اسلام + P پیشرفت جامعه + N ناکامی دشمن

۳. حفظ وحدت+همبستگی بر محور رهبری(باعث عدم نفوذ دشمن در نتیجه عزت+استقلال)

٤. آمادگی نبرد با ظالم و مستکبر

ب)طبق سخنان پیشوایان:

۱. آگاهی سیاسی اجتماعی

۲. خیرخواه نصیحت گر یاری دهنده رهبر

۳. امر به معروف و نهی از منکر با روش درست و تاثیرگذار (ترکیب با ١٤ دینی ۲)

روش ها (مفاهیم اخلاقی اند)

کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، موظف است :

۱ــ در انجام آن، مرتکب گناهی ــ مانند دروغ، توهین و تحقیر ــ نشود.

۲ــ مانند طبیبی مهربان رفتار کند.

۳ــ مصلحت مخاطب را رعایت کند.

۴ــ از خودخواهی و خودستایی بپرهیزد.

۵ ــ قصدش تنها رضای خدا باشد. ← اخلاص

۶ــ خود را منزّه ازگناه و برتر از گناهکار نبیند.

۷ــ اگر بداند و یا احتمال دهد که امر به معروف و نهی از منکر با تکرار، مؤثر واقع می‌شود، باید آن را تکرار کند[1].

٤. کوشش آبادانی

٥. حفظ اموال عمومی

٦. ترجیح منافع کل جامعه بر منافع شخصی

---

٦)اهمیت مسئولیت رهبر نسبت به جامعه و جامعه نسبت به رهبر (متقابل)

الف)حدیث امام علی: (سه بار تست کنکور)

بزرگترین حقی که خدا واجب کرده چیه؟ حق رهبر بر مردم و مردم بر رهبر

چرا این حق اینقدر مهمه؟ ۱)حاکم باید اصلاح بشه تا مردم اصلاح بشن ۲)مردم باید پایداری کنن تا حاکمان نیکو بشن

این حق سبب چی شده؟ ۱)دوستی و الفت ۲)ارجمندی دینشان

حالا چه زمانی حق در میان جامعه ارزشمند میشه؟ زمانی که مردم وظیفه شان نسبت به حاکم را انجام و حاکم حقشونو ادا کنه.

ب) آیه:

حق رهبر بر مردم

فَاسْتَقِمْ كَما أُمِرْتَ	پایداری	پایداری کن، همان‌طور که فرمان یافته‌ای
وَ مَنْ تابَ مَعَكَ		هم‌چنین آنان که با تو به خدا روی آورده‌اند
وَلا تَطْغَوْا		و سرکشی و طغیان نکنید
إِنَّهُ بِما تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ		که او بدانچه می‌کنید، بیناست

پیام کلی: مردم برای اجرای قوانین اسلام و ناکامی دشمنان از خود پایداری و استقامت نشان دهند.

۷)نظام اسلامی و مردم سالاری:

جمهوری اسلامی ایران

حکومتی است که براساس نظر و رأی اکثریت مردم پدید آمده است .یعنی اکثریت مردم، نوع حکومت خود را تعیین کرده اند، نه فرد یا گروهی خاص.

مردم همواره در تعیین سرنوشت خود دخالت دارند و از راه های تعیین شده در قانون آن را دنبال می کنند.

قانون اساسی شکل حکومت و خطوط کلّی آن را تعیین می کند.

مردم با شرکت دائم در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری و شوراهای شهر و روستا، هم در امور کشور دخالت می کنند و هم پایبندی خود را به اصل نظام اسلامی و قانون اساسی نشان می دهند.

حکومت اسلامی بر مبنای قوانین اسلامی تشکیل می شود و قانون گذاران نمی توانند برخلاف دستورات الهی قانون تنظیم کنند.(مردم سالاری دینی)

دمکراسی رایج در جهان، هدف خود را صرفاً تأمین خواسته های دنیوی مردم قرار داده است نسبت به ارزش های الهی بی اعتناست.

امّا هدف اصلی از نظام اسلامی سعادت اخروی و برقراری عدالت اجتماعی است و آسایش و رفاه مردم را در این چهارچوب برقرار می کند.

اگه هست یادداشت کن...

کد اختصاصی خریدار: B16D78AF

به نام جهان آفرین قادر و توانا

عزت نفس به سبک غفوری

جامع دینی

۹۹

گارانتی تضمینی
۱۰۰ درصد

مهدی غفوری

دین و زندگی جـــامع کنکور

استاد مهدی غفوری

کنکور ۹۹

دین و زندگی سوم دبیرستان

درس ۱۳ (عزت نفس)

۱)پیش مقدمه شماره صفر:

۱.عزم: بناگذاری و تصمم بر انجام یک برنامه و قبول یک تعهد و پیمان.	۲.پیمان با خدا : انسان با خدا عهد می کند که برای انجام دادن آن چه خداوند از وی خواسته است بکوشد و برای موفقیت در این پیمان ، برنامه ریزی کند.	۳.برنامه ریزی در زندگی	٤.هدف زندگی

محتوای این پیمان ، واجبات ، محرمات ، مستحبات و مکروهاتی است که خداوند معین کرده و سعادت ما را در گرو رعایت آن قرار داده است.

۲)پیش مقدمه یک:

راه های تقویت عزت نفس در کل دین و زندگی تا قبل از درس ۱۳ دینی سوم:

- راه‌های تقویت عزم و تصمیم
  - در سال اول
    - ۱ــ تسریع در تحقق بخشیدن به تصمیم
    - ۲ــ احساس حضور در پیشگاه خداوند و فرشتگان
    - ۳ــ عملی دانستن تصمیم جدید
    - ۴ــ رعایت اصل اعتدال
    - ۵ــ رعایت اصل تدریج و تداوم
  - در سال دوم
    - ۶ــ توکّل بر خدا

تصمیم‌گرفتن برای وفای به عهد ← عهد کلی با خدا، تکمیل عهد، تجدید عهد

در سال اوّل، در مرحلهٔ عزم، دانستیم که محتوای هر عزمی عهد و پیمان با خداست و سه مرحله دارد: ۱ــ عهدی برای قدم در راه زندگی (عهد کلی با خداوند) ۲ــ تجدید آن عهد ۳ــ تکمیل عهد

کسی که خداوند را به عنوان محبوب زندگی برمی‌گزیند، عهد می‌کند در مسیری قدم بردارد که به محبوب و معشوق خود نزدیک شود و این همان عهد کلی است. چنین انسانی براساس این عهد تصمیم می‌گیرد و برنامه‌های خود را عملی می‌کند.

در این سال، همچنین آشنا شدیم که چگونه تصمیم خود را تقویت کنیم تا در آن، پایدار و ثابت‌قدم بمانیم.

در سال دوم، پس از یادآوری معاد و آیندهٔ خطیر انسان در سرای دیگر، آن عهد کلی را تجدید کردیم و بر تصمیم خود پایداری ورزیدیم. همچنین با توکل بر خدا به عنوان عاملی برای پایداری بر عزم آشنا شدیم.

۳)مقدمه درس: رمز: ٤ علت می دهد ٤ معلول

اکنون که خداوند با فرستادن پیامبران(علت۱) و راهنمایی پیشوایان(علت۲)، ما را به پیروی از دین خود دعوت کرده(علت۳) و رسیدن به سعادت را در گرو پیمودن این راه قرار داده است(علت٤) ، بار دیگر عهد و پیمان خود با خدا را به خاطر می آوریم(معلول۱) و با اعلام سپاس به پیشگاه او(معلول۲)، پیمان گذشته را تجدید می کنیم(معلول۳) و با تصمیمی محکم تر به راه ادامه می دهیم(معلول٤).

تفاوت بین قرب الهی و قرب وجودی ؟
قرب الهی یعنی ما بریم سمت خدا
قرب وجودی یعنی خدا میاد سمت ما

٤) مفهوم عزّت نفس: (توجه: زیرنویس های این درس از خود متن درس مهم تر اند که به رنگ خاکستری نمایان است)

عزّت به معنی شکست ناپذیری است . انسان عزیز کسی است که در مقابل دیگران تسلیم نمی شود و شکست نمی خورد . بنابراین، وقتی می گوییم فلان شخص دارای عزّت نفس است، منظورمان این است که او نفسی شکست ناپذیر دارد و تسلیم نمی شود.

در مقابل عزّت ؛ ذلّت قراوارد که به معنی شکست پذیری و تسلیم شدن است . شخص ذلیل، کسی است که خود را تسلیم دیگری می کند.

خداوند به انسان کرامت و بزرگی بخشیده و بر بسیاری از مخلوقات برتری داده و خطاب به وی فرموده: ای فرزند آدم، این موجودات و مخلوقات را برای تو آفریدم و تو را برای خودم. یابْنَ آدَمَ خَلَقْتُ الْاَشْیاءَ لاَجْلِکَ وَ خَلَقْتُکَ لاَجْلی(زیرنویس مهم)

یعنی خداوند مخلوقات دیگر را آفرید تا بشر از آن ها بهره بگیرد و انسان را آفرید تا به جایگاه قرب الهی نایل شود (فی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلیکٍ مُقْتَدِرٍ) و به دیدار او برسد و در بهشتی که خدا برایش آماده کرده، میهمان ابدی او گردد (یا ایتها النفس المطمئنة... (قمر۵۵)) و آنچه از زیبایی و خوبی و لذّت که می شناسد و تمنّا می کند یا نمی شناسد و خدا می داند، از دست با کرامت الهی بگیرد.(یطاف علیهم بصحاف من ذهب و اکواب و...

ترجمه: گردانیده می شود بر ایشان کاسه های پهنی که از طلاست و کوزه های بی دستگیره و در آن است آنچه خواهش دارد آنرا نفس ها و لذت می برد چشم ها و شمایید در آن جاودان(زخرف۷۱))

إنّ الْمُتّقینَ فی جَنّاتٍ وَنَهَرٍ فی مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلیکٍ مُقْتَدِرٍ

جایگاه مادی بهشتیان — قرب الهی — بالاترین ثمره اخلاص

عزت، کسب کردنی است . انسان باید تلاش کند تا به انسان عزیز و شکست ناپذیر تبدیل شود. صفاتی مانند عزیز، عالم، شجاع و سخی به صورت بالقوه در انسان ها هستند و انسان به آن ها گرایش دارد. برای اینکه این صفاتِ بالقوه شکوفا شوند انسان باید کار و تلاش کند و با برنامه ریزی صحیح، این صفات را در خود متجلی سازد.

مصادیق کرامت: رزقناهم و حملناهم

آیه اول:

کرامت خدادادی (خداوند به انسان کرامت ذاتی بخشیده و او را بر بیشتر موجودات برتری داده است)

آیات زیر را به دقت و زیبا قرائت کنید.

توحید ربوبیت

یکسانی منزلت زن و مرد

وَ لَقَدْ كَرَّمْنا بَنی ءادَمَ ← ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم ← مفهوم کرامت

وَ حَمَلْناهُم فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ ← و آنان را در خشکی و دریا برنشاندیم ← مصداق کرامت = سخرلکم البحر

وَ رَزَقْناهُم مِنَ الطَّیِّباتِ ← و از چیزهای پاکیزه روزیشان دادیم ← رزق پاک مقدمه ی توجه

وَ فَضَّلْناهُمْ ← و برتری کاملشان بخشیدیم ← به ارزش وجودی خویش است

عَلیٰ کَثیرٍ مِمَّنْ خَلَقْنا تَفْضیلًا ← بر بسیاری از آفریدگان خویش ← حفظ کرامت اختیاری است

اسراء، ۷۰

پیام کلی: ارزش هرکس به درک و فهم حقیقت هستی و جایگاه خود در نظام آفرینش بستگی دارد- بهای انسان خداست.

بنی آدم را خود اندر زمین	بسر منزلت داد جان آفرین
به مرکب بگشتند ایشان سوار	به خشکی و دریا شده رهسپار
به آنها بدادیم روزی پاک	از آنچه بروییم از بطن خاک
که نسبت به مخلوقها برتری	فضیلت بدادیم ما بر بشر

برتری انسان بر سایر مخلوقات یکی از سرمایه های وجودی انسان است.

(سال دوم درس سوم)

ارتباط : روز ها فکر من این است و همه شب سخنم .....

ارتباط: خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا امده .....

ارزش هر کس به درک و فهم وی از حقیقت هستی و جایگاه خود در نظام آفرینش بستگی دارد

یکسانی منزلت زن و مرد (نه حقوق)

جمع بندی کامل عوامل و موانع رشد انسان:

(درس سه دینی دوم)

موانع: عامل بیرونی : شیطان (دشمن اشکار : عدو مبین) عامل درونی : نفس اماره (دشمن ترین دشمن) توسوس — یوسوس

۱:کرامت و منزلت انسان : (مصادیق کرامت : رزقناهم و حملناهم)

خدا به ما کرامت بخشیده و بر بسیاری از مخلوقات برتری داده و آنچه که در آسمان و زمین است برای ما افریده و توانایی بهره مندی از آنها را در وجود ما قرار داده است .

ولقدْ کرّمْنا بَنی آدم وحملْناهُمْ في الْبرّ والْبَحْر ورزقْناهُمْ من الطّیّبات وفضّلْناهُمْ علیٰ کثیر ممّنْ خلقْنا تفْضیلا

علت — معلول

۲:فطرت و سرشت خدا آشنا:(فطرت – قرب – نگاه به پدیده ها – مشهود بودن خدا)

خدا سرشت ما را با خود آشنا کرد و گرایش خود را در ما قرار داد .هر کس در خود می نگرد یا به تماشای جهان می نشیند خدا را می یابد و محبتش را در دل حس می کند .

سخن امام علی : در هیچ چیز ننگریستم مگر اینکه خدا را قبل از آن ، بعد از آن و با آن دیدم

ارتباط با بیت: دوست نزدیک تر از من به من است وین عجب تر که من از وی دورم

چه کنم با که توان گفت که او در کنار من و من مهجورم

فأقِمْ وجْهكَ للدّین حنیفا ۚ فطْرت اللّه الّتي فطر النّاس علیْها

- چون همه مردم به سرشت الهی خلق شده اند باید به زندگی رویکرد دینی داد
- خود شناسی مقدم بر خداشناسی است
- ارتباط با : (نحن اقرب الیه من حبل الورید ...)
- این آیه مارا از سرگردانی در اینکه (از کجا آمده ام ...) نجات می بخشد (۹۷ ز)

۳:گرایش انسان به خیر و نیکی (نتیجه فطرت) :

خدا شناخت خیر و نیکی و گرایش به آن و شناخت بدی و زشتی و بیزاری از آن را در ما قرار داد، تا به خیر و نیکی رو آوریم و از گناه و زشتی بپرهیزیم .از این روست که همه ی ما فضائلی چون صداقت، کرامت، عزت نفس و عدالت دوست داریم و از دو رویی، حقارت نفس، ریا و ظلم بیزاریم و اگر به یکی از گناهان آلوده شدیم، خود را سرزنش و ملامت می کنیم و در اندیشه ی جبران بر می آییم(ارتباط با آیه: و لا اقسم بالنفس اللوامه)

ونفْس وما سوّاها فألْهمها فجُورها وتقْواها

۴:قدرت اختیار:

دوری از شقاوت – گزینش راه درست از نادرست

رمز آیات : امّا – لعلّ – لنفسه

۵:هدایت الهی و امداد های خاص خدا:(پیامبران ← راه سعادت)

والّذین جاهدُوا فینا لنهْدینّهُمْ سُبُلنا ۚ وإنّ اللّه لمع الْمُحْسنین

- سنت توفیق (ترکیب با پیش)
- بهره مندی از امداد غیبی و یاری خدا در رسیدن به مقصد ، معلول تلاش انسان در راه خدا و خوشبختی خود است .
- انجام عمل صالح از برنامه های اخلاص (ترکیبی با پیش)

۶:قدرت تفکر و تعقل (یستمع- ینظر):

خدا به ما نیرویی داده تا با آن بیندیشیم و راه درست زندگی را از راه های غلط تشخیص بدیم . حقایق را دریابیم و از جهل دور شویم

فبشّرْ عبادِ الّذین یسْتمعُون الْقوْل فیتّبعُون أحْسنهُ أوْلئك الّذین هداهُمُ اللّهُ وأوْلئك هُمْ أوْلُوا الْألْباب

- ارتباط با حدیث امام صادق : خدا انبیا را نفرستاد جز اینکه مردم در پیام الهی تعقل کنند

---

۵) نتایج بهره گیری از عزت و عدم بهره گیری از آن:

عزّت و شکست ناپذیری در دو مورد ضروری است:

۱ در برابر خواسته های نامشروع درونی(نفس اماره) که سبب روی آوردن ما به گناه می شوند.

۲ در برابر دشمنان ظالم و ستمگر بیرون(شیطان و ...) که می خواهند درمقابل ظلم آنان تسلیم باشیم و ذلت را بپذیریم.

قرآن کریم به ما می آموزد که هرکس در برابر تمایلات نامشروع بایستد و به نیکی ها روی آورد و از گناه دوری کند، گرد ذلت بر چهره او نمی نشیند، یعنی عزیز می شود، عزیز در برابر گناه . و هرکس از این قبیل تمایلات دنباله روی کند به گناه و زشتی روی آورد، خواری و ذلّت چهره او را می پوشاند، ذلّت در برابر گناه.

تست گرد ذلت آنگاه از چهره‌ی انسان نابود می‌شود که ..... یعنی عزت‌مندی در برابر ..... محقق می‌گردد که عبارت ..... مؤید آن است.

به نیکی‌ها روی آورد – گناه – «لِلَّذِینَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَى وَزِیَادَةٌ وَلَا یَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ»

سنت تفاوت پاداش و کیفر
سنت سبقت رحمت غضب

آیه دوم:

نیکی عامل کسب عزت نفس

توصیف انسان عزیز:
لِلَّذینَ اَحسَنُوا — برای آنان که نیکی کردند
اَلحُسنیٰ وَ زِیادَةٌ — پاداشی نیکوتر و فزونتر است **(سنت توفیق الهی)**
وَ لا یَرهَقُ وُجوهَهُم قَتَرٌ وَلا ذِلَّةٌ — و چهره شان را تیرگی و خواری نپوشاند **(معاد جسمانی)**

نتیجه و ثمره ی عزت:
اُولٰئِکَ اَصحابُ الجَنَّةِ هُم فیها خالِدونَ
.....
.....
یونس، ۲۶

پیام کلی: هر کس در برابر تمایلات نامشروع بایستد و به نیکی روی آورد رو سفید و عزیز می شود.

آیه سوم:

توصیف انسان ذلیل:
وَالَّذینَ کَسَبُوا السَّیِّئاتِ جَزاءُ سَیِّئَةٍ بِمِثلِها

نتیجه آلودگی به گناه: ۱)جزا و عذاب گناه ۲)خواری و ذلت

نسبت تفاوت در پاداش و کیفر...
جزای بدی به همان میزان بدی است و نه بیشتر.
رابطه بین عمل و کیفر یک رابطه حقیقی است.(۹ دوم)

ثمره ذلت:
وَتَرهَقُهُم ذِلَّةٌ ...
یونس، ۲۷

ذلت و خواری و گرد فقر واقعی عاقبت کسانی است که مرتکب گناهان می شوند.(ترهقهم ذله)

پیام کلی: هر کس از تمایلات نامشروع دنباله روی کند خواری چهره ی او را می پوشاند.

✓ گناه فقر واقعی است. مصادیق این آیه، درواقع لطف خداوند که اگر در آیه لقد کرمنا بیان شده را نادیده گرفته‌اند.

آیات شماره ۲ و ۳ به سنت تفاوت پاداش و کیفر اشاره دارند.

جمع بندی کامل سنت های الهی (درس ششم دینی پیش)

- **متحان = ابتلا = آزمایش** (یفتنون ، بلاء)
  - سخن امام صادق(ع): انما المومن منزله کفه المیزان...
  - هر انسان انتخابگری همواره در معرض امتحان است
  - عامل ظهور و بروز استعدادهای انسان است
  - مربوط به چگونگی و فرایند رشد و تکامل انسان است
  - احسب الناس ان یتوکوا ان یقولوا امنا و هم یفتنون
- **امداد الهی** (تمدد)
  - خداوند برای هر دو گروه امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌ها و هدفها را فراهم می کند
  - هر کس با اراده و اختیار خود راه حق و یا باطل را بر می گزیند شرایطی برایش فراهم می‌شود
  - در برابر دعوت انبیاء مردم دو دسته می‌شوند
    - دسته‌ای پاسخ مثبت می‌دهند و هدایت الهی را می‌پذیرند
    - دسته‌ای لجاجت می‌ورزند و در مقابل حق می‌ایستند.
  - ان هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا
  - کلا نمد هؤلاء و هؤلاء من عطاء ربک و ما کان عطاء ربک محظورا
  - لو ان اهل القری امنا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض
- **توفیق الهی** (امداد خاص)
  - والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلنا ان الله لمع المحسنین
  - می سازد تا بتواند انسان را به مقصد برساند
  - به همراه سعی و تلاشی که انسان از خود نشان می‌دهد خداوند شرایط و اسباب را فراهم
  - بیست نفر یا صد نفر انسان تقوا پیشه و شکیبا بر دویست‌نفر یا هزار نفر از کفار پیروز می‌شوند.
  - کسانی که با نیک پاک، قدم در راه حق بگذارند. در حقیقت انسان حق‌گرا خود را با نظام حاکم به جهان هماهنگ می کند.
  - در حقیقت مهلت‌ها با اختیار خودشان به صورت بلای الهی جلوه‌گر می‌شود
- **امهال** (املاء) (تعلی)
  - خداوند به آنان مهلت و فرصت زندگی می دهد
  - با حق عناد و دشمنی می‌ورزند
  - آنان که راه باطل را برمی گزینند
  - و لا یحسبن الذین کفروا انما نملی لهم ... لیزدادوا اثما و لهم عذاب مهین
  - قدم به قدم و به تدریج از انسانیت فاصله گرفته و به سوی هلاکت ابدی نزدیک می‌شوند
  - آنان با استفاده از همین امکانات و با اصرار خود بیشتر در فساد فرو می‌روند
  - خداوند علاوه بر مهلت دادن بر امکانات گمراهان می‌افزاید
  - و الذین کذبو بآیاتنا سنستدرجهم من حیث لا یعلمون و املی لهم و ان کیدی متین
- **استدراج** (رمز: حرف ک)
- **من جا** تفاوت در پاداش و کیفر
  - من جا بالحسنه فله عشر امثالها و من جاء بالسیئه فلا یجزی الا مثلها (نزد، یضاعف، زیاده)
  - و کار بد را فقط به اندازه خودش جزا می‌دهد (عدل)
  - کار نیک را چندبرابر پاداش می‌دهد (فضل)

امهال.....مهین
استدراج.....متین

تست در مقابل دیگران ذلت را پذیرفتن ناشی از ... شکست در مقابل ... است و ذلت نفس،... شکستن پیمان با خداست.
تقدم – تمایلات پست درون خود – علت

تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت (سنت اجتماعی)
- زندگی انسان به شدت تحت تأثیر رفتارهایشان می‌باشد.
- نیکوکاری یا گناه از جمله عوامل مؤثر در طول عمر
- من یموت بالذنوب اکثر ممن یموت بالاجال
- و من یعیش بالاحسان اکثر ممن یعیش بالاعمار
- لو ان اهل القری... ولکن کذبوا فاخذناهم بما کانوا یکسبون

٦)انسان عزیز:

انسانی که نفس خود را عزیز و شکست ناپذیر کرده، توانایی کنترل هوس ها و تمایلات نابجای خود را دارد و در مقابل تحریک و تشویق دیگران به گناه، ایستادگی می کند و به آنها پاسخ نه می دهد.

برخی از افراد در توجیه خطا و گناه خود عوامل تحریک کننده بیرونی را مقصر جلوه می دهند و خطای خود را بر دوش آن عوامل می گذارند . امّا این گونه افراد باید توجّه کنند که عوامل بیرونی فقط زمینه ساز هستند، نه بیشتر . آن کس که تصمیم می گیرد و مرتکب گناه می شود و کرامت خدادادی خود را لکّه دار می کند، خودِ انسان است . چه بسیار انسان هایی که همان زمینه ها را می بینند امّا با قدرت روحی و اراده قوی در مقابل گناه می ایستند و آن را شکست می دهند.

پیام: انداختن بار گناه بر دوش عوامل بیرونی به عنوان یکی از نمونه های حقارت نفس و ضعیف بودن نفس

۷)عزت نفس و بندگی خدا:

خداوند که خالق تمام جهانیان است، حقیقت شکست ناپذیری است که همه مخلوقات تسلیم اویند . سرچشمه تمام عزّت ها خداست و هرکس که دنبال عزّت است، باید خود را به این سرچشمه پیوند دهد. (علت)

به همین جهت است که: (معلول) قرآن کریم ابتدا عزّت را برای خدا دانسته، سپس برای رسول خدا بنده خالص خدا و پس از آن برای مؤمنین که با پیروی از رسول خدا(علت) بندگی خدا را پذیرفته اند(معلول اول، پس پیروی از رسول می دهد پذیرش بندگی خدا) و تسلیم خدا شدند(معلول دوم، پس پیروی از رسول می دهد تسلیم خدا شدن)

آیات چهارم و پنجم:

در عبارت «وَ لِلّهِ العِزَّةُ» ترکیب «وَلِلّهِ» جار و مجرور و خبر مقدم و کلمهٔ «العِزَّةُ» مبتدای مؤخر است. تقدم خبر، حصر را می‌رساند و درنتیجه در ترجمه می‌توان گفت: «عزّت فقط برای خداست.»

رابطه ی عزت نفس و بندگی خدا

معلول: وَ لِلّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّ الْمُنافِقِينَ لا يَعْلَمُونَ — منافقون، ۸

قرآن ابتدا عزت را از خدا، سپس رسول خدا که بنده خالص خداست و سپس مومنان که با پیروی از رسول خدا بندگی تسلیم او شده اند.

تعریف منافق بر اساس آیه ۸ منافقون: هر کس که عزت را در خدا و رسولش نیابد.

علت: مَنْ كانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا — فاطر، ۱۰

راه بهره مندی از عزت: هرکس دنبال عزت است باید... خود را به سرچشمه عزت نزدیک کند.

۸)عزت نفس در کلام پیشوایان:

پیشوایان ما چون بنده حقیقی خدا بودند(علت)، در سخت ترین شرایط زندگی، عزّت مندانه زیستند و هرگز تن به خواری ندادند. (معلول)

امام علی(ع) در وصف انسان هایی که عزّت خود را در بندگی خدا یافته و بر گناه و هوس(عامل درونی) پیروز شده اند:

علت: عَظُمَ الْخالِقُ فی اَنْفُسِهِمْ — خدا در نفس آنان بزرگ است — بندگی خدا

معلول: فَصَغُرَ ما دونَهُ فی اَعْيُنِهِمْ — پس غیر خدا در چشم آنان کوچک[1] — عزت نفس

امام علی(ع) برای تسلیم نشدن در برابر ظالمان(بیرونی) و حفظ عزت نفس خود در مقابل آنان می فرماید:

لا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ — بندهٔ دیگری (مثل خودت) نباش — نفی بندگی جز خدا

وَ قَدْ جَعَلَكَ اللّهُ حُرًّا — چرا که خدا تو را آزاده آفریده است. — حفاظت از حریّت خدادادی

پیامبر اکرم:

(محاصره طاقت فرسای مشرکان مکه) (جز ابوطالب و یاران اندک) (پشتوانه ظاهری دیگری نداشت) (به بزرگان مکه که وعده ثروت و قدرت به او می دادند، فرمود: اگر خورشید را در دست راستم و ماه را در دست چپم بگذارید، از راه حق دست برنمی دارم.)

امام حسین:

(آن گاه که یزیدیان از او می خواستند تسلیم شود) (تا جانش محفوظ بماند) (می فرمود: مرگ با عزّت از زندگی با ذلّت برتر است) (به خدا سوگند من دست ذلّت به شما نمی دهم و همچون بردگان فرار نمی کنم) (تقدم مرگ با عزت بر زندگی با ذلت)

حضرت زینب:

(در پاسخ به جمله عبیدالله بن زیاد، حاکم کوفه، که می خواست سیدالشهداء و ایشان را تحقیر کند) (فرمود: در این واقعه ای که برای ما پیش آمد، جز زیبایی از خدا

حضرت یوسف:

حضرت یوسف در خلوت ترین مکانی که زلیخا ترتیب داده بود، در برابر هوس سرکش او ایستاد، در حالی که برده و غلام زلیخا محسوب می شد و می توانست بگوید من باید از او اطاعت کنم (امام علی(ع) : لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حرا) اما هنگامی که زلیخا خواستِ نامشروع خود را با اصرار و تهدید مطرح کرد، یوسف، با این که در اوج جوانی و زیبایی بود، خدا را به یاد آورد و گفت : خدایا به تو پناه می برم(ولله العزه...) و از دست زلیخا به سوی درهای بسته فرار کرد(فرار کردن از گناه معلولِ خود را همواره در پیشگاه خدا دیدن) گرچه حضرت یوسف به زندان افتاد، امّا عزّت حقیقی را به دست آورد(بواسطه پیروی از دستورات خدا تبدیل به انسان عزیز شدن) و بعدها به عزّت ظاهری هم رسید و عزیز سرزمین مصر شد(عزت حقیقی می دهد عزت ظاهری)

۹)خود دانی و خود عالی:

شناخت ریشه عزت و ذلت سبب می شود که انسان بهتر بتواند به سوی عزّت حرکت کند و از ذلّت دوری نماید.

انسان دارای دو دسته از تمایلات:

تمایلات عالی: مربوط به بعد روحی و معنوی او (خود عالی و برتر انسان)

مثل: تمایل به (دانایی) (احسان) (شجاعت) (ایثار) (حسن خلق) (عدالت) (عفاف) (حیا) (گذشت)

مشوقان انسان ها به سوی تمایلات عالی: عقل، وجدان (نفس لوامه)

انسان عزیز، به ندای عقل و وجدان و نفس لوامه گوش فرا می دهد و تسلیم نفس اماره نمی شود.

تمایلات دانی: مربوط به بعد دانی و حیوانی او(خود دانی و پست انسان)

مثل: (ثروت) (شهوت) (غذاهای لذیذ) (زیور) (زینت) (رفاه)

محرکان به تمایلات دانی:هوی و هوس(نفس اماره)

انسان ذلیل در درون شکست می خورد و تسلیم نفس اماره خود می شود.

انسان گناه کار پیش از آن که در مقابل عوامل بیرونی تسلیم شود ابتدا در خود می شکند و حقارت را می پذیرد او عزت خود را از دست داده و به دنائت و پستی دچار شده است.

طبق تحقیقات اکثر گناهکاران و مجرمان افرادی هستند که عزت نفس خود را از دست داده اند و تحقیر شده اند.

بنابراین یکی از راه های مبارزه با کژی ها و زشتی ها در جامعه افزایش عزت نفس انسان ها و حفظ کرامت آن هاست.

نتیجه گیری:

انسان باید به گونه ای زندگی خود را تنظیم نماید که توجه به تمایلات دانی، مانع رشد و شکوفایی تمایلات عالی او نشود.

در حقیقت تمایلات دانی تمایلات بدی نیستند بلکه:

برای زندگی دنیوی لازم و ضروری هستند اما نباید از حد تجاوز کرده و مانع رشد تمایلات عالی شوند.

حد و مرز تمایلات دانی را خدا می داند و او چگونگی بهره مندی از هر کدام را مشخص کرده تا انسان بتواند تمایلات عالی را در خود رشد داده و به کمال برساند.

۱۰)علت و معلول های مهم درس:

تسلیم و بندگی خدا می دهد: عزت نفس

احساس حضور در پیشگاه خدا می دهد: دوری از گناه

احساس حضور در پیشگاه خدا می دهد: نفس اماره

احساس حضور در پیشگاه خدا می دهد: عزت نفس و توجه به خود عالی

غفلت از خداوند می دهد: ذلت نفس

غفلت از خداوند می دهد:گرفتاری در دام گناه و گرفتار شدن به خود دانی

غفلت از خداوند می دهد: نفس اماره به سوء

در این صورت باید توبه کرد و از گناه بازگشت

عزت نفس می دهد: حفظ پیمان با خدا و باقی ماندن بر عزم و تصمیم (مواظب باش در تست ها برعکس نباشه)

ذلت نفس می دهد: شکستن پیمان با خدا و سستی در عزم و تصمیم (مواظب باش در تست ها برعکس نباشه)

انسان عزیز می دهد: شکست ناپذیری در برابر ظالمان و ستمگران و خضوع و فروتنی در برابر مردم

محل یادداشت جدید:

۱۱)اندیشه و تحقیق درس:

۱ــ میانِ « عزّ ت نفس» و « گناه » چه رابطه‌ای وجود دارد ؟ چرا ؟ عزّتِ نفس یعنی احساسِ بزرگواری و عظمت ، و گناه یعنی خود را به حقارت و پستی کشاندن . بنابراین با یکدیگر رابطهٔ عکس دارند . هر قدر که کرامتِ نفس بالاتر باشد گناه کمتر . تا انسان حقیر نشود و خود را کوچک نکند دست به گناه نمی‌زند همانطور که هر قدر خود را عزیز ببیند تن به ذلّت نمی‌سپارد .

۲ــ آیا می‌توان مسؤلیّت انجام دادنِ گناه را از دوشِ خود برداشت و به عواملِ بیر ونی منتقل کرد؟خیر ـ شرایطِ بیر ونی زمینه‌ساز هستند ، امّا عامل و تصمیم‌گیرنده خودِ انسان است و با اختیار و ارادهٔ خود دست به گناه می‌زند . دوری از گناه پیش از آنکه به شرایط بستگی داشته باشد به مقدارِ عزّت نفس و همّت ما بستگی دارد . در شرایطی یکی گناه می‌کند امّا در همان شرایط شخصِ دیگری خود را حفظ می‌کند و تقوا پیشه می‌نماید پس بستگی به خودِ انسان دارد .

۳ــ با توجّه به اینکه آیهٔ۱۰ سورهٔ فاطر خداوند را صاحبِ عزّ ت معرّفی می‌کند ، راهِ بهره‌مندی از عزّ ت الهی چیست؟راه بهره‌مندی از عزّتِ الهی اطاعت از خداوند و قدم گذاشتن در راهی است که خداوند می‌پسندد .

٤ــ آیا انسانی که دارای عزّ تِ نفس است به پیمان‌شکنی دست می‌زند ؟خیر ـ زیرا کسی پیمانِ خود با دیگران و مخصوصاً پیمان با خدا را می‌شکند که ابتدا در خود شکسته باشد یعنی خودِ عالی او تسلیمِ خودِ دانی شده باشد امّا کسی که صاحبِ عزّت است خودِ عالی را برتر می‌شمارد و آن را عزیز می‌دارد .

یادداشت ها و نکات من...

مهدی غفوری اولین مدرس دین و زندگی به سبک زیست شناسی در ایران

صد ها نفر همگام با من دینی را صد می زنند پس به کمتر از ۱۰۰ راضی نشو!

www.konkur.in

به نام جهان آفرین قادر و توانا

درس ۱۴ هم دینر سوم دبیرستان

۹۹

گارانتی تضمینی

۱۰۰ درصد

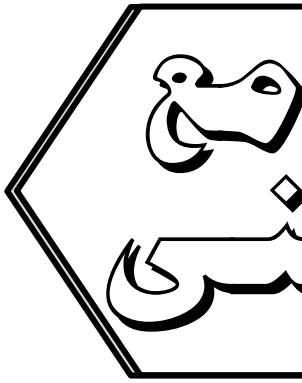

های پیوند

درس چهاردهم(زمینه های پیوند) درس پانزدهم(پیوند مقدس) درس شانزدهم(کانون مهر)

خدا

ملاک های بهره مندی از آمرزش و پاداش بزرگ الهی: ۱ ۲

~~اص به جنس خاص~~

ری یکسان + هدف

ی ذاتی یکسان←هدف

هم مرد OK

دوری از گناه عزیز تر

رودگار هم زن هم مرد

دا هم زن هم مرد

(هم مردان:نبی) (هم زنان:آت)

۱. تسلیم(مسلم)
۲. ایمان(مومن)
۳. فرمان برداری(قانت)
٤. راستگویی(صادق)
٥. صبر(صابر)
٦. خشوع(خاشع)
۷. صدقه(متصدق)
۸. پاکدامنی(حافظ)

راه کار تشکیل خانواده موفق توسط جانوران:

تنظیم برنامه + درک صحیح

(آموزش از کتاب+معلم)

نقش های مکمل:

زن و مرد زوج یکدیگر

زوجیت← زمانی معنی دارد که تکمیل کننده هم باشند

زن و مرد← ویژگی های انسانی مشترک دارای هدفی مشترک

ولی از جهت (زن بودن) (مرد بودن) ← تفاوت

تفاوت می دهد←نیازمندی(نه برتری ذاتی/برتری به تقوا است)

تفاوت های زیستی و روان شناختی زن و مرد←عامل زوجیت آن دو

هر کدام یک سری وظایف برعهده←خانواده متعادل

مهمترین عامل پایداری خانواده پس از ازدواج = درک درست زوجیت و مکمل هم بودن زن و مرد و عمل به این درک نتیجه:لباس هم شدن

غفلت از عامل پایداری خانواده می دهد:

بیگانه شدن از هم + جداشدن از هم با کوچک ترین تنش

پوشاندن عیب های همدیگر

ان برای

ینده:

د از آغاز بلوغ

تشکیل خانواده

همسر مناسب

مرد

ه به عنوان زن یا شوهر، مادر یا پدر

د در خانواده

دم توجه به نیاز انس با همسر و در

جانب زن یا مرد یا هردو

توانایی بیشتر در ایجاد سکونت و آرامش

دوره بلوغ تا ازدواج حساس ترین و ارزشمندترین دوره عمر انسان

دختران و پسران قبل از ازدواج ، حتماً عفاف پیشه کنند تا خداوند به بهترین صورت زندگی آنان را سامان دهد.

هر جوانی به طور فطری و طبیعی خواستار ازدواج با کسی است که قبل از ازدواج پاکدامنی خود را حفظ کرده و به گناه آلوده نشده است.

باید با زیرکی، شجاعت روحی و توکّل بر خداوند، راه های نزدیکی به گناه را ببندیم.

اقدامات حفظ پاکدامنی: (شناخت سیره معصومین)(نماز جماعت)(اشتغال به کار ضروری) عدم دیدن تصاویر مبتذل)(استقامت در برابر تحریک دیگران)(دوست دین دار)(شرکت در جلسات مذهبی)(ورزش)(توجه به نصیحت والدین)(کنترل نگاه به نامحرم)(برنامه افزایش معرفت دینی)(عاقبت اندیشی در کار ها + تصمیم گیری با فکر

اهداف ازدواج : هر چهار هدف ملاک هدف چهارم اولویت←ازدواج موفق | شروط دو تا چهار←عدم ظهور اختلاف+دوری روحی

پاسخ به نیاز جنسی: ابتدایی ترین/ شروع: دوران بلوغ/ نتیجه:رسیدن به آرامش روانی بر اثر ازدواج و پاسخ صحیح به این نیاز

انس با همسر: نیاز به زندگی با جنس مخالف آشکار پس از بلوغ/پاسخ نامشروع می دهد: بی قراری و ناآرامی بدون همسر/زن توانای

رشد و پرورش فرزندان: عدم جایگزینی نهاد پرورش خانواده/بهداشت روانی جسمی تعادل رفتاری و تعالی اخلاقی کودک=خواست الهی

رشد اخلاقی و معنوی:عالی ترین هدف تشکیل خانواده/خانواده تنها محیط مناسب جهت تربیت صحیح کودکان و رشد فضائل اخلاقی

فرزند= (ثمره پیوند+تجسم بخش وحدت+دوام وجود)←for والدین / پالندگی فرزند←پایداری والدین

درس چهاردهم(زمینه های پیوند) درس پانزدهم(پیوند مقدس) درس شانزدهم(کانون مهر)

+انفسکم ازواجا+لتسکنوا(انس با همسر)+جعل بینکم موده و رحمه(رشد اخلاقی معنوی) +لقوم یتفکرون

واجا+جعل لکم من ازواجکم بنین و حفده(رشد و پرورش فرزندان)+رزقناکم من الطیبات+افلا بالباطل یومنون و بنعمت الله هم یکفرون

۲ ۳

www.konkur.in

به نام جهان آفرین قادر و توانا

در سر ۱۵ هم دینر سوم دبیرستان

۹۹

گارانتی تضمینی

۱۰۰ درصد

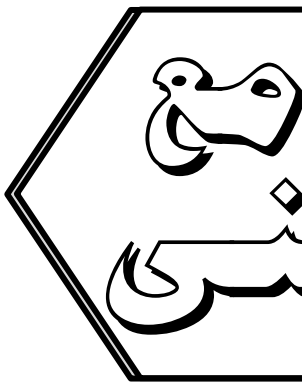

مقدس

درس چهاردهم(زمینه های پیوند) درس پانزدهم(پیوند مقدس) درس شانزدهم(کانون مهر)

انتخاب همسر خوب است.
دا محبوب تر از ازدواج نیست.
ی زندگی، انتخاب همسر و آغاز زندگی مشترک

یه گذاری شده و اعضای خانواده
پرسند. (علت)
ر را راهنمایی کرده اند که چگونه قدم در امر

ی ازدواج زیاد شود و تشکیل خانواده به تأخیر

ن را به ازدواج تشویق و ترغیب و از والدین
ردن شرایط لازم برای ازدواج یی) به خاطر برخی
انند و جامعه را گرفتار آسیب ها نسازند. (معلول)
د.
پدر و مادر خود مشورت کنیم تا به انتخابی
و محبت به فرزند، معمولاً مصلحت و
لت تجربه و پختگی ، بهتر می توانند
ا پیش بینی کنند.(تحمیل نظر خیییر!)

طبق مقررات اسلامی، رضایت کامل زن و مرد برای ازدواج ضروری است و اگر عقدی به زور انجام گیرد، باطل است و مشروعیت ندارد.

داشتن قدرت انتخاب، ارزشمند و در عین حال، مسئولیت زاست.
موفقیت در مسئولیت: نیازمند انتخابی شایسته و با چشم باز
لازمه چنین انتخابی، تسلّط کامل بر شور و احساس جوانی
چرا؟ تسلط؟چون علاقه و محبّت اولیه، چشم و گوش را بسته و
عقل را به حاشیه رانده، امام علی:حُبُّ الشَّیءِ یُعمی وَ یُصِمُّ

محیط خانواده، A محیط هم دلی، B اعتماد به بزرگ ترها، C شنیدن نظریات یکدیگر و به خصوص، D محیط محبّت و ایثار باشد تا الف)بهترین تصمیم ها گرفته شود و ب)حسرت و پشیمانی کمتر پیش بیاید.

از نظر قرآن کریم، مهم ترین معیار همسر شایسته، با ایمان بودن اوست.

چرا اذن پدر برای دختر؟

لطافت های روحی و ظرافت های عاطفی دختر، آن گاه که در فضای محبت و
علاقه جنس مخالف قرار می گیرد، احتمال نادیده گرفتن برخی واقعیت ها
کاستی ها را به دنبال دارد؛ علاوه بر این، دختران به خاطر حیا و عزت نفس
قوی خود، در ازدواج پیش قدم نمی شوند و طلب و درخواست از طرف پسر
صورت می گیرد، ممکن است حیا مانع از آن بشود که دختر همه ویژگی های
پسر و سابقه او را بشناسد و با آگاهی کامل تصمیم گیری کند.

پدر بر احساسات خود غلبه + تجارب فراوان + شناخت کامل از جنس مرد
است، می تواند مراقبت کند و به راهنمایی بپردازد.

تحقیق درباره همسر:

تحقیق درباره همسر آینده، به اندازه ای که به کمک آن بتوان به اطمینان
در تصمیم گیری رسید، ضروری است .تحقیق باید نتیجه بخش باشد و
چهارچوب ضوابط و معیارهای الهی صورت گیرد؛
تحقیق درباره همسر آینده را نباید با معاشرت هایی که منشأ آن تنها هوس
های زودگذر است، اشتباه کرد.

آثار ازدواج:

ازدواج، برای رفع نیازهای طبیعی و پاسخ گویی به قانون خلقت انجام می شود.
↓روابط نامشروع و آسیب های اجتماعی و روانی از فواید ازدواج به موقع است.
با پاسخ گویی به نیاز جنسی در قالبی غیر از ازدواج←لذت آنی گناه←روح و روان
فرد را پژمرده و شخصیت شکسته + افراط در گناه برای فرار از پژمردگی

آمادگی برای ازدواج:

نیازمند دو بلوغ است :بلوغ جنسی و بلوغ عقلی و فکری
بلوغ عقلی مدتی پس از بلوغ جنسی فرا می رسد
نشانه های بلوغ عقلی:

- توجه به داشتن شغل و پیدا کردن کار،
- فکر کردن درباره ویژگی های همسر،
- تنظیم خرج و هزینه خود
- دوری از بی برنامه بودن

مشکلات پیش رو ازدواج:

۱ نیاز به مسکن
۲ هزینه های ازدواج و تأمین خانواده
۳ طولانی شدن زمان تحصیلات دانشگاهی
٤ توقعات غیرضروری بر اثر آداب و رسوم غلط
٥ رقابت های نابجای خانوادگی
٦ الگو قرار ندادن روش پیشوایان دین
راه کار ها: برنامه ریزی صحیح+تدبیر والدین+↓توقعات+اصل قرار
دادن حفظ عفاف و پاکدامنی در نتیجه:آغاز یک زندگی ساده +صمیم

ریاضی ۸۷ و خارج ۹۵:

توصیه پیامبر اکرم برای حفظ
(۱)ازدواج (۲)پروا از خداوند

جمع بندی احادیث مرتبط با زمان ازدواج:

پیامبر: کسی که ازدواج کند ۰.۵ قسمت دین خود کامل پس برای ۰.۵ قسمت دیگر
اما صادق: دو رکعت نماز شخص متأهل > هفتاد رکعت نمازی شخص مجرد
پیامبر: برای دختران و پسران خود امکان ازدواج فراهم کنید تا خداوند اخلاقشان را نیکو کند

عضای خانواده در محل زندگی و
آن ها معاشرت بیش تری دارد.
ط کار یا محلّ تحصیل.
ر و بهره بردن از تجارب پدر و
و طرح نظریات و دیدگاه ها
ت+آثار زیان بار+معمولاً احساسات
تر نشان دادن+سستی رابطه و جدایی

درس چهاردهم(زمینه های پیوند) درس پانزدهم(پیوند مقدس) درس شانزدهم(کانون مهر)

ومن و لا تنکحوا المشرکین حتی یومنوا(ملاک اصلی ازدواج و شرط اول=ایمان) اولئک یدعون الی النار(بدبختی ابدی) والله یدعون الی الجنه و المغفره
ر خداوند=بهشت الهی + آمرزش به اذن خداوند) و یبین آیاته للناس لعلهم یتذکرون(هدف از بیان نشانه های خداوند یادآوری و متذکر شدن مردم)
ذریتی(اهمیت و مسئولیت زن و مرد در انتخاب همسر آینده با هدف تربیت فرزندان صالح سراسری ۹۴) ربنا و تقبل دعا ربنا اغفرلی و لوالدی و
(اهمیت تربیت فرزندانی: الف)مومن و برپاکننده نماز همراه با والدین + ب)طالب آمرزش برای پدر و مادر) (نکته: یوم یقوم الحساب=وقوع معاد)

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

به نام جهان آفرین قادر و توانا

تداوم رسالت

جامع دینی

۹۹

گارانتی تضمینی
۱۰۰ درصد

دست نویس

دین و زندگی جـــامع کنکور

استاد مهدی غفوری

کنکور ۹۹

جزوه دست نویس درس پنجم دینی سوم

« درس پنجم دینی سوم به سبک عصری » درس ۵ = آیات + روایات تاریخی برای اثبات عصمت علی (ع)

علمرو اصل رسالت ← دریافت و ابلاغ وحی ← قرآن ← وحفظ قرآن توسط مسلمانان ← بعد از فوت پیامبر ← پیامبر ← خاتم النبیین است چرا؟ چون

۲- علمرو دیگر: ۱) مرجعیت دینی و ۲) ولایت ظاهری ← ادامه می یابد چرا؟ ۱) گسترش زبان ← گسترش سرزمین اسلامی ۲) ظهور فرقه ها و اندیشه ها ۳) مسائل و مشکلات پیچیده

پس نیاز است به امام و رهبری هدایت ← رهبری و عدالت (معلول) علت جامعه

تعلیم، تبیین، تفهیم دین ← مرجعیت دینی ← آغاز کننده: پیامبر ← پایان دهنده: ندارد ← ضروری: بلی ← ادامه دارد؟ بلی توسط امام

ولایت و سرپرستی جامعه ← ولایت ظاهری ← آغاز کننده: پیامبر ← پایان دهنده: ندارد ← ضروری: بلی ← ادامه دارد؟ بلی توسط امام

دریافت و ابلاغ وحی ← آغاز کننده: پیامبر (ص) ← پایان دهنده: پیامبر (ص) ← ضروری ← بلی ← ادامه دارد؟ بلی ← ادامه دهنده ندارد

قرآن کریم ← آخرین کتاب آسمانی ← پس پیامبر خاتم پیامبران است.

چه انسان هایی از هدایت امام پس از پیامبر اکرم برخوردار می شوند؟ کسانی که ۱) طلب و ۲) طلب خود را لایق پذیرش هدایت معنوی کردند.

مصداق هدایت معنوی: افطار پس از پیامبر ← چرا؟ به ۲ دلیل: ۱) تعلیم و تبیین تعلیم دینی (مرجعیت دینی و ۲) ولایت ظاهری

پس تعلیم دین، تفهیم مفاهیم دینی، مرجعیت دینی و ولایت ظاهری همگی ← مصادیق «هدایت معنوی» اند.

من مات - لم یعرف - امام - میت جاهلیه ← اهمیت و ضرورت امام شناسی

تعیین امام: توسط خداوند صورت گرفته و توسط پیامبر و قرآن اعلام شده است و عکس این جمله صادق نیست.

جمله های تستی: تعیین امام توسط پیامبر، تعیین امام بعدی توسط امام قبلی، تعیین امام توسط پیامبر، تعیین و معرفی امامان همه ی مسئولیت های پیامبر ← جز دریافت و ابلاغ وحی ← ادامه ← توسط امامان ← امام باید صفات خاص، ویژگی خاص

عصمت: مثال ← برسند ← یقینا / احتمال ← به ← علم در درستی ادعای نبوت ← علم در درستی فرمان ها

تشخیص عصمت برای انسان ممکن نیست.
تشخیص عصمت برای پیامبر اسلام ممکن نیست.
تشخیص عصمت توسط امامان ممکن نیست.
تشخیص عصمت توسط هر انسانی حتی پیامبر و امام ممکن نیست.

علت: تشخیص عصمت برای خدا فقط و فقط ممکن است ← پس تنها فقط است که می تواند فرد شایسته مقام امامت را معرفی کند (معلول)

۱- معرفی امام در مراسم دعوت خویشان:
لغت (یوم الدار - یوم الانذار - یوم عشیره عقربه)
(عدد) ۳ سال از بعثت گذشته بود
فرمان از خدا ← پیامبر: چی بود؟ خویشان نزدیک خود را انذار کن (انذر عشیرتک)
اجرای دستور خدا توسط پیامبر: ۴۰ نفر از بزرگان بنی هاشم (دعوت + گفتگو در باره ی اسلام)
طرح سئوال توسط پیامبر: کدام ..... کیه می کنه تا ۱. برادر من ۲. وصی من ۳. خلیفه من (در میان) شما باشد؟
همدلان جدا ← حمایت حضرت علی ← علت (معلول) اعلی / وصی / خلیفه

اهمیت دوران مکه ← چرا؟ به ۱) پایه ریزی اسلام ۲) گسترش اسلام

جزوه دست نویس درس پنجم دینی سوم

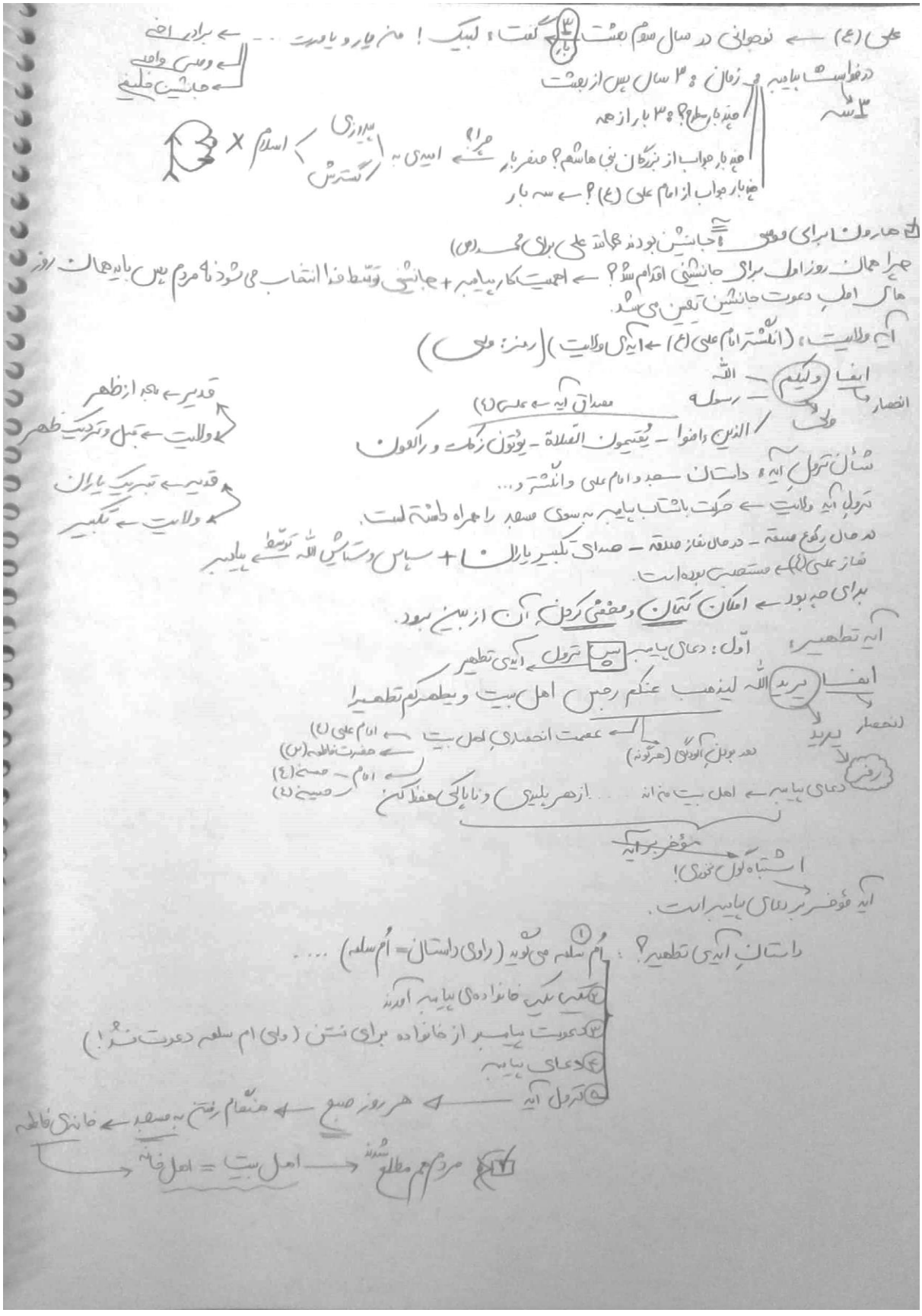

جزوه دست نویس درس پنجم دینی سوم

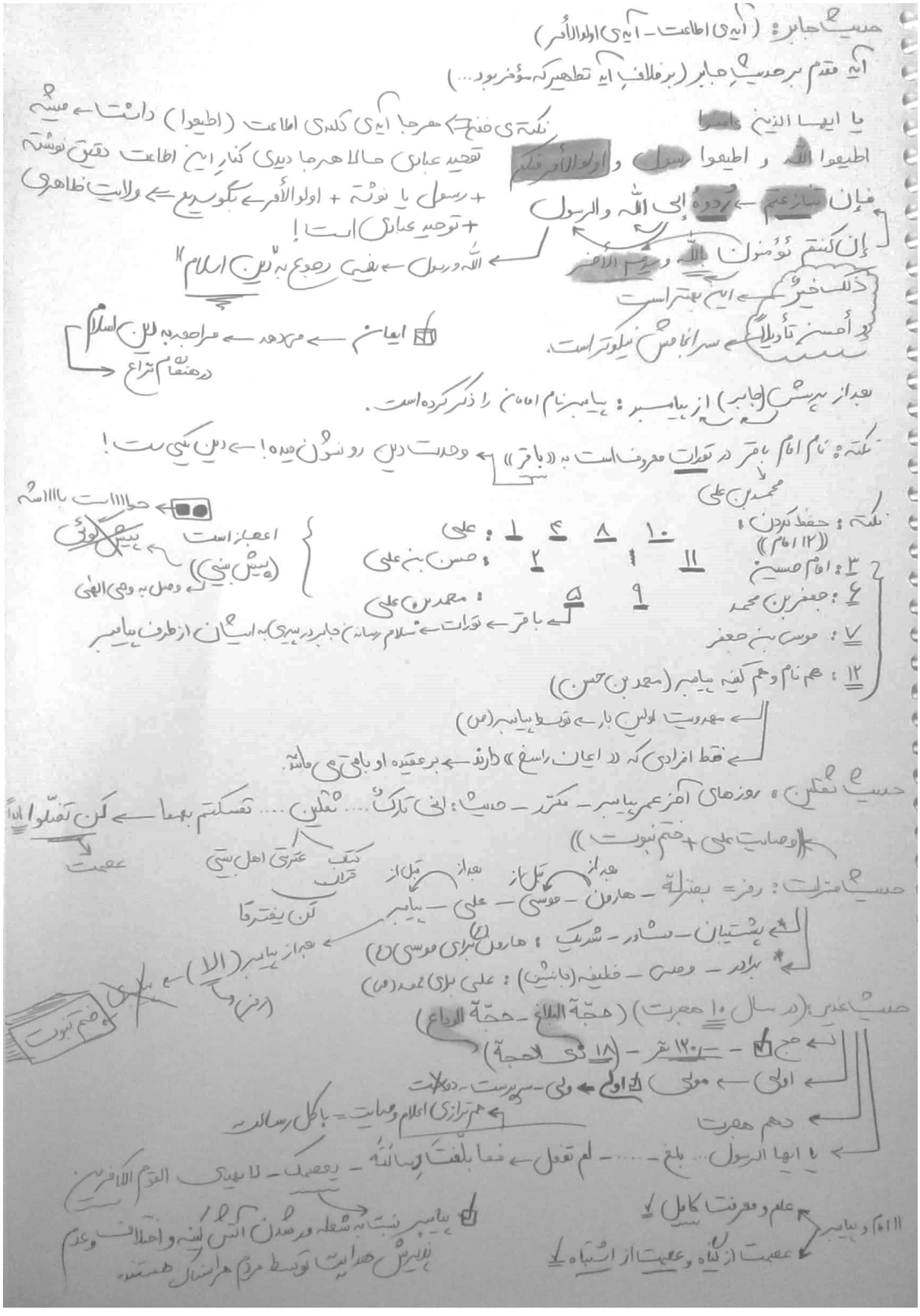

www.konkur.in

منتشر شده در کانال کنکورپکس

جزوه جهش
دینی پیش دانشگاهی

درس اول

www.konkur.in

مهدی غفوری

درس اول:

شده در این فضای تأمل برانگیز(این=جهان پرجنب و جوش/فضایی بی کران با کهکشان ها، منظومه ها، خورشیدها و سیارگان، زمین با جنگل ها، دریاها، بیابان ها، جانوران، گیاهان و گل های زیبا) نگاهتان از سطح ظاهری پدیده ها عبور کند و از خود بپرسید: این موجودات، هستی خود را وامدار چه کسی هستند؟ از هستی بخش

نیازمندی جهان به خدا در پیدایش و هستی:

هر یک از ما(انسان ها!) با تمام وجود خدا را می یابیم و حضورش را درک می کنیم به همین جهت در سختی ها و مشکلات به او پناه می بریم و از او کمک می طلبیم.(نه در همه حال/انسان ها با تمام وجود خدا را درک می کنن ولی ذات و کنه خدا رو درک نمی کنن(خدا نور هستی است بلکه حضور خدا رو درک می کنن!!) قرآن کریم ما را به معرفت عمیق تر در این بار(درک حضور خدا و یافتن او با تمام وجود) دعوت می کند و راه های متفاوتی را به ما نشان می دهد که یکی از این راه ها نیازمندی جهان(همه موجودات)، در پیدایش خود، به خداست.

استدلال نیازمندی جهان به خدا در پیدایش و هستی؛

مقدمهٔ اوّل: پدیده ای هستیم که وجود و هستی ما از خود ما نیست .اشیای پیرامون ما نیز همین گونه اند؛ حیوانات،گیاهان، جمادات، زمین، ستاره ها و کهکشان ها پدیده هایی هستند که وجودشان از خودشان نیست، یعنی یک زمانی نبوده اند و سپس پدیدآمده اند.

یا=انسان و موجودات جهان پدیده هایی هستند که در وجود به خودشان متکی نیستند.

مقدمهٔ دوم : هر پدیده ای که وجودش از خودش نباشد، برای موجود شدن نیازمند به دیگری است؛ همان طور که هر چیزی که خودش شیرین نباشد، برای شیرین شدن، نیازمند به چیز دیگری است که خودش شیرین باشد. ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش

یک موجود، فقط درصورتی برای موجود بودن به دیگری نیازمند نیست که ذات و حقیقتش مساوی با موجود بودن باشد و نیستی در او راه نداشته باشد .در این صورت، چنین چیزی دیگر پدیده نیست و نیاز به پدیدآورنده ندارد و خودش همواره هست.

نتیجه : با توجه به این دو مقدمه، درمی یابیم که ما و مجموعه پدیده های جهان، در پدید آمدن و هستی یافتن به آفریننده ای نیازمندیم که سرچشمه هستی است و هستی از او جدا نمی شود. این وجود برتر و متعالی خداست.

نیازمندی موجودات به خداوند، منحصر به مرحله پیدایش نمی شود؛ بلکه برای بقا و ادامه نیز به او نیازمندند.

رابطه وجود ما با وجود خداوند مانند رابطه پرتوهای نور با منبع آن است، همان طور که اگر خورشید نورافشانی نکند دیگر پرتو نوری نیست، اگر خداوند نیز هستی بخشی نکند، دیگر موجودی در جهان باقی نخواهد ماند.(این قسمت رو اگر در تستی دادند بگید برای اثبات نیازمندی مخلوقات در بقا به خداوند یه وقت نزنید نیازمندی در پیدایش ها من اینجا آوردمش خوب ببینید!!!!)

نیازمندی جهان به خدا در بقا؛

تصور اشتباه از برجای ماندن دیواری که یک معمار که سال ها پیش فوت کرده مردم را به اشتباه انداخته!: یک معلول در بقای خود نیازی به علت ندارد. این تصور اشتباه! چرا؟ چون معمار علت اصلی ساختمان نیست و به ساختمان و اجزای آن وجود نبخشیده است .وظیفه او فقط جابه جایی اجزاء و قراردادن آنها در جای خود بوده است.

در قرآن کریم، خداوند غنی خوانده شده است و انسان ها و سایر مخلوقات فقیر و نیازمند به او؛ و این نسبت هیچ گاه تغییر نمی کند.

انسان ها هرقدر که به معنای حقیقی کامل تر شوند، فقر و نیازمندی خود به خداوند را بهتر درک می کنند و بندگی و عبودیتشان در پیشگاه خداوند قوی تر و بیشتر می شود .به همین جهت پیامبران[۱]، امامان[۲] و اولیای الهی[۳] بیش از دیگران با پروردگار جهان راز و نیاز می کنند و از او کمک می خواهند و در مشکلات به او پناه می برند.

خداوند، نور هستی؛ .نور، آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکارشدن چیزهای دیگر می شود.

نور بودن خداوند بسیار برتر و بالاتر است .او نور هستی است .یعنی تمام موجودات، وجود خود را از او می گیرند و به سبب او پیدا و آشکار می شوند و وجودشان به وجود او وابسته است .به همین جهت هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه ای از آیات الهی محسوب می شود.

@konkurpex

همه مواردی که به خداوند نور هستی اشاره دارند:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْمُتَجَلّی لِخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ
مارَاَیْتُ شَیْئًا اِلّا وَ رَاَیْتُ اللّٰهَ قَبْلَهُ وَ بَعْدَهُ وَ مَعَهُ

دلی کز معرفت نور و صفا دید
به هر چیزی که دید اوّل خدا دید

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم
به دریا بنگرم دریا تو بینم
به هرجا بنگرم کوه و در و دشت
نشان از قامت رعنا تو بینم

نکته: این که انسان در پشت پرده ظاهر و در وراء هر چیزی، خدا را ببیند، معرفتی برتر و عمیق است که در قدم نخست مشکل به نظر می آید، امّا هرفی امکان پذیر و قابل دسترسی است، به خصوص برای جوانان؛ زیرا بستر اصلی حرکت به سوی این هرف، پاکی و صفای قلب است که در اغلب جوانان و نوجوانان وجود دارد .کافی است قدم به پیش گذاریم و با عزم و تصمیم راه افتیم .به یقین خداوند نیز کمک خواهد کرد و لذت این معرفت را به ما خواهد چشانید.

چرا نمی توانیم به ذات خدا پی ببریم و بدانیم که او چیست و چگونه است؟

موضوعاتی که ما می خواهیم درباره آنها تحقیق کنیم و به تفکر بپردازیم، دو دسته اند:

برخی از آنها در دایره شناخت ما قرار می گیرند، مانند گیاهان، حیوان ها، ستارگان، بهشت و جهنم که خصوصیات و چیستی هر کدام را می توانیم از راه و روش ویژه هر کدام بشناسیم و بدانیم که آنها چگونه وجودی دارند اینها همه موجودات محدودی هستند که ذهن ما می تواند بر آنها احاطه پیدا کند و چگونگی شان را دریابد .در حقیقت ذهن ما کنایش فهم چیستی آنها را دارد، اینها همه امور محدود هستند.

برخی دیگر از آنها فراتر از توانایی دستگاه اندیشه ما هستند و ذهن ما نمی تواند بر آنها احاطه پیدا کند .زیرا لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آنهاست. مثلاً ما هر عدد یا خطی را تصوّر کنیم، محدود است .خط و عدد نامحدود را نمی توانیم تصور کنیم .خدا نیز حقیقتی نامحدود دارد و چون نامحدود است، در ظرف ذهن ما نمی گنجد و ذهن به حقیقت خداوند احاطه پیدا نمی کند .از این رو نمی توانیم بگوییم که چیست، هر چیستی که برای او فرض کنیم، او را در حد تصورات ذهنی خود پایین آورده و محدود کرده ایم.

لا تفکّروا فی ذات اللّه در ذات و چیستی خداوند فکر نکنید/تفکّروا فی آلاء الله در نعمت های خداوند تفکر کنید.

دین اسلام ما را به تفکر در صفات الهی تشویق کرده است، چرا که شناخت صفات و ویژگی های خداوند، از راه شناخت مخلوقاتش تا حدودی امکان پذیر است.

باکس آیات درس یک:

یَا أَیُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمِیدُ* إِنْ یَشَأْ یُذْهِبْکُمْ وَ یَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِیدٍ* وَ مَا ذَلِکَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِیزٍ.

همهٔ مخلوقات ، از جمله انسان ، در وجود و هستی خود نیازمندِ خدا هستند. نیازمندی مخلوقات در هستی و بقای خود به خدا و استقلال ذاتی خدا از موجودات

- تنها وجودِ بی‌نیاز خداست ، او در هستی خود به دیگری نیازمند نیست.

- چون مخلوقات وابسته به خدایند ، اوست که می‌تواند آنها را ببرد یا نگه دارد.

- چون خدا وابسته به چیزی نیست ، کسی نمی‌تواند وجودِ را از او بگیرد و نابودش کند و او بی‌نیازِ مطلق است.

www.konkur.in

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَ اتِوَ الأَرْضِ. ...

هر چیزی پیش از آنکه نمایش‌دهندهٔ خود باشد ، نشان دهندهٔ خالقِ خود یعنی خداست . خدا نور هستی است و همهٔ موجودات ، هستیِ خود را از او می‌گیرند و با وجودِ او آشکار می‌شوند.

وَمِنْ ءَايَاتِهِ أَن تَقُومَ السَّمَاءُ وَالأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ الأَرْضِ إِذَا أَنتُمْ تَخْرُجُونَ (۲۵)

برپا بودن جهان به امر خدا از نشانه های خداست، یعنی اگر خداوند اراده فرماید آسمان و زمین را نابود خواهد کرد.

ریشه و تحقیق هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنتُمْ فِي الْفُلْكِ وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنجَيْتَنَا مِنْ هَٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۲۲) فَلَمَّا أَنجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَىٰ أَنفُسِكُم مَّتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۳)

در لحظات حساس و خطر که احساس میکنند خودشان قدرت هیچکاری ندارند بیشتر به یاد خدا می افتند.

هر کس در فطرت خود، خود را وابسته به یک قدرت بیپایان و بینیاز می یابد.

معنی:

او کسی است که شما را در خشکی و دریا سیر می‌دهد؛ زمانی که در کشتی قرار می‌گیرید، و بادهای موافق آنان را (بسوی مقصد) حرکت میدهد و خوشحال می‌شوند، ناگهان طوفان شدیدی می‌وزد؛ و امواج از هر سو به سراغ آنها می‌آید؛ و گمان می‌کنند هلاک خواهند شد؛ در آن هنگام، خدا را از روی اخلاص می‌خوانند که: «اگر ما را از این گرفتاری نجات دهی، حتماً از سپاسگزاران خواهیم بود!» (۲۲) امّا هنگامی که خدا آنها را رهایی بخشید، (باز) به ناحق، در زمین ستم میکنند. ای مردم! ستمهای شما، به زیان خود شماست! از زندگی دنیا بهره (میبرید)، سپس بازگشت شما بسوی ماست؛ و ما، شما را به آنچه عمل میکردید، خبر میدهیم! (۲۳) – یونس

یادداشت من:....

تکنیک های سر کلاسی:

مقدمه اول ما و این جهان وجودمان از خودمان نیست و پدیده هستیم.

مقدمه دوم موجوداتی که پدیده هستند در موجود شدن نیازمند به وجودی هستند که وجودش از خودش باشد.

نتیجه پس ما و این جهان وابسته به وجودی هستیم که وجودش از خودش و عین ذاتش می باشد.

از دقت در عبارت شریفه‌ی «یا ایها الناس انتم الفقرا» مفهوم می‌گردد که همه‌ی مفلوقات از جمله انسان در وجود و هستی خود نیاز خدا هستند .

پیام «چون وجود خداوند وابسته به چیزی نیست کسی نمی‌تواند وجود او را بگیرد و نابودش کند. او در ذات خود غنی و بی‌نیاز است» از دقت در عبارت شریفه‌ی «الله هو الغنی الحمید» مفهوم می‌شود.

	پدیده	خداوند
قرآن	فقیر	غنی
فلسفه اسلامی	ممکن الوجود	واجب الوجود
تعریف	وجودوهستی‌اش از خودش نیست. برای به وجود آمدن نیازمندعلت درمرحله پیدایش وبقا نیازمند خدا انسان و همه هستی پدیده هستند.	ذات و حقیقتش مساوی با موجود بودنش است. نیستی در او راه ندارد. برای به وجود آمدن نیازمند علت نیست. وجودش به خودش متکی است و از ذاتش سرچشمه می‌گیرد.

یاایها الناس انتم فقرا الی الله و هوالغنی حمید:

- ✓ جهان از اصل های متعدد به وجود نیامده
- ✓ وجود خدا وابسته به چیزی نیست
- ✓ نیاز ذاتی پدیده ها در موجود شدن و بقا

ان یشاء یذهبکم و یات بخلق جدید

- نیازمندی مفلوقات به خداوند در بقا
- اشاره به توحید ربوبیت
- اشاره به قضای الهی
- توحید در خالقیت

لازمه شناخت هر چیزی:

۱)احاطه(مغز مون کوچولوعه!!!)

۲)دسترسی داشتن: شناخت چیستی و ذات و ماهیت ناممکن است و شناخت هستی و وجود خداوند ممکن است.

به نام جهان آفرین قادر و توانا

جامع دینی

۹۹

گارانتی تضمینی
۱۰۰ درصد

دین و زندگی جـــامع کنکور

استاد مهدی غفوری

کنکور ۹۹

دینی پیش دانشگاهی

درس پنجم(قدرت پرواز)

۱)مقدمه:

در درس های پیشین که سخن از توحید در خالقیت، ربوبیت و عبادت بود، گفته شد که تنها ما لک، ربّ و مدبر جهان خداست و هیچ یک از مخلوقا ت در ادارهٔ(توحید ربوبیت) جهان در کنار او قرار نمی گیرند و با او شریک(توحید خالقیت) نمی شوند .همهٔ موجودات، تحت اراده و مدیریت(توحید ربوبیت) خداوند و به اذن او عمل می کنند. همهٔ رخدادها و حوادث جهان، تحت اراده و مدیریت خداوند است.

تمرین: جای های خالی را با کلمات مناسب کامل کنید:

تنها مالک، رب و ..... جهان خداست و هیچ یک از مخلوقات در ..... جهان با خداوند رابطه ..... ندارند و با او ..... نمی شوند، همه موجودات تحت اراده خداوند و به ..... او عمل می کنند و همه رخداد ها و حوادث جهان بدلیل ..... بودن خداوند تحت ..... و ..... اوست.

(جواب:مدبر-اداره-عرضی-شریک-اذن-خالق-اراده-مدیریت)

۲) اختیار، حقیقتی وجدانی و مشهود:

a. تفاوتی اساسی میان آتش ، آب ، گیاه و حیوان با انسان وجود دارد . (آتش بدون اختیار می سوزاند، آب بدون اختیار جاری می شود، گیاه بدون اختیار می روید و حیوان بدون اختیار راه می رود.)

b. هیچ یک از این مخلوقات، قدرت انتخاب یک عمل خاص از میان چندین رفتار ممکن را ندارند و این فقط انسان است که همواره در برابر چندین کار و راه مختلف قرار می گیرد و از آن ها یکی را برمی گزیند.

c. توانایی انتخاب و گزینش ناشی از اختیار است .

d. اختیار که به معنای توانایی بر انجام و ترک یک کار است، یک حقیقت وجدانی است و هر کس آن را در خود می یابد و می بیند که شبانه روز در حال تصمیم گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است . قدرت اختیار با ساختار انسان سرشته شده و وجود آن انکارناپذیر است.

e. حتی کسی که آن را در سخن یا بحث انکار می کند، در عمل از قدرت اختیار خود بهره می برد .

f. اختیاری امری روشن است.

g. مولوی : آن یکی بر رفت بالای درخت ... چوبِ حق و پشت و پهلو، آنِ او ... گفت :توبه کردم از جبر ای عیار... اختیار است اختیار است اختیار.

h. نشانه های وجود اختیار: (تام)

((ت ـــ

ت: تفکر و تصمیم: اندیشه/سبک سنگین کردن/گاهی تردید/انتخاب یک از چندین راه / این که فردا این کنم یا آن کنم خود دلیل اختیار است ای صنم

ا: احساس رضایت یا پشیمانی: موفقیت = رضایت خرسندی/ /اشتباه و زیان = پشیمانی ندامت/ از خود دانستن/گر نبودی اختیار این شرم چیست

م: مسئولیت پذیری: مسئولیم/نیک انجام=تشویق توسط دیگران/زشت انجام=تنبیه کیفر توسط دیگران/ عهد و پیمان/پیمان شکنی=مجازات

هیچ گویی سنگ را فردا بیا ور نیایی من دهم بَد را سزا؟ هیچ عاقل مرکلوخی را زند ؟هیچ با سنگی عتابی کس کند؟(عدم اختیار=عدم مسئولیت پذیری)

شاخ نکته ها:

تفکر و تصمیم و تردید هر سه اول شون (ت) دارند پس همیشه با هم میان.

مورد دوم یعنی احساس رضایت یا پشیمانی به انواع احساسات انسان در مورد عمل خود مربوط است ولی مسئولیت پذیری مربوط به عمل انسان های دیگر در قبال کار های ماست.

احساس رضایت و خرسندی مربوط به احساس رضایت و پشیمانی(مورد دوم) است ولی تشویق که نوعی احساس نیستند و عمل هستند مربوط به مسئولیت پذیری(مورد سوم) است.

احساس ندامت و پشیمانی مربوط به احساس رضایت و پشیمانی(مورد دوم) است ولی تنبیه و کیفر که نوعی احساس نیستند و عمل هستند مربوط به مسئولیت پذیری(مورد سوم) است.

کلید واژه های ((موفقیت)) و ((اشتباه و زیان)) مربوط است به احساس رضایت یا پشیمانی(مورد دوم) و کلید واژه های ((درست و نیکو)) و ((زشت و ناپسند و پیمان شکنی))مربوط است به مسئولیت پذیری که مربوط به اعمال ما در قبال دیگران می باشد.

i. آیات اختیار حقیقتی وجدانی:

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ ..... هدایت تشریعی

إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا ..... اختیار انسان (تکوینی)

انسان، ۳

هدایت انسان در پرتو اختیار وی نسبت به گزینش راه درست یا نادرست محقق می شود.

انسان در چهارچوب قوانین حاکم بر هستی حق انتخاب دارد.

رهنمودهای الهی موجب بصیرت است

قَدْ جاءَكُمْ بَصائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ — به‌راستی آمده است نزد شما هدایت‌تشریعی/ آگاهی رهنمودهایی از پروردگارتان؛

فَمَنْ اَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ — پس هر که بینا گشت به سود خودش، اختیار انسان / آزادی

وَ مَنْ عَمِیَ فَعَلَیْها — و هر کس کوری پیشه کرد به زیان خودش است

وَ ما اَنَا عَلَیْکُمْ بِحَفیظٍ — و من بر شما نگهبان نیستم

انعام، ۱۰۴

عدم نگهبانی خداوند بر انسان، آن گاه به وقوع می پیوندد که رهنمودهای الهی به هدایت انسان نینجامد.

۳) فواید توجه ما به اختیار:

a. آن چه اهمیت دارد، نحوه بهره مندی از اختیار است. قدرت اختیار از این جهت، مانند قدرت تفکر است؛ چه بسیار افرادی که استعداد فکری خارق العاده ای دارند ولی بدان توجه نکرده و آن استعداد را در وجود خود مدفون ساخته اند . و چه بسیار افرادی که استعدادی متوسط داشته اند، اما با همین استعداد متوسط، دروازه های بزرگ علم و دانش را فتح کرده اند.

b. میان کسی که نعمت اختیار و آزادی خود را شناخته و آن را باور دارد و کسی که شخصیت خود را حقیر، و اختیار خود را به تاراج رفته می پندارد، تفاوت بسیار است.

c. انسانی که اختیار خود را باور کرده و به آن معتقد است: 1) احساس هویت می کند. 2) از خودباوری بالایی برخوردار است. 3) در قبال کارهای خود احساس مسئولیت می کند. 4) تصمیم های اشتباه خود را می پذیرد و در صدد جبران برمی آید.

۴) پندارهای ویرانگر: (جبرگرایی/آزادی مطلق)

۱. برخی اندیشه های باطل سبب رواج جبرگرایی می شوند . مثلاً کسی که بپندارد که انسان مانند سایر اشیای مادی است، جایی برای اراده واختیار باقی نمی گذارد.

۲. رواج عقیده «جبری گری » مانند ویروس فلج، تحرک، سازندگی و نشاط را از فرد و جامعه می گیرد و فرصت را برای زورگویان فراهم می کند. در قرن های نوزدهم و بیستم میلادی برخی از فلاسفه مادی گرا به همین نتیجه در اندیشه های خود رسیدند و گرفتار افکار نیهیلیستی(پوچ گرایی) شدند .

۳. زورگویان و تجاوزگران به حقوق مردم، قدرت و ثروتِ به چنگ آورده را موهبت الهی معرفی می کنند و مدعی می شوند این از تقدیر و سرنوشت است که گروهی غرق در نعمت و ثروت، و عده ای در محنت و مشقّت باشند.

۴. از طرف دیگر، کسانی که از این نعمات الهی محروم شده اند، به خود حق اعتراض نمی دهند و می پندارند مخالفت آنان، اعتراض به خواست الهی و تقدیر است. وقتی که بنی امیه قدرت را به دست گرفتند و حاکم مسلمانان شدند و به چپاول و غارت اموال مسلمانان پرداختند و قوانین اسلام را زیر پا گذاشتند، برای اینکه زمینه اعتراض و قیام مردم را از بین ببرند، عقیده جبری گری را بین مردم رواج دادند و هرگونه حق طلبی را مبارزه با تقدیر و سرنوشت معرفی می کردند، به گونه ای که مردم فکر کنند مبارزه با ستمگری مانند یزید، مبارزه با خواست و تقدیر الهی است.

۵. پندار ویرانگر دیگر از آنِ کسانی است که فکر می کنند اختیار به معنای آزادی مطلق، محورقرار دادن خواست های خود بدون توجه به عواقب و نتایج آن، و حتی نادیده گرفتن قانون مندی های حاکم بر جهان خلقت است. اینان، اختیار را برای ارضای میل و هوس های خود می خواهند و توجه نمی کنند که چنین برداشتی از اختیار، نتایج زیانباری برای آنها و جامعه و محیط زندگی آنان خواهد داشت.

۵) زمینه ساز شکوفایی اختیار:

خداوند، قدرت اختیار و اراده را از آن جهت به ما عطا فرموده که با بهره مندی از آن، دروازه های پیشرفت را فتح کنیم و قله های کمال را بپیماییم و در آسمان هستی تا جایی که جز خدا نمی داند، به پیش رویم . زمینه ساز چنین پروازی و دوری از پندارهای نادرست، درک صحیح نظام حاکم بر جهان خلقت است.

۱ اعتقاد به خداوند حکیم: مهمترین گام برای رسیدن به این معرفت، اعتقاد به خداوندی حکیم، عادل و قادر است که با حکمت خود جهان را خلق کرده، و آن را تدبیر و اداره می کند به طوریکه همه حوادث و رخدادهای جهان، در یک چارچوب سامان دهی شده و قانون مند اتفاق می افتد و اگرچه ما، به علت دانش محدود و ناقص خود از درک عمیق اهداف حکیمانه بسیاری از رویدادهای جهان خلقت عاجز هستیم، اما مطمئنیم و اعتقاد داریم که هر حادثه ای دارای هدفی معین می باشد./ قطره ای کز جویباری می رود از پی انجام کاری می رود/ایمان به خداوند حکیم و نظام حکیمانه او، همچنین این اطمینان را به انسان می بخشد که جهان دارای حافظ و نگاهبانی است که اشتباه در کار او راه ندارد .کشتی جهان ناخدایی دارد که به علت علم و قدرت بی پایان آن ناخدا، به هیچ وجه احتمال غرق شدن و نابودی آن نمی رود و هیچ کسی جز او نیز نمی تواند آن را از نابودی نجات دهد.(یمسک تزولا...حلیما غفورا)

۲ قانو ن مند بودن جهان: زندگی در یک جهان قانون مند، این امکان را به ما می دهد که با ۱)شناخت و ۲)استفاده از قوانین جهان: ۱)نیازهای خود را برطرف کنیم،۲) استعدادهای خود را به فعلیت برسانیم و۳) پله های کمال را بپیماییم . نام دیگر این قانون مندی و نظم و سامان، قضا و قدر الهی است. تقدیر یعنی اندازه گرفتن و قدر یعنی اندازه و قضا به معنای به انجام رساندن حکم کردن و پایان دادن و حتمیت بخشیدن است. موجودات جهان، از آن جهت که خداوند متعال حدود، اندازه، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آنها را تعیین می کند، مقدَّر به تقدیر الهی هستند؛ و از آن جهت که با حکم(توحید ولایت) و فرمان و اراده(توحید ربوبیت) الهی ایجاد می شوند، مربوط به قضای الهی هستند. به عبارت دیگر، نقشه جهان با همه ریزه کاری ها و قانون مندی هایش(تقدیر) از آن خداست و اجرا و پیاده کردن(قضا) آن نیز به وسیله خداست. به همین جهت نه در نقشه آن نقص و اشتباهی هست و نه دراجرا و پیاده کردن آن. آبی که با اراده خود می نوشیم، به علت اعتماد به همین تقدیر است .یعنی می دانیم که خداوند آب را با ویژگی ها، اندازه ها و تقدیرها(تقدیر) آفریده که سبب رفع تشنگی انسان(قضا) می شود.

آیات:

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ — قمر، ۴۹

- ✔ رابطه قضا و قدر، تقدیر الهی، وحدانیت در خلقت و وحدانیت در تدبیر الهی.
- ✔ آفرینش بر اساس قانونمندی و ویژگی معین است.
- ✔ قضای الهی برخاسته از تقدیر است.

خانواده آقای تقدیری

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغي لَها — نه خورشید را سزد
اَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ — که به ماه رسد
وَ لَا اللَّيْلُ سابِقُ النَّهارِ — و نه شب بر روز پیشی جوید
وَ كُلٌّ في فَلَكٍ يَسْبَحونَ — و همه در مداری در گردشند.

یس، ۴۰ عدم خروج موجودات از نظام قانونمند خود - قانونمندی حاکم بر جهان

انسان می‌تواند ایام را تنظیم کند و با اعتماد و اطمینان از دقت و نظم آن، برنامه‌ریزی و عمل کند.

هُوَ الَّذي يُحْيي وَ يُميتُ — اوست که زنده کند و بمیراند
فَاِذا قَضىٰ اَمْرًا — و چون به کاری حکم کند
فَاِنَّما يَقولُ لَهُ — پس به آن می گوید
كُنْ فَيَكونُ — باش، پس می‌باشد

اراده و قضای حتمی خداوند بر وجود بخشیدن به پدیده‌های جهان است.

قضای الهی

غافر، ۶۸ نیازمندی موجودات در پیدایش - توحید خالقیت - تغییرات مظهری از ربوبیت است.

(نقطه چین قرمز=کلید واژه قضا / خط آبی=کلید واژه تقدیر)

۶)رفع ابهام:

برخی چنین پنداشته اند که قضا و قدر الهی با اختیار انسان ناسازگار است و تصور می کنند تقدیر، چیزی ورای قانون مندی و نظم است که وقتی به حادثه ای تعلق گرفت، هر قانونی را لغو و هر نظمی را برهم می زند؛ درحالی که خواهیم دید بدون پذیرش قضا و قدر الهی هیچ نظمی برقرار نمی شود و هیچ زمینه ای برای کار اختیاری پدید نمی آید.

داستان حضرت علی: برداشت نابه جای آن شخص، چنین بود که اگر قضای الهی به مرگ انسان تعلق گرفته باشد، چه در سایه دیوار کج و سست نشسته باشد چه در سایه دیوار مستحکم، دیوار خراب خواهد شد و مرگ خواهد آمد؛ بنابراین حرکت و تغییر مکان وی و تصمیم گیری براساس دستور عقل، بی فایده است .امّا امیرمؤمنان با رفتار و گفتار خود، نگرش صحیح از قضا و قدر را نشان داد و به آن شخص آموخت که اعتقاد به قضا و قدر، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست؛ بلکه عامل و زمینه ساز آن است. زیرا فرو ریختن دیوار کج، یک قانون و قضای الهی است. این قضا متناسب با شرایط و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی کجی آن است. امّا اگر دیوار، ویژگی دیگری داشته باشد، یعنی اگر محکم باشد، قانون و قضای دیگری را به دنبال خواهد آورد و انسانی که این دو تقدیر و این دو قضا را بشناسد، تصمیم می گیرد و دست به انتخاب مناسب تر می زند.

۷)رابطه اراده ی انسان با اراده خداوند:

اینکه می گوییم خداوند با حکمت خود، اندازه، ویژگی و نقشه پدیده ها را معین می کند و با اراده خود محقق می سازد، به این معناست که حوادث جهان و از جمله کارهای انسان تحت تدبیر و اراده خداوند و مظهری از قضا و قدر اوست. حال آیا این اختیار الهی با اختیار انسانی منافات دارد؟ برای پاسخ دادن به این پرسش باید به انواع علت هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند، بپردازیم :

۱)علل عرضی: به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر/مشارکت یکدیگر/هر عامل مستقیماً نقشی دارد/نقش اجزا با یکدیگر متفاوت/نقش ها در مجموع مکمل همدیگر/باغبان و خاک و آب و نور و حرارت در پرورش گیاه.

شکل:

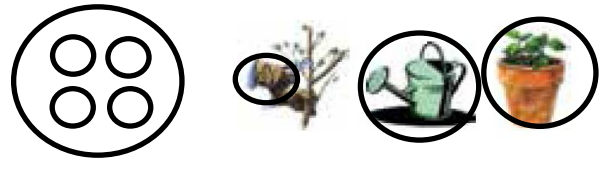

۲)علل طولی: یک عامل اثر بر عامل دیگر .. تا عامل n-1 ام بر عامل n ام تاثیر می گذارد/اگر یکی از عوامل حذف شود اختلال/هر عامل اثر عامل قبلی را به معلول خود منتقل/اراده انسان در طول اراده الهی است/هر عامل با قدرت و حکمت بالاتر مقدم بر عامل بعدی و موخر بر عامل قبلی خود می باشد.

شکل:

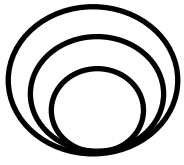

نتیجه گیری: وجود اختیار و اراده در انسان به علت اراده الهی و خواست اوست . خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد . در فعل اختیاری، تا زمانی که انسان به انجام فعلی اراده نکند، آن فعل انجام نمی گیرد .اما در عین حال، وجود ما، اراده ما و عملی که از ما سر می زند، همگی وابسته به اراده خداوند است . یعنی اراده انسان در طول اراده خداست و با آن منافات ندارد.

اَللّٰهُ الَّذي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ — مصداق کرامت انسان ـ حَمَلْناهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
لِتَجْرِيَ الْفُلْكُ فيهِ بِاَمْرِهِ — قضای الهی .....
وَ لِتَبْتَغوا مِنْ فَضْلِهِ — اختیار ـ تقدیر الهی ـ اختیار در چهارچوب نظام قضا و قدر
وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرونَ — تلاش انسان برای بهره مندی از قانون و تقدیرات الهی

جاثیه، ۱۲ شکرگزاری از نعمت هاست.

پیام کلی: ما در چهارچوب قوانین حاکم بر هستی حق انتخاب داریم.

۸) اختیار انسان، یک تقدیر الهی

a. وقتی از تقدیر جهان به وسیله خداوند سخن می گوییم، منظورمان فقط تعیین طول، عرض، حجم، مکان و زمان یک موجود نیست . این ها ساده ترین و آشکارترین تقدیرها هستند . تقدیر الهی شامل همه ویژگی ها، کیفیت ها و کلیه روابط میان موجودات می شود.

b. این که آب در چند درجه بجوشد، تعداد الکترون های هر عنصر چه تعداد باشد، ماه در کدام مدار دور زمین گردش کند، بدن انسان از چه اعضایی تشکیل شود، کار هر عضوی چه باشد، همه و همه از تقدیرات الهی است.

c. یکی از تقدیرات الهی برای انسان این است، که او دارای اختیار باشد؛ همان طور که مثلاً به آب، ویژگی مایع بودن را داده است، به انسان نیز ویژگی مختاربودن را عطا کرده است.

d. به تعبیر دیگر، خداوند این گونه خواسته که انسان کارهایش را با اختیار انجام دهد و کسی نمی تواند از اختیار، که ویژگی ذاتی اوست، فرار کند؛ حتی اگر بخواهد فرار کند، باز هم این یک کار اختیاری خواهد بود، چون همین کار را با خواست و اراده خود انجام می دهد.

۹)محدودهٔ اختیار انسان:

a. شاید در نگاه اول، انسان تصور کند، که این قانون مندی ها مانع تحرک و پویایی اوست . اما در نگاهی ژرف تر خواهد دید که خداوند با چه زیبایی رابطه میان قدرتِ اختیار انسان و نظام جهان را سامان داده، به گونه ای که نه تنها این نظام سدّ راه او نشود، بلکه زمینه ساز عروج و صعود وی به سوی قله های کمال گردد.

b. توجه کنیم که ما در چارچوب قوانین حاکم بر هستی حق انتخاب داریم و مثلاً آسمان و دریا در هر شرایطی رام انسان نیست؛ فقط درصورتی صرام و مسخَر انسان می شوند که آدمی ویژگی ها و قانون مندی ها(تقدیر)ی آنها را بشناسد و متناسب با آن ویژگی ها، ابزارهایی مانند هواپیما و کشتی تهیه کند(قضای انسانی در طول قضای الهی) تا بتواند در آسمان ها و دریاها سیر کند (قضای انسانی در طول قضای الهی).

c. پس تقدیرات و قانون مندی ها هم لازمه کار اختیاری انسان و هم جهت دهنده و محدود کننده آن است . برخی از افراد به همین نکته بسیار روشن توجه نمی کنند و بدون درک قانون مندی های جهان، برای رسیدن به خوشبختی، راه های دلخواه خود را دنبال می کنند و بدبختی خود را رقم می زنند.

۱۰)نکات اضافه سرکلاسی:

.....

به نام جهان آفرین قادر و توانا

سنت های الهی به سبک غفوری

جامع دینی

۹۹

گارانتی تضمینی
۱۰۰ درصد

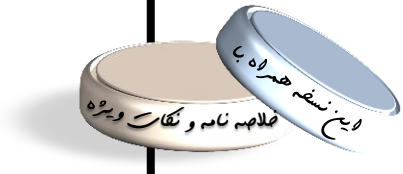

دین و زندگی جـــامع کنکور

استاد مهدی غفوری

کنکور ۹۹

دین و زندگی چهارم دبیرستان

درس ۶ (سنت های الهی)

قانو نمندی و نظام حاکم بر جهان خلقت، تجلی تقدیر الهی و زمینه ساز حرکت و پویایی انسان و به کارگیری اراده و اختیار او می شود.

جمع بندی تقدیر در دین و ز ندگی:

براساس تقدیر الهی، جهان خلقت دارای قانون مندی است و پدیده های جهان در دایره قوانین خاصی حرکت می کنند و مسیر تکاملی را می پیمایند یا بر یکدیگر تأثیر می گذارند .این قوانین، اختصاص به پدیده های طبیعی ندارد و زندگی فردی و اجتماعی انسان ها را هم دربر می گیرد.

وقتی که بنی امیه قدرت را به دست گرفتند و حاکم مسلمانان شدند و به چپاول و غارت اموال مسلمانان پرداختند و قوانین اسلام را زیر پا گذاشتند، برای اینکه زمینه اعتراض و قیام مردم را از بین ببرند، عقیده جبری گری را بین مردم رواج دادند و هرگونه حق طلبی را مبارزه با تقدیر و سرنوشت معرفی می کردند، به گونه ای که مردم فکر کنند مبارزه با ستمگری مانند یزید، مبارزه با خواست و تقدیر الهی است.

موجودات جهان از آن جهت که خداوند متعال حدود، اندازه، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آنها را تعیین می کند، مقدَّر به تقدیر الهی هستند.

بر خی چنین پنداشته اند که قضا و قدر الهی با اختیار انسان ناسازگار است و تصور می کنند تقدیر، چیزی ورای قانون مندی و نظم است که وقتی به حادثه ای تعلق گرفت، هر قانونی را لغو و هر نظمی را برهم می زند؛ درحالی که خواهیم دید بدون پذیرش قضا و قدر الهی هیچ نظمی برقرار نمی شود و هیچ زمینه ای برای کار اختیاری پدید نمی آید.

خَلَقناهُ بِقَدَ ر

زندگی در یک جهان قانون مند، این امکان را به ما می دهد که با شناخت و استفاده از قوانین جهان نیازهای خود را برطرف کنیم، استعدادهای خود را به فعلیت برسانیم و یله های کمال را بپیما ییم .نام دیگر این قانون مندی و نظم و سامان((قضا و قدر الهی)) است.

امام علی: از قضای الهی به قَدَر الهی پناه می برم.

ای‌نکه می گوییم خداوند با حکمت خود، اندازه، ویژگی و نقشه پدیده ها را معین می کند و با اراده خود محقق می سازد، به این معناست که حوادث جهان و از جمله کارهای انسان تحت تدبیر و اراده خداوند و مظهری از قضا و قدر اوست.

وَالَّذی قَدَّرَ فَهَد ی

اِنّا کُلَّ شَیءٍ خَلَقناهُ بِقَدَرٍ

پیامبر:

نَحنُ مَعاشِرَ الاَنبیاء : ما انبیاء مأمور شده ایم

اُمِرنا اَن نُکَلِّمَ النّاسَ : که با مردم به اندازه

.عَلی قَدرِ عُقولِهِم فهم و درکشان سخن بگوییم

ازدواج با فاطمه، دختر رسول خدا موهبتی عظیم و آسمانی بود که خدا برای حضرت علی مقدر کرده بود.

جمع بندی تجلی در دین و ز ندگی:

قانو نمندی و نظام حاکم بر جهان خلقت، تجلی تقدیر الهی و زمینه ساز حرکت و پویایی انسان و به کارگیری اراده و اختیار او می شود.

حضرت علی: الحمد لله المتجلی لخلقه بخلقه: سپاس خدای را که با آفرینش موجودات برای آفریدگان تجلی کرد.

تجلی گه خود کرد خدا دیدهٔ ما را/در این دیده درآیید و ببینید خدا را

بخشی از پاداش و جزای مردم در عالم برزخ داده می شود. مؤمنان در بهشت برزخی و کافران در جهنم برزخی که تجلی کوچکی از بهشت و جهنم آخرت است، روزگار می گذرانند.

ظاهر هر کس تجلّی اندیشه و باور اوست و اندیشه ها، اخلاق و روحیات، اعمال و ظواهر را می سازند و شکل می دهند.

زن، مظهر جمال خلقت است و این زیبایی هم در باطن و هم در ظاهر او متجلّی است .احساسات لطیف زن که بیانگر زیبایی های درونی وی (نه بیرونی) می باشند و همچون سایه ی رحمت الهی، آرامش بخش کانون گرم خانواده است، با زیبایی ظاهر او عجین شده است.

سنت های الهی:

براساس تقدیر الهی، جهان خلقت دارای قانون مندی است و پدیده های جهان در دایره قوانین خاصی حرکت می کنند و مسیر تکاملی را می پیمایند یا بر یکدیگر تأثیر می گذارند .این قوانین، اختصاص به پدیده های طبیعی ندارد و زندگی فردی و اجتماعی انسان ها را هم دربر می گیرد . قرآن کریم از این قوانین با عنوان ((سنت های الهی)) یاد کرده و انسان ها را به شناخت آنها، به خصوص سنت های مربوط به زندگی انسا ن ها دعوت نمود ه است.

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ
فَسيروا فِي الأَرْضِ فَانْظُروا
كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُكَذِّبينَ

شناخت قوانین جهان خلقت سبب آشنایی ما با نشانه های الهی و درک عظمت خالق آنها و نیز بهره مندی از طبیعت می شود .

شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان ها، موجب تنظیم درست رابطه انسان با خود، دیگران، جهان خلقت و خداوند می گردد و راه رسیدن به کمال را هموار می کند.

تست تالیفی غفوری: کدام گزینه به درستی بیان شده است؟ (شبیه ساز زبان ۹۵ و خارج کشور ۹۳)

۱) شناخت قوانین جهان خلقت سبب آشنایی ما با نشانه های الهی و درک عظمت خالق آنها و نیز راه رسیدن به کمال را هموار می کند.

۲) شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان ها، موجب تنظیم درست رابطه انسان با خود، دیگران، جهان خلقت و خداوند می گردد.

۳) جهان خلقت دارای قانون مندی است و پدیده های جهان در دایره قوانین خاصی حرکت می کنند و مسیر تکاملی را بدون اثر پذیری از همدیگر می پیمایند.

٤) قانو نمندی و نظام حاکم بر جهان خلقت، زمینه ساز تقدیر الهی و تجلی حرکت و پویایی انسان است.

امتحان و ابتلاء:

مربوط به چگونگی و فرایند رشد و تکامل انسان و عامل ظهور و بروز استعدادهای اوست.

هر انسان انتخابگری برای این که نیت و تمایل درونی خود را نشان دهد و نتیجه آنچه را برگزیده است، آشکارا مشاهده کند، همواره در معرض امتحان و آزمایش است.

کسی که ایمان خود به خداوند و راه هدایت الهی را اعلام می کند، وارد آزمایش های ویژه و امتحان های خاص می گردد.

همه انسان ها در طول عمر خود در معرض آزمایش اند و پیروزی یا شکست در این آزمایش ها، سبب جدا شدن انسان های خوب از بد و ساخته شدن و تکامل،یا خسران و عقب ماندگی آنها می گردد.

بَلاءِهِ أَحَسِبَ النّاسُ أَنْ يُتْرَكوا
أَنْ يَقولوا آمَنّا
وَ هُمْ لايُفْتَنونَ

امام صادق: انّما المُؤمِنُ بِمَنزِلَةِ كَفَّةِ المِيزانِ كُلَّما زيدَ فی ___

چند مورد از مطالب زیر در مورد سنت ابتلا درست ذکر شده است؟

۱) از سنت‌های الهی است که هرچقدر ایمان شخص بیشتر شود غالباً سختی و مرارت بیشتری بر او وارد می‌شود. ص

۲) موجب می‌شود انسان شایستگی‌های رشد و کمال خود را نشان دهد و شخصیت خود را خالص‌تر گرداند. ص

۳) رهنمودهای پیشوایان دین به ما می آموزند که زندگی ما به شدت تحت تأثیر رفتارهای ماست. غ

۴) در جهت تجلی تمایلات درونی هر انسانی با قوه ی اختیار لازم است تا وی مورد آزمایش الهی قرار گیرد. ص

۵) این سنت الهی نتیجه سرمایه ارزشمندی در انسان هاست که از دقت در آیه شریفه ی ((حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ)) بدست می آید. ص (منظور=اختیار)

۶) ادعای ایمان ورود به امتحانات خاص را بدنبال دارد. ص

۷) آن جا که امام صادق می فرماید: ((انّما المُؤمِنُ بِمَنزِلَةِ كِفّة المِيزانِ كُلَّما زيدَ فی بَلاءِهِ)) ورود انسان با ایمان را به حیطه ی امتحان خاص اعلام می نماید که منادیگرپیام آیه شریفه ی ((احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا ...)) می باشد. ص

دو آیه (سیروا فی الارض) دار در دینی دوم و سوم داریم که یکی به (افلا تعقلون) ختم میشن باید جمع بندی کنیم:

((أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا ____

سیر و سیاحت در زمین و آگاهی از تاریخ و درس عبرت گرفتن، برای هدایت و تربیت بسیار کارگشاست.

کفار از مخالفت با پیامبران چیزی بدست نمی‌آورند، در دنیا گرفتار قهر و عذابند. ولی اهل تقوا به آخرت که بهتر از دنیاست می‌رسند.

به کار انداختن عقل و فکر بشر از اهداف رسالت انبیا و قرآن است.

روش حفظ: تنها آیه (سیروا فی الارض) در دینی کنکور که با فعل مضارع آمده است (یسیروا)(ینظروا)(تعقلون)

((قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنْشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)) تَعْقِلُونَ))

نتایج سیر و گردش در زمین:

۱)درک چگونگی پیدایش دنیا

۲)مشاهده ی چگونگی آفرینش جهان پس از مرگ

۳)مشاهده قدرت خداوند

آفرینش نخستین انسان از دلایل امکان معاد

وجود جهان پس از مرگ لازمه هدفمندی جهان خلقت می باشد.

روش حفظ: آیه با (ق) شروع میشه و با (ق) هم تموم میشه.

یک آیه (سیروا فی الارض) هم در این درس خواندیم:

((قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ))

شکست و سقوط مخالفان حقّ، حتمی است، اگر شك دارید، تاریخشان را بخوانید و با سفر، آثارشان را ببینید و عبرت بگیرید.

عوامل عزّت یا سقوط جوامع، قانونمند است(سنت الهی) . اگر عواملی مثل انکار و تکذیب حقّ در زمانی سبب هلاکت شد، در زمان‌های دیگر هم سبب می‌شود .

هدف از دستور سیر در زمین عبرت گرفتن و آدم شدن است و کافران هرگز به این آیه با این هدف عمل نکرده‌اند.

امداد الهی:

در برابر دعوت انبیاء، مردم دو دسته می شوند : دسته ای به ندای حقیقت پاسخ مثبت می دهند و هدایت الهی را می پذیرند و دسته ای لجاجت ورزیده و در مقابل حق می ایستند.

سنت الهی این است که هر کس با اراده و اختیار خود، راه حق یا باطل را برگزیند، شرایطی برای او فراهم شود که در مسیری که انتخاب کرده، به پیش رود و سرشت خود را آشکار کند.

یعنی خداوند برای هر دو گروه امکانات و لوازم رسیدن به خواسته ها و هدف هایشان را فراهم می کند.

کسی که راه حق را برمی گزیند، مورد لطف خداوند قرار می گیرد و مراتب کمال را می پیماید.

افرادی که فقط خواهان دنیا هستند و برای آن می دوند، آن را به دست می آورند . البته اینان عواقب زیانبار این تصمیم را در آخرت مشاهده خواهند کرد.

روی آوردن دنیا و لذت های دنیایی به برخی انسان های گنا هکار نشانه لطف خداوند به آنان نیست . زیرا از نعمت بی پایان الهی محروم مانده اند.

كُلًّا نُمِدُّ هٰؤُلاءِ
وَ هٰؤُلاءِ مِنْ عَطاءِ رَبِّكَ
وَ ما كانَ عَطاءُ رَبِّكَ مَحظورًا

تست: چند مورد از مطالب زیر در مورد سنت امداد درست ذکر شده است؟

۱) **امداد الهی برای حق و باطل مسدود نمی شود. ص**

۲) **کسی که راه حق را برمی گزیند، مورد لطف خداوند قرار می گیرد و مراتب کمال را می پیماید و کسی که فقط خواهان دنیا باشد نه تنها در دنیا به خواسته اش نمی رسد بلکه در آخرت نیز سودی نمی بینید. غ (دنیا خواهان دنیا را بدست...)**

۳) **برای اعمال زیان کار ترین مردم، خداوند هیچ ارزش و میزانی قرار نداده با آن که رسیدن به دنیا در نتیجه سعی و تلاش آن ها و سنت عام امداد ، برای شان فراهم شده است. ص**

۴) **کمک های الهی و ایجاد شرایطی که فرد بتواند در راهی که انتخاب کرده است به پیش رود همیشگی و قانون مند است. ص**

۵) **در برابر رهنمودهایی که پیشوایان دین به ما می آموزند ، مردم دو دسته می شوند: دسته ای به ندای حقیقت پاسخ مثبت می دهند و هدایت الهی را می پذیرند و دسته ای لجاجت ورزیده و در مقابل حق می ایستند. غ (در برابر دعوت انبیا نه آموزه ها و رهنمود های پیشوایان دین!)**

۶) **روی آوردن دنیا و لذت های دنیوی به بعضی انسان های گناهکار نشانه ی مورد لطف الهی قرار گرفتن آن هاست. غ (نیست)**

۷) **در مقابل استفاده از امکاناتی که خداوند برای رسیدن به اهداف برایما قرار داده است اگر پیروز شویم به مرحلهٔ بالاتر راه می یابیم و با امتحان جدیدتری روبرو می شویم. غ (قسمت دوم مربوط به سنت ابلا و امتحان و آزمایش است)**

۸) **کسی که راه حق را برمی گزیند، مورد لطف خداوند قرار می گیرد و در صورت داشتن ایمان و عمل صالح و تقوا مراتب کما ل را می پیماید. ص**

۹) **همراه با سعی و تلاشی که انسان از خود نشان می دهد، خداوند نیز شرایط و اسباب را چنان فراهم می سازد که وی بتواند آسان تر به مقصد برسد. غ (چون کلید واژه ی آسان تر + فراهم ساختن اسباب دارد پس سنت توفیق است)**

توفیق الهی:

امداد خاص خدای متعال نسبت به آنان که با نیت پاک(حسن فاعلی) ، قدم در راه حق ، گذارند و سعادت جهان آخرت و رضایت پروردگار را هدف خود قرار دهند.

همراه با سعی و تلاشی که انسان از خود نشان می دهد، خداوند نیز شرایط و اسباب را چنان فراهم می سازد که وی بتواند آسان تر به مقصد برسد.

نصرت و هدایت الهی به دنبال تلاش و مجاهدت است .خداوند، انسان تلاشگر و مجاهد را حمایت می کند، دست او را می گیرد و با پشتیبانی خود به پیش می برد.

در حقیقت، انسانِ حق گرا، خود را با نظام حاکم بر جهان که نظامی حق است، هماهنگ کرده و درنتیجه نظام خلقت به او کمک می کند و یک قدمش به اندازه ده ها قدم نتیجه می دهد. قرآن کریم وعده می دهد که بیست نفر یا صد نفر انسان تقواپیشه و شکیبا بر دویست نفر یا هزار نفر از کفار پیروز می شوند.

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا
لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا
وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ

تست: چند مورد از مطالب زیر در مورد سنت توفیق درست ذکر شده است؟

۱) همراه با سعی و تلاشی که انسان از خود نشان می دهد، خداوند نیز شرایط و اسباب را چنان فراهم می سازد که وی بتواند آسان تر به مقصد برسد. ص

۲) برای رسیدن به هدایت الهی تلاش لازم است و باید گام اول را خود انسان بردارد. ص

۳) شرط پیروزی عده ای کم بر عده ای بسیار علاوه بر تقوا، صبر است. ص

۴) این که در بارور شدن بیشترِ تلاش انسان حق گرا، نظام حاکم بر جهان که نظامی حق است را تنها عامل بدانیم به نوعی شرک در ربوبیت دچار شده ایم. ص نظام حاکم بر جهان فقط کمک کننده است و خالق این نظام که خداوند است باعث چند برابر شدن حاصل و نتیجه اعمال انسان حق گرا می شود.

۵) تلاش و مجاهدت انسان انتخاب گر، معلولِ نصرت و هدایت الهی است که سعادت جهان آخرت و رضایت پروردگار را به دنبال دارد. غ (تلاش و مجاهدت انسان انتخاب گر، علتِ نصرت و هدایت الهی است)

املاء :

آنان که راه باطل را برمی گزینند و با حق عناد و دشمنی می ورزند، خداوند به آنها مهلت و فرصت زندگی می دهد ولی آنها این فرصت را وسیله غوطه ور شدن در تاریکی ها قرار می دهند؛ به طوری که اگر در ابتدا اندک امیدی وجود داشت که نور حقی در دل آنها بتابد، به تدریج چنین امیدی بر باد رفته و به شقاوت ابدی گرفتار خواهند شد.

درحقیقت، مهلت ها و امکانات، با اختیار و اراده خودشان به صورت بلای الهی جلوه گر شده و باعث می شود که بار گناهان آنان هر روز سنگین و سنگین تر شود.

وَلا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِأَنْفُسِهِمْ
إِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ

استدراج:

گاهی خداوند علاوه بر مهلت دادن، بر امکانات گمراهان می افزاید و آنها با استفاده از همین امکانات، و با اصرار خود بیشتر در فساد فرو می روند و قدم به قدم از انسانیت فاصله گرفته، و به تدریج به سوی هلاکت ابدی نزدیک تر می شوند.

حالت تدریجی در حرکت به سوی عذاب الهی است.

وَالَّذینَ کَذَّبوا بِآیاتِنا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَیْثُ لایَعْلَمونَ
وَ اُمْلی لَهُمْ اِنَّ کَیْدی مَتینٌ

نکات خیییلی مهم:

کفروا: در ابتدای آیه املا دیده میشه.

کذبوا: در ابتدای آیه استدراج دیده میشه.

(کذبوا که دو تا نقطه داره (ذ-ب) بنابراین واسه استدراج هست که (ت) دو نقطه داره)

نملی: وسط آیه املا دیده میشه

املی: وسط آیه استدراج دیده میشه.

(استدراج دو تا (الف) داره پس املا (املی) هم که دو تا (الف) داره واسه استدراجه دیگه!)

مهین: انتهای آیه املا دیده میشه.

متین: انتهای آیه استدراج دیده میشه.

(متین که (ت) داره استدراج هم (ت) داره دیگه!)

تفاوت در پاداش و کیفر:

با آنکه براساس عدل، خداوند باید به همه بندگان براساس میزان اعمالشان پاداش یا جزا دهد، اما از آن جا که خداوند با فضل خود با بندگان رفتار می کند، کار نیک را چند برابر و کار بد را فقط به اندازه خودش پاداش و جزا می دهد.

مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ اَمْثالِها
وَ مَنْ جاءَ بِالسَّیِّئَةِ فَلا یُجْزیٰ اِلّا مِثْلَها
وَ هُمْ لا یُظْلَمونَ

در مورد قیامت

تاثیر نیکی یا بدی در سرنوشت:

رهنمودهای پیشوایان دین به ما می آموزند که زندگی ما به شدت تحت تأثیر رفتارهای ماست .

نیکوکاری یا گناه از جمله عوامل مؤثر در طول عمر یا کوتاهی آن هستند.

دعا می تواند سبب بسیاری از خوبی ها و مانع بسیاری از بلاها گردد، به شرطی که:

۱) دعا با شرایط واقعی آن انجام و ۲)چیزی که انسان از خداوند درخواست می کند، در نهایت به ضرر او تمام نشود.

امام صادق:

مَنْ یَمُوتُ بالذُنوب أَکْثَرُ مِمَّنْ یَمُوتُ بالآجال وَ مَنْ یَعیشُ بالإحْسان أَکْثَرُ ممَّن یَعیشُ بالأعمار

امروز ثابت شده است که سرچشمه قسمت قابل توجهی از بیماری‌های جسمی، عوامل روحی و معنوی است، و یکی از مهم‌ترین عوامل ناراحتی روانی فشارهای شریری است که از ناحیه وجدان به ظاهر انجام گناه بر روح آدمی وارد می‌شود. انسان گناهکار در دادگاه وجدان محاکمه می‌شود و با مجازات‌های دردناک معنوی وجدان روبه‌رو می‌گردد و عکس‌العمل آن در جسم و جان و حتی در مرگ و میرها آشکار می‌گردد، بعکس، افراد نیکوکار از درون وجدان خود تشویق می‌شوند و همین تشویق معنوی نیرو و نشاط تازه‌ای به آنها می‌دهد و بر طول عمر آنها می‌افزاید نتیجه این که گناه عمر را کوتاه، و کار نیک عمر آدمی را طولانی می‌سازد.

این سنت، یک سنت اجتماعی نیز هست . جامعه ای که در مسیر خوبی ها گام بردارد، درهای رحمت الهی را به روی خود می گشاید و جامعه ای که به گناه آلوده شود، به برخی عذاب ها گرفتار خواهد شد.

وَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُریٰ آمَنوا	اگر مردم شهرها ایمان آورده
وَ اتَّقَوا	و به تقوا گراییده بودند،
لَفَتَحْنا عَلَیْهِمْ	همانا برایشان می‌گشودیم
بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْاَرْضِ	برکاتی از آسمان و زمین
وَلٰکِنْ کَذَّبوا فَاَخَذْناهُمْ	ولی تکذیب کردند، پس آنان را گرفتار ساختم
بِما کانوا یَکْسِبونَ	به کیفر آن چه کسب کردند

اگه هست یادداشت کن:...

مهدی غفوری اولین مدرس دین و زندگی به سبک زیست شناسی در ایران

صد ها نفر همگام با من دینی را صد می زنند پس به کمتر از ۱۰۰ راضی نشو!

به نام جهان آفرین قادر و توانا

بازگشت (توبه) به سبک غفوری

جامع دینی

۹۹

گارانتی تضمینی

۱۰۰ درصد

دین و زندگی جـــامع کنکور

استاد مهدی غفوری

کنکور ۹۹

دین و زندگی چهارم دبیرستان

درس هفتم (بازگشت)

۱)مقدمه:

خدای متعال به حضرت داود فرمود:

ای داود، اگر روی گردانان از من چگونگی انتظارم برای آنان، مدارایم با آنان و اشتیاق مرا به ترک معصیت هایشان می دانستند، بدون شک از شوق آمدن به سوی من جان می دادند و بندبند وجودشان از محبّت من از هم می گسست.

جمع بندی حضرت داود در کل دین و زندگی، (داود سه بار در کتاب درسی دینی تکرار شده است)

۱)توکل:

توکلّ کردن فقط به معنای گفتن جمله ی خدایا، بر تو توکلّ می کنم نیست .بلکه انسان باید در قلب خود بر خدا توکلّ کند و واقعاً او را تکیه گاه خود ببیند . اگر این گونه باشیم، خداوند کارهای ما را به بهترین وجه چاره خواهد کرد و آن چیزی را که حقیقتاً به نفع ماست پیش خواهد آورد . خداوند آینده هایی را می بیند که ما نمی بینیم و به مصلحت هایی توجه دارد که ما درک نمی کنیم .گاهی چیزهایی را به نفع خود می پنداریم در حالی که به ضرر ماست، یا اموری را به ضرر خود می دانیم در حالی که به نفع ماست بنابراین شایسته است که با اخلاص بر خدا اعتماد کنیم و بدانیم که هیچ قدرتی در جهان مانع چاره سازی خدا نیست.

امام صادق فرمود : خداوند به داود وحی کرد هر بنده ای از بندگانم به جای پناه بردن به دیگری با نیّت خالص به من پناه آورد، از کارش چاره جویی می کنم، گرچه همه ی آسمان ها و زمین و هرچه در آن هاست، علیه او برخیزند.

۲)امر به معروف و نهی از منکر:

قوم بنی اسرائیل، هم در زمان حضرت داود و هم در عصر حضرت عیسی راه نافرمانی از خدا را پیش گرفتند و چنان در گناه غرق شدند که مورد لعن این پیامبران بزرگ واقع شدند.

صادق درباره ی آنان می فرماید:

گروهی از اینان هرگز در کارهای گناهکاران شرکت نداشتند امّا هنگامی که آن ها را ملاقات می کردند، به روی آن ها می خندیدند و با آنان مأنوس می شدند.

جملات خطی مهم محبت در دین و زندگی کنکور:

خداوند، سرشت ما را با خود آشنا کرد و گرایش به خود را که گرایش به همه ی خوبی ها و زیبایی هاست، در ما قرار داد .از این رو، هر کس در خود می نگرد یا به تماشای جهان می نشیند، خدا را می یابد و محبتش را در دل حس می کند.

کودکی که از مادر متولّد می شود، رحمت الهی را به خانه می آورد، شادی و نشاط را در خانواده می پراکند و نهال عشق و محبت را در دل مادر و پدر می پرورد.

آفرینش با رحمت و محبّت آغاز شد. خدای رحمان موجودات را آفرید و رحمتش را در همه جا گستراند.(رَحْمَتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْءٍ)

گروهی به خدا دل سپردند و راه اطاعت پیمودند و برخی محبّت و رحمتش را از یاد بردند و راه سرپیچی پیش گرفتند(مفهوم روی گردانان از خداوند) خداوند درهای بازگشت را به رویشان گشود و یاد خود را در دلشان انداخت تا شاید دوباره (مفهوم توبه) به سویش روکنند.

نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود / زمانه طرح محبّت نه این زمان انداخت

حافظ می گوید محبت و الفت، بر آفرینش جهان مقدم است و خداوند جهان را براساس محبت بنا نهاد.

وَمِنَ النّاسِ مَنْ يَتّخِذُ مِنْ دُونِ اللّهِ أَنْدَادً ا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللّهِ حُبًّا وَالّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ لِلّهِ (کسانی محبت بیشتری دارند)

محبّت و دوستی سرچشمه ی اصلی تصمیم ها و کارهای انسان است . فعّالیّت هایی که آدمی در طول زندگی انجام می دهد، ریشه در دل بستگی ها و محبّت های او دارد و همین محبّت هاست که به زندگی آدم ها جهت می بخشد. هرقدر این محبّت شدیدتر باشد، تأثیر آن نیز در زندگی عمیق تر و گسترده تر است.

محبت به فرزند در دختر سبب می شود از خودمحوری درآید، خود را فراموش کند و فردی ایثارگر، با اراده، نیرومند، مصمم و پرکار شود.

اگر عشق و محبّت انسان از امور مادی محدود فراتر رود و دل به سرچشمه ی کمالات و زیبایی ها سپارد، این عشق زندگی او را بیش از این دگرگون می کند . سرگذشت دوستان خدا این گونه است.

آن کس که به خدا ایمان دارد و محبّت او را در قلب خود جای داده است، به میزانی که ایمانش اوج می گیرد و محبّتش فزون تر و عمیق تر می شود، احساس حیاتی دوباره می کند و شور و شوقی فرح بخش وجودش را فرا می گیرد.

امام خمینی: مگر تحقق دیانت جز اعلام محبت و وفاداری نسبت به حق و اظهار خشم و برائت نسبت به باطل است؟ حاشا که خلوص عشق موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر شود.

خداوند می خواهد که مردم با محبت به اهل بیت پیامبر و پیروی از آن ها، در هنگام آزمون های سخت اجتماعی و بحران های اعتقادی و فکری راه مستقیم را گم نکنند و گمراه نشوند.

لطف و محبّت امام همواره وجود دارد تا جایی که اگر کمک و دستگیری ایشان نباشد، مشکلات و توطئه های دشمنان، ریشه مسلمانان و شیعیان را قطع خواهد کرد . در حقیقت، هم اکنون نیز امام عصر سرپرست، حافظ و یاور مسلمانان است.

افزایش معرفت به امام عصر و تقویت محبّتی که به دنبال آن می آید، وظیفه هر مسلمانی است.

توانمندی عاطفی بالای زنان و قدرت جسمی بیش تر مردان برای آن است که زن و مرد دو نقش تکمیلی در کنار هم ایفا نمایند .زن، با محبت مادری، فرزندان را رشد دهد و مرد با کار کردن خود نان آور خانواده باشد.

داشتن قدرت انتخاب، ارزشمند و در عین حال، مسئولیت زاست .برای موفق شدن در این مسئولیت، باید با چشم باز عمل کرد و به انتخابی شایسته دست زد .لازمه چنین انتخابی، تسلّط کامل بر شور و احساس جوانی است . همواره دیده ایم که علاقه و محبّت اولیه، چشم و گوش را می بندد و عقل را به حاشیه می راند.

پدر و مادر به علت علاقه و محبت به فرزند، معمولاً مصلحت و خوش بختی او را درنظر می گیرند و به علت تجربه و پختگی شان، بهتر می توانند خصوصیات افراد را دریابند و عاقبت ازدواج را پیش بینی کنند.

در پیمان زناشویی، مرد به نشانه ارزشی که برای زن قائل است و اعلام صداقت خود در محبّت به همسر، متعهد می شود که هدیه ای را به عنوان (مهر) به زن تقدیم کند.

مهر و محبّت پشتوانه اصلی تحکیم خانواده است نه مهریه که جنبه اقتصادی و مالی دارد.

مرد باید محبّت درونی خود را به همسر ابراز کند و از مخفی کردن آن بپرهیزد . همسر با شنیدن ابراز محبت مرد، اعتماد به نفس فوق العاده ای می یابد و توجه او به زندگی چند برابر می شود.

فداکاری و محبّت مادر به فرزند، به خود مادر هم تعالی می بخشد و نشاط می دهد.

اسلام، وظیفه تأمین معاش را از دوش مادران برداشته تا آنان بدون درگیری شغلی و مالی و با خیالی آسوده، مهر و محبّت خود را تقدیم فرزندانشان کنند.

حفظ حرمت پدر و دستورات وی به قانون مند کردن فرزندان کمک می کند و محبت و احترام به مادر حسّ قدردانی و شکر گزاری را در آنان قوی تر می سازد.

۲)تعریف توبه:

تصمیم های جدید همواره برای تکمیل پیمان های قبلی و پیمودن ادامهٔ راه نیست . بلکه گاه برای بازگشت از مسیری است که چندی به غلط پیموده شده و آثار زیان باری بر جای گذاشته است.

۳)مفهوم توبه: (دینی دوم)

گروهی به خدا دل سپردند و راه اطاعت پیمودند و برخی محبّت و رحمتش را از یاد بردند و راه سرپیچی پیش گرفتند(مفهوم روی گردانان از خداوند) خداوند درهای بازگشت را به رویشان گشود و یاد خود را در دلشان انداخت تا شاید دوباره (مفهوم توبه) به سویش روکنند.

۴)داستان بشربن حارث و توبه او: (توبه و پایداری در آن یک انسان عیاش را پرهیزگار و خداپرست می کند)

روزی امام موسی کاظم از کوچه های بغداد می گذشت. از یک خانه ای صدای عربده و تار و تنبور بلند بود، می زدند و می رقصیدند و صدای پایکوبی می آمد. اتفاقا یک خادمه ای از منزل بیرون آمد در حالی که آشغالهایی همراهش بود و گویا می خواست بیرون بریزد تا مامورین شهرداری ببرند. امام به او فرمود صاحب این خانه آزاد است یا بنده؟ سؤال عجیبی بود. گفت: از خانه به این مجللی این را نمی فهمی؟ این خانه «بشر» است، یکی از رجال، یکی از اشراف، یکی از اعیان، معلوم است که آزاد است. فرمود: بله، آزاد است، اگر بنده می بود که این سر و صداها از خانه اش بلند نبود. حال، چه جمله های دیگری رد و بدل شده است دیگر ننوشته اند، همین قدر نوشته اند که اندکی طول کشید و مکثی شد. آقا رفتند. بشر متوجه شد که چند دقیقه ای طول کشید. آمد نزد او و گفت: چرا معطل کردی؟ گفت: یک مردی مرا به حرف گرفت. گفت: چه گفت؟ گفت: یک سؤال عجیبی از من کرد. چه سؤال کرد؟ از من پرسید که صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟ گفتم البته که آزاد است. بعد هم گفت: بله، آزاد است، اگر بنده می بود که این سر و صداها بیرون نمی آمد. گفت: آن مرد چه نشانه هایی داشت؟ علائم و نشانه ها را که گفت، فهمید که موسی بن جعفر است. گفت: کجا رفت؟ از این طرف رفت. پایش لخت بود، به خود فرصت نداد که برود کفشهایش را بپوشد، برای اینکه ممکن است آقا را پیدا نکند. پای برهنه بیرون دوید. (همین جمله در او انقلاب ایجاد کرد.) دوید، خودش را انداخت به دامن امام و عرض کرد: شما چه گفتید؟ امام فرمود: من این را

گفتم. فهمید که مقصود چیست. گفت: آقا! من از همین ساعت می خواهم بنده خدا باشم، و واقعا هم راست گفت. از آن ساعت دیگر بنده خدا شد.

تیپ سوالات بشربن حارث: (مانند ریدینگ های زبان است با این تفاوت که متن را به شما نمی دهند!)

۱. کدام امام باعث توبه شد؟ موسی کاظم یا امام هفتم پدرش جعفر صادق و پسرش علی بن موسی الرضا در زمان خلفای عباسی
۲. اعلام توبه به تنهایی او را در سلک مردان پرهیزگار در آورد؟ خیر؛ وفاداری در پیمان
۳. پاسخ خدمتکار به امام؟ حارث آزاد است.
۴. پاسخ امام به خدمتکار؟ اگر بنده بود حرمت مالک(توحید مالکیت) و صاحب(توحید خالقیت) خانه خود(منظور خداوند) را نگه می داشت(ترکیبی: فرزندان هم باید حرمت والدین خود را نگه دارند)
۵. زمان توبه چه موقع بود؟ بلافاصله پس از پرسیدن علت تاخیر خدمتکار و پابرهنه دویدن به سوی امام موسی کاظم
۶. عامل توبه چه بود؟ کلام امام همچون تیری بر قلب بشربن حارث نشست.
۷. لازمه توبه چیست؟ انقلاب درونی فرد (همان طور که حارث پس از شنیدن کلام امام منقلب شد)
۸. لازمه تدوام توبه شخص چیست؟ وفاداری در پیمان خویش
۹. شغل حارث چه بود؟ اشراف زاده(همون آقا زاده!!!)

۵)انقلاب علیه خود:

گیاهان، به میزانی اندک، و حیوان ها، قدری بیشتر، می توانند در برابر موانع بیرونی جهت خود را تغییر دهند (مثال: تغییر جهت گیاه در اثر آنزیم اکسین به سمت نور و یا فرار از نور در پلاناریا یادت هست پلاناریا دستگاه عصبی مرکزی اش از ۱ مغز و ۲ عدد طناب عصبی شکمی تشکیل شده بود! بین طناب ها رشته های عصبی وجود داشت که جز دستگاه عصبی محیطی محسوب میشد! زیست و دینی رو اینجوری ترکیب کن!) و مسیر حرکت را عوض کنند.

امّا هیچ کدام از گیاهان و حیوانات توانایی آن را ندارند که علیه خود و تمایلات درونی کاری انجام دهند.

انسان، تنها موجودی است که هم می تواند با گناه به خود ستم کند و هم علیه خواسته های زشت خود قیام کند و انقلاب نماید.

خب کتاب درسی اومده یه (بررسی) آورده که اگه بررسیش نکنی بازی رو باختی پس با من باش:

بررسی

با توجه به آنچه در سال‌های قبل دربارهٔ «نفس امّارهٔ به بدی» و «نفس لوّامه» و «خوددانی» و «خودعالی» آموخته‌اید، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱ – کدام یک از آیات ابتدای درس دربارهٔ ظلم به خود می‌باشد؟

.....

۲ – چگونه انسان به خود ظلم می‌کند؟

.....

۳ – انقلاب علیه خود چگونه است؟ کدام خود علیه کدام خود انقلاب می‌کند؟

.....

.....

تحلیل انواع نفس در کل دین و زندگی کنکور:

الف) نفس امارّهٔ

که همواره انسان را به بدی‌ها فرمان می‌دهد و اگر با عقل و ایمان مهار نشود، انسان را به سقوط و تباهی می‌کشاند.

در قرآن می‌خوانیم: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلّا ما رَحِمَ رَبِّی » به درستی که نفس انسان را به کارهای زشت وا

می‌دهد مگر آن که پروردگارم رحم کند.

این نفس، آنقدر خواهش و خواسته خود را تکرار می‌کند تا انسان را گرفتار سازد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: نفس امّارهٔ همچون فرد منافق تملّق انسان را می گوید و در قالب دوست جلوه می‌کند تا بر انسان مسلّط شود و او را به مراحل بعد وارد کند.

کل جملات کتاب:

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْنْسَانَ وَ نَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ(در این جا اقرب: منظور قرب وجودی نه قرب الهی)

نفس هر دم در درونت در کمین...

در زمان تسلیم شدن انسان در برابر نفس اماره شکست درونی متبوع شکست بیرونی است

دشمن ترین دشمن تو همان نفسی است که در درون توست.

عاملی درونی، انسان ها را برای رسیدن به لذت های زود گذر دنیایی، به گناه دعوت می کند و از پیروی از عقل و وجدان(نفس لوامه) باز می دارد .

ب)نفس لوامه:

مراد از آن، همان وجدان اخلاقی باشد. آری، انسان دارای حالتی است که در برابر انجام بدی‌ها یا کم شدن خوبی‌ها، هم در دنیا خود را ملامت می‌کند و هم در آخرت. این ملامت‌ها، همان ندامت و پشیمانی است که می‌تواند مقدّمه توبه(درس ۷ پیش) باشد و یا بستری برای یأس و خودباختگی(درس ۵ دوم دیدگاه مایدیون) فراهم آورد.

(کامل توضیح داده شد در مورد شماره ۹)

ج)نفس مطمئنّهٔ :

که در اثر نماز و یاد خدا حاصل می‌شود و انسان به آرامش و اطمینان دست پیدا می‌کند. قرآن کریم در یک می‌فرماید: «أَقِمِ الصَّلاةَ لِذِکْرِی» نماز را به پادار تا به یاد من برسی و در جای دیگر می‌فرماید: «أَلا بِذِکْرِ اللّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» آگاه باشید که با یاد خداوند دلها اطمینان و آرامش پیدا می‌کنند.

در مقابل تردید و تشکیک مخالفان در معاد که بازگشت آن به قدرت خداوند است، قرآن بر قدرت الهی در باز آفریدن انسان‌ها تأکید می‌کند. (اثبات امکان معاد با ذکر نمونه ها) اینجوری بگو یادت نره: مطمئن باش معادی در کار هست!

حالا:

بررسی آیه مربوط به ظلم خود(پاسخ سوال یک بررسی کنید کتاب)

وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا

پیام آیات:

سوء در لغت، به معنای زیان رسانی به دیگران هم آمده است. پس آیه هم ظلم به مردم و هم ستم به خویش را مطرح می کند. چنانکه برخی مراد از «سوء» را گناه صغیره و مراد از «ظلم به نفس» را گناهان کبیره دانسته‌اند.

انسان حقّ ندارد حتّی به خودش ظلم کند و گناه در حقیقت ظلم به خویشتن است. یَظْلِمْ نَفْسَهُ

راه بازگشت برای خطاکاران باز است. یَسْتَغْفِرِ اللَّهَ

میان استغفار بنده و مغفرت الهی، فاصله‌ای نیست. یَسْتَغْفِرِ اللَّهَ یَجِدِ اللَّهَ غَفُوراً

توبه‌ی واقعی چنان شیرین است که انسان، رحمت الهی را در درون خود احساس می کند. یَجِدِ اللَّهَ غَفُوراً رَحِیماً

خداوند نه تنها بدی ها را می بخشد، بلکه مهربان هم هست. غَفُوراً رَحِیماً

ظلم انسان به خودش با ارتکاب گناهان است.

به شرطی که پس از ظلم انسان به خودش نفس لوامه یا همان خود عالی در مقابل نفس اماره یا همان خود دانی قیام کند توبه صورت پذیرفته است.

یک انقلاب درونی علیه خود لازم است تا نفس لوامه با پیروزی بر نفس اماره و شیطان بتواند به توبه معنی بخشد.

این آیه بیانگر تجلی صفت مهربانی و غفران الهی برای انسان توبه کار است.

رمز آیه: ظلم به خود–یظلم نفسه–انتهای آیه :غفور+رحیم

۶) کاربرد توانایی انقلاب علیه خود: (توضیح مفهومی دیگر از فطرت خدا آشنا/ کلک طراح: استفاده از ویژگی های گرایش به خوبی ها و بیزاری از بدی ها و گول خوردن دانش آموزان!)

وجود ما با گرایش به خدا و محبت به او و گرایش به زیبایی ها و کمالات متعالی سرشته است.(فطرت خدا آشنا در دینی دوم)

همه ما پیوند قلبی میان خود و خدا را احساس می کنیم و رشته محبّتی را که او بر گردن ما بسته است، می یابیم.

خدایی شدن آرزوی ما و در کنار او آرام گرفتن مقصد و مأوای ماست.(مفهوم تقرب الهی)

البته شوق ما به دیدار خداوند، با اشتیاق او به رستگاری و سعادت ما قابل مقایسه نیست . (اشتیاق خداوند آنقدر زیاد است که بنده اگر می دانست از شدت تلاش در جهت تقرب الهی تکه تکه میشد!)

او با لطف و مهربانی بی پایان خود همه ابزارهای رستگاری و کمال را برای ما مهیا ساخته و کوچک ترین همّت ما را با پاداش های بزرگ پاسخ می دهد(سنت تفاوت در پاداش و کیفر) کافی است ما قدمی به سوی او برداریم تا شتابان به سوی ما آید. او در انتظار ما و مشتاق ملاقات ماست.

نکته: گفتیم سنت الهی پس جمع بندی کنیم:

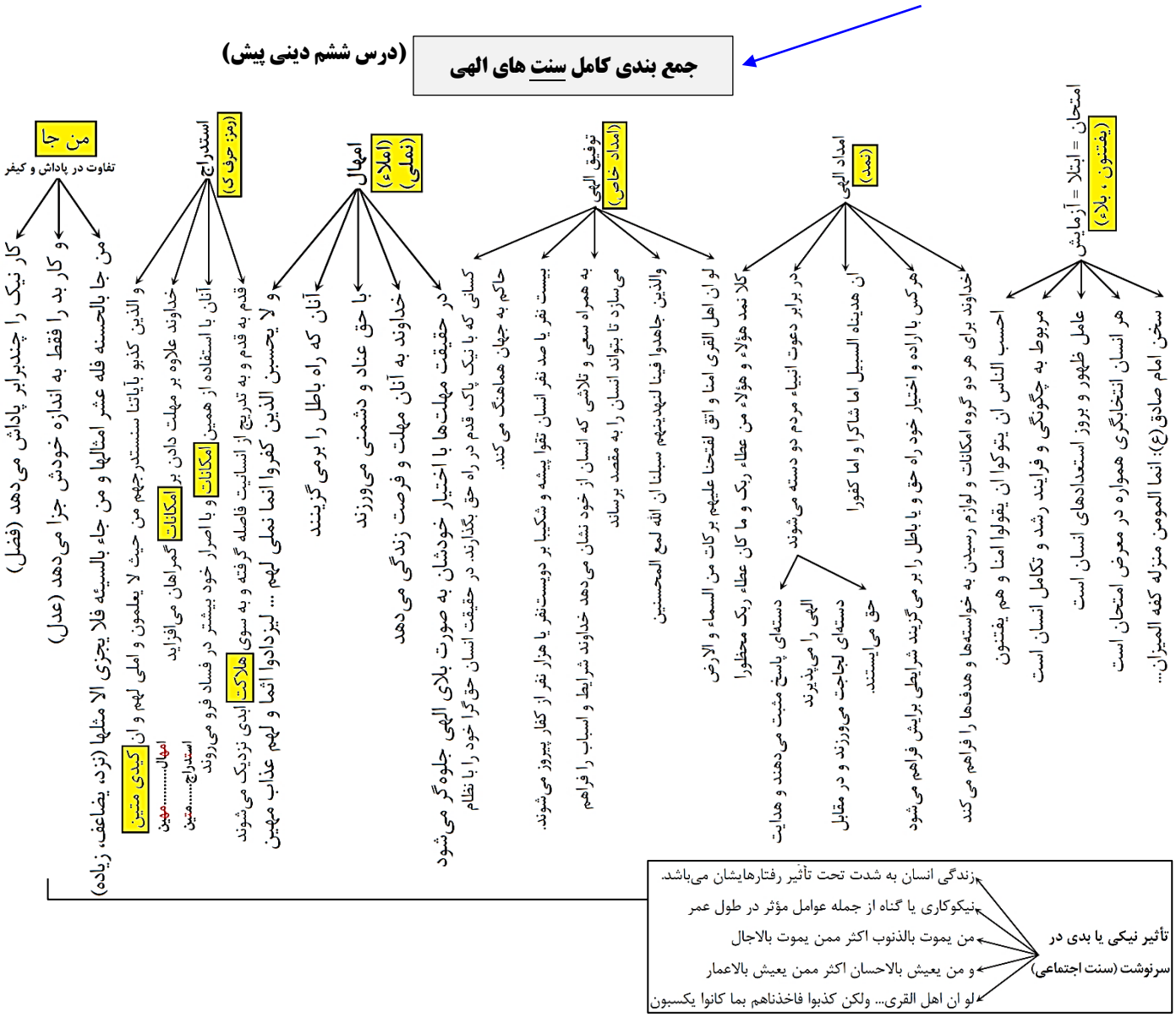

نکته: شوق ما به دیدار خداوند، با اشتیاق او به رستگاری و سعادت ما قابل مقایسه نیست.

نکته: جمع بندی فطرت خدا آشنا در کل دینی کنکور:

با توجه به آیه شریفه ی ((**فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفًا فِطْرَتَ اللّهِ الّتِی فَطَرَ النّاسَ عَلَیْهَا**)) می توان بیان داشت که **چون همه مردم به سرشت الهی خلق شده اند باید به زندگی رویکرد دینی بدهند و خود شناسی مقدم بر خدا شناسی است و این آیه**

مارا از سرگردانی در اینکه (از کجا آمده ام ...) نجات می بخشد و با آیه شریفه ی ((وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ...)) ارتباط مفهومی دارد چرا که قسمت دوم این آیه آمده است: ((وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ)) و ما باید قسمت دوم را حتماً حفظ باشیم چرا که طراح ممکن است قسمت دوم را در تست ندهد؛ **خدا سرشت ما را با خود آشنا کرد و گرایش خود را در ما قرار داد. هر کس در خود می نگرد یا به تماشای جهان می نشیند خدا را می یابد و محبتش را در دل حس می کند .همچنین با حدیث امام علی (ع)؛ (در هیچ چیز ننگریستم مگر اینکه خدا را قبل از آن ، بعد از آن و با آن دیدم) ارتباط مفهومی دارد و با بیت؛ (دوست نزدیک تر از من به من است / وین عجب تر که من از وی دورم ... مهجورم) ارتباط مفهومی دارد و می توان بیان داشت که؛ مشهود بودن خدا در همه یک رمز قابل اعتماد برای سرمایه رشد (فطرت خدا آشنا) می باشد. همچنین نباید این سرمایه رشد را با سرمایه رشد با عنوان؛ (گرایش به خیر و نیکی) اشتباه گرفت که رمز دومی گرایش به چیز های مثبت و بیزاری از چیز های منفی است ولی اولی؛ گرایش به خداست. همه ما پیوند قلبی میان خود و خدا را احساس می کنیم و رشته محبّتی را که او بر گردن ما بسته است، می یابیم. خدایی شدن آرزوی ما و در کنار او آرام گرفتن مقصد و مأوای ماست.**

تیپ تست های مطرح شده در این بخش:

۱. اشتیاق دو طرفه است یا یک طرفه؟ دو طرفه

۲. اشتیاق دیدار خداوند توسط انسان . . . . تر از خداوند به دیدار انسان است. (کمتر)

۳. وجود سرشت خدا آشنا در وجود انسان . . . . . است برای احساس پیوند قلبی میان خود و خداوند . (علت)

۴. آرزوی انسان . . . . . شدن است و مقصد انسان . . . . . است. (خدایی –در کنار خدا آرام گرفتن)

۵. در مورد با بند چهارم طراحان علاقه خاصی به ارتباط بند ۴ با آیه ۵۵ سوره قمر دارند:

فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ

پیام:

متّقین، هم از نظر مادی کامیاب خواهند شد، «فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ» و هم از نظر معنوی. فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ

بهشت، سراسر صداقت است و ذرّه ای دغلبازی در آن راه ندارد. مَقْعَدِ صِدْقٍ

۶. این که خداوند برای هر قدمی که انسان به سویش برمی دارد هزاران قدم و با شتاب به سوی انسان حرکت کند معلول چیست؟

گزینه اول: معلول اشتیاق و شوق بیشتر خداوند به رستگاری و سعادت انسان

گزینه دوم: معلول انتظار خداوند برای ملاقات انسان و فراوانی اشتیاق به ملاقات انسان

جواب: باید به متن کتاب مراجعه کرد چرا که در این مواقع بهترین منبع کتاب درسی است و نه استفاده از احساسات مان!

متن کتاب:

همهٔ ما پیوند قلبی میان خود و خدا را احساس می کنیم و رشتهٔ محبّتی را که او بر گردن ما بسته است، می‌یابیم. «خدایی» شدن آرزوی ما و در کنار او آرام گرفتن مقصد و مأوای ماست.[۱] البته گرایش و شوق ما به دیدار خداوند، با اشتیاق او به رستگاری و سعادت ما قابل مقایسه نیست. او با لطف و مهربانی بی‌پایان خود همهٔ ابزارهای رستگاری و کمال را برای ما مهیا ساخته و کوچک‌ترین همّت ما را با پاداش‌های بزرگ پاسخ می‌دهد. کافی است ما قدمی به سوی او برداریم تا شتابان به سوی ما آید. او در انتظار ما و مشتاق ملاقات ماست.

با عنایت به متن کتاب درسی بهترین گزینه؛ گزینه دوم است ولی گزینه اول هم چندان غلط نیست به هر حال در تست ها اولویت با گزینه دوم است.

---

۷)ناسپاسی:

گاهی آدمی حرمت خدای خود را می شکند، گام در مسیر ناسپاسی می گذارد و خود را به گناهان آلوده می کند و از مسیر رستگاری دور می شود .

تیپ تست ۱: قدم گذاشتن در مسیر ناسپاسی و عدم شکرگزاری علت است برای شکستن حرمت خداوند.

تیپ تست ۲: دور شدن از مسیر رستگاری معلول این است که انسان با ناسپاسی کردن حرمت خدای خویش را بشکند.

تیپ تست ۳: شروع حرمت شکنی با ناسپاسی می باشد که خود گناه است.

گاهی حرمت شکنی به تدریج افزایش می یابد و دامنه گناه آنچنان گسترده می شود که چراغ عقل و فطرت به خاموشی می گراید؛ در این صورت، جهت الهی زندگی عوض می شود و آدمی، پشت به خدا، به سویی که شیطان وسوسه اش می کند، قدم بر می دارد.

تیپ تست ۱: افزایش تدیجی حرمت شکنی با گسترده شدن گناه و خاموشی چراغ عقل و فطرت صورت می گیرد ولی شروع آن با ناسپاسی است.

تیپ تست ۲: در صورتی جهت الهی زندگی انسان تغییر می کند که: حرمت شکنی افزایش داشته باشد.(کلک طراح: با شروع حرمت شکنی ناگهان جهت الهی زندگی تغییر می کند. گزینه ای غلطه مواظب باش اشتباه نکنی)

تیپ تست ۳: در صورتی جهت الهی زندگی انسان تغییر می کند که: دامنه گناه گسترده شود.

تیپ تست ۴: در صورتی جهت الهی زندگی انسان تغییر می کند که: چراغ عقل و فطرت به خاموشی گراید.

ترکیب های خفن ویژه غفوریون:

۱)چراغ های کنکوری!!

الف)برای تشخیص هدف و راه رسیدن به آن، خداوند دو چراغ به وی داده است : عقل در درون وجود او و فرستادگان الهی در بیرون انسان به کمک عقل خود بسیاری از مجهولات و مسائل را درمی یابد و پاسخ می دهد . مثلاً می داند که جهان مبدأ و آفریدگاری دارد و آینده ای روشن در انتظار اوست . همچنین انسان به کمک عقل خود متوجه می شود که نمی تواند پاسخ برخی از مسائل بنیادین را به طور درست و کامل بدهد و برای این گونه مسائل نیازمند هدایت الهی است . از این رو خداوند پیامبرانی را می فرستد تا پاسخ این گونه مسائل را به انسان ها برساند و هدایتشان کند . بدین ترتیب، اگر انسان عاقلانه بیندیشد، راه دست یابی به همه نیازها برای وی مشخص شده و دلیلی برای توجیه ناکامی ها ندارد.

ب)خداوند می خواهد که مردم با محبت به اهل بیت پیامبر و پیروی از آن ها، در هنگام آزمون های سخت اجتماعی و بحران های اعتقادی و فکری راه مستقیم را گم نکنند و گمراه نشوند . پس دوستی و محبت کسانی در آیات موردنظر است که چراغ هدایت مردم در تاریکی ها هستند.

ج) مرجعیت و ولایت فقیه در عصر غیبت، همان چراغ هدایتی است که در پرتو آن می توان راه را از بی راهه شناخت و در میان هزاران راهی که به بن بست می انجامد، راه درست را برگزید و آن را به سلامت پیمود.

د) نور، آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکارشدن چیزهای دیگرمی شود . همین نور معمولی را درنظر بگیریم . نور یک چراغ در اتاق، هم خودش روشن است و هم سبب روشن و آشکار شدن اشیای داخل اتاق می شود. نور بودن خداوند بسیار برتر و بالاتر است . او نور هستی است.

ه) گاهی حرمت شکنی به تدریج افزایش می یابد و دامنه گناه آنچنان گسترده می شود که چراغ عقل و فطرت به خاموشی می گراید؛ در این صورت، جهت الهی زندگی عوض می شود و آدمی، پشت به خدا، به سویی که شیطان وسوسه اش می کند، قدم بر می دارد.

نتیجه: چراغ در تست های کنکور می تواند عقل باشد می تواند فطرت خدا آشنا باشد می تواند درباره هدایت باشد. می تواند در مورد خداوند نور هستی آمده باشد. می تواند به جای فرستادگان الهی برای هدایت تشریعی انسان به کار رود!

۲) جمع بندی (عقل و تعقل) در دین و زندگی:

عاملی درونی، انسان ها را برای رسیدن به لذت های زود گذر دنیایی، به گناه دعوت می کند و از پیروی از عقل و وجدان باز می دارد.(نفس اماره)

قانون عقل و خبر پیامبران: دفع خطر احتمالی لازم است.

نمی شود که انسان های با ایمان و درستکار با پیروی از دین و تبعیت از فطرت و عقل به درجاتی از رشد و کمال برسند و با رسیدن مرگ دفتر زندگی آنان بسته شود و همه ی کمالات کسب شده را از دست بدهند .چنین کاری از خداوند حکیم محال است و هرگز سرنخواهد زد.(ضرورت معاد براساس حکمت الهی)

توکّل، جانشین تنبلی و ندانم کاری افراد نیست بلکه کمک کننده و امیددهنده به کسی است که اهل همّت، تعقل و پشتکار است.(رمز=اهل تپه باید توکل کنن!)

قرآن کریم از انسان ها می خواهد که درباره ی هدفمندی جهان بیندیشند و با عقل و استدلال و منطق آن را بپذیرند . از این رو مردم را دعوت می کند به پدیده های پیرامون خود نظر کنند.

در عصر نزول قرآن رشد عقلی بشریت به میزانی رسیده بود که بتواند کامل ترین برنامه را دریافت کند و به کمک این برنامه، پاسخ نیازهای فردی و اجتماعی خود را به دست آورد.(آمادگی جامعه بشریت از علل ختم نبوت)

رسول خدا در هر فرصتی، فضایل متعالی و جایگاه حضرت علی و اهل بیت را برای مردمی که قرن ها با نظام قبیله ای خو گرفته بودند و ثروت زیاد و نظایر آن را نشانه شرافت می دانستند بیان می کرد تا دل های آنان را برای پذیرفتن امامت و رهبری کسانی آماده کند که میان عرب و غیرعرب تفاوتی قائل نمی شدند و مردم را به تعقل، عدالت و بندگی خداوند فرا می خواندند و ساده می زیستند.

دو آیه (سیروا فی الارض) دار داریم که یکی به (افلا تعقلون) ختم میشن باید جمع بندی کنیم:

((أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا ____

سیر و سیاحت در زمین و آگاهی از تاریخ و درس عبرت گرفتن، برای هدایت و تربیت بسیار کارگشاست.

کفار از مخالفت با پیامبران چیزی بدست نمی‌آورند، در دنیا گرفتار قهر و عذابند. ولی اهل تقوا به آخرت که بهتر از دنیاست می‌رسند.

به کار انداختن عقل و فکر بشر از اهداف رسالت انبیا و قرآن است.

((قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنْشِئُ تَعْقِلُونَ)) النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ))

نتایج سیر و گردش در زمین:

۱)درک چگونگی پیدایش دنیا

۲)مشاهده ی چگونگی آفرینش جهان پس از مرگ

۳)مشاهده قدرت خداوند

آفرینش نخستین انسان از دلایل امکان معاد

وجود جهان پس از مرگ لازمه هدفمندی جهان خلقت می باشد.

برخی امور از نظر عقلی امکان پذیر نیستند و محال است در جهان خارج پیدا شوند؛ برای مثال، ممکن نیست که یک عدد هم زوج و هم فرد باشد .همچنین، ممکن نیست یک جسم در یک زمان، هم در مکان الف باشد و هم در مکان ب .امّا برخی امور

هستند که پیدایش آن ها از نظر عقلی امکان پذیر است اما شرایط و عوامل خارجی بسیار زیادی باید دست به دست هم دهند تا آن امور تحقق یابند.(عمر طولانی حضرت مهدی عقلانی است ولی غیرعادی است)

اگر با مقام و قدرتی که داری دچار تکبّر یا خود بزرگ بینی شدی به بزرگی حکومت خداوند که برتر از توست، بنگر . این کار تو را از آن سرکشی نجات می دهد، تندروی تو را فرو می نشاند و عقلت را به جایگاه اصلی باز می گرداند. (عهدنامه مالک اشتر)

عقل و وجدان، انسان را به تمایلات عالی فرامی خواند، چون به دنبال خوشبختی همیشگی اوست . امّا هوی و هوس(نفس امّاره) از انسان می خواهد که فقط به غرایز و تمایلات دانی مشغول باشد و توجهی به تمایلات عالی نداشته باشد.

انسان عزیز همواره به ندای عقل و وجدان و نفس لوّامه گوش فرامی دهد و تسلیم نفس امّاره نمی شود.

همواره دیده ایم که علاقه و محبّت اولیه، چشم و گوش را می بندد و عقل را به حاشیه می راند، به گونه ای که فریاد های خیرخواهانه او را نمی شنوند.

آمادگی برای ازدواج نیازمند دو بلوغ است : یکی بلوغ جنسی و دیگری بلوغ عقلی و فکری که مدتی پس از بلوغ جنسی فرا می رسد .با رسیدن بلوغ عقلی، جوان در می یابد که باید زندگی را بسیار جدّی گرفت و برای آینده برنامه ریزی کرد . توجه به داشتن شغل و پیدا کردن کار، فکر کردن درباره ویژگی های همسر، تنظیم خرج و هزینه خود و دوری از بی برنامه بودن از نشانه های بلوغ عقلی است .نباید فاصله میان بلوغ جنسی و عقلی با زمان ازدواج زیاد شود و تشکیل خانواده به تأخیر افتد.

انسان با کمک عقل خود می تواند به درک این حقیقت برسد که بنابر حکمت و عدل خداوند، مرگ نابود کننده او و پایان همیشگی زندگی اش نیست و آینده ای روشن در جهانی دیگر در انتظار اوست، امّا نمی داند که نحوه زندگی او پس از مرگ چگونه است.

برای تشخیص هدف و راه رسیدن به آن، خداوند دو چراغ به وی داده است : عقل در درون وجود او و فرستادگان الهی در بیرون . انسان به کمک عقل خود بسیاری از مجهولات و مسائل را درمی یابد و پاسخ می دهد . مثلاً می داند که جهان مبدأ و آفریدگاری دارد و آینده ای روشن در انتظار اوس همچنین انسان به کمک عقل خود متوجه می شود که نمی تواند پاسخ برخی از مسائل بنیادین را به طور درست و کامل بدهد و برای این گونه مسائل نیازمند هدایت الهی است . از این رو خداوند پیامبرانی را می فرستد تا پاسخ این گونه مسائل را به انسان ها برساند و هدایتشان کند .بدین ترتیب، اگر انسان عاقلانه بیندیشد، راه دست یابی به همه نیازها برای وی مشخص شده و دلیلی برای توجیه ناکامی ها ندارد.

امام کاظم: ای هشام، خداوند رسولانش را به سوی بندگان نفرستاد، جز برای آن که این بندگان در پیام الهی تعقل کنند .کسانی این پیام را بهتر می پذیرند که از معرفت برتری برخوردار باشند و آنان که در تعقل و تفکر برترند، نسبت به فرمان های الهی داناترند و آن کس که عقلش کامل تر است، رتبه اش در دنیا و آخرت بالاتر است. + حجت نهان همان عقل است.

عقل وسیله فهم پیام الهی است. و آنکه تعقل کند هدف و آینده و راه درست زندگی را می یابد.

خداوند، متناسب با دو ویژگی (عقل) و (اختیار) در انسان ها، آن ها را با فرستادن دین راهنمایی و هدایت کرده است و پیامبران الهی مسئولیت ابلاغ و رساندن آن را به مردم برعهده داشتند.

۸)گرفتاری در گناه:

تیپ تست های مختلف طراحان:

عامل بیزاری و تنفر از گناه در اولین دفعه ارتکاب به گناه چیست؟

مشاهده شخصیت آلوده و وحشتناک فردای خود

عامل فراموشی و نادیده گرفتن تنفر اولیه از گناه چیست؟

گرفتاری در گناه + عادت به گناه

پرتگاه های خطرناک سقوط در وادی ضلالت کدام اند؟

توجیه گناه + عادت به گناه

نقطه مشترک میان عوامل فراموشی و نادیده گرفتن تنفر اولیه از گناه با پرتگاه های خطرناک سقوط در وادی ضلالت کدام است؟(احتمالی ۹۹)

عادت به گناه

میزان تاثیرات گناهان یکسان...؟

نیست، برخی زیاد برخی کم ولی قطعاً تاثیر خود را می گ ذارند. کلک طراح: (گناهی بی تاثیر باشد) اشتباهه!

پیامد های گناهان بزرگ کدام است؟

خروج انسان از مسیر توحید و اخلاص

گرفتاری در دام شیطان

تباهی زندگی

عذاب اخروی

اثر بر نسل های بعدی

نکته: موارد رنگی فوق آنقدر قابل ترکیب با درس های دینی هستند که اگر می نوشتم ۴۰ صفحه میشد! پس خودتون در ذهنتون لینک کنید! ولی از همه خلاصه ای آوردم:

توحید:

توحید ذاتی(اصل توحید): غنی-احد-حی لایموت

خالقیت:خلق-انشا-فطر-آفریدگار-مبدا-سرچشمه-جهان از خداست

مالکیت:از آن خداست-له-لله-امور

ولایت:ولی-حکم-حاکم-فرمانروا-دخل و تصرف-کن فیکن-سرپرست

ربوبیت:پروردگار-پرورش-رب-تدبیر-اداره-اراده-تربیت-نیرو-توان-هدایت-به پیش برنده-پشتیبان-ان شاء

تذکر غفوری: تمام کارهایی که خدا در جهان انجام می دهد، بجز خلق، مربوط به ربوبیت است.

حمد، عبد ، احداً ، شکر ، تسلیم ، تسبیح ، تنزیه ، توکل ، اخلاص ، اطاعت و هر ریشه ای از این کلمات: اشاره به توحید عبادی

توحید مالکیت ثمره توحید خالقیت است.

توحید ولایت ثمره توحید مالکیت و خالقیت است.

توحید ربوبیت ثمره توحید خالقیت و مالکیت و ولایت است.

توحید عبادی ثمره ی توحید در ربوبیت است در نتیجه ثمره توحید خالقیت و مالکیت و ولایت نیز هست.

لااله الا الله : همه ابعاد توحید

هذا صراط المستقیم میشه توحید عملی (رمز: این راه هست انسان باید بره پس توحید عملی میشه!)

اهدنا الصراط المستقیم میشه توحید ربوبیت (رمز: ما را به راه راست خداجونم(!) هدایت مون کن! چون خدا داره یه کاری غیر خلق کردن انجام میده پس میشه توحید ربوبیت)

اخلاص:

اخلاص در بندگی و پرستش به این معناست که تمام جهت گیری های زندگی انسان سمت و سویی الهی پیدا کند و همه کار ها فقط برای رضای او و تقرب به او انجام پذیرد و هوای نفس و شیطان در آن ها راه نداشته باشد . بنابراین، اخلاص در بندگی معنای دیگری از توحید عبادی است و به هر میزان که درجه اخلاص انسان بیشتر باشد، مقامش نزد خداوند گرامی تر و درجه اش در بهشت بالاتر است.

برنامه ریزی برای اخلاص:

۱ تقویت روحیهٔ حق پذیری: اولین قدم برای ورود به بندگی و اخلاص

۲ افزایش معرفت به خداوند : به هر میزان که معرفت و ایمان ما به خداوند بیشتر شود و او را عمیق تر بشناسیم، انگیزه ما برای پرستش و بندگی نیز افزایش می یابد.

۳راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او : نیایش با خداوند و عرض نیاز به پیشگاه او، محبت خداوند را در قلب تقویت می کند، غفلت را کنار می زند و انسان را از امدادهای او بهره مند می کند.

۴ یاد معاد و روز حساب : یکی از راه های بسیار مؤثر برای تقویت عبودیت و اخلاص، توجه به این حقیقت است که همه ما حیات جاودانه ای در پیش داریم که کیفیت و چگونگی آن در همین جهان و به دست خود ما تعیین می شود.

۵انجام عمل صالح : قرآن کریم غالباً عمل صالح را بعد از ایمان معرفی نموده است . زیرا وقتی انسان مسیر حق و حقیقت را شناخت و به آن ایمان آورد، پای در میدان عمل می گذارد و از کار و تلاش و مجاهدت باز نمی ایستد . عمل صالح، انسان را پرورش می دهد و وجودش را خالص می سازد.

جمع بندی ثمرات اخلاص:

اولین ثمره: عدم نفوذ شیطان و یاس او از فرد با اخلاص

دیگر ثمره ها:

دست یابی به معرفت و اندیشه های محکم با نفوذ حکمت (دانش متین و محکم) به اختیار انسان نتیجه: تصمیم گیری آگاهانه و درست و عدم سرگردانی

احساس اطمینان + آرامش+ لذت واقعی زندگی و نجات از فساد و دغدغه و اضطراب و کسب زیبایی های معنوی در عین بهره مندی از دنیا یعنی ایجاد تعادل در زندگی

میوه های وصف ناشدنی: شامل: بی نیاز کردن انسان از همه + زندگی بدون مرگ + به هرچه بگوییم (باش) بشود: همگی به شرط اطاعت

بالاترین میوه: دیدار محبوب حقیقی + تقرب الهی

شیطان در دین و زندگی:

توهم: برتری بر آدم

سوگند : فریب بنی آدم

راه های فریب : زیبا خانوم(زیبا نشان دادن گناه) آرزو خانوم(سرگرم کردن به آرزو های سراب گونه دنیایی) سکینه خانوم (ایجاد کینه میان مردم) غافل میشن (غافل کردن از خدا و یاد او)

کارش:وسوسه + وعده دروغین

راه نفوذ : نفس اماره

گفته شیطان به اهل جهنم: در روز قیامت که کار از کار گذشته و فرصتی برای توبه باقی نمانده، به اهل جهنم می گوید خداوند به شما وعده ی حق داد، اما من به شما وعده ای دادم و خلاف آن عمل کرد البته من بر شما تسلطی نداشتم(وجود اختیار) ، فقط شما را به گناه دعوت کردم. این خودتان بودید که دعوت مرا پذیرفتید. امروز خود را سرزنش کنید نه مرا. نه من می توانم به شما کمکی کنم و نه شما می توانید مرا نجات دهید.

وسوسه کردن طبق آیه : دعوت به بدی(فحشا و سو) + ناآگاهانه صحبت کردن

اقرار شیطان : ناتوانی از فریب مخلصین

رمز حفظ موارد حرام : (دروغ به غول شِرک) (ترکیب با درس ۱۲ دوم)

فاحشه ای به اسم(اثم) بغ بغه به شِرک(همون غول معروف!) دروغ گفت که نمیدونه!!

زشت کاری (فواحش) — گناه (اثم)

شرک به خدا (تشرکوا) — شرک همیشه چی بود؟ سلطاااان!

تجاوز به ناحق (بغی بغیر حق)

درباره خدا ناآگاهانه سخن گفتن — نسبت دروغ بستن به خدا — وسوسه شیطان هم همینه دقیقاً!!

حالا یه سوال: شِرک همیشه چی بود تو فیلماش؟ آفرین سلطاااان! پس اونایی که به خدا شرک می ورزند (لم ینزل سلطان) اند یعنی برای اعتقاد خودشون هیچ استدلالی ندارن!

---

۹)سایر نکات مبحث ناسپاسی:

نکته تلخ تر و رنج آورتر، غفلت از نگاه خداوند به انسان ها، در هنگام ارتکاب گناه است.

برخی از گناهان بزرگ: دروغ+ظلم به مردم+پذیرش ظلم و پشتیبانی از ظلم+کسب مال حرام+فساد اخلاقی+روابط نا مشروع + تهمت+ ترک نماز و روزه

امام صادق: (به یکی از یاران) چنان از خدا خوف داشته باش که گویی او را می بینی . پس اگر تو او را نمی بینی، او تو را می بیند .اگر فکر کنی او تو را نمی بیند، کفر ورزیده ای و اگر بدانی که او تو را می بیند و در عین حال در مقابل او گناه می کنی، او را خوارترین بینندگانِ به خود قرار داده ای!

۱۰)حقیقت توبه:

توانایی انقلاب علیه خود حاصل(میوه،نتیجه،معلول) پشیمانی از گذشته است.

این توانایی به انسان امکان می دهد راه رفته را باز گردد و فرصت های از دست داده را جبران نماید.

توانایی انقلاب علیه خود و توبه دروازه رحمتی است که خداوند بر روی بندگان گشوده است.

توبه یعنی بازگشت و در مورد بندگان به معنای بازگشتن از گناه به سوی فرمان برداری از خداوند است. برای خداوند هم به کار می رود که در این صورت، به معنای بازگشت لطف و آمرزش الهی به انسان توبه کار است.

ترکیبی: همه دروازه های دینی: (در دینی سوم دروازه فقط یک جا داریم و در دینی دوم هیچ دروازه ای نداریم! در دینی پیش هم دو جا دروازه داریم یکی درس ۵ و دیگری همین درس)

الف)آمادگی جامعهٔ بشری برای دریافت برنامهٔ کامل زندگی : یکی از عوامل بعثت پیامبر جدید، پایین بودن سطح درک انسان ها و عدم توانایی آنان در گرفتن برنامه کامل زندگی بود . در عصر نزول قرآن رشد عقلی بشریت به میزانی رسیده بود که بتواند کامل ترین برنامه را دریافت کند و به کمک این برنامه، پاسخ نیازهای فردی و اجتماعی خود را به دست آورد . درواقع، انسان ها وارد دوره بلوغ فکری شده بودند . خداوند کتابی بر پیامبر اکرم نازل کرد که نیاز های هدایتی بشر را در طول زمان ها پاسخ گوید و مؤمنان با تفکر در این کتاب بتوانند در هر دوره ای به دروازه های جدیدی از معرفت دست یابند.

ب) فواید توجه ما به اختیار:

گرچه قدرت اختیار با ساختار انسان سرشته شده و وجود آن انکارناپذیراست، اما آن چه اهمیت دارد، نحوه بهره مندی از آن است . قدرت اختیار از این جهت، مانند قدرت تفکر است؛ چه بسیار افرادی که ضریب هوشی و استعداد فکری خارق العاده ای دارند ولی بدان توجه نکرده و آن را در وجود خود مدفون ساخته اند . و چه بسیار افرادی که از هوش متوسطی برخوردار بوده اند اما دروازه های بزرگ علم و دانش را فتح کرده اند. میان کسی که نعمت اختیار و آزادی خود را شناخته و آن را باور دارد و کسی که شخصیت خود را حقیر، و اختیار خود را به تاراج رفته می پندارد، تفاوت بسیار است . انسانی که اختیار خود را باور کرده و به آن معتقد است، احساس هویت می کند، و از خودباوری بالایی برخوردار است؛ در قبال کارهای خود احساس مسئولیت می کند، تصمیم های اشتباه خود را می پذیرد و در صدد جبران برمی آید. خداوند، قدرت اختیار و اراده را از آن جهت به ما عطا فرموده که با بهره مندی از آن، دروازه های پیشرفت را فتح کنیم و قله های کمال را بپیماییم و در آسمان هستی تا جایی که جز خدا نمی داند، به پیش رویم . زمینه ساز چنین پروازی و دوری از پندارهای نادرست، درک صحیح نظام حاکم بر جهان خلقت است.

حالا خودت یه خلاصه خوب بنویس از کل دروازه های دینی برای مرورت:

دروازه دینی پیش:
دروازه دینی سوم:

تحلیل آیه حقیقت توبه:

فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

پیام آیه:

برای انسان خطاکار، همیشه راه بازگشت و اصلاح، باز است. فَمَنْ تابَ

توبه، تنها یك ندامت درونی نیست؛ بلکه باید همراه با جبران مفاسد گذشته باشد. وَأَصْلَحَ

اگر انسان توبه کند، خداوند هم توبه او را می پذیرد. يَتُوبُ عَلَيْهِ

سرقت، ظلم به خود و جامعه و تجاوز به امنیّت جامعه است. بَعْدِ ظُلْمِهِ

مجرمان را باید به راه خدا دعوت و امیدوار کرد. فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ ... غَفُورٌ، رَحِيمٌ

توبه انسان مقدم بر توبه خداوند است.

در این آیه از گناه با نام ظلم یاد شده است دلیل این نام گذاری این است که گناه نوعی ضایع شدن حق است.

اقدمات لازم برای رسیدن به مرحله آمرزش:

الف) توبه از گناه و ظلم (تاب من بعد ظلمه)

ب) اصلاح گذشته (اصلح)

توبه پذیری خداوند ناشی از دو صفت: آمرزش و رحمت اوست.

در این آیه برخلاف آیه ((وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا)) به قطعیت در آمرزش و رحمت خداوند اشاره شده است در حالی که در آیه مورد مقایسه به این اشاره شده که خود انسان توبه کار با توبه کردن خداوند را آمرزنده و رحیم می یابد.

رمز آیه: فمن +ان الله غفور و رحیم

(در حالی که در آیه قبلی ابتدای آیه ((و من)) و انتهای آیه ((یجد)) می آمد)

۱۱)توبه و پاکی:

گناه، آلودگی است و توبه، پاک شدن از آلودگی هاست.

توبه گناهان را از قلب خارج می کند و قلب را شست و شومی دهد. به این عمل میگن: پیرایش و یا تخلیه

توبه نه تنها گناه را پاک می کند، بلکه به کمک ایمان و عمل صالح، گناهان را به حسنات تبدیل می سازد.

امام علی: ((توبه دل ها را پاک می کند و گناهان را می شوید) (علت)

پیامبر: ((کسی که از گناه توبه کند مانند کسی است که گناه نکرده است)) (معلول)

تحلیل آیه توبه و پاکی:

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ

پیام آیه:

توبه اگر حقیقی باشد آثار مفید مادی و معنوی دارد .

اسلام، بن بست ندارد . گنهکار نیز راه بازگشت دارد . إِلَّا مَنْ تَابَ

در هنگام ارتکاب گناه، ایمان از کف می رود، و هنگام توبه باز می گردد . إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ

توبه، یك انقلاب همه جانبه است، نه یك حرکت سطحی ولفظی ، عمل صالح

جایگزین عقوبت با پاداش یکی از مظاهر رحمت و آمرزش الهی

عوامل تبدیل کننده گناهان به نیکی ها :

الف)توبه کردن(تاب)

ب)ایمان آوردن(آمن)

ج)انجام کار نیک(عمل صالح)

یادداشت کن :

۱۲)مراحل توبه:

توبه صرفاً لفظی نیست بلکه تحولی درونی و قلبی است که آثار گناه را پاک می کند.

مرحله اول: پشیمانی از گذشته (رمز: ش دارن: پشیمانی+شیرینی+شوق+خوشش بیاید)

رکن و قدم اول توبه

حالتی درونی که شخص را دچار حسرت و اندوه می کند.

شیرینی گناه تبدیل به تلخی می شود.

تا وقتی شیرینی گناه در جان آدمی است و خاطره گناه شیرین است توبه شروع نشده.

خداوند: تا زمانی که شیرینی گناه در دلش باقی است توبه اش را نپذیرم.

توبه بر لب سبحه بر کف دل پر از شوق گناه

اگر پس از توبه همچنان از گناه خود خوشش بیاید و لذت ببرد هنوز پشیمان نشده است و ادعای پشیمانی کرده است.

معمولاً با استغفار همراه است.

ابراز پشیمانی با عبارت((استغفرالله))

مرحله دوم: تصمیم بر عدم تکرار گناه: (رمز: از ریشه فعل+مستهزی)

رکن دوم توبه

تصمیم جدی بر ترک گناه

عدم پذیرش توبه در صورت: اظهار ندامت ظاهری و نمایشی (بد ترین اثر: به استهزا گرفتن خداوند)

((مستغفر من الذنب و یفعله کالمستهزی بربه))

نکته: دو مرحله قبل عادت به گناه را از بین می برد. اما برخی گناهان که به حق الناس مربوط است جبران نمی کند.

مرحله سوم: جبران حقوق مردم: (رمز: ادا کردن دین مادی و معنوی+صدقه+دعا)

در حد توان جلب رضایت صاحبان حق در صورت دسترسی به آنان با ادا کردن حقوق مادی و معنوی

در حق صاحبان حق صدقه دادن + دعای خیر در صورت عدم دسترسی داشتن به آنان

حقوق معنوی مردم بسیار مهم تر از حقوق مادی

مرحله چهارم: جبران حقوق الهی: (رمز: اطاعت خداوند+توحید عبادی+عفو)

مهم ترین حق خدا بر مردم حق اطاعت و بندگی اوست. (مهمترین حق مردم بر رهبر و برعکسش چی بود؟!)

جبران کوتاهی های خود در پیشگاه خداوند(نماز های قضا را بخوانیم و ...)

در صورت حداکثر تلاش و باقی ماندن حقی در برابر خداوند او مهربان است و بقیه موارد را خود جبران می کند در نتیجه عفو کامل صورت می پذیرد.

۱۳)توبه اجتماعی:

توبه همانند توحید عملی(عبادی) دارای دو بعد است: ۱)توبه فردی ۲)توبه اجتماعی

تعریف:

بازگشت جامعه به مسیر توحید و اصلاح اجتماعی.

انحرافات اجتماعی:

رباخواری، رشوه گرفتن، بی توجهی به عفاف و پاکدامنی، ظلم کردن و ظلم پذیری و اطاعت از غیر خدا

نکته: انحراف های اوّلیه اجتماعی باید در همان مراحل ابتدایی خود اصلاح شوند تا گسترش نیابند و ماندگار نشوند.

راه اصلاح و معالجه جامعه از این بیماری ها = امر به معروف و نهی از منکر

گفتیم امر به معروف و نهی از منکر پس باید درس نظارت همگانی مرور بشه که من واستون آوردم:

امر به معروف=(واجبات و مستحبات) و نهی از منکر(=محرّمات و مکروهات) :

همواره افرادی هستند که از فرمان های الهی سرپیچی می کنند و مرتکب گناه می شوند؛ یعنی واجبات را ترک می کنند و محرمات را انجام می دهند .به علت ارتباط و پیوند عمیق میان انسان ها و تأثیرپذیری فراوانی که از یکدیگر دارند، در صورتی که در مقابل گناهکار اقدام مناسب (که همان نظارت همگانی است که به صورت امر به معروف و نهی از منکر انجام می شود) نشود، رفتار او مانند یک بیماری مسری به دیگران سرایت می کند. این وظیفه آن چنان مهم و ارزشمند است که امام حسین هدف از قیام و شهادت خود و یارانش را احیای امر به معروف و نهی از منکر دانست .

دوشرط رستگاری و فلاح جامعه

اولین مقدم: وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ ..... پیشگیری از گناه. زمینه گناه را کم می کند...

دومین موخر: وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ ....› واجبات ومستحبات ..... درمان گناه

وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ....› محرمات ومکروهات .....

ثمره‌ی وجود نظارت همگانی در جامعه ← وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

سربلندی ورستگاری جامعه‌ی اسلامی در دعوت به نیکی وامر به معروف ونهی از منکر است.

آل‌عمران، ۱۰۳ و ۱۰۴

راه بهترین امت شدن

معلول: كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ .....

علت:

(۱) تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ .....

(۲) وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ .....

(۳) وَ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ... .

آل‌عمران، ۱۱۰

تقدم امر به معروف به ایمان خدا: اینست که امر به معروف موجب گسترش ایمان می شود.

دو مورد ویژگی جامعه اسلامی:

انجام امر به معروف و نهی از منکر + ایمان به خدا می دهد: بهترین امت و الگوی سایر جوامع

جامعه اسلامی با توجه به متن درس نه سال چهارم: جامعه ای الگو و اسوه برای سایر مسلمانان است.

۱۴)زمان توبه:

امام علی: ((از کسانی مباش که بدون عمل دل به آخرت بسته و به واسطه آرزوی طولانی، توبه را به تأخیر...))

تمام طول عمر ظرف زمان توبه است.

بهترین زمان توبه : زمانی که توبه آسان تر و جبران گذشته راحت تر

علت مناسب تر بودن زمان جوانی نسبت به پیری برای توبه:

الف)دوره جوانی انعطاف پذیری بیشتری دارد، تحول و دگرگونی دارد.

ب)حیله خطرناک شیطان این که به امید توبه کردن در پیری انسان در جوانی خوش گذرانی کند.

دلایل مورد ب:

۱. **پیری محصول جوانی است و تعداد گناهکاران متحول شده در پیری بسیار کم**
۲. **بسیاری از انسان ها اصلاً به پیری نمی رسند در نتیجه عدم فرصت توبه**
۳. **فریب بزرگ شیطان این که: لذت گناه را برتر از خوشی و لذت اطاعت از فرمان الهی جلوه دهد.**

نکته: مؤمنان هم از لذت های عالی معنوی برخوردار می شوند و هم بی دغدغه گناه و به دور از رنج های روانی، از لذت های مادی و طبیعی نیز بهره ببرند.

پایان درس هفتم دین و زندگی پیش دانشگاهی

مهدی غفوری اولین مدرس دین و زندگی به سبک زیست شناسی در ایران

صد ها نفر همگام با من دینی را صد می زنند پس به کمتر از ۱۰۰ راضی نشو!

نکات فوری

دین و زندگی

غفوری ۹۹

جمع بندی ویژه کانون

آزمون ۲۰ و ۲۷ دی ماه

نکات خوری ویژه جمع بندی

آزمون ۲۰ و ۲۷ دی ماه کانون

۱. کلید واژه های متن+آیه سنت های الهی: (اول متن رو بررسی کردم بعدش آیات)

رشد و تکامل/ظهور و بروز/نیت و تمایل/امتحان و آزمایش/ساخته شدن و تکامل/خسران و عقب ماندگی:

دیدی بزن امتحان و ابتلا

پذیرش یا ایستادن/اراده و اختیار/امکانات و لوازم عمومی/عدم بهره از نعمات بی پایان خدا برای دنیا دوستان

دیدی بزن سنت امداد الهی

امداد خاص/سعی و تلاش و مجاهدت انسان/نصرت و هدایت خدا/هماهنگی انسان حق گرا با نظام جهانی

دیدی بزن توفیق الهی

مهلت و فرصت باطل دوستان/غوطه ور شدن در تاریکی ها/شقاوت ابدی/رشد بار گناهان/خاص گناهکاران با

مهلت دیدی بزن املا

رشد امکانات(نه مهلت)گناهکاران/اصراربیشتر بر گناه/قدم به قدم/گام به گام/ تدریج به سوی عذاب/هلاکت

ابدی دیدی بزن استدراج

خفن نکته: (اگه بگن شقاوت ابدی باید بگی: سنت املا)(اگه بگن هلاکت ابدی باید بگی: استدراج) رمز: بگو آروم

آروم (تدریجی) به فنا رفت!

عدل خدا/فضل خدا/کار نیک چند برابر جزا اما کار بد فقط به اندازه خودش جزا دیدی بزن تفاوت در پاداش و کیفر

خفن نکته: (اگه بگن: خداوند به نیکوکاران چندین برابر پاداش میده جواب میشه: یا سنت توفیق الهی یا سنت

تفاوت در پاداش و کیفر که اولویت در گزینه ها با سنت توفیق الهی هست! اما اگر بگن خداوند به نیکوکاران

چندین برابر پاداش و به بدکاران به اندازه خودش جزا می دهد فقط میشه سنت تفاوت در پاداش و کیفر)

زندگی تحت تاثیر رفتار انسان/تاثیر کار ها بر طول عمر/تاثیر دعا بر کیفیت زندگی/دعای واقعی/تنها سنت

اجتماعی کتاب! دیدی بزن تاثیر نیکی و بدی در سرنوشت

جمع بندی کلید واژه آیات سنت های الهی:

(احسب + یفتنون) دیدی بزن امتحان و ابتلا (نمد + عطا) دیدی بزن امداد الهی

(جاهدوا + محسنین) دیدی بزن توفیق الهی (نملی + مهین) دیدی بزن املا

(سنستدرجهم + املی + متین) دیدی بزن استدارج (حسنة عشر + سیئة مثل) دیدی بزن تفاوت در پا و کی

(اهل القری + برکات) دیدی بزن تاثیر نیکی و بدی در سرنوشت

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

۲. جمع بندی ثمرات اخلاص:

اولین ثمره: عدم نفوذ شیطان و یاس او از فرد با اخلاص

دیگر ثمره ها:

دست یابی به معرفت و اندیشه های محکم با نفوذ حکمت (دانش متین و محکم) به اختیار انسان نتیجه:

تصمیم گیری آگاهانه و درست و عدم سرگردانی

احساس اطمینان + آرامش+ لذت واقعی زندگی و نجات از فساد و دغدغه و اضطراب و کسب زیبایی های معنوی

در عین بهره مندی از دنیا یعنی ایجاد تعادل در زندگی

میوه های وصف ناشدنی: شامل: بی نیاز کردن انسان از همه + زندگی بدون مرگ + به هرچه بگوییم (باش) بشود: همگی به شرط اطاعت

بالاترین میوه: دیدار محبوب حقیقی + تقرب الهی

جمع بندی کامل میوه های اخلاص:

اولین میوه=عدم نفوذ شیطان

میوه دوم= تزریق آمپول حکمت(!) به اختیار که نتیجه اش میشه: عدم سرگردانی + تصمیم گیری درست و آگاهانه

بالاترین میوه=دیدار محبوب (تقرب الهی) که جزوه میوه های اولیه نیست بلکه جزو میوه های وصف ناشدنی است!

میوه های وصف ناشدنی= بی نیاز کردن انسان از همه + زندگی بدون مرگ + به هرچه بگوییم (باش) بشود: همگی به شرط اطاعت

میوه های وصف ناشدنی= بی نیاز کردن انسان از همه + زندگی بدون مرگ + به هرچه بگوییم (باش) بشود: همگی به شرط اطاعت

میوه اول=عدم نفوذ شیطان

میوه دوم= تزریق آمپول حکمت(!) به اختیار که نتیجه اش میشه: عدم سرگردانی + تصمیم گیری درست و آگاهانه

بالاترین میوه=دیدار محبوب (تقرب الهی) که جزوه میوه های اولیه نیست بلکه جزو میوه های وصف ناشدنی است!

بنا به تعابیر امام علی:

نهایت آرزوی عارفان+دوست دل های صادقان+ولی مومنان+معبود عالمیان

وصول از راه بندگی عارفانه

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

۳. جمع بندی مهم اختیار انسان (مباحث ترکیبی میان درسی دینی پایه و پیش)

جمع بندی آیات اختیار: (لعل-لما-لنفسه)

لعل دیدی بگو اختیار:

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلْكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِن وَرَائِهِم بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ

يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ وَرِيشًا وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُم بِنِعْمَ

فَأَنقَذَكُم مِّنْهَا كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

لما (Emma) دیدی ۱۰۰ درصد بگو اختیار:

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

لنفسه دیدی بگو اختیار: (البته استثنا هم زیاد داره مثلاً در حدیث امام صادق داریم: صِلْنَا لِنَفْسِه به معنای نگه دارنده نفس خود که در این جا به خصوصیات ویژه فقها اشاره میشه و مفهوم اختیار مورد نظر نیست)

إِنَّا أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ

قَدْ جَاءَكُم بَصَائِرُ مِن رَّبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ

جمع بندی اختیار حقیقی وجدانی: (دینی پیش درس ۵)

a. **تفاوتی اساسی میان آتش ، آب ، گیاه و حیوان با انسان وجود دارد . (آتش بدون اختیار می سوزاند، آب بدون اختیار جاری می شود، گیاه بدون اختیار می روید و حیوان بدون اختیار راه می رود.)**

b. **هیچ یک از این مخلوقات، قدرت انتخاب یک عمل خاص از میان چندین رفتار ممکن را ندارند و این فقط انسان است که همواره در برابر چندین کار و راه مختلف قرار می گیرد و از آن ها یکی را برمی گزیند.**

c. **توانایی انتخاب و گزینش ناشی از اختیار است .**

d. **اختیار که به معنای توانایی بر انجام و ترک یک کار است، یک حقیقت وجدانی است و هر کس آن را در خود می یابد و می بیند که شبانه روز در حال تصمیم گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است . قدرت اختیار با ساختار انسان سرشته شده و وجود آن انکارناپذیر است.**

e. **حتی کسی که آن را در سخن یا بحث انکار می کند، در عمل از قدرت اختیار خود بهره می برد .**

f. **اختیاری امری روشن است.**

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

g. مولوی : آن یکی بر رفت بالای درخت ... چوبِ حق و پشت و پهلو، آنِ او ... گفت :توبه کردم از جبر ای عیار... اختیار است اختیار است اختیار.

h. نشانه های وجود اختیار: (تام)

((ت ـــــــ

جمع بندی فواید توجه ما به اختیار:

a. آن چه اهمیت دارد، نحوه بهره مندی از اختیار است. قدرت اختیار از این جهت، مانند قدرت تفکر است؛ چه بسیار افرادی که استعداد فکری خارق العاده ای دارند ولی بدان توجه نکرده و آن استعداد را در وجود خود مدفون ساخته اند . و چه بسیار افرادی که استعدادی متوسط داشته اند، اما با همین استعداد متوسط، دروازه های بزرگ علم و دانش را فتح کرده اند.

b. میان کسی که نعمت اختیار و آزادی خود را شناخته و آن را باور دارد و کسی که شخصیت خود را حقیر، و اختیار خود را به تاراج رفته می پندارد، تفاوت بسیار است.

c. انسانی که اختیار خود را باور کرده و به آن معتقد است: (رمز: هویت + خودباوری + مسئولیت+جبران)

۱) احساس هویت می کند.

۲) از خودباوری بالایی برخوردار است.

۳) در قبال کارهای خود احساس مسئولیت می کند.

۴) تصمیم های اشتباه خود را می پذیرد و در صدد جبران برمی آید.

جمع بندی پندارهای ویرانگر: (جبرگرایی/آزادی مطلق)

۱. برخی اندیشه های باطل سبب رواج جبرگرایی می شوند . مثلاً کسی که بپندارد که انسان مانند سایر اشیای مادی است، جایی برای اراده واختیار باقی نمی گذارد.

۲. رواج عقیده «جبری گری » مانند ویروس فلج، تحرک، سازندگی و نشاط را از فرد و جامعه می گیرد و فرصت را برای زورگویان فراهم می کند. در قرن های نوزدهم و بیستم میلادی برخی از فلاسفه مادی گرا به همین نتیجه در اندیشه های خود رسیدند و گرفتار افکار نیهیلیستی(پوچ گرایی) شدند .

۳. زورگویان و تجاوزگران به حقوق مردم، قدرت و ثروتِ به چنگ آورده را موهبت الهی معرفی می کنند و مدعی می شوند این از تقدیر و سرنوشت است که گروهی غرق در نعمت و ثروت، و عده ای در محنت و مشقّت باشند.

۴. از طرف دیگر، کسانی که از این نعمات الهی محروم شده اند، به خود حق اعتراض نمی دهند و می پندارند مخالفت آنان، اعتراض به خواست الهی و تقدیر است. وقتی که بنی امیه قدرت را به دست گرفتند و حاکم مسلمانان شدند و به چپاول و غارت اموال مسلمانان پرداختند و قوانین اسلام را زیر پا گذاشتند، برای اینکه زمینه اعتراض و قیام مردم را از بین ببرند، عقیده جبری گری را بین مردم رواج دادند و هرگونه حق طلبی را مبارزه با تقدیر و سرنوشت معرفی می کردند، به گونه ای که مردم فکر کنند مبارزه با ستمگری مانند یزید، مبارزه با خواست و تقدیر الهی است.

۵. پندار ویرانگر دیگر از آنِ کسانی است که فکر می کنند اختیار به معنای آزادی مطلق، محورقرار دادن خواست های خود بدون توجه به عواقب و نتایج آن، و حتی نادیده گرفتن قانون مندی های حاکم بر جهان خلقت است. اینان، اختیار را برای ارضای میل و هوس های خود می خواهند و توجه نمی کنند که چنین برداشتی از اختیار، نتایج زیانباری برای آنها و جامعه و محیط زندگی آنان خواهد داشت.

جمع بندی زمینه ساز های شکوفایی اختیار:

خداوند، قدرت اختیار و اراده را از آن جهت به ما عطا فرموده که با بهره مندی از آن، دروازه های پیشرفت را فتح کنیم و قله های کمال را بپیماییم و در آسمان هستی تا جایی که جز خدا نمی داند، به پیش رویم . زمینه ساز چنین پروازی و دوری از پندارهای نادرست، درک صحیح نظام حاکم بر جهان خلقت است.

۱ اعتقاد به خداوند حکیم: مهمترین گام برای رسیدن به این معرفت، اعتقاد به خداوندی حکیم، عادل و قادر است که با حکمت خود جهان را خلق کرده، و آن را تدبیر و اداره می کند به طوریکه همه حوادث و رخدادهای جهان، در یک چارچوب سامان دهی شده و قانون مند اتفاق می

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

افتد و اگرچه ما، به علت دانش محدود و ناقص خود از درک عمیق اهداف حکیمانه بسیاری از رویدادهای جهان خلقت عاجز هستیم، اما مطمئنیم و اعتقاد داریم که هر حادثه ای دارای هدفی معین می باشد./ قطره ای کز جویباری می رود از پی انجام کاری می رود/ایمان به خداوند حکیم و نظام حکیمانه او، همچنین این اطمینان را به انسان می بخشد که جهان دارای حافظ و نگاهبانی است که اشتباه در کار او راه ندارد . کشتی جهان ناخدایی دارد که به علت علم و قدرت بی پایان آن ناخدا، به هیچ وجه احتمال غرق شدن و نابودی آن نمی رود و هیچ کسی جز او نیز نمی تواند آن را از نابودی نجات دهد.(یمسک تزولا...حلیما غفورا)

۲ قانو ن مند بودن جهان: زندگی در یک جهان قانون مند، این امکان را به ما می دهد که با ۱)شناخت و ۲)استفاده از قوانین جهان:

۱)نیازهای خود را برطرف کنیم،۲) استعدادهای خود را به فعلیت برسانیم و۳) پله های کمال را بپیماییم . نام دیگر این قانون مندی و نظم و سامان، قضا و قدر الهی است. تقدیر یعنی اندازه گرفتن و قدر یعنی اندازه و قضا به معنای به انجام رساندن حکم کردن و پایان دادن و حتمیت بخشیدن است. موجودات جهان، از آن جهت که خداوند متعال حدود، اندازه، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آنها را تعیین می کند، مقدَّر به تقدیر الهی هستند؛ و از آن جهت که با حکم(توحید ولایت) و فرمان و اراده(توحید ربوبیت) الهی ایجاد می شوند، مربوط به قضای الهی هستند. به عبارت دیگر، نقشه جهان با همه ریزه کاری ها و قانون مندی هایش(تقدیر) از آن خداست و اجرا و پیاده کردن(قضا) آن نیز به وسیله خداست. به همین جهت نه در نقشه آن نقص و اشتباهی هست و نه دراجرا و پیاده کردن آن. آبی که با اراده خود می نوشیم، به علت اعتماد به همین تقدیر است .یعنی می دانیم که خداوند آب را با ویژگی ها، اندازه ها و تقدیرها(تقدیر) آفریده که سبب رفع تشنگی انسان(قضا) می شود.

رفع ابهام: دقیقاً گزینه کنکور سراسری!! که غلطه توجه کنید!!!

برخی چنین پنداشته اند که قضا و قدر الهی با اختیار انسان ناسازگار است و تصور می کنند تقدیر، چیزی ورای قانون مندی و نظم است که وقتی به حادثه ای تعلق گرفت، هر قانونی را لغو و هر نظمی را برهم می زند؛ درحالی که خواهیم دید بدون پذیرش قضا و قدر الهی هیچ نظمی برقرار نمی شود و هیچ زمینه ای برای کار اختیاری پدید نمی آید.

داستان حضرت علی: برداشت نابه جای آن شخص، چنین بود که اگر قضای الهی به مرگ انسان تعلق گرفته باشد، چه در سایه دیوار کج و سست نشسته باشد چه در سایه دیوار مستحکم، دیوار خراب خواهد شد و مرگ خواهد آمد؛ بنابراین حرکت و تغییر مکان وی و تصمیم گیری براساس دستور عقل، بی فایده است . اط امیرمؤمنان با رفتار و گفتار خود، نگرش صحیح از قضا و قدر را نشان داد و به آن شخص آموخت که اعتقاد به قضا و قدر، نه تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست؛ بلکه عامل و زمینه ساز آن است. زیرا فرو ریختن دیوار کج، یک قانون و قضای الهی است. این قضا متناسب با شرایط و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی کجی آن است. اط اگر دیوار، ویژگی دیگری داشته باشد، یعنی اگر محکم باشد، قانون و قضای دیگری را به دنبال خواهد آورد و انسانی که این دو تقدیر و این دو قضا را بشناسد، تصمیم می گیرد و دست به انتخاب مناسب تر می زند.

جمع بندی انواع روابط طولی و عرضی، سوال: به نظر شما رابطه خدا با انسان کدام است؟

اینکه می گوییم خداوند با حکمت خود، اندازه، ویژگی و نقشه پدیده ها را معین می کند و با اراده خود محقق می سازد، به این معناست که حوادث جهان و از جمله کارهای انسان تحت تدبیر و اراده

خداوند و مظهری از قضا و قدر اوست. حال آیا این اختیار الهی با اختیار انسانی منافات دارد؟ برای پاسخ دادن به این پرسش باید به انواع علت هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند، بپردازیم :

۱)علل عرضی: به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر/مشارکت یکدیگر/هر عامل مستقیماً نقشی دارد/نقش اجزا با یکدیگر متفاوت/نقش ها در مجموع مکمل همدیگر/باغبان و خاک و آب و نور و حرارت در پرورش گیاه.

شکل:

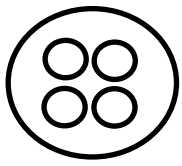

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

۲)علل طولی: یک عامل اثر بر عامل دیگر ... تا عامل n-1 ام بر عامل n ام تاثیر می گذارد/اگر یکی از عوامل حذف شود اختلال/هر عامل اثر عامل قبلی را به معلول خود منتقل/اراده انسان در طول اراده الهی است/هر عامل با قدرت و حکمت بالاتر مقدم بر عامل بعدی و موخر بر عامل قبلی خود می باشد.

شکل:

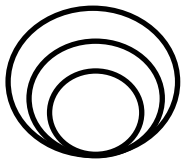

جمع بندی اختیار انسان، یک تقدیر الهی:

a. وقتی از تقدیر جهان به وسیله خداوند سخن می گوییم، منظورمان فقط تعیین طول، عرض، حجم، مکان و زمان یک موجود نیست . این ها ساده ترین و آشکارترین تقدیرها هستند . تقدیر الهی شامل همه ویژگی ها، کیفیت ها و کلیه روابط میان موجودات می شود.

b. این که آب در چند درجه بجوشد، تعداد الکترون های هر عنصر چه تعداد باشد، ماه در کدام مدار دور زمین گردش کند، بدن انسان از چه اعضایی تشکیل شود، کار هر عضوی چه باشد، همه و همه از تقدیرات الهی است.

c. یکی از تقدیرات الهی برای انسان این است، که او دارای اختیار باشد؛ همان طور که مثلاً به آب، ویژگی مایع بودن را داده است، به انسان نیز ویژگی مختاربودن را عطا کرده است.

d. به تعبیر دیگر، خداوند این گونه خواسته که انسان کارهایش را با اختیار انجام دهد و کسی نمی تواند از اختیار، که ویژگی ذاتی اوست، فرار کند؛ حتی اگر بخواهد فرار کند، باز هم این یک کار اختیاری خواهد بود، چون همین کار را با خواست و اراده خود انجام می دهد.

جمع بندی محدودهٔ اختیار انسان:

a. شاید در نگاه اول، انسان تصور کند، که این قانون مندی ها مانع تحرک و پویایی اوست . اما در نگاهی ژرف تر خواهد دید که خداوند با چه زیبایی رابطه میان قدرتِ اختیار انسان و نظام جهان را سامان داده، به گونه ای که نه تنها این نظام سدّ راه او نشود، بلکه زمینه ساز عروج و صعود وی به سوی قله های کمال گردد.

b. توجه کنیم که ما در چارچوب قوانین حاکم بر هستی حق انتخاب داریم و مثلاً آسمان و دریا در هر شرایطی رام انسان نیست؛ فقط درصورتی صرام و مسخّر انسان می شوند که آدمی ویژگی ها و قانون مندی ها(تقدیر)ی آنها را بشناسد و متناسب با آن ویژگی ها، ابزارهایی مانند هواپیما و کشتی تهیه کند(قضای انسانی در طول قضای الهی) تا بتواند در آسمان ها و دریاها سیر کند (قضای انسانی در طول قضای الهی).

دقیقاً گزینه کنکور سراسری!!

c. پس تقدیرات و قانون مندی ها هم لازمه کار اختیاری انسان و هم جهت دهنده و محدود کننده آن است . برخی از افراد به همین نکته بسیار روشن توجه نمی کنند و بدون درک قانون مندی های جهان، برای رسیدن به خوشبختی، راه های دلخواه خود را دنبال می کنند و بدبختی خود را رقم می زنند.

---

۴. جمع بندی کلید واژه های انواع توحید:

توحید ذاتی(اصل توحید): غنی-احد-حی لایموت

خالقیت: خلق-انشا-فطر-آفریدگار-مبدا-سرچشمه-جهان از خداست

مالکیت: ازآن خداست-له-للّه-امور

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

ولایت:ولی-حکم-حاکم-فرمانروا-دخل و تصرف-کن فیکن-سرپرست

ربوبیت:پروردگار-پرورش-رب-تدبیر-اداره-اراده-تربیت-نیرو-توان-هدایت-به پیش برنده-پشتیبان-ان شاء

تذکر غفوری: تمام کارهایی که خدا در جهان انجام می دهد، بجز خلق، مربوط به ربوبیت است.

حمد، عبد ، احداً ، شکر ،تسلیم ، تسبیح ، تنزیه ، توکل ، اخلاص ، اطاعت و هر ریشه ای از این کلمات: اشاره به توحید عبادی

توحید مالکیت ثمره توحید خالقیت است.

توحید ولایت ثمره توحید مالکیت و خالقیت است.

توحید ربوبیت ثمره توحید خالقیت و مالکیت و ولایت است.

توحید عبادی ثمره ی توحید در ربوبیت است در نتیجه ثمره توحید خالقیت و مالکیت و ولایت نیز هست.

لااله الا اللّه : همه ابعاد توحید

هذا صراط المستقیم میشه توحید عملی (رمز: این راه هست انسان باید بره پس توحید عملی میشه!)

اهدنا الصراط المستقیم میشه توحید ربوبیت (رمز: ما را به راه راست خداجونم(!) هدایت مون کن! چون خدا داره یه کاری غیر خلق کردن انجام میده پس میشه توحید ربوبیت)

سایر نکات ریز و مهم:

اگر خداوند به کسی اذن در ولایت دهد آن شخص نیز می‌تواند در محدوده‌ی اجازه‌ی خداوند در اشیایی تصرف کند. چنین اذنی به معنای واگذاری ولایت خداوند به دیگری نیست بلکه بدین معنی است که آن شخص در میسر و مجرای ولایت الهی قرار گرفته و از خودش استقلالی ندارد.

برخی انسان‌ها توحید در خالقیت را قبول دارند اما گرفتار شرك در ربوبیت می‌شوند؛ یعنی در کنار ربوبیت الهی برای انسان‌های دیگر یا سایر مخلوقات حساب جداگانه‌ای بازمی‌کنند و فکر می‌کنند که آن انسان‌ها یا آن مخلوقات مستقل از خداوند می‌توانند در امور جهان دخالت کنند.

اگر افراد جامعه بکوشند در روابط خود با یکدیگر به جای خواست‌ها و تمایلات خود فرمان الهی را حاکم کنند و از پذیرش طاغوت‌ها سر باز زنند مناسبات سیاسی و اقتصادی و روابط فرهنگی را منطبق بر احکام الهی و در جهت رضای او تنظیم کنند بعد اجتماعی توحید عبادی تحقق می‌یابد.

اگر هر یك از افراد جامعه، خواست‌ها و تمایلات دنیایی خود را دنبال کنند و فقط منافع خود را محور فعالیت‌های اجتماعی قرار دهند و اهل ایثار و تعاون و خیر رساندن به دیگران نباشند شرك اجتماعی تحقق می‌یابد.

معرفت به خداوند زمانی میوه‌ی خود را می‌دهد که از مرحله‌ی شناخت ذهنی به مرحله‌ی ایمان قلبی برسد و در قلب تثبیت شود؛ یعنی انسان به چشم قلب ببیند که خداوند در کوچك‌ترین حوادث عالم نیز حضور دارد و چرخ خلقت با تدبیر خداوند می‌گردد و این بت‌ها مانع رسیدن انسان به ایمان است.

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

قرآن کریم معیار ثابت شرك و بت‌پرستی را به ما ارائه کرده و تطبیق این معیارها بر زندگی فردی و اجتماعی را بر عهده‌ی خودمان قرار داده است. این معیارها عبارت‌اند از: ۱- اطاعت از ارباب‌هایی جز خداوند، ۲- بندگی کسانی جز او، ۳- خارج کردن دین خداوند از برنامه‌های زندگی، ٤- تقلید از کسانی که در جهت مخالف دین حرکت می‌کنند.

ریشه‌ی بت‌پرستی و شرك جدید آن است که برخی انسان‌ها در عین قبول داشتن خداوند دین و دستورات آن را در متن زندگی خود وارد نمی‌کنند و تمایلات دنیایی و نفسانی خود را اصل قرار می‌دهند.

حل تمرین: برای هریک از آیات/عبارت های زیر نوع توحید را مشخص کنید:

آیه شریفه « ما لهم من دونه من ولیٍّ »

آیه شریفه « لا یشرك فی حکمه احداً »

آیه شریفه « و لم یکن له کفواً احد »

آیه شریفه « لیس کمثله شی ء »

اعتقاد به این که تدبیر و پرورش مخلوقات فقط به دست خداست

آیه شریفه «اَفَرَأَیتُم ما تحرثون . ءَاَنتم تزرعونه اَم نحـ ن الزارعون»

آیه شریفه « **نحن جعلناها تذکرة و متاعاً للمقوّین** . . . با ترجمه‌اش»

آیه شریفه « و اعلموا اَنَّ اللهَ غنیٌّ حمیدٌ »

آیه شریفه « و لله ما فی السماوات و الارض و الی الله ترجع الامور »

نکته: برخی جوانان مدرس دین و زندگی (!) می گویند وجود کلمه (امور) در آیه بالا به معنای توحید ربوبیت است ولی باید بگوییم که اینجا هیچ ربطی به توحید ربوبیت ندارد و فقط به خاطر کامل شدن آیه آمده است و مربوط به بازگشت امور به خدا است.

آیه شریفه « و لم یکن له شریکٌ فی المُلك » توحید.....

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

« تنها وجود مستقل و به خود متکی خداست » توحید.....

آیه شریفه « فاعبدوه هذا صراطٌ مستقیمٌ » توحید.....

آیه شریفه « اِتَّخَذوا اَحبارَهُم و رُهبانَهُم اَرباباً من دونِ اللهِ » توحید.....

آیه شریفه « اِنَّ اللهُ ربّی و ربُّکُم » توحید.....

آیه شریفه « فاعبدوه هذا صراطٌ مستقیمٌ » توحید.....

آیه شریفه ۳۱ توبه « و ما اُمِروا اِلّا لِیَعبُدوا اِلهاً واحداً » توحید...

عبارت « لا اله اِلّا الله » و « لا اله اِلّا هو » توحید.....

عبارت « . . . اَنِ اعبُدوا اللهَ وَاجتَنِبُوا الطاغوتَ » توحید...

عبارت « وَمَن یُسلِم وجهَهُ الی الله . . . » دلالت بر توحید عبادی (عملی) دارد توحید.....

در عبارت « خالقُ کلِّ شیءٍ فاعبدوه » توحید.....

عبارت « اِن تقوموا لِلّهِ مَثنی و فُرادی » توحید.....

عبارت « فاعبد اللهَ » توحید.....

عبارت « لا تَعبُدوا الشّیطانَ » توحید.....

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

آیه شریفه «وَاَنِ اعبُدونی» توحید.....

آیه شریفه «لا اله اِلّا هو خالق کل شیءٍ فاعبدوه» توحید.....

۵. نکته مهم شرک که همیشه سوال کنکور داشته چیه؟!!

وقتی توانایی انجام کاری را از هر انسانی (پیامبران-امامان-فقها-افراد عادی و ...) بدانیم و این را در طول اراده ی خدا ندانیم در اصل دچار شرک ربوبیت شده ایم مثال: آیه (اتخذوا احبارهم ورهبانهم اربابا من دون الله)

وقتی چند خدایی باشیم مثلاً خدای آسمان و خدای زمین در واقع دچار شرک در خالقیت شده ایم.

وقتی در مالکیت جهان کسی را شریک خداوند قرار دهیم دچار شرک در مالکیت شده ایم.

وقتی ولی بودن رسول خدا را به گونه ای مستقل از ولایت خداوند در نظر بگیریم دچار شرک در ولایت شده ایم.

وقتی هر یک از افراد جامعه، خواست‌ها و تمایلات دنیایی خود را دنبال کنند و فقط منافع خود را محور فعالیت‌های اجتماعی قرار دهند و اهل ایثار و تعاون و خیر رساندن به دیگران نباشند شرک اجتماعی تحقق می‌یابد.

۶. نکته مهم درس هستی بخش کجاست؟

الف)نیازمندی جهان به خدا در پیدایش: (انتم الفقرا الی الله)

مقدمه اول: پدیده ای هستیم که وجود و هستی ما از خود ما نیست و به خودمان متکی نیستیم.

مقدمه دوم: هر پدیده ای که وجودش از خودش نباشد، برای موجود شدن نیازمندبه دیگری است.(ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش) (شیرین شدن)(یک موجود، فقط درصورتی برای موجود بودن به دیگری نیازمند نیست که ذات و حقیقتش مساوی با موجود بودن باشد و نیستی در او راه نداشته باشد)

نتیجه: در پیدایش و هستی یافتن نیازمند موجودیت خدا هستیم که سرچشمه هستی است.

ب)نیازمندی جهان به خدا در بقا: (یات بخلق جدید) (انتم الفقرا الی الله)

رابطه ما با خدا مانند رابطه پرتو های نور با منبع آن

ج)همه مواردی که به خداوند نور هستی اشاره دارند:

الحمدلله الذی متجلی لخلقه بخلقه

ما رایت شیئا الا و رایت الله قبله و بعده و معه

دلی کز معرفت نور و صفا دید به هر چیزی که دید اول خدا دید

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم...

نکته: معرفت الهی نیازمند پاکی و صفای قلب است که در نوجوان و جوان زیاد وجود دارد.

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

د)تفکر در چیستی خدا نکن! ولی در صفات الهی تفکر کن زیرا شناخت صفات و ویژگی های خداوند از راه شناخت مخلوقاتش تا حدودی ممکن است.(نه کاملاً!!!)

ه) اندیشه و تحقیق به شدت مهم و حیاتی درس اول و نکات آن:

هُوَ الَّذي يُسَيِّرُكُمْ في الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّي إِذا كُنْتُمْ في الْفُلْكِ وَجَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِها جاءَتْها رِيحٌ عاصِفٌ وَجاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنْجَيْتَنا مِنْ هذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشّاكِرينَ فَلَمّا أَنْجاهُمْ إِذا هُمْ يَبْغُونَ في الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يا أَيُّهَا النّاسُ إِنَّما بَغْيُكُمْ عَلي أَنْفُسِكُمْ مَتاعَ الْحَيوةِ الدُّنْيا ثُمَّ إِلَيْنا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

پیام آیات: (در کنکور سراسری دقیقا به سبك زیر قسمتی از پیام آیات را می دهند و از شما آن آیه را می خواهند یا برعکس)

قوانینِ حاکم بر طبیعت، مخلوق ومحکوم خداوند است. (هُوَ الَّذِی یُسَیِّرُکُمْ)

کارهای انسان، به خدا هم نسبت داده می‌شود، چون قدرت از اوست. با آنکه سیر، عمل انسان است، «فَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ»، امّا می‌فرماید: (هُوَ الَّذِی یُسَیِّرُکُمْ)

انسان هر چه هم پیشرفت کند، از گزند حوادث طبیعی درامان نیست. (جاءَتْها رِیحٌ عاصِفٌ)

مرفّهان نپندارند که پیوسته در رفاه خواهند بود. (فَرِحُوا بِها، أُحِیطَ بِهِمْ)

حوادث طبیعی، غرور و تکبّر انسان را برطرف ساخته، او را در برابر خداوند خاضع می‌سازد. (دَعَوُا اللّهَ)

هنگام خطر، فطرت انسان به یک مبدأ نجات متوجّه می‌شود. (دَعَوُا اللّهَ مُخْلِصِینَ)

ایمان و اخلاص باید دائمی باشد، نه موسمی و به هنگام احساس خطر. (أُحِیطَ بِهِمْ دَعَوُا اللّهَ مُخْلِصِینَ)

انسان در هنگامه‌ی خطر قول می‌دهد، ولی به رفاه که رسید غافل می‌شود. (لَئِنْ أَنْجَیْتَنا)

ناسپاسی و کفران نعمت‌ها، یکی از زمینه‌های بروز سختی و عذاب است. (لَئِنْ أَنْجَیْتَنا مِنْ هذِهِ لَنَکُونَنَّ مِنَ الشّاکِرِینَ)

انسان کافر بی‌وفا، عهدشکن و ناسپاس است. «فَلَمّا أَنْجاهُمْ، یَبْغُونَ» (در آیه‌ی قبل، وعده داد اگر نجات یابد شکر کند، ولی پس از نجات ناسپاسی می‌کند)

ظلم به مردم، ظلم به خویش است، چون همه از یکدیگریم. (بَغْیُکُمْ عَلی أَنْفُسِکُمْ)

کیفر ستم، هم در دنیاست هم در آخرت. (عَلی أَنْفُسِکُمْ، إِلَیْنا مَرْجِعُکُمْ)

ظالمان، تنها در چند روزه‌ی دنیا کامیابی دارند که در برابر کیفر قیامت، ناچیز است. (مَتاعَ الْحَیاةِ الدُّنْیا)

ریشه‌ی ظلم‌ها، دنیاطلبی انسان است. (مَتاعَ الْحَیاةِ الدُّنْیا)

یاد قیامت، از عوامل بازدارنده‌ی گناه است. (یا أَیُّهَا النّاسُ ... إِلَیْنا مَرْجِعُکُمْ)

خداوند به همه‌ی کارهای انسان آگاه است وانسان نیز در قیامت از همه‌ی کارهای خود آگاه خواهد شد. (فَنُنَبِّئُکُمْ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ)

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

نکات مهم تست زنی من در آزمون ۲۰ و ۲۷ دی ماه کانون قلم چی:

تکلیف جلسه آینده: مطالعه دقیق خط به خط کتاب درسی دینی پیش دانشگاهی درس هفتم + مرور جزوه این جلسه + حل ۵۰ تست تالیفی از درس ۷ پیش

مهدی غفوری اولین مدرس دین و زندگی به سبک زیست شناسی در ایران

صد ها نفر همگام با من دینی را صد می زنند پس به کمتر از ۱۰۰ راضی نشو!

این جزوات ویژه کلاس های حضوری و غیرحضوری استاد غفوری تدوین و طراحی شده لطفاً کپی نکنیم.

@konkurpex

درس اول: هستی‌بخش

نکات

۱- ریشه‌ی وابستگی‌ها نیاز است

۲- نیازمندی مخلوقات به خدا در دو مرحله
- ۱- مرحله‌ی پیدایش
- ۲- مرحله‌ی بقا
- همه‌ی مراحل

۳- لازمه‌ی پرسش از هستی موجودات چیست؟ عبور از سطح ظاهری پدیده‌ها

*** یا ایُها الناس: ای مردم** = خطاب عام
- ۱. همه‌ی مخلوقات از جمله انسان، در وجود و هستی خود نیازمند خدا هستند
- ۲. وابستگی ذاتی همه‌ی مخلوقات از جمله انسان را بیان می‌کند
- ۳. ارتباط معنایی دارد با شعر:

ذات نایافته از هستی‌بخش کی تواند که شود هستی‌بخش

اَنتُمُ الفُقَراءُ: شما نیازمندان

الَی اللّهِ: به خدا هستید

واللّهُ هُوَ: و تنها خدا
- ۱. تنها وجود بی‌نیاز خداست او در هستی خود به دیگران محتاج نیست
- ۲. چون وجود خداوند وابسته به چیزی نیست کسی نمی‌تواند وجود او را بگیرد و نابودش کند، او در ذات خود غنی و بی‌نیاز است

الغنیُ الحَمید: بی‌نیاز و ستوده است

اِنْ یَشاءُ یُذْهِبْکُم: اگر بخواهد شما را می‌برد
- بردن مخلوقات به عدم و نیستی

ویاتِ بخلقٍ جدید: و آفرینش جدیدی به وجود می‌آورد
- و آفرینش مجدد (جایگزین کردن) برای

و ما ذلکَ علی الله بعزیزٍ: و این برای خدا کار دشواری نیست
- خداوند کار سخت و دشواری نیست

نکات

۱- خداوند در بیان (فقر و نیازمندی) به صفت (غنی و حمید) خود اشاره می‌کند

۲- در قرآن خداوند «غنی» خوانده شده است و انسان‌ها و سایر مخلوقات «فقیر» و نیازمند به او، این نسبت هیچ‌گاه تغییر نمی‌کند هرچه انسان کمالاتی نظیر علم و قدرت کسب کند، باز هم نسبت به خداوند فقیر است.

@konkurpex

*** اللّه نورُ السماواتِ و الارض: خداوند نور آسمان‌ها و زمین است**

پیام کلّی

- ۱. هر مخلوقی نشان دهنده‌ی خالق خود است
- ۲. آن‌گونه که نور خودش روشن است به دیگران روشنی می‌دهد، خداوند خود هست و به دیگران هستی می‌دهد
- ۳. آیه فوق نیازمندی مخلوقات را در مراحل پیدایش و بقا بیان می‌کند
- ۴. هر چیزی در این جهان بیانگر وجود خالقی و آیه‌ای از آیات الهی محسوب می‌شود
- ۵. در آیه‌ی فوق نور به معنای وجود و هستی است
- ۶. آیه می‌تواند به توحید در خالقیت اشاره داشته باشد (الله نور السماوات و الارض = الله خالق السماوات والارض)

نکات

آیه (اللهُ نور السماوات و الارض) ارتباط معنایی دارد با:

۱. احادیث حضرت علی (ع)

*** الحمدلله مُتجلّی لِخلقه بخلقِه:** سپاس خدای را که با آفرینش موجودات برای آفریدگان تجلی کرد

*** ما رأیْتُ شیْئاً الّا و رأیْتُ اللهَ قبله و وَبَعَده و ومَعَه** و هیچ چیز را ندیدم مگر این‌که خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن مشاهده کردم

۲. اشعار

۱. دلی کز معرفت نور و صفا دید — به هر چیزی که دید اوّل خدا دید

۲. به صحرا بنگرم صحرا تو بینم — به دریا بنگرم دریا تو بینم

به هر جا بنگرم کوه و درختت — نشان از قامت رعنا تو بینم

۳. کلمات:

نور ـ متجلی ـ تجلی ـ دید ـ بنگرم ـ اولی الابصار ـ رأیت ـ من دایاته ← همگی با هم ارتباط معنایی دارند

به حدیث پیامبر (ص) توجه کنید:

*** لاتَفکروا فی ذات الله: در ذات و چیستی خدا فکر نکنید**

تَفکّروا فی آلاء الله: در نعمت‌های خدا تفکر کنید

- ۱. خداوند حقیقتی نامحدود دارد و چون نامحدود است در ظرف ذهن‌ها نمی‌گنجد
- ۲. ذهن به حقیقت خدا احاطه پیدا نمی‌کند
- ۳. هر چیستی که برای خدا فرض کنیم او را در حد تصورات ذهنی خود پایین آورده و محدود کرده‌ایم
- ۴. شناخت هر چیز مستلزم احاطه و دسترسی است

@konkurpex

نکات

رابطه‌ی جهان با خدا را با رابطه‌ی ساعت و سازنده‌ی آن مقایسه کنید، و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن را بنویسید:

شباهت‌ها:

۱. ساعت و جهان هر دو منظم و دارای هدف هستند.

۲. ساعت و جهان هر دو پدیده‌اند و نیازمند به‌وجود آورنده هستند.

تفاوت‌ها:

۱. ساعت‌ساز هستی‌بخش اجزاء نیست و فقط نظم دهنده‌ی اجزاء است، اما خداوند هم هستی‌بخش است و هم نظم دهنده

۲. جهان پس از آفرینش، برای بقا نیز به خالق خود (خداوند) نیازمند است (نیازمندی در مرحله‌ی بقا) ولی ساعت پس از ایجاد، دیگر نیازی به ساعت‌ساز ندارد و نیازش فقط در مرحله‌ی ایجاد است نه بقا

۳. سازنده‌ی ساعت، خود نیز مخلوق و پدیده‌ای است و برای تولید ساعت، نیازمند موادی است که خودش به‌وجود نیاورده، ولی خداوند پدیده را از ابتدا و هیچ خلق کرده است.

نتیجه: مراحل نیازمندی مخلوقات به خدا

۱. نیازمندی در مرحله‌ی پیدایش (خلق / ایجاد / احداث)

۲. نیازمندی در مرحله‌ی بقا (استمرار / تداوم زندگی)

جمع‌بندی کلی

پدیده	خداوند (دیگری)
۱) ممکن‌الوجود (ممکن است باشد، ممکن است نباشد)	۱) واجب‌الوجود (ضروری‌الوجود)
۲) نیستی‌اش مقدم بر هستی‌اش است	۲) همواره بوده و هست
۳) متکی و وابسته هست	۳) متکی و وابسته نیست
۴) مستقل نیست	۴) مستقل است
۵) نیاز به پدید آورنده دارد	۵) نیاز به پدید آورنده ندارد
۶) یک زمانی نبوده سپس به وجود آمده	۶) وجود خداوند همیشگی است
۷) وجود و هستی از او سرچشمه نمی‌گیرد	۷) وجود و هستی از او سرچشمه می‌گیرد
۸) قائم به ذات نیست	۸) قائم به ذات هست
۹) ذات و حقیقت پدیده عدم و نیستی است	۹) ذات و حقیقت خداوند وجود و هستی است
۱۰) انسان و سایر اشیای پیرامون او همگی پدیده هستند	۱۰) به‌جز خداوند همه چیز پدیده است

@konkurpex

اندیشه و تحقیق

*** وَ مِنْ آياتِهِ أَن تَقُومَ السَّمَاء وَالأَرْضُ بِأَمْرِهِ** و از آیات اوست که آسمان و زمین به فرمان او برپاست؛

ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الأَرْضِ سپس هنگامی که شما را (در قیامت) از زمین فراخواند

إِذَأ أَنتُمْ تَخْرُجُونَ ناگهان همه خارج می‌شوید

پیام کلّی

- ۱. برپا بودن آسمان و زمین به فرمان خداوند، یکی از نشانه‌های اوست. (أن تقوم السماء و الأرض بأمره)
- ۲. علت نشانه بودن آن‌ها این است که آسمان و زمین، هم در حدوث و ایجاد و هم در بقا و استمرار، نیازمند خداوند هستند و به فرمان او پابرجا می‌باشند

نکات

آیه‌ی فوق ارتباط معنایی دارد با:

سال دوم درس ٦ : فراخوانی از زمین و خارج شدن از آن بیانگر معاد جسمانی است. (دعو من الأرض تخرجون)

سال دوم درس ٨ : زنده شدن همه‌ی انسان‌ها یکی از وقایع مرحله‌ی دوم قیامت است که در آیه به صورت « إذا أنتم تخرجون » آمده است.

@konkurpex

* هُوَ الَّذِی یُسَیِّرُکُمْ فِی الْبَرِ وَالْبَحْرِ	«او کسی است که شما را در خشکی و دریا سیر می‌دهد؛
حَتَّی إِذَا کُنتُمْ فِی الْفُلْکِ	زمانی که در کشتی‌ها قرار می‌گیرید
وَجَرَیْنَ بِهِم بِرِیحٍ طَیِّبَةٍ وَ فَرِحُوا بِهَا	و آن‌ها با بادهای موافق، آنان را حرکت می‌دهند و خوشحال می‌شوند
جَاءتْهَا رِیحٌ عَاصِفٌ وَ جَاءهُمُ الْمَوْجُ مِن کُلِ	ناگهان طوفان شدیدی می‌وزد؛ و امواج از هر سو به سراغ آن‌ها می‌آید؛
مَکَانٍ	و گمان می‌کنند هلاک خواهند شد؛
وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِیطَ بِهِمْ	در آن هنگام خدا را از روی اخلاص می‌خوانند که:
دَعَوُا اللهَ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ	«اگر ما را از این گرفتاری نجات دهی، حتماً از سپاسگزاران خواهیم بود.
لَئِنْ أَنجَیْتَنا مِنْ هَذِهِ لَنَکُونَنَّ مِنَ الشَّاکِرِینَ	
فَلَمَّا أَنجَاهُمْ	اما هنگامی که خدا، آن‌ها را رهایی بخشید
إِذَا هُمْ یَبْغُونَ فِی الأَرضِ بِغَیْرِ الْحَقِّ	(باز) به ناحق، در زمین ستم می‌کنند
یَا أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْیُکُمْ عَلَی أَنفُسِکُم	ای مردم! ستم‌های شما فقط به زیان خود شماست
مَّتَاعَ الْحَیَاةِ الدُّنْیَا ثُمَّ إِلَینَا مَرْجِعُکُمْ	از زندگی دنیا بهره (می‌برید)، سپس بازگشت شما به سوی ماست؛
فَنُنَبِّئُکُم بِمَا کُنتُمْ تَعْمَلُونَ	و ما، شما را به آن‌چه عمل می‌کردید، خبر می‌دهیم.»

پیام کلّی

- ۱. برخی انسان‌ها زمانی به یاد خداوند می‌افتند که احساس نابودی و قطع امید از همه عوامل مادی دارند.
- ۲. آیه‌ی شریفه، بیانگر فطری و ذاتی بودن خداپرستی و خداجویی نیز می‌باشد، به عبارت دیگر همان کسانی که در هنگام خوشی، خداوند را فراموش می‌کنند، به هنگام قطع امید از همه‌ی مخلوقات و مکوّنات، به سوی خدا برمی‌گردند. یعنی سرشت ایشان، کاملاً خداآشنا است
- ۳. بدکاری مردم پس از نجات از بحران‌ها (إذا هم یبغون) نشان دهنده‌ی عمیق نبودن اعتقادشان به خداوند و به زیان خودشان است. (إنما بغیکم علی أنفسکم)

نکات

آیه‌ی فوق ارتباط معنایی دارد با:

سال دوم درس ۳: سرشت خداآشنا یکی از سرمایه‌های انسان (دعوالله مخلصین له الدین)

سال دوم درس ۶: معاد جسمانی و بازگشت به سوی خداوند (الینا مرجعکم)

سال دوم درس ۹: تجسم اعمال و مشاهده‌ی اعمال دنیوی در قیامت (ننبئکم بما کنتم تعملون)

سال چهارم درس ۲: توحید در ربوبیت (هو الذی یسیرکم فی البحر)

@konkurpex

تست

۱- شعر: «به هر جا بنگرم کوه و در و دشت نشان از قامت رعنا تو بینم» با کدام مورد ارتباط مفهومی ندارد؟

۱) اَلله نورُ السماواتِ و الارض
۲) ما رأیتُ شیئاً اِلا و رأیت اللهَ قَبلَه و بَعدَه و مَعَه
۳) اَنتُم الفقراء اِلی اللهِ
۴) الحمدُ لِلّه المتجلی لِخلقه بِخلقه

۲- کدام گزینه با بقیه ارتباط مفهومی ندارد؟

۱) دلی کز معرفت نور و صفا دید / به هر چیزی که دید اول خدا دید
۲) ذات نایافته از هستی بخش / کی تواند که شود هستی بخش
۳) به صحرا بنگرم صحرا تو بینم / به دریا بنگرم دریا تو بینم
۴) به هرجا بنگرم کوه و در و دشت / نشان از قامت رعنا تو بینم

۳- بیت: «ذات نایافته از هستی بخش / کی تواند که شود هستی بخش» با کدام آیه هم‌مفهوم است؟

۱) اَنتم الفقراءُ اِلی الله ۲) الله لا اِلهَ اِلّا هو ۳) الله نور السماوات و الارض ۴) لا اِکراهَ فی الدین

۴- شعر: «دلی کز معرفت نور و صفا دید / به هر چیزی که دید اول خدا دید» با کدام مورد ارتباط مفهومی ندارد؟

۱) الله نور السماوات و الارض
۲) یا ایها الناس اَنتم الفقراءُ اِلی الله
۳) الحمدُ لِلّه المتجلی لِخلقه بِخلقه
۴) ما رأیتُ شیئاً اِلا و رأیت اللهَ قَبلَه و بَعدَه و مَعَه

۵- نیازمندی وجودی همه مخلوقات به خداوند شامل ..... و ..... می‌شود.

۱) نیازمندی در مرحله‌ی پیدایش ـ راهنمایی
۲) نیازمندی در مرحله‌ی بقا ـ بقا
۳) نیازمندی در مرحله‌ی پیدایش ـ استقلال وجودی
۴) نیازمندی در مرحله‌ی پیدایش ـ بقا

۶- هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و ..... محسوب می‌شود و پیام آیه‌ی شریفه‌ی ..... حاکی از آن است.

۱) آیه‌ای از آیات الهی ـ الله نور السماوات و الارض
۲) آیه‌ای از آیات الهی ـ و لله ما فی‌السماوات و ما فی‌الارض
۳) نوری از انوار هستی ـ الله نور السماوات و الارض
۴) نوری از انوار هستی ـ و لله ما فی‌السماوات و ما فی‌الارض

۷- حدیث شریف «الحمدلله المتجلی لخلقه بخلقه» بیانگر این است که هر چیزی در این جهان، تجلی وجود خالق و ..... محسوب می‌شود و انسان نمی‌تواند به ..... خداوند پی ببرد.

۱) نوری از انوار هستی ـ هستی
۲) نوری از انوار هستی ـ چیستی
۳) آیه‌ای از آیات الهی ـ هستی
۴) آیه‌ای از آیات الهی ـ چیستی

تست	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
گزینه	۱.	۱.	۱.	۱.	۱.	۱.	۱.
	۲.	۲.	۲.	۲.	۲.	۲.	۲.
	۳.	۳.	۳.	۳.	۳.	۳.	۳.
	۴.	۴.	۴.	۴.	۴.	۴.	۴.

@konkurpex

۸- آیه‌ی شریفه‌ی «ان یشا یذهبکم و یأت بخلق جدید» موضوع ..... و ..... را بیان می‌کند.

۱) بندگی و عبودیت در پیشگاه الهی ـ نیازمندی مخلوقات به خالق در مرحله‌ی به وجود آمدن

۲) بندگی و عبودیت در پیشگاه الهی ـ وابستگی وجودی جهان در بقای خود به خدا

۳) وابستگی مخلوقات به اراده‌ی الهی ـ وابستگی وجودی جهان در بقای خود به خدا

۴) وابستگی مخلوقات به اراده‌ی الهی ـ نیازمندی مخلوقات به خالق در مرحله‌ی به وجود آمدن

۹- رابطه‌ی وجود داشتن ما با خداوند مانند رابطه‌ی ..... با ..... است از این رو در قرآن کریم خداوند ..... خوانده شده است.

۱) پرتوهای نور ـ منبع نور ـ حمید

۲) شعاع‌های نور ـ روشنایی ـ غنی

۳) پرتوهای نور ـ منبع نور ـ غنی

۴) شعاع‌های نور ـ روشنایی ـ حمید

۱۰- پیام آیه‌ی شریفه‌ی: «الله نور السماوات و الارض» این است که جهان، در ..... نیازمند به خدا است و تمام موجودات ..... اند.

۱) پیدایش و بقا ـ آیه‌ای از آیات الهی

۲) پیدایش و هستی یافتن ـ آیه‌ای از آیات الهی

۳) پیدایش و بقا ـ نوری از انوار وجود

۲) پیدایش و هستی یافتن ـ نوری از انوار وجود

تست	۸	۹	۱۰
گزینه	۱. ○	۱. ○	۱. ○
	۲. ○	۲. ○	۲. ○
	۳. ○	۳. ○	۳. ○
	۴. ○	۴. ○	۴. ○

پایان درس اول

@konkurpex

درس دوم: یگانهٔ بی‌همتا

نکات

توحید:

۱. روح دین توحید است

۲. مهم‌ترین اعتقاد دینی و پایه و اساس تمام دین توحید است

۳. بدون اعتقاد به توحید هیچ اعتقاد دیگر (نبوت ـ معاد) اعتبار ندارد

۴. نگرش توحیدی بر تمام آیات قرآن سایه افکنده است

۵. نگرش توحیدی در پیکره‌ی معارف و احکام دین حضور دارد و به این پیکره حیات بخشیده است

۶. اعتقاد به توحید در زندگی فردی و اجتماعی انسان تأثیر دارد

اصل توحید: اعتقاد به این که خداوند یگانه است و شریک و همتایی ندارد ← احد / واحد

نکات

مراتب توحید

۱) نظری (خمور)
- ۱. خالقیت ← (خ ـ ل ـ ق) ← خلق کردن / آفرینش
- ۲. مالکیت ← لِلّه ـ مُلک ـ مالک
- ۳. ولایت ← ولی، ولایُشْرِکُ فی حکمه احداً
- ۴. ربوبیت ← (ر) ـ هدایت ـ یشا

۲) عملی (عبادی)
- ۱. فردی
- ۲. اجتماعی

← موضوع درس ۳

@konkurpex

* **قُل اللهُ خالقُ کُلِّ شیءٍ: بگو خداوند آفریننده‌ی هر چیزی است** ➢ توحید در خالقیت

* **و هُوَ الواحد القَهّارُ: و او یگانه قهار (غالب) است** ➢ اصل توحید یگانه بودن خداوند (احد) در هستی بخشی (خالق) را بیان می‌کند

* **قلْ هُوَ اللهُ اَحدُ: بگو او خدایی یکتاست** ➢ اصل توحید (خداوند در ذات خود یکتاست)

* **ولَمْ یکُن له کُفواً احَد: و برایش هیچ همتایی نیست** ➢ اصل توحید

توحید در خالقیت	شرک در خالقیت
۱) تنها مبدأ و خالق جهان خداوند است **۲) موجودات جهان همه از خدا هستند و در کار آفرینش شریک و همتایی ندارد** **۳) جهان از خداوند است (از اویی جهان)** **۴) جهان از اصل‌های متعدد پدید نیامده است (جهان از یک اصل به‌وجود آمده است)** **۵) قرآن کریم این حقیقت بزرگ (توحید در خالقیت) را به انسان‌ها یادآوری می‌کند و از هر گونه شرک انذار می‌دهد)**	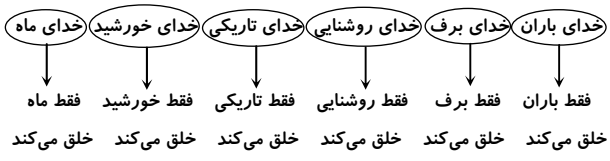 *** اگر تصور کنیم که دو یا چند خدا وجود دارد که هر کدام خالق بخشی از جهان هستند یا با همکاری یکدیگر این جهان را آفریده‌اند در واقع هر کدام از آن‌ها را محدود و ناقص فرض نموده‌ایم، زیرا هر یک از خدایان باید کمالاتی را دارا باشد که دیگری آن کمالات را ندارد. وگرنه عین همدیگر می‌شوند و دیگر چند خدا نیستند، چنین خدایانی ناقص و نیازمند هستند و هر یک به خالق و بی‌نیازی احتیاج دارد که نیاز او را برطرف نماید.**

نکات

تنها مبدأ و خالق جهان خداست (توحید در خالقیت)

چند مبدأ ➢ اعتقاد به خدایان متعدد و چند مبدأ برای جهان (شرک در خالقیت)

@konkurpex

*** وللّهِ ما فی السماواتِ و ما فی الارضْ: و برای خداست آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است**

و الی اللهِ تُرجَعَ الامُور: به سوی خداوند کارها بازمی‌گردند

توحید در مالکیت

پیام کلّی

۱. چون خداوند خالق جهان است، پس مالک جهان است

۲. مالک حقیقی و اصیل خداست و سایر مالکیت‌ها قراردادی و اعتباری است

۳. رابطه مالکیت انسان با مالکیت خداوند یک رابطه‌ی طولی است

۴. چون مخلوقات جهان و آثارشان از خداست پس مالک اصلی و حقیقی آن فقط خداست

۵. تُرجع الامور
- ۱) معاد
- ۲) هدفداری
- ۳) حکمت خدا

*** ما لَهُم مِنْ دونه مِنْ ولیٍّ: برای آنان جز خدا سرپرستی نیست**

و لایُشرکُ فی حکمه اَحَداً: و هیچ‌کس را در فرمانروایی خود شریک نمی‌گیرد

توحید در ولایت

پیام کلّی

۱. فرمانروای جهان خداست و هیچ‌کس در فرمانروایی او شریک نیست

۲. هر گونه تصرف در جهان، حق او و شایسته خداوند است

۳. چون خداوند مالک حقیقی جهان است لذا بر آن ولایت دارد

۴. خداوند بخشی از ولایت خود را به دیگران واگذار نمی‌کند

۵. خداوند در هر حال ولی همه مخلوقات است

@konkurpex

- توحید در ربوبیت
  - *** اَفَرَاَیْتُم ما تَحْرُثونَ: آیا به آنچه می‌کارید توجه کرده‌اید؟**
  - **اَ اَنْتُم تَزرعونَهُ: آیا شما آن را زراعت می‌کنید؟**
  - **اَم نَحْنُ الزارعون: یا ماییم که زراعت می‌کنیم؟**

پیام کلّی

- ۱. خداوند رب‌العالمین است
- ۲. صاحب اختیاری است که تدبیر همه‌ی امور هستی به دست اوست
- ۳. اراده‌ی انسان در طول اراده‌ی خداست
- ۴. بی‌نیازی خداوند در اداره‌ی این جهان
- ۵. خداوند که تنها خالق تمام جهانیان است به‌طور طبیعی تدبیر و پرورش همه مخلوقات را نیز در اختیار دارد
- ۶. اوست که جهان را اداره می‌کند و به سوی آن مقصدی که برایش معین فرموده هدایت می‌کند و پیش می‌برد

شرک در ربوبیت:

۱. اگر کسی در کنار ربوبیت الهی برای خود یا سایر مخلوقات حسابی جداگانه باز کند

۲. اگر کسی فکر کند غیر خدا می‌تواند امور را تدبیر کند

۳. اگر کسی فکر کند پزشک به تنهایی شفا می‌دهد

۴. اگر کسی فکر کند پیامبر به تنهایی شفا می‌دهد

نکات

توحید در ربوبیت بدین معنا نیست که موجودات به‌خصوص انسان قدرت تدبیر ندارند باغبانی که زحمت می‌کشد و به پرورش درختان اقدام می‌کند، رشد این درخت نتیجه‌ی تدبیر اوست. بلکه توحید در ربوبیت بدین معناست که این باغبان و تدبیرش همه از آن خدا و تحت تدبیر اویند.

@konkurpex

تست

۱- عقیده به توانایی پیامبر (ص) در شفای بیمار جزء توحید در ..... است که بعد از وفات ایشان ادامه .....، زیرا .....

۱) ربوبیت ـ ندارد ـ اعجاز ایشان در زمان زنده بودنشان است.

۲) ربوبیت ـ دارد ـ روح مطهر ایشان بعد از مرگ زنده است.

۳) ربوبیت ـ دارد ـ اعجاز ایشان در زمان زنده بودنشان است.

۴) خالقیت ـ دارد ـ روح مطهر ایشان بعد از مرگ زنده است.

۲- چرا قرآن خطاب به کسانی که سر به طغیان برداشته و خود را مستقل از خدا دیده‌اند، می‌فرماید: «ءاَنتم تزرعونه اَم نَحنُ الزارعون»

۱) زیرا دچار شرک ذاتی شده‌اند.

۲) زیرا توحید در ولایت ندارند.

۳) زیرا دچار شرک عبادی شده‌اند.

۴) زیرا توحید در ربوبیت و تدبیر ندارند.

۳- آیه‌ی شریفه‌ی «قل هو الله احد» مبین کدام مفهوم است؟

۱) اعتقاد به معاد که سایر احکام دینی وابسته به آن است.

۲) اعتقاد به توحید که سایر اعتقادات دینی وابسته به آن است.

۳) اعتقاد به ولایت و نبوت الهی در پذیرش دین.

۴) اعتقاد به توحید و گسترش معاد در سرتاسر آیات الهی.

۴- کدام گزینه با آیه‌ی شریفه‌ی «ما لَهم مِن دونه‌ی مِن ولیٍ» ارتباط مفهومی دارند؟

۱) قل هو الله احد

۲) ولا یُشرک فی حُکمِهِ اَحَداً

۳) پایه و اساس دین توحید است.

۴) اعتقادات دینی وابسته به معاد هستند.

۵- بدون اعتقاد به ..... هیچ اعتقاد ..... دیگری ارزش و اعتبار ندارد؟

۱) توحید ـ دینی ۲) معاد ـ علمی ۳) امامت ـ دینی ۴) روح ـ علمی

۶- آیه‌ی شریفه‌ی «افرایتم ما تحرثون اانتم تزرعونه ام نحن الزارعون» بیانگر توحید در ..... می‌باشد و بدان معناست که .....

۱) خالقیت ـ باغبانی که زحمت می‌کشد و به پرورش درختان اقدام می‌کند مالک باغش است.

۲) ربوبیت ـ باغبانی که زحمت می‌کشد و به پرورش درختان اقدام می‌کند مالک باغش است.

۳) ربوبیت ـ زارع حقیقی و پرورش دهنده‌ی اصلی درختان و گیاهان خدا است.

۴) خالقیت ـ زارع حقیقی و پرورش دهنده‌ی اصلی درختان و گیاهان خدا است.

تست	۱	۲	۳	۴	۵	۶
گزینه	۱. ☐ ۲. ☐ ۳. ☐ ۴. ☐	۱. ☐ ۲. ☐ ۳. ☐ ۴. ☐	۱. ☐ ۲. ☐ ۳. ☐ ۴. ☐	۱. ☐ ۲. ☐ ۳. ☐ ۴. ☐	۱. ☐ ۲. ☐ ۳. ☐ ۴. ☐	۱. ☐ ۲. ☐ ۳. ☐ ۴. ☐

@konkurpex

۷- آیات کریمه‌ی «افرایتم ما تحرثون اانتم تزرعونه ام نحن الزارعون»، «و لله ما فی السماوات و ما فی‌الارض» و «... لا یشرک فی حکمه احدا» به ترتیب بیانگر کدام شاخه‌های توحید است؟

۱) ولایت ـ ربوبیت ـ مالکیت
۲) مالکیت ـ ولایت ـ ربوبیت
۳) ربوبیت ـ مالکیت ـ ولایت
۴) مالکیت ـ ربوبیت ـ ولایت

۸- اگر کسی تصور کند که خداوند برخی از کارهای جهان را به مخلوقات خود واگذار کرده به ..... است و قرآن کریم خطاب به آنان می‌فرماید:

۱) هیچ‌گونه شرکی گرفتار نشده ـ افرایتم ما تحرثون اانتم تزرعونه ام نحن الزارعون
۲) شرک در ربوبیت دچار شده ـ افرایتم ما تحرثون اانتم تزرعونه ام نحن الزارعون
۳) هیچ‌گونه شرکی گرفتار نشده ـ و لله ما فی السماوات و ما فی‌الارض و الی الله ترجع الامور
۴) شرک در ربوبیت دچار شده ـ و لله ما فی السماوات و ما فی‌الارض و الی الله ترجع الامور

۹- از آیه‌ی شریفه‌ی ..... استنباط می‌شود فرمانروای جهان خداست و هیچ کس در فرمانروایی او شریک نیست.

۱) قل الله خالق کل شیء و هو الواحد القهار
۲) ... ما لهم من دونه من ولی و لا یشرک فی حکمه احدا
۳) افرایتم ما تحرثون اانتم تزرعونه ...
۴) و لله ما فی السماوات و ما فی‌الارض و الی الله ترجع الامور

۱۰- از دقت در کدام مورد، به ترتیب، توحید در ولایت و توحید در ربوبیت، مفهوم می‌گردد؟

۱) و الی الله ترجع الامور ـ و ما امروا الا لیعبدوا الها واحدا لا اله الا هو
۲) و لا یشرک فی حکمه احدا ـ و ما امروا الا لیعبدوا الها واحدا لا اله الا هو
۳) و لا یشرک فی حکمه احدا ـ افرایتم ما تحرثون اانتم تزرعونه ام نحن الزارعون
۴) و الی الله ترجع الامور ـ افرایتم ما تحرثون اانتم تزرعونه ام نحن الزارعون

تست	۷	۸	۹	۱۰
گزینه	۱. ○	۱. ○	۱. ○	۱. ○
	۲. ○	۲. ○	۲. ○	۲. ○
	۳. ○	۳. ○	۳. ○	۳. ○
	۴. ○	۴. ○	۴. ○	۴. ○

پایان درس دوم

@konkurpex

درس سوم: حقیقت بندگی

نکات

۱) توحید عملی (عبادی)
- ۱. پرستش خدا
- ۲. اطاعت از خدا
- ۳. جلب رضایت خدا

۲) توحید عملی (عبادی)
- ۱. بُعد فردی (شخصیت یگانه): یعنی تمام کشش‌ها، تمایلات و تصمیمات و فعالیت‌ها جهت الهی داشته باشد
- ۲. بُعد اجتماعی: نظام الهی
  - ۱. سیاسی
  - ۲. اقتصادی ≠ طاغوت
  - ۳. فرهنگی

۳) اگر آیه‌ای داشتیم که قسمتی از آن توحید نظری و قسمتی دیگر توحید عملی باشد:
- توحید نظری همواره علّت است
- توحید عملی همواره معلول است

پس نتیجه می‌گیریم ← توحید عملی میوه و ثمره‌ی توحید نظری است.

۴) اگر آیه‌ای داشتیم که قسمتی از آن توحید نظری و قسمتی دیگر توحید عملی باشد:
- توحید نظری را در نظر نمی‌گیریم جواب توحید عملی است.

۵) شعر زیر اشاره به توحید عملی (عبادی) دارد:

بر آستان جانان کز سر توان نهادن (بندگی (متبوع، گرو، علّت))
گلبانگ سربلندی بر آسمان توان زد (معلول، تحقق)

نکته: شعر ارتباط معنایی دارد با آیات:
- ۱. وَ منْ یُسْلِم ...
- ۲. والذین جاهدوا فینا ...

* **اِنَّ الله ربّی و رَبُّکمْ: قطعاً خداوند پروردگار من و شماست** ← توحید ربوبیت ← توحید عملی میوه و ثمره
فاعْبُدوهُ هذا صراطٌ مُسْتقیم: پس او را بپرستید این است راه استوار ← توحید عملی (عبادی) ← توحید در ربوبیت است

* **الحَمدلله: سپاس خدای را** ← توحید عملی (عبادی) ← توحید عملی میوه و ثمره
ربّ العالمین: که پروردگار جهانیان است ← توحید در ربوبیت ← توحید در ربوبیت است

نکته

با بررسی جزء‌به‌جزء آیات فوق به یک پیام رسیدیم پس نتیجه می‌گیریم هر دو آیه هم مفهوم هستند

@konkurpex

*** اِتَّخَذوا احْبارَ هُم و رُهْبانَهُم: دانشمندان و راهبانشان را اربابا مِنْ دون اللهِ: به جای خداوند به پروردگاری گرفتند وَ المسیحَ ابْنَ مَرْیَمَ: و همچنین مسیح پسر مریم را** ➢ شرک عملی جنبه اجتماعی (پیروی کردن از مشرکین)

و ما اُمِروا: در حالی که مأمور نبودند

الاّ لِیعبدوا الهاً واحِداً: جز آنکه خداوند یکتا را بپرستند ➢ توحید عملی جنبه‌ی اجتماعی

لا اله الاّ هُوَ: هیچ معبودی جز او نیست ➢ توحید عملی و توحید نظری (جامع ابعاد توحید)

سُبحانه و عَمّا یُشرکونَ: پاک و منزه است از آنچه که به او همراه و شریک می‌گیرند ➢ تنزیه و تسبیح از مراتب توحید عملی است

نکته

در پیام آیه‌ی بالا هشدار دادن و برحذر داشتن غلط است.

*** و لَقَد بَعثنا فی کُلّ اُمَّةٍ رسولاً: در میان هر امتی پیامبری را برانگیختیم** ➢ وحدت در دعوت پیامبران

اَنِ اعْبُدُوا اللهَ: که خدا را بپرستید ➢ توحید عملی جنبه اجتماعی (ضرورت تشکیل نظام الهی)

وَ اجْتنبوا الطّاغوتَ: و از طاغوت دوری کنید ➢ نفی شرک عملی جنبه اجتماعی (ضرورت اجتناب از طاغوت)

پیام کلّی

- ➢ ۱. اطاعت از هر شخص دیگری اگر براساس اطاعت از خدا نباشد نابه‌جا و غلط است
- ➢ ۲. اطاعت از رسول گرامی خدا و اطاعت از جانشینان آن حضرت لازمه توحید عملی است
- ➢ ۳. بعثت انبیاء برای دعوت مردم به پرستش خدا باید همراه نفی طاغوت و بعد اجتماعی توحید عبادی باشد
- ➢ ۴. هدف بعثت انبیا دعوت به توحید عملی و نفی شرک است

*** و مَنْ یُسْلِم وجْهه الَی الله و هُوَ مُحْسِن: هر کس خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد** ➢ بندگی **(علّت)**

فَقَدْ اسْتَمْسَکَ بالعروةِ الوثقی: قطعاً به ریسمان استواری چنگ زده ➢ منزلت **(معلول)**

و الی اللهِ عاقبة الامور: و سرانجام کارها به سوی خداست ➢ اشاره به بازگشت و معاد

➢ منزلت نتیجه‌ی بندگی است

نکات

بررسی جزء به جزء آیه:

۱. کلمات: یُسْلِم و مُحْسِن توحید عملی بعد فردی هستند که بیان شخصیت یک انسان موحد است.

۲. فقد استمسک بالعروة الوثقی ➢ کنایه‌ی تمسک به دستاویز محکم برخورداری از توحید در عبادت است.

۳. عاقبة الامور: اشاره به معاد که حقیقتی است هدفدار و نشانه‌ی حکمت خداست.

@konkurpex

*** ایاکَ نَعبُدُ و ایاکَ نَسْتَعین: فقط تو را عبادت می‌کنیم و از تو یاری می‌جوییم**

پیام کلّی
- ۱. توحید عملی جنبه اجتماعی (توحید در عبادت)
- ۲. حصر بندگی و استعانت در خداوند

نکات

لا اله الاّ الله:
- ۱. اگر بعد از آن تفحلوا باشد (حدیث از پیامبر (ص))
- ۲. اگر بعد از آن حصنی باشد (حدیث از امام رضا (ع))

* قولوا لا اله الاّ الله: بگویید لا اله الاّ الله ➤ (علّت) ➤ لازمه‌ی رستگاری گفتن لا اله الاّالله است

تفلحوا: رستگار شوید ➤ (معلول)

* کلمة لا اله الا اللهُ حِصنی: کلمه معبودی جز الله نیست دژ مستحکم من است

فمَنْ دَخَلَ حصنی: پس هر کس داخل دژ من شود

اَمِنَ مِنْ عَذابی: از عذاب من در امان است

➤ حدیث امام رضا (ع)

سخنان پیامبر:

۱) نه من و نه گویندگان قبل از من کلمه پرمحتوا مانند «لا اله الاّالله» نگفته‌ایم.

۲) این کلمه دژ است که انسان را از شرک در عقیده و عمل حفظ می‌کند به همین جهت خداوند این کلمه را دژ محکم خود نامیده است.

توحید نظری توحید عملی

نکته:

۱. مهم‌ترین شعار اسلام لا اله الاّالله است.

۲. لا اله ➤ نفی معبودهای ساختگی (بت).

۳. الاّالله ➤ اثبات خدا به عنوان تنها کسی که سزاوار پرستش و اطاعت است.

@konkurpex

تست

۱- در کدام گزینه علّتِ عبارتِ: «فَقَد اِستَمسَکَ بِالعُروةِ الوُثقی» به درستی بیان شده است؟

۱) مَن یُسلِم وَجهُهُ الی الله و هو مُحسِنٌ
۲) اِنَ الله رَبی وَ رَبکُم فَاعبدوهُ هذا صراطٌ مستقیم
۳) لَقَد بَعَثنا فی کُل اُمَه رَسولاً اَن اِعبُدوا الله
۴) وَ ما اُمِروا اِلا لِیَعبُدوا اِلها واحداً

۲- کدام‌یک از آیات زیر فقط به توحید در عبادت اشاره دارد؟

۱) اِیاکَ نَعبُدُ و ایاکَ نَستعین
۲) الحَمدُ لِلّهِ ربّ العالمین
۳) قل اللهُ خالِقُ کلَ شیء
۴) اِنَ اللهَ رَبی وَ رَبکُم فَاعبدوهُ هذا صراطٌ مستقیم

۳- قرآن در مورد کسی که ..... می‌فرماید: «فَقَد اِستَمسَکَ بِالعُروه الوثقی» و دو شرط لازم برای چنگ زدن به ریسمان الهی عبارتند از ..... و .....

۱) خود را تسلیم خدا کند و مؤمن باشد ـ اسلام ـ ایمان
۲) خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد ـ اسلام ـ احسان
۳) به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشد و نیکوکار باشد ـ اسلام ـ ایمان
۴) ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد ـ اسلام ـ احسان

۴- شرک عملی در مقابل چه چیزی قرار دارد و چند مرحله است؟

۱) توحید خالقیت ـ دو مرحله
۲) توحید عملی ـ دو مرحله
۳) توحید عملی ـ سه مرحله
۴) توحید خالقیت ـ سه مرحله

۵- تمام آیات به‌جز آیه‌ی ..... بر یک مفهوم دلالت دارند.

۱) و ما امروا الاّ لیعبدوا الها واحدا لا اله الا هو
۲) ان الله ربی و ربکم فاعبدوه هذا صراط مستقیم
۳) و من یسلم وجهه الی الله و هو محسن فقد استمسک بالعروة الوثقی
۴) و لقد بعثنا فی کل امة رسولان ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت

۶- پیام آیه‌ی شریفه‌ی «و لقد بعثنا فی کل امة رسولان ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت» کدام است؟

۱) اتمام حجت پیامبران بر امت‌های خود و نفی شرک در پرستش
۲) اتمام حجت پیامبران بر امت‌های خود و طاغوت‌زدایی دعوت آنان
۳) وحدت انبیاء، تحقق توحید خالقیت و قبول توحید در ربوبیت
۴) وحدت انبیاء، تحقق توحید عبادی و نفی شرک در پرستش

تست	۱	۲	۳	۴	۵	۶
گزینه	۱.	۱.	۱.	۱.	۱.	۱.
	۲.	۲.	۲.	۲.	۲.	۲.
	۳.	۳.	۳.	۳.	۳.	۳.
	۴.	۴.	۴.	۴.	۴.	۴.

@konkurpex

۷- پیام تمام آیات، به‌جز آیه‌ی شریفه‌ی ..... تحقق توحید عملی اجتماعی است.

۱) ایّاک نعبد و ایّاک نستعین اهدنا الصراط المستقیم

۲) و ما امروا الاّ لیعبدوا الها واحدا لا اله الا هو

۳) و لقد بعثنا فی کل امة رسولان ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت

۴) و من یسلم وجهه الی الله و هو محسن فقد استمسک بالعروة الوثقی

۸- اطاعت از رسول گرامی اسلام (ص) و اطاعت از جانشینان آن حضرت لازمه‌ی توحید ..... است که ..... توحید ..... می‌باشد و پیام آیه‌ی شریفه‌ی ..... حاکی از آن است.

۱) عملی ـ نتیجه‌ی ـ نظری ـ ان الله ربی و ربکم فاعبدوه هذا صراط مستقیم

۲) نظری ـ نتیجه‌ی ـ عملی ـ ان الله ربی و ربکم فاعبدوه هذا صراط مستقیم

۳) نظری ـ مقدمه‌ی ـ عملی ـ و لقد بعثنا فی کل امة رسولان ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت

۴) عملی ـ مقدمه‌ی ـ نظری ـ و لقد بعثنا فی کل امة رسولان ان اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت

۹- توحید عملی در فرد به صورت ..... است و تجلی توحید عملی در جامعه ..... می‌باشد.

۱) یگانه شدن انسان برای خدا ـ اطاعت از پیامبر (ص)

۲) اعتقاد خالص به خدا داشتن ـ اطاعت از پیامبر (ص)

۳) یگانه شدن انسان برای خدا ـ تحقق قسط و عدالت

۴) اعتقاد خالص به خدا داشتن ـ تحقق قسط و عدالت

۱۰- آیات شریفه‌ی «الذین یذکرون الله قیما و قعودا ...»، «و من یتول الله و رسوله ...» و «و من یسلم وجهه الی الله و هو محسن» به ترتیب بیانگر کدام بعد از ابعاد توحید است؟

۱) ربوبیت ـ عبادی ـ عبادی ۲) عبادی ـ ولایت ـ عبادی ۳) ربوبیت ـ عبادی ـ ربوبیت ۴) عبادی ـ ولایت ـ ربوبیت

۱۱- کدام آیه‌ی قرآن کریم از سوره‌ی مبارکه‌ی «حمد» بیانگر توحید در عقیده و نظر نیست؟

۱) مالک یوم الدین ۲) بسم الله ارحمن الرحیم ۳) الحمدلله رب‌العالمین ۴) ایاک نعبد و ایاک نستعین

تست	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
گزینه	۱.	۱.	۱.	۱.	۱.
	۲.	۲.	۲.	۲.	۲.
	۳.	۳.	۳.	۳.	۳.
	۴.	۴.	۴.	۴.	۴.

پایان درس سوم

@konkurpex

درس چهارم: در مسیر اخلاص

نکات

۱) جن و انس را نیافریدیم مگر برای بندگی
- ۱. آفرینش جن قبل از انسان بوده
- ۲. جن و انس دارای تکلیف و اختیار هستند.
- ۳. فلسفه‌ی (هدف) جن و انس عبودیت است (هدف میانی)

۲) تنها موعظه‌ی خدا و پیامبر به مسلمانان ← تقوموا لِلّه ← قیام برای خدا (اخلاص)

۳) تنها سؤال خدا از کسانی که دنبال هوی و هوس می‌روند
- ۱. الم اعْهدَ الیکُم یا بنی ءآدم (آیا با شما عهد نبسته بودن ای فرزندان آدم)
- ۲. اَن اعبدونی (بندگی خدا)

۴)
- مُخلِص: اخلاص در بندگی
- مُخلَص: عدم نفوذ شیطان در انسان

* **قُلْ اِنّما اَعِظُکُم بواحدةً: بگو شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم** ← تنها موعظه‌ی پیامبر و خدا به مسلمانان
اَنْ تقموا لِلّه: که برای خدا قیام کنید ← قیام برای خدا و اخلاص است

مثنی: دوبه‌دو ← در کار خالصانه جماعت بهتر است ـ توحید عملی اجتماعی
و فرادی: یا یک نفر یک نفر ← در کار خالصانه تعداد اصل نیست ـ توحید عملی فردی
ثُمَ تَتَفّکَروا: سپس بیندیشید ← در کار خالصانه تعجیل کنیم

خداوند پس از قیام دعوت به تفکر می‌کند زیرا تفکر موجب بینش عمیق می‌شود

نکات

۱- تقوموا لِلّه (اخلاص در بندگی)
- ۱. تمام جهت‌گیری‌ها سمت و سوی الهی پیدا کند.
- ۲. کارها فقط برای رضای خدا انجام شود.
- ۳. هوای نفس و شیطان در کارها و اعمال ما نباشد.

۲- در آیه‌ی فوق خُذْن فعلش به دنبال خُذْن فاعلش است.

۳- آیه‌ی فوق می‌گوید که زندگی عرصه‌ی عبادت و بندگی است.

@konkurpex

* **انّا اَنْزَلنا اِلَیکَ الکتابَ بالْحَقّ: ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم** ➢ نزول هدف‌دار قرآن ➢ هدف از نزول کتاب اخلاص در بندگی و عبودیت است

فاعْبُدِ اللّهَ: پس خدا را پرستش کُن ➢ توحید عملی یا عبادی

مُخلِصاً لَهُ الدّین: و دین خود را برای او خالص گردان ➢ اخلاص در بندگی ➢ دعوت قرآن به اخلاص

نکته

به هر میزان درجه‌ی اخلاص بیش‌تر، مقام نزد خدا گرامی‌تر و درجه در بهشت بالاتر است.

* **اَلَمْ اعْهَد الیکُم: مگر با شما عهد نکردم** ➢ خداوند انسان‌هایی را که به دنبال هوس می‌روند مورد سؤال قرار می‌دهد

یا بنی ءادم: ای فرزندان آدم ➢ یکسانی مقام و منزلت زن و مرد در عبودیت

اَنْ لاتَعبُدُوا الشیطانَ: که بندگی شیطان را نکنید ➢ نفی شرک عملی جنبه اجتماعی = مبارزه با طاغوت

انّهُ لکُم عدُوٌّ مبینٌ: که او بر شما دشمنی آشکار است ➢ وصف شیطان

وَ اِن اعْبدونی: مرا بندگی کنید ➢ توحید عملی جنبه اجتماعی = برپایی نظام الهی

هذا صراطٌ مُسْتقیم: این راهی راست است ➢ توحید عملی

پیام کلّی
- ➢ ۱. گرایشات فطری به اخلاص را بیان می‌کند
- ➢ ۲. انسان همواره بر سر دوراهی بندگی خداوند یا بندگی هوای نفس و شیطان قرار دارد و زندگی صحنه‌ی انتخاب ➢ یکی از این دو راه است
- ➢ ۳. خداوند گرایش به پرستش خود را در خلقت ما قرار داده و به وسیله‌ی پیامبران الهی و کتاب‌های آسمانی ما را به سوی آن راهنمایی نموده است

* **کذلک لنصرفَ:** این گونه بازگرداندیم

عَنهُ السّوءَ و الفحشاءَ: از او بدی و زشتکاری را ➢ **(معلول)**

انَّهُ مِنْ عِبادنَا المُخلَصین: چرا که او از بندگان مخلص ما بود ➢ **(علّت)**

پیام کلّی
- ➢ ۱. فلسفه منصرف شدن یوسف مخلص شدن یوسف است
- ➢ ۲. اولین میوه‌ی اخلاص عدم نفوذ وسوسه‌های شیطان در مؤمن با اخلاص است
- ➢ ۳. نجات انسان شایسته از وسوسه‌های شیطان می‌باشد و هشداری است به انسان که راه نجات، آراستگی به اخلاص است
- ➢ ۴. علّت نجات حضرت یوسف (ع) رسیدن او به درجات بالای اخلاص بوده است
- ➢ ۵. آیه ارتباط معنایی دارد با

بندگی کن تا که سلطانت کنند تن رها کن تا همه جانت کنند

@konkurpex

نکات

راه‌های رسیدن به حقیقت بندگی و اخلاص

۱) تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری

آیه: نَعْقِلُ ـ سَعیر

نکته: اولین قدم ➢ تقویت روحیه حق ➢ نَعْقل

۲) افزایش معرفت به خدا: اولین کلمه‌ی شعرهایی که با ➢ آخرینش ➢ مصر

۳) راز و نیاز با خدا و کمک خواستن از او

آیه: وَ اَقِمَ الصَّلاةَ لِذکری

۴) یاد معاد و روز حساب

آیه: یا ایتها النفس المُطْمئنه ...

۵) انجام عمل صالح (اهتمام به عمل صالح)

آیه: جاهدوا + فینا

*** والذّینَ جاهَدوا فینا: کسانی که در راه ما تلاش و مجاهده کردند.**

لَنَهدیَنَّهُم سُبُلنا: قطعاً راه‌های خود را به آنان می‌نمایانیم.

و اِنّ اللهَ لَمَعَ المُحْسنین: و بی‌تردید خداوند همراه نیکوکاران است.

➢ ۱. برای پیشرفت در توحید عبادی، اهتمام به عمل صالح لازم است تا عنایت‌های الهی، شامل حال انسان گردد

➢ ۲. اهتمام به عمل صالح که از راه‌های رسیدن به حقیقت بندگی و اخلاص است

نکات

عمل صالح:

۱- انسان را پرورش می‌دهد.

۲- وجودش را خالص می‌سازد.

۳- خداوند راه و مسیر را به او نشان می‌دهد.

۴- خداوند او را بیشتر هدایت می‌کند.

@konkurpex

* **لو کُنّا نَسْمَعُ او نَعْقِلُ: اگر می‌شنیدیم یا تعقل می‌کردیم ⮜ (علّت)** ⮜ ۱. برای پیشرفت در توحید عملی حق‌پذیری لازم است
ما کُنّا فی اصحاب السَّعیر: در میان دوزخیان نبودیم ⮜ (معلول) ⮜ ۲. تقویت روحیه حق‌پذیری که از راه‌های رسیدن به اخلاص است

نکات

۱) کسی که در مقابل حق تسلیم و خاضع است به آسانی وارد مسیر بندگی می‌شود و به سرعت قله‌های موفقیت را می‌پیماید.
علّت — معلول — معلول

۲) آیه فوق (نَعقلُ ـ سعیر) ارتباط معنایی دارد با آیه «فبشر عباد الّذین یَستمعون القول ...»

* **وَاقِمَ الصّلاة لِذکری: و نماز را برای یاد من به پا دار⮜** راز و نیاز با خدا و کمک خواستن از او از راه‌های پیشرفت توحید عملی و اخلاص

نکات

۱- خواید راز و نیاز و عرض نیاز به پیشگاه خدا
- ⮜ ۱. محبت خدا را در قلب تقویت می‌کند
- ⮜ ۲. غفلت را کنار می‌زند
- ⮜ ۳. انسان از امدادهای الهی بهره‌مند می‌شود

۲- چون نماز در پنج نوبت در شبانه‌روز انجام می‌شود، به‌طور مداوم ما را به یاد خدا می‌اندازد و حضور او را در زندگی‌ها تقویت می‌کند

۳- این آیه به «توحید عملی یا عبادی» اشاره دارد

نکات

حُسن فاعلی و فعلی

حُسن
- ⮜ ۱. فاعلی: نیت، روح عمل، قصد، هدف (شرط اول)
- ⮜ ۲. فعلی: شکل، ظاهر عمل (شرط دوم)

نکته:
- ⮜ ۱. حُسن فاعلی یک حُسن فعلی را به دنبال دارد.
- ⮜ ۲. حُسن فعلی همواره به دنبال حُسن فاعلی است.

به حدیث پیامبر (ص) توجه کنید:

نیهُ المؤمن خَیرُ: نیت مؤمن برتر ⮜ حُسن فاعلی

مِنْ عَمَله: از عمل اوست ⮜ حُسن فعلی

پیام: در انجام هر عمل ⮜ حُسن فعلی

هم باید نیت درونی و قلبی انسان الهی باشد ⮜ حُسن فاعلی

هم باید مطابق با شکلی که خدا فرمان داده انجام شود ⮜ حُسن فعلی

نکته:

⮜ ۱. انسان اگر هم حُسن فعلی و هم حُسن فاعلی داشته باشد ⮜ با اخلاص است
⮜ ۲. انسان اگر حُسن فعلی داشته باشد، حُسن فاعلی نداشته باشد ⮜ ریاکار است.
⮜ ۳. انسان اگر حُسن فعلی و فاعلی نداشته باشد ⮜ مشرک است.

@konkurpex

بررسی اشعار درس:

*** آفرینش همه تنبیه خداوند دل است دل ندارد که ندارد به خداونـد اقرار**
این همه نقش عجب بر در دیوار وجود هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار

➢ افزایش معرفت به خدا که از راه‌های رسیدن به اخلاص است

نکته

اگر کسی پرده‌ی غفلت را کنار نزد، همچنان نابینا خواهد ماند و از نور روی دوست بهره‌ای نخواهد برد.

*** مهر رخسار تو می‌تابد ز ذرات جهان هر دو عالم پر ز نور و دیده نابینا چه سود**

پیام کلّی ➢ افزایش معرفت به خدا که از راه‌های رسیدن به اخلاص است

*** بنـدگی کـن تـا که سلطانـت کننـد تـن رهـا کـن تـا همـه جانـت کننـد**

پیام کلّی ➢ توحید عملی یا اخلاص در بندگی

*** همچـو سلمـان در مسلمانی بکوش ای مسلمـان تـا که سلمـانت کننـد**

پیام کلّی ➢ زندگی عرصه‌ی بندگی و عبودیت است

معانی احادیث پیامبر حتماً حفظ شود.

یا بَنی آدَمَ	ای فرزندان آدم،
اَنَا غَنیٌّ لا اَفْتَقِرُ	من بی‌نیازی هستم که نیازمند نمی‌شوم
اَطِعْنی فی ما اَمَرتُکَ	مرا در آن‌چه به تو امر کرده‌ام اطاعت کن
اَجْعَلْکَ غَنِیًّا لاتَفتَقِرُ	تا تو را آن‌چنان بی‌نیاز کنم که نیازمند نشوی
یا بَنی آدَمَ	ای فرزندان آدم
اَنَا حَیٌّ لا اَمُوتُ	من زنده‌ای هستم که نمی‌میرم
اَطِعْنی فی ما اَمَرتُکَ	مرا در آن‌چه به تو امر کرده‌ام اطاعت کن
اَجْعَلْکَ حَیّاً لاتَموتُ	تا تو را زندگی‌ای بخشم که نمیری
یا بَنی آدَمَ	ای فرزندان آدم،
اَنَا اَقولُ لِلشَّیءِ کُنْ فَیَکونُ	من به هرچه می‌گویم «باش»، می‌شود
اَطِعْنی فی ما اَمَرتُکَ	مرا در آن‌چه به تو امر کرده‌ام اطاعت کن
تقولُ لِلشَّیءِ کُنْ فَیَکونُ	که به هر چیز بگویی «باش»، بشوی

@konkurpex

تست

۱- منظور از «صراط مستقیم» در قرآن توحید در ..... است؟ کسانی که در دنیا تعقل نمی‌کنند و به سخن حق گوش نمی‌دهند در قیامت جزء اصحاب ..... قرار می‌گیرند.

۱) عبادت ـ جهیم ۲) خالقیّت ـ سعیر ۳) عبادت ـ شِمال ۴) عبادت ـ سعیر

۲- طبق آیات قرآن تنها موعظه و پند و اندرز پیامبر (ص) چیست؟ اولویت اول و مهم در انجام آن فُرادی است یا اجتماعی؟

۱) اَقِمِ الصلاه لِذکری ـ به صورت جماعت و اجتماعی ۲) اَقِمِ الصلاه لِذکری ـ به صورت فُرادی و تنهایی

۳) أن تَقوموا لِلّه ـ به صورت فُرادی و تنهایی ۴) أن تَقوموا لِلّه ـ به صورت جماعت و اجتماعی

۳- کدام گزینه جزء پنج برنامه برای رسیدن به حقیقت بندگی و اخلاص نیست؟

۱) راز و نیاز با خداوند، یاد معاد و روز حساب ۲) اهتمام به عمل صالح، تقویت روحیه حق‌پذیری

۳) توبه، توکل بر خدا ۴) افزایش معرفت به خدا، یاد معاد

۴- اولین ثمره‌ی اخلاص، ..... است که پیام آیه‌ی شریفه‌ی ..... حاکی از آن می‌باشد.

۱) زندگی سالم و به دور از فساد و احساس اطمینان و آرامش روانی ـ ... کذلک لنصر فعنها لسوء والفحشاء انه ...

۲) زندگی سالم و به دور از فساد و احساس اطمینان و آرامش روانی ـ الم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لاتعبدوا الشیطان انه ...

۳) عدم نفوذ شیطان در انسان و یأس او از فرد با اخلاص ـ ... کذلک لنصر فعنها لسوء والفحشاء انه ...

۴) عدم نفوذ شیطان در انسان و یأس او از فرد با اخلاص ـ الم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لاتعبدوا الشیطان انه ...

۵- پیام آیه شریفه‌ی «لو کنّا نسمع او نعقل ما کنا فی اصحاب السّعیر» این است که برای پیشرفت در توحید .....، ..... لازم است تا ..... شامل حال انسان گردد.

۱) عبادی ـ تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری ـ عنایت الهی

۲) ذاتی ـ تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری ـ عنایت الهی

۳) عبادی ـ افزایش معرفت به خداوند ـ عدم نفوذ شیطان

۴) ذاتی ـ افزایش معرفت به خداوند ـ عدم نفوذ شیطان

تست	۱	۲	۳	۴	۵
گزینه	۱. ○	۱. ○	۱. ○	۱. ○	۱. ○
	۲. ○	۲. ○	۲. ○	۲. ○	۲. ○
	۳. ○	۳. ○	۳. ○	۳. ○	۳. ○
	۴. ○	۴. ○	۴. ○	۴. ○	۴. ○

@konkurpex

۶- پیام آیات شریفه‌ی «یا ایّتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربّک ...: ای نفس به آرامش رسیده، خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت بازگرد ...» و «لو کنّا نسمع او نعقل ...» به ترتیب بیانگر ..... و ..... که از لوازم برنامه‌ریزی برای ..... است، می‌باشد.

۱) یاد معاد و روز حساب ـ افزایش معرفت به خداوند ـ اخلاص

۲) راز و نیاز با خداوند ـ افزایش معرفت به خداوند ـ ایمان

۳) راز و نیاز با خداوند ـ تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری ـ ایمان

۴) یاد معاد و روز حساب ـ تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری ـ اخلاص

۷- تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری» یکی از برنامه‌های مورد توجه برای وصول به حقیقت ..... است که پیام آیه‌ی شریفه‌ی ..... مفید این معنی است.

۱) خلوص در اعتقاد ـ لو کنّا نسمع او نعقل ما کنّا فی اصحاب السّعیر

۲) اخلاص در بندگی ـ لو کنّا نسمع او نعقل ما کنّا فی اصحاب السّعیر

۳) اخلاص در بندگی ـ والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلَنا و اِنّ الله لمع المحسنین

۴) خلوص در اعتقاد ـ والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلَنا و اِنّ الله لمع المحسنین

۸- اولین قدم برای ورود به بندگی و اخلاص ..... است، و کسانی که به این ندا پاسخ مثبت ندهند در قیامت حسرت‌زده و ناامید، می‌گویند:

۱) حق‌پذیری ـ ان لا تعبدوا الشیطانَ اِنَّه لکم عدوٌّ مبینٌ

۲) انجام عمل صالح ـ ان لا تعبدوا الشیطانَ اِنَّه لکم عدوٌّ مبینٌ

۳) انجام عمل صالح ـ لو کنّا نسمع او نعقل ما کنّا فی اصحاب السّعیر

۴) حق‌پذیری ـ لو کنّا نسمع او نعقل ما کنّا فی اصحاب السّعیر

۹- مفهوم دو بیت زیر، بیان حال چه کسانی است؟

«آفرینش همه تنبیه خداوند دل است / دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار

این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود / هرکه فکرت نکند نقش بود بر دیوار»

۱) کسانی که با افزایش معرفت به خداوند انگیزه بندگی را افزایش می‌دهند.

۲) کسانی که با افزایش معرفت در توحید عبادی انگیزه اعتقادی را افزایش می‌دهند.

۳) کسانی که برای تقویت عبودیت و توحید عبادی، توجه مداوم به معاد و روز حساب دارند.

۴) کسانی که در مقابل حق خاضع هستند و وقتی حقیقت را دریافت می‌کنند، تسلیم آن می‌شوند.

تست	۶	۷	۸	۹
گزینه	۱. ▭	۱. ▭	۱. ▭	۱. ▭
	۲. ▭	۲. ▭	۲. ▭	۲. ▭
	۳. ▭	۳. ▭	۳. ▭	۳. ▭
	۴. ▭	۴. ▭	۴. ▭	۴. ▭

@konkurpex

۱۰- «مسدود بودن راه نفوذ شیطان و مأیوس شدنش از انسان» از ثمرات بهره‌مندی از ..... است که پیام آیه‌ی شریفه‌ی ..... حاکی از آن است.

۱) ایمان ـ انا انزلنا الیک الکتاب بالحق فاعبد الله مخلصا له الدین

۲) اخلاص ـ انا انزلنا الیک الکتاب بالحق فاعبد الله مخلصا له الدین

۳) اخلاص ـ کذلک لنصرف عنه السوء و الفحشاء انه من عبادنا المخلصین

۴) ایمان ـ کذلک لنصرف عنه السوء و الفحشاء انه من عبادنا المخلصین

۱۱- از آیه‌ی شریفه‌ی «قل انما اعظکم بواحدة ان تقومو الله مثنی و فرادی ثم تتفکروا» توحید در ..... به معنای ..... مفهوم می‌گردد.

۱) خالقیت ـ یگانه شدن انسان برای خدا

۲) خالقیت ـ اعتقاد به یگانگی خداوند

۳) عبادت ـ اعتقاد به یگانگی خداوند

۴) عبادت ـ یگانه شدن انسان برای خدا

۱۲- اگر در عبادتی حسن فعلی داشته باشد اما حسن فاعلی همراه آن نباشد، دچار ..... شده‌ایم. بنابراین حسن ..... به‌طور طبیعی حسن ..... را به دنبال می‌آورد.

۱) انحراف ـ فاعلی ـ فعلی ۲) انحراف ـ فعلی ـ فاعلی ۳) ریا ـ فاعلی ـ فعلی ۴) ریا ـ فعلی ـ فاعلی

۱۳- از آیه‌ی شریفه‌ی «قل انما اعظکم بواحدة ان تقومو الله مثنی و فرادی ثم تتفکروا» ..... و بیت ..... مفهوم می‌گردد.

۱) اخلاص در بندگی ـ دلی کز معرفت نور و صفا دید — به هر چیزی که دید اول خدا دید

۲) اخلاص در بندگی ـ بندگی کن تا که سلطانت کنند — تن رها کن تا همه جانت کنند

۳) توحید در ربوبیت ـ دلی کز معرفت نور و صفا دید — به هر چیزی که دید اول خدا دید

۴) توحید در ربوبیت ـ بندگی کن تا که سلطانت کنند — تن رها کن تا همه جانت کنند

۱۴- اگر بگوییم: «عمل صالح انسان را پرورش می‌دهد و وجودش را از زنگارها، صیقل می‌بخشد و موجب کسب فیض خداوند در ادامه‌ی مسیر و هدایت افزون‌تر الهی می‌شود.» پیام کدام آیه را ترسیم کرده‌ایم؟

۱) انا انزلنا الیک الکتاب بالحق فاعبد الله مخلصا له الدین

۲) والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبلَنا و اِنّ الله لمع المحسنین

۳) الم اعهد الیکم یا بنی آدم ان لا تعبدوا الشیطانَ اِنَّه لکم عدوٌّ مبینٌ

۴) من آمن بالله و الیوم الاخر و عمل صالحا ... فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون

تست	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
گزینه	۱. ○	۱. ○	۱. ○	۱. ○	۱. ○
	۲. ○	۲. ○	۲. ○	۲. ○	۲. ○
	۳. ○	۳. ○	۳. ○	۳. ○	۳. ○
	۴. ○	۴. ○	۴. ○	۴. ○	۴. ○

@konkurpex

۱۵- با توجه به آیه‌ی «قل انما اعظکم بواحدة ...» خداوند مردم را تنها به یک چیز اندرز می‌دهد و آن ..... است و لازمه‌ی اولین قدم در این امر آمدن ..... به دنباله‌ی ..... است.

۱) تفکر در معرفت الله ـ حسن فاعلی ـ حسن فعلی
۲) تفکر در معرفت الله ـ حسن فعلی ـ حسن فاعلی
۳) قیام برای خداوند ـ حسن فاعلی ـ حسن فعلی
۴) قیام برای خداوند ـ حسن فعلی ـ حسن فاعلی

تست	۱۵
گزینه	۱. ○ ۲. ○ ۳. ○ ۴. ○

چهارم
پایان درس

@konkurpex

درس پنجم: قدرت پرواز

*** انا هَدیناهُ السبیل: همانا ما راه [حق و باطل] را به انسان نشان دادیم** ➢ فلسفه‌ی نبوت ➢ رابطه‌ی فلسفه‌ی نبوت با اختیار

اِمّا شاکراً و اِمّا کفوراً: یا سپاسگذار است یا ناسپاس ➢ اختیار ➢ اختیار حقیقی وجدانی و مشهود است

نکات

۱- با توجه به عبارت هدیناهُ می‌توان توحید در ربوبیت را نتیجه گرفت.

۲- آیه با آیه‌ی «قد جاء کم بصائرمین ربکم فمَن ابصر فلسفه» ارتباط معنایی دارد چون هر دو درباره‌ی اختیار است.

۳- آیه به اختیار اشاره دارد که از تقدیرات الهی است یعنی از ویژگی‌های انسان است.

۴- آیه به سنت امداد اشاره دارد.

*** قَدْ جاءَ کُم: به راستی آمده است نزد شما** ➢ خداوند از شیوه‌ی راهنمایی خود با ما سخن گفته

بصائِر مِنْ ربّکُم: رهنمودهایی از پروردگارتان ➢ به اراده‌ی خدا و توحید در ربوبیت اشاره دارد

فَمَنْ ابصَر فَلِنفسه: پس هر که بینا گشت به سود خودش ➢ اراده‌ی انسان (قدرت اختیار)

وَ مَنْ عَمِیَ فَعَلیها: و هر کس کوری پیشه کرد به زیان خودش است ➢ اراده‌ی انسان (قدرت اختیار)

و ما انا عَلیکم بحفیظ: و من بر شما نگهبان نیستم ➢ اختیار از انسان سلب نمی‌شود، چون نشانه فرستاده شده است

نکته

آیه ارتباط معنایی دارد با آیه‌ی: **... و ما انْتَ عَلَیهم بوکیلٍ**

*** اِنَّ اللهَ یُمسِکُ: همانا خداوند نگه می‌دارد**

السَّماواتِ و الارضَ: آسمان‌ها و زمین را

اَنْ تزولا: از منحرف شدن

➢ ۱. با استفاده از تقدیر الهی خدا جهان را از انحراف نگه می‌دارد

➢ ۲. توحید در ربوبیت (اراده‌ی خدا)

➢ ۳. کشتی جهان ناخدایی دارد که به علت علم و قدرت بی‌پایان آن ناخدا کشتی غرق و نابود نمی‌شود

و لَئن زالتا: و اگر منحرف شود

اِنْ امْسَکْهُما: نگه نمی‌دارد آن دو را

مِنْ احَد مِنْ بعده: هیچ کسی بعد از او

➢ ۱. ایمان به خدای حکیم و نظام حکیمانه او این اطمینان را به انسان می‌دهد که جهان نگهبانی دارد که اشتباه در کار او نیست

➢ ۲. بیانگر اراده و قدرت نامحدود خداست و با آیات اِن ارادنی ... او ارادنی ... مرتبط است

انَّهُ کانَ حلیماً غفوراً: اوست بردبار آمرزنده ➢ **به صفات الهی اشاره می‌کند**

@konkurpex

نکات

«قضا و قدر الهی»

یادآوری: سال دوم با معانی تقدیر آشنا شدیم: اندازه، ویژگی، خصوصیت، ساختار معین، موقعیت مکانی و زمانی حال باید بدانیم قضای الهی اتفاقی است که بر اثر تقدیر می‌افتد.

مثال: دیوار کج است (تقدیر) ، دیوار فرو ریخت (قضا)

پس از مثال فوق نتیجه می‌گیریم که:
- ۱. تقدیر مقدم بر قضا است.
- ۲. تقدیر علّت و قضا معلول است.
- ۳. قضای الهی به تقدیر الهی تکیه دارد.

قضا و قدر در یک نگاه:

قضای الهی ⇓ اراده
- ۱. خلق: خَلَقَ خَلْقَناهُ ـ خلقنا = در یک کلام آفرینش (خلق کردن، ایجاد کردن)
- ۲. جمله‌های دستوری: حکم، فرمان، دستور (خبر، امر، نهی، نفی)
- ۳. هم زنده کردن و هم کشتن (یحیی، یمیت)
- ۴. قضای خداوند حتمی است ← حتمیت

تقدیر الهی ⇓ علم و حکمت
- ۱. مَنْ بِقَدْرٍ خَلَقَ (اندازه، ویژگی، خصوصیت، ساختار معین، موقعیت مکانی و زمانی، نقشه)
- ۲. اجزای آسمان تقدیر الهی است ← شمس ـ قمر ـ لیل، نهار

نکته:
- فُلک ← قضای الهی (اراده‌ی الهی)
- فَلک ← تقدیر الهی (علم و حکمت الهی)

*** انا کُلَّ شیء خلقناهُ بقَدَرٍ: ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم**

پیام کلّی
- ۱. هر یک از پدیده‌ها، پیدایش (خلقناهُ) و ویژگی‌هایشان (قدر) در چارچوب قوانین و نظام خاص صورت می‌گیرد
- ۲. هر موجودی به گونه‌ای خلق شده که اندازه‌ی خاص، هدف خاص و نظم خاص را دنبال می‌کند
- ۳. عبارت خلقناه به قضای الهی اشاره دارد که از اراده‌ی الهی سرچشمه می‌گیرد و همچنین به توحید در خالقیت هم اشاره می‌کند
- ۴. عبارت بقدرٍ به تقدیر الهی اشاره دارد که از علم و حکمت الهی سرچشمه می‌گیرد

@konkurpex

*** هُوَ الذّی یحیی و یُمیتُ: اوست که زنده کند و بمیراند**
فاذا قَضی اَمْراً: و چون به کاری حکم کند
فَاِنَّما یقولُ لَهُ: پس به آن می‌گوید
کُنْ فَیَکونُ: باش، پس می‌باشد
➢ مربوط به قضای الهی و اراده‌ی تکوینی و حتمی خدا بر وجود بخشیدن به پدیده‌ها

*** اللهُ الذّی سَخَّر لکُم البَحْر: خدا همان کسی است که دریا را برای شما رام کرد**
لِتجری الفُلک فیه بأمره: تا کشتی در آن به فرمانش روان شود
➢ موجودات جهان از آن جهت که با فرمان و اراده‌ی الهی حقیقت می‌یابند مقضی به قضای الهی هستند

و لِتَبتَغوا مِنْ فَضلِه: و تا از فضل و بخشش او بجویید
و لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ: شاید که شما تشکر کنید
➢ ۱. توسعه‌ی فعالیت‌های اختیاری انسان که تابع معرفت به تقدیر الهی است که برخاسته از علم و حکمت است
➢ ۲. اراده‌ی انسان در طول اراده‌ی خداست

*** لا الشَّمس یَنْبغی لَها: نه خورشید را سزد**
اَنْ تُدْرِکَ القَمَر: که به ماه رسد
➢ به تقدیر الهی اشاره دارد که از علم و حکمت الهی سرچشمه می‌گیرد

و لا اللّیلُ سابق النّهار: و نه شب بر روز پیشی جوید
و کُلٌّ فی فَلَکَ یَسبحونَ: و همه در مداری در گردش‌اند
➢ ۱. عدم خروج موجودات از قانون‌مندی و تقدیرات الهی (حرکت موجودات)
➢ ۲. به ذکر نکات علمی بی‌سابقه اشاره دارد

نکات

علل طولی و عرضی

علل طولی:

۱. اثر علت‌ها بر معلول نیست
۲. بین علت‌ها شدت ضعف و قدرت وجود دارد
۳. از اثر چند عامل روی هم به نتیجه می‌رسیم
۴. علل طولی یک رابطه را تشکیل می‌دهد
۵. نگارش مصداق بارز علل طولی است

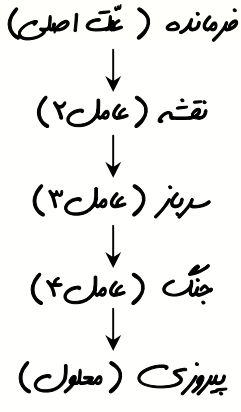

علل عرضی:

۱. اثر علت بر معلول یکسان است
۲. بین علت‌ها شدت ضعف و قدرت وجود دارد
۳. علل عرضی یک مجموعه را تشکیل می‌دهد
۴. رویش گل مصداق بارز علل عرضی است

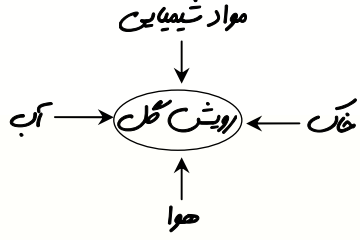

@konkurpex

تست

۱- مفهوم آیه‌ی شریفه‌ی: «انا هدیناهُ السبیل اما شاکراً و اما کفوراً» ناظر بر کدام مطلب و مؤید کدام نشانه‌ی وجود اختیار در انسان است؟

۱) تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری ـ تفکر و تصمیم

۲) اختیار و فلسفه‌ی نبوت ـ احساس رضایت یا پشیمانی

۳) فواید آگاهی و توجه ما به اختیار ـ تفکر و تصمیم

۴) نظم جهانی لازمه‌ی اعمال اختیاری انسان ـ احساس رضایت یا پشیمانی

۲- در مورد امیرالمؤمنین (ع) پیرامون دیوار کج، کدام‌یک درست است؟

۱) فرو ریختن دیوار کج، یک قانون و قضای الهی است. این قضا متناسب با تقدیر عمومی دیوار، یعنی کجی آن است.

۲) فرو ریختن دیوار کج، یک تقدیر الهی است. این تقدیر متناسب با قضای عمومی آن دیوار، یعنی کجی آن است.

۳) فرو ریختن دیوار کج، یک قانون و قضای الهی است. این قضا متناسب با شرایط و تقدیر خاص آن دیوار، یعنی کجی آن است.

۴) فرو ریختن دیوار کج، یک تقدیر الهی است. این تقدیر متناسب با قضای خاص آن دیوار، یعنی کجی آن است.

۳- «این‌که همه‌ی موجودات، تحت اراده و مدیریت خداوند و به اذن او عمل می‌کنند.» در برگیرنده‌ی مفهوم ..... است که می‌تواند ..... باشد و روابط میان موجودات برخاسته از ..... است.

۱) توحید در خالقیّت ـ کاهش دهنده‌ی نقش اختیار انسان ـ

۲) توحید در ربوبیّت ـ بستری مناسب برای ظهور اختیار انسان ـ قضای الهی

۳) توحید در خالقیّت ـ محدود کننده‌ی کار اختیاری انسان ـ تقدیر الهی

۴) توحید در ربوبیّت ـ محدود کننده‌ی کار اختیاری انسان ـ تقدیر الهی

۴- «نوشیدن آب برای رفع عطش»، معلول اعتماد انسان به ..... در جهان هستی و شرط بهره‌مندی از اختیار برای انسان، اعتقاد به ..... است که با ..... سازگاری دارد.

۱) تقدیر الهی ـ تقدیر الهی ـ اختیار انسان ۲) قضای الهی ـ قانون‌مندی جهان ـ اختیار انسان

۳) تقدیر الهی ـ وجود اصل اختیار در انسان ـ قضا و قدر الهی ۴) قضای الهی ـ علم و حکمت خداوند ـ قضا و قدر الهی

۵- قرآن کریم «حکم و فرمان خداوند برای خلقت هر مخلوق» و «رابطه‌ی جاذبه‌ی موجود میان اشیاء» را به ترتیب موضوع ..... و ..... می‌داند.»

۱) تقدیر الهی ـ قضای الهی ۲) قضای الهی ـ تقدیر الهی ۳) قضای الهی ـ قضای الهی ۴) تقدیر الهی ـ قضای الهی

تست	۱	۲	۳	۴	۵
گزینه	۱. ۲. ۳. ۴.	۱. ۲. ۳. ۴.	۱. ۲. ۳. ۴.	۱. ۲. ۳. ۴.	۱. ۲. ۳. ۴.

@konkurpex

۶- آیه‌ی شریفه‌ی «انا هدیناه السبیل اما شاکراً و اما کفوراً» بیانگر مفهوم ..... است که یک حقیقت ..... است و هر کسی .....

۱) هدایت ـ فطری ـ آن را در خود می‌یابد.
۲) اختیار ـ وجدانی ـ آن را در خود می‌یابد.
۳) هدایت ـ وجدانی ـ می‌تواند استدلال کند.
۴) اختیار ـ فطری ـ می‌تواند استدلال کند.

۷- کدام مطلب درباره‌ی قضا و قدر الهی صحیح نیست؟

۱) تقدیر از علم و حکمت خداوند سرچشمه می‌گیرند و قضا از اراده‌ی او و قضای الهی بر تقدیر تکیه دارد.
۲) موجودات جهان، از آن جهت که خداوند متعال ویژگی آن‌ها را تعیین می‌کند، مقدر به تقدیر الهی هستند.
۳) نقشه جهان خلقت و نظام تعیین شده میان موجودات که نقش هر موجود را معین می‌کند، مربوط به قضای الهی است.
۴) موجودات جهان از آن جهت که با حکم و اراده‌ی الهی حتمیت می‌یابند و ایجاد می‌شوند، مربوط به قضای الهی است.

۸- موجودات جهان از آن جهت که با حکم و فرمان و اراده‌ی الهی حتمیت می‌یابند، ..... هستند که آیه‌ی شریفه‌ی ..... مؤید آن است.

۱) مقتضی به قضای الهی ـ لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر و لا اللیل ...
۲) مقدر به تقدیر الهی ـ لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر و لا اللیل ...
۳) مقدر به تقدیر الهی ـ الله الذی سخر لکم البحر لتجری الفلک فیه بامره
۴) مقتضی به قضای الهی ـ الله الذی سخر لکم البحر لتجری الفلک فیه بامره

۹- فرو ریختن دیوار کج، یک ..... الهی است، این ..... متناسب با ..... آن دیوار، یعنی کجی آن است و حضرت علی (ع) در پاسخ آن فرد فرمودند: از ..... الهی به ..... الهی پناه می‌برم.

۱) قانون و قضای ـ قضا ـ شرایط و تقدیر خاص ـ قضای ـ قدر
۲) تقدیر ـ تقدیر ـ قضای ـ قدر ـ قضای
۳) تقدیر ـ تقدیر ـ قضای ـ قضای ـ قدر
۴) قانون و قضای ـ قضا ـ شرایط و تقدیر خاص ـ قدر ـ قضای

۱۰- رابطه‌ی جاذبه‌ی موجود میان اشیاء از ..... الهی است و از ..... خداوند سرچشمه می‌گیرد که آیه‌ی شریفه‌ی ..... مؤید آن است.

۱) تقدیر ـ حکمت ـ لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر
۲) تقدیر ـ اراده‌ی ـ لا الشمس ینبغی لها أن تدرک القمر
۳) قضای ـ حکمت ـ ان الله یمسک السماوات و الارض ...
۴) قضای ـ اراده‌ی ـ ان الله یمسک السماوات و الارض ...

تست	۶	۷	۸	۹	۱۰
گزینه	۱. ☐	۱. ☐	۱. ☐	۱. ☐	۱. ☐
	۲. ☐	۲. ☐	۲. ☐	۲. ☐	۲. ☐
	۳. ☐	۳. ☐	۳. ☐	۳. ☐	۳. ☐
	۴. ☐	۴. ☐	۴. ☐	۴. ☐	۴. ☐

@konkurpex

۱۱- تعیین نقشه‌ی پدیده‌ها با ..... خداوند و تحقق آن با ..... او است که به ترتیب، ..... و ..... رقم می‌خورد.

۱) حکمت ـ اراده ـ قضا ـ تقدیر ۲) اراده ـ حکمت ـ قضا ـ تقدیر

۳) حکمت ـ اراده ـ تقدیر ـ قضا ۴) اراده ـ حکمت ـ تقدیر ـ قضا

۱۲- آن‌جا که یک عامل در عامل دیگر اثر می‌گذارد تا اثرش را به معلولی منتقل کند و آن‌جا که عوامل گوناگون به صورت یک مجموعه، همکاری دارند تا یک معلول، محقق شود، به ترتیب، علل ..... و علل ..... محقق شده و مثال موافق با آن ..... و ..... می‌باشد.

۱) عرضی ـ طولی ـ رویش گل ـ نگارش ۲) عرضی ـ طولی ـ نگارش ـ رویش گل

۳) طولی ـ عرضی ـ رویش گل ـ نگارش ۴) طولی ـ عرضی ـ نگارش ـ رویش گل

تست	۱۱	۱۲
گزینه	۱.	۱.
	۲.	۲.
	۳.	۳.
	۴.	۴.

پایان درس پنجم

@konkurpex

درس ششم: سنت‌های خداوند

نکات

- سنت‌های خداوند
  - ۱. قوانین حاکم بر نظام خلقت: زمینه‌ساز حرکت و پویایی انسان / به کارگیری اراده و اختیار انسان ← تجلی تقدیر الهی ← موضوع درس قبل
  - ۲. قوانین حاکم بر انسان ← موضوع اصلی این درس
- سنت‌های الهی
  - ۱. طبیعی ← موضوع درس قبل
    - درک عظمت خالق
    - آشنایی با نشانه‌های الهی
  - ۲. روابط انسانی ← موضوع اصلی این درس
    - تنظیم روابط با خود
    - تنظیم روابط با دیگران
    - تنظیم روابط با جهان
    - تنظیم روابط با خداوند

نکات

قوانین حاکم بر انسان

۱. سنت امتحان و ابتلاء
- آیه: یفْتَنون
- حدیث از امام صادق: میزان

۲. سنت امداد الهی
- هولاء: کردم خود (نیکوکاران)
- و هولاء: کردم بدا (بدکاران)

← امداد الهی هم برای نیکوکاران و هم برای بدکاران است

۳. سنت املاء یا امهال: کافران ← نُملی + عذابٌ مُهین ← (شقاوت ابدی)

۴. سنت استدراج: مکذبین ← اُملی + کیدی متین ← (هلاکت ابدی)

۵. سنت تفاوت در پاداش و کیفر ← عَشر ـ مِثْلها

۶. سنت توفیق الهی ← عشروا، جاهدوا + فینا

۷. سنت تاثیر نیکی یا بدی در سرنوشت
- آیه: قُری
- حدیث: ذنوب، اکثَر

@konkurpex

*** قَدْ خَلَت مَنْ قبلِکُم سُنَنٌ: پیش از شما سنت‌هایی وجود داشت**

فَسیروا فی الارض: پس در روی زمین گردش کنید.

فانْظُروا: و ببینید

کَیف کانَ عاقبةُ المکذّبین: سرانجام تکذیب کنندگان

[آیات خدا] چگونه بوده؟

- ۱. حیات فردی و اجتماعی دارای قوانین و سنت است
- ۲. با مطالعه‌ی تاریخ گذشتگان از سنت‌های الهی و نتایج آن عبرت می‌گیریم
- ۳. دعوت قرآن به شناخت سنت‌های حاکم بر زندگی انسان‌ها با مطالعه در زندگی گذشتگان

*** اَحَسِبَ النّاسُ اَنْ یُترَکوا: آیا می‌پندارند رها می‌شوند**

اَنْ یَقولوا آمَنّا: همین که گویند ایمان آوردیم

وَ هُم لا یُفْتَنون: و آزمایش نمی‌شوند؟

- ۱. سنت امتحان و ابتلا که از قوانین حاکم بر انسان است
- ۲. هر انسان انتخاب‌گری برای این‌که تمایلات درونی خود را نشان دهد امتحان می‌شود
- ۳. هر کس ادعای ایمان کند امتحان می‌شود
- ۴. این سنت مربوط به چگونگی فرایند رشد و تکامل انسان و عامل ظهور و بروز استعدادهای اوست

نکات

آیه ارتباط معنایی دارد با حدیث امام صادق (ع) که می‌فرمایند:

اِنّما المؤمنُ: *به راستی که مؤمن*
بمنزلَةِ کفةِ المیزان: *به منزله‌ی کفه‌ی ترازوست*
کُلَّما زِیْدَ فی ایمانِه: *هر اندازه ایمانش افزوده شود*
زِیْرَ فی بلائِهِ: *امتحانش نیز سنگین‌تر می‌شود*

- ۱. *سنت امتحان و ابتلا که از قوانین حاکم بر انسان است*
- ۲. *رابطه‌ی ایمان و امتحان یک رابطه‌ی مستقیم است*

@konkurpex

*** كُلاً نُمِدُّ هولاءِ: کمک می‌کنیم هم به اینان [نیکوکاران]**
وَ هؤلاءِ: هم به آنان [بدکاران]
مِنْ عَطاءِ ربّکَ: از عطای پروردگارت
و ما کانَ عَطاءُ ربّکَ محظورًا: و عطای پروردگارت منعی ندارد

- ۱. سنت امداد الهی که از قوانین حاکم بر انسان است
- ۲. در برابر دعوت انبیاء مردم به دو دسته تقسیم می‌شوند دسته‌ای به ندای حقیقت پاسخ مثبت می‌دهند و هدایت الهی را می‌پذیرند (هولاء)
- ۳. و دسته‌ای دیگر لجاجت ورزیده و در مقابل حق می‌ایستند (و هولاء)
- ۴. خداوند بر هر دو گروه امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌ها و هدفشان را فراهم می‌کند

*** ولا یَحْسَبنَّ الَّذین کفروا: آنان که کفر پیشه کرده‌اند تصور نکنند.**
اَنَّما نُمْلی لَهُم: اگر به آن‌ها مهلت [بدکاری] می‌دهیم.
خیْرٌ لانْفُسِهِمْ: به نفع آن‌ها است.
اِنَّما نُملی لَهُم: فقط به این خاطر به آن‌ها مهلت می‌دهیم.

- ۱. سنت املاء یا امهال از قوانین حاکم بر انسان
- ۲. آنان که راه باطل را برمی‌گزینند و با حق عناد می‌ورزند، خداوند به آن‌ها مهلت و فرصت زندگی می‌دهد ولی آن‌ها این فرصت را وسیله‌ی غوطه‌ور شدن در تاریکی‌ها قرار می‌دهند

لِیزدادوا اِثماً: که بر گناهان خود بیفزایند ➢ فلسفه‌ی مهلت به کافران افزایش گناه است
وَ لَهُم عَذابٌ مُهین: در حالی که عذابی خوارکننده برای آن‌هاست ➢ مهلت به بدکاران را به‌ضرر آن‌هاست (شقاوت ابدی)

*** والذّینَ کَذَّبوا بآیاتنا: و کسانی که آیات ما را انکار کردند**
سَنَسْتَدرِجُهُم: به تدریج گرفتار عذابشان خواهیم کرد
مِن حَیْثُ لایَعْلمونَ: از آن راه که نمی‌دانند
وامْلی لَهُم: به آن‌ها مهلت می‌دهیم
اِنَّ کَیدی متین: همانا تدبیر من استوار است

- ۱. سنت استدراج که از قوانین حاکم بر انسان است
- ۲. استدراج شامل کسانی است که آیات خدا را تکذیب می‌کنند
- ۳. گاهی خداوند علاوه بر مهلت دادن بر امکانات گمراهان می‌افزاید و آن‌ها با استفاده از همین امکانات و با اصرار خود بیش‌تر در فساد فرو می‌روند
- ۴. حالت تدریجی در حرکت به سوی عذاب را استدراج می‌خوانند

نکات

نکته‌ی سنت املاء یا امهال و استدراج

۱- فرصت و مهلت + افزایش امکانات ← سنت استدراج

پس: مکذبین ← سنستدرجُهُم + امْلی + کیدی متین ← (هلاکت ابدی)

۲- فرصت و مهلت ـ افزایش امکانات ← سنت املاء یا امهال

پس: کافران ← نملی + نُملی + عَذابٌ مُهین ← (شقاوت ابدی)

@konkurpex

*** مَنْ جاء بالحَسَنة: هر کسی که حسنه‌ای بیاورد ➢ (علّت)**
فَلَه و عَشْرُ امثالِها: ده برابر به او پاداش می‌دهیم ➢ (معلول ـ بازتاب)
وَ مَنْ جاء بالسَّیِّئَةِ: و هر کس گناه بیاورد ➢ (علّت)
فَلا یُجْزی اِلاّ مِثْلَها: جزا نمی‌دهد مگر مثلش ➢ (معلول ـ بازتاب)
و هُمْ لا یُظْلمون: و بر آنان ستم نرود ➢ ضرورت معاد در پرتوی عدل الهی

- ۱. سنت تفاوت در پاداش و کیفر که از قوانین حاکم بر انسان است.
- ۲. با آن که بر اساس عدل، خداوند با همه بندگان براساس میزان اعمالشان پاداش یا جزا دهد، اما از آنجا که خداوند با فضل خود با بندگان رفتار می‌کند، کار نیک را با چند برابر و کار بد را فقط به اندازه خودش پاداش یا جزا می‌دهد

*** ولَوْ اَنَّ اهْلَ القُری آمَنوا: اگر مردم شهرها ایمان آورده**
وَ اتَّقَوا: و به تقوا گراییده بودند،
لَفَتَحنا عَلیهِمْ: همانا بر ایشان می‌گشودیم
بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ و الارضِ: برکاتی از آسمان‌ها و زمین
و لکِنْ کَذَّبوا: ولی تکذیب کردند
فَاَخَذنا هُمْ: پس آنان را گرفتار ساختم
بِما کانوا یَکْسِبون: به کیفر آنچه کسب کردند

- ۱. سنت تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت که از قوانین حاکم بر انسان است
- ۲. زندگی‌ها به شدت تحت تأثیر رفتارهای ماست
- ۳. دعا می‌تواند سبب بسیاری از خوبی‌ها و مانع بسیاری از بلاها گردد
- ۴. این سنت یک سنت اجتماعی نیز هست
- ۵. جامعه‌ی خوب رحمت الهی را به‌دست می‌آورد و جامعه‌ی گناه‌آلود، عذاب الهی را به همراه دارد

نکات

آیه ارتباط دارد با حدیث امام صادق (ع)
مَنْ یَموتُ بالذُّنوب: کسانی که به‌واسطه‌ی گناه می‌میرند.
اکْثَرُ مِمَّن یَموتُ الأجال: از کسانی که به‌واسطه‌ی سرآمد عمرشان می‌میرند، بیشترند.
و مَنْ یَعیشُ بالاحْسانِ: و کسانی که به سبب نیکوکاری زندگی دراز دارند.
اکْثَرُ مِمَّن یعیشُ بالاعْمارِ: از کسانی که به‌عمر اصلی زندگی می‌کنند، بیشترند.

*** والذّینَ جاهدوا فینا: کسانی که در راه و هدف ما به تلاش و مجاهدت بپردازند**
لَنَهدینَّهُم سُبُلنا: قطعاً راه‌های خود را به آنان می‌نمایانیم
و اِنَّ اللهَ لَمَع المُحسنین: و بی‌تردید خداوند همراه نیکوکاران است

- ۱. سنت توفیق الهی که از قوانین حاکم بر آنان است
- ۲. امداد خاص، خدای متعال نسبت به آنان که با نیت پاک قدم در راه حق گذارند و سعادت جهان و رضایت پروردگار را هدف قرار دهند
- ۳. در حقیقت انسان حق‌گرا خود را با نظام حاکم بر جهان که نظامی حق است هماهنگ کرده، در نتیجه نظام خلقت به او کمک کرده و یک قدمش به اندازه ده‌ها قدم نتیجه می‌دهد

نکته

آیه با آیه‌ای ارتباط معنایی دارد که در آن عشرون باشد نه عشر

@konkurpex

تست

۱- سنت امداد الهی برای افرادی است که ..... و آیه‌ی ..... در برگیرنده‌ی مفهوم آن است.

۱) به ندای حقیقت پاسخ مثبت می‌دهند و هدایت الهی را می‌پذیرند ـ کلاً نمدَ هولاءِ و هولاءِ من عطاء ربک و ما کان ...

۲) در مقابل حق می‌ایستند و هدایت الهی را نمی‌پذیرند ـ و لو انّ اهل القری آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم ...

۳) با اراده و اختیار خود، راه حق یا باطل را برمی‌گزینند ـ کلاً نمدَ هولاءِ و هولاءِ من عطاء ربک و ما کان ...

۴) مورد لطف خدا قرار می‌گیرند یا افرادی که فقط خواهان دنیا هستند ـ و لو انّ اهل القری آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم ...

۲- احادیث شریف «انما المومنُ بمنزلة کفَّة المیزان کلما زید فی ایمانة زید فی بلائه» و «من یموتُ بالذنوب اکثر ممّن یموتُ بالأجال» به ترتیب به کدام‌یک از سنت‌های الهی اشاره دارد؟

۱) امتحان و ابتلاء ـ تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت

۲) امتحان و ابتلاء ـ امتحان و ابتلاء

۳) توفیق الهی ـ تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت

۴) توفیق الهی ـ امتحان و ابتلاء

۳- «محکوم شدن انسان به شقاوت ابدی»، «فراهم گشتن امکانات و لوازم رسیدن به اهداف» و «رفتار خداوند بر مبنای فضل خویش» به ترتیب بیانگر کدام‌یک از سنت‌های الهی هستند؟

۱) تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت ـ امداد الهی ـ تفاوت در پاداش و کیفر

۲) املاء و استدراج ـ تفاوت در پاداش و کیفر ـ تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت

۳) تفاوت در پاداش و کیفر ـ توفیق الهی ـ تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت

۴) املاء و استدراج ـ امداد الهی ـ تفاوت در پاداش و کیفر

۴- اعطای مهلت به گمراهان و افزودن امکانات گمراهی برای آن‌ها، در محدوده‌ی سنت ..... قرار می‌گیرد که حالت ..... در حرکت به سوی عذاب الهی است و اعطای فرصت به باطل پیشگانی که آن را وسیله‌ی غوطه‌ور شدن در تاریکی قرار می‌دهند، بیانگر سنت ..... خداوند است.

۱) املاء و امهال ـ تدریجی ـ استدراج

۲) استدراج ـ تدریجی ـ املاء و امهال

۳) املاء و امهال ـ بلای الهی ـ گناهکاران

۴) املاء و امهال ـ نعمت الهی ـ همه‌ی انسان‌ها

۵- بیان امام صادق (ع) که می‌فرمایند: «انما المومن بمنزلة کفة المیزان، کلّما زید فی ایمانه زید فی بلائه» در ارتباط با کدام‌یک از سنت‌های الهی و منطبق با کدام آیه است؟

۱) امتحان و ابتلاء ـ و لو انَّ اهل القری آمنوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض

۲) امتحان و ابتلاء ـ أحسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنّا و هم لایفتنون

۳) توفیق الهی ـ و لو انَّ اهل القری آمنوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض

۴) توفیق الهی ـ أحسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنّا و هم لایفتنون

تست	۱	۲	۳	۴	۵
گزینه	۱. ○ ۲. ○ ۳. ○ ۴. ○	۱. ○ ۲. ○ ۳. ○ ۴. ○	۱. ○ ۲. ○ ۳. ○ ۴. ○	۱. ○ ۲. ○ ۳. ○ ۴. ○	۱. ○ ۲. ○ ۳. ○ ۴. ○

@konkurpex

۶- این‌که زندگی ما به شدت تحت تأثیر رفتارهای ماست، بیانگر سنت ..... و منطبق با حدیث ..... است.

۱) تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت ـ من یموت بالذنوب اکثر ممّن یموت بالاجال و مَن یعیش ...

۲) تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت ـ انما المومن بمنزلة کفة المیزان کلما زید فی ایمانه زید فی بلائه

۳) تفاوت در پاداش و کیفر ـ من یموت بالذنوب اکثر ممّن یموت بالاجال و مَن یعیش ...

۴) تفاوت در پاداش و کیفر ـ انما المومن بمنزلة کفة المیزان کلما زید فی ایمانه زید فی بلائه

۷- افزودن امکانات گمراهی بر اهل باطل توسط خداوند، مقدمه‌ی ..... است که ..... و آیه‌ی شریفه‌ی ..... گواه این سنت الهی است.

۱) هلاکت تدریجی آن‌ها ـ با اصرار خود بیش‌تر در فساد فرو می‌روند ـ و الذین کذّبوا بآیاتنا سنستدرجهم من حیث لایعلمون

۲) فاصله گرفتن از انسانیت ـ بدون اختیار در ورطه‌ی نابودی قرار گیرند ـ و الذین کذّبوا بآیاتنا سنستدرجهم من حیث لایعلمون

۳) اعطای فرصت بازگشت به آن‌ها ـ با اصرار خود بیش‌تر در فساد فرو می‌روند ـ انّما نملی لهم لیزدادوا اثماً

۴) توبه‌ی تدریجی آن‌ها ـ بدون اختیار در ورطه‌ی نابودی قرار گیرند ـ انّما نملی لهم لیزدادوا اثماً

۸- عامل ظهور و بروز استعدادهای انسان در محدوده‌ی سنت ..... قرار دارد که شامل ..... می‌شود و عبارت ..... بر آن دلالت دارد.

۱) امتحان و ابتلاء ـ همه‌ی انسان‌ها ـ انما المومن بمنزلة کفة المیزان کلما زید فی ایمانه زید فی بلائه

۲) امتحان و ابتلاء ـ مؤمنان نیکوکار ـ أحسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنّا و هم لایفتنون

۳) امداد الهی ـ همه‌ی انسان‌ها ـ انما المومن بمنزلة کفة المیزان کلما زید فی ایمانه زید فی بلائه

۴) امداد الهی ـ مؤمنان نیکوکار ـ أحسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنّا و هم لایفتنون

تست	۶	۷	۸
گزینه	۱.	۱.	۱.
	۲.	۲.	۲.
	۳.	۳.	۳.
	۴.	۴.	۴.

ششم
پایان درس

@konkurpex

درس هفتم: بازگشت

نکات

* راه‌های شناخت آیات و احادیث توبه:

- آیه:
  - اولش «ال» نداره
  - آخرش «غفور رحیماً» داره
- حدیث:
  - اولش «ال» داره
  - آخرش «غفور رحیماً» نداره

* مراحل توبه به گفته امام علی (ع) ← ترتیب مراحل توبه مهم است

۱. پشیمانی از گذشته← آیه ← یَسْتغفر

۲. تصمیم بر تکرار نکردن گناه ← حدیث ← مُسْتغفر

۳. جبران حقوق مردم ← در حد توان ← در صورت عدم دسترسی صدقه
   - آیه ← اَصْلَحَ

۴. جبران حقوق الهی ← در حد توان ← ماجرا را خدا می‌بخشد

* انواع توبه
  - ۱. توبه انسان (تابَ)
    - از گناه
    - به فرمانبرداری از خدا
    - ➢ توبه‌ی انسان علّت است
  - ۲. توبه خدا (یتوب)
    - از عذاب
    - به لطف و آمرزش
    - ➢ توبه‌ی خدا معلول است

* نکته:

توبه+ جبران ← (تابَ + اصْلَحَ) ← خدا می‌بخشد (تیوب)

توبه+ ایمان + عمل صالح ← (تابَ + ءامَنْ + عملاً صالحاً) ← خداوند گناهانش را به خوبی تبدیل می‌کند.

(فاولئک یُبدل الله سیئاتهِم حسنات)

@konkurpex

* **وَ مَنْ یَعْمَل سوءًا: هر کس عمل زشتی از او سر زند** ➢ گناه که حق النفس است یعنی ظلم به نفس
اَو یَظْلِم نَفْسهُ: یا به خویش ستم کند [گناه کند] ➢ خود عالی = تمایلات عالی
ثُمَّ یَسْتَغْفرِ اللهَ: سپس از خدا طلب آمرزش و عفو نماید
یَجِدَ غفورًا رحیماً: خدا را بخشنده و مهربان می‌یابد ➢ توبه‌ی الهی (همان لطف و آمرزش)

➢ آیه به مرحله‌ی اول توبه یعنی پشیمانی از گذشته اشاره می‌کند

* **فَمَن تابَ: پس هر کس توبه کند** ➢ اولین توبه (انسان) از گناه به سوی فرمانبرداری خدا
مِنْ بَعْدِ ظُلمِه: بعد از ستم کردنش (گناهش) ➢ تعبیر قرآن از گناه ظلم است
وَ اَصْلَحَ: و جبران کند حقوق ضایع شده را ➢ (حق الناس و حق الله) مرحله ۳ و ۴ توبه
فَاِنَّ اللهَ یتوبُ عَلَیهِ: پس خداوند توبه او را پذیرد ➢ دومین توبه (خدا) بازگشت به لطف و آمرزش
اِنَّ اللهَ غفورٌ رحیمٌ: همانا خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است ➢ غفور یعنی = غفران و آمرزش

➢ برای رسیدن به غفران و آمرزش گناه حقی ضایع می‌شود ابتدا باید توبه کرد و سپس جبران حقوق ضایع شده کرد

* **الاّمَنْ تابَ و آمَنَ: مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد**
وَ عَمِلَ عَمَلاً صالِحاً: و عملی شایسته انجام دهد
فاولئکَ یُبَدِّلُ اللهُ: پس برای آن‌ها خداوند تبدیل می‌کند
سَیِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ: بدی‌هایشان را به خوبی

➢ توبه نه تنها گناهان را پاک می‌کند بلکه به کمک ایمان و عمل صالح گناهان را به حسنات تبدیل می‌سازد

وَکانَ اللهُ غفوراً رَحیماً: و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است ➢ چون خداوند رحیم است بدی‌ها را به خوبی تبدیل می‌کند و چون غفور است گناهان را می‌بخشد

نکات

آیه‌ی فوق با احادیث زیر ارتباط معنایی دارد:

۱. حدیث حضرت علی (ع)

* التَّوبَهُ تُطَهِّرُ القلوبَ: توبه دل‌ها را پاک می‌کند ➢ توبه گناهان را از قلب خارج می‌کند و آن را شستشو می‌دهد.
و تَغْسِلُ الذُّنوبَ: و گناهان را می‌شوید ➢ به پیرایش یا تخلیه اشاره دارد.

۲. حدیث رسول خدا (ص)

* التّائبُ مِنَ الذَّنْبِ: کسی که از گناه توبه کرده ➢ به پیرایش یا تخلیه اشاره دارد.
کَمَنْ لاذَنْبَ لَهُ: مانند کسی است که گناه نکرده

@konkurpex

امام رضا (ع) می‌فرمایند:

*** اَلْمُسْتغفِرُ مِنَ الذَّنْبِ: کسی که از گناه استغفار کند** ➢ مرحله دوم توبه (تصمیم بر تکرار نکردن گناه)

و یفْعَلُهُ: و در عین حال، انجامش دهد ➢ به توبه‌ی غیر واقعی یا استغفار

کالمُسْتهزی بِرَبّه: مانند کسی است که پروردگارش را مسخره کرده است بی‌خاصیت اشاره دارد

نکته

حدیث فوق ارتباط دارد با شعر:

توبه بر لب سُبحه بر کف دل پر از شوق گناه معصیت را خنده می‌آید ز استغفار ما

@konkurpex

تست

۱- کدام عبارت به عنوان علّتِ «فَأُولئِکَ یُبَدِّلُ اللهُ سَیِئاتِهِم حَسَناتٍ» در قرآن کریم آمده است؟

۱) فَمَن تابَ مِن بَعدِ ظُلمِهِ و اَصلَحَ
۲) اِلّا مَن تابَ و آمَنَ و عَمِلَ عَمَلاً صالحاً
۳) مَن یُسلِم وَجهَهُ اِلَی الله و هو محسنٌ
۴) مَن یَعمَل سوءا ... ثُمَّ یَستَغفِرِ اللهَ

۲- در قرآن از گناه با چه عنوانی تعبیر شده و آیاتی که درباره‌ی توبه هستند با چه کلماتی به پایان می‌رسند؟

۱) ظلم به ناس ـ غفورٌ رَحیم
۲) ظلم به ناس ـ علیمٌ حکیم
۳) ظلم به نفس ـ غفورٌ رحیم
۴) ظلم به نفس ـ علیمٌ حکیم

۳- کدام آیه به توبه‌ی خدا اشاره دارد؟ ـ دو پرتگاه خطرناک سقوط در وادی ضلالت چیست؟

۱) فَاِنَ الله یَتوب علیه ـ توجیه گناه و عادت به گناه
۲) فَاِنَ الله یَتوب علیه ـ توجیه گناه و تکرار گناه
۳) مَن تابَ مِن بعدِ ظلمِهِ وَ اَصلَحَ ـ توجیه گناه و عادت به گناه
۴) مَن تابَ مِن بعدِ ظلمِهِ وَ اَصلَحَ ـ توجیه گناه و تکرار گناه

۴- «تُطَهِرُ القلوب و تَغسِلُ الذنوب» در کلام امیر مؤمنان (ع) به چه موضوعی اشاره دارد؟

۱) نماز که قلب را پاک می‌کند.
۲) توبه که گناهان را می‌شوید.
۳) ایمان که قلب را آرام می‌کند.
۴) شناخت که معرفت را زنده می‌کند.

۵- «بازگشت لطف و آمرزش الهی به انسان» و «بازگشت از گناه به سوی فرمانبرداری» توبه‌ی ..... و ..... را ترسیم می‌کند که مفهوم دوم از دقت در پیام عبارتِ ..... به‌دست می‌آید.

۱) معبود ـ المستغفر من الذنب و یفعله کالمستهزی بربّه
۲) عبد ـ المستغفر من الذنب و یفعله کالمستهزی بربّه
۳) معبود ـ التائب من الذنب کمن لا ذنبَ له
۴) عبد ـ التائب من الذنب کمن لا ذنبَ له

۶- «تصمیم جدّی بر ترک گناه» و «تبدیل شیرینی گناه به تلخی پشیمانی و حسرت» به ترتیب مرحله‌ی ..... و ..... توبه است که مفهوم نخست، از دقت در پیام عبارت ..... به‌دست می‌آید.

۱) اول ـ دوم ـ التّوبة تطهر القلوب و تَغسِل الذنوب
۲) دوم ـ اول ـ التّوبة تطهر القلوب و تَغسِل الذنوب
۳) دوم ـ اول ـ المستغفر من الذنب و یَفعله کالمستهزی بربّه
۴) اول ـ دوم ـ المستغفر من الذنب و یَفعله کالمستهزی بربّه

تست	۱	۲	۳	۴	۵	۶
گزینه	۱. ☐	۱. ☐	۱. ☐	۱. ☐	۱. ☐	۱. ☐
	۲. ☐	۲. ☐	۲. ☐	۲. ☐	۲. ☐	۲. ☐
	۳. ☐	۳. ☐	۳. ☐	۳. ☐	۳. ☐	۳. ☐
	۴. ☐	۴. ☐	۴. ☐	۴. ☐	۴. ☐	۴. ☐

@konkurpex

۷- بازگشت از گناه به سوی فرمانبرداری از خداوند» و «بازگشت لطف و آمرزش به انسان» به ترتیب حکایتگر توبه‌ی ..... و ..... است که پیام آیه‌ی شریفه‌ی ..... بیانگر آن است.

۱) خدا ـ انسان ـ فمن تاب من بعد ظلمه و اصلح فان الله یتوب علیه انّ الله غفورٌ رحیمٌ

۲) انسان ـ خدا ـ فمن تاب من بعد ظلمه و اصلح فان الله یتوب علیه انّ الله غفورٌ رحیمٌ

۳) انسان ـ خدا ـ من تاب و آمن و عمل عملاً صالحاً فاولئک یبدّل الله سیّئاتهم حسناتٍ

۴) خدا ـ انسان ـ من تاب و آمن و عمل عملاً صالحاً فاولئک یبدّل الله سیّئاتهم حسناتٍ

۸- مفهوم این سخن امام رضا (ع) که فرموده است: «المستغفر من الذّنب و یفعله کالمستهزی بربّه» آن‌جا محقق می‌شود که ..... واقعیّت نیافته باشد.

۱) تصمیم بر تکرار نکردن گناه ۲) جبران حقوق مردم

۳) پشیمانی از گذشته‌ی گناه‌آلود ۴) جبران حقوق مسلّم خالق متعال

۹- بازگشت از عقوبت و عذاب به سوی لطف و آمرزش همان توبه‌ی ..... است که جمله‌ی ..... بیانگر آن است.

۱) خداوند ـ فان الله یتوب علیه ۲) بنده‌ی گناهکار ـ فان الله یتوب علیه

۳) خداوند ـ الا من تاب و آمن و عمل عملاً صالحا ۴) بنده‌ی گناهکار ـ الا من تاب و آمن و عمل عملاً صالحا

۱۰- توبه یعنی بازگشت، کاربرد این کلمه در قرآن برای خداوند به معنای ..... است که آیه‌ی شریفه‌ی ..... حاکی از آن است.

۱) بازگشت وی از عقوبت به سوی لطف و آمرزش ـ «فمن تاب من بعد ظلمه»

۲) بازگشتن از گناه به سوی فرمانبرداری از خداوند ـ «فمن تاب من بعد ظلمه»

۳) بازگشتن از گناه به سوی فرمانبرداری از خداوند ـ «فان الله یتوب علیه»

۴) بازگشت وی از عقوبت به سوی لطف و آمرزش ـ «فان الله یتوب علیه»

تست	۷	۸	۹	۱۰
گزینه	۱.	۱.	۱.	۱.
	۲.	۲.	۲.	۲.
	۳.	۳.	۳.	۳.
	۴.	۴.	۴.	۴.

هفتم
پایان درس

@konkurpex

درس هشتم: پایه‌های استوار = تمدن اسلامی

نکات

پایه‌ها و معیارهای تمدن اسلامی

۱. اعتقاد و ایمان به خدا، ایمان به معاد، تلاش برای رسیدن به سعادت اخروی

آیه: مَن آمَن بالله و الیوم الاخرة ...

۲. تشکیل حکومت و ولایت الهی

آیه: اطیعوا الله + اطیعوا الرسول + اولی الامر منکم

۳. مبارزه با تبعیض نژادی و امتیازات اشرافی از جنبه‌های عدالت‌خواهی پیامبر

آیه: فَلِذلک فَادْعُ ـ اُمِرْتُ لا عدل

۴. دعوت به تفکر و تعقل و خردورزی ـ مبارزه با جهل و خرافات

آیه: قُل هل یستوی

۵. دوستی با حق و دشمنی با باطل

آیه: اشداء + رُحَماء

۶. اعتدال در برخورداری از نعمات دنیوی و اخروی

آیه: قل مَنْ حَرّم ... و قُل اِنَما حَرّم.

۷. یکسانی مقام و منزلت زن و مرد

آیه: و مِن ءایاته اَن خَلَق لکُم مِنْ انْفسَکُم ازواجاً ... .

@konkurpex

* **مَن ءامَن باللهِ: هر کسی که ایمان بیاورد به خدا** ➢ اعتقاد به توحید
والیومِ الأخِرِ: و روز قیامت ➢ اعتقاد به معاد
وَ عَمِلَ صالحاً: و عمل صالح انجام دهد ➢ اعمال شایسته

(علّت) ➢ ۱. اعتقاد به توحید و معاد باعث تغییر نگرش و تحول در شیوه‌ی زندگی فردی و اجتماعی شد

فَلَهُم اَجْرَهُمْ عِنْدَ ربّهُمْ: پاداششان نزد پروردگارشان است
ولا خوفٌ عَلَیهِمْ: و نه ترسی برای آن‌هاست ➢ (شجاعت)
ولا هُم یَحزَنونَ: و نه غمگین می‌شوند ➢ (نشاط)

(معلول) ➢ ۲. ایمان به خدا و ایمان به معاد از پایه‌های معیارهای تمدن اسلامی

* **یا ایها الذّین آمَنوا: ای کسانی که ایمان آوردید** ➢ خطاب خاص (مؤمنان) ➢ تشکیل حکومت و ولایت الهی از معیارهای تمدن اسلامی
اَطیعوا اللهَ: خدا را اطاعت کنید ➢ ضرورت پیروی از احکام اولیه

و اطیعو الرَّسولَ: و پیامبر را اطاعت کنید ➢ ضرورت پیروی از احکام ثانویه ➢ اطاعت از رسول گرامی خدا و اطاعت از جانشینان آن حضرت لازمه توحید عملی است
و اولی الامْرِ مِنْکُم: و صاحبان امر از خودتان را ➢ ضرورت پیروی از احکام ثانویه

پیام کلّی
➢ ۱. آیه به برپایی نظام اجتماعی بر پایه قوانین الهی اشاره دارد
➢ ۲. مسلمانان در برنامه‌های فردی و اجتماعی خود تابع فرمان‌های خدا و رسول خدا و امامان دوازده‌گانه هستند و بدون فرمان آن‌ها عمل نمی‌کنند

* **فلذلکَ فادعُ: بنابراین به دعوت بپرداز** ➢ اولین سفارش خدا به پیامبر در برابر مبارزه با مشرکین
و استقم کما اُمِرتَ: و همان‌گونه که مأموریت یافته‌ای، ایستادگی کن ➢ دومین سفارش خدا به پیامبر در برابر مبارزه با مشرکین
و لا تَتَبّعَ اَهْواءَ هُم: از هوی و هوس مشرکان پیروی مکن ➢ سومین سفارش خدا به پیامبر در برابر مبارزه با مشرکین

وَ قُلْ ءامَنْتُ: و بگو ایمان آوردم
بِما اَنْزلَ اللهُ مِنْ کتاب: به هر کتابی که خدا نازل کرده است ➢ چهارمین سفارش خدا به پیامبر در برابر مبارزه با مشرکین

وَ اُمِرْتُ لا عّدلَ بینکُم: و مأمور شدم میان شما با عدالت عمل کنم ➢ پنجمین سفارش خدا به پیامبر در برابر مبارزه با مشرکین
اللهُ رَبَّنا رَبُّکُم: خدا پروردگار ما و پروردگار شماست ➢ توحید در ربوبیت

پیام کلّی
➢ ۱. مبارزه با تبعیض نژادی و امتیازات اشرافی از جنبه‌های عدالت‌خواهی پیامبر
➢ ۲. تنظیم روابط اجتماعی و قوانین بر پایه عدل صورت می‌گیرد و با بی‌عدالتی به شدت مبارزه می‌شود
➢ ۳. فلذلکَ فادعُ به قلمرو اول رسالت دریافت وحی و ابلاغ وحی اشاره دارد

@konkurpex

*** قُلْ هَلْ یَستوی: بگو آیا برابرند**
الذّین یَعملونَ: کسانی که می‌دانند
والذّین لایَعْلَمونَ: و کسانی که نمی‌دانند
اِنَّما یَتَذکر اولو الالباب: فقط صاحبان خرد پند می‌گیرند

- ۱. دعوت به تفکر و تعقل و خردورزی و مبارزه با جهل و خرافات
- ۲. این آیه اهمیت حجت باطن را بیان می‌کند
- ۳. آیه قرابت دارد با آیه: اقرا باسم ربک الذّی خلق
- ۴. ارتباط معنایی دارد با حدیث: طلب علم بر هر زن و مردی واجب است
- ۵. دعوت به تفکر و تعقل در جای جای قرآن بیان شده است

*** مُحمّدَ رسول الله: محمد (ص) پیامبر خداست**
والذینَ مَعَه و: و کسانی که با او هستند
اشداءُ علی الکفّار: بر کافران سخت گیرند، جبهه باطل
و رُحَماءُ بینهم: و میان خودشان مهربان، جبهه حق

- ۱. پیروی از حق و مبارزه با باطل از پایه‌های تمدن اسلامی
- ۲. مسلمانان با هم‌کیشان پیوند برادری دارند و مانند اعضای خانواده از آن‌ها دفاع می‌کنند
- ۳. ایجاد نگرشی جدید در جامعه که موجب تحول بین ملّت‌ها گردید

نکات

در آیه‌ی فوق دو جبهه معرفی شده است:

۱- جبهه‌ی حق (رحماء) : یکتاپرستی، عدالت‌خواهی، کرامت‌های اخلاقی و ولایت الهی

۲- جبهه‌ی باطل (اشداء) : مشرکان، ستمگران، مفسدان، طاغوت و شیطان

*** قُلْ مَنْ حَرَّم زینةَ الله: بگو چه کسی حرام کرده زیورهایی را**
الّتی اخْرَجَ لِعباده: که خدا برای بندگانش پدید آورده
و الطیّبات مِنَ الرَّزق: و روزی‌های پاکیزه را

- ۱. عدم حرمت زینت‌های الهی
- ۲. روزی‌های پاکیزه برای انسان‌ها است

قلْ هِیَ لِلَّذینَ ءامنوا: بگو این‌ها برای کسانی که ایمان دارند
فی الحیات الدنیا: در زندگی دنیا
خالِصةٌ یوم القیامة: و روز قیامت خاص آنان می‌باشد
کذلکَ نُفَصّلُ الأیاتِ: این گونه آیات را به روشنی بیان می‌کنیم
لِقومْ یَعلمونَ: برای کسانی که می‌دانند

- ۱. اعتدال در برخورداری از نعمت‌های دنیوی و اخروی
- ۲. پیامبر (ص) تلاش می‌نمود انسان‌هایی تربیت کند که در عین توجه به رستگاری اخروی به عنوان هدف برای رشد و تعالی زندگی دنیوی خود نیز تلاش کنند

*** قُل اِنّما حَرَّم ربّی: بگو پروردگارم حرام کرده است ➤ (اعلام حرام)**
الفواحِشَ ما ظَهَر مِنها و ما بطنَ: زشت‌کاری‌ها را چه آشکار و چه پنهان
و الاثم: و گناه
والبغی بغیر الحقّ: و تجاوز به ناحق را
و اَن تُشرکوا بالله: و این‌که چیزی را شریک خدا سازید ← شریک قرار دادن
ما لم ینزّلْ به سلطاناً: که دلیلی برای آن نازل نکرده ← برای خدا بدون دلیل
و ان تَقولوا علی الله: و این که به خدا نسبت دهید
ما لا تعلمون: چیزی را که نمی‌دانید

- ۱. اعتدال در برخورداری از نعمت‌های دنیوی و اخروی
- ۲. به جای دوری از زیبایی‌های جهان آفرینش و نعمت‌های خداوند از حرام‌ها دوری کنیم
- ۱. دروغ بستن به خدا
- ۲. افترا بستن به خدا
- ۳. ناآگاهانه درباره خدا سخن گفتن

@konkurpex

*** و مِنْ ءایاتهِ‌ی: و از نشانه‌های او**

اَنْ خَلَقَ لکُم: که برای شما آفرید ➢ یکسانی خلقت زن و مرد از پایه‌های تمدن اسلامی

مِنْ انْفسَکُم ازواجاً: از خودتان همسرانی

لِتَسْکُنوا اِلیها: تا با ایشان آرامش یابید ➢ ۱. احیای مقام زن و ارزش‌های اصیل او

وَ جَعَل بینَکُم: و قرار داد میان شما لِتسکنوا الیها: خطاب به مردان نسبت به زنان است یعنی زن مبدأ سکونت و آرامش برای مرد است

مَوَدَّةً و رَحمَةً: دوستی و مهربانی ➢ ۲. مودةً و رَحمةً: درباره‌ی زن و مرد است که از نظر قرآن

اِنَّ فی ذلک: همانا در آن کریم با یکدیگر دوستی و مهربانی دارند

لأیات لقوم یَتَفَکَّرون: نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند ➢ در آفرینش زن و مرد نشانه‌هایی برای اهل تفکر است

پیام کلّی ➢ در جامعه اسلامی خانواده جایگاه ممتازی دارد و کانون رشد انسان‌های بافضیلت است و محل حفظ عفاف و پاکدامنی و مانع اصلی فساد و نابسامانی‌های اجتماعی است

@konkurpex

تست

۱- از آیه‌ی «قل هل یَستوی الذین یَعلمون و الّذین لا یعلمون اِنَّما یَتَذکر اولوالالباب» کدام مفهوم مستفاد نمی‌گردد؟

۱) قرآن مردم را به سوی زندگی بر مبنای تفکر و علم و پرهیز از خرافه‌گرایی سوق می‌دهد.

۲) اولین آیاتی که بر رسول خدا (ص) نازل شد درباره‌ی دانش و آموختن آن بود.

۳) کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند در نزد خدا یکسانند، اما تنها خردمندانند که پند پذیرند.

۴) اسلام نه تنها همه را دعوت به علم می‌کند بلکه جست‌وجوی علم را بر هر مرد و زن واجب می‌داند.

۲- آیه‌ی «قُل مَن حَرَّمَ زینَه الله الَّتی اَخرَجَ لِعباده و الطیّبات مِنَ الرّزقِ قُل هیَ لِلَّذینَ ءامنوا» چه نکته‌ای دریافت می‌شود؟

۱) مرتبه‌ی برتر و عالی وجود انسان

۲) دیدگاه متعادل خداوند نسبت به نعمت‌های دنیوی و معنوی

۳) بندگی و راز و نیاز با خدا و پایبندی به اخلاق

۴) ایمان به عالم غیب به عنوان بخش وسیع‌تر عالم هستی

۳- از تدبر در آیه‌ی شریفه‌ی «قل اِنما حَرَمَ ربی الفواحش ما ظَهَرَ مِنها و ما بَطَن» چنین استنباط می‌شود که:

۱) گناهان آشکار از گناهان پنهان زشتی بیش‌تری دارند.

۲) خداوند حرام کرده است زشتکاری‌های آشکار و پنهان را.

۳) فحش و ناسزا از گناهان آشکار است که نباید مرتکب آن شویم.

۴) تأثیر زشتی‌های آشکار از زشتی‌های پنهان بسیار زیادتر است.

۴- در عصری که زن کالایی در کنار سایر کالاها تلقی می‌شد، رسول خدا با گفتار و رفتار خویش انقلابی عظیم پدید آورد، پیام کدام آیه‌ی شریفه استفاده ابزاری از زن را ملغی کرد تا خانواده کانون رشد فضایل اخلاقی، دوستی و مودّت گردد؟

۱) قل هی للّذین امنوا فی الحیاة الدّنیا خالصة یوم القیامة ...

۲) و الله جعل لکم من انفسکم ازواجاً و جعل لکم من ازواجکم بنین ...

۳) و من ءایاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها ...

۴) یا ایّها الناس انّا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ...

۵- پیام کدام آیه با ندای اولین روز دعوت پیامبر گرامی اسلام، مطابقت دارد؟

۱) فَلِذلک فَادعُ وَاستَقِم کما اُمِرت و لا تَتَّبع اهواءَ هم

۲) قل هل یستوی الّذی یعلمون و الّذین لایعلمون

۳) من ءامن بالله و الیوم الآخِرِ و عمل صالحاً فلهم اجرهم عند ربّهم

۴) و قل آمَنْتُ بما اَنْزلَ الله من کتاب و اُمِرتُ لأعدِلِ بینَکم الله ربّنا و ربُّکم

تست	۱	۲	۳	۴	۵
گزینه	۱. ☐	۱. ☐	۱. ☐	۱. ☐	۱. ☐
	۲. ☐	۲. ☐	۲. ☐	۲. ☐	۲. ☐
	۳. ☐	۳. ☐	۳. ☐	۳. ☐	۳. ☐
	۴. ☐	۴. ☐	۴. ☐	۴. ☐	۴. ☐

@konkurpex

۶- از اقدامات مهم رسول خدا (ص) «ایجاد نگرشی جدید در جامعه بود که موجب تحول در روابط بین ملت‌ها گردید» پیام کدام آیه‌ی شریفه مبین این اقدام می‌باشد.

۱) محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم

۲) ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن

۳) و اعتصموا بحبل الله جمیعا و لایفرقوا و اذکروا نعمة الله علیکم ...

۴) کنتم خیر امة اخرجت للناس تامرون بالمعروف و تنهون عن المنکر

۷- پیام کدام آیه مبارزه با تبعیض نژادی و امتیازات اشرافی جامعه‌ی جاهلی می‌باشد؟

۱) و من ءایاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم ...

۲) قل اِنما حَرَمَ ربی الفواحش ما ظَهَرَ مِنها و ما بَطَن و الا ثم و البغی بغیر الحق و ان تشرکوا بالله ...

۳) قل مَن حَرَّمَ زینَه الله الَّتی اَخرَجَ لِعباده و الطیّبات مِنَ الرّزقِ قُل هیَ لِلَّذینَ آمنوا فی الحیاة الدنیا ...

۴) فَلِذلک فَادعُ وَاستَقِم کما اُمِرت و لا تَتَّبع اهواءَ هم و قل امنت بما انزل الله من کتاب و امرت لاعدل بینکم

۸- عدم کناره‌گیری از استفاده‌ی درست از نعمت‌های خداوند و وسیله قرار دادن آن برای کسب رستگاری از پیام کدام آیه استنباط می‌شود؟

۱) قل هل یستوی الّذین یعلمون و الّذین لایعلمون انما یتذکر اولوا الالباب

۲) قل اِنما حَرَمَ ربی الفواحش ما ظَهَرَ مِنها و ما بَطَن و الا ثم و البغی بغیر الحق

۳) و قل آمَنْتُ بما اَنْزَلَ الله من کتاب و اُمِرتُ لأعدِل بینَکم الله ربّنا و ربُّکم

۴) قل مَن حَرَّمَ زینَه الله الَّتی اَخرَجَ لِعباده و الطیّبات مِنَ الرّزقِ

۹- پیام کدام آیه با دیگر آیات متفاوت است؟

۱) قل هی للّذین امنوا فی الحیاة الدّنیا خالصة یوم القیامة

۲) قل مَن حَرَّمَ زینَه الله الَّتی اَخرَجَ لِعباده و الطیّبات مِنَ الرّزقِ

۳) فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون

۴) قل اِنما حَرَمَ ربی الفواحش ما ظَهَرَ مِنها و ما بَطَن و الا ثم و البغی بغیر الحق

۱۰- دعوت به «تفکر، تعقل و خردورزی» از توجه به کدام آیه مفهوم می‌گردد؟

۱) قل آمَنْتُ بما اَنْزَلَ الله من کتاب و اُمِرتُ لأعدِل بینَکم الله ربّنا و ربُّکم

۲) و جعل بینکم مودة و رحمة ان فی ذلک لایات لقوم یتفکرون

۳) من امن بالله و الیوم الاخر و عمل صالحا فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون

۴) قل هل یستوی الّذین یعلمون و الّذین لایعلمون انما یتذکر اولوا الالباب

تست	۶	۷	۸	۹	۱۰
گزینه	۱. ○	۱. ○	۱. ○	۱. ○	۱. ○
	۲. ○	۲. ○	۲. ○	۲. ○	۲. ○
	۳. ○	۳. ○	۳. ○	۳. ○	۳. ○
	۴. ○	۴. ○	۴. ○	۴. ○	۴. ○

پایان درس هشتم

@konkurpex

درس نهم: برنامه‌ای برای خدا

*** و کذلک جعلناکُم: و این چنین شما را قرار دادیم**
اُمَةً وَسَطاً: امتی میانه و اسوه (راه عقل)
لِتکونوا شُهداءَ عَلی النّاس: تا بر مردم گواه باشید،
و یَکونَ الرَّسول عَلَیْکُمْ شهیداً: و رسول خدا بر شما گواه باشد

- ۱. امت وسط بودن به معنای پرهیز از افراط و تفریط و معتدل بودن است
- ۲. موقعیت و مسئولیت ویژه‌ی مسلمانان در جهان را بیان می‌کند
- ۳. لازمه‌ی الگو شدن مسلمانان، علاوه بر معتدل بودن الگوگیری از پیامبر است

*** وَ مَنْ یَتَوَّل اللهَ: هر کس ولی خود قرار دهد خدا**
و رسولَهُ: و رسولش را
و الذّینَ ءامنوا: و کسانی که ایمان آوردند
فانَّ حِزبَ الله: پس همانا حزب خداوند
هُمُ الغالبون: همانا چیره شوندگان هستند

- ۱. شرط سربلندی و پیروزی پذیرش ولایت خدا و رسول او و جانشینان ایشان است
- ۲. حزب الله کسی است که خدا و رسولش و کسانی را که ایمان آورده‌اند ولی خود قرار دهد
- ۳. آیه به پذیرش ولایت الهی و نپذیرفتن طاغوت اشاره دارد

*** و قالَ موسی لِقومِهِ: و موسی (ع) به قومش گفته**
اسْتَعینوا بالله: از خدا کمک بجویید
وَ اصْبروا: و صبر پیشه کنید
اِنَّ الارضَ لِلّهِ: که زمین متعلق به خداست
یُورثُها مَنْ یَشاءُ مِن عبادهِ: و آن را به هر کسی از بندگانش بخواهد، می‌دهد
و العاقبَةُ لِلمتَّقین: و سرانجام [نیک] از آن تقواپیشگان است

- ۱. تقویت ایمان و اراده به عنوان عمل به مسئولیت انسانی ـ اسلامی خویش به منظور ارائه‌ی امتی اسوه است
- ۲. نیک فرجامی معلول کمک خواستن از خدا و پیشه کردن صبر می‌باشد

نکته

*** جایگاه آیه در برنامه فردا ← حوزه‌ی فردی تقویت ایمان و اراده**

*** اُدْعُ اِلی سَبیل رَبّکَ: به راه پروردگارت دعوت کن** ➢ خداوند به پیامبر روش‌های تبلیغ را آموزش داده

بالحکمةِ: با دانش استوار ➢ اولین شرط دعوت حکمت و دانش است

وَ المَوعِظةِ الحسنَةِ: و اندرز نیکو ➢ دومین شرط دعوت موعظه‌ی نیکو است

وَ جادِلهُم بالّتی هِیَ اَحْسَنُ ...: و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است، مجادله نما ➢ سومین شرط دعوت مجادله‌ی نیکوتر است

نکات

۱- جایگاه آیه در برنامه فردا ← حوزه جهانی- تأکید بر محتوای عقلانی

۲- لازمه‌ی به کارگیری این روش‌ها (حکمت- موعظه- جادله) عقل و خرد و تعقل است.

@konkurpex

تست

۱- طبق آیه‌ی «فَاِنَ حزبَ الله هُم الغالِبون» چه کسانی جزء حزب خدا قرار می‌گیرند؟ کسانی که ولی خود را ..... و ..... و ..... قرار دهند؟

۱) خدا ـ رسول ـ اولی الامر
۲) خدا ـ رسول ـ مؤمنین
۳) خدا ـ رسول ـ امامان
۴) خدا ـ رسول ـ متقین

۲- کدام آیه به دوری از افراط و تفریط اشاره دارد؟

۱) کذلکَ جعلناکم اُمة وَسَطاً
۲) فَاِنَ حزبَ الله هُم الغالِبون
۳) اِستَعینُوا بالله و اصبروا
۴) اُدعُ الی سبیلِ رَبِکَ بالحِکمة ...

۳- عبارت «اِستَعینُوا بالله و اصبِروا» از قول ..... خطاب به ..... و در ادامه سرانجام نیک را از آنِ ..... و مفهوم آن ..... است.

۱) موسی (ع) ـ قوم موسی ـ صابران ـ تلاش برای کسب آگاهی
۲) موسی (ع) ـ قوم موسی ـ تقوا پیشگان ـ تقویت ایمان و اراده
۳) هارون (ع) ـ قوم موسی ـ تقوا پیشگان ـ تقویت ایمان و اراده
۴) هارون (ع) ـ فرعون ـ تقوا پیشگان ـ تلاش برای کسب آگاهی

۴- کدام گزینه سه روش تبلیغی را که خداوند به پیامبر (ص) آموزش می‌دهد، به ترتیب بیان کرده است؟

۱) حکمت، موعظه‌ی حسنه، مجادله‌ی نیکوتر
۲) موعظه‌ی حسنه، حکمت، مجادله‌ی نیکوتر
۳) اندرز نیکو، موعظه‌ی حسنه، مجادله‌ی نیکوتر
۴) حکمت، اندرز نیکو، دانش استوار

۵- آیه‌ی شریفه‌ی «و قال موسی لقومه استعینوا بالله و اصبروا انّ الارض لله ...» ناظر بر ..... در حوزه ..... و با توجه به آیه‌ی مذکور عاقبت نیکو از آن ..... است.

۱) تقویت عزت نفس عمومی ـ تقویت توانایی‌های فردی ـ صابرین
۲) تقویت عزت نفس عمومی ـ تقویت بنیان‌های جامعه ـ صابرین
۳) تقویت ایمان و اراده ـ تقویت بنیان‌های جامعه ـ متقین
۴) تقویت ایمان و اراده ـ تقویت توانایی‌های فردی ـ متقین

تست	۱	۲	۳	۴	۵
گزینه	۱. ☐	۱. ☐	۱. ☐	۱. ☐	۱. ☐
	۲. ☐	۲. ☐	۲. ☐	۲. ☐	۲. ☐
	۳. ☐	۳. ☐	۳. ☐	۳. ☐	۳. ☐
	۴. ☐	۴. ☐	۴. ☐	۴. ☐	۴. ☐

@konkurpex

۶- از دقت در آیه‌ی شریفه‌ی: «و کذلک جعلناکم امّة وسطاً لتکونوا شهداء علی النّاس و یکون الرّسول علیکم شهیداً» مفهوم می‌گردد که لازمه‌ی الگو شدن مسلمانان، ..... و ..... می‌باشد.

۱) مصونیت از افراط و تفریط ـ الگوگیری از پیامبر (ص)

۲) مجهز بودن به اعتقاد راستین ـ الگوگیری از پیامبر (ص)

۳) مصونیت از افراط و تفریط ـ سرسپردگی در برابر پیام خدا

۴) مجهز بودن به اعتقاد راستین ـ سرسپردگی در برابر پیام خدا

۷- هرگاه گفته شود «جامعه‌ی واقعی اسلامی آن جامعه است که بتواند در عصر خود اسوه باشد و راه معتدل زندگی را به دیگر جامعه‌ها نشان دهد» پیام کدام آیه موید این معنی است؟

۱) ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة و جادلهم بالتی هی احسن

۲) محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تراهم رکعا سجدا

۳) و کذلک جعلناکم امّة وسطاً لتکونوا شهداء علی النّاس و یکون الرّسول علیکم شهیداً

۴) و قال موسی لقومه استعینوا بالله و اصبروا انّ الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبة للمتقین

۸- اگر سؤال شود «نیک فرجامی در برخورداری از چه اوصافی است؟» پیام کدام آیه پاسخ این سؤال است؟

۱) و من یتول الله و رسوله و الذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون

۲) و کذلک جعلناکم امّة وسطاً لتکونوا شهداء علی النّاس و یکون الرّسول علیکم شهیداً

۳) و قال موسی لقومه استعینوا بالله و اصبروا انّ الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبة للمتقین

۴) ام نجعل الذین آمنوا و عملوا الصالحات کالمفسدین فی الارض ام نجعل المتقین کلفجار

تست	۶	۷	۸
گزینه	۱. ○	۱. ○	۱. ○
	۲. ○	۲. ○	۲. ○
	۳. ○	۳. ○	۳. ○
	۴. ○	۴. ○	۴. ○

پایان درس نهم

@konkurpex

درس دهم: زندگی در دنیای امروز

* اَفَمَنْ اسَّس بُنیانهُ: آیا آن کس که بنیاد [کار] خود را

عَلَی تقوی مِنَ اللهِ و رضوانٍ: بر پایه‌ی تقوا و خشنودی خدا نهاده

خیرٌ: بهتر است

اَمْ مَنْ اسَّس بنیانهُ: یا کسی که بنای خود را پی‌ریزی کرده

عَلی شفا جُرُفٍ هارٍ: بر لب پرتگاهی مشرف به سقوط

فَانْهارَ بِه: فی نارَ جَهنّمَ: و با آن در آتش دوزخ فرو می‌افتد

و اللهُ لایَهْدی القَوْمَ الظّالمین: و خداوند گروه بیدادگران را هدایت نمی‌کند

پاداش اخروی + مستحب

۱) اگر ورزش برای انجام وظایف الهی باشد

پاداش اخروی

۱. اگر ورزش برای تقویت رابطه‌ی صمیمانه بین افراد باشد ـ دسته جمعی باشد ـ برای سلامت اخلاقی باشد.

۲. دادن جایزه توسط ارگان‌ها و سازمان‌ها جایز است و هم پاداش اخروی دارد.

۳. تولید و توزیع و تبلیغ فیلم و لوح‌های فشرده برای گسترش فرهنگ اسلامی و مبارزه با تهاجم فرهنگی ← هم مستحب و هم واجب و هم پاداش اخروی دارد.

واجب

در حالت کلی واجب به دو دسته تقسیم می‌شود

واجب عینی: انجام آن بر هر شخص مکلف واجب است مثل نماز و روزه

واجب کفایی: اگر گروهی آن را انجام دهند از گردن دیگران ساقط است (جنگ)

مثالی برای کفایی: ساختن فیلم‌ها و سایت‌هایی که به نفع اسلام است مستحب است ولی در صورت لزوم واجب کفایی است

@konkurpex

حرام‌ها

۱. شرط‌بندی حتی در بازی‌های معمولی حرام است.

۲. قمار حرام است.

۳. استفاده از ابزار قمار اگر به قصد قمار هم نباشد حرام است.

۴. شرکت در مجالس قمار حرام است.

۵. بازی با ابزار قمار از طریق کامپیوتر حرام است.

۶. تولید ـ توزیع و تبلیغ فیلم‌هایی که موضوعات آن‌ها فساد و انحراف و گناه است از گناهان کبیره است.

۷. تماشا کردن و گوش دادن به فیلم و لوح‌های فشرده گناه‌آلود حرام است.

۸. خرید و فروش فیلم‌های گناه‌آلود حرام است.

۹. خرید و فروش و نگهداری ابزار مشترک (ماهواره) برای کار حرام، حرام است.

۱۰. موسیقی لهوی و مطرب که مناسب با مجالس عیش و نوش باشد چه کلاسیک و چه غیر کلاسیک حرام است.

۱۱. فیلم‌برداری مردان از زنانی که حجاب ندارند حرام است.

۱۲. هر نوع تجارتی که به نفع دولت صهیونیستی و غاصب باشد حرام است.

۱۳. وارد کردن و ترویج کالاهای صهیونیستی حرام است.

۱۴. خرید کالاهای صهیونیستی حرام است.

۱۵. خرید و فروش لباس‌هایی که فرهنگ غیراسلامی را رواج می‌دهند حرام است.

۱۶. خرید و فروش لباس‌هایی که باعث تقویت اقتصادی صهیونیست می‌شود حرام است.

۱۷. خرید و فروش لباس‌هایی که ضرر اقتصادی برای جامعه‌ی اسلامی دارد حرام است.

۱۸. تقلید از مدهایی که شبیه شدن به دشمنان اسلام و ترویج فرهنگ غرب است حرام است.

@konkurpex

تست

۱- کدام مورد از مصادیق مهم عمل صالح معرفی شده و واجب کفایی است و دارای پاداش اُخروی می‌باشد؟

۱) تولید سایت در اینترنت برای اشاعه‌ی فرهنگ اسلامی

۲) تولید فیلم سینمایی به نیت اعتلای فرهنگ اسلامی

۳) تولید و توزیع و تبلیغ فیلم و سی‌دی به منظور گسترش فرهنگ اسلامی و مبارزه با تهاجم فرهنگی

۴) تولید فیلم‌های تلویزیونی، مستند علمی، تاریخی و اجتماعی به نیت اعتلای فرهنگ اسلامی و تربیت دینی

۲- در بحث احکام دین ابزار مشترک یعنی چه؟ و کدام مثال برای آن درست است؟

۱) فقط استفاده‌ی حلال دارند ـ تلویزیون

۲) هم استفاده‌ی حلال دارند و هم حرام ـ ماهواره

۳) فقط استفاده‌ی حلال دارند ـ ماهواره

۴) در همه‌ی دین‌ها وجود دارد ـ روزه

۳- حکم قمار، شرط‌بندی و دادن جایزه به ورزشکاران به ترتیب چیست؟

۱) حرام ـ حرام ـ جایز ۲) حرام ـ مکروه ـ واجب ۳) حرام ـ مکروه ـ حرام ۴) مکروه ـ حرام ـ جایز

۴- کدام مورد حرام است و جایز نمی‌باشد؟

۱) خرید و فروش ابزار مشترک برای کار حلال

۲) فیلم‌برداری زنان از زنان در مجالس عروسی

۳) دادن جایزه به ورزشکاران

۴) فیلم‌برداری مردان از زنان در مجالس عروسی

۵- به ترتیب بیان کنید که: کدام مورد از امور زیان‌آور روحی و اجتماعی است و حرام می‌باشد؟ کدام مورد انسان را از خدای متعال دور می‌کند و حرام می‌باشد؟ کدام مورد ترویج دهنده‌ی یک پیام منفی و یا یک گروه غیر اخلاقی است و حرام می‌باشد؟

۱) قمار ـ شرط‌بندی ـ مُدهای غربی

۲) شرط‌بندی ـ موسیقی لهوی و مُطرب ـ مُدهای غربی

۳) مُدهای غربی ـ شرط‌بندی ـ موسیقی لهوی و مُطرب

۴) شرط‌بندی ـ قُمار ـ موسیقی لهوی و مُطرب

۶- کدام‌یک از آیات زیر خطرات سهل‌انگاری در عمل به احکام را در دنیای پیچیده‌ی امروز را به ما گوشزد می‌کند؟ آن‌ها که در احکام سهل‌انگاری می‌کنند چگونه معرفی شده‌اند؟

۱) اَ فَمَن اَسَّسَ بنیانَهُ عَلی تقوی مِن الله و رضوان خیرٌ ـ ظالِمین

۲) اَم مَن اَسَّسَ بنیانَهُ عَلی شَفا جُرُفٍ هارٍ ـ کافِرین

۳) اَم مَن اَسَّسَ بنیانَهُ عَلی شَفا جُرُفٍ هارٍ ـ ظالِمین

۴) وَ ما هذِهِ الحَیاة الدُّنیا اِلا لَهوٌ و لَعِبٌ ـ کافِرین

تست	۱	۲	۳	۴	۵	۶
گزینه	۱.	۱.	۱.	۱.	۱.	۱.
	۲.	۲.	۲.	۲.	۲.	۲.
	۳.	۳.	۳.	۳.	۳.	۳.
	۴.	۴.	۴.	۴.	۴.	۴.

@konkurpex

۷- بازی و ورزش اگر برای سلامتی به قصد انجام وظایف الهی باشد چه حکمی دارد؟ و اگر برای دور شدن افراد از فساد دنیای کنونی ضرورت یابد فراهم آوردن امکانات آن چه حکمی دارد؟

۱) جایز و حلال ـ واجب
۲) واجب کفایی ـ واجب کفایی
۳) مستحب ـ مستحب
۴) مستحب ـ واجب کفایی

۸- برای این‌که زشتی قمار در اذهان باقی بماند و زمینه‌ی پیدایش آن در جامعه فراهم نشود، چه حکمی صادر شده است؟

۱) قمار و شرط‌بندی حرام است.
۲) بازی با وسایل و ابزار قمار حرام است.
۳) شرکت در مجالس قمار حرام است.
۴) بازی با ابزار قمار از طریق کامپیوتر حرام است.

۹- کدام ویژگی برای مدهای غربی بیان نشده است؟

۱) معمولاً ترویج دهنده‌ی یک پیام منفی‌اند.
۲) معمولاً ترویج دهنده‌ی یک گروه غیراخلاقی‌اند.
۳) معمولاً اسراف و تبذیر را رواج می‌دهند.
۴) معمولاً باعث شبیه شدن به دشمنان اسلام می‌شوند.

۱۰- کدام گزینه از ویژگی‌های موسیقی لهوی و مُطرب نیست؟

۱) به صورت غیرکلاسیک می‌باشند.
۲) مناسب مجالس عیش و نوش می‌باشند.
۳) انسان را از خدا دور می‌کنند.
۴) انسان را به بی‌بندوباری سوق می‌دهند.

۱۱- اگر ورزش و بازی‌های ورزشی برای دور شدن افراد جامعه از فساد و بی‌بندوباری دنیای کنونی ضرورت یابد فراهم کردن امکانات آن واجب ..... است و شرط‌بندی در بازی‌ها و ورزش‌های معمولی ..... است.

۱) عینی ـ بلااشکال
۲) کفایی ـ بلااشکال
۳) کفایی ـ حرام
۴) عینی ـ حرام

۱۲- مبارزه با تهاجم فرهنگی و ابتذال اخلاقی از مصادیق مهم عمل صالح و از واجبات ..... است و تقلید از مدهایی که شبیه شدن به دشمنان اسلام و ترویج فرهنگ آن‌ها را به دنبال دارد ..... است.

۱) کفایی ـ حرام
۲) کفایی ـ مکروه
۳) عینی ـ حرام
۴) عینی ـ مکروه

۱۳- بازی با وسایل و ابزارهایی که در جامعه به عنوان ابزار قمار شناخته شده‌اند، اگرچه به قصد ..... حرام ..... و شرکت در مجالس حرام .....

۱) قمار نباشد ـ است ـ نیست
۲) تفریح باشد ـ نیست ـ است
۳) قمار نباشد ـ است ـ است
۴) تفریح باشد ـ نیست ـ نیست

تست	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
گزینه	۱.	۱.	۱.	۱.	۱.	۱.	۱.
	۲.	۲.	۲.	۲.	۲.	۲.	۲.
	۳.	۳.	۳.	۳.	۳.	۳.	۳.
	۴.	۴.	۴.	۴.	۴.	۴.	۴.

پایان درس دهم

@konkurpex

بررسی خطبه خط متن

@konkurpex

درس اول: هستی‌بخش

*** اگر نگاهمان از سطح ظاهری پدیده‌ها عبور کند ➢ درمی‌یابیم که: موجودات هستی خود را وامدار هستی‌بخش هستند.**

نیازمندی جهان به خدا در پیدایش

*** هریک از ما با تمام وجود خدا را می‌یابیم و حضورش را درک می‌کنیم (علت) در سختی‌ها و مشکلات به او پناه می‌بریم و از او کمک می‌طلبیم. قرآن کریم ما را به معرفت عمیق‌تر در این باره دعوت می‌کند و راه‌های متفاوتی را به ما نشان می‌دهد. (معلول)**

*** هریک از موجودات حق بودن (واقعیت و موجودیت) خود را از خدا می‌گیرند.**

*** راه‌های درک خدا**
- ➢ ۱. درک خدا با سرشت خدا آشنا (یافتن در خود)
- ➢ ۲. کسب معرفت عمیق درباره‌ی خدا با درک نیازمندی‌های جهان

نکات

رکن اصلی خداشناسی، خودشناسی و رکن اصلی خودشناسی تفکر در وجود خود است.

استدلال‌های درک نیازمندی جهان:

۱- مقدمه‌ی اول

*** همه‌ی ما پدیده هستیم ➢ وجود و هستی‌مان از خودمان سرچشمه نمی‌گیرد.**

*** پدیده یعنی**
- ➢ ۱. یک زمانی نبوده و سپس پدید آمده است.
- ➢ ۲. متکی به خود نیست (قائم به ذات نیست).
- ➢ ۳. خدا موجود است اما پدیده نیست.
- ➢ ۴. ممکن بود ما نباشیم (ممکن‌الوجود)

۲- مقدمه‌ی دوم

*** هر چیزی وجودش از خودش نباشد ➢ برای موجود بودن ➢ نیازمند به دیگری است (مثلاً چای نیازمند قند برای شیرینی)**

ذات نایافته از هستی‌بخش کی تواند که شود هستی‌بخش

*** شرط بی‌نیازی در موجود بودن به دیگری**
- ➢ ۱. ذات و حقیقت او = موجود بودن
- ➢ ۲. نیستی در او راه نداشته باشد

*** چنین موجودی نیاز به پدیدآورنده ندارد و همیشه هست (واجب‌الوجود)**

نتیجه‌ی مقدمه‌ی ۱ و ۲:

- ➢ **۱. به‌وجود آورنده‌ی هستی مستقل و قائم به خود بوده و هستی از او جدا نمی‌شود. (ذات = هستی ← خدا)**
- ➢ **۲. ما پدیده‌های جهان، نیازمند به دیگری برای پدید آمدن و هستی یافتن هستیم.**

@konkurpex

اشعار در باب مشهود بودن خداوند:

دلی کز معرفت نور و صفا دید — به هر چیزی که دید اول خدا دید
یار بی‌پرده از در و دیوار — در تجلی‌ست یا اولی‌الابصار
به صحرا بنگرم صحرا تو بینم — به دریا بنگرم دریا تو بینم

*** دیدن خدا در پشت و ورای هر چیز ➢ معرفتی برتر و عمیق‌تر**

*** این هدف برای جوانان امکان‌پذیر است ➢ بستر اصلی حرکت به سوی خدا در ورای هر چیز پاکی و صفای فطری قلب است.**

*** به یقین خداوند کمک خواهد کرد و لذت این معرفت را به ما خواهد چشاند. (والذین جاهدوا...)**

چرا نمی‌توانیم به ذات خدا پی ببریم و بدانیم او چیست و چگونه است؟

۱. امور محدود: برخی از امور در دایره شناخت ما قرار می‌گیرند، مانند گیاهان، حیوان‌ها، بهشت و جهنم. این‌ها همه موجودات محدودی هستند که ذهن ما می‌تواند بر آن‌ها احاطه پیدا کند و چگونگی‌شان را دریابد. در حقیقت ذهن ما گنجایش فهم چیستی آن‌ها را دارد.

۲. امور نامحدود: برخی دیگر از آن‌ها توانایی دستگاه اندیشه ما هستند و ذهن ما نمی‌تواند بر آن‌ها احاطه پیدا کند؛ زیرا لازمه شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آن‌هاست.

*** مثال: ما هر عدد با خطی را که تصور کنیم، محدود است. خط و عدد نامحدود را نمی‌توانیم تصور کنیم. خدا که حقیقتی نامحدود دارد و چون نامحدود است در ظرف ذهن ما نمی‌گنجد. و ذهن به حقیقت خداوند احاطه پیدا نمی‌کند.**

نکته

نمی‌توانیم بگوییم چیست. هر چیستی را که برای او فرض کنیم او را در حد تصورات ذهنی خود پایین آورده و محدود کرده‌ایم.

*** پیامبر اکرم (ص) فرموده است:**

لا تفکروا فی ذات‌الله تفکروا فی آلاء الله: در ذات و چیستی خداوند فکر نکنید در نعمت‌های خداوند تفکر کنید

*** دین اسلام ما را به تفکر در صفات الهی، تشویق کرده است ➢ شناخت صفات و ویژگی‌های خداوند، از راه شناخت مخلوقاتش تا حدودی امکان‌پذیر است.**

پایان درس اول

@konkurpex

درس دوم: یگانه بی‌همتا

*** توجه به مهم‌ترین اعتقاد دینی و پایه و اساس تمام دین و محور زندگی دینی ⮜ اعتقاد به توحید ⮜ اعتبار به سایر اعتقادات**

*** نگرش توحیدی بر تمام آیات قرآن سایه افکنده و همانند روحی در پیکره‌ی معارف و احکام دین به آن‌ها حیات می‌بخشد.**

ایستگاه تکرار

لازمه‌ی ایمان به خدا ⮜ ایمان به معاد

نکات

الف) روح معارف و احکام ← توحید　　ب) روح عمل ← نیت

*** توحید به معنای یگانگی و بی‌همتایی می‌باشد.**

*** اعتقاد به توحید یعنی اعتقاد به اینکه خداوند یکتاست و شریک و همتایی ندارد.**

مراتب یگانگی خداوند (توحید نظری)

نکته

توحید نظری، نظر و اعتقاد یک انسان موحد درباره‌ی خداست!

۱- توحید در خالقیت

*** توحید در خالقیت**
- **۱. خداوند در ذات خود یکتاست.**
- **۲. تنها ذات بی‌نیاز از هر موجود.**
- **۳. موجودات همه از او هستند.**
- **۴. جهان از یک اصل پدید آمده و به همان نیز بازمی‌گردد.**
- **۵. قرآن این حقیقت را یادآوری و از گرایش به شرک انذار می‌دهد.**

*** شرک در خالقیت**
- **در مقابل توحید ذاتی قرار دارد. مثل: اعتقاد به خدایان متعدد و چند مبدأ برای جهان.**
- **دو یا چند خدای مستقل و بی‌نیاز وجود دارد ← هر کدام خالق بخشی از جهان‌اند.**
- **چند خدا وجود دارد که با همکاری هم این جهان را اداره می‌کنند.**

*** اگر چند مبدأ و خالق برای جهان تصور کنیم**
- **۱. آن‌ها را ناقص و محدود و نیازمند فرض کرده‌ایم.**
- **۲. هریک دارای کمالات منحصر به فرد.**
- **۳. هریک به خالق کامل و بی‌نیاز احتیاج دارند.**

@konkurpex

توحید افعالی

*** به این معناست که خداوند برای اداره‌ی جهان نیاز به هیچ‌یک از مخلوقات خود ندارد.**

*** هر موجودی هرچه دارد از خداست (علت) ⮜ هیچ موجودی در کارهایش نمی‌تواند مستقل و بی‌نیاز از خدا عمل کند (معلول) = هر فعل به اذن قدرت الهی است.**

*** هر فعل و عملی در جهان متکی به نیروی الهی است ⮜ توحید افعالی**

*** همه‌ی آثار مخلوقات به اذن و اراده‌ی خداست ⮜ توحید افعالی**

*** اثر و مؤثر از خدا ⮜ باران در سرسبزی و آفتاب در رویش**

شاخه‌های توحید افعالی:

الف) توحید در مالکیت

مخلوقات و آثارشان از خداست (علت) ⮜ مالک اصلی و حقیقی آن‌ها فقط خداست (معلول)

نکته

این شاخه از توحید بیانگر طولی بودن مالکیت موجودات نسبت به مالکیت خداست.

ب) توحید در ولایت

خدا مالک حقیقی جهان است (علت) ← بر جهان ولایت دارد. (معلول)

۲- توحید در ربوبیت: خداوند رب‌العالمین است

رب: صاحب اختیاری که تدبیر امور به‌دست اوست.

تدبیر امور به‌دست خداست (معلول) ⮜ خدا مالک و ولی جهان است (علت)

شرکت در ربوبیت
- ⮜ ۱. انسان ربوبیت و تدبیر خود را در کنار ربوبیت خدا بداند. (مستقل از خدا)
- ⮜ ۲. انسان به کلی ربوبیت خدا را فراموش کند.

*** توحید در ربوبیت یعنی موجودات و انسان قدرت تدبیر دارند اما در طول اراده خدا و به صورت غیرمستقل، مانند باغبان و پرورش درختان (زارع حقیقی خداست)**

@konkurpex

طرح یک سؤال

آیا تقاضای شفا از اولیای خدا بیانگر شرک است؟

همان‌گونه که درخواست از پزشک برای درمان با توحید منافاتی ندارد، درخواست از اولیای الهی برای شفای بیماران نیز منافاتی با توحید ندارد زیرا پزشک به واسطه‌ی اسباب مادی و آنان به واسطه اسباب غیرمادی این کار را انجام می‌دهند.

شفا دادن وقتی موجب شرک است که این توانایی را از خود آن‌ها بدانیم. اگر این توانایی را از خدا و به اذن خدا بدانیم عین توحید است و از این جهت مانند اثر شفابخشی داروست که خداوند به آن بخشیده است.

این توانایی به زمان حیات پیامبر اکرم (ص) اختصاص ندارد، زیرا روح مطهر ایشان پس از رحلت زنده است و می‌تواند به انسان‌ها یاری برساند. اگر ما از رسول خدا (ص) چیزی درخواست کنیم، درخواست از جسم ایشان نیست، بلکه از حقیقت روحانی و معنوی ایشان است. (ولایت معنوی)

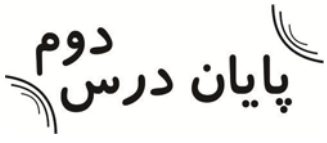

@konkurpex

درس سوم: حقیقت بندگی

بر آستان جانان گر سر توان نهادن گلبانگ سربلندی بر آسمان توان زد

پیام شعر: توحید عملی و عبادی

توحید در عبادت

* پس از شناخت خداوند به عنوان تنها خالق و آفریننده جهان و تنها سرچشمه خوبی‌ها و زیبایی‌ها و آگاهی به این که او تنها مالک، سرپرست و اداره کننده و تنها تکیه‌گاه و پشتیبان جهان است، درمی‌یابیم که تنها وجود شایسته پرستش و اطاعت، یعنی تنها معبود واقعی انسان‌ها خداست.

ایستگاه تکرار

احبار ⪻ دانشمندان
رهبان ⪻ راهبان (روحانیون)
اهل کتاب ⪻ مسیحیان و یهودیان

* توحید نظری (علت) ⪻ تنها وجود شایسته پرستش و عبادت و تنها معبود حقیقی = خداوند (معلول)
* اطاعت از غیرخدا که براساس اطاعت او نباشد (مثل طاغوت) ⪻ نابجا و غلط

لازمه‌ی توحید عملی:

* اطاعت از پیامبر (ص) و جانشینان او
  - ⪻ ۱. حکم و فرمان الهی از طریق آنان به مردم می‌رسد.
  - ⪻ ۲. بدون اطاعت از آنان اطاعت از خدا غیرممکن است.

* توحید در عبادت = توحید عملی
  - ⪻ ۱. پرستش خدای یگانه
  - ⪻ ۲. کارها و رفتارها به قصد اطاعت و کسب رضایت خدا

۱. بعد فردی:

* ویژگی‌های انسان موحد
  - ⪻ ۱. تلاش برای این‌که فقط خدا را پرستش کند و او را اطاعت کند.
  - ⪻ ۲. سامان‌دهی کشش‌ها و تمایلات درونی و تصمیم‌ها و فعالیت‌ها در یک هماهنگی مناسب تا سمت و سویی خدایی بگیرند و بر محور بندگی خدا باشند.
  - ⪻ ۳. در مجموعه برنامه‌ریزی‌ها خدا و رضایت او را در نظر دارید.
  - ⪻ ۴. به میزانی که در جهت بندگی پیش می‌رود
    - ۱) حل تضادهای درونی
    - ۲) کنترل امیال و غرایز
  - ← ظهور گرایش‌های
    - ۱) نوع‌دوستی
    - ۲) عدالت‌خواهی
    - ۳) احسان
  - ⪻ ۵. شخصیت یگانه و یک‌پارچه در جهت عبودیت و پرستش دارد.

@konkurpex

* شرک عملی
  - ۱. در مقابل توحید عملی است و دو مرتبه دارد.
  - ۲. مرتبه اول ← شرک جلی (آشکار) ← پرستش غیرخدا
  - ۳. مرتبه دوم ← شرک خفی (پنهان)
    ۱) اطاعت از نفس خود با دیگران.
    ۲) انجام کارها برای نفس یا خوشامد دیگران.
    ۳) می‌تواند برای یک مؤمن هم رخ دهد.
  - ۴. ویژگی انسان مشرک
    الف) چندشخصیتی با جهت‌گیری‌های متفاوت.
    ب) در خدمت معبودهای گوناگون.
    ج) دارای ستیزه‌ای پایان‌ناپذیر در وجودش.

  علت: وی تحت سلطه‌ی تمایلات و خواسته‌های متضاد نفسانی است.

۲. بعد اجتماعی:

* بعد اجتماعی توحید عملی: یگانه و یکپارچه شدن نظام اجتماعی در جهت خدا و اطاعت همه‌جانبه از او.

* تحقق بعد اجتماعی
  - ۱. افراد در روابط خود با یکدیگر، فرمان الهی را به جای خواست‌های خود حاکم سازند.
  - ۲. افراد مناسبات سیاسی و اقتصادی و فرهنگی خود را منطبق بر احکام الهی و در جهت رضای او تنظیم کنند.

نکته

بین بعد فردی و بعد اجتماعی توحید عملی، تشابه و تناسب وجود دارد.

* گام برداشتن فرد در توحید عملی ← رسیدن به شخصیت متوازن، زیبا و متعادل

نکته

اگر عبد به سوی خدا قدم بردارد ← خدا او را شایسته ولایت خود قرار می‌دهد.

* حرکت جامعه در مسیر توحید
  - ۱. عدم حاکمیت ستمگران
  - ۲. روابط اجتماعی به تعادل، انسجام، توازن و هماهنگی می‌رسد.
  - ۳. تبدیل جامعه به جامعه‌ای زیبا
  - ۴. تحقق عدالت اجتماعی در هر بعدی (مهم‌ترین هدف نظام اجتماعی توحیدی)

@konkurpex

* شرک اجتماعی
  - افراد خواسته‌ها و تمایلات دنیایی خود را دنبال کنند.
  - افراد منافع خود را محور فعالیت‌های اجتماعی قرار دهند.
  - افراد اهل ایثار و تعاون و خیر رساندن به یکدیگر نباشند.
  - با سلطه و فرمانروایی ستمگران همراه است.
  - در جامعه سخن از حاکمیت طاغوت و دستورهای آن است.

* پیامدهای شرک اجتماعی
  - تفرقه و تضاد جامعه را فرامی‌گیرد.
  - امکان رشد و تعالی از بین می‌رود.
  - انسان‌های ستمگر قدرت اجتماعی و سیاسی را می‌گیرند.
  - انسان‌های ستمگر افراد را در خدمت امیال خود به‌کار می‌گیرند.

لا اله الا الله
- مهم‌ترین شعار اسلام ← بهای بهشت
- جامع همه ابعاد توحید (توحید نظری و توحید عبادی)
- از آنجا که انسان‌ها بیشتر گرفتار شرک عملی می‌شوند ← بیشتر ناظر بر توحید
- جامع همه‌ی ابعاد شخصیتی یک انسان موحد
- توجه و تفکر در آن در طول روز ← فلاح و رستگاری ← پیشوایان از ما خواسته‌اند آن را در روز تکرار کنیم.
- هرچه به درک قوی‌تر و ایمان بالاتر از آن برسیم ← دوری از گناه.
- دژ مستحکم توحید و خدا
  - حفظ انسان از گناه
  - رسیدن به مراتب کمال
- پیامبر (ص)
  - قولوا لا اله الا الله تفلحوا ← مخاطب: مردم
  - نه من و نه گویندگان قبل از من کلمه‌ی پرمحتوا همانند این کلمه نگفته‌ایم.

* این عبارت کوتاه که در حد یک کلمه است از دو بخش تشکیل یافته، یکی نفی معبود (لا اله) مانند بت‌های ساختگی و طاغوت و دیگری (الا الله) اثبات خدا به عنوان تنها کسی که سزاوار پرستش و اطاعت است. از این رو پیامبر فرمود: این کلمه دژی است که انسان را از شرک در عقیده و عمل حفظ می‌کند.

توحید و شرک در جهان امروز

* اغلب مردم دنیا قبول دارند که خالق جهان خدای یگانه است و خدا جهان را تدبیر و اداره می‌کند. وقتی به زندگی انسان عصر جدید می‌نگریم با مواردی روبه‌رو می‌شویم که با این پذیرش هم‌خوانی ندارد.
* بسیاری از انسان‌ها چنان به امور دنیوی سرگرم شده‌اند که خدا را فراموش کرده و خداوند در قلب آن‌ها جایگاهی ندارد.

@konkurpex

لذات و شهوات چنان در دلشان فزونی یافته که جایی برای خلوت انس با خدا و درک معنویت نیایش با پروردگار باقی نگذارده است. هوی و هوس و آنچه و آن کس که آنان را به هوس‌هایشان می‌رساند، بت و معبودشان شده و آن‌ها را می‌پرستند. از ابزارهای جدید، مانند سینما، تلویزیون، ماهواره و اینترنت و سایر رسانه‌ها برای رسیدن به این لذات دنیایی بهره می‌برند و یکسره از خدا و آخرت غافل شده‌اند.

نکات

محور زندگی دینی ← توحید

محور زندگی غیر دینی ← شرک

* معرفت به خداوند زمانی میوه‌ی خود را می‌دهد که از مرحله‌ی شناخت ذهنی به مرحله‌ی ایمان قلبی برسد و در قلب تثبیت شود.
* انسان به چشم قلب ببیند که خداوند در کوچک‌ترین حوادث عالم نیز حضور دارد.
* چرخ خلقت با تدبیر خداوند می‌گردد و این بت‌ها مانع رسیدن انسان به ایمان است.

* بت‌پرستی
  - در عصر جاهلیت ← پرستش ۳۶۰ بت
  - اکنون
    - در ژاپن و هند (جلی)
    - پرستش هزاران بت فرضی که خطرناک هستند (خفی)

* ریشه‌ی بت‌پرستی در عصر جدید:
  - عدم وارد کردن دین و دستورات آن در متن زندگی
  - اصل قرار دادن تمایلات دنیایی و نفسانی

* قرآن کریم معیار ثابت شرک و بت‌پرستی را به ما ارائه نموده و تطبیق این معیارها بر زندگی فردی و اجتماعی را بر عهده خودمان قرار داده است.

* معیارهای ثابت شرک و بت‌پرستی
  - گرفتن ارباب‌هایی جز خداوند
  - روی آوردن به جهتی جز جهت خداوند
  - پذیرش سرپرستی جز خداوند
  - عبودیت کسانی جز خداوند
  - خارج کردن خدا از محوریت زندگی

پایان درس سوم

@konkurpex

درس چهارم: در مسیر اخلاص

*** زندگی عرصه عبادت و بندگی خداست تا با پرستش او مسیر رسیدن به سعادت و کمال را بپیماییم و به سرچشمه زیبایی‌ها برسیم.**

نکته

** قرآن کریم به حق بر مردم نازل شده است، سپس اختیار انسان برای هدایت شدن را بیان می‌کند.*

*** انسان همواره بر سر دوراهی**
- **بندگی خدا**
- **بندگی هوای نفس و شیطان**

*** زندگی**
- **صحنه‌ی انتخاب بین خدا و شیطان**
- **عرصه‌ی تلاش برای توحید عملی**

*** درخواست خدا از ما**
- **دوری از بندگی شیطان** ← **به صورت یک گرایش فطری**
- **درآمدن به بندگی خدا** ← **به وسیله‌ی پیامبران و کتب آسمانی**

*** اخلاص در بندگی**
- **یگانه شدن انسان برای خدا**
- **تمام جهت‌گیری‌ها سمت و سویی خدایی داشته باشد.**
- **کارها فقط برای رضا و تقرب او باشد.**
- **هوای نفس و شیطان در کارها راه نداشته باشد.**
- **معنای دیگر توحید عبادی**

نکات

۱- هرچه درجه‌ی اخلاص بیشتر
- *مقام گرامی‌تر نزد خدا*
- *درجه‌ی بهشتی بالاتر*

۲- صراط مستقیم = توحید عبادی = اخلاص در بندگی

@konkurpex

* اجزای هر عمل
  - نیت = قصد = هدف ← روح عمل
  - شکل و ظاهر عمل ← جسم و کالبد عمل

* پیامبر اکرم (ص) فرموده است: نیّةُ المؤمنِ خیرٌ مِن عَمَلِه: نیت مؤمن، برتر از عمل اوست.

نکته

حسن فعلی به دنبالهی حسن فاعلی می‌آید.

* اولین قدم در دوستی خالصانه با خداوند ← کسی که قلباً با خدا خالص است ← انجام عمل فرمان داده شده به شکلی که خداوند خواسته است.

برنامه‌ریزی برای رسیدن به حقیقت بندگی و اخلاص:

۱- تقویت روحیه‌ی حق‌پذیری

* اولین قدم برای ورود به بندگی و اخلاص ← حق‌پذیری است.

* کسی که در مقابل حق تسلیم و خاضع است
  - به آسانی وارد مسیر بندگی می‌شود.
  - به سرعت راه موفقیت را می‌پیماید.

* افراد حق‌پذیر، تابع دلیل هستند ➢ وقتی عقل آنان حقیقتی را یافت ➢ به دنبال آن می‌روند.

* افرادی:
  - با بستن راه ورود حق بر خود
    - انکار خیرخواهی دوستان ➢ می‌گویند دلم نمی‌خواهد.
    - نمی‌فهمند که دل را، دو ندا دعوت می‌کند
      - ➢ ۱. عقل
      - ➢ ۲. هوی و هوس
  - پیروی از هوی و هوس

۲- افزایش معرفت به خدا

* افزایش معرفت و ایمان به خدا و شناخت عمیق‌تر او ➢ افزایش انگیزه‌ی عبودیت و بندگی

* آفرینش همه تنبیه خداوند دل است — دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود — هرکه فکرت نکند نقش بود بر دیوار

پیام شعر: دعوت به تفکر برای افزایش معرفت

* مهر رخسار تو می‌تابد ز ذرات وجود — هر دو عالم پر ز نور و دیده نابینا چه سود؟

پیام شعر: نتیجه‌ی غفلت از آیات الهی

@konkurpex

۳- راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او

- نیایش با خدا
  - عرض نیاز به درگاه خدا
    - تقویت محبت خدا در قلب
    - کنار زدن غفلت
    - بهره‌مندی از امداد الهی

- نماز
  - خدا خود به ما آموزش داده است و خواسته که این‌گونه سخن بگوییم.
  - حداقل ۵ مرتبه در شبانه‌روز
  - به‌طور مداوم ما را به یاد خدا می‌اندازد و حضور خدا را در زندگی ما تقویت می‌کند.
  - جایگاه ویژه‌ای در مناجات و عبادات دارد.

۴- یاد معاد و روز حساب

*** توجه به این‌که همه ما حیات جاودانه‌ای داریم که کیفیت و چگونگی آن در این دنیا توسط ما تعیین می‌شود ← تقویت عبودیت و اخلاص**

- * همواره باید
  - ببینیم ➢ چه چیزی را برای خدا آماده کرده‌ایم.
  - یادآور شویم ➢ ساکنان آتش با یاران بهشت تفاوت دارند.

۵- اهتمام به عمل صالح

*** قرآن کریم ← ایمان را قرین عمل صالح معرفی می‌کند.**

- * وقتی انسان مسیر حق و حقیقت را شناخت
  - پای در مسیر آن عمل می‌گذارد.
  - بدون هیچ بهانه‌ای از عمل دست برنمی‌دارد.

- * عمل صالح
  - پرورش انسان
  - خالص ساختن وجود انسان

- * میوه‌های اولیه‌ی درخت اخلاص
  - عدم نفوذ شیطان در انسان، با اخلاص و یأس او (اولین ثمره)
  - احساس اطمینان و آرامش روانی + نجات از دغدغه‌ها و اضطراب‌ها
  - زندگی سالم به دور از فساد + احساس لذت واقعی از زندگی
  - کسب زیبایی‌های معنوی در عین بهره‌برداری مطلوب از لذت‌های دنیوی

@konkurpex

* استحکام رشته‌ی اخلاص ≺ کم شدن توانایی شیطان در وسوسه کردن
* شیطان برای کشاندن حضرت یوسف (ع) به گناه و فساد، دام گسترده بود. امروزه نیز دام‌های گوناگونی پهن کرده است تا هوس انسان‌ها را تحریک کند و به گناه سوق دهد.
* در نتیجه: از بهشت جاویدان محروم کند.
* فیلم‌ها، سایت‌ها، شبکه‌های تلویزیونی و گروه‌ها و دسته‌های منحرف اجتماعی از این دسته دام‌هاست که مقاومت در برابر آن‌ها نیازمند روی آوردن به پیشگاه خداوند و پذیرش خالصانه فرمان‌های اوست.
* کسی که در چنین دام‌هایی گرفتار شود ≺ زندگی پاک و بانشاط دنیا را از دست می‌دهد.
حیات سرشار از شادکامی آخرت را از دست می‌دهد.
* ثمره دیگر اخلاص در پرستش ≺ دستیابی به معرفت و اندیشه‌های محکم و استوار است.
* حکمت ≺ دانش متین و محکم ≺ در اختیار انسان قرار گرفته است ← فرد بتواند آگاهانه و درست تصمیم بگیرد و دچار سرگردانی نشود.
* شیطان اقرار دارد ≺ که در فریب مؤمنان بااخلاص ناتوان است.
* میوه‌های عالی اخلاص ≺ در اثر پیمودن راه‌های عالی بندگی به‌دست می‌آید!
* بالاترین میوه‌ی اخلاص در بندگی ≺ دیدار محبوب حقیقی و تقرب به پیشگاه خداوند.

* خداوند به تعبیر امیر مؤمنان (ع) ≺ نهایت آرزوی عارفان
دوست دل‌های صادقان
ولی مؤمنان
معبود عالمیان

مقام قرب و خوبی‌ها و زیبایی‌های رسول اکرم (ص) و حضرت فاطمه (س) ← از راه بندگی

نکته
مقام و منزلت انسان‌های بافضیلت، ناشی از بندگی واقعی آنان در برابر خداست.

♥ بندگی کن تا که سلطانت کنند — تن رها کن تا همه جانت کنند
همچو سلمان در مسلمانی بکوش — ای مسلمان تا مسلمانت کنند
بنده‌ی شیطانی و داری امید — تا ستایش همچو سلطانت کنند

پیام شعر: توحید عملی علت همه مقام‌ها

چهارم
پایان درس

@konkurpex

درس پنجم: قدرت پرواز

* با توجه به اینکه همه‌ی رخدادها تحت اراده و مدیریت خداست ≺ اختیار انسان پذیرفته شده است و این نظام بستری مناسب برای آن است (اختیار انسان در طول اختیار خدا)

* اختیار:
  - حقیقتی وجدانی و مشهود است و هر کس آن را در خود می‌یابد.
  - در بین مخلوقات فقط انسان قدرت اختیار دارد.
  - حتی کسی که در سخن اختیار را انکار کند ≺ در عمل از آن بهره می‌برد.

* شعر مولوی:

آن یکی بر رفت بالای درخت — می‌فشاند او میوه را دزدانه سخت
گفت توبه کردم از جبر ای عیار — اختیار است، اختیار است، اختیار

پیام شعر:
تکیه بر اعتقاد جبری‌گری برای رد جبر
درباره‌ی کسی که می‌خواهد قدرت اختیار را انکار کند.

نشانه‌های اختیار:

۱- تفکر و تصمیم: اندیشه کردن و سنجش کارها با سبک و سنگین و نیز تردید قبل از تصمیم‌گیری از نشانه‌های اختیار است.

♥ این‌که فردا این کنم یا آن کنم — خود دلیل اختیار است ای صنم

۲- احساس رضایت یا پشیمانی:
- در صورت موفقیت در کار ≺ احساس رضایت و خرسندی ≺ چون کار را از خود و اراده و تصمیم عاقلانه‌ی خود می‌دانیم.
- در صورت اشتباه در کار ≺ احساس ندامت و پشیمانی ≺ چون اشتباه به اراده و اختیار ما بوده.

♥ گر نبودی اختیار این شرم چیست؟ — این دریغ و خجلت و آزرم چیست؟
وآن پشیمانی که خوردن زان بدی — ز اختیار خویش گشتی مهتدی

۳- مسئولیت‌پذیری و نظام پاداش و جزاء

* انسان خود را مسئول کارهای خود می‌داند:
  - عهدنامه‌ها و پیمان‌نامه‌ها را استوار کرده
  - اگر کسی پیمان‌شکنی کند ← مستحق مجازات

♥ هیچ گویی سنگ را فردا بیا — ور نیایی من دهد بد را سزا؟
هیچ عاقل مر کلوخی را زند؟ — هیچ با سنگی عتابی کس کند؟

@konkurpex

* نهادهای قضایی و نظام پاداش و جزاء ➢ بر اختیار انسان‌ها استوارند.

* اختیار و فواید آن
  - با ساختار انسان سرشته شده است (فطری است) ➢ انکارناپذیر
  - آنچه در رابطه با آن اهمیت دارد، نحوه‌ی بهره‌مندی از آن است ➢ از این جهت شبیه قدرت تفکر
  - کسی که اختیار خود را باور کرده است
    - ➢ ۱. احساس هویت
    - ➢ ۲. اعتماد به نفس و خودباوری بالا
    - ➢ ۳. احساس مسئولیت در برابر کارها
    - ➢ ۴. پذیرفتن تصمیمات و اشتباهات خود و جبران آن‌ها

پندارهای ویرانگر

۱- عقیده به اینکه جهان منحصر به اشیای مادی است ➢ جایی برای اراده و اختیار باقی نمی‌ماند.

۲- جبری‌گری

* اعتقاد به سرنوشت بدون اختیار
  - عقیده بر اینکه اراده انسان جایگاهی در تقدیر الهی ندارد.
  - بی‌تحرکی و عدم احساس مسئولیت بر فرد حاکم می‌شود.

* رواج عقیده‌ی جبری‌گری ➢ مثل ویروس فلج
  - گرفتن تحرک و سازندگی از جامعه
  - فراهم کردن فرصت برای زورگویان

* عقیده‌ی جبری‌گری
  - زورگویان و ستمگران
    - قدرت و ثروت را موهبت الهی معرفی می‌کنند.
    - می‌گویند حاصل تقدیر و سرنوشت است که گروهی ثروتمندند.
  - محرومان
    - به خود حق اعتراض نمی‌کنند.
    - می‌پندارند اعتراضشان مخالفت با خواست الهی و تقدیر است.

* در طی تاریخ اسلام
  - مسئله‌ی تقدیر جبرگونه ➢ دستاویز برای حکومت امویان
  - امویان طرفدار مسلک جبر بودند ➢ آزادی‌خواهی و حق‌طلبی = مبارزه با تقدیر
  - در زمان امویان پندار مردم درباره‌ی مبارزه با یزید ➢ مبارزه با خواست الهی ➢ بدون اثر

۳- اختیار به معنای آزاد مطلق
  - محور قرار دادن خواست‌های خود بدون توجه به عواقب آن
  - نادیده گرفتن قانون‌های جهان

@konkurpex

* این افراد در کوتاه‌مدت یا درازمدت ➢ برای ارضای میل یا هوس خود
  - تخریب شخصیت خود
  - نابسامانی اجتماعی
  - آسیب رساندن به طبیعت

* این افراد محیط زیست را تخریب می‌کنند ➢ چون فکر می‌کنند
  - میل و اراده‌شان محور تمام امور است.
  - هیچ مانعی بر سر راهشان نیست.

زمینه‌ساز شکوفایی اختیار

* اعطای اختیار ➢ برای پیشرفت و کمال و قرب الهی
* زمینه‌ساز بهره‌مندی کامل از اختیار و پرواز در آسمان هستی = درک صحیح نظام حاکم بر جهان
* اولین گام در درک نظام جهان ➢ اعتقاد به خداوندی حکیم، عادل و قادر ➢ خلق حکیمانه و اداره‌ی جهان

۱- اعتقاد به خداوند حکیم

* تدبیر و اداره‌ی جهان توسط خداوندی حکیم، وقوع رخدادها در چارچوبی
  - سامان‌دهی شده و قانونمند (قدر)
  - بسیار دقیق و حساب شده (قدر)
  - بدون هیچ عیب و نقص (قضا)

* انسان‌ها
  - به علت دانش محدود و ناقص ➢ عاجز از درک اهداف حکیمانه‌ی خدا
  - مطمئن و معتقد به: حکیمانه بودن تمام رویدادها و هدف‌مندی عالم

♥ قطره‌ای کز جویباری می‌رود — در پی انجام کاری می‌رود

پیام شعر: هدفداری، حکمت، قانون‌مندی

* تأثیر ایمان به خداوند حکیم و نظام حکیمانه‌ی او
  - ➢ ۱. اطمینان از بی‌نقصی جهان و اینکه دارای نگهبان است.
  - ➢ ۲. با اعتماد به قانون‌مندی جهان
    - به فعلیت رساندن استعدادهای
    - خود طی کردن پله‌های کمال

۲- قانون‌مند بودن جهان:

* قانون‌مندی و سامان‌بخشی حاکم بر جهان ➢ ورای قانون‌مندی است و هر قانونی را لغو می‌کند.
* پندار غلط درباره‌ی قضا و قدر: قضا و قدر با اختیار ناسازگار است!

@konkurpex

* بدون پذیرش نظام قضا و قدر
  - هیچ نظامی برقرار نمی‌شود.
  - زمینه‌ای برای کار اختیاری برقرار نمی‌شود.

* سؤال یار امام علی (ع) از ایشان درباره‌ی تغییر مکان به زیر دیوار محکم ➢ آیا از قضای الهی می‌گریزی؟

* پندار غلط فرد سؤال کننده ➢ اگر قضای انسان به مرگ تعلق گرفته باشد در هر صورت می‌میرد ➢ حرکت و تغییر مکان براساس دستور عقل بی‌فایده است (تباهی اختیار).

* پاسخ اما علی (ع) به یارش ➢ از قضای الهی به قدر الهی پناه می‌برم!

* اعتقاد به قضا و قدر
  - مانع تحرک و عمل نیست.
  - عامل و زمینه‌ساز تحرک آدمی است.

نکات

قضای دیوار کج (ضروریختن) ➢ متناسب با قدر دیوار کج (کجی)

تقدیر دیوار راست (استحکام) ➢ قضای دیوار راست (پایداری)

* تقدیر
  - به معنای اندازه گرفتن ➢ قدر و قَدَر ➢ اندازه
  - موجودات مقدر به تقدیر خدایند ➢ چون خدا حدود و اندازه و ویژگی و مکان و زمانشان را مشخص می‌کند.
  - از علم و حکمت خدا سرچشمه می‌گیرد.

* قضا
  - به معنی به انجام رساندن، پایان دادن، حکم کردن و حقیقت بخشیدن
  - موجودات انجام یافته به قضای خدا ➢ چون با حکم، اراده و فرمان خدا حتمیت می‌یابند.
  - از اراده‌ی خدا سرچشمه می‌گیرد.
  - به تقدیر تکیه دارد.

* طراحی نقشه‌ی جهان و اجرای آن بر عهده‌ی خداست ➢ بی‌عیب و نقص در همه‌ی ابعاد

* ندیدن تقدیرات در عالم + پنداشتن جهان پر از هرج و مرج ➢ ناتوانی در بهره بردن از اختیار و اراده

* فواید آگاهی از قضا و قدر
  - نوشیدن آب برای رفع تشنگی ➢ به علت اعتماد به تقدیر
  - تنظیم ساعت‌ها، روزها، فصل‌ها و ماه‌ها
  - برنامه‌ریزی و عمل کردن با اعتماد به دقت و نظم دنیا
  - با استفاده از قانون جاذبه ➢ ساختن هواپیما و حرکت در آسمان

* نقشه‌ی جهان خلقت و نظام تعیین شده ➢
  - تعیین جایگاه و نقش هر موجود / تعیین ویژگی و حدود
  - که مربوط به تقدیر است.
  - اجرای آنِ موجود به قضا

@konkurpex

* حوادث جهان و کارهای انسان
  - مظهری از قضا و قدر الهی است.
  - تحت تدبیر و اراده‌ی خداوند است.

علل پیدایش پدیده:

* علل عرضی
  - چند عامل به صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر دخالت می‌کنند.
  - مثال مجموعه‌ی باغبان، خاک، آب، و نور ⮜ گل
  - هر عامل دارای نقشی مستقل و متفاوت از بقیه

* علل طولی
  - تأثیر چند عامل در یکدیگر ⮜ انتقال اثر عامل اول به معلول
  - هر علتی، علت بودنش را از عامل بالاتر می‌گیرد.
  - کار انجام یافته را به هر کدام می‌توان نسبت داد.

وجود اختیار و اراده در انسان به علت اراده و خواست الهی است.

* ما، اراده‌ی ما، عمل ما ⮜ وابسته به اراده‌ی خداوند است، اراده‌ی انسان در طول اراده‌ی خداست!
* همه‌ی کارهای انسان در داخل تقدیر الهی‌اند.
* خدا خواسته انسان کارهایش را با اختیار انجام دهد.
* نمی‌توان از اختیار (جزء ذاتی انسان) فرار کرد ⮜ حتی فرار، کار اختیاری است.

* تقدیرات الهی
  - ساده‌ترین و آشکارترین تقدیرها ⮜ طول / عرض / حجم / مکان / زمان / شب / روز
  - شامل همه‌ی کیفیت‌ها، ویژگی‌ها و روابط بین موجودات است.
  - نمونه‌ها: تعداد الکترون هر عنصر / اعضای بدن انسان / ویژگی مایع بودن آب

دایره اختیار انسان

* نگاه اول و سطحی به اختیار انسان
  - انسان محصور در نظام عالم
  - قانونمندی‌ها مانع تحرک و پویایی است.

* نظام قانونمند (طبق علم)
  - گشودن دروازه‌های علم و ساخت ابزارهای گوناگون
  - شکافتن پهنه‌های دریا و جست‌وجو در اقیانوس‌ها
  - نوردیدن کهکشان

* رام شدن عالم برای انسان در صورت
  - شناخت ویژگی‌ها و قانونمندی‌ها
  - ساخت ابزارهای متناسب با آن

لازمه‌ی کار اختیاری انسان

جهت دهنده و محدود کننده کار اختیاری انسان ⮜ تقدیرات و قانونمندی‌های برخاسته از آن

پایان درس پنجم

@konkurpex

درس ششم: سنت‌های خداوندی

* براساس تقدیر الهی، جهان خلقت دارای قانونمندی‌هایی است که تنها اختصاص به پدیده‌های طبیعی ندارد بلکه زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را نیز در بر می‌گیرد.
* قرآن کریم از این قوانین با عنوان سنت‌های الهی یاد کرده و انسان‌ها را به شناخت آن‌ها خصوصاً سنت‌های مربوط به زندگی انسان‌ها، دعوت نموده است.
* شناخت قوانین جهان خلقت سبب آشنایی ما با نشانه‌های الهی و درک عظمت خالق آن‌ها و بهره‌مندی از طبیعت می‌شود.
* شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها، موجب تنظیم رابطه درست انسان با خود، با دیگران، جهان خلقت و خداوند می‌گردد و رسیدن به کمال را تسهیل می‌کند.

سنت‌های الهی عبارت‌اند از:

۱- امتحان و ابتلاء:

* این سنت به چگونگی و فرآیند رشد و تکامل انسان‌ها مربوط می‌شود و عامل ظهور و بروز استعدادهای اوست.
* هر انسان انتخاب‌گری برای اینکه نیت و تمایل درونی خود را نشان دهد و نتیجه‌ی انتخاب خود را آشکارا مشاهده کند. همواره در معرض امتحان و آزمایش است و در این میان کسی که ایمان خود به خداوند و راه هدایت الهی را اعلام می‌کند وارد آزمایش‌های ویژه و خاص می‌گردد.
* پیروزی و یا شکست در آزمایش‌هایی که انسان‌ها در طول عمر خود در معرض آن قرار دارند، سبب جدا شدن نیکوکاران از بدکاران و ساخته شدن و تکامل و یا خسران و عقب‌ماندگی آن‌ها می‌گردد.
* پیروزی در یک امتحان سبب صعود به مرحله‌ی بالاتر و رویارویی با امتحان جدید می‌شود، مانند دانش‌آموزی که در پایان هر سال آزمایش می‌شود تا به کلاس بالاتر راه یابد.
* اما صادق (ع) می‌فرماید: انما المؤمنُ بمنزلةِ کفّة المیزانِ کلما المیزانِ کلما زیدُ فی ایمانه زید فی بلائِه: به راستی که مؤمن به منزله‌ی کفه‌ی ترازوست. هر اندازه ایمانش افزوده شود، امتحانش نیز سنگین می‌شود.

۲- امداد الهی:

* مردم در برابر دعوت انبیاء دو دسته می‌شوند:
  - به ندای حقیقت پاسخ مثبت می‌دهند و هدایت الهی را می‌پذیرند.
  - لجاجت ورزیده و در مقابل حق می‌ایستند.

* سنت الهی این‌گونه است که برای هر کس که با اراده و اختیار خود راه حق یا باطل را انتخاب کرده است، شرایطی فراهم شود که در مسیری که در پیش گرفته به پیش رود و سرنوشت خود را آشکار کند.
* خداوند برای هر دو گروه امکان رسیدن به اهدافشان را فراهم می‌کند، به عبارت دیگر کسی که راه حق را برمی‌گزیند مورد لطف خدا قرار می‌گیرد و مراتب کمال را می‌پیماید و کسی که فقط خواهان دنیاست آن را به دست می‌آورد هر چند عواقب

@konkurpex

زیانبار این تصمیم را در آخرت مشاهده خواهد کرد. پس بهره‌مندی گناهکاران از دنیا و لذت‌های دنیوی نشانه‌ی لطف الهی نیست چرا که این گروه از نعمات بی‌پایان الهی محروم‌اند.

* توفیق الهی

* امداد خاص خداوند نسبت به کسانی است که با نیت پاک قدم در راه حق گذارند و سعادت جهان آخرت و رضایت پروردگار را هدف قرار دهند.

* همراه با سعی و تلاشی که انسان برای رسیدن به این اهداف از خود نشان می‌دهد، خداوند نیز اسباب و شرایط را چنان فراهم می‌سازد که وی بتواند آسان‌تر به مقصد برسد.

* نصرت و هدایت الهی به دنبال تلاش و مجاهدت، یکی از جلوه‌های توفیق الهی است یعنی خداوند انسان‌های تلاشگر و مجاهد را حمایت می‌کند و با پشتیبانی خود به پیش می‌برد.

نکته

آیه ۶۹ سوره عنکبوت که در درس سوم سال دوم آمده: «وَ الَّذینَ جاهَدوا فینا لَنَهدیَنَّهُم سُبُلَنا وَ اِنَّ اللهَ لَمَعَ المُحسِنینَ»: کسانی که در راه ما تلاش و مجاهده کنند قطعًا راه‌های خود را به آن‌ها می‌نمایانیم و بی‌تردید خداوند همراه نیکوکاران است. (مبین سنت توفیق الهی است.)

* از آنجایی که انسان حق‌گرا خود را با نظام حاکم بر جهان که نظامی حق است هماهنگ کرده، نظام خلقت به او کمک می‌کند و یک قدمش به اندازه ده‌ها قدم نتیجه می‌دهد. بر همین اساس قرآن کریم وعده می‌دهد که بیست نفر یا صد نفر انسان تقوا پیشه و شکیبا بر دویست نفر از کفار پیروز می‌شوند.

۳- املاء و استدراج

* خداوند به کسانی که راه باطل را انتخاب می‌کنند و با حق دشمنی می‌ورزند مهلت و فرصت زندگی می‌دهد ولی آن‌ها این فرصت را وسیله‌ی غوطه‌ور شدن در تاریکی‌ها قرار می‌دهند و به تدریج با از بین رفتن اندک امید گرایش به حق به شقاوت ابدی گرفتار می‌شوند.

* در حقیقت این گروه با اختیار و اراده‌ی خودشان سبب می‌شوند که این مهلت‌ها و امکانات عاملی برای سنگین‌تر شدن بار گناهشان شود. این سنت که از جمله سنت‌های حاکم بر زندگی گناهکاران است سنت املاء یا امهال (به معنای مهلت دادن) نامیده می‌شود.

۴- تفاوت در پاداش و کیفر

* با اینکه براساس عدل، خداوند باید به همه بندگانش براساس میزان اعمالشان پاداش یا جزاء بدهد ولی از آنجایی که خداوند با فضل خود با بندگان رفتار می‌کند، کار نیک را چند برابر و کار بد را فقط به اندازه‌ی خودش جزا می‌دهد.

۵- تأثیر نیکی یا بدی در سرنوشت

* براساس تعالیم پیشوایان دین، زندگی ما به شدت تحت تأثیر رفتارهای ماست.

@konkurpex

* این سنت یک سنت اجتماعی نیز هست چرا که جامعه‌ای که در مسیر خوبی‌ها قدم بردارد درهای رحمت الهی را به روی خود می‌گشاید و جامعه‌ای که به گناه آلوده شود به برخی عذاب‌ها گرفتار خواهد شد.

* امام صادق (ع) می‌فرماید: مَن یموتُ بِالذنوبِ اکثرُ مِمن یموتُ بالاجال ... کسانی که به واسطه‌ی گناه می‌میرند از کسانی که به واسطه‌ی سرآمد عمرشان می‌میرند، بیشترند.

وَ من یعیش بالاحسانِ اکثر ممن یعیش بِالاعمارِ ... و کسانی که به سبب نیکوکاری زندگی دراز دارند، از کسانی که به عمر اصلی زندگی می‌کنند بیشترند.

پیام حدیث: نیکوکاری و یا بدکاری از جمله عوامل مؤثر در طول عمر و یا کوتاهی آن هستند.

* دعا نیز در صورتی که با شرایط واقعی انجام شود و چیزی که انسان از خدا درخواست می‌کند در نهایت به ضرر او تمام نشود می‌تواند سبب بسیاری از خوبی‌ها و مانع بسیاری از بلاها گردد.

نکات

۱- پس از جنگ صفین و در راه بازگشت از جنگ مردی از امام علی (ع) سؤال کرد که آیا رفتن به جنگ بنابر قضا و قدر الهی بود؟ و به علت برداشت نادرست از قضا و قدر در ادامه پرسید که در این صورت آیا رنج‌های ما در این سفر به حساب خدا گذاشته خواهد شد و نباید انتظار پاداش داشته باشیم؟

امام علی (ع) پاسخ دادند: از هیچ تپه‌ای بالا نرفتید و در هیچ وادی سرازیر نشدید مگر به قضا و قدر الهی، خداوند به شما سه اجر بزرگ عنایت فرموده، اجر رفتن به جنگ زیرا با اراده‌ی خود رفتید، اجر حضور در جبهه زیرا به اراده‌ی خود در آنجا حضور داشتید و اجر بازگشت از نبرد زیرا به اراده‌ی خود بازگشتید و در هیچ‌یک از مراحل مجبور نبودید.

پیام حدیث: قضای الهی متناسب با شرایط و تقدیرات تغییر می‌کند و اراده‌ی انسان در طول این تقدیرات قرار دارد.

۲- یکی از مسائل و مشکلات طرح شده این است که «اگر خدا از قبل، سرنوشت و آینده مرا می‌داند تلاش و اراده‌ی من دیگر نمی‌تواند نقشی در آینده‌ام داشته باشد» .

* مثال:

اگر من تلاشی بکنم چون در علم خداوند شکست من آمده، تلاشم به جایی نخواهد رسید و برعکس، و اگر هم علم خداوند بر موفقیتم باشد نیازی به تلاش ندارم.

* چنین برداشتی از علم الهی، ناشی از قیاس کردن خداوند با انسان و کارهای اوست که از لغزشگاه‌های انسان است و قرآن کریم پیوسته در این باره هشدار می‌دهد.

@konkurpex

*** براساس این برداشت، خداوند تنها پایان و نتیجه فرآیند را می‌داند و از خود فرآیند و نتیجه آن آگاه نیست. درست مثل معلمی که براساس اطلاعات محدود خود آینده یک دانش‌آموز را حدس می‌زند در حالی که نمی‌داند این دانش‌آموز از لحظه بعد تا روز امتحان چه تصمیم‌هایی می‌گیرد.**

*** اما در حقیقت علم خداوند این گونه نیست، او هم پایان فرآیند را می‌بیند و هم تمام اتفاقات و تصمیم‌گیری‌های طول فرآیند را مشاهده می‌کند. یعنی مثلاً او می‌داند که فردا آن دانش‌آموز به اختیار خود تصمیم می‌گیرد مطالعه خود را افزایش دهد.**

*** علم خداوند منحصر به نتیجه پایانی یک فرآیند نیست، بلکه به سلسله تصمیم‌ها و عوامل مؤثر در این فرآیند نیز تعلق می‌گیرد یعنی در حقیقت علم خداوند براساس علم به تمام عوامل و جزئیات است، نه یک پیش‌بینی صرف درباره نتیجه.**

@konkurpex

درس هفتم: بازگشت

عبد یا آزاد

*** صدای ساز و آواز بلند بود. بساط عیش و میگساری پهن بود. جام شراب پیاپی نوشیده می‌شد. زنی در آن خانه خدمت می‌کرد، بیرون آمد تا زباله‌ها را در کناری بریزد. مردی که آثار عبادت از چهره‌اش نمایان بود از آن زن پرسید:**
صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟ زن پاسخ داد آزاد. صاحب چنین خانه‌ای که بنده نیست. آن مرد گفت معلوم است که آزاد است. اگر بنده می‌بود حرمت مالک و صاحب خانه‌ی خود را نگه می‌داشت و این بساط را پهن نمی‌کرد. ارباب زن پرسید:
چرا دیر آمدی؟ خدمتکار ماجرا را تعریف کرد و گفت: مردی با چنین وضع و هیبتی می‌گذشت و چنان پرسشی کرد و من چنین پاسخی دادم.
شنیدن ماجرا او را چند لحظه در اندیشه فرو برد. جمله‌ی «اگر بنده می‌بود حرمت مالک و صاحب خانه خود را نگه می‌داشت» چون تیری بر قلبش نشست و او را تکان داد. بی‌اختیار از جا برخاست و به خود مهلت کفش پوشیدن نداد. به دست امام هفتم حضرت موسی (ع) توبه کرد و تا زنده بود به پیمان خویش وفادار ماند. بُشر بن حارث که تا آن روز در زمره‌ی اشراف‌زادگان بود، در سِلک مردان پرهیزگار و خداپرست درآمد.

انقلاب علیه خود

*** در توانایی انسان در قیام علیه خود، خود دانی مورد خطاب است.**

*** همه‌ی ما پیوند عاطفی میان خود و خدا را احساس می‌کنیم.**

گرایش و شوق خدا به رستگاری و سعادت ما بیشتر از شوق ما به دیدار خداست ⟨ **آرزوی ما خدایی شدن**؛ **مقصد و مأوای ما در کنار او آرام گرفتن**؛ **ابزارهای رستگاری و کمال را مهیا ساخته همت کوچک ما را با پاداش بزرگ پاسخ می‌دهد.**

ناسپاسی

*** حرمت‌شکنی آدمی ➢ ناسپاسی ➢ آلودگی به گناه ➢ دوری از مسیر رستگاری**

*** افزایش حرمت‌شکنی آدمی ➢ گستردگی دامنه‌ی گناه ➢ خاموش شدن چراغ عقل و فطرت**

*** با خاموش شدن چراغ عقل و فطرت** ⟨ **جهت الهی زندگی عوض می‌شود.**؛ **آدمی پشت به خدا و به سوی شیطان گام برمی‌دارد.**

پرتگاه‌های خطرناک سقوط در وادی ضلالت ⟨ **توجیه گناه!**؛ **عادت به گناه**

نکته

* مبنای تقسیم گناهان: شدت تخریبی آن‌ها است. (صغیره و کبیره)

@konkurpex

* گناهان کبیره
  - به سرعت آدمی را از مسیر توحید عملی و اخلاص خارج می‌کند.
  - آدمی را گرفتار شیطان و هوس‌هایش می‌کند.
  - نمونه‌ها: ظلم به مردم / پذیرش ظلم / پشتیبانی از ظالم

* تلخ‌ترین و رنج‌آورترین اثر گناه ⮜ نگاه خداوند به انسان حین ارتکاب به گناه ⮜ ایجاد رد پایی از خجالت و شرمساری در قلب آدمی

* آثار برخی گناهان کبیره
  - تباه کردن زندگی دنیوی فرد
  - اثر در نسل‌های آینده‌ی وی
  - در پی داشتن محصولی از عذاب‌های شدید اخروی

* اما صادق (ع)
  - این حدیث مرتبط با تلخ‌ترین و رنج‌آورترین اثر گناه است.
  - چنان از خدا خوف داشته باش که گویی او را می‌بینی.
  - اگر تو خدا را نمی‌بینی ⮜ او تو را می‌بیند.
  - اگر فکر کنی او تو را نمی‌بیند ⮜ کفر ورزیده‌ای.
  - اگر بدانی او تو را می بیند و گناه کنی ⮜ او را خوارترین بینندگان قرار داده‌ای.

حقیقت توبه

* خصلت انقلاب علیه خود
  - برای بازگشتن از گناه
    - ممکن ساختن
      - بازگشتن راه رفته
      - جبران فرصت‌های از دست رفته
  - موهبتی گران‌بها که خداوند هدیه کرده است.
  - دروازه‌ی رحمتی است که خدا برای بندگین گشوده است.
  - خداوند آن را توبه نامیده است.

* توبه
  - برای بندگان ⮜ به معنای بازگشتن از گناه به سوی فرمان‌برداری خداوند
  - برای خداوند
    - به معنای بازگشت خدا از عقوبت و عذاب به سوی لطف و آمرزش
    - توبه‌ی خدا از روی لطف و کرم او و برای بخشیدن انسان است.

نکات

۱- غفریت ریشه در رحمانیت دارد.

۲- خداوند با نام غفار ← با باز گذاشتن درهای بازگشت برای گناهکاران
  - خود به سوی آن‌ها رفت
  - یاد خود را در دلشان انداخت

@konkurpex

توبه و پاکی

*** توبه ➢ پاک کردن گناهان (پیرایش و تخلیه)**
- **خارج کردن گناهان از قلب**
- **شستشو دادن قلب**

*** امام علی (ع): التوبة تطهر القلوب و تغسل الذنوب**

پیام حدیث:

- **اثرات توبه: ۱) پاکی دل ۲) شستن گناهان**
- **بیانگر عمل پیرایش و تخلیه توسط توبه**

*** پیامبر (ص): التائب من الذنب کمن لا ذنب له**

پیام حدیث:

- **نتیجه‌ی توبه و عمل پیرایش**
- **کسی که از گناه توبه کند مانند کسی است که گناه نکرده.**

*** توبه**
- **هم یک کار لفظی و ظاهری**
- **هم تحولی درونی و قلبی**
- **طبق سخن امام علی (ع) ۴ مرحله دارد:**

۱- پشیمانی از گذشته

*** پشیمانی**
- **حالتی درونی است.**
- **شخص را دچار اندوه و حسرت می‌کند.**
- **شیرینی گناه را به تلخی تبدیل می‌کند.**
- **ابراز پشیمانی با عباراتی مثل «استغفرالله»**
- **معمولاً با استغفار همراه است.**

*** تا وقتی که:**
- **شیرینی گناه در جان آدمی باقی بماند.**
- **➢ توبه آغاز نشده است.**
- **از خاطره‌ی گناه لذت ببرد**

*** شفاعت پیامبر قوم بنی‌اسرائیل برای قبول توبه‌ی یک فرد ➢ خدا فرمود: حتی اگر آسمان‌ها و زمین شفاعت کنند توبه‌اش را نمی‌پذیرن ➢ چون شیرینی گناه در دلش باقی مانده است.**

@konkurpex

* ادعای پشیمانی، یعنی فرد توبه کننده پس از انجام گناهش
  - هنوز از گناه خویش خوشش بیاید.
  - از انجام آن احساس لذت می‌کند.

♥ توبه بر لب سبحه بر کف دل پر از شوق گناه معصیت را خنده می‌آید ز استغفار ما

۲- جبران حقوق ضایع شده‌ی مردم

* گفتن کلمه‌ی استغفار در حال تکرار مداوم گناه
  - پذیرفته نیست.
  - استغفار را بی‌خاصیت می‌کند.

* امام رضا (ع): المستغفر من الذنب و یفعله کالمستهزی بربّه

پیام حدیث:

○ بیانگر بی‌اثر شدن استغفار توأم با انجام گناه

○ بیانگر مرحله‌ی دوم توبه (تصمیم بر عدم بازگشت به گناه)

نکات

مرحله‌ی اول توبه (پشیمانی)

مرحله‌ی دوم توبه (تصمیم بر عدم بازگشت به گناه)

۳- جبران حقوق ضایع شده‌ی مردم

* اقدامات برای جبران حق‌الناس
  - ستمی که بر مردم کرده است را جبران کند.
  - حقوق مادی یا معنوی را در حد توان ادا کند.
  - رضایت صاحبان حق را به‌دست آورد.
  - اگر به افراد دسترسی ندارد ⮜ برای ایشان صدقه بدهیم و دعای خیر کنیم.

* مربوط به حقوق معنوی مردم
  - ۱- بسیار مهم‌تر از حقوق مادی
  - ۲- فرد توبه کننده باید با تمام وجود جبران کند.
  - ۳- اگر با دروغ، غیبت و تهمت آبروی انسانی ریخته باشد.
  - ۴- اگر قلب پدر یا مادری بر اثر بی‌حرمتی فرزندی شکسته باشد.
  - ۵- اگر با توزیع کتاب یا فیلم بر اثر بی‌حرمتی فرزندی شکسته باشد.
  - ۶- اگر رفتار نادرست برخی افراد سبب بدبینی دیگران ب دین شده باشد.

۴- جبران حقوق الهی

* مهم‌ترین حق خدا بر مردم، حق اطاعت و بندگی

@konkurpex

* توبه کننده باید بکوشد کوتاهی‌های خود را جبران کند ← قضا کردن نماز یا روزه‌ها / به‌جا آوردن عبادت‌های ترک شده

* خداوند مهربان است، اگر شخص توبه کننده با حداکثر تلاشش نتوانست جبران کند ← بقیه‌ی موارد را عفو می‌کند.

توبه اجتماعی:

* اگر جامعه‌ای از مسیر توحید و اطاعت خارج شد ➢ نیازمند بازگشت به مسیر توحید و اصلاح اجتماعی است (توبه اجتماعی).

* نمونه‌های انحرافات اجتماعی ← رباخواری، رشوه گرفتن / بی‌توجهی به عفاف و پاکدامنی / ظلم کردن، ظلم‌پذیری، اطاعت از غیر خدا

* اصلاح انحرافات اجتماعی ← راه اصلاح، امر به معروف و نهی از منکر است.
  - در صورت کوتاهی در اصلاح به موقع ← قوی‌تر شدن گناهان / در بر گرفتن تمام سطوح جامعه

* اگر مردم در برابر اولین نمودهای گناه، حساسیت نشان دهند ← به آسانی مانع گسترش آن می‌شوند.

کوتاهی مردم ← ریشه دواندن انحراف از حق

★ عدم حمایت مردم از امام علی (ع) بر کوتاه کردن دست معاویه از حکومت

★ عدم پیروی از امام حسن (ع) بعد از شهادت امام علی (ع) ➢ شهادت امام حسین و یارانش برای جلوگیری از نابودی اسلام

★ عدم اعتراض به نصب یزید به خلافت

* خداوند در جوامعی که گرفتار انحراف اجتماعی شده بودند، پیامبرانی برای بازگشت آن‌ها از گناه (توبه اجتماعی) مبعوث کرد.

نکته

به شباهت این دو آیه توجه کنید:

فمن تاب من بعد ظلمه و اصلح فان الله یتوب علیه ان الله غفور رحیم

پیام: توبه + عمل صالح = غفران (توبه‌ی خدا)

الا من تاب و أمن و عمل صالحاً فأولئک یبدل الله سیئاتهم حسناتٍ و کان الله غفوراً رحیماً

پیام: توبه + ایمان + عمل صالح = تبدیل سیئات به حسنات

@konkurpex

تا چه زمان برای توبه کردن مهلت داریم؟

*** حضرت علی (ع) می‌فرماید: «از کسانی مباش که بدون عمل دل به آخرت بسته و به واسطه‌ی آرزوی طولانی، توبه را به تأخیر انداخته است. درباره‌ی دنیا زاهدانه سخن گوید، اما همچون دنیادوستان عمل کند...»**

*** گرچه تمام طول عمر ظرف زمان توبه است و تا لحظه‌ی مرگ می‌توان توبه کرد، اما بهترین زمان برای توبه، دورانی است که توبه آسان‌تر و جبران گذشته راحت‌تر است. بر این اساس باید به چند نکته توجه کنیم:**

۱. از آنجا که دوره‌ی جوانی دوره‌ی انعطاف‌پذیری، تحول و دگرگونی و دوره‌ی پیری دوره‌ی کم شدن انعطاف، تثبیت خوی‌ها و خصلت‌ها است، اگر در دوره‌ی جوانی خصلت‌هایی در انسان پدید آمد، خارج کردن آن خصلت‌ها در پیری بسیار سخت و طاقت‌فرسا خواهد بود. خصلت‌های ناپسندی که در ما پدید می‌آیند، شبیه طناب‌هایی هستند که بر پای انسان بسته می‌شوند یا شبیه تورهایی هستند که آدمی را در کام خود گرفتار می‌سازند؛ هر قدر که زمان می‌گذرد، آن طناب‌ها و تورها محکم می‌شوند و اراده‌ی آدمی ضعیف‌تر می‌گردد و پاره کردن آن‌ها بسیار سخت و گاه نزدیک به محال می‌شود.

۲. خوش‌گذرانی در دوره جوانی به امید توبه در دوره‌ی پیری، حیله‌ی خطرناک شیطان است. زیرا:

اولاً: پیری محصول کشت جوانی است. چند نفر گناهکار سراغ دارید که در پیری توانسته باشند خود را متحول سازند؟ هر کس در پیرامون خود بنگرد می‌بیند که چنین افرادی بسیار نادر و محدودند.

ثانیاً: تعداد کمی از آدم‌های گناهکار فرصت توبه پیدا می‌کنند.

ثالثاً: فریب بزرگ شیطان این است که لذت گناه را برتر از خوشی و لذت اطاعت از فرمان الهی جلوه می‌دهد. آدم‌های زیرک و هوشیار گول این فریب را نمی‌خورند. آنان که خوشی و لذت را از راه گناه جست‌وجو می‌کنند، در همان حال لذت گناه، با نگرانی‌های روحی و روانی درگیر می‌شوند که نمی‌گذارند لذت گناه کام آنان را شیرین کند ⮜ چون از حقیقت مطلب غافل‌اند، برای رفع آن رنج‌های روحی و روانی، خود را سرگرم گناهان بزرگ و بزرگ‌تر می‌کنند. ⮜ سرانجام به‌طور کامل در منجلاب فساد غرق می‌شوند و راهی برای بیرون آمدن نمی‌یابند.

نکته

خداوند برنامه‌ی زندگی را برای مؤمنان به گونه‌ای تنظیم کرده که هم از لذت‌های عالی معنوی برخوردار شوند و هم بی‌دغدغه‌ی گناه و به دور از رنج‌های روانی از لذت‌های مادی و طبیعی نیز بهره‌مند شوند.

اندیشه و تحقیق

*** با تدبیر در آیاتی که در این درس مطرح شد، این مفهوم مستفاد می‌گردد که بازگشت و توبه‌ی انسان به واسطه‌ی دو صفت «غفاریت» و «رحمانیت» الهی پذیرفته می‌شود.**

*** مهم‌ترین ناسپاسی از خداوند روی آوردن به شیطان و قدم گذاشتن در راه اوست که جهتی مخالف خداوند دارد.**

*** بنابر سخن امام صادق (ع) برای اینکه انسان به سمت گناه نرود، باید باور کند که خداوند او را در حال گناه می‌بیند.**

پایان درس هفتم

@konkurpex

درس هشتم: پایه‌های استوار

* هم‌اکنون پانزده قرن از مبعث پیامبر (ص) می‌گذرد.

* پیامبر (ص) (پسر عبدالله بن عبدالمطلب)، حضرت علی (ع) (پسر ابوطالب) و خدیجه (دختر خویلد)، شرکت کنندگان در برپایی نخستین نمازهای روزهای آغازین بعثت بودند و پیامبر (ص) در این باره می‌فرماید: «پروردگار من ـ که پروردگار آسمان و زمین هم اوست ـ مرا فرمان داده چنین کنم و نماز بگزارم.»

* بخشی از برنامه‌های مسلمانان، تلاش برای ساختن جامعه‌ای با معیارهای اسلامی است؛ از این رو به بررسی معیارهای یک جامعه اسلامی که قرآن، پیامبر (ص) و امامان به ما معرفی کرده‌اند، می‌پردازیم:

معیارهای جامعه و تمدن اسلامی:

۱- معیار اول: دعوت به توحید و یکتاپرستی

* پیامبر (ص) در اولین روز دعوت مردم به رسالت آسمانی خود، در دامنه کوه صفا فرمود: «ای مردم بگویید معبودی جز الله نیست تا رستگار شوید».

* بدین ترتیب مبارزه با شرک محور رسالت پیامبر (ص) قرار گرفت.

۲- معیار دوم: دعوت به پذیرش معاد

* پیامبر (ص) در کنار دعوت به توحید منکرین را با استدلال‌های محکم و آشکار، با حقیقت معاد آشنا ساخت و با عقاید خرافی پیرامون آن به مبارزه برخاست.

* اعتقاد به توحید و آخرت موجب تغییر نگرش یاران و پیروان ایشان نسبت به جهان هستی و تحول در شیوه زندگی آنان گشت.

۳- معیار سوم: تشکیل نظام اجتماعی بر پایه قوانین الهی

* یکی از اهداف پیامبر (ص) نجات مردم از حکومت طاغوت و تشکیل نظام اجتماعی بر پایه قوانین الهی بود به طوری که روابط اجتماعی مردم بر مبنای دستورات خداوند تنظیم شود و تنها فرمان خداوند و کسانی که خداوند تعیین کرده است، اطاعت گردد.

۴- معیار چهارم: احیای منزلت و جایگاه خانواده

* خانواده
  - کانون رشد و ترتیب
  - حافظ عفاف و پاک‌دامنی
  - مانع اصلی فساد

* شرایط زن قبل از اسلام
  - به عنوان کالا بود.
  - کم‌ترین حق مالکیتی نداشت.
  - تولد دختر باعث سرافکندگی خانواده می‌شد.
  - ابزاری برای هوسرانی جنسی مردان بود.

۵- معیار پنجم: ایجاد تحول در روابط ملل

* تا پیش از اسلام ← رؤسای قبایل و پادشاهان، روابط خود را براساس منافع مادی و زیر سلطه درآوردن هم تنظیم می‌کردند.

پیامبر، جبهه‌گیری‌های سیاسی قبل از اسلام را مردود اعلام کرد و فرمود:

@konkurpex

* جبهه‌های واقعی
  - حق: جبهه عدالت‌خواهی / یکتاپرستی / کرامت اخلاقی
    ولایت الهی است و مؤمنان در آن حضور دارند.
  - باطل: جبهه‌ی مشرکان و ستمگران و مفسدان
    ولایت طاغوت و شیطان

۶- معیار ششم: ایجاد دیدگاه متعادل نسبت به ابعاد مادی و معنوی

* انسان‌های مورد نظر پیامبر در امر تربیت
  - در عین توجه به رستگاری اخروی به عنوان هدف اصلی زندگی ≺ تلاش برای رشد زندگی دنیوی
  - هم بهره‌مندی صحیح از نعمات خدا و هم با
    - بندگی
    - راز و نیاز ≺ آمادگی برای تقرب الهی
    - پایبندی به اخلاق
  - در عین توجه به معنویت ← عدم کناره‌گیری از جامعه / تلاش برای آسایش مردم

(وسیله‌ی رستگاری)

۷- معیار هفتم: دعوت به تفکر و تعقل

* در زمان پیامبر (ص) ← در عربستان فقط ۱۷ نفر خواندن و نوشتن می‌دانستند!

* پیامبر (ص)
  - مردم را به زندگی مبتنی بر تفکر و علم سوق می‌داد.
  - اولین آیات آغازگر رسالت او ≺ مربوط به دانش و آموختن

* عوامل شکست سد جاهلیت و خرافه‌گویی
  - نزول تدریجی آیات قرآن و دعوت مکرر آن به خردورزی و دانش (عامل قرآنی)
  - تشویق دائمی رسول خدا (ص) (عامل حدیثی)

* پیامبر (ص): طلب علم بر هر مرد و زن واجب است ≺ دعوت به علم‌آموزی

۸- معیار هشتم: برپایی عدالت اجتماعی و مبارزه با تبعیض نژادی

* وظایف پیامبر در رابطه با عدالت اجتماعی
  - بنای نظامی اجتماعی بر پایه‌ی قوانین الهی
  - تنظیم کردن روابط اجتماعی مردم بر مبنای دستورات خدا
  - عدل و قسط را مبنای اصلی روابط قرار دهد
  - به مردم یاد دهد اساس جهان بر عدل است.
  - ساخت جامعه‌ای عدالت‌محور

* تلاش پیامبر برای جامعه‌ای عدالت‌محور
  - رفع تبعیض‌های طبقاتی
  - برقراری فرهنگ برابری و مساوات

* در جمع یاران راستین پیامبر ← سلمان / مقداد / ابوذر / بلال / عمار / یاسر و سمیه ≺ از بردگان آزاد شده و تهی‌دست

* رفتار تبعیض‌زدایانه‌ی پیامبر (ص)
  - فرو ریختن کاخ اشرافیت جاهلی
  - برپایی بنایی بر پایه‌ی کرامت‌ها و فضیلت‌های انسانی

هشتم
پایان درس

@konkurpex

درس نهم: برنامه‌ای برای فردا

* تجربه‌های موفق کشور ایران اسلامی
  - آفریدن انقلاب اسلامی
  - پیروزی در دفاع مقدس

* اهداف ما در عصر جهانی شدن
  - تجدید حیات تمدن اسلامی براساس معیارهای دینی
  - کمک به رفع کاستی‌های تمدن کنونی
  - آماده‌سازی جهانی برای ظهور منجی بزرگ بشریت و موعود پیامبران

* اهداف سه‌گانه در عصر جهانی شدن

در نگاه اول: بلندپروازی و دور از دسترس ← علل
- تلقی ظاهری و سطحی‌نگر از توانمندی مردم
- عدم آشنایی با آموزه‌های حیات‌بخش و بیدار کننده‌ی اسلام

برنامه‌ریزی برای رسیدن به اهداف:

۱- حوزه‌ی اول: تقویت توانمندی‌های فردی

الف) تلاش برای کسب آگاهی دقیق از تمدن اسلامی و تمدن جدید

* گذشته دارای تجارب فراوان است
  - نشان دادن عوامل پیروزی و شکست
  - بالا بردن بصیرت و روشن‌بینی ما

* شناخت دنیای جدید ضروری و لازم است برای
  - درک درست واقعیت‌ها
  - انتخاب روش‌های مؤثر

ب) تقویت ایمان و اراده

* مشارکت در اهداف نیازمند
  - اعتقاد راسخ به دین + شجاعت + عزم و اراده‌ی قوی + پایداری
  - توکل و اعتماد بر خدا + عزت نفس + طهارت نفس

۲- حوزه‌ی دوم: تحکیم بنیان خانواده

* مواظبت و حراست از بنیان خانواده مانع گسترش بسیاری از مشکلات اخلاقی و فرهنگی

@konkurpex

۳- حوزه‌ی سوم: تقویت بنیان‌های جامعه‌ی خود

* برای حضور فعال و تأثیرگذار در جهان:
  - فعالیت‌های پراکنده و فردی کافی نیست.
  - به خودسازی فردی و به فعالیت رساندن استعدادهای خود نیاز است.
  - به کوشش برای نزدیک کردن جامعه به شاخص‌های تمدن اسلامی نیاز است.
  - به کوشش برای تبدیل به جامعه‌ای اسوه و نمونه نیاز است.

الف) همراه کردن دیگران با خود

* در قدم اول همراهی دیگران با خود: تبیین رسالت برای دیگران + پشتیبانی و یاری آنان در این مسئولیت.

ب) تلاش برای پیشگام شدن در علم و فناوری

* پیشرفت علمی:
  - تقویت کننده‌ی پایه‌های استقلال یک ملت
  - مانع تسلط بیگانگان

* مقام معظم رهبری:
  - علم مایه‌ی اقتدار ملی است.
  - بی‌بهرگی مردمان یک کشور از علم ➢ عدم دستیابی به حقوق خود
  - نمی‌توان علم را گدایی کرد علم درون‌زا و درون‌جوش است.
  - باید استعدادهای یک ملت به‌کار بیفتد تا به معنای حقیقی کلمه عالم شوند.

ج) استحکام بخشیدن به نظام اسلامی

* استحکام و اقتدار نظام حکومتی مهم‌ترین عامل برای حضور کارآمد در میان افکار عمومی جهان
* کشور ضعیف، منزوی است، باید نظام اسلامی را به پیشرفت برسانیم تا کشورهای دیگر ثمره‌ی آرمان‌هایمان را ببینند.

* عوامل استحکام نظام اسلامی:
  - استحکام پایه‌های اقتصادی
  - تلاش برای کاهش فقر
  - توسعه‌ی عدالت
  - تقویت اتحاد ملی، انسجام اسلامی و مشارکت عمومی
  - امر به معروف و نهی از منکر

د) تقویت عزت‌نفس عمومی

* ملتی که:
  - به توانایی‌های خود باور دارد.
  - ➢ فتح سریع قله‌های افتخار
  - ما می‌توانیم را در عمل بیان کند.

* خودباوری ایجاد شده توسط پیامبر در مدینه تربیت امتی که:
  - قیام برای اصلاح جهان
  - برنامه‌ریزی برای آزادی ستمدیدگان
  - برنامه‌ریزی گسترش توحید در جهان

@konkurpex

۴- حوزه‌ی چهارم: حضور مؤثر و فعال در جامعه جهانی

*** پیامبر اسلام (ص) = پیامی برای فطرت انسان ≺ هر انسان جویای حقیقت و روشن‌ضمیر جذبش می‌شود آنچه در رابطه با پیامبر اسلام اهمیت دارد. انتخاب روش درست برای انتقال آن**

الف) تأکید بر محتوای عقلانی و خردمندانه دین

حق را باید با روش تبلیغی درستی ارائه داد.

*** لازمه‌ی به‌کارگیری روش‌های تبلیغی**
- **تقویت عقل و خرد (جنبه‌ی فردی)**
- **تأمل خردمندانه در اسلام**

ب) استفاده از بهترین و کارآمدترین ابزار برای رساندن پیام

ابزارهای پیام‌رسانی به میزانی که می‌توانند در خدمت حق باشند، می‌توانند باعث گمراهی شوند.

*** اینترنت**
- **سخت‌ترین هماورد حق و باطل**
- **موازین اخلاقی و انسانی توسط باطل‌پیشگان در آن رعایت می‌شود.**

ج) طرح عام‌ترین و بنیادی‌ترین تعالیم جهانی در عرصه‌ی جهانی

*** پایه و اساس تعالیم دینی که عموم مردم نیاز به آن را احساس می‌کنند**
- **توحید + رسالت انبیا + معاد و آخرت**
- **کرامت‌های اخلاقی + کرامت انسان + خردورزی**
- **مبارزه با ستم + عدالت + منزلت خانواده**

د) مبارزه با ستمگران و تقویت فرهنگ جهاد، شهادت، صبر

*** از رسالت‌های اصلی انبیا**
- **مبارزه با ظلم**
- **برقراری عدل**
- **گسترش حق و حقیقت**

*** همواره گروهی اهل باطل هستند**
- **زیر بار حق نمی‌روند و سد راه حق‌جویی و حق‌پرستی می‌شوند.**
- **گسترش عدالت منافعشان را به هم می‌زند.**
- **تا همه را تابع مشی خود و اسیر نکنند آرام نمی‌شوند.**

*** نمونه‌ی بارز حق‌ستیزی و زورگویی: اقدامات صهیونیست‌ها**
- **تاکنون ده‌ها قطع نامه در محکومیت اسرائیل صادر شده**
- **در مقابل جاه‌طلب قدرتمند به نصیحت نمی‌شود اکتفا کرد.**

@konkurpex

* امام خمینی
  - اصل و اساس سیاست بیگانگان
    - دشمنان تا کی و کجا ما را تحمل می‌کنند؟
    - دشمنان تا کجا مرز استقلال و آزادی ما را قبول دارند؟
  - مرزی که بیگانگان برای ما تعیین کرده‌اند: عدول از همه هویت‌ها و ارزش‌های معنوی
  - به گفته‌ی قرآن، دشمنان هرگز از مقاتله و ستیز دست برنمی‌دارند ← مگر شما را از دینتان برگردانند.
  - صهیونیست‌ها، آمریکایی‌ها و شوروی در تعقیب ما هستند برای لکه‌دار کردن ← هویت دینی ما و شرافت مکتبی ما

* تحقق سخن حق
  - با نگاه واقع‌بینانه درمی‌یابیم که صحبت و شعار کافی نیست.
  - اقدامات لازم
    - قیام
    - زدودن موانع حق و حق‌پرستی در کل جهان
  - شروط
    - جهاد و آمادگی شهادت در راه خدا
    - تحمل سختی‌ها

* اقتدا به امام خمینی (ره)
  - یادآوری عزت و کرامت ذاتی انسان‌ها
  - زدودن روحیه‌ی خودباختگی و ترس از ملل
  - هدایت ملل به سوی استقامت و مبارزه‌ای معقول

فردای روشن

* تلاش برای
  - احیاء و بازسازی تمدن اسلامی
  - اصلاح وضع کنونی جامعه

➢ مجاهده و قیامی است برای تشکیل جامعه عدل جهانی

* تصور در دو قرن پیش
  - با علم و دانش اکتسابی می‌توان سعادت را به‌دست آورد.
  - اکنون که در قرن ۲۱ هستیم می‌فهمیم این تصور ساده‌اندیشانه بوده است.

* انسان و جامعه‌ی بشری امروز
  - پیشرفت در علم و فناوری و تسهیل در شیوه‌ی زندگی خود
  - بازماندن از ارزوهای خود
  - تشنه‌تر به دنبال عدل و مساوات
  - رنج از تبعیض و بی‌هدفی / به دنبال سعادت

* فردای انسان‌ها بستگی به
  - آگاهی ما
  - همت ما
  - ایمان ما
  - عزم راسخ ما برای نقش خود

@konkurpex

* تلاش ما برای رساندن پیام حق ⮜ فرصت دادن به انسان‌های دیگر تا
  - حق را دریابند.
  - به آینده امید پیدا کنند.

* دادن جایزه توسط سازمان‌ها، نهادها و افراد به ورزشکاران جایز است و چنانچه اهدای این جوایز با نیت روی آوردن افراد جامعه به ورزش و بازی‌های مفید و افزایش سلامت جسمی و روحی خود با آن‌ها باشد، اهداکننده کار نیکی کرده است و از پاداش اخروی نیز برخوردار خواهد بود.

* اگر ورزش و بازی‌های ورزشی برای دور شدن افراد جامعه از فساد و بی‌بندوباری های دنیای کنونی ضرورت یابد، فراهم کردن امکانات آن واجب کفایی است.

نکات

واجب کفایی عملی است که بر همه واجب است و اگر کسی در حد کفایت به آن اقدام کند از دوش دیگران برداشته می‌شود.

* بازی با ابزار قمار از طریق کامپیوتر، مانند بازی با همان ابزار محسوب می‌شود و حرام است.

۲- احکام فرهنگ و اتباطات

* تولید فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، مستند علمی، تاریخی و اجتماعی که به نیت اعتلای فرهنگ اسلامی و تربیت دینی باشد مستحب و در شرایط ضروری واجب کفایی است.

* تولید سایت‌ها در شبکه اینترنت به منظور اشاعه‌ی فرهنگ و معارف اسلامی و مبارزه با اندیشه‌های کفرآمیز و ابتذال اخلاقی مستحب است و افرادی که توانایی علمی، فنی و مالی آن را دارند باید به تولید آن مبادرت ورزند.

* تولید، توزیع و تبلیغ فیلم‌ها، لوح‌های فشرده، نوارهای کاست، مجلات، کتاب‌ها و انواع آثار هنری به منظور گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و مبارزه با تهاجم فرهنگی و ابتذال اخلاقی، از مصادیق مهم عمل صالح و از واجبات کفایی و دارای پاداش اخروی بزرگ است.

* تولید، توزیع و تبلیغ فیلم‌ها، لوح‌های فشرده و سایر رسانه‌ها که در بر دارنده تصاویری است که موجب انحراف و فساد می‌شوند و یا حاوی موسیقی مطرب و مناسب با مجالس لهو و گناه است، از گناهان بزرگ شمرده می‌شود و خرید و فروش و تماشا کردن و یا گوش دادن به آن‌ها حرام است.

* ابزارهای دریافت شبکه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌ی اینترنت، از این جهت که صرفاً وسیله‌ای برای دریافت برنامه‌های مختلف تلویزیونی و ارتباط (هم حلال و هم حرام) هستند، حکم ابزار مشترک را دارند، بنابراین خرید و فروش و نگهداری آن‌ها برای امور حرام، حرام و برای امور حلال جایز است.

@konkurpex

تذکر

۱- از آنجایی که این ابزارها زمینه‌ی دریافت برنامه‌های حرام را برای خود و اطرافیان کاملاً فراهم می‌کند و نگاهی نگهداری از آن‌ها مفاسد دیگری را در بر دارد، خرید و نگهداری آن‌ها حرام است؛ مگر برای کسی که مطمئن است از آن‌ها استفاده‌ی حرام نمی‌کند و نگهداری آن‌ها در خانه مفسده‌ای را به دنبال ندارد.

۲- در این قبیل موارد، قوانین دولت جمهوری اسلامی ایران که مصالح کلی جامعه را در نظر دارد اولویت دارد و لازم‌الاجرا است.

*** موسیقی لهوی و مطرب که مناسب با مجالس عیش و نوش است (کلاسیک یا غیر کلاسیک) حرام محسوب می‌شود، چرا که این موسیقی‌ها به سبب ویژگی‌هایی که دارند، انسان را از خداوند و فضائل اخلاقی دور نموده و به سمت بی‌بندوباری و گناه سوق می‌دهند.**

*** به‌کارگیری آلات موسیقی برای نواختن موسیقی غیر لهوی، اگر برای اجرای سرودهای انقلابی و یا اجرای برنامه‌های فرهنگی مفید باشد، اشکال ندارد به شرط اینکه مستلزم مفاسد دیگری نباشد.**

*** شرک در جشن‌های شادی مانند جشن عروسی، در صورتی که مستلزم گوش دادن به غنا و موسیقی مطرب و یا هر عمل حرام دیگری نباشد، اشکال ندارد.**

*** فیلم‌برداری مردان از مجالس مردان و زنان از مجالس زنان جایز است، ولی فیلم‌برداری مردان از زنانی که رعایت حجاب کامل را نمی‌کنند حرام است.**

*** چنانچه مؤلف یا ناشر یا تولید کننده فیلم، نوار و لوح فشرده قید کرده باشد که چاپ یا تکثیر آن بدون اجازه صاحبش ممنوع است، لازم است حقوق صاحبان آن مراعات شود.**

۳- احکام روابط با بیگانگان

*** اگر خرید کالاهای وارداتی از کشورهای غیر اسلامی و استفاده از آن‌ها باعث تقویت دولت‌های کافر و استعمارگر که دشمن اسلام و مسلمین‌اند شود و یا قدرت مالی آن‌ها را برای هجوم به سرزمین‌های اسلامی و یا مسلمین در سراسر عالم تقویت نماید اجتناب از خرید، به‌کارگیری و استفاده از آن‌ها بر مسلمانان واجب است.**

*** هر نوع تجارتی که به نفع دولت غاصب صهیونیستی که دشمن اسلام و مسلمین است تمام شود حرام است.**

*** وارد کردن و ترویج کالاهای این دولت غاصب که از ساخت و فروش آن سود می‌برند حرام است و اگر این قبیل کالا در فروشگاه‌های کشور اسلامی باشد خرید آن‌ها بر مسلمانان حرام است.**

*** خرید و پوشیدن لباس‌های تولید شده توسط دولت‌های استعماری، اگر مستلزم ترویج فرهنگ غیر اسلامی دشمن باشد و باعث تقویت اقتصاد آنان برای استعمار و استثمار سرزمین‌های اسلامی و یا منجر به وارد شدن ضرر اقتصادی به دولت اسلامی گردد حرام است.**

*** مدهای غربی معمولاً در بر دارنده‌ی پیام‌های منفی و یا ترویج فرهنگ‌ها را به دنبال دارد حرام است.**

پایان درس نهم

یادآوری

در پایه‌های اوّل تا سوم، موضوعات زیر دربارهٔ خداوند و رابطهٔ انسان و جهان با او مطرح گردید:

در کتاب دین و زندگی (۱) دانستیم که خداوند تبارک و تعالی محبوب و مقصود آدمیان است و انسان در درون خویش او را که سرچشمهٔ تمام زیبایی‌هاست، طلب می‌کند و می‌جوید. همهٔ صفات ثبوتی و کمالی از آنِ خداوند است و او از هر عیب و نقصی مبرّاست. باید بکوشیم ایمان خود را به چنین محبوب زیبایی عمیق‌تر کنیم تا با حرکتی هرچه پویاتر، به سویش عزیمت نماییم و تمام خوبی‌های هستی و زیبایی‌ها را در وجود خود جمع کنیم.

در کتاب دین و زندگی (۲)، برهان حکمت (یا برهان نظم) را فرا گرفتیم و دانستیم که این جهان سراسر منظم و هدفمند، آفریدهٔ خداوندی حکیم است و در سیر دائمیِ به سوی اوست. انسان نیز درحال بازگشت به سوی خداوند متعال و حضور یافتن در برابر اوست، و باید خود را برای این حضور، از قبل مهیا سازد.

در کتاب دین و زندگی (۳)، با هدایت‌گری خداوند آشنایی پیدا کردیم و دیدیم که او همهٔ موجودات ـ از جمله انسان ـ را به سوی مقصدشان هدایت می‌کند. هدایت هر موجود، متناسب با ساختار وجودی اوست. از این‌رو، هدایت انسان، اختیاری است و با ارسال پیامبران صورت می‌گیرد.

اکنون به برهان دیگری دربارهٔ وجود خداوند می‌پردازیم؛ این برهان، سطحی بالاتر از برهان حکمت دارد و به همین جهت در این سال طرح شده است.

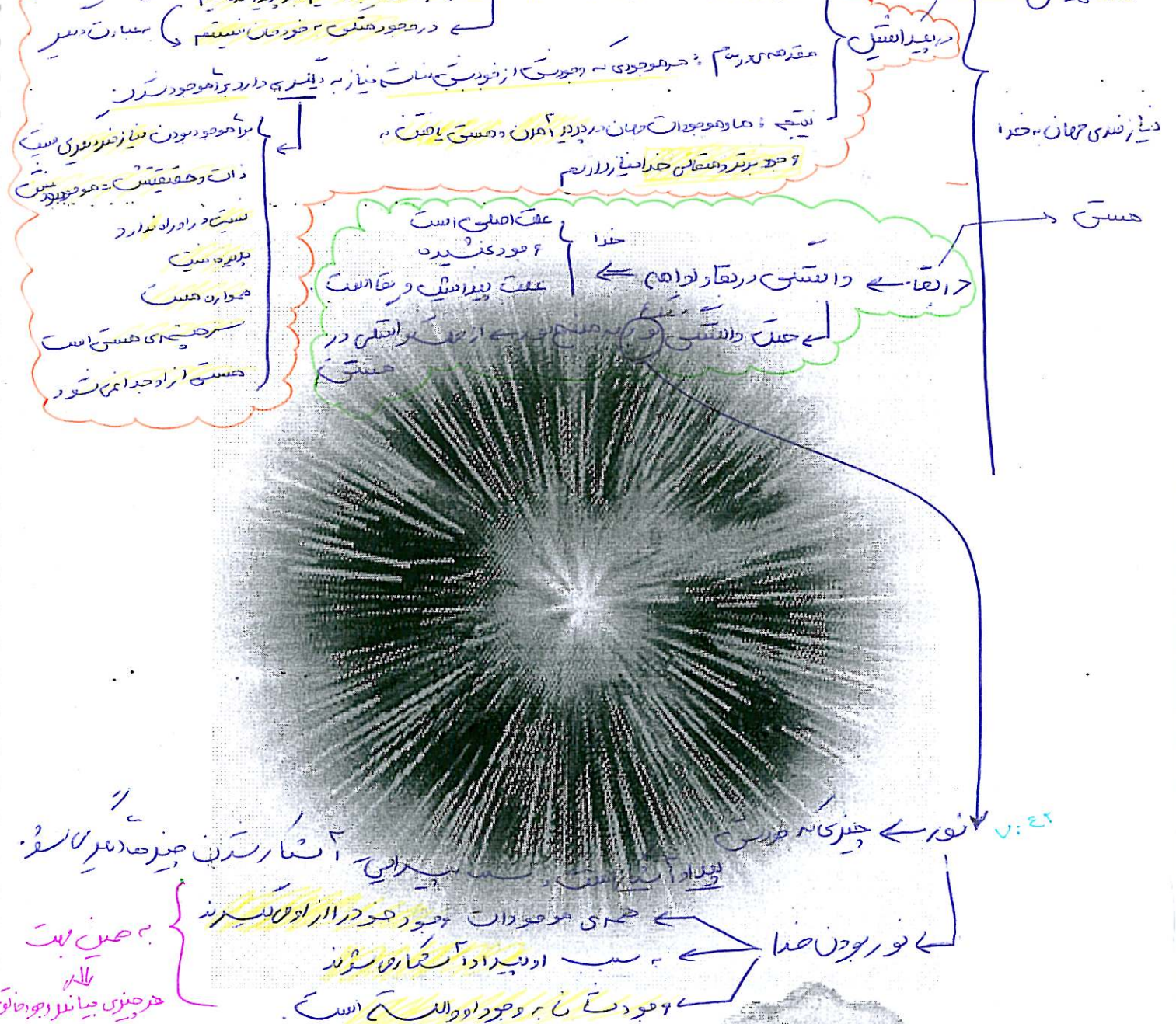

درس اوّل
هستی بخش

آیا تاکنون با خیالی آسوده، در فضایی آرام نشسته‌اید و این جهان پرجنب و جوش را در برابر خود گذاشته، دور و نزدیک و ریز و درشت آن را تماشا کرده‌اید؟ در دوردست فضایی بی‌کران با کهکشان‌ها، منظومه‌ها، خورشیدها و سیارگان.

در این نزدیکی، زمین با جنگل‌ها، دریاها، بیابان‌ها، جانوران، گیاهان و گل‌های زیبا.

آیا برایتان اتفاق افتاده است که در این فضای تأمل برانگیز، نگاهتان از سطح ظاهری پدیده‌ها عبور کند و از خود بپرسید:

* این موجودات، هستی خود را وامدار چه کسی هستند؟

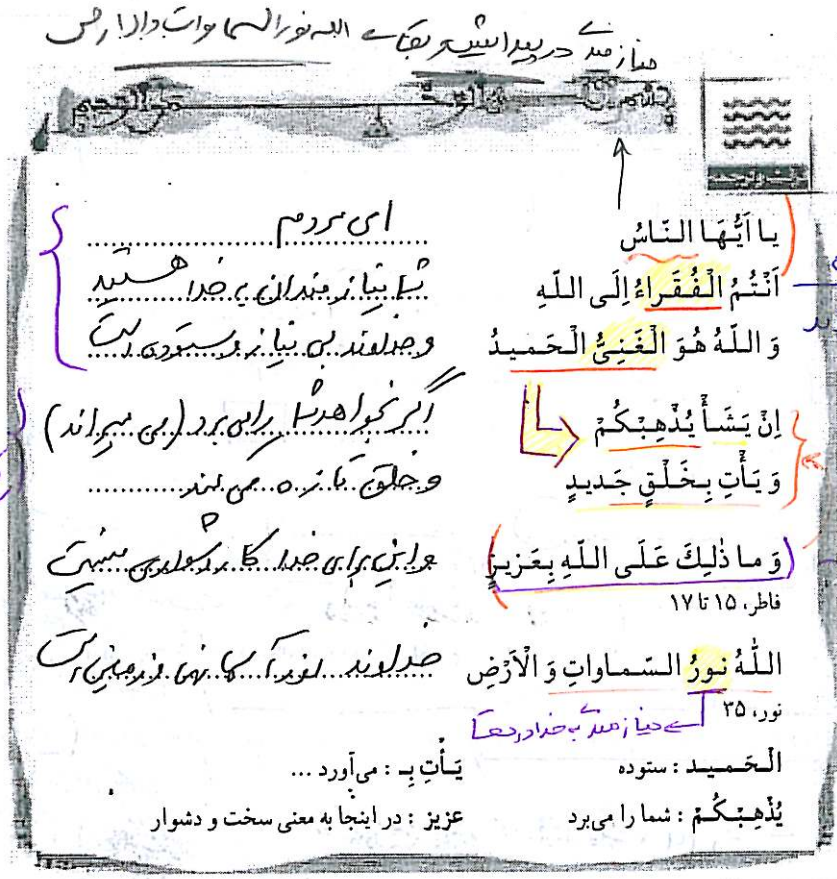

يا أَيُّهَا النّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَراءُ إِلَى اللّهِ وَ اللّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَميدُ

ای مردم شما نیازمندان به خدا هستید و خداوند بی‌نیاز و ستوده است

إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَ يَأْتِ بِخَلْقٍ جَديدٍ

اگر بخواهد شما را می‌برد (می‌میراند) و خلق تازه‌ای می‌آورد

وَ ما ذٰلِكَ عَلَى اللّهِ بِعَزيزٍ

فاطر، ۱۵ تا ۱۷

این برای خدا دشوار نیست

اللّهُ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ

نور، ۳۵

خداوند نور آسمان‌ها و زمین است

الْحَميد : ستوده

يَأْتِ بِـ : می‌آورد ...

يُذْهِبْكُمْ : شما را می‌برد

عَزيز : در اینجا به معنی سخت و دشوار

در آیات درس بیندیشید و مشخص کنید که هر پیام مربوط به کدام آیه است.

۱ – همهٔ مخلوقات، از جمله انسان، در وجود و هستی خود نیازمند خدا هستند. (۱)

سوره..... / آیه.....

۲ – تنها وجود بی‌نیاز خداست. او در هستی خود به دیگری محتاج نیست. (۱)

سوره..... / آیه.....

۳ – چون وجود مخلوقات وابسته به خداست، اوست که می‌تواند آنها را ببرد یا نگه دارد. (۱)

سوره..... / آیه.....

۴ – چون وجود خداوند وابسته به چیزی نیست، کسی نمی‌تواند وجود او را بگیرد و نابودش کند. او در ذات خود غنی و بی‌نیاز است.

سوره..... / آیه.....

پیام آیات:

(۱) خداوند غنی مطلق و مخلوقات فقر ذاتی دارند

(۲) موجود ممکن است

(۱) واجب الوجود بالذات ← ذاتش عین هستی است و نیستی آن محال است ← خدا

(۲) ممکن الوجود بالذات ← ذاتش با هستی و نیستی مساوی است ← موجودات

(۳) ممتنع الوجود بالذات ← ذاتش عین نیستی است و هستی آن محال است

(۳) نیازمندی موجودات خدا در هر لحظه‌ای بقا

نیازمندی جهان به خدا در پیدایش

هر یک از ما با تمام وجود خدا را می‌یابیم و حضورش را درک می‌کنیم به همین جهت در سختی‌ها و مشکلات به او پناه می‌بریم و از او کمک می‌طلبیم[1]. با وجود این، قرآن کریم ما را به معرفت عمیق‌تر در این‌باره دعوت می‌کند و راه‌های متفاوتی را به ما نشان می‌دهد. یکی از این راه‌ها نیازمندی جهان، در پیدایش خود، به خداست[2]. استدلال آن به شرح زیر است:

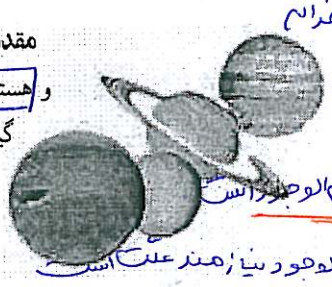

مقدمهٔ اول: هرگاه به خود نظر کنیم، درمی‌یابیم که پدیده‌ای هستیم که وجود و هستی ما از خود ما نیست. اشیای پیرامون ما نیز همین گونه‌اند؛ حیوانات، گیاهان، جمادات، زمین، ستاره‌ها و کهکشان‌ها پدیده‌هایی هستند که وجودشان از خودشان نیست، یعنی یک زمانی نبوده‌اند و سپس پدید آمده‌اند. به عبارت دیگر: انسان و موجودات جهان پدیده‌هایی هستند که در وجود به خودشان متکی نیستند.

مقدمهٔ دوم: هر پدیده‌ای که وجودش از خودش نباشد، برای موجود شدن نیازمند به دیگری است؛ همان‌طور که هر چیزی که خودش شیرین نباشد، برای شیرین شدن، نیازمند به چیز دیگری است که خودش شیرین باشد.

ذات نایافته از هستی بخش
کی تواند که شود هستی بخش

یک موجود، فقط درصورتی برای موجود بودن به دیگری نیازمند نیست که ذات و حقیقتش مساوی با موجود بودن باشد و نیستی در او راه نداشته باشد. در این صورت، چنین چیزی دیگر پدیده نیست و نیاز به پدیدآورنده ندارد و خودش همواره هست.

نتیجه: با توجه به این دو مقدمه، درمی‌یابیم که ما و مجموعهٔ پدیده‌های جهان، در پدید آمدن و هستی یافتن به آفریننده‌ای نیازمندیم که سرچشمهٔ هستی است و هستی از او جدا نمی‌شود. این وجودِ برتر و متعالی «خدا» ست.

۱ــ سورهٔ یونس، ۲۲

۲ــ یکی دیگر از این راه‌ها، برهان حکمت است که در سال دوم با آن آشنا شدید.

برهان نظم

این دو مقدمه و نتیجه را به‌گونه‌ای خلاصه کنید که هرکدام بیشتر از یک سطر نباشد:

مقدمه اوّل: ما و این جهان .....

مقدمه دوم: موجوداتی که .....

نتیجه: پس .....

نیازمندی جهان به خدا در بقا (ادامه)

نیازمندی موجودات به خداوند، منحصر به مرحلهٔ پیدایش نمی‌شود؛ بلکه برای بقا و ادامه نیز به او نیازمندند. ما همواره دیده‌ایم که در مصنوعات انسانی، رابطهٔ چندانی میان بقای یک مصنوع با سازندهٔ آن وجود ندارد؛ مثلاً یک معمار خانه‌ای را می‌سازد، امّا آن خانه بدون هیچ ارتباطی با معمار و حتی پس از مرگ او تا سالیان طولانی باقی می‌ماند. به همین جهت ممکن است برخی گمان کنند که یک معلول در بقای خود نیازی به علت ندارد. امّا اگر خوب توجّه کنیم درمی‌یابیم که معمار علت اصلی ساختمان نیست و به ساختمان و اجزای آن وجود نبخشیده است. وظیفهٔ او فقط جابه‌جایی اجزاء و قراردادن آنها در جای خود بوده است. امّا رابطهٔ خدا با مخلوقات این‌گونه نیست.

هستی موجودات به خداوند وابسته است. رابطهٔ وجود ما با وجود خداوند مانند رابطهٔ پرتوهای نور با منبع آن است. همان‌طور که اگر خورشید نورافشانی نکند دیگر پرتو نوری نیست، اگر خداوند نیز هستی بخشی نکند، دیگر موجودی در جهان باقی نخواهد ماند[1].

از این رو در قرآن کریم، خداوند «غنی» خوانده شده است و انسان‌ها و سایر مخلوقات «فقیر» و نیازمند به او؛ و این نسبت هیچ‌گاه تغییر نمی‌کند. هرچه انسان کمالاتی نظیر علم و قدرت کسب کند، باز هم نسبت به خداوند فقیر است، زیرا خود و همهٔ آنچه به‌دست آورده از خدا سرچشمه می‌گیرد. همچنین، انسان‌ها هرقدر که به معنای حقیقی کامل‌تر شوند، فقر و نیازمندی خود به خداوند را بهتر درک می‌کنند و بندگی و عبودیتشان در پیشگاه خداوند قوی‌تر و بیشتر می‌شود. به همین جهت پیامبران، امامان و اولیای الهی بیش از دیگران با پروردگار جهان راز و نیاز می‌کنند و از او کمک می‌خواهند و در مشکلات به او پناه می‌برند.

۱ــ توجه داشته باشیم که این‌گونه مثال‌ها برای تزدیک کردن حقیقت به ذهن هستند وگرنه رابطهٔ جهان با خداوند را نمی‌توان از همهٔ جهات مانند شعاع‌های نور با منبع آن دانست.

رابطهٔ جهان با خدا را با رابطهٔ ساعت و سازندهٔ آن مقایسه کنید و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها را بنویسید.

۱ـ ساعت ساز، هستی بخش اجزاء ساعت نیست و فقط نظم‌دهندهٔ اجزاء است. امّا خداوند هم هستی‌بخش است و هم نظم دهنده.

۲ـ .....

۳ـ .....

.....

هر چیزی مانند وجود خالق و آیه‌ای از آیات الهی است

خداوند، نور هستی

خداوند، در قرآن کریم، خودش را نور آسمان‌ها و زمین معرفی می‌کند. نور بودن خدا به چه معناست؟

نور، آن چیزی است که خودش پیدا و آشکار است و سبب پیدایی و آشکارشدن چیزهای دیگر می‌شود. همین نور معمولی را درنظر بگیریم. نور یک چراغ در اتاق، هم خودش روشن است و هم سبب روشن و آشکار شدن اشیای داخل اتاق می‌شود.

نور بودن خداوند بسیار برتر و بالاتر است. او نور هستی است. یعنی تمام موجودات، وجود خود را از او می‌گیرند و به سبب او پیدا و آشکار می‌شوند و وجودشان به وجود او وابسته است. به همین جهت هر چیزی در این جهان، بیانگر وجود خالق و آیه‌ای از آیات الهی محسوب می‌شود.

امیر مؤمنان علی علیه‌السلام می‌فرماید:

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الْمُتَجَلِّي لِخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ[۱]

سپاس خدای را که با آفرینش موجودات برای آفریدگان تجلی کرد.

و نیز می‌فرماید:

مَا رَأَيْتُ شَيْئًا إِلَّا وَرَأَيْتُ اللّٰهَ قَبْلَهُ وَ بَعْدَهُ وَ مَعَهُ[۲]

هیچ چیزی را ندیدم مگر این‌که خدا را قبل از آن، بعد از آن و با آن مشاهده کردم.

دلی کز معرفت نور و صفا دید
به هر چیزی که دید اوّل خدا دید

۱ـ نهج‌البلاغه، خطبهٔ ۱۰۸ ۲ـ علم‌الیقین، مولی محسن فیض کاشانی، ج ۱، ص ۴۹

بابا طاهر نیز از مشهود بودن خداوند این‌گونه سخن می‌گوید :

به صحرا بنگرم صحرا تو بینم
به دریا بنگرم دریا تو بینم
به هرجا بنگرم کوه و در و دشت
نشان از قامت رعنا تو بینم[1]

این که انسان در پشت پردهٔ ظاهر و در وراء هر چیزی، خدا را ببیند، معرفتی برتر و عمیق است که در قدم نخست مشکل به‌نظر می‌آید، امّا هدفی امکان‌پذیر و قابل دسترسی است، به‌خصوص برای جوانان؛ زیرا بستر اصلی حرکت به سوی این هدف، پاکی و صفای قلب است که در اغلب جوانان و نوجوانان وجود دارد. کافی است قدم به پیش گذاریم و با عزم و تصمیم راه افتیم. به یقین خداوند نیز کمک خواهد کرد و لذت این معرفت را به ما خواهد چشانید.

چرا نمی‌توانیم به ذات خدا پی‌ببریم و بدانیم که او چیست و چگونه است؟

در پاسخ می‌گوییم : موضوعاتی که ما می‌خواهیم دربارهٔ آنها تحقیق کنیم و به تفکر بپردازیم، دو دسته‌اند : برخی از آنها در دایرهٔ شناخت ما قرار می‌گیرند، مانند : گیاهان، حیوان‌ها، ستارگان، بهشت و جهنم که خصوصیات و چیستی هر کدام را می‌توانیم از راه و روش ویژهٔ هر کدام بشناسیم و بدانیم که آنها چگونه وجودی دارند. اینها همه موجودات محدودی هستند که ذهن ما می‌تواند بر آنها احاطه پیدا کند و چگونگی‌شان را دریابد. در حقیقت ذهن ما گنجایش فهم چیستی آنها را دارد. اینها همه امور محدود هستند.

برخی دیگر از آنها فراتر از توانایی دستگاه اندیشهٔ ما هستند و ذهن ما نمی‌تواند بر آنها احاطه پیدا کند، زیرا لازمهٔ شناخت هر چیزی احاطه و دسترسی به آنهاست.

مثلاً ما هر عدد یا خطی را تصوّر کنیم، محدود است. خط و عدد نامحدود را نمی‌توانیم تصور کنیم. خدا نیز حقیقتی نامحدود دارد و چون نامحدود است، در ظرف ذهن ما نمی‌گنجد و ذهن به حقیقت خداوند احاطه پیدا نمی‌کند. از این‌رو نمی‌توانیم بگوییم که چیست. هر چیستی که برای او فرض کنیم، او را در حد تصورات ذهنی خود پایین آورده و محدود کرده‌ایم. از این جهت است که پیامبر اکرم فرموده است :

لا تفکروا فی ذات اللّٰه — در ذات (چیستی) خداوند فکر نکنید
تفکروا فی آلاء اللّٰه — در نعمت‌های خداوند تفکر کنید

۱ــ دیوان بابا طاهر

البته دین اسلام ما را به تفکر در صفات الهی تشویق کرده است، چرا که شناخت صفات و ویژگی‌های خداوند، از راه شناخت مخلوقاتش تا حدودی امکان‌پذیر است.

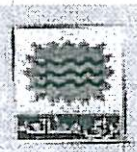

آیا خدا را می‌توان دید؟

رؤیت خداوند با چشم، غیرممکن است. زیرا چشم، یک ساختار مادی و جسمانی دارد و فقط از اشیای مادی می‌تواند عکس‌برداری کند؛ آن هم اشیایی که طیف نوری قابل درک برای چشم را منعکس کنند. زیرا چشم ما نور مادون قرمز و ماوراء بنفش را درک نمی‌کند بنابراین چشم حتی توانایی دیدن همهٔ اشیای مادی را هم ندارد، چه رسد به موجودات غیرمادی (مانند فرشتگان)، و چه رسد به وجود مقدس خداوند که هیچ شکل و تصویری و هیچ طول و عرض و ارتفاعی ندارد. و این قبیل ندیدن اختصاص به دنیا ندارد، در آخرت نیز با این چشم مادی نمی‌توان خدا را دید.[1]

لا تُدْرِكُهُ الْاَبْصارُ — چشم‌ها او را درنمی‌یابند

وَ هُوَ يُدْرِكُ الْاَبْصارَ — و اوست که دیدگان را درمی‌یابد

وَ هُوَ اللَّطيفُ الْخَبيرُ — و او لطیفِ آگاه است.

انعام، ۱۰۳

اما مرتبه‌ای از دیدن وجود دارد که مرتبه‌ای متعالی است و نه تنها امکان‌پذیر است، بلکه از برترین هدف‌های زندگی می‌باشد. این مرتبه، دیدن به‌وسیلهٔ «قلب» است.

امام صادق علیه‌السلام به یکی از یاران خود، دربارهٔ این خبر که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله پروردگار را مشاهده کرد و مؤمنان نیز پروردگار را مشاهده می‌کنند، فرمود:

«جدّم، که درود خدا بر او و خاندانش باد، هیچ‌گاه پروردگارش را با چشم ظاهر ندید. امّا بدان که دیدن بر دو قِسم است: دیدن با قلب و دیدن با چشم. کسی که منظورش از رؤیت، دیدار قلبی است، درست گفته است. اما کسی که رؤیت را دیدار با چشم بداند، به خدا و آیاتش

۱ــ فردوسی شاعر فارسی‌گوی نیز چنین سروده است:

به بینندگان آفریننده را

نبینی مرنجان دو بیننده را

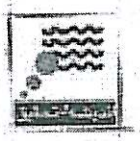

۱- در آیهٔ ۲۵ سورهٔ روم تفکر کنید و ببینید که چه چیزی را آیه و نشانهٔ خداوند معرفی کرده است. دلیل آن را هم توضیح دهید.

۲- به آیهٔ ۲۲ و ۲۳ سورهٔ یونس مراجعه کنید و براساس آن آیات به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

الف) برخی انسان‌ها در چه لحظاتی بیشتر به یاد خدا می‌افتند؟ سختی ها و ترس

ب) توجه به خدا در چنین لحظاتی گویای چیست؟

این که با تمام وجود خدا را در حریم وجودش را درک می

آیه ۲۵ سوره روم : وَمِنْ آيَاتِهِ أَن تَقُومَ السَّمَاء وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنتُمْ تَخْرُجُونَ

و از نشانه‌های او این است که آسمان و زمین به فرمانش برپایند پس چون شما را با یک بار خواندن فرا خواند بناگاه [از گورها] خارج می‌شوید.

پیام آیه: هدفداری نظام خلقت

آیه ۲۲ سوره یونس: هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّى إِذَا كُنتُمْ فِي الْفُلْكِ وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءهُمُ الْمَوْجُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ

او کسی است که شما را در خشکی و دریا می‌گرداند تا وقتی که در کشتیها باشید و آنها با بادی خوش آنان را ببرند و ایشان بدان شاد شوند [بناگاه] بادی سخت بر آنها وزد و موج از هر طرف بر ایشان تازد و یقین کنند که در محاصره افتاده‌اند در آن حال خدا را پاکدلانه می‌خوانند که اگر ما را از این [ورطه] بر هانی قطعا از سپاسگزاران خواهیم شد

پیام آیه: هدفداری نظام خلقت

آیه ۲۳ سوره یونس: فَلَمَّا أَنجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَى أَنفُسِكُم مَّتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

پس چون آنان را رهانید ناگهان در زمین بناحق سرکشی می‌کنند ای مردم سرکشی شما فقط به زیان خود شماست شما بهره زندگی دنیا را [می‌طلبید] سپس بازگشت شما به سوی ما خواهد بود پس شما را از آنچه انجام می‌دادید باخبر خواهیم کرد

پیام آیه: هدفداری نظام خلقت

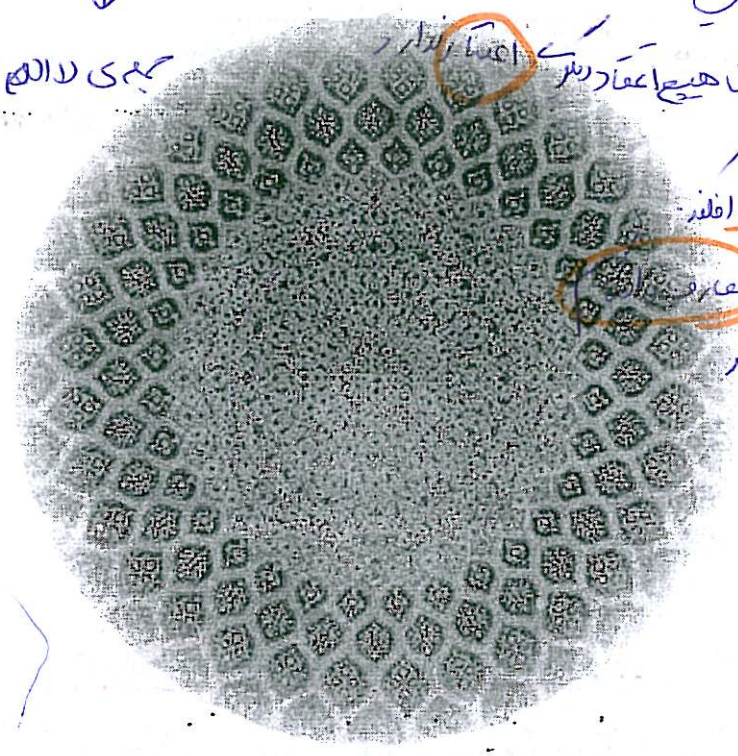

درس دوم

یگانهٔ بی‌همتا

مهم‌ترین اعتقاد دینی و پایه و اساس تمام دین، توحید است. بدون اعتقاد به آن، هیچ اعتقاد دینی دیگر، اعتبار ندارد. نگرش توحیدی بر تمام آیات قرآن سایه افکنده و مانند روحی در پیکرهٔ معارف و احکام دین حضور دارد و به این پیکره، حیات بخشیده است.

در این درس و درس بعد، حقیقت توحید و مراتب آن را مورد مطالعه قرار می‌دهیم تا به سؤال‌های زیر پاسخ دهیم:

۱ـ توحید چیست و یگانگی خدا به چه معناست؟

۲ـ آیا توحید اقسام و شاخه‌هایی دارد؟

۳ـ اعتقاد به توحید چه تأثیری در زندگی فردی و اجتماعی ما دارد؟

(۱) قُلِ اللّٰهُ خالِقُ کُلِّ شیءٍ و هُوَ الواحِدُ القَهّارُ
رعد، ۱۶

(۲) قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ
توحید، ۱

(۳) وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ
توحید، ۴

(۴) وَلِلّٰهِ ما فِی السَّماواتِ وَما فِی الْاَرْضِ
وَ اِلَی اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُورُ
آل عمران ۱۰۹

(۵) ... ما لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِیٍّ
وَ لا یُشْرِکُ فی حُکْمِهِ اَحَدًا
کهف، ۲۶

(۶) اَفَرَاَیْتُمْ ما تَحْرُثُونَ
اَ اَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ
اَمْ نَحْنُ الزّارِعُونَ
واقعه، ۶۳ و ۶۴

مِن دونِهِ : جز او
حُکْم : فرمانروایی

۱ـ قسمت اول آیهٔ ۱۰۹ آل‌عمران مربوط به توحید در مالکیت و قسمت دوم دربارهٔ معاد است.
۲ـ معمولاً «مِن» در جملهٔ منفی و سؤالی «هیچ» معنا می‌شود.

(۱) (۲) (۳) (۴) (۵) (۶)

توحید ذاتی ← توحید در خالقیت

توحید صفاتی ← توحید در ربوبیت

با تفکر در آیات، مشخص کنید که کدام پیام از کدام آیه گرفته شده است.

۱- خداوند یگانه است و شریک و همتایی ندارد (اصل توحید)

سوره...../ آیه.....، سوره...../ آیه.....، سوره...../ آیه.....

۲- خداوند، تنها خالق و هستی‌بخش جهان است.

سوره...../ قسمت اول آیه.....

۳- همهٔ مخلوقات در کارهای خود نیازمند و وابسته به خداوند هستند، اما خداوند در ادارهٔ جهان به آنها نیازی ندارد.

سوره...../ آیه.....

۴- فرمانروای جهان خداست و هیچ کس در فرمانروایی شریک او نیست.

سوره...../ آیه.....

۵- چون خداوند خالق جهان است، مالک آن نیز می‌باشد.

سوره...../ آیه.....

اکنون به تبیین پیام‌های آیات می‌پردازیم تا آنها را بهتر و عمیق‌تر درک کنیم:

برخی از مراتب توحید[1]

اعتقاد — نظری — نظری

توحید: در کاربرد دینی، یعنی اعتقاد به این که خداوند یگانه است و شریک و همتایی ندارد. این یگانگی و بی‌همتایی مراتبی دارد که به تبیین و توضیح برخی از آنها می‌پردازیم.

پیام شماره

۱- توحید در خالقیت: منظور از توحید در خالقیت این است که او تنها مبدأ و خالق جهان است. موجودات همه از او هستند و در کار آفرینش شریک و همتایی ندارد. به عبارت دیگر، جهان از اصل‌های متعدد پدید نیامده است. قرآن کریم این حقیقت بزرگ را به انسان‌ها یادآوری می‌کند و از هر گرایشی به شرک انذار می‌دهد.

پیام شماره

این که تصور کنیم دو یا چند خدا وجود دارند و هرکدام خالقِ بخشی از جهان هستند یا با همکاری یکدیگر، این جهان را آفریده‌اند در واقع هر کدام از آنها را محدود و ناقص فرض نموده‌ایم، زیرا هر یک از خدایان باید کمالاتی را دارا باشد که دیگری آن کمالات را ندارد وگرنه عین همدیگر می‌شوند و دیگر چند خدا نیستند. چنین خدایان ناقصی، نیازمند هستند و هر یک به خالق کامل بی‌نیازی احتیاج دارد که نیاز او را برطرف نماید. اعتقاد به خدایان متعدد و چند مبدأ برای جهان، گاه در میان

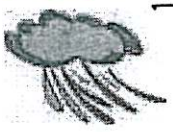

۱- مباحث درس اول و دوم دربارهٔ توحید، برگرفته از مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲، ص ۹۹ تا ۱۰۷ و ۱۱۹ تا ۱۳۷ می‌باشد.

خطای بردن نقص
شما همبا ≠ چیز خدایی
خالق ✓ ۱ اصل
همه از اوست ≠ چند اصل
شریک و همتایی ندارد

دلیل عقلی رد شرک در خالقیت

دلیل ۱ توحید در خالقیت

بی‌نیازی ← تنها خالق

توحید در ربوبیت

توحید ۲ نوع است:

① توحید نظری: یعنی شناخت، بینش، اعتقاد، باور، نگرش، درست است، هست‌ها و بودها و نبودها، جهان‌بینی، نظر، اعتقاد. [مثال: مجموع زوایای داخلی مثلث ۱۸۰°]

② توحید عملی، یا عادی یا توحید در پرستش: عبادت، پرستش، عمل به احکام، اخلاق، ارزش‌ها، ایدئولوژی، اخلاص، خط خدا را پرستیدن، درجهت خدا حرکت کردن، برای خدا مردن، خدا را وجه همت خود قرار دادن، خدایی شدن

نکته: توحید عملی شعبه‌ای از توحید نظری است / توحید عملی منسوب به توحید نظری است. / توحید عملی مؤخر از توحید نظری است.

برخی جوامع وجود داشته و دارد. این افراد گاهی برای خیر و شر دو خدای جداگانه، و گاهی برای پدیده‌های گوناگون طبیعی (مانند باران، زمین، خورشید، باد و ...) چندین خدا در نظر می‌گرفتند و می‌پرستیدند.

۲ــ توحید در مالکیت: چون مخلوقات جهان از خداست، مالک اصلی و حقیقی آن‌ها نیز خداوند است و در این مالکیت کسی شریک او نیست.

پیام شماره

۳ــ توحید در ولایت: ولایت به معنی سرپرستی و حق تصرف داشتن است. از آنجا که خداوند مالک حقیقی جهان است، بر آن ولایت نیز دارد. یعنی هرگونه تصرف در جهان، حق او و شایستهٔ اوست. و اگر او به کسی اذن دهد، آن شخص نیز می‌تواند در محدودهٔ اجازهٔ خداوند در اشیایی تصرف نماید. چنین اذنی به معنی واگذاری ولایت خداوند به دیگری نیست. بلکه بدین معناست که آن شخص، مسیر و مجرای ولایت الهی قرار گرفته و از خودش استقلالی ندارد. اگر خداوند پیامبر اکرم ﷺ را ولیّ انسان‌ها معرفی می‌کند، بدین معنا نیست که خودش دیگر ولایتی ندارد یا بخشی از ولایت خود را به پیامبر واگذار کرده است؛ بلکه پیامبر واسطه و رسانندهٔ ولایت و فرمان‌های خداوند به مردم است. او در همه حال ولیّ مخلوقات است.

پیام شماره

۴ــ توحید در ربوبیت: خداوند ربّ العالمین است، یعنی صاحب‌اختیاری است که تدبیر همهٔ امور هستی به‌دست اوست. خداوند که تنها خالق تمام جهان است، به‌طور طبیعی، تدبیر و پرورش همهٔ مخلوقات را نیز در اختیار دارد. اوست که جهان را اداره می‌کند و به سوی آن مقصدی که برایش معین فرموده، هدایت می‌نماید و به پیش می‌برد.

اگر کسی در کنار ربوبیّت الهی، برای خود یا سایر مخلوقات حسابی جداگانه باز کند و فکر کند غیرخدا می‌تواند مستقل از خداوند، امور را تدبیر کند گرفتار شرک شده است.

توحید در ربوبیت، بدان معنا نیست که موجودات ــ به‌خصوص انسان ــ قدرت تدبیر ندارند؛ باغبانی که زحمت می‌کشد و به پرورش درختان اقدام می‌کند، رشد این درختان نتیجهٔ تدبیر اوست. بلکه، توحید در ربوبیّت بدین معناست که این باغبان و تدبیرش، همه از آنِ خدا و تحت تدبیر اویند.

باغبان، وقتی خود را با دیگران، یعنی کسانی که در کشت دخالتی نداشته‌اند، مقایسه می‌کند، می‌بیند که این زراعت کار خودش است. امّا وقتی رابطهٔ خود را با خدا بررسی می‌کند، می‌بیند که هم خودش و هم نیرو و توانش از آن خداست و هم

درخت و گیاه براساس استعدادی که خداوند در آن قرار داده است رشد کرده و محصول داده است. درنتیجه، درمی‌یابد که زارع حقیقی و پرورش‌دهندهٔ اصلی درختان و گیاهان خداست، و باید شکرگزار او باشد.

پیام شمارهٔ

برخی انسان‌ها توحید در خالقیت را قبول دارند، اما گرفتار شرک در ربوبیت می‌شوند؛ یعنی در کنار ربوبیت الهی برای انسان‌های دیگر یا سایر مخلوقات حساب جداگانه‌ای باز می‌کنند و فکر می‌کنند که آن انسان‌ها یا آن مخلوقات مستقل از خداوند می‌توانند در امور جهان دخالت کنند و مثلاً بیماری را شفا بخشند یا مشکلی را رفع کنند.

طرح یک سؤال

اگر کسی شفای بیمار را از رسول خدا ﷺ، یا سایر اولیای دین درخواست کند و عقیده به توانابودن آن بزرگواران در انجام این خواسته، و نیز دیگر نیازها، داشته باشد، آیا گرفتار شرک شده است؟

جواب آن است که همان‌گونه که درخواست از پزشک برای درمان بیمار با توحید منافاتی ندارد، درخواست از اولیای الهی برای شفای بیماران نیز منافاتی با توحید ندارد، زیرا پزشک به واسطهٔ اسباب مادی و آنان به واسطهٔ اسباب غیرمادی این کار را انجام می‌دهند.

اصولاً عقیده به توانایی پیامبر اکرم ﷺ و اولیای دین (صلوات‌الله علیهم) در برآوردن حاجات انسان (مانند شفادادن) وقتی موجب شرک است که این توانایی را از خود آن‌ها بدانیم. امّا اگر این توانایی را از خدا و به اذن خدا بدانیم، عین توحید است و از این جهت مانند اثر شفابخشی داروست که خداوند به آن بخشیده است.

این توانایی به زمان حیات پیامبر اکرم ﷺ اختصاص ندارد، زیرا روح مطهر ایشان پس از رحلت زنده است و می‌تواند به انسان‌ها یاری برساند[1]. اکنون اگر ما از رسول خدا ﷺ چیزی درخواست کنیم، درخواست از جسم ایشان نیست، بلکه از حقیقت روحانی و معنوی ایشان است.

پیام آیه:

۱ـ نمونهٔ بارز آن شهیدان هستند که به تعبیر قرآن کریم زنده‌اند و مانند زمان حیات در دنیا و بلکه بیشتر از آن، از احوال این دنیا با خبر هستند (بقره، ۱۵۴) و معلوم است که مقام پیامبر مکرم اسلام ﷺ بالاتر از شهیدان است.

آیه ۱۸

آیه ۲۲ سورهٔ انبیاء:

پیام آیه:

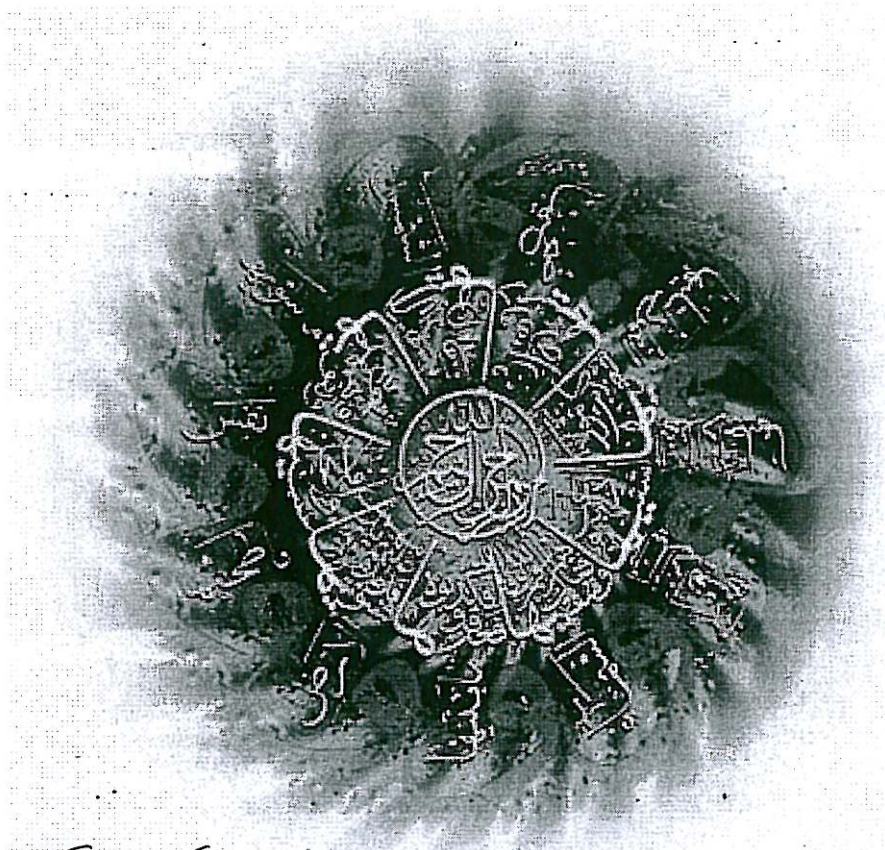

توحید عملی مشابه آیه ۱۸ آل عمران

بر آستان جانان گر سر توان نهادن گلبانگ سربلندی بر آسمان توان زد
حافظ

درس سوم
حقیقت بندگی

توحید
↓
تأثیر در زندگی و رفتار

پس از این که انسان، خدا را به یگانگی شناخت و دانست که تنها وجود مستقل و تنها مبدأ جهان خداست و همچنین، دانست تنها اوست که جهان را اداره می‌کند، این شناخت و اعتقاد، چه تأثیری در زندگی و رفتار او دارد؟ آیا میان عملکرد کسی که اعتقادی به توحید ندارد و کسی که معتقد به آن است، تفاوتی هست؟ در این درس می‌خواهیم تأثیر عملی این اعتقاد را در زندگی و رفتار خود مورد بررسی قرار دهیم.

①	إِنَّ اللّٰهَ رَبّی وَ رَبُّکُمْ فَاعْبُدُوهُ هٰذا صِراطٌ مُسْتَقیمٌ	هما خدا... پروردگار من و پروردگار شما پس عبادت کنید... این راه مستقیم است...
	آل‌عمران، ۵۱	
②	اِتَّخَذوا اَحْبارَهُمْ وَ رُهْبانَهُمْ اَرْبابًا مِنْ دونِ اللّٰهِ وَالْمَسیحَ ابْنَ مَرْیَمَ	اینان دانشمندان و راهبان خود را به جای خداوند به پروردگاری گرفتند و همچنین مسیح پسر مریم را؛
③	وَما اُمِروا اِلاّ لِیَعْبُدوا اِلٰهًا واحِدًا لا اِلٰهَ اِلاّ هُوَ	درحالی که مأمور نبودند جز خدای یکتا را عبادت کنند...
	سُبْحانَهُ عَمّا یُشْرِکونَ	پاک و منزه است از آنچه با او شریک می‌سازند.
	توبه، ۳۱	
④	وَ لَقَدْ بَعَثْنا فی کُلِّ اُمَّةٍ رَسولاً اَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ وَاجْتَنِبُوا الطّاغوتَ	و ما در میان هر امتی رسولی برانگیختیم... خدا را عبادت کنید... و از طاغوت دوری جویید.
	نحل، ۳۶	
⑤	وَمَن یُسْلِمْ وَجْهَهُ اِلَی اللّٰهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقیٰ	هرکس خود را تسلیم خدا کند و نیکوکار باشد قطعاً به ریسمان استواری چنگ زده

ان الله ربی و ربکم ← توحید در ربوبیت

ان الله ربی و ربکم ... ← توحید عملی

توحید در ربوبیت

توحید عملی

شرک عملی اجتماعی

توحید عملی اجتماعی

توحید عملی اجتماعی

توحید عملی اجتماعی

لازمه‌ی توحید عملی: نفی طاغوت یعنی شرک عملی

توحید عملی فردی

تسلو کار کسی که به توحید عملی دائم باشد

۴۰ ← آیه‌ی دلالت دارد بر توحید عملی در ارتباط با توحید در ربوبیت و توحید در حاکمیت

تسلیم شدن به طاغوت ← چنگ به ریسمان استوار

ارسال پیامبر ← دوری از طاغوت

وَ إِلَى اللَّهِ عاقِبَةُ الْأُمُورِ — و سرانجام کارها به سوی خداست.
لقمان، ۲۲

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ
فاتحه، ۲

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ
فاتحه، ۵

توحید در عبادت

پس از شناخت خداوند به‌عنوان تنها خالق و آفرینندهٔ جهان و تنها سرچشمهٔ خوبی‌ها و زیبایی‌ها و آگاهی به این که او تنها مالک، سرپرست، اداره‌کننده و تنها تکیه‌گاه و پشتیبان جهان است، در می‌یابیم که تنها وجود شایستهٔ پرستش و عبادت، یعنی تنها معبود واقعی انسان‌ها خداست.

هم‌چنین اطاعت از خداوند نیز لازمهٔ عبودیت و بندگی اوست و اطاعت از هر شخص دیگری اگر براساس اطاعت از خداوند نباشد، نابجا و غلط است. بنابراین اطاعت از رسول گرامی او و اطاعت جانشینان آن حضرت لازمهٔ توحید در عبادت است زیرا حکم و فرمان الهی از طریق رسول خدا صلی الله علیه و آله و جانشینان بزرگوار آن حضرت به مردم می‌رسد و بدون تبعیت و اطاعت از آنان، اطاعت از خداوند ممکن نیست. پس توحید در عبادت آن است که فقط خدای یگانه را پرستش کنیم، تسلیم فرمان‌های او باشیم و کارهای خود را فقط به قصد اطاعت از او و برای کسب رضایت او انجام دهیم.

.....

با توجه به آیهٔ ۵۱ سورهٔ آل‌عمران، که در ابتدای درس آمده توضیح دهید که چه رابطه‌ای میان توحید در ربوبیت و توحید در عبادت وجود دارد.
همچنین مشخص کنید کدام قسمت آیه بیانگر توحید در ربوبیت و کدام قسمت بیانگر توحید در عبادت است.

.....

توحید در عبادت دارای دو بُعد فردی و اجتماعی است که به تبیین هرکدام می‌پردازیم.

توحید عملی فردی

الف) بُعد فردی : انسان موحّد کسی است که فقط خدا را بپرستد و از او اطاعت نماید. او می‌کوشد کشش‌ها و تمایلات درونی و تصمیم‌ها و فعالیت‌های خود را به گونه‌ای سامان دهد که در یک هماهنگی مناسب، سمت و سوی خدایی بگیرند و بر محور بندگی او باشند. چنین فردی در انتخاب همسر، انتخاب شغل، انتخاب دوست، در تحصیل، گردش، ورزش و مجموعهٔ برنامه‌ریزی‌های خود، خدا و رضایت او را در نظر دارد. او به میزانی که در این جهت پیش می‌رود، امیال و غرایز خود مانند میل جنسی، میل به قدرت و میل به ثروت را تنظیم و کنترل می‌نماید و گرایش‌های برتر، مانند حقیقت‌طلبی، عدالت‌خواهی، نوع‌دوستی و احسان و جوانمردی در رفتار او ظهور بیشتری می‌یابد. چنین انسانی دارای شخصیتی یگانه و یکپارچه در جهت عبودیت و پرستش خدا می‌شود.

در مقابل، انسان مشرک به جای تبعیت از خداوند و کسب رضایت او، از هوای نفس خود یا دیگران اطاعت می‌کند و کارهایش را برای رسیدن به خواسته‌های نفسانی و یا خوشامد دیگران انجام می‌دهد.

از آن‌جا که انسان مشرک تحت سلطهٔ تمایلات و خواسته‌های نفسانی خود و دیگران قرار دارد، فردی است چند شخصیتی با جهت‌گیری‌های متفرق و سمت و سوهای پراکنده و در خدمت معبودهای گوناگون که هرکدام او را به سویی می‌کشند و آرامشش را سلب می‌کنند.

* خداوند در آیهٔ ۲۹ سورهٔ زمر برای انسانی که درون خود گرفتار شرک است مثالی می‌زند. در این آیه تفکر کنید و وجه مشابهت را توضیح دهید.

ب) بُعد اجتماعی : بُعد دیگر توحید در عبادت، بُعد اجتماعی آن است که به معنای یگانه و یکپارچه‌شدن نظام اجتماعی در جهت خداوند و اطاعت همه‌جانبه از اوست. جامعه از افراد گوناگون و نهادها و سازمان‌های مختلف تشکیل شده است. اگر این افراد بکوشند که در روابط خود با یکدیگر، به جای خواست‌ها و تمایلات خود، فرمان الهی را حاکم کنند و از پذیرش فرمان طاغوت‌ها و ظالمان و ستمگران سرباز زنند و مناسبات سیاسی و اقتصادی و روابط فرهنگی را منطبق بر احکام الهی و در جهت رضای او تنظیم نمایند، بُعد اجتماعی توحید عبادی تحقق می‌یابد.

میان بُعد فردی و اجتماعی توحید تشابه و تناسب وجود دارد. همان‌طور که اگر کسی در مسیر توحید عملی گام بردارد، به شخصیتی متوازن، متعادل و زیبا می‌رسد، در جامعه‌ای نیز که در مسیر

پیام آیه : شرک عملی فرد ← مثال برای انسانی که درون خود را شرکت‌زده است.

آیه ۲۹ سوره زمر: ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ / خدا مثلی زده است مردی است که چند خواجه ناسازگار در [مالکیت] او شرکت دارند [و هر یک او را به کاری می‌گمارند] و مردی است که تنها فرمانبر یک مرد است آیا این دو در مثل یکسانند سپاس خدای را [نه] بلکه بیشترشان نمی‌دانند

مثال مشرک ↓ ↓ مثال موحد

توحید حرکت می‌کند، نه‌تنها ستمگران بر مردم حاکم نمی‌شوند، بلکه روابط فرهنگی و مناسبات اقتصادی نیز به تعادل، توازن، هماهنگی و انسجام می‌رسد و به جامعه‌ای زیبا تبدیل می‌شود و عدالت اجتماعی در همهٔ ابعاد آن واقعیت می‌یابد.

در مقابل، اگر هر یک از افراد جامعه، خواست‌ها و تمایلات دنیایی خود را دنبال کنند و فقط منافع خود را محور فعالیت‌های اجتماعی قرار دهند و اهل ایثار و تعاون و خیررساندن به دیگران نباشند، تفرقه و تضاد جامعه را فرا می‌گیرد و امکان رشد و تعالی از بین می‌رود. همواره در چنین جامعه‌ای انسان‌های ستمگر و مستکبر، قدرت اجتماعی و سیاسی را به‌دست می‌آورند و انسان‌های دیگر را در خدمت امیال خود به‌کار می‌گیرند.[1] در این گونه جوامع سخنی از حاکمیت خداوند و فرمان‌های او نیست، بلکه سخن از حاکمیت طاغوت و دستورهای اوست.[2]

.....

در آیات ابتدای درس تفکر کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

۱ – آیهٔ ۳۱ سورهٔ توبه مردم را به عبادت چه کسی دعوت می‌نماید؟

.....

۲ – بنا بر آیهٔ ۳۶ سورهٔ نحل، چه چیزی لازمهٔ توحید در عبادت است؟

.....

۳ – تسلیم در برابر خداوند مربوط به کدام قسم از توحید است؟

.....

۴ – عبارت «الحمدلله» بیانگر کدام قسم توحید است؟

.....

۵ – عبارت «ربّ العالمین» بیانگر کدام قسم توحید است؟

.....

۶ – عبارت «ایاک نعبد و ایاک نستعین» بیانگر کدام قسم توحید است؟

.....

۷ – آیه ۳۱ سورهٔ توبه بیانگر رابطهٔ توحید در عبادت با کدام توحید است؟

.....

.....

۱ــ مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲، صص، ۱۱۰ ــ ۱۱۷

۲ــ آیاتی که در ابتدای درس آمده هم می‌تواند بر توحید فردی دلالت داشته باشد و هم توحید اجتماعی. بنابراین لازم نیست که این آیات از جهت توحید فردی و اجتماعی از یکدیگر تفکیک شوند.

دژ مستحکم خداوند

کلمهٔ «لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ»، کلمهٔ توحید و مهم‌ترین شعار اسلام و جامع همهٔ ابعاد و اقسام توحید و نفی هرگونه شرک است. توجه به این شعار و تفکر در آن بسیار ارزشمند و موجب فلاح و رستگاری است. از همین‌رو، پیشوایان ما توصیه کرده‌اند که این کلمه را در طول روز تکرار کنیم تا حقیقت آن در وجود ما نفوذ یابد و با جان ما عجین شود. در ندای اذان که دعوت مسلمانان به نماز است، این عبارت، هر روز چندین بار تکرار می‌شود و برای آن، پاداش‌های بزرگی ذکر کرده‌اند؛ پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «بهای بهشت لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ است»[1]. هرچه انسان به درک بالاتر و ایمان قوی‌تری نسبت به این عبارت برسد، بیشتر از گناه در حضور خداوند و سرپیچی از راهنمایی‌های او دوری می‌کند. به همین جهت این کلمه دژی است که انسان را از گناه حفظ می‌کند و به مراتب بالاتری از زیبایی‌ها و کمال‌ها می‌رساند. اولین سخن رسول خدا در دعوت مردم به اسلام این بود که:

قولوا لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ تُفْلِحُوا[2]

همچنین ایشان دربارهٔ این کلمه فرمود:

«نه من و نه گویندگان قبل از من کلمه‌ای برمحتوا همانند «لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ» نگفته‌ایم.»[3]

این عبارت کوتاه که در حدّ یک کلمه است، از دو بخش تشکیل یافته، یکی نفی معبود (لا اله)، مانند بت‌های ساختگی و طاغوت‌ها و دیگری (الا اللّٰه) اثبات خدا به عنوان تنها کسی که سزاوار پرستش و اطاعت است؛ از این‌رو پیامبر فرمود: این کلمه دژی است که انسان را از شرک در عقیده و عمل حفظ می‌کند. به همین جهت خداوند این کلمه را «دژ مستحکم خود» نامیده است[4].

۱ــ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، ص ۹

۲ــ بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۰۲

۳ــ ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق، ص ۱۱

۴ــ چنان که در درس هشتم دین و زندگی (۳) خواندیم، هنگامی که امام رضا ﷺ در سفر به خراسان، به نیشابور رسید، مردم شهر به استقبال ایشان آمدند و درخواست کردند که برای آنان صحبت کند. آن بزرگوار، این حدیث را از قول پدرگرامیش امام کاظم ﷺ و ایشان نیز از قول اجداد طاهرینش و آنان نیز از پیامبر اکرم ﷺ نقل کرده‌اند. و چون همهٔ نقل کنندگان حدیث تا پیامبر اکرم ﷺ معصوم بوده‌اند، به حدیث «سلسلة الذهب» (زنجیرهٔ طلایی) مشهور شده است.

حدیث سلسلة الذهب

كَلِمَةُ لا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ	کلمهٔ «معبودی جز الله نیست»
حِصْنِي	دژ مستحکم من است
فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي	پس هر کس داخل دژ من شود
أَمِنَ مِنْ عَذابِي	از عذاب من در امان است.

دلالت بر توحید عملی

کلمه لا اله الا الله
↓
موجب منافع دنیوی و اخروی
↓
در امان ماندن از عذاب الهی

توحید و شرک در جهان امروز

توحید، محور و روح زندگی دینی و شرک، محور و روح زندگی ضد دینی است. اکنون که مراتب و ابعاد توحید و شرک را شناخته‌ایم، می‌خواهیم ببینیم که زندگی انسان عصر حاضر تا چه اندازه توحیدی است و کدام مرتبه از توحید مورد غفلت قرار گرفته است.

توحید در ربوبیت — توحید در الوهیت

اغلب مردم دنیا قبول دارند که خالق جهان، خدای یگانه است و همین خدا جهان را تدبیر و اداره می‌کند، با این حال، وقتی به زندگی انسان عصر جدید می‌نگریم، با مواردی روبه‌رو می‌شویم که با این پذیرش هم‌خوانی ندارد؛ از جمله این که:

۱ــ بسیاری از انسان‌ها چنان به امور دنیوی سرگرم شده‌اند که خدا را فراموش کرده و خداوند در قلب آنها جایگاهی ندارد. زرق و برق و زینت دنیا و لذات و شهوات چنان در دلشان فزونی یافته که جایی برای خلوت انس با خدا و درک معنویت نیایش با پروردگار باقی نگذارده است. گویی هوئ و هوس و آنچه و آن کس که آنان را به هوس‌هایشان می‌رساند، بُت و معبودشان شده و آنها را می‌پرستند، به‌گونه‌ای که از ابزارهای جدید، مانند سینما، تلویزیون، ماهواره و اینترنت و سایر رسانه‌ها برای رسیدن به این لذات دنیایی بهره می‌برند و یکسره از خدا و آخرت غافل شده‌اند.

(شرک عملی)

استفاده از سینما، تلویزیون، ماهواره و ... برای رسیدن به لذات دنیایی
↓
غافل شدن از خدا و آخرت

معرفت به خداوند، زمانی میوهٔ خود را می‌دهد که از مرحلهٔ شناخت ذهنی به مرحلهٔ ایمان قلبی برسد و در قلب تثبیت شود. یعنی انسان به چشم قلب ببیند که خداوند در کوچک‌ترین حوادث عالم نیز حضور دارد و چرخ خلقت با تدبیر خداوند می‌گردد و این بت‌ها مانع رسیدن انسان به ایمان است.

توحید در ربوبیت — توحید در الوهیت

۲ــ با این که نمونه‌هایی از پرستش بت‌های سنگی و چوبی هم‌اکنون نیز در کشورهایی مانند ژاپن و هند دیده می‌شود، امّا دنیای امروز گرفتار شرک و بت‌پرستی پیچیده‌تر و خطرناک‌تری شده است. اگر بت‌پرستان عصر جاهلیت ۳۶۰ بت می‌پرستیدند، امروزه بسیاری از انسان‌ها هزاران بت برای خود تراشیده و می‌پرستند. راستی، بت‌های بزرگ روزگار ما چه هستند؟

قرآن کریم معیار ثابت شرک و بت‌پرستی را به ما ارائه نموده و تطبیق این معیارها بر زندگی فردی و اجتماعی را بر عهدهٔ خودمان قرار داده است. اطاعت از ارباب‌هایی جز خداوند، پذیرش سرپرستانی جز او، بندگی کسانی جز او و بالاخره خارج کردن دین خداوند از برنامه‌های زندگی و تقلید از کسانی که در جهت مخالف دین حرکت می‌کنند، شرک و بت‌پرستی است. ریشهٔ بت‌پرستی و شرک جدید آن است که برخی از انسان‌ها در عین قبول داشتن خداوند، دین و دستورات آن را در متن زندگی خود وارد نمی‌کنند و تمایلات دنیایی و نفسانی خود را اصل قرار می‌دهند.[1]

با توجه به این نکات، بت‌های درونی و بیرونی عصر ما کدام‌اند؟ آیا انسان امروز در نحوهٔ زندگی اجتماعی، روابط اقتصادی، احکام قضایی و روابط سیاسی، به رضایت خداوند توجه دارد یا تابع قدرت‌های استکباری است؟ آیا بخش وسیعی از مردم جهان در انتخاب نوع پوشش، نوع غذا، نوع تفریح، مشاهدهٔ فیلم، مطالعهٔ کتاب، ورود به سایت‌ها در اینترنت، به خواست و رضایت خداوند توجه می‌کنند؟ در انتخاب الگوها و اسوه‌ها چطور؟ آیا اسوه‌ها و الگوهایی که اکنون مطرح‌اند و تبلیغ می‌شوند، همان کسانی هستند که خداوند معرفی می‌کند؟ آیا این اسوه‌ها، پیشروان علم، قهرمانان جهاد، فداکاران در راه آرمان‌های متعالی، مبارزان برای نجات از بند استعمار و وابستگی، و آنانی هستند که دیدارشان انسان را به یاد خدا می‌اندازد؟ یا ...؟ تصویر چه الگوهایی دیوار اتاق‌ها را تزیین کرده است؟

.....

* دربارهٔ سؤال‌های بالا با دوستان خود همفکری کنید و نتیجهٔ آن را در کلاس گزارش دهید.

.....

.....

۱ – در عصر ما کدام نوع از شرک بیشتر شایع شده است؟ نمونه‌هایی از آن را بیان کنید.

۲ – چرا نظام‌های سیاسی حاکم بر جهان بیشتر شرک‌آلود هستند؟

.....

۱ــ ابراهیم، ۳

درس چهارم
در مسیر اخلاص

توصید عملی:

جن و انس را نیافریدم مگر برای بندگی

ذاریات، ۵۶

دانستیم که زندگی عرصهٔ عبادت و بندگی خداست تا با پرستش او مسیر رسیدن به سعادت و کمال را بپیماییم و به سرچشمهٔ زیبایی‌ها برسیم.

در این درس می‌خواهیم بدانیم، چگونه می‌توانیم خداوند را خالصانه عبادت کنیم و نه‌تنها نماز بلکه سایر فعالیت‌های روزانه را برای خدا و در جهت رضایت او انجام دهیم؟

به عبارت دیگر، چگونه می‌توانیم در بندگی خود انسانی با اخلاص باشیم؟

۱ـ قُلْ إِنَّما أَعِظُكُمْ بِواحِدَةٍ
أَنْ تَقوموا لِلّٰهِ
مَثْنىٰ وَ فُرادىٰ ـ
ثُمَّ تَتَفَكَّروا
سبأ، ۴۶

۲ـ إِنّا أَنْزَلْنا إِلَيْكَ الْكِتابَ بِالْحَقِّ
فَاعْبُدِ اللّٰهَ
مُخْلِصًا لَهُ الدّينَ
زُمَر، ۲

۳ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يا بَني آدَمَ
أَنْ لا تَعْبُدُوا الشَّيْطانَ
إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبينٌ
وَ أَنِ اعْبُدوني
هٰذا صِراطٌ مُسْتَقيمٌ
یس، ۶۰ و ۶۱

۴ ... كَذٰلِكَ لِنَصْرِفَ
عَنْهُ السّوءَ وَ الْفَحْشاءَ
إِنَّهُ مِنْ عِبادِنَا الْمُخْلَصينَ
یوسف، ۲۴

این‌گونه بازگرداندیم
از او بدی و زشت‌کاری را
چرا که او از بندگان مخلص ما بود

۱) قیام برای خدا هم توحید عملی است
لازمه قیام برای خدا اخلاص است

حق‌پرستی ← عبادت خالصانه

۲) توحید عملی
لازمه توحید نظری است

۳) راه راست ← عبادت خدا

۴) عبادت خالصانه ← عدم تعلق دل به آن ← دوری از زشتکاری و بدی

عبادت خالصانه ← دوری از بدی و زشتکاری

۵ وَالَّذينَ جاهَدوا فينا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنا وَ اِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنينَ
عنکبوت، ۶۹
کسانی که درراه ما تلاش و مجاهده کنند قطعاً راه‌های خود را به آنان می‌نمایانیم و بی‌تردید خداوند همراه نیکوکاران است...

۶ ... لَوْ كُنّا نَسْمَعُ اَوْ نَعْقِلُ ما كُنّا فی اَصْحابِ السَّعيرِ
ملك، ۱۰
اگر می‌شنیدیم یا تعقل می‌کردیم در میان دوزخیان نبودیم

۷ وَ اَقِمِ الصَّلاةَ لِذِكْری
طه، ۱۴

اَعِظُكُم : پند می‌دهم شما را
مُخْلِصًا : درحالی که خالص کرده باشی
تَقومُوا : قیام کنید
اَلَمْ اَعْهَدْ : آیا عهد نکرده بودم

اخلاص در بندگی

انسان، همواره بر سر دو راهی بندگی خداوند یا بندگی هوای نفس و شیطان قرار دارد و زندگی صحنهٔ انتخاب یکی از این دو راه است. خداوند از ما می‌خواهد از عبادت شیطان دور شویم و به بندگی خدا درآییم. خداوند، گرایش به پرستش خود را در خلقت ما قرار داده و به وسیلهٔ پیامبران الهی و کتاب‌های آسمانی ما را به سوی آن راهنمایی نموده است. انسان‌هایی که این گرایش فطری را نادیده گرفته‌اند و بندهٔ هوای نفس و شیطان شده‌اند، از این گرایش غافل شده و سرگرم امور زودگذر دنیا گردیده‌اند.

پیام آیات

خداوند در قرآن کریم، چنین بندگانی را مورد سؤال قرار می‌دهد و از آنها بازخواست می‌کند؛ آیهٔ مربوط به آن را مشخص کنید و دو پیام در این باره استخراج نمایید.

.....
.....
.....
.....

اخلاص در بندگی و پرستش به این معناست که تمام جهت‌گیری‌های زندگی انسان سمت و سوی الهی پیدا کند و همهٔ کارها فقط برای رضای او و تقرب به او انجام پذیرد و هوای نفس و شیطان در آن‌ها راه نداشته باشد. بنابراین، اخلاص در بندگی معنای دیگری از توحید عبادی است و به هر میزان که درجهٔ اخلاص انسان بیشتر باشد، مقامش نزد خداوند گرامی‌تر و درجه‌اش در بهشت بالاتر است.

درجه‌ی اخلاص بالاتر ⬇ مقام نزد خدا گرامی‌تر و درجه در بهشت بالاتر

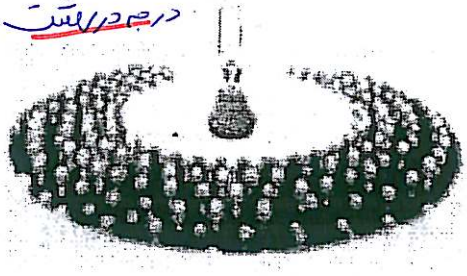

توجه کنیم که:

هر عملی از دو جزء تشکیل شده است:

اوّل: نیّت، که به آن هدف یا قصد نیز می‌گوییم.

دوم: شکل و ظاهر عمل.

مطابق با شکلی که خدا فرمان داده

قصد و نیّت به منزلهٔ روح عمل است و شکل عمل نیز در حکم جسد و کالبد آن روح می‌باشد. بنابراین، عمل بدون نیّت، کالبد بی‌جانی بیش نیست. از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

✓ نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ نیت مؤمن، برتر از عمل اوست[1].

در انجام هر عمل، هم باید نیّت درونی و قلبی انسان الهی باشد و هم باید مطابق با شکلی که خدا فرمان داده است، انجام شود. شرط اوّل را «حُسن فاعلی» و شرط دوم را «حُسن فعلی» می‌نامند. مثلاً کسی که نماز می‌خواند، هم باید نماز را برای تقرب الهی و رضای او انجام دهد و هم آن را مطابق با دستور خداوند به‌جا آورد. حسن فاعلی به‌طور طبیعی حسن فعلی را به دنبال می‌آورد. یعنی کسی که قلباً با خدای خود خالص است و فقط رضایت او را می‌جوید، اگر بداند خداوند فرمان داده که عملی مانند نماز باید به شکل خاصی انجام شود، او نیز به همان شکل انجام خواهد داد.

حسن فعلی معلول حسن فاعلی

حسن فعلی = همان حسن فاعلی

هنگام

* چگونه ممکن است در جایی حُسن فعلی باشد اما حُسن فاعلی همراه آن نباشد. با ذکر چند مثال این دو را مقایسه کنید.

آیا بر همین اساس نمی‌توان تفاوت میان ریا و اخلاص را به‌دست آورد؟

۱ــ اصول کافی، ج ۲، ۸۴

نکات مهم:

عمل انسان ← ظاهر عمل ← شکل عمل ← صیغه‌ی عمل ← کالبد عمل ← انتسابی عمل ← حسن فعلی

باطن عمل ← حقیقت عمل ← روح عمل ← قصد عمل ← نیت عمل ← حسن فاعلی ← انتزاعی عمل

نکته ← عمل از ارزش اخلاقی برخوردار است که آن عمل دارای حسن فعلی و حسن فاعلی باشد، چنین عمل خصلت تکامل‌دهندگی و شایستگی عروج به ملکوت را دارد.

در آیات ابتدای درس تفکر کنید و مشخص کنید کدام آیه بر اخلاص تأکید کرده است. پیام آن آیات را در این باره بنویسید.

.....

.....

.....

اخلاص ← خصلت برتر ← توحید عبادی

علت

برنامه ریزی برای اخلاص معلول

برای رسیدن به حقیقت بندگی و اخلاص، برنامه‌های زیر را می‌توان در پیش گرفت:

علت اخلاص

۱ــ تقویت روحیهٔ حق‌پذیری: اولین قدم برای ورود به بندگی و اخلاص «حق‌پذیری» است. کسی که در مقابل حقّ تسلیم و خاضع است، به‌آسانی وارد مسیر بندگی می‌شود و به‌سرعت راه موفقیت را می‌پیماید. افراد حق‌پذیر، تابع دلیل هستند و وقتی عقل آنان حقیقتی را یافت، به دنبال آن می‌روند. امّا کسانی که راه ورود به حق را بر خود بسته‌اند و به جای پیروی از عقل، از هوس و هوس پیروی می‌کنند، وقتی خیرخواهی اطرافیان و دوستان را می‌شنوند، دست به انکار می‌زنند و می‌گویند «دلم نمی‌خواهد.» اینان توجه نمی‌کنند که دل را دو ندا به سوی خود دعوت می‌کند، ندایی از عقل و ندایی از هوس. با اندکی تأمل می‌توان فهمید که دل ما به کدام ندا پاسخ می‌دهد؟

؟ تابع

تربیت صحیح — تربیت غلط

.....

۱ــ نمودار بالا، انسان‌ها را به دو دسته تقسیم می‌کند. آن دو دسته را مشخص کنید.

.....

.....

۲ــ آیهٔ ۱۰ سورهٔ ملک مربوط به کدام دسته است؟ پیام آن آیه را هم بنویسید.

.....

.....

.....

.....

*روحیهٔ حق‌پذیری خود را هنگام مشورت یا بحث و نظر با دیگران، ارزیابی کنید. برای این کار، خود را چند روز زیر نظر بگیرید و ببینید که وقتی دوستان شما نظری را مطرح می‌کنند، آیا به نظر آنها گوش می‌دهید یا از ابتدا تصمیم دارید که آن را رد کنید.

.....

۳۴

نکات مهم:

برای رسیدن به اخلاص:

① تقویت روحیهٔ حق پذیری (تسلیم و خاشع، اولین قدم، تابع دلیل)

② افزایش معرفت به خداوند (آیات و نشانه‌های خدا ← افزایش معرفت ← افزایش انگیزه‌ی پرستش ← افزایش ا

③ راز و نیاز با خدا و تکمیل خواستن از او (تقویت محبت خدا ← کاهش غفلت ← یاد خدا ← نماز ← اخلاص)

④ یاد هدف و بیهودگی زندگی (یاد حیات جاودانه ← تقویت حیوان حیات در دنیا پست خودمان ← افزایش عبودیت)

⑤ انجام عمل صالح (ایمان ← عمل صالح ← تلاش و کار و مجاهدت ← هدایت الهی)

۲ــ افزایش معرفت به خداوند: به هر میزان که معرفت و ایمان ما به خداوند بیشتر شود و او را عمیق‌تر بشناسیم، انگیزهٔ ما برای پرستش و بندگی نیز افزایش می‌یابد. دعوت قرآن کریم به تفکر و تعقل در آیات و نشانه‌های الهی به همین مقصود است. بنابراین بر ما لازم است اوقاتی را به تفکر در آیات و نشانه‌های الهی در خلقت اختصاص دهیم و هنگام دیدن هریک از مخلوقات پیرامون خود سعی کنیم حکمت و قدرت عظیم خالق آن را به یاد آوریم و فراموش نکنیم که :

آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
این‌همه نقش‌عجب بر در و دیوار وجود
هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار[1]

اما اگر کسی پردهٔ غفلت را کنار نزند، هم‌چنان نابینا خواهد ماند و از نور روی دوست بهره‌ای نخواهد برد.

مهر رخسار تو می‌تابد ز ذرّات جهان
هر دو عالم پر ز نور و دیدهٔ نابینا چه سود؟

۳ــ راز و نیاز با خداوند و کمک خواستن از او: نیایش با خداوند و عرض نیاز به پیشگاه او، محبت خداوند را در قلب تقویت می‌کند، غفلت را کنار می‌زند و انسان را از امدادهای او بهره‌مند می‌کند. در میان مناجات‌ها و دعاها، نماز جایگاه ویژه‌ای دارد. نماز، عبادتی است که خداوند خود به ما آموزش داده و از ما خواسته است که با او این گونه سخن بگوییم. این عبادت، حداقل پنج نوبت در شبانه‌روز انجام می‌شود و به طور مداوم ما را به یاد خدا می‌اندازد و حضور او را در زندگی ما تقویت می‌کند.

.....

در آیهٔ ۱۴ سورهٔ طه تفکر کنید و به دو سؤال زیر پاسخ دهید:

۱ــ قرآن کریم ما را به انجام چه عملی دعوت می‌کند؟

.....

۲ــ هدف از این عمل چیست؟

.....

.....

۱ــ دیوان سعدی

* چه‌قدر از شبانه‌روز را به گفت و گوی صمیمانه با خداوند اختصاص می‌دهید؟ برای این کار آیا برنامه‌ای دارید؟ آیا نماز را به گونه‌ای می‌خوانید که تأثیر آن را، هرچند به‌طور موقت، بر روی خود بیابید؟

با این سؤال‌ها خود را ارزیابی کنید و بر اساس آن تصمیم بگیرید و برنامه‌ریزی نمایید.

۴ــ یاد معاد و روز حساب: یکی از راه‌های بسیار مؤثر برای تقویت عبودیت و اخلاص، توجه به این حقیقت است که همهٔ ما حیات جاودانه‌ای در پیش داریم که کیفیت و چگونگی آن در همین جهان و به دست خود ما تعیین می‌شود. کیست که پیوسته به یاد معاد و زیبایی‌های بهشت و عذاب‌های جهنم باشد، امّا خود را برای آن آماده نکند؟

همهٔ ما باید به‌طور مداوم بنگریم که چه چیزی برای فردا آماده کرده‌ایم[1] و به خود یادآوری کنیم که «ساکنان آتش» با «یاران بهشت» یکسان نیستند و فقط یاران بهشت هستند که نجات می‌یابند.[2]

چه‌قدر هیجان‌انگیز و شادی‌آور است آن زمان که انسانی مخاطب خداوند قرار گیرد و به او گفته شود: «ای نفس به آرامش رسیده، خشنود و خداپسند به سوی پروردگارت باز گرد، در میان بندگان خودم درآی، و در بهشت خودم داخل شو.»[3]

۵ــ انجام عمل صالح: قرآن کریم غالباً عمل صالح را بعد از ایمان معرفی نموده است. زیرا وقتی انسان مسیر حق و حقیقت را شناخت و به آن ایمان آورد، پای در میدان عمل می‌گذارد و از کار و تلاش و مجاهدت باز نمی‌ایستد. عمل صالح، انسان را پرورش می‌دهد و وجودش را خالص می‌سازد. خداوند نیز ادامهٔ مسیر را به او نشان می‌دهد و او را بیشتر هدایت می‌کند.

کدام یک از آیات ابتدای درس به این موضوع اشاره کرده است؟ پیام آن چیست؟

.....

.....

۱ــ حشر، ۱۸
۲ــ حشر، ۲۰
۳ــ فجر، ۲۷ تا ۳۰

میوه‌های درخت اخلاص (نتایج اخلاص):

(۱) اولین ثمرهٔ اخلاص، عدم نفوذ شیطان در انسان و یأس او از فرد با اخلاص است. به تدریج که انسان رشته‌های اخلاص را محکم می‌کند، توانایی شیطان در وسوسه کردن کم می‌شود تا جایی که به هیچ‌وجه نمی‌تواند در وی تأثیر بگذارد.

.....

پیام آیات

عبارت زیر را تکمیل کنید و مشخص نمایید که این عبارت از کدام آیه گرفته شده است. سوره...../ آیه.....

خداوند حضرت یوسف را از ..... حفظ کرد؛ زیرا آن حضرت .....

.....

دام‌های شیطان

همان‌طور که شیطان برای کشاندن حضرت یوسف علیه‌السلام به گناه و فساد، دام گسترده بود، امروزه نیز دام‌های گوناگونی پهن کرده است تا هوس انسان‌ها را تحریک کند و به گناه سوقشان دهد و آنان را از بهشت جاویدان محروم کند. فیلم‌ها، سایت‌ها، شبکه‌های تلویزیونی و گروه‌ها و دسته‌های منحرف اجتماعی از جملهٔ این دام‌هاست که مقاومت در برابر آنها نیازمند روی آوردن به پیشگاه خداوند و پذیرش خالصانهٔ فرمان‌های اوست. اما کسی که در چنین دام‌هایی گرفتار نشود، هم زندگی پاک و با نشاط دنیا را از دست خواهد داد و هم حیات سرشار از شادکامی آخرت را. شیطان، خود اقرار کرده که توانایی فریب مؤمنان با اخلاص را ندارد[1].

(۲) ثمرهٔ دیگر اخلاص در پرستش، دستیابی به معرفت و اندیشه‌های محکم و استوار است. وقتی حکمت، که همان دانش متین و محکم است، در اختیار انسان قرار گرفت، سبب می‌شود که فرد بتواند آگاهانه و درست تصمیم بگیرد و دچار سرگردانی نشود.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

هرکس بتواند چهل روز کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، چشمه‌های حکمت و معرفت از دل و زبانش جاری خواهد شد.[2]

۱ـ حجر، ۴۰ و ص، ۸۳

۲ـ بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۴۳

آیه ۴۰ سوره حجر و آیه ۸۳ سوره ص: إِلاَّ عِبَادَکَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ:

مگر بندگان خالص تو از میان آنان را

آیه ۲۴ سوره یوسف(ع): وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلا أَن رَّأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاء إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود آهنگ او می‌کرد چنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم چرا که او از بندگان مخلص ما بود

علت اطمینان و احساس آرامش روانی اخلاص است (علت آرامش روانی، معلولیت اخلاص است)

(۳) ثمرهٔ دیگر اخلاص، احساس اطمینان و آرامش روانی، زندگی سالم و به دور از فساد، احساس لذت واقعی از زندگی خود، نجات از دغدغه‌ها و اضطراب‌ها و کسب زیبایی‌های معنوی در عین بهره‌مندی مطلوب از لذت‌های دنیاست.

۱و۲و۳

آن‌چه گفتیم، میوه‌های اولیهٔ درخت اخلاص و عبودیت است. برخی از میوه‌های آن در ذهن ما نمی‌گنجد، مگر آن وقت که راه‌های عالی بندگی را بپیماییم و آن میوه‌های وصف‌ناشدنی را بچینیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند فرزندان آدم علیه السلام را این‌گونه ندا می‌دهد:

میوه‌های ارزشی ← درخت اخلاص

توابع برتر ← برادرتر

راه‌های عالی بندگی را بپیما

توحید در خالقیت	یا بَنی آدَمَ	ای فرزندان آدم،
	اَنَا غَنِیٌّ لا اَفْتَقِرُ	من بی‌نیازی هستم که نیازمند نمی‌شوم
توحید عملی	اَطِعْنی فی ما اَمَرْتُكَ	مرا در آن‌چه به تو امر کرده‌ام اطاعت کن
	اَجْعَلْكَ غَنِیًّا لا تَفْتَقِرُ	تا تو را آن‌چنان بی‌نیاز کنم که نیازمند نشوی
	یا بَنی آدَمَ	ای فرزند آدم،
توحید در خالقیت	اَنَا حَیٌّ لا اَموتُ	من زنده‌ای هستم که نمی‌میرم
	اَطِعْنی فی ما اَمَرْتُكَ	مرا در آن‌چه به تو امر کرده‌ام اطاعت کن
	اَجْعَلْكَ حَیًّا لا تَموتُ	تا تو را زندگی‌ای بخشم که نمیری
	یا بَنی آدَمَ	ای فرزند آدم،
توحید در ربوبیت	اَنَا اَقولُ لِلشَّیْءِ كُنْ فَیَكونُ	من به هر چه می‌گویم «باش»، می‌شود
	اَطِعْنی فی ما اَمَرْتُكَ	مرا در آن‌چه به تو امر کرده‌ام اطاعت کن
	اَجْعَلْكَ	تا تو را چنان قرار دهم
	تَقولُ لِلشَّیْءِ كُنْ فَیَكونُ	که به هر چیز بگویی «باش»، بشود.[1]

(کسب معصومان ← از میوه‌های درخت اخلاص)

علت دیدار محبوب حقیقی اخلاص است (علت دیدار محبوب حقیقی معلولیت اخلاص است)

(۴) بالاترین میوهٔ اخلاص در بندگی، دیدار محبوب حقیقی و تقرب به پیشگاه کسی است که بنا به تعبیر امیرمؤمنان نهایت آرزوی عارفان، دوست دل‌های صادقان، ولیّ مؤمنان و معبود عالمیان است.[2]

۱ـ عدّةُ الداعی، ابن فهد حِلّی، ص ۲۹۱ (به نقل از کتاب «به سوی خودسازی» از استاد مصباح یزدی، ص ۱۸۳)

۲ـ دعای کمیل

میوه‌های ارزشی درخت اخلاص

عدم نفوذ پذیری شیطان

دست یابی به حقیقت و در حقیقت محکم شدن

احساس اطمینان و آرامش روانی

میوه‌های اخلاص

بالاترین میوه

دیدار محبوب حقیقی و تقرب

کافی است به زندگی زیبا و پر از جمال رسول خدا ﷺ، امیرالمؤمنین علیه‌السلام، فاطمه زهرا علیهاالسلام و دیگر پیشوایان خود نظر بیفکنیم و ببینیم که چگونه این همه خوبی و زیبایی و آن مقام قرب و نزدیکی به محبوب را از راه بندگی به‌دست آورده‌اند.

بندگی کن تا که سلطانت کنند
تن رها کن تا همه جانت کنند
همچو سلمان در مسلمانی بکوش
ای مسلمان تا که سلمانت کنند
خوی حیوانی سزاوار تو نیست
ترک این خو کن که انسانت کنند
چون نداری درد، درمان هم مخواه
درد پیدا کن که درمانت کنند
بندهٔ شیطانی و داری امید
که ستایش همچو یزدانت کنند؟ [1]

۱ــ اخلاص در عبادت با توحید عبادی چه رابطه‌ای دارد؟ آیا می‌تواند به یک معنا باشد؟ توضیح دهید.

۲ــ از نظر اخلاص و ریا چند رابطه می‌تواند میان نیّت و عمل برقرار باشد؟

۳ــ نمونه‌هایی از حق‌پذیری یا ایستادگی در برابر حق را که در جامعهٔ پیرامون خود تجربه کرده‌اید، ذکر کنید و عامل آنها را توضیح دهید.

۴ــ از نظر شما، در میان برنامه‌های پیشنهادشده برای رسیدن به اخلاص، کدام یک اهمیت بیشتری دارد؟ چرا؟

۱ــ خزائن‌الاشعار، سید عباس جوهری

تذکر: تمامی آیات و مطالب این درس مربوط می شود به توحید در ربوبیت

درس پنجم
قدرت پرواز

در درس‌های پیشین که سخن از توحید در خالقیت، ربوبیت و عبادت بود، گفته شد که تنها مالک، رب و مدبر جهان خداست و هیچ یک از مخلوقات در ادارهٔ جهان در کنار او قرار نمی‌گیرند و با او شریک نمی‌شوند. همهٔ موجودات، تحت اراده و مدیریت خداوند و به اذن او عمل می‌کنند.

در این درس به یاری خداوند، به بررسی این سؤال خواهیم پرداخت که، با توجه به این که همهٔ رخدادها و حوادث جهان، تحت اراده و مدیریت خداوند است، نقش اراده و اختیار انسان در این نظام جهانی چیست؟ آیا این نظام بستری مناسب برای ظهور اختیار انسان است یا مانع آن می‌باشد؟

۱ إِنّا هَدَيْناهُ السَّبيلَ
إِمّا شاكِرًا وَ إِمّا كَفورًا
انسان، ۳

ما... راه را به او نشان دادیم
خواه... شکر کند... خواه... کفر ورزد...

۲ قَدْ جاءَكُمْ بَصائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ
فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ
وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْها
وَ ما أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفيظٍ
انعام، ۱۰۴

به‌راستی آمده است نزد شما
رهنمودهایی از پروردگارتان؛
پس هر که بینا گشت به سود خودش،
و هر کس کوری پیشه کرد به زیان خودش است
و من بر شما نگهبان نیستم

۳ إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ
السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ
أَنْ تَزولا ← مضارع
وَ لَئِنْ زالَتا ← السماوات و الارض
إِنْ أَمْسَكَهُما
مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ
إِنَّهُ كانَ حَليمًا غَفورًا
فاطر، ۴۱

همانا خداوند نگه می‌دارد
آسمان‌ها و زمین را
از منحرف شدن
و اگر منحرف شوند
نگه نمی‌دارد آن دو را
هیچ کسی بعد از او
اوست بردبار آمرزنده

۴ إِنّا كُلَّ شَيْءٍ
خَلَقْناهُ بِقَدَرٍ
قمر، ۴۹

همانا همه چیز را...
به اندازه... خلق کردیم...

۱ همانونمدی اجتماع
هدایت تشریعی
اختیار انسان

۲ همانونمدی اجتماع
هدایت تشریعی
اختیار انسان

۳ توحید در ربوبیت
منظم همه موجودات
خدا در هر لحظه بقا
جهان تضاد در ذات

۴ قدر
هستی دارای حساب دقیق است
پیرو این نظام هستی
تفسیر یا دانش الهی / مربوط بودن اسباد رجهان به قوانین خاص الهی است.

۴۲

هُوَ الَّذی یُحْیی وَ یُمیتُ — اوست که زنده کند و بمیراند
فَاِذا قَضیٰ اَمْرًا — و چون به کاری حکم کند
فَاِنَّما یَقولُ لَهُ — پس به آن می‌گوید
کُنْ فَیَکونُ — باش، پس می‌باشد
غافر، ۶۸

اَللّٰهُ الَّذی سَخَّرَ لَکُمُ الْبَحْرَ — خداوند کسی است که دریا را رام کرد
لِتَجْرِیَ الْفُلْکُ فیهِ بِاَمْرِهِ — تا کشتی‌ها در آن به فرمان او روان شوند
وَ لِتَبْتَغوا مِنْ فَضْلِهِ — و از فضل او طلب کنید
وَ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرونَ — و شاید که شکر کنید
جاثیه، ۱۲

لاَ الشَّمْسُ یَنْبَغی لَها اَنْ تُدْرِکَ الْقَمَرَ — نه خورشید را سزد که به ماه رسد
وَ لاَ اللَّیْلُ سابِقُ النَّهارِ — و نه شب بر روز پیشی جوید
وَ کُلٌّ فی فَلَکٍ یَسْبَحونَ — و همه در مداری در گردشند.
یس، ۴۰

کَفور : ناسپاس
سَخَّرَ : مسخّر کرد، رام کرد
لِتَبْتَغوا : تا بجویید
قَدَر : اندازه
لِتَجْری : تا حرکت کند

اختیار، حقیقتی وجدانی و مشهود

تفاوتی اساسی میان آتش که می‌سوزاند، آب که جاری می‌شود، گیاه که می‌روید و حیوان که راه می‌رود، با انسان وجود دارد. هیچ یک از این مخلوقات، قدرت انتخاب یک عمل خاص از میان چندین رفتار ممکن را ندارند و این فقط انسان است که همواره در برابر چندین کار و چندین راه

مختلف قرار می‌گیرد و از آن‌ها یکی را برمی‌گزیند.

توانایی انتخاب و گزینش ناشی از اختیار است. اختیار که به معنای توانایی بر انجام و ترک یک کار است، یک حقیقت وجدانی است و هر کس آن را در خود می‌یابد و می‌بیند که شبانه‌روز در حال تصمیم‌گرفتن برای انجام یک کار یا ترک آن است. حتی کسی که آن را در سخن یا بحث انکار می‌کند، در عمل از قدرت اختیار خود بهره می‌برد. مولوی این حقیقت را در قالب یك مثال این‌گونه یادآوری می‌کند:

آن یکی بر رفت بالای درخت
می‌فشاند او میوه را دزدانه سخت
صاحب باغ آمد و گفت ای دَنی
از خدا شرمت، بگو چه می‌کنی؟
گفت: از باغ خدا بندهٔ خدا
می‌خورد خرما که حق کردش عطا
پس ببستش سخت آن دَم بر درخت
می‌زدش بر پشت و پهلو چوب سخت
گفت: آخر از خدا شرمی بدار
می‌کُشی این بی‌گنه را زار زار
گفت: کز چوبِ خدا این بنده‌اش
می‌زند بر پشت دیگر بنده‌اش
چوبِ حق و پشت و پهلو، آنِ او
من غلام و آلت فرمان او
گفت: توبه کردم از جبر ای عیار
اختیار است اختیار است اختیار[1]

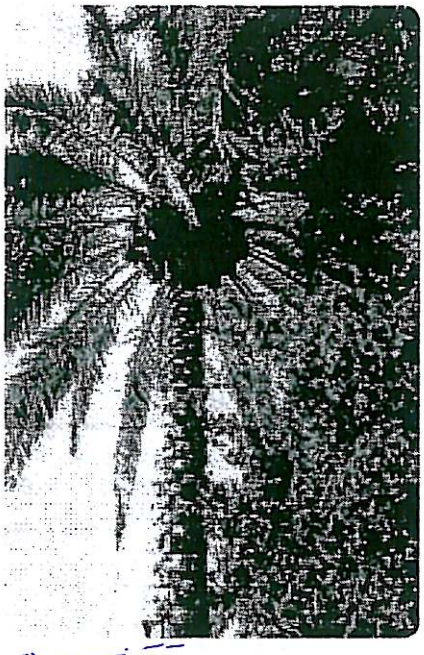

با وجود روشن بودنِ اختیار، نشانه‌های فراوان آن را همواره در خود مشاهده می‌کنیم، از جمله:

۱ــ تفکر و تصمیم: در ساعات متفاوت شبانه‌روز تصمیم‌هایی می‌گیریم و برای این تصمیم‌ها ابتدا اندیشه می‌کنیم و جوانب آن را با سبک و سنگین کردن می‌سنجیم. گاهی نیز دچار تردید می‌شویم که از میان چند راه و چند کار، کدام‌یک را انتخاب کنیم. دست آخر، پس از بررسی‌های لازم، یکی از

۱ــ مثنوی معنوی، مولوی

آن راه‌ها را برمی‌گزینیم و وارد آن می‌شویم :

این که فردا این کنم یا آن کنم
خود دلیل اختیار است ای صنم[1]

دلالت دارد بر تفکر و تصمیم از شواهد اختیار

۲ــ احساس رضایت یا پشیمانی : هرگاه در کار خود موفق شویم، احساسی از رضایت و خرسندی از خود، وجود ما را فرا می‌گیرد. این احساس رضایت نشانهٔ آن است که آن کار را از خود و نتیجهٔ اراده و تصمیم عاقلانهٔ خود می‌دانیم. گاه نیز در کاری مرتکب اشتباه می‌شویم و بر اثر این اشتباه به خود یا دیگری زیان وارد می‌شود. در این هنگام احساس ندامت و پشیمانی به سراغمان می‌آید و این بدان معناست که آن اشتباه، به اراده و اختیار ما بوده است.

گر نبودی اختیار این شرم چیست
این دریغ و خجلت و آزرم چیست؟
و آن پشیمانی که خوردی زان بدی
ز اختیار خویش گشتی مهتدی[2]

دلالت دارد بر احساس رضایت یا پشیمانی از شواهد اختیار

۳ــ مسئولیت‌پذیری : هرکدام از ما خودمان را مسئول کارهایی می‌دانیم که انجام می‌دهیم. به همین جهت است که اگر کار ما درست و نیکوبود موردتشویق قرار می‌گیریم و اگر کار زشت و نادرست از ما سر زند تنبیه و کیفر می‌شویم. عهدها و پیمان‌ها نیز بر همین اساس استوار شده‌اند و اگر کسی پیمان‌شکنی کند و مسئولیت خود را انجام ندهد، وی را مستحق مجازات می‌شمرند.

هیچ گویی سنگ را فردا بیا
ور نیایی من دهم بَد را سزا؟
هیچ عاقل مرکلوخی را زند؟
هیچ با سنگی عتابی‌کس‌کند؟[3]

دلالت دارد بر مسئولیت پذیری از شواهد اختیار

در آیات ابتدای درس بیندیشید و توضیح دهید کدام آیات بیانگر اختیار انسان است و چگونه از آنها می‌توان به وجود اختیار در انسان پی برد.

۱ــ مثنوی معنوی، مولوی
۲ و ۳ــ همان مثنوی معنوی، مولوی، دفتر پنجم

فواید توجه ما به اختیار

گرچه قدرت اختیار با ساختار انسان سرشته شده و وجود آن انکارناپذیر است، اما آن‌چه اهمیت دارد، نحوهٔ بهره‌مندی از آن است. قدرت اختیار از این جهت، مانند قدرت تفکر است؛ چه بسیار افرادی که استعداد فکری خارق‌العاده‌ای دارند ولی بدان توجه نکرده و آن استعداد را در وجود خود مدفون ساخته‌اند. و چه بسیار افرادی که استعدادی متوسط داشته‌اند، اما با همین استعداد متوسط، دروازه‌های بزرگ علم و دانش را فتح کرده‌اند.

میان کسی که نعمت اختیار و آزادی خود را شناخته و آن را باور دارد و کسی که شخصیت خود را حقیر، و اختیار خود را به تاراج رفته می‌پندارد، تفاوت بسیار است. انسانی که اختیار خود را باور کرده و به آن معتقد است، احساس هویت می‌کند، و از خودباوری بالایی برخوردار است؛ در قبال کارهای خود احساس مسئولیت می‌کند، تصمیم‌های اشتباه خود را می‌پذیرد و در صدد جبران برمی‌آید.

پندارهای ویرانگر

(۱) هر چند اختیار انسان امری مشهود و انکارناپذیر است، اما برخی اندیشه‌های باطل سبب رواج جبرگرایی می‌شوند. مثلاً کسی که بپندارد که انسان مانند سایر اشیای مادی است، جایی برای اراده و اختیار باقی نمی‌گذارد.[۲]

(۲) رواج عقیدهٔ «جبری‌گری» مانند ویروس فلج، تحرک، سازندگی و نشاط را از فرد و جامعه می‌گیرد و فرصت را برای زورگویان فراهم می‌کند. زورگویان و تجاوزگران به حقوق مردم، قدرت و ثروت به چنگ آورده را موهبت الهی معرفی می‌کنند و مدعی می‌شوند این از تقدیر و سرنوشت است که گروهی غرق در نعمت و ثروت، و عده‌ای در محنت و مشقّت باشند. از طرف دیگر، کسانی که از این نعمات الهی محروم شده‌اند، به خود حق اعتراض نمی‌دهند و می‌پندارند مخالفت آنان، اعتراض به خواست الهی و تقدیر است.[۳]

۱ــ در قرن‌های نوزدهم و بیستم میلادی برخی از فلاسفهٔ مادی‌گرا به همین نتیجه در اندیشه‌های خود رسیدند و گرفتار افکار نیهیلیستی (پوچ‌گرایی) شدند. برخی از نویسندگان ایرانی نیز در همان سال‌ها تحت تأثیر آن اندیشه‌ها قرار گرفتند و به فلسفهٔ پوچی روی آوردند و زندگی مأیوسانه‌ای را گذراندند.

۲ــ وقتی که بنی‌امیه قدرت را به دست گرفتند و حاکم مسلمانان شدند و به چپاول و غارت اموال مسلمانان پرداختند و قوانین اسلام را زیر پا گذاشتند، برای اینکه زمینهٔ اعتراض و قیام مردم را از بین ببرند، عقیدهٔ جبری‌گری را بین مردم رواج دادند و هرگونه حق‌طلبی را مبارزه با تقدیر و سرنوشت معرفی می‌کردند، به گونه‌ای که مردم فکر کنند مبارزه با ستمگری مانند یزید، مبارزه با خواست و تقدیر الهی است.

(۲)

(۳) پندار ویرانگر دیگر از آنِ کسانی است که فکر می‌کنند اختیار به معنای آزادی مطلق، محور قرار دادن خواست‌های خود بدون توجه به عواقب و نتایج آن، و حتی نادیده گرفتن قانون‌مندی‌های حاکم بر جهان خلقت است. اینان، اختیار را برای ارضای میل و هوس‌های خود می‌خواهند و توجه نمی‌کنند که چنین برداشتی از اختیار، نتایج زیانباری برای آنها و جامعه و محیط زندگی آنان خواهد داشت.

.....

* با بررسی عملکرد برخی جوامع و برخی آدم‌ها، نمونه‌هایی از این خودمحوری و توجه افراطی به اراده و خواست انسان را نشان دهید.

.....

زمینه‌ساز شکوفایی اختیار

خداوند، قدرت اختیار و اراده را از آن جهت به ما عطا فرموده که با بهره‌مندی از آن، دروازه‌های پیشرفت را فتح کنیم و قله‌های کمال را بپیماییم و در آسمان هستی تا جایی که جز خدا نمی‌داند، به پیش رویم. زمینه‌ساز چنین پروازی و دوری از پندارهای نادرست، درک صحیح نظام حاکم بر جهان خلقت است که در اینجا به شرح مختصر آن می‌پردازیم:

۱ــ اعتقاد به خداوند حکیم: مهم‌ترین گام برای رسیدن به این معرفت، اعتقاد به خداوندی حکیم، عادل و قادر است که با حکمت خود جهان را خلق کرده، و آن را تدبیر و اداره می‌کند به طوری که همهٔ حوادث و رخدادهای جهان، در یک چارچوب سامان‌دهی شده و قانون‌مند اتفاق می‌افتد و اگرچه ما، به علت دانش محدود و ناقص خود از درک عمیق اهداف حکیمانهٔ بسیاری از رویدادهای جهان خلقت عاجز هستیم، اما مطمئنیم و اعتقاد داریم که هر حادثه‌ای دارای هدفی معین می‌باشد.

✓ قطره‌ای کز جویباری می‌رود
از پی انجام کاری می‌رود

ایمان به خداوند حکیم و نظام حکیمانهٔ او، همچنین این اطمینان را به انسان می‌بخشد که جهان

۱ــ انسان‌محوری و اومانیسم افراطی، زیربنای فلسفه و انسان‌شناسی حاکم بر زندگی عصر جدید است و مورد نقد جدی متفکران بزرگ و دردمندان حقیقت‌طلب قرار گرفته است. در این زمینه می‌توانید به کتاب‌های «فطرت» و «فلسفهٔ اخلاق» از استاد شهید مطهری، «بحران دنیای متجدد» از رنه گنون، «جوان مسلمان و دنیای متجدد» از دکتر سید حسین نصر، «چهارمقال دانش و طبیعت» از راندانا شیوا، «علل تزلزل تمدن غرب» از اصغر طاهرزاده و «مبانی توسعه و تمدن غرب» از سید مرتضی آوینی مراجعه کنید.

دارای حافظ و نگاهبانی است که اشتباه در کار او راه ندارد. کشتی جهان ناخدایی دارد که به علت علم و قدرت بی‌پایان آن ناخدا، به هیچ‌وجه احتمال غرق شدن و نابودی آن نمی‌رود و هیچ‌کسی جز او نیز نمی‌تواند آن را از نابودی نجات دهد.

.....

کدام یک از آیات درس به حقیقت ذکر شده اشاره دارد؟ پیام آن آیه را بنویسید.

.....

.....

.....

۲ــ قانونمند بودن جهان: زندگی در یک جهان قانون‌مند، این امکان را به ما می‌دهد که با شناخت و استفاده از قوانین جهان نیازهای خود را برطرف کنیم، استعدادهای خود را به فعلیت برسانیم و پله‌های کمال را بپیماییم. (نام دیگر این قانون‌مندی «نظم و سامان» و «قضا و قدر الهی» است.)

قضا و قدر و اختیار انسان

«تقدیر» به معنای «اندازه گرفتن» است. «قَدَر» و «قَدْر» نیز به معنای «اندازه» هستند. «قضا» به معنای «به انجام رساندن، پایان دادن، حکم کردن و حتمیّت بخشیدن» است. موجودات جهان، از آن جهت که خداوند متعال حدود، اندازه، ویژگی، موقعیت مکانی و زمانی آنها را تعیین می‌کند، مقدَّر به تقدیر الهی هستند؛ و از آن جهت که با حکم و فرمان و ارادهٔ الهی ایجاد می‌شوند، مربوط به قضای الهی هستند. به عبارت دیگر، نقشهٔ جهان با همهٔ ریزه‌کاری‌ها و قانون‌مندی‌هایش از آن خداست و اجرا و پیاده کردن آن نیز به‌وسیلهٔ خداست. به همین جهت نه در نقشهٔ آن نقص و اشتباهی هست و نه در اجرا و پیاده کردن آن. آیا اگر غیر از این بود، ما می‌توانستیم با اطمینان خاطر کار و فعالیت کنیم و از اختیار خود بهره‌ای ببریم؟

آبی که با ارادهٔ خود می‌نوشیم، به علت اعتماد به همین تقدیر است. یعنی می‌دانیم که خداوند آب را با ویژگی‌ها، اندازه‌ها و تقدیرها آفریده که سبب رفع تشنگی انسان می‌شود. اما کسی که این تقدیرها را نبیند و جهان را پر از هرج و مرج بپندارد، آیا واقعاً می‌تواند از اراده و اختیار خود بهره ببرد؟

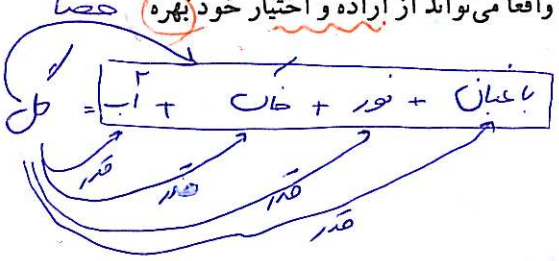

۴۸

نکات مهم:

علت ناقصه: برای پیدایش معلول شرط لازم است.

علت تامّه: برای پیدایش معلول شرط لازم و کافی است.

اصل ضرورت: هرگاه علت تامّه باشد، معلول حتماً، قطعاً، ضرورتاً بوجود خواهد آمد.

مثال:

قدر: اندازه، ویژگی، خصوصیات، مقدار، کیفیت، شرط لازم، علت ناقصه (رابطهٔ معلول را با علت ناقصه‌اش، مرحله‌ای مقدر گویند)

قضا: علت تامّه، شرط لازم و کافی، اصل ضرورت، شدن، ایجاد یا خلق، تحقق یا خلق یکسره کردن (رابطهٔ معلول را با علت تامه‌اش مرحله‌ای قضا گویند)

.....

در آیات ۴۹ سورهٔ قمر، ۶۸ سورهٔ غافر و ۴۰ سورهٔ یس تفکر کنید و به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ – آیا چیزی در جهان هست که دارای خصوصیات و ویژگی معیّن نباشد؟

سوره...../ آیه.....

.....

۲ – پدیده های جهان به حکم و ارادهٔ کیست؟ سوره...../ آیه.....

.....

۳ – آیا موجودات جهان از قانون‌مندی خود خارج می‌شوند؟ سوره...../ آیه.....

.....

۴ – پاسخ سؤال های فوق چه تأثیری در زندگی انسان دارد؟

.....

.....

برخی چنین پنداشته‌اند که قضا و قدر الهی با اختیار انسان ناسازگار است و تصور می‌کنند تقدیر، چیزی ورای قانون‌مندی و نظم است که وقتی به حادثه‌ای تعلق گرفت، هر قانونی را لغو و هر نظمی را برهم می‌زند؛ درحالی‌که خواهیم دید بدون پذیرش قضا و قدر الهی هیچ نظمی برقرار نمی‌شود و هیچ زمینه‌ای برای کار اختیاری پدید نمی‌آید.

روزی امیرمؤمنان علی علیه‌السلام با جمعی از یاران خود در سایهٔ دیواری نشسته بودند. امام علیه‌السلام، متوجه کجی و سستی دیوار شد. برای این که دیوار روی ایشان و یاران نریزد، از آن‌جا برخاست و زیر سایهٔ دیواری دیگر نشست. یکی از یاران به آن حضرت گفت :

ــ یا امیرالمؤمنین آیا از قضای الهی می‌گریزی؟

امام فرمود : «از قضای الهی به قَدَر الهی پناه می‌برم.»

برداشت نابه‌جای آن شخص، چنین بود که اگر قضای الهی به مرگ انسان تعلق گرفته باشد، چه در سایهٔ دیوار کج و سست نشسته باشد چه در سایهٔ دیوار مستحکم، دیوار خراب خواهد شد و مرگ خواهد آمد؛ بنابراین حرکت و تغییر مکان وی و تصمیم‌گیری براساس دستور عقل، بی‌فایده است. امّا امیرمؤمنان با رفتار و گفتار خود، نگرش صحیح از قضا و قدر را نشان داد و به آن شخص (و دیگران) آموخت که اعتقاد به قضا و قدر، نه‌تنها مانع تحرک و عمل انسان نیست؛ بلکه عامل و زمینه‌ساز آن است. زیرا فرو ریختن دیوار کج، یک قانون و قضای الهی است. این قضا متناسب با شرایط و تقدیر خاص

آیه ۴۹ قمر : إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ: ماییم که هر چیزی را به اندازه آفریده‌ایم

پیام:

آیه ۶۸ غافر : هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ: او همان کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند و چون به کاری حکم کند همین قدر به آن می‌گوید باش بی‌درنگ موجود می‌شود **پیام:**

آیه ۴۰ یس: لَا الشَّمْسُ يَنبَغِي لَهَا أَن تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

نه خورشید را سزد که به ماه رسد و نه شب بر روز پیشی جوید و هر کدام در سپهری شناورند

پیام:

آن دیوار، یعنی کجی آن است. امّا اگر دیوار، ویژگی دیگری داشته باشد، یعنی اگر محکم باشد، قانون و قضای دیگری را به‌دنبال خواهد آورد و انسانی که این دو تقدیر و این دو قضا را بشناسد، تصمیم می‌گیرد و دست به انتخاب مناسب‌تر می‌زند.

حال جهانی را درنظر بگیرید که هیچ‌گونه تقدیر و اندازه‌ای بر پدیده‌های آن حاکم نباشد؛ آیا در چنین جهانی جایی برای اراده و اختیار انسان وجود دارد؟ و آیا اصلاً چنین جهانی معنا دارد و می‌تواند واقعیت خارجی پیدا کند؟

رابطهٔ ارادهٔ انسان با ارادهٔ خداوند

اینکه می‌گوییم خداوند با حکمت خود، اندازه، ویژگی و نقشهٔ پدیده‌ها را معین می‌کند و با ارادهٔ خود محقق می‌سازد، به این معناست که حوادث جهان و از جمله کارهای انسان تحت تدبیر و ارادهٔ خداوند و مظهری از قضا و قدر اوست. مسأله این است: چگونه می‌توان هم به قضا و ارادهٔ الهی معتقد بود و هم انسان را موجودی مختار دانست؟ آیا می‌توان گفت که کار انسان، هم به اراده و اختیار او وابسته است و هم به ارادهٔ خداوند؟

برای پاسخ به این پرسش لازم است با علت‌هایی که در پیدایش یک پدیده دخالت دارند، آشنا شویم. این علل، بر دو دسته‌اند:

۱ـ علل عرضی: در پیدایش هر پدیده ممکن است چند عامل به‌صورت مجموعه و با همکاری یکدیگر دخالت کنند. مثلاً برای رویش یک گل، مجموعه‌ای چون باغبان، خاک، آب، نور و حرارت دست به دست هم می‌دهند و با مشارکت یکدیگر گل را پدید می‌آورند. این‌گونه علل را «علل عرضی» می‌گویند. در این مثال، هر عامل به‌طور مستقیم نقشی برعهده دارد که با نقش دیگری متفاوت است.

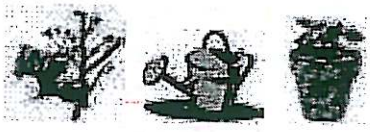

۲ـ علل طولی: گاهی تأثیر چند عامل در پیدایش یک پدیده این‌گونه است که مثلاً، یک عامل در عامل دیگر اثر می‌گذارد و آن عامل دوم در عامل سوم تأثیر می‌کند تا اثر عامل اول را به معلول منتقل کند. برای مثال، وقتی که شما قلم به‌دست می‌گیرید و نامه می‌نویسید، چندین عامل، در طول هم، در انجام این کار دخالت دارند:

اول، قلم که با حرکت خود روی صفحه جملات را می‌نگارد؛

دوم، دست شما که قلم را به حرکت درمی‌آورد؛

نظام علت و معلول ... تضاد قضا ... از مظاهر تقدیر در ربوبیت

سوم، سیستم عصبی بدن که موجب حرکت دست شما می‌شود؛

چهارم، ارادهٔ شما که مقدم بر سه علت قبلی است؛

پنجم، نفس یا روح شما که اراده از او پدید می‌آید.

کار نوشتن را به هریک از این عوامل می‌توان نسبت داد؛ بدین‌معنا که اگر هریک از این عوامل نبود، عمل نوشتن ممکن نمی‌شد، اما هر علتی، به‌ترتیب، علت بودن خود را از عامل بالاتر می‌گیرد. قلم می‌نویسد، اما حرکت آن ناشی از حرکت دست است. حرکت دست به نوبهٔ خود محصول کار سیستم عصبی است. این کار هم ناشی از اراده و اراده هم از نفس شماست. این علت‌ها را «علل طولی» می‌گویند.

بسیار مهم

وجود اختیار و اراده در انسان به علت ارادهٔ الهی و خواست اوست. خداوند اراده کرده است که انسان موجودی مختار و دارای اراده باشد. در فعل اختیاری، تا زمانی که انسان به انجام فعلی اراده نکند، آن فعل انجام نمی‌گیرد. اما در عین حال، وجود ما، ارادهٔ ما و عملی که از ما سر می‌زند، همگی وابسته به ارادهٔ خداوند است. یعنی ارادهٔ انسان در طول ارادهٔ خداست و با آن منافات ندارد.

.....

*با این‌که قضای الهی و اختیار، هر دو، چه در موفقیت‌ها و چه در شکست‌های انسان نقش دارند، چرا برخی انسان‌ها می‌کوشند شکست‌های خود را به قضا و قدر نسبت دهند؟

.....

.....

اختیار انسان، یک تقدیر الهی

وقتی از تقدیر جهان به وسیلهٔ خداوند سخن می‌گوییم، منظورمان فقط تعیین طول، عرض، حجم، مکان و زمان یک موجود نیست. این‌ها ساده‌ترین و آشکارترین تقدیرها هستند. تقدیر الهی شامل همهٔ ویژگی‌ها، کیفیت‌ها و کلیهٔ روابط میان موجودات می‌شود. این که آب در چند درجه بجوشد، تعداد الکترون‌های هر عنصر چه تعداد باشد، ماه در کدام مدار دور زمین گردش کند، بدن انسان از چه اعضایی تشکیل شود، کار هر عضوی چه باشد، همه و همه از تقدیرات الهی است.

یکی از تقدیرات الهی برای انسان این است، که او دارای اختیار باشد؛ همان‌طور که مثلاً به آب، ویژگی مایع بودن را داده است، به انسان نیز ویژگی مختاربودن را عطا کرده است. به تعبیر دیگر، خداوند این‌گونه خواسته که انسان کارهایش را «با اختیار انجام دهد» و کسی

۲ نکته بسیار مهم:

① اعتقاد به مختار بودن انسان با نظام علت و معلول حتمی توحید در ربوبیت منافات ندارد، زیرا اختیار انسان از مقدرات و قضا و قدر الهی است و توحید در ربوبیت است. به عبارت دیگر، قضای الهی بر این تعلق گرفته که انسان موجودی مختار باشد. پس در افعال اختیاری کاانسان اراده کند کار انجام می‌گیرد. پس هر فعل اختیاری در یک سطح مطلوب به اراده‌ی انسان است و در سطح دیگر به اذن خدا و این ارتباط طولی است. پس اراده‌ی انسان جزء اخیر علت تامه است (کار را آن کرا که کند) و

② اعتقاد به نظام علت و معلول با توحید در ربوبیت منافات ندارد زیرا نظام علت و معلول از مظاهر مقدر و قضا است و قضا و قدر از مظاهر توحید در ربوبیت است. بر این تعلق گرفته که نظام هستی دارای علت و معلول باشد. پس هر معلولی در یک سطح مسبوب به علت خود است و در سطحی دیگر مسبوب به اراده‌ی خدا و این سلسله طولی است.

شعله‌کشیدن آتش، سیراب‌کنندگی آب، سوزاندن آتش براساس خاصیت‌شان اما به اراده‌ی خداست.

وحدت وجدان

نمی‌تواند از اختیار، که ویژگی ذاتی اوست، فرار کند؛ حتی اگر بخواهد فرار کند، باز هم این یک کار اختیاری خواهد بود، چون همین کار را با خواست و ارادهٔ خود انجام می‌دهد.

محدودهٔ اختیار انسان

(۱) شاید در نگاه اول، انسان تصور کند، که این قانون‌مندی‌ها مانع تحرک و پویایی اوست. اما در نگاهی ژرف‌تر خواهد دید که خداوند با چه زیبایی رابطهٔ میان قدرتِ اختیار انسان و نظام جهان را سامان داده، به گونه‌ای که نه تنها این نظام سدّ راه او نشود، بلکه زمینه‌ساز عروج و صعود وی به سوی قله‌های کمال گردد.

(۲) تاریخ علم نشان می‌دهد که همین نظام قانون‌مند، به انسان امکان داده است تا دروازه‌های علم را بگشاید، پهنهٔ دریاها را بشکافد، اعماق اقیانوس‌ها را بجوید و فضای کهکشان‌ها را در نوردد و ابزارهای گوناگونی برای زندگی خود بسازد.

(۳) توجه کنیم که ما در چارچوب قوانین حاکم بر هستی حق انتخاب داریم و مثلاً آسمان و دریا در هر شرایطی رام انسان نیست؛ فقط درصورتی رام و مسخّر انسان می‌شوند که آدمی ویژگی‌ها و قانون‌مندی‌های آنها را بشناسد و متناسب با آن ویژگی‌ها، ابزارهایی مانند هواپیما و کشتی تهیه کند تا بتواند در آسمان‌ها و دریاها سیر کند.

پس تقدیرات و قانون‌مندی‌ها هم لازمهٔ کار اختیاری انسان و هم جهت‌دهنده و محدودکنندهٔ آن است. برخی از افراد به همین نکتهٔ بسیار روشن توجه نمی‌کنند و بدون درک قانون‌مندی‌های جهان، برای رسیدن به خوشبختی، راه‌های دلخواه خود را دنبال می‌کنند و بدبختی خود را رقم می‌زنند.

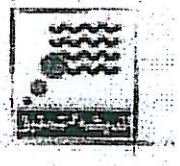

در آیهٔ ۱۲ سورهٔ جاثیه تفکر کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱ – مقصود از رام و مسخّر بودن آسمان‌ها و دریاها چیست؟

.....

۲ – چرا کشتی‌ها می‌توانند در دریاها حرکت کنند؟

.....

۳ – چرا انسان می‌تواند با اختیار خود به جستجوی در دریا بپردازد؟

.....

.....

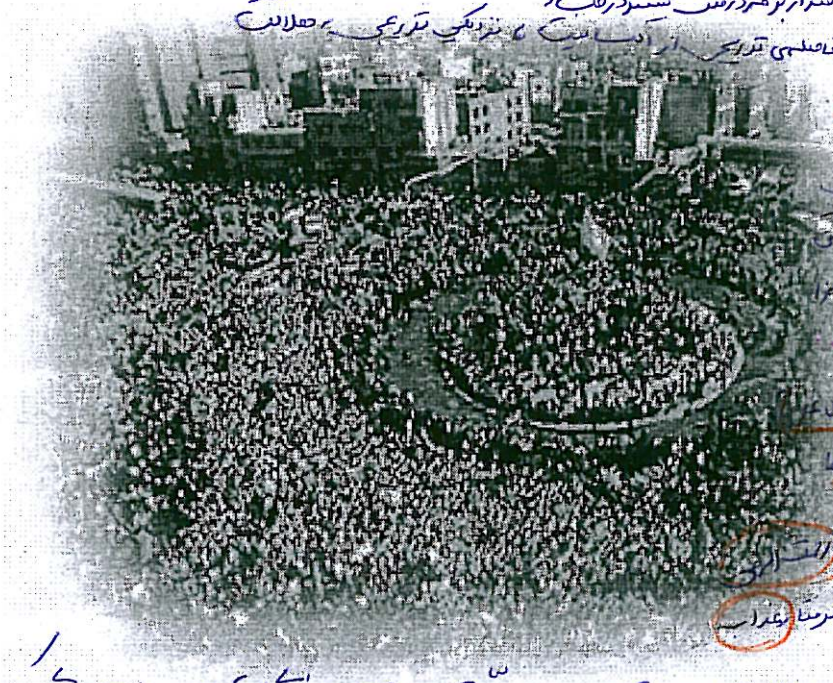

درس ششم
سنت‌های خداوند

در درس قبل، با حقیقت اختیار و رابطهٔ آن با قضا و قدر الهی آشنا شدیم و دانستیم که قانون‌مندی و نظام حاکم بر جهان خلقت، تجلی تقدیر الهی و زمینه‌ساز حرکت و پویایی انسان و به کارگیری اراده و اختیار او می‌شود. در این درس می‌خواهیم با برخی از قانون‌ها و سنت‌های الهی که در زندگی انسان تأثیر بیشتری دارند، آشنا شویم تا با توجه به آنها برنامه‌ریزی کنیم و راه موفقیت را هموارتر سازیم.

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ	سنت‌هایی پیش از شما بوده
فَسيروا فِي الأَرْضِ فَانْظُروا	سیر کنید در زمین
كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُكَذِّبينَ	پس بنگرید چگونه بود عاقبت تکذیب کنندگان

آل عمران، ۱۳۷

اَحَسِبَ النّاسُ اَنْ يُتْرَكوا	آیا مردم می‌پندارند رها می‌شوند؛
اَنْ يَقولوا آمَنّا	همین که گویند ایمان آوردیم،
وَ هُمْ لايُفْتَنونَ	و آزمایش نمی‌شوند؟

عنکبوت، ۲

كُلّاً نُمِدُّ هٰؤُلاءِ	کمک می‌کنیم هم به اینان (نیکوکاران)
وَ هٰؤُلاءِ مِنْ عَطاءِ رَبِّكَ	هم به آنان (بدکاران) از عطای پروردگارت
وَما كانَ عَطاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا	و عطای پروردگارت منعی ندارد

اسراء، ۲

وَلا يَحْسَبَنَّ الَّذينَ كَفَروا	آنان که کفر پیشه کرده‌اند تصور نکنند
اَنَّما نُمْلي لَهُمْ	اگر به آنان مهلت (بدکاری) می دهیم
خَيْرٌ لِاَنْفُسِهِمْ	به نفع آنهاست
اِنَّما نُمْلي لَهُمْ	فقط به این خاطر به آنان مهلت می‌دهیم
لِيَزْدادوا اِثْمًا	که بر گناهان خود بیفزایند
وَ لَهُمْ عَذابٌ مُهينٌ	درحالی که عذابی خوارکننده برای آنهاست

آل‌عمران، ۱۷۸

وَالَّذينَ كَذَّبوا بِآياتِنا	و کسانی که آیات ما را انکار کردند
سَنَسْتَدْرِجُهُمْ	به تدریج گرفتار عذابشان خواهیم کرد

مِنْ حَيْثُ لا يَعْلَمونَ
وَ اُمْلی لَهُمْ
اِنَّ كَيْدی مَتينٌ
اعراف، ۱۸۲ و ۱۸۳

از آن راه که نمی دانند
و به آنها مهلت می دهم
همانا تدبیر من استوار است

مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ
فَلَهُ عَشْرُ اَمْثالِها
وَ مَنْ جاءَ بِالسَّيِّئَةِ
فَلا يُجْزىٰ اِلاّ مِثْلَها
وَ هُمْ لا يُظْلَمونَ
انعام، ۱۶

(۶) سنت الهی، سنت حتمی الهی
عدالت در مورد کافران
لطف در مورد مؤمنان
ناشی از عدالت و لطف الهی

هر بن نیکی بنده ده برابر پاداش آن می دهیم
و کسی بدی کند
پاداش بدی جز آن داده نمی شود

وَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُرىٰ آمَنوا
وَ اتَّقَوا
لَفَتَحْنا عَلَيْهِمْ
بَرَكاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْاَرْضِ
وَ لٰكِنْ كَذَّبوا فَاَخَذْناهُمْ
بِما كانوا يَكْسِبونَ
اعراف، ۹۶

اگر مردم شهرها ایمان آورده
و به تقوا گراییده بودند،
همانا برایشان می گشودیم
برکاتی از آسمان و زمین
ولی تکذیب کردند، پس آنان را گرفتار ساختم
به کیفر آن چه کسب کردند

(۷) سنت الهی، سنت خاص الهی
تأمل موضعی
لطف خاص الهی / امداد غیبی

همه آیات کلونی

وَالَّذينَ جاهَدوا فينا
لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنا
وَ اِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنينَ
عنکبوت، ۶۹

(۸) سنت الهی، سنت خاص الهی
تأمل موضعی
لطف خاص الهی / امداد غیبی

کسانیکه در راه ما تلاش کنند
ما به راههای هدایت می کنیم
خداوند با نیکوکاران است

خَلَتْ : گذشت
سيروا : جستجو کنید، بگردید
جاءَ بـ : آورد، بیاورد

سُنَن : سنت‌ها
لَنَهْدِيَنَّهُم : حتماً آنان را هدایت می کنیم
يُجْزىٰ : جزا داده شود

با تفکر در آیات، پیام‌های زیر را تکمیل کنید.

۱- حیات فردی و اجتماعی انسان دارای ... است.
سوره ...../ آیه .....

۲- با مطالعه زندگی ... می‌توان این ... به‌دست آورد.
سوره ...../ آیه .....

۳- هرکس ادعای ایمان کند، ... قرار می‌گیرد.
سوره ...../ آیه .....

۴- خداوند به کافران مهلت می‌دهد و آنان از این مهلت ...
سوره ...../ آیه .....

۵- برخی انسان‌ها به تدریج گرفتار ... می‌شوند.
سوره ...../ آیه .....

۶- مطابق با ... الهی، میان پاداش و کیفر ... وجود دارد.
سوره ...../ آیه .....

۷- مطابق با ... الهی، رفتار خوب یا بد انسان‌ها ... تأثیر دارد.
سوره ...../ آیه .....

۸- رحمت واسعهٔ الهی به همهٔ افراد جامعه، چه نیکوکار و چه بدکار، ...
سوره ...../ آیه .....

۹- خداوند کسانی را که در راه او قدم بردارند، به‌طور خاص، ... می‌کند.
سوره ...../ آیه .....

سنت‌های الهی

براساس تقدیر الهی، جهان خلقت دارای قانون‌مندی است و پدیده‌های جهان در دایرهٔ قوانین خاصی حرکت می‌کنند و مسیر تکاملی را می‌پیمایند یا بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. این قوانین، اختصاص به پدیده‌های طبیعی ندارد و زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها را هم دربر می‌گیرد. قرآن کریم از این قوانین با عنوان «سنت‌های الهی» یاد کرده و انسان‌ها را به شناخت آنها، به‌خصوص سنت‌های مربوط به زندگی انسان‌ها دعوت نموده است.

پیام شمارهٔ

شناخت قوانین جهان خلقت سبب آشنایی ما با نشانه‌های الهی و درک عظمت خالق آنها و نیز بهره‌مندی از طبیعت می‌شود. اما شناخت قوانین حاکم بر زندگی انسان‌ها، موجب تنظیم درست رابطهٔ انسان با خود، دیگران، جهان خلقت و خداوند می‌گردد و راه رسیدن به کمال را هموار می‌کند. برخی

از این سنت‌ها عبارتند از :

۱ــ امتحان و ابتلاء: این سنت، مربوط به چگونگی و فرایند رشد و تکامل انسان و عامل ظهور و بروز استعدادهای اوست. هر انسان انتخابگری برای این که نیت و تمایل درونی خود را نشان دهد و نتیجهٔ آنچه را برگزیده است، آشکارا مشاهده کند، همواره در معرض امتحان و آزمایش است. نیز کسی که ایمان خود به خداوند و راه هدایت الهی را اعلام می‌کند، وارد آزمایش‌های ویژه و امتحان‌های خاص می‌گردد. همهٔ انسان‌ها در طول عمر خود در معرض آزمایش‌اند و پیروزی یا شکست در این آزمایش‌ها، سبب جدا شدن انسان‌های خوب از بد و ساخته شدن و تکامل، یا خسران و عقب‌ماندگی آنها می‌گردد. اگر پیروز شویم به مرحلهٔ بالاتر راه می‌یابیم و با امتحان جدیدتری روبه‌رو می‌شویم. درست مانند دانش‌آموزی که در طول هر سال آزمایش می‌شود تا به کلاس بالاتر راه یابد.

پیام شمارهٔ

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید :

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُ	به راستی که مؤمن
بِمَنْزِلَةِ كَفَّةِ الْمِيزَانِ،	به منزلهٔ کفهٔ ترازوست
كُلَّما زِيدَ فِي إِيمانِهِ	هر اندازه ایمانش افزوده شود،
زِيدَ فِي بَلائِهِ	امتحانش نیز سنگین‌تر می‌شود[1]

.....

*کسی که می‌داند حوادث زندگی برای ابتلاء و امتحان و برای رشد و تکامل انسان است، در مواجهه با این حوادث چگونه برخورد می‌کند؟

۱ــ .....

۲ــ .....

۳ــ .....

.....

۲ــ امداد الهی: در برابر دعوت انبیاء، مردم دو دسته می‌شوند : دسته‌ای به ندای حقیقت پاسخ مثبت می‌دهند و هدایت الهی را می‌پذیرند و دسته‌ای لجاجت ورزیده و در مقابل حق می‌ایستند. سنت الهی این است که هر کس با اراده و اختیار خود، راه حق یا باطل را برگزیند، شرایطی برای او فراهم شود

۱ــ بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۱۰

که در مسیری که انتخاب کرده، به پیش رود و سرشت خود را آشکار کند. یعنی خداوند برای هر دو گروه امکانات و لوازم رسیدن به خواسته‌ها و هدف‌هایشان را فراهم می‌کند. در حقیقت، کسی که راه حق را برمی‌گزیند، مورد لطف خداوند قرار می‌گیرد و مراتب کمال را می‌پیماید و افرادی که فقط خواهان دنیا هستند و برای آن می‌دوند، آن را به دست می‌آورند. البته اینان عواقب زیانبار این تصمیم را در آخرت مشاهده خواهند کرد.[1] بنابراین روی آوردن دنیا و لذت‌های دنیایی به برخی انسان‌های گناه‌کار نشانهٔ لطف خداوند به آنان نیست. زیرا از نعمت بی‌پایان الهی محروم مانده‌اند.

پیام شمارهٔ

۳ــ **توفیق الهی**: امداد خاص خدای متعال نسبت به آنان که با نیّت پاک، قدم در راه حق گذارند و سعادت جهان آخرت و رضایت پروردگار را هدف خود قرار دهند، «توفیق الهی» نام دارد. یعنی همراه با سعی و تلاشی که انسان از خود نشان می‌دهد، خداوند نیز شرایط و اسباب را چنان فراهم می‌سازد که وی بتواند آسان‌تر به مقصد برسد.

یکی از جلوه‌های این توفیق، نصرت و هدایت الهی به دنبال تلاش و مجاهدت است. خداوند، انسان تلاشگر و مجاهد را حمایت می‌کند، دست او را می‌گیرد و با پشتیبانی خود به پیش می‌برد.

پیام شمارهٔ

در حقیقت، انسانِ حق‌گرا، خود را با نظام حاکم بر جهان که نظامی حق است، هماهنگ کرده و درنتیجه نظام خلقت به او کمک می‌کند و یک قدمش به اندازهٔ ده‌ها قدم نتیجه می‌دهد. برای مثال، قرآن کریم وعده می‌دهد که بیست نفر با صد نفر انسان بی‌تقوا پیشه و شکیبا بر دویست نفر با هزار نفر از کفار پیروز می‌شوند.[2]

۴ــ **املاء و استدراج**: آنان که راه باطل را برمی‌گزینند و با حق عناد و دشمنی می‌ورزند، خداوند به آنها مهلت و فرصت زندگی می‌دهد ولی آنها این فرصت را وسیلهٔ غوطه‌ور شدن در تاریکی‌ها قرار می‌دهند؛ به طوری که اگر در ابتدا اندک امیدی وجود داشت که نور حقّی در دل آنها بتابد، به تدریج چنین امیدی بر باد رفته و به شقاوت ابدی گرفتار خواهند شد. درحقیقت، مهلت‌ها و امکانات، با اختیار و ارادهٔ خودشان به صورت بلای الهی جلوه‌گر شده و باعث می‌شود که بار گناهان آنان هر روز سنگین و سنگین‌تر شود. این سنت، که از جمله سنت‌های حاکم بر زندگی گناه‌کاران است، سنت «املاء» یا «امهال»[3] نام دارد.

پیام شمارهٔ

گاهی خداوند علاوه بر مهلت دادن، بر امکانات گمراهان می‌افزاید و آنها با استفاده از همین امکانات، و با اصرار خود بیشتر در فساد فرو می‌روند و قدم به قدم از انسانیت فاصله گرفته، و به تدریج

۱ــ اسراء، ۱۸ تا ۲۰ ۲ــ انفال، ۶۵

۳ــ املاء و امهال به معنای مهلت دادن است.

به سوی هلاکت ابدی نزدیک‌تر می‌شوند. چنین حالت تدریجی در حرکت به سوی عذاب الهی را سنت «استدراج» می‌خوانند.

پیام شمارهٔ

.....

* برخی از مردم که با سنت‌های الهی آشنایی ندارند، روی آوردن امکانات به گناه‌کاران را چگونه تحلیل می‌کنند؟ و دچار چه حالتی می‌شوند؟

.....

.....

اما درک درست این موضوع، ما را به سوی چه تحلیلی هدایت می‌کند؟

.....

.....

.....

۵ــ تفاوت در پاداش و کیفر: با آنکه براساس عدل، خداوند باید به همهٔ بندگان براساس میزان اعمالشان پاداش یا جزا دهد، اما از آن‌جا که خداوند با فضل خود با بندگان رفتار می‌کند، کار نیک را چند برابر و کار بد را فقط به اندازهٔ خودش پاداش و جزا می‌دهد.

پیام شمارهٔ

۶ــ تاثیر نیکی یا بدی در سرنوشت: رهنمودهای پیشوایان دین به ما می‌آموزند که زندگی ما به شدت تحت تأثیر رفتارهای ماست؛ به طور مثال، نیکوکاری یا گناه از جمله عوامل مؤثر در طول عمر یا کوتاهی آن هستند.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

مَنْ یَمُوتُ بِالذُّنُوبِ	کسانی که به واسطهٔ گناه می‌میرند
أَکْثَرُ مِمَّنْ یَمُوتُ بِالْأَجَالِ	از کسانی که به واسطهٔ سرآمد عمرشان می‌میرند، بیشترند.
وَ مَنْ یَعِیشُ بِالْإِحْسَانِ	و کسانی که به سبب نیکوکاری زندگی دراز دارند،
أَکْثَرُ مِمَّنْ یَعِیشُ بِالْأَعْمَارِ	از کسانی که به عمر اصلی زندگی می‌کنند، بیشترند.[1]

۱ــ بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۴۰

دعا بر قضا قدر هوشتر است چون آن قضا قدر حکم است
دعا بر قضای حق و قدر جبر هوشتر است

شرایط اقرار دعا
چیزی که انسان از خدا خواهد درخواست به خیر باشد

دعا نیز می‌تواند سبب بسیاری از خوبی‌ها و مانع بسیاری از بلاها گردد، البته درصورتی که دعا با شرایط واقعی آن انجام شود و چیزی که انسان از خداوند درخواست می‌کند، در نهایت به ضرر او تمام نشود.

این سنت، یک سنت اجتماعی نیز هست. جامعه‌ای که در مسیر خوبی‌ها گام بردارد، درهای رحمت الهی را به روی خود می‌گشاید و جامعه‌ای که به گناه آلوده شود، به برخی عذاب‌ها گرفتار خواهد شد.

پیام شمارهٔ

.....

* اکنون که با برخی از مهم‌ترین سنت‌های خداوند آشنا شدیم، لازم است برای حرکت درست در بستر این سنت‌ها و بهره‌مندی مطلوب از آنها به سؤال‌های زیر پاسخ دهیم و مطابق با پاسخ‌های خود برنامه‌ریزی کنیم.

۱- برای این‌که از سنت امتحان و ابتلاء موفق بیرون آییم چه اقداماتی باید انجام دهیم؟

الف) .....

ب) .....

ج) .....

۲- برای این‌که شکل مثبت امداد الهی نصیب ما شود و بهره‌مند از توفیق الهی گردیم چه برنامه‌هایی را پیشنهاد می‌دهید؟

الف) .....

ب) .....

ج) .....

۳- چگونه تشخیص دهیم گرفتار املاء و استدراج نشده‌ایم؟

.....

.....

.....

.....

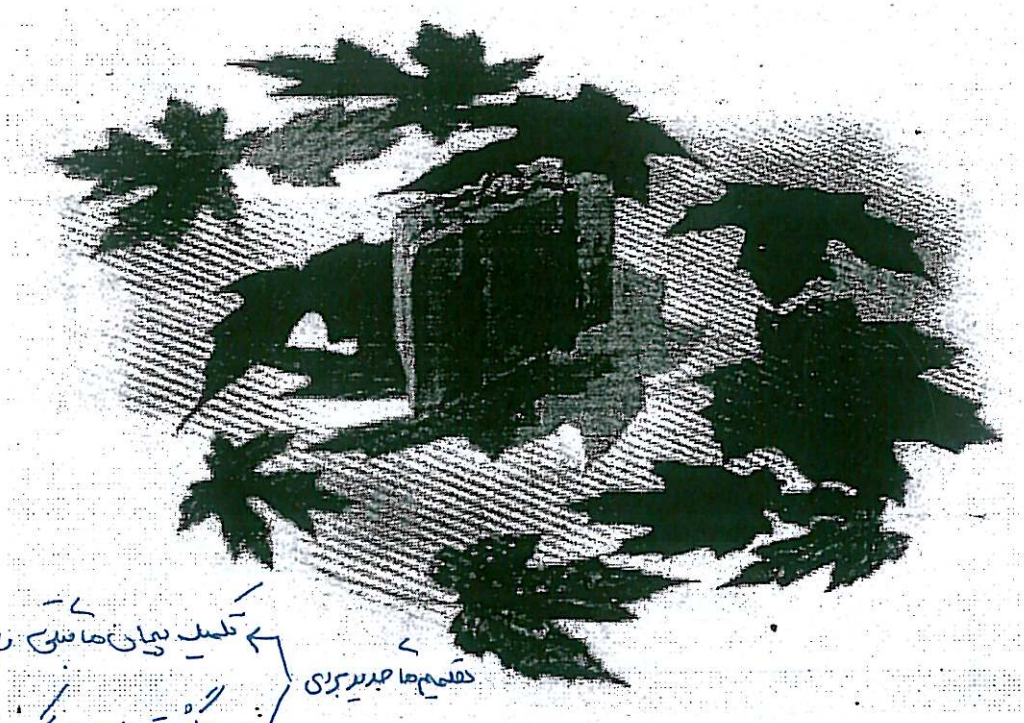

درس هفتم
بازگشت

خدای متعال به حضرت داود علیه‌السلام فرمود:

ای داود، اگر روی‌گردانان از من چگونگی انتظارم برای آنان، مدارایم با آنان و اشتیاق مرا به ترک معصیت‌هایشان می‌دانستند، بدون شک از شوق آمدن به سوی من می‌مردند و بندبند وجودشان از محبّت من از هم می‌گسست.[1]

تصمیم‌های جدید همواره برای تکمیل پیمان‌های قبلی و پیمودن ادامهٔ راه نیست. بلکه گاه برای بازگشت از مسیری است که چندی به غلط پیموده شده و آثار زیانباری برجای گذاشته است. این‌گونه تصمیم‌ها «توبه» نام دارد. در این درس می‌خواهیم بدانیم توبه چیست؟ و بازگشت حقیقی چه ویژگی‌هایی دارد؟

۱ــ میزان‌الحکمه، ج ۴، محمد محمدی ری شهری، ص ۲۷۹۷

تفسیر ← عمل بنی ← سبب از بین رفتن گناه می‌شود.

عفو و رحیم ← صفت خدا
برای توبه کنندگان

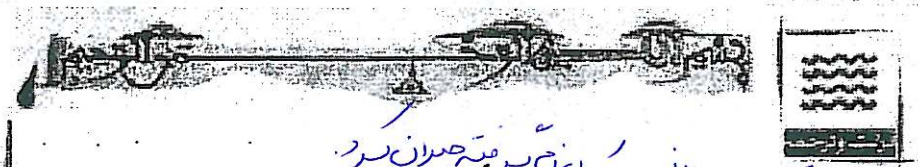

توبه نفی هبران حقوق ضایع شده در توبه باید طلبی که انجام شده جبران شود.

(۱)

وَمَنْ يَعْمَلْ سوءًا	هر بنی عمل بدی انجام دهد
أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ	یا به خود ظلم کند
ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللّٰهَ	سپس از خدا استغفار کند
يَجِدِ اللّٰهَ غَفورًا رَحيمًا	خداوند را آمرزنده و مهربان می‌یابد

نساء، ۱۱۰

(۲) ۲ نوع توبه وجود دارد.

فَمَنْ تابَ	هر بنی توبه کند
مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ	پس از ظلم کرد
وَ أَصْلَحَ	و بدی نکرد
فَإِنَّ اللّٰهَ يَتوبُ عَلَيْهِ	خداوند نیز از عذاب او
إِنَّ اللّٰهَ غَفورٌ رَحيمٌ	می‌گذرد زیرا خداوند بخشنده و مهربان است

مائده، ۳۹

توبه ی اصل نفی بازگشت
ازگناه - توبه ی خدا نفی بازگشت از عذاب

(۳) (۴)

إِلاّ مَنْ تابَ وَ آمَنَ	مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد
وَ عَمِلَ عَمَلاً صالِحًا	و کار شایسته انجام دهد
فَأُولٰئِكَ يُبَدِّلُ اللّٰهُ	پس خداوند بدی‌ها را
سَيِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ	به خوبی‌ها تبدیل می‌کند
وَ كانَ اللّٰهُ غَفورًا رَحيمًا	و خداوند همواره آمرزنده و مهربان است

لازمه ی توبه خدا توبه اصل است

فرقان، ۷۰

توبه از عوامل تکفیر گناهان است

سوء : کار بد
أَصْلَحَ : اصلاح کرد
يَجِدِ اللّٰه : بیابد خدا را
يُبَدِّلُ : تبدیل می‌کند

توجه علاوه بر آنکه موجب تکفیر گناهان میشود سبب برشکوفاندازه ی گناه نیز منظور شود.

۴) خداوند گناهان چه کسانی را به نیکی تبدیل میکند؟ کسانی که توبه کنند (تاب).
- ایمان آورند (آمن)
- کار نیک انجام دهند (عملاً صالحاً)

عبد یا آزاد

صدای ساز و آواز بلند بود. هرکس که از نزدیک آن خانهٔ با شکوه می‌گذشت، می‌توانست حدس بزند که در درون خانه چه خبر است! بساط عیش و میگساری پهن بود و جام شراب پیاپی نوشیده می‌شد.

زنی که در آن خانه خدمت می‌کرد، بیرون آمد تا زباله‌ها را در کناری بریزد. در همین لحظه مردی که آثار عبادت از چهره‌اش نمایان بود، از آنجا می‌گذشت. از آن زن پرسید :

صاحب این خانه بنده است یا آزاد؟

زن گفت : آزاد. صاحب چنین خانه‌ای که بنده نیست.

آن مرد گفت : معلوم است که آزاد است. اگر بنده می‌بود حرمت مالک و صاحب خود را نگه‌می‌داشت و این بساط را پهن نمی‌کرد.

رد و بدل شدن این سخنان موجب شد که خدمتکار مکث زیادتری در بیرون خانه بکند. هنگامی که برگشت، اربابش پرسید : «چرا دیر آمدی؟»

خدمتکار ماجرا را تعریف کرد و گفت : «مردی با چنین وضع و هیئتی می‌گذشت و چنان پرسشی کرد و من چنین پاسخی دادم.»

شنیدن ماجرا او را چند لحظه در اندیشه فروبرد. جملهٔ «اگر بنده می‌بود، حرمت مالک و صاحب خود را نگه می‌داشت» چون تیری بر قلبش نشست و او را تکان داد. بی‌اختیار از جابرخاست وبه خود مهلت کفش پوشیدن نداد. با پای برهنه به دنبال گویندهٔ سخن رفت. دوید تا خود را به وی رساند. به دست امام هفتم حضرت موسی علیه‌السلام توبه کرد و تا زنده بود به پیمان خویش وفادار ماند. بِشْربن حارث که تا آن روز در زمرهٔ اشراف زادگان و عیّاشان بود، در سِلک مردان پرهیزگار و خداپرست درآمد.[1]

انقلاب علیه خود

در میان موجودات پیرامون ما، گیاهان، به میزانی اندک، و حیوان‌ها، قدری بیشتر، می‌توانند در برابر موانع بیرونی جهت خود را تغییر دهند و مسیر حرکت را عوض کنند. امّا هیچ کدام از این‌ها توانایی آن را ندارند که علیه خود و تمایلات درونی کاری انجام دهند.

انسان، تنها موجودی است که هم می‌تواند با گناه به خود ستم کند و هم علیه خواسته‌های زشت خود قیام کند و انقلاب نماید.

۱ــ داستان راستان، استاد شهید مرتضی مطهری، داستان ۴۴

با توجه به آنچه در سال دوم دربارهٔ «نفس امارهٔ به بدی» و «نفس لوامه» آموخته اید، به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱ـ کدام یک از آیات ابتدای درس دربارهٔ ظلم به خود می‌باشد؟

۲ـ چگونه انسان به خود ظلم می‌کند؟

۳ـ انقلاب علیه خود چگونه است؟ کدام خود علیه کدام خود انقلاب می‌کند؟

.....

.....

.....

توانایی انقلاب علیه خود چه کاربردی دارد و در کجا باید از آن استفاده کرد؟

وجود ما با گرایش به خدا و محبت به او و گرایش به زیبایی‌ها و کمالات متعالی سرشته است. همهٔ ما پیوند قلبی میان خود و خدا را احساس می‌کنیم و رشتهٔ محبّتی را که او بر گردن ما بسته است، می‌یابیم. «خدایی» شدن آرزوی ما و در کنار او آرام گرفتن مقصد و مأوای ماست.[1] البته گرایش و شوق ما به دیدار خداوند، با اشتیاق او به رستگاری و سعادت ما قابل مقایسه نیست. او با لطف و مهربانی بی‌پایان خود همهٔ ابزارهای رستگاری و کمال را برای ما مهیا ساخته و کوچک‌ترین همّت ما را با پاداش‌های بزرگ پاسخ می‌دهد. کافی است ما قدمی به سوی او برداریم تا شتابان به سوی ما آید. او در انتظار ما و مشتاق ملاقات ماست.

ناسپاسی

(۱) با وجود چنین رابطه‌ای میان خالق و مخلوق، گاهی آدمی حرمت خدای خود را می‌شکند، گام در مسیر ناسپاسی می‌گذارد و خود را به گناهان آلوده می‌کند و از مسیر رستگاری دور می‌شود. گاهی نیز حرمت شکنی به تدریج افزایش می‌یابد و دامنهٔ گناه آنچنان گسترده می‌شود که چراغ عقل و فطرت به خاموشی می‌گراید؛ در این صورت، جهت الهی زندگی عوض می‌شود و آدمی، پشت به خدا، به سویی که شیطان وسوسه‌اش می‌کند، قدم برمی‌دارد.

(۲) اگر انسان هنگامی که اولین گناهان را مرتکب می‌شود، شخصیت آلوده و وحشتناک فردای خود را ببیند، به‌شدت از آن بیزاری می‌جوید و دوری می‌کند. اما پس از آن که در آن گرفتار آمد و خود

۱ـ فی مَقعَدِ صِدقٍ عِندَ مَلیکٍ مُقتَدِرٍ ـ قمر، ۵۵

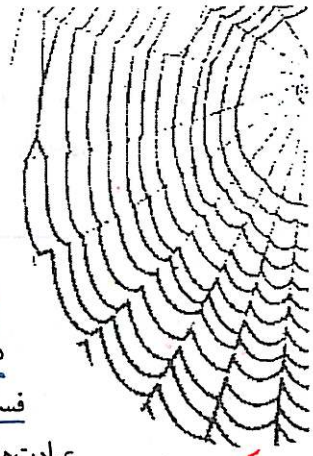

را بدان عادت داد، آن تنفر اوّلیه را نیز فراموش می‌کند. «توجیه» گناه و «عادت» به آن، از پرتگاه‌های خطرناک سقوط در وادی ضلالت است.

میزان تأثیر گناهان یکسان نیست. برخی گناهان تأثیرشان ضعیف، و برخی شدید و شدیدتر است. گناهان بزرگ به‌سرعت آدمی را از مسیر توحید و اخلاص خارج و گرفتار شیطان و هوس‌های شیطانی می‌کند. دروغ، ظلم به مردم، پذیرش ظلم و پشتیبانی از ظالم، کسب مال حرام، فسادهای اخلاقی، شراب‌خواری، روابط نامشروع جنسی، تهمت، ترک عبادت‌هایی چون نماز و روزه از این قبیل گناهان هستند. برخی از این‌ها، هم زندگی دنیایی فرد را تباه می‌کنند، هم در نسل‌های آیندهٔ او اثر می‌گذارند و هم عذاب‌های شدید اخروی را در پی دارند.

نکتهٔ تلخ‌تر و رنج‌آورتر، غفلت از نگاه خداوند به انسان‌ها، در هنگام ارتکاب گناه است. آیا می‌شود در زیر نگاه خدای بینا، دست به گناه آلوده کرد اما ردّپایی از شرمساری و خجالت در قلب آدمی ظاهر نشود؟ چگونه جرأت می‌کنیم و چنین اجازه‌ای به خود می‌دهیم؟!

امام صادق علیه‌السلام به یکی از یاران خود فرمود:

چنان از خدا خوف داشته باش که گویی او را می‌بینی. پس اگر تو او را نمی‌بینی، او تو را می‌بیند. اگر فکر کنی او تو را نمی‌بیند، کفر ورزیده‌ای و اگر بدانی که او تو را می‌بیند و در عین حال در مقابل او گناه می‌کنی، او را خوارترین بینندگان به خود قرار داده‌ای![1]

.....

*حالت خود را هنگام نافرمانی‌ها و خطاهایی که گاهی مرتکب می‌شوید، بررسی کنید و ببینید:

۱ـ به کدام خطا عادت کرده‌اید و علت آن چیست؟

۲ـ آیا به آثار سوء آن خطا آشنا هستید و می‌دانید چه اثری بر جای می‌گذارد؟

۳ـ هنگام انجام آن خطا، چه حالتی در پیشگاه خداوند دارید؟

.....

۱ـ اصول کافی، ج۲، ص ۶۷

حقیقت توبه

توانایی انقلاب علیه خود که حاصل پشیمانی از گذشته است، به انسان امکان می‌دهد راه رفته را باز کرده و فرصت‌های از دست‌داده را جبران نماید. این موهبت بسیار گرانبهایی است که خداوند به بندگان هدیه کرده و دروازهٔ رحمتی است که بر روی بندگان گشوده و نام آن را «توبه» گذاشته است. توبه یعنی بازگشت و در مورد بندگان به معنای بازگشتن از گناه به سوی فرمان‌برداری از خداوند است. البته این کلمه در قرآن کریم برای خداوند هم به‌کار می‌رود که در این صورت، به معنای بازگشت لطف و آمرزش الهی به انسان توبه‌کار است.

.....

تفکر و تدبر

در آیهٔ ۳۹ سورهٔ مائده تفکر کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱ – در این آیه چه نامی به گناه داده شده است؟

۲ – چرا خداوند این نام را به گناه داده است؟

۳ – برای رسیدن به مرحلهٔ آمرزش، چه مراحلی باید طی شود؟

.....

.....

.....

توبه و پاکی

گناه، آلودگی است و توبه، پاک شدن از آلودگی‌هاست. توبه گناهان را از قلب خارج می‌کند و آن را شست‌وشو می‌دهد. این عمل را «پیرایش» یا «تخلیه» می‌گویند.

امیرمؤمنان علیه‌السلام می‌فرماید:

(۱) اَلتَّوبَةُ تُطَهِّرُ الْقُلوبَ وَ تَغْسِلُ الذُّنوبَ

توبه دل‌ها را پاک می‌کند و گناهان را می‌شوید[۱]

به همین دلیل است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید:

(۲) اَلتّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لا ذَنْبَ لَهُ

کسی که از گناه توبه کرده مانند کسی است که گناه نکرده است[۲].

۱ــ مستدرک الوسائل، میرزانوری، ج ۱۲، ص ۱۲۹

۲ــ همان، ص ۱۲۶

نکات مهم:

حقیقت توبه:

مراحل توبه: توبه ۶ مرحله است که ۶ مرحله‌ی آن مربوط می‌شود به توبه‌ی طول در هر مرحله مربوط می‌شود به کمال توبه. که کمال توبه مخصوص والامقامان یا عشق است.

من تاب / آمن / و عمل الصالح / یبدّل السیّئات ...

توبه نه تنها گناه را پاک می‌کند، بلکه به کمک ایمان و عمل صالح، گناهان را به حسنات تبدیل می‌سازد.

.....

در آیات ابتدای درس تفکر کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱ــ کدام یک از این آیات دربارهٔ تبدیل گناهان به نیکی‌هاست؟

.....

۲ــ با چه شرایطی این تبدیل صورت می‌گیرد؟

.....

.....

مراحل توبه

توبه صرفاً یک کار ظاهری و لفظی نیست، بلکه تحوّلی درونی و قلبی است که آثار گناه را محو می‌کند. این تحوّل درونی بنابر کلام امام علی علیه‌السلام دارای مراحل زیر است:[1]

مرحلهٔ اوّل: پشیمانی از گذشته پشیمانی حالتی درونی است که شخص را دچار اندوه و حسرت می‌کند و شیرینی گناه را به تلخی تبدیل می‌سازد. تا وقتی شیرینی گناه در جان آدمی باقی است و از خاطرهٔ آن احساس لذت می‌کند، توبه آغاز نشده است. آمده است که یکی از پیامبران برای قبول توبهٔ فردی از بنی‌اسرائیل، به درگاه خداوند شفاعت کرد. خدای متعال به او فرمود: «به عزتم سوگند اگر همهٔ اهل آسمان‌ها و زمین برای وی شفاعت کنند، تا زمانی که شیرینی گناه در دلش باقی است، توبه‌اش را نپذیرم.»[2]

(۱و۲) دلالت دارد بر پشیمانی از گذشته، مرحله اول توبه

توبه بر لب، سُبحه[3] بر کف، دل پر از شوق گناه
معصیت را خنده می‌آید ز استغفار ما[4]

روشن است که اگر انسان، پس از انجام توبه، هنوز از گناه خود خوشش بیاید و از آن احساس لذت کند، در واقع هنوز پشیمان نشده و صرفاً ادعای پشیمانی کرده است. این مرحلهٔ توبه معمولاً با استغفار همراه است و انسان توبه‌کار با عبارت‌هایی مانند «اَسْتَغْفِرُاللّٰه» پشیمانی خود را ابراز می‌کند.

۱ــ نهج‌البلاغه، حکمت ۴۱۷
۲ــ کنزالعمال، ح ۱۰۱۷۴
۳ــ سُبحه: تسبیح
۴ــ صائب تبریزی

مراحل توبه:

* برای رسیدن به حالت پشیمانیِ پس از گناه، ابتدا پیش‌نهادهای خود را مطرح کنید و سپس پیش‌نهادهای مؤثرتر را انتخاب نمایید.

عزم راسخ بر ترک گناه

مرحلهٔ دوم: تصمیم بر تکرار نکردن گناه قدم دوم در توبه آن است که شخص تائب، تصمیم جدی بر ترک گناه بگیرد. اظهار ندامت ظاهری و گفتن کلمهٔ استغفار، در حال تکرار مداوم گناه، نه‌تنها پذیرفته نیست، بلکه استغفار را بی‌خاصیت می‌کند. اثر بدتر چنین استغفاری در کلام امام رضا علیه‌السلام آمده که فرموده است:

مرحله دوم: دلالت دارد بر مرحله‌ی قبل، توجه نفی عزم بازگشت به گناه

اَلْمُسْتَغْفِرُ مِنَ الذَّنْبِ	کسی که از گناه استغفار کند
وَيَفْعَلُهُ	و در عین حال، انجامش دهد
كَالْمُسْتَهْزِئِ بِرَبِّهِ	مانند کسی است که پروردگارش را مسخره کرده است.[1]

* برای اینکه حالت پشیمانی، به تصمیم و ارادهٔ محکم بر ترک گناه بینجامد، چه راه‌حل‌هایی را پیش‌نهاد می‌دهید؟

مرحلهٔ سوم: جبران حقوق مردم با این که با دو مرحلهٔ قبل، عادت به گناه از بین می‌رود، امّا برخی از گناهان را که به حق‌الناس مربوط بوده، جبران نمی‌کند. از این رو فرد باید ستمی را که بر مردم کرده جبران نماید و حقوق مادی یا معنوی آنها را در حد توان ادا کند و رضایت صاحبان حق را به‌دست آورد و اگر به آنان دسترسی ندارد، در حق آنان صدقه دهد و برایشان دعای خیر نماید.

توجه کنیم که حقوق مردم منحصر در حقوق مادی آنها نیست، مردم بر یکدیگر حقوق معنوی هم دارند که بسیار مهم‌تر از حقوق مادی است. اگر با دروغ، غیبت و تهمت آبروی انسانی ریخته شده، اگر قلب پدر یا مادری بر اثر بی‌حرمتی فرزندی شکسته شده، اگر با توزیع کتاب یا فیلم گمراه‌کننده، فساد و تباهی در جامعه گسترش یافته، اگر رفتار ناپسند برخی افراد سبب بدبینی دیگران به دین شده، در واقع حقوق معنوی افراد ضایع شده است و باید فرد توبه‌کننده با تمام وجود به جبران حقوق از دست رفته بپردازد.

۱ـ کافی، ج ۲، کتاب الدعاء، ص ۵۰۴

مرحلهٔ چهارم: جبران حقوق الهی حق دیگر، حق خداوند بر مردم است که مهم‌ترین آن، حق اطاعت و بندگی اوست. توبه‌کننده باید بکوشد کوتاهی‌های خود در پیشگاه خداوند را جبران کند، برای مثال، نمازها یا روزه‌های از دست‌داده را قضا نماید و عبادت‌های ترک شده را به جا آورد.

البته خداوند نسبت به بندگان خود مهربان است و اگر ببیند که شخص توبه‌کار خداکثر تلاش خود را کرده و نتوانسته همهٔ گناهان را جبران کند، بقیهٔ موارد را خود جبران و او را عفو می‌کند.[1]

* رفتار و اخلاق خود را ارزیابی کنید و ببینید به کدام یک از حقوق خداوند و مردم کمتر توجه کرده‌اید. آنها را یادداشت کنید و برای جبران آن برنامه‌ریزی نمایید.

توبهٔ اجتماعی

همان‌طور که توحید عبادی دو جلوه دارد، جلوه‌ای در فرد و جلوه‌ای در جامعه، توبه نیز این گونه است. آن‌چه تاکنون گفته شد، مربوط به توبهٔ فردی بود. اما اگر جامعه‌ای در برخی از ابعاد از مسیر توحید و اطاعت از خداوند خارج شود، نیازمند بازگشت به مسیر توحید و اصلاح اجتماعی است؛ یعنی نیازمند توبه است.

انحراف‌های اوّلیهٔ اجتماعی باید در همان مراحل ابتدایی خود اصلاح شوند تا گسترش نیابند و ماندگار نشوند. رباخواری، رشوه‌گرفتن، بی‌توجهی به عفاف و پاکدامنی، ظلم‌کردن و ظلم‌پذیری و اطاعت از غیر خدا، از جملهٔ این بیماری‌ها و انحراف‌هاست.

راه اصلاح و معالجهٔ جامعه از این بیماری‌ها انجام دادن وظیفهٔ امر به‌معروف و نهی از منکر است. اگر مردم در انجام این وظیفه کوتاهی کنند، گناهان اجتماعی، قوی‌تر و محکم‌تر می‌شوند و تمام سطوح جامعه را در برمی‌گیرند. در واقع اگر مردم در برابر اولین نمودهای گناه حساسیت نشان دهند و در برابر آن بایستند و بکوشند که جامعه را به وضع اعتدال باز گردانند، به‌آسانی می‌توانند مانع گسترش آن شوند. اما اگر مردم کوتاهی کنند و اقدامات دلسوزان جامعه به جایی نرسد و به‌تدریج انحراف از حق ریشه بدواند، اصلاح آن مشکل می‌شود و تلاش‌های بزرگ و فعالیت‌های ایثارگرانه می‌طلبد؛ تا آن‌جا

۱ــ امیرمؤمنان علیه‌السلام برای کسانی که بخواهند در ردیف اولیای بزرگ الهی قرار گیرند و به مقام «علیین» برسند، دو مرحلهٔ دیگر بیان می‌فرماید که عبارت است از: پنجم: گوشتی که از حرام بر تن انسان روییده، با حزن و اندوه آب شود تا پوست به استخوان بچسبد و گوشت جدید در زیر پوست روییده شود. ششم: انسان توبه‌کار، زحمت و سختی عبادت را به بدن بچشاند، همچنان که شیرینی گناه را چشانده بود.

که ممکن است نیاز باشد انسان‌های بزرگی جان و مال خود را تقدیم کنند تا جامعه را از تباهی مطلق برهانند و مانع خاموشی کامل نور هدایت شوند.

برای مثال، اگر آن زمان که امیر مؤمنان علی علیه‌السلام برای کوتاه‌کردن دست معاویه از حکومت اقدام کرد، مسلمانان به‌طور دسته‌جمعی از ایشان حمایت می‌کردند و اگر پس از شهادت ایشان، مردم به‌طور همه‌جانبه از امام حسن علیه‌السلام پیروی می‌نمودند و اگر مردم در مقابل نصب یزید به خلافت اعتراض می‌کردند و زیر بار نمی‌رفتند، انحراف از اسلام آنقدر عمیق و گسترده نمی‌شد که لازم باشد امام حسین علیه‌السلام و خانواده و یارانش، برای جلوگیری از نابودی اسلام، خود را فدا کنند.

تا چه زمانی برای توبه‌کردن مهلت داریم؟

پاسخ این سؤال را با ذکر کلامی از امیرمؤمنان آغاز می‌کنیم؛ آن حضرت در پاسخ کسی که از او موعظه‌ای درخواست کرد، فرمود:

«از کسانی مباش که بدون عمل دل به آخرت بسته و به واسطهٔ آرزوی طولانی، توبه را به تأخیر انداخته است؛ دربارهٔ دنیا زاهدانه سخن گوید، امّا هم‌چون دنیادوستان عمل کند...»[1]

در پاسخ به سؤال بالا می‌گوییم، گرچه تمام طول عمر ظرف زمان توبه است و تا لحظهٔ مرگ می‌توان توبه کرد[2]، امّا بهترین زمان برای توبه، دورانی است که توبه آسان‌تر و جبران گذشته راحت‌تر است. بر این اساس، باید به چند نکته توجه کنیم:

۱ــ از آن‌جا که دورهٔ جوانی دورهٔ انعطاف‌پذیری، تحوّل و دگرگونی و دورهٔ پیری دورهٔ کم‌شدن انعطاف، تثبیت خوی‌ها و خصلت‌ها است، اگر در دورهٔ جوانی خصلت‌هایی در انسان پدید آمد، خارج‌کردن آن خصلت‌ها در پیری بسیار سخت و طاقت‌فرسا خواهد بود. خصلت‌های ناپسندی که در ما پدید می‌آیند، شبیه طناب‌هایی هستند که بر پای انسان بسته می‌شوند یا شبیه تورهایی هستند که آدمی را در دام خود گرفتار می‌سازند؛ هرقدر که زمان می‌گذرد، آن طناب‌ها و تورها محکم‌تر می‌شوند و ارادهٔ آدمی ضعیف‌تر می‌گردد و پاره‌کردن آنها بسیار سخت و گاه نزدیک به محال می‌شود.

۲ــ خوش‌گذرانی در دورهٔ جوانی به امید توبه‌کردن در دوران پیری، حیلهٔ خطرناک شیطان است. زیرا:

اوّلاً، پیری محصول کشت جوانی است. چند نفر گناه‌کار سراغ دارید که در پیری توانسته باشند

۱ــ نهج‌البلاغه، حکمت ۱۵۰

۲ــ اصول کافی، ج۲، ص ۴۴۰، کتاب ایمان و کفر

خود را متحول سازند؟ هرکس در پیرامون خود بنگرد می‌بیند که چنین افرادی بسیار نادر و محدودند.

ثانیاً، چه تعداد از آدم‌های گناه‌کار به پیری رسیده‌اند تا فرصت توبه پیدا کنند؟

ثالثاً، فریب بزرگ شیطان این است که لذت گناه را برتر از خوشی و لذت اطاعت از فرمان الهی جلوه می‌دهد. آدم‌های زیرک و هوشیار، گول این فریب را نمی‌خورند. آنان که خوشی و لذت را از راه گناه جست‌وجو می‌کنند، در همان حالِ لذت گناه، با نگرانی‌های روحی و روانی درگیر می‌شوند که نمی‌گذارند لذت گناه کام آنان را شیرین کند. امّا چون از حقیقت مطلب غافلند، برای رفع آن رنج‌های روحی و روانی، خود را سرگرم گناهان بزرگ و بزرگ‌تر می‌کنند تا این که سرانجام به‌طور کامل در منجلاب فساد غرق می‌شوند و راهی برای بیرون‌آمدن نمی‌یابند. امّا خداوند برنامهٔ زندگی را برای مؤمنان به‌گونه‌ای تنظیم کرده که هم از لذت‌های عالی معنوی برخوردار شوند و هم بی‌دغدغهٔ گناه و به دور از رنج‌های روانی، از لذت‌های مادی و طبیعی نیز بهره ببرند.

صفحه ۷۳

پیشنهاد صفحه ۷۳ :

آیات ۵۰تا۶۰ سوره هود:وَإِلَى عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُواْ اللّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنْ أَنتُمْ إِلاَّ مُفْتَرُونَ ﴿۵۰﴾ و به سوی [قوم] عاد برادرشان هود را [فرستادیم هود] گفت ای قوم من خدا را بپرستید جز او هیچ معبودی برای شما نیست‌شما فقط دروغ پردازید (۵۰)يَا قَوْمِ لا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلاَّ عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلاَ تَعْقِلُونَ ﴿۵۱﴾ ای قوم من برای این [رسالت] پاداشی از شما درخواست نمی‌کنم پاداش من جز بر عهده کسی که مرا آفریده است نیست پس آیا نمی‌اندیشید (۵۱)وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاء عَلَيْكُم مِّدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلاَ تَتَوَلَّوْاْ مُجْرِمِينَ ﴿۵۲﴾ و ای قوم من از پروردگارتان آمرزش بخواهید سپس به درگاه او توبه کنید [تا] از آسمان بر شما بارش فراوان فرستد و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید و تبهکارانه روی بر مگردانید (۵۲)قَالُواْ يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَن قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿۵۳﴾ گفتند ای هود برای ما دلیل روشنی نیاوردی و ما برای سخن تو دست از خدایان خود برنمی‌داریم و تو را باور نداریم (۵۳)إِن نَّقُولُ إِلاَّ اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا بِسُوَءٍ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللّهَ وَاشْهَدُواْ أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ﴿۵۴﴾[چیزی] جز این نمی‌گوییم که بعضی از خدایان ما به تو آسیبی رسانده‌اند گفت من خدا را گواه می‌گیرم و شاهد باشید که من از آنچه جز او شریک وی می‌گیرید بیزارم (۵۴)مِن دُونِهِ فَكِيدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لاَ تُنظِرُونِ ﴿۵۵﴾ پس همه شما در کار من نیرنگ کنید و مرا مهلت مدهید (۵۵)إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّهِ رَبِّي وَرَبِّكُم مَّا مِن دَآبَّةٍ إِلاَّ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿۵۶﴾ در حقیقت من بر خدا پروردگار خودم و پروردگار شما توکل کردم هیچ جنبنده‌ای نیست مگر اینکه او مهار هستی‌اش را در دست دارد

به راستی پروردگار من بر راه راست است (۵۶)فَإِن تَوَلَّوْاْ فَقَدْ أَبْلَغْتُكُم مَّا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلاَ تَضُرُّونَهُ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي عَلَىَ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ﴿۵۷﴾ پس اگر روی بگردانید به یقین آنچه را که به منظور آن به سوی شما فرستاده شده بودم به شما رسانیدم و پروردگارم قومی جز شما را جانشین [شما] خواهد کرد و به او هیچ زیانی نمی‌رسانید در حقیقت پروردگارم بر هر چیزی نگاهبان است (۵۷)وَلَمَّا جَاء أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُواْ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَنَجَّيْنَاهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿۵۸﴾ و چون فرمان ما دررسید هود و کسانی را که با او گرویده بودند به رحمتی از جانب خود نجات بخشیدیم و آنان را از عذابی سخت رهانیدیم (۵۸)وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُواْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْاْ رُسُلَهُ وَاتَّبَعُواْ أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ﴿۵۹﴾ و این [قوم] عاد بود که آیات پروردگارشان را انکار کردند و فرستادگانش را نافرمانی نمودند و به دنبال فرمان هر زورگوی ستیزه‌جوی رفتند (۵۹)وَأُتْبِعُواْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ أَلاَ إِنَّ عَادًا كَفَرُواْ رَبَّهُمْ أَلاَ بُعْدًا لِّعَادٍ قَوْمِ هُودٍ ﴿۶۰﴾ و [سرانجام] در این دنیا و روز قیامت لعنت بدرقه [راه] آنان گردید آگاه باشید که عادیان به پروردگارشان کفر ورزیدند هان مرگ بر عادیان قوم هود (۶۰)

پیام:

آیات ۸۴تا۹۵ سوره هود:وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُواْ اللّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلاَ تَنقُصُواْ الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّيَ أَرَاكُم بِخَيْرٍ وَإِنِّيَ أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ ﴿۸۴﴾ و به سوی [اهل] م دی ن برادرشان شعیب را [فرستادیم] گفت ای قوم من خدا را بپرستید برای شما جز او معبودی نیست و پیمانه و ترازو را کم مکنید به راستی شما را در نعمت می‌بینم و[لی] از عذاب روزی فراگیر بر شما بیمناکم (۸۴)وَيَا قَوْمِ أَوْفُواْ الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلاَ تَبْخَسُواْ النَّاسَ أَشْيَاءهُمْ وَلاَ تَعْثَوْاْ فِي الأَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿۸۵﴾ و ای قوم من پیمانه و ترازو را به داد تمام دهید و حقوق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر برمدارید (۸۵)بَقِيَّةُ اللّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ وَمَا أَنَاْ عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ ﴿۸۶﴾ اگر مؤمن باشید باقیمانده [حلال] خدا برای شما بهتر است و من بر شما نگاهبان نیستم (۸۶)قَالُواْ يَا شُعَيْبُ أَصَلاَتُكَ تَأْمُرُكَ أَن نَّتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَن نَّفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاء إِنَّكَ لَأَنتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ﴿۸۷﴾ گفتند ای شعیب آیا نماز تو به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدران ما می‌پرستیده‌اند رها کنیم یا در اموال خود به میل خود تصرف نکنیم راستی که تو بردبار فرزانه‌ای (۸۷)قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىَ

بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَى مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلاَّ الإِصْلاَحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلاَّ بِاللّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿۸۸﴾ گفت ای قوم من بیندیشید اگر از جانب پروردگارم دلیل روشنی داشته باشم و او از سوی خود روزی نیکویی به من داده باشد [آیا باز هم از پرستش او دست بردارم] من نمی‌خواهم در آنچه شما را از آن باز می‌دارم با شما مخالفت کنم [و خود مرتکب آن شوم] من قصدی جز اصلاح [جامعه] تا آنجا که بتوانم ندارم و توفیق من جز به [یاری] خدا نیست بر او توکل کرده‌ام و به سوی او بازمی‌گردم (۸۸)وَيَا قَوْمِ لاَ يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَن يُصِيبَكُم مِّثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِّنكُم بِبَعِيدٍ ﴿۸۹﴾ و ای قوم من زنهار تا مخالفت‌شما با من شما را بدانجا نکشاند که [بلایی] مانند آنچه به قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح رسید به شما [نیز] برسد و قوم لوط از شما چندان دور نیست (۸۹)وَاسْتَغْفِرُواْ رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُواْ إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ﴿۹۰﴾ و از پروردگار خود آمرزش بخواهید سپس به درگاه او توبه کنید که پروردگار من مهربان و دوستدار [بندگان] است (۹۰)قَالُواْ يَا شُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا وَلَوْلاَ رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ ﴿۹۱﴾ گفتند ای شعیب بسیاری از آنچه را که می‌گویی نمی‌فهمیم و واقعا تو را در میان خود ضعیف می‌بینیم و اگر عشیره تو نبود قطعا سنگسارت می‌کردیم و تو بر ما پیروز نیستی (۹۱)قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِي أَعَزُّ عَلَيْكُم مِّنَ اللّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءكُمْ ظِهْرِيًّا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿۹۲﴾ گفت ای قوم من آیا عشیره من پیش شما از خدا عزیزتر است که او را پشت‌سر خود گرفته‌اید [و فراموشش کرده‌اید] در حقیقت پروردگار من به آنچه انجام می‌دهید احاطه دارد (۹۲)وَيَا قَوْمِ اعْمَلُواْ عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُواْ إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ ﴿۹۳﴾ و ای قوم من شما بر حسب امکانات خود عمل کنید من [نیز] عمل می‌کنم به زودی خواهید دانست که عذاب رسواکننده بر چه کسی فرود می‌آید و دروغگو کیست و انتظار برید که من [هم] با شما منتظرم (۹۳)وَلَمَّا جَاء أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُواْ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُواْ الصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُواْ فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿۹۴﴾ و چون فرمان ما آمد شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند به رحمتی از جانب خویش نجات دادیم و کسانی را که ستم کرده بودند فریاد [مرگبار] فرو گرفت و در خانه‌هایشان از پا درآمدند (۹۴)كَأَن لَّمْ يَغْنَوْاْ فِيهَا أَلاَ بُعْدًا لِّمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ ﴿۹۵﴾ گویی در آن [خانه‌ها] هرگز اقامت نداشته‌اند هان مرگ بر [مردم] مدین همان گونه که ثمود هلاک شدند (۹۵)**پیام:**

درس هشتم
پایه‌های استوار

بخشی از برنامه‌های یک انسان مسلمان، تلاش برای ساختن جامعه‌ای با معیارهای اسلامی است. از این رو لازم است ابتدا معیارهای یک جامعهٔ اسلامی را که قرآن کریم، پیامبر اکرم و امامان بزرگوار (صلوات‌الله علیهم) به ما معرفی کرده‌اند، بشناسیم و برای تحقق هرچه بهتر آنها در جامعه، برنامه ریزی و تلاش کنیم.

بنابراین، در این درس می‌خواهیم به این سؤال پاسخ دهیم که، جامعه و تمدن مورد نظر اسلام دارای چه ویژگی‌هایی است؟

۱ مَنْ ءامَنَ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ الْأٰخِرِ وَ عَمِلَ صالِحًا فَلَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنونَ بقره، ۶۲	هر کس به خدا ایمان آورد و به روز آخرت و عمل شایسته انجام دهد پس برایشان پاداشی نزد پروردگارشان است نه ترسی برای آنهاست و نه اندوهگین می‌شوند
۲ يا اَيُّهَا الَّذينَ ءامَنوا اَطيعُوا اللّٰهَ وَ اَطيعُوا الرَّسولَ وَ اُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ نساء، ۵۹	ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر را اطاعت کنید و اولی الامر را از خودتان اطاعت کنید
۳ فَلِذٰلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَما اُمِرْتَ وَلا تَتَّبِعْ اَهْواءَهُمْ وَ قُلْ ءامَنْتُ بِما اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنْ كِتابٍ وَ اُمِرْتُ لِاَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللّٰهُ رَبُّنا وَ رَبُّكُمْ ... شوری، ۱۵	بنابراین به دعوت بپرداز و همان‌گونه که مأموریت یافته‌ای، ایستادگی کن و از هوس‌های آنان پیروی مکن و بگو ایمان آوردم به هر کتابی که خدا نازل کرده است و مأمور شدم میان شما با عدالت عمل کنم خدا پروردگار ما و پروردگار شماست

۵ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذينَ يَعْلَمونَ وَ الَّذينَ لا يَعْلَمونَ إِنَّما يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبابِ
زمر، ۹

۶ مُحَمَّدٌ رَسولُ اللّٰهِ وَ الَّذينَ مَعَهُ اَشِدّاءُ عَلَى الْكُفّارِ رُحَماءُ بَيْنَهُمْ
فتح، ۲۹

۷ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زينَةَ اللّٰهِ الَّتي اَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَالطَّيِّباتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذينَ ءامَنوا فِي الْحَياةِ الدُّنْيا خالِصَةً يَوْمَ الْقِيامَةِ كَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآياتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمونَ
اعراف، ۳۲

بگو آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسان هستند؟ تنها صاحبان خرد پند می‌گیرند

محمد (ص) پیامبر خداست و کسانی که با او هستند بر کافران سخت‌گیر و نسبت به یکدیگر مهربان و صمیمی‌اند

بگو چه کسی حرام کرده زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و روزی‌های پاکیزه را بگو این‌ها برای کسانی است که ایمان دارند در زندگی دنیا و روز قیامت خاص آنان می‌باشد این‌گونه آیات را به روشنی بیان می‌کنیم برای کسانی که می‌دانند

بگو پروردگارم تنها زشت‌کاری‌ها را حرام کرده است چه آشکار و چه پنهان

وَالْاِثْمَ وَالْبَغْیَ بِغَیْرِ الْحَقِّ	و گناه و تجاوز به ناحق را
وَ اَنْ تُشْرِکُوا بِاللّٰهِ	و اینکه چیزی را شریک خدا سازید
ما لَمْ یُنَزِّلْ بِهٖ سُلْطانًا	که دلیلی برای آن نازل نکرده
وَ اَنْ تَقُولُوا عَلَی اللّٰهِ	و اینکه به خدا نسبت دهید
ما لا تَعْلَمُونَ	چیزی را که نمی‌دانید

اعراف، ۳۳

وَ مِنْ ءایاتِهٖ	و از نشانه‌های او .....
اَنْ خَلَقَ لَکُمْ	اینکه ... برای شما خلق کرد .....
مِنْ اَنْفُسِکُمْ اَزْواجًا	همسرانی از جنس خودتان ...
لِتَسْکُنُوا اِلَیْها	تا به سوی آنها آرامش یابید
وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ	و بین شما قرار داد .....
مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً	محبت و رحمت .....
اِنَّ فی ذٰلِکَ	همانا در این .....
لَأیاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ	نشانه‌هایی برای گروهی که ...

روم، ۲۱

(۸) اهمیت و جایگاه خانواده و ارزش و هنرلت زن
معیار هشتم از معیارهای تمدن اسلامی

در آیات شریفهٔ درس تفکر کنید و با تکمیل جملات، مهم‌ترین «معیارهای جامعه و تمدّن اسلامی» را به دست آورید:

معیار اوّل: جامعه و تمدن اسلامی بر پایهٔ اعتقاد و ایمان به خدا بنا می‌شود. و با شرک ... در مراتب مختلف آن مبارزه می‌کند. سوره...../ آیه.....

معیار دوم: مردم در جامعهٔ اسلامی به حقیقت انسان ایمان دارند و اعمال و رفتار خود در دنیا را برای رسیدن به سعادت آخرت تنظیم می‌کنند.

سوره...../ آیه.....

۸۲

معیارهای تمدن اسلامی

① ایمان به خدا
② اعتقاد به آخرت
③ اطاعت فرمانهای خدا، پیامبر و اولی الامر
④ جایگاه خانواده
⑤ نسبت به تعلیم و تربیت و دانشمندان اهمیت
⑥ بهره بردن از نعمتهای دنیا در کنار تداشت برای آخرت
⑦ جایگاه تفکر و خردورزی

معیار سوم: مسلمانان، در برنامه‌های فردی و اجتماعی خود تابع فرمان‌های ..... پیامبر و اولی‌الامر می‌باشند و به ..... عمل نمی‌کنند. سوره...../ آیه.....

معیار چهارم: در جامعهٔ اسلامی، ..... جایگاه ممتازی دارد و کانون رشد انسان‌های با فضیلت و محل ..... و رحمت می‌باشد. سوره...../ آیه.....

معیار پنجم: مردم جامعهٔ اسلامی با مؤمنان، که جبههٔ حق را تشکیل می‌دهند، ..... هستند و با ستمگران و دشمنان حق که جبههٔ باطل را می‌سازند، ..... می‌ورزند. سوره...../ آیه.....

معیار ششم: مردم جامعهٔ اسلامی در عین حال که برای آخرت تلاش می‌کنند، ..... البته این نعمت را در جهت فساد و گناه ..... سوره...../ آیه.....

معیار هفتم: در جامعه و تمدن اسلامی تعقل و خردورزی یک ارزش بزرگ محسوب می‌شود و اولوالالباب ..... سوره...../ آیه.....

معیار هشتم: تنظیم روابط اجتماعی و تدوین قوانین بر پایهٔ عدل صورت می‌گیرد و با ..... به شدت مبارزه می‌شود. سوره...../ آیه.....

.....

تلاش و جهاد در جهت معیارها

پانزده قرن از فرود آمدن پیامبر مکرّم اسلام ﷺ، در یک سپیده‌دم ماندگار، از فراز کوه حرا، می‌گذرد. صبح یکی از روزهای آغازین بعثت، یحیی بن عفیف، میهمان عباس ــ عموی پیامبر ــ بود و مشغول نظارهٔ کعبه. «ناگاه چهره‌ای شاداب را دیدم که به پهنهٔ آسمان چشم دوخته است. اندکی بعد، سوی کعبه به حرکت درآمد و کنار آن ایستاد.» یحیی ادامهٔ ماجرا را این‌گونه نقل می‌کند: «پس از زمانی کوتاه، پسری پیش آمد و در سمت راست او قرار گرفت. سپس بانویی از راه رسید و پشت سرشان ایستاد. دیدم که آن دو به پیروی آن مرد، تعظیم کردند، برخاستند و به سجده افتادند.

گفتم: ای عباس، این کاری است عجیب و شگفت.

گفت: آری، کاری است شگفت. و ادامه داد: آن مرد را می‌شناسی؟

جواب دادم: نه، نمی‌شناسم.

ـ نامش محمد است، پسر عبدالله بن عبدالمطّلب و برادرزادهٔ من. پرسید: می‌دانی آن نوجوان کیست؟

یحیی بن عفیف ← کسی که تعریف میکند (عموی عباس)

عباس ← عموی پیامبر

پیامبر ← محمد ← پسر عبد الله بن عبد المطلب

حضرت علی ← پسر ابوطالب

خدیجه ← دختر خویلد

کعبه، نشانه

پاسخ دادم : نه.

ـ نامش علی است، و پسر ابوطالب. آن زن را چطور؟ او را می‌شناسی؟

این بار نیز پاسخم منفی بود.

ـ او خدیجه است، دختر خُوَیلد، همسر برادرزاده‌ام.

برادرزاده‌ام محمد با من چنین گفته است : «پروردگار من ــ که پروردگار آسمان و زمین هموست ــ مرا فرمان داده چنین کنم (و نماز بگزارم).» به خداوند سوگند که امروز از کران تا کران این سرزمین پهناور، هیچ کس را جز این سه تن نمی‌شناسم که بر این آیین باشد.[1]»

کمتر از نیم قرن، پس از این حادثه، نام این پیام‌آورِ بزرگ، سرزمین‌های اطراف مکه را در نوردید، قلب‌ها را تسخیر خود کرد و بر سر زبان‌های بخش عظیمی از مردم متمدنِ آن زمان، جاری گشت. و یک قرن بعد، که این گرامی‌ترین نام، از فراز مناره‌های مساجد شهرهای بزرگ آسیایی و آفریقایی و اروپایی به گوش قلب‌های مردم جهان رسید و آنها را به هیجان آورد، تمدنی عظیم و باشکوه را رقم زد؛ تمدن اسلامی.

گذر از عصر جاهلیت به عصر اسلام نیازمند تغییر در نگرش انسان‌ها و تحولی بنیادین در شیوهٔ زندگی فردی و اجتماعی مردم بود. رسول خدا ﷺ این رسالت بزرگ را از شهر مکه آغاز و با کمک یاران صمیمی خود در مدینه، پایه‌های تمدن اسلامی را چنین بنا نهاد :

۱ــ در اولین روز دعوت مردم به رسالت آسمانی خود، در دامنهٔ کوه صفا ایستاد و این گونه ندا سر داد : (توحید)

ای مردم بگویید معبودی جز «الله» نیست، تا رستگار شوید.

بدین ترتیب مبارزهٔ با شرک، آغاز شد و محور رسالت رسول خدا ﷺ قرار گرفت.

معیار شمارهٔ .....

۲ــ پیامبر اکرم ﷺ در کنار دعوت به توحید، افق نگاه انسان‌ها را از محدودهٔ تنگ دنیا فراتر برد، منکرین را با استدلال‌های محکم و آشکار، با حقیقت معاد آشنا ساخت و با عقاید خرافی پیرامون آن به مبارزه برخاست. (معاد)

معیار شمارهٔ .....

۳ــ رسول خدا ﷺ آمده بود تا مردم را از حکومت و ولایت طاغوت و ستمگران نجات دهد و نظامی اجتماعی بر پایهٔ قوانین الهی بنا کند، به‌طوری که روابط اجتماعی مردم بر مبنای دستورات خداوند تنظیم شود و فرمانی جز فرمان خداوند و کسی که خداوند تعیین کرده است، اطاعت نگردد. (نفی ولایت طاغوت)

معیار شمارهٔ .....

۱ــ البدایة والنهایة، ابن کثیر، ج ۳، ص ۲۵

۴ــ از دیگر برنامه‌های مهم پیامبر اکرم ﷺ ، تبیین جایگاه خانواده، به‌عنوان کانون رشد و تربیت انسان‌های با فضیلت، حافظ عفاف و پاکدامنی، و مانع اصلی فساد و نابسامانی‌های اجتماعی بود. احیای منزلت زن و ارزش‌های اصیل او از عناصر اصلی این برنامه به‌شمار می‌رفت. در آن عصر زن کالایی در کنار سایر کالاها تلقی می‌شد و از کمترین حقوق، از جمله حق مالکیت برخوردار نبود و تولد دختر در خانواده سرافکندگی آن خانواده را به دنبال داشت. در شرایطی که زن صرفاً به ابزاری برای هوس‌رانی‌های جنسی مرد تبدیل شده بود، رسول خدا ﷺ با گفتار و رفتار خویش انقلابی عظیم پدید آورد. (احیای خانواده و هنزلت زن)

با گرویدن مردم به اسلام، زن منزلت انسانی خود را کسب کرد و استقلال مالی به‌دست آورد. حضور زن در جامعه با عفاف و پاکدامنی توأم شد، رابطهٔ زناشویی به محیط خانواده اختصاص یافت و استفادهٔ ابزاری از زن ملغی گردید تا خانواده کانون رشد فضایل اخلاقی، دوستی و مودّت گردد و محیط جامعه از فساد و بی‌بندوباری محفوظ بماند و حریم عفاف و عزّت زن حفظ شود. معیار شمارهٔ .....

۵ــ از اقدامات مهم رسول خدا ﷺ ایجاد نگرشی جدید در جامعه بود که موجب تحوّل در روابط بین ملت‌ها گردید. تا پیش از آن، پادشاهان، رؤسای قبایل، اشراف و بزرگان، معمولاً روابط خود با دیگران را بیشتر براساس منافع مادی، زیر سلطه درآوردن قبایل و سرزمین‌های یکدیگر تنظیم می‌کردند و مردم را در جهت همین اهداف سوق می‌دادند.

رسول خدا ﷺ این صف‌بندی‌ها و جبهه‌گیری‌ها را مردود اعلام کرد و آموخت که دو جبهه‌ای که واقعاً در مقابل یکدیگر قرار دارند، جبههٔ حق و جبههٔ باطل است. جبههٔ حق، جبههٔ یکتاپرستی، عدالت‌خواهی، کرامت‌های اخلاقی و در یک کلام، ولایت الهی است. مؤمنان ولایت الهی را پذیرفته و فرمانبردار خداوند هستند. جبههٔ باطل، جبههٔ مشرکان، ستمگران، مفسدان و به تعبیر دیگر، ولایت طاغوت و شیطان است.

بنابراین موضع‌گیری رسول خدا ﷺ از مسلمانان می‌خواهد که با هم‌کیشان خود در سراسر جهان پیوند برادری برقرار کنند و مانند اعضای یک خانواده از یکدیگر دفاع نمایند، با ظالمان و مفسدان مبارزه کنند و یار ستمدیدگان و مستضعفان باشند. (تعامل بین حق و باطل) معیار شمارهٔ .....

۶ــ رسول خدا ﷺ ، تلاش می‌نمود انسان‌هایی تربیت کند که در عین توجه به رستگاری اخروی به عنوان هدف اصلی زندگی، برای رشد و تعالی زندگی دنیوی خود نیز تلاش کنند. افرادی که هم از زیبایی‌های جهان آفرینش و نعمت‌های خداوند بهرهٔ صحیح را می‌برند و هم با بندگی و راز و نیاز با خداوند متعال و پایبندی به اخلاق، خود را برای تقرب الهی و رستگاری جاودانه آماده می‌سازند.

انسان‌هایی که در عین توجه به معنویت و اخلاق، از جامعه کناره‌گیری نمی‌کنند و برای عزّت و آسایش مردم می‌کوشند و این را نیز وسیله‌ای جهت رستگاری خود قرار می‌دهند.

بنابراین، جامعهٔ اسلامی نه تنها با اخلاق‌ترین و معنوی‌ترین جامعه، بلکه باید آبادترین جامعه نیز باشد. رسول خدا ﷺ افرادی را که به گوشهٔ عبادتگاهی پناه می‌بردند و از مردم کناره‌گیری کرده، به زندگی خود و خانواده بی‌توجه بودند، سخت مورد نکوهش قرار می‌داد و آنها را از خود نمی‌دانست. از طرف دیگر، افرادی را نیز که فقط به لذت‌های دنیایی سرگرم بودند یا فقط به جمع ثروت و کسب قدرت می‌پرداختند هوا‌پرستانی می‌شمرد که به لذت اندک دنیا بسنده کرده و از لذّات معنوی جاوید آخرت بازمانده‌اند.

معیار شمارهٔ .....

۷ــ رسول خدا ﷺ دعوت خود را در جامعه‌ای آغاز کرد که نشانه‌هایی بسیار اندک از تعقل و تفکر و دانایی در آن یافت می‌شد. زندگی‌شان سرشار از خرافات و مظاهر جهل بود. شعر می‌سرودند، امّا برای شراب، شکار، غارت، عشق حیوانی و بت. برای آمدن باران آتش می‌افروختند. شتر سالم را با آهن حرارت دیده داغ می‌زدند تا شتر دیگری که مریض است بهبود یابد. اگر گاو ماده آب نمی‌خورد، گاو نر را می‌زدند تا دیو پنهان شده در شاخ‌های او خارج شود. گفته‌اند در میان این مردم فقط هفده نفر بودند که خواندن و نوشتن می‌دانستند. نبی اسلام ﷺ آمد تا این آداب جاهلی را نابود کند و مردم را به‌سوی زندگی مبتنی بر تفکر و علم سوق دهد. اولین آیاتی که بر رسول خدا ﷺ نازل شد و آغازگر رسالت وی بود، دربارهٔ دانش و آموختن بود.[1]

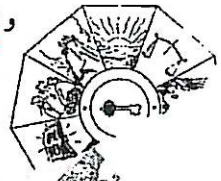

دعوت به تفکر، تعقل، تدبر و خردورزی در جای‌جای این کتاب آسمانی مشاهده می‌شود. نزول تدریجی آیات قرآن کریم و دعوت مکرر این کتاب به خردورزی و دانش از یک طرف و تشویق‌های دائمی رسول خدا ﷺ از طرف دیگر، سدّ جاهلیت و خرافه‌گرایی را شکست و یکی از جاهل‌ترین جوامع آن روز را مشتاق علم ساخت. در حالی که در بزرگترین کشور متمدن آن روز، ایران، فقط بخشی از مردم حق آموختن داشتند، رسول خدا ﷺ نه تنها همه را دعوت به علم‌آموزی کرد، بلکه فرمود: «طلب علم بر هر مرد و زن واجب است.»

معیار شمارهٔ .....

۸ــ آن حضرت تلاش کرد جامعه‌ای عدالت محور برپا نماید به‌طوری که در آن مظلوم به آسانی حق خود را از ظالم بستاند و امکان رشد برای همهٔ انسان‌ها فراهم باشد، نه اینکه نعمت‌ها

۱ــ علق، ۱ تا ۵

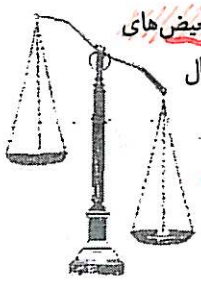

و ثروت‌های زمین در انحصار گروهی محدود باشد. ایشان از هر فرصتی برای رفع تبعیض‌های طبقاتی حاکم بر نظام جاهلی و برقراری فرهنگ برابری و مساوات در جامعه، کمال استفاده را می‌نمود و از هیچ تلاشی در این راه فروگذار نمی‌کرد.

یکی از جنبه‌های عدالت‌خواهی رسول خدا ﷺ مبارزه با تبعیض نژادی و امتیازات اشرافی بود که در همهٔ نقاط جهان، به خصوص در امپراتوری‌های بزرگ آن روز رواج داشت. ایشان همهٔ امتیازات اشرافی را لغو کرد و هیچ قومی را بر قوم دیگر برتر ندانست. (برقراری عدالت اجتماعی)

معیار شمارهٔ .....

.....

اکنون که معیارها را استخراج کرده‌اید، عنوانی برای هرکدام انتخاب کنید و در خانه‌های خالی قرار دهید.

.....

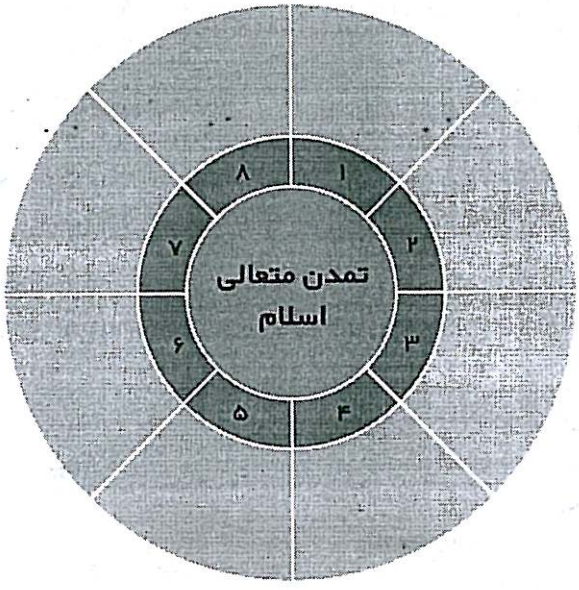

هدف بزرگ: تلاش برای جامعه و عدل اسلامی

↓

اهمیت این اقدام بزرگ ← برنامه پیشنهادی مرحوم حوزه:

اول: تقویت توانایی های فردی

↓

بدست آوردن توانایی ها و آماده کردن خود برای ایفای نقش

① تلاش برای کسب آگاهی دقیق از عدل اسلامی و عدل جهانی

↓

هر واحد خارج بودن آگاهی از موقعیت خود، شناخت راه ها و ابزار

↓

آثار تلاش ← در برداشتن گام بعدی

↓

عوامل پیروزی و شکست را بشناسیم و بدانیم

بصیرت و دانش بینی ما بالا می رود.

② تقویت ایمان و اراده ← مبنا و آلت فیاز فندگی

عبرت نفس، ایمان راسخ به دین، توکل و اعتماد به خدا، شجاعت، پایداری، عزم و اراده قوی، و طهارت نفس.

دوم: تحکیم بنیان خانواده

مانع شکستن بسیاری از مشکلات اخلاقی و فرهنگی ← لازم است را همه حراست از بنیان خانواده را سرلوحه کار خود قرار دهیم

سوم: تقویت بنیان جامعه

حضور فعال و تأثیرگذار در جامعه، مبنای اقدامات عمده ای در گذشته هست و هست.

علاوه بر خصلت زدایی غربی + به فعلیت رساندن ظرفیت ها + نزدیک کردن جامعه به آرمان ها

متون اسلامی و جامعه ایران اسلامی و غیره

① همراه کردن دیگران با خود:

تبیین رسالت بزرگ، دوستان و افراد جامعه ← آماده شوند و یا به تعامل بیایند.

② تلاش برای پیشگام شدن در علم و فناوری:

تقویت پایه های استقلال و مانع تسلط بیگانگان، جلب توجه و تشویق نخبگان (حرف حساب و علم حرف اول را می زند)

③ استقرار نخبگان در نظام: استقرار در اقتدار بهترین عامل برای حضور فعال و تأثیرگذار در جامعه

④ تقویت عزت نفس عمومی:

ایمان و باور به توانایی های خود / ما می توانیم، در عمل و فعلا / باور بیاوریم...

چهارم: حضور مؤثر و فعال در جامعه جهانی

↓

بنا و اهداف بیانیه گام دوم انقلاب برای ملت ایران

↓

هدف: انتقال الگوی درست اقتدار به جهان

① تأکید بر جنبه عقلانی و خردمندانه بودن دین:

استفاده از روش ها و ابزارهای متناسب با اهمیت موضوع و حال مخاطب ← لازمه به کارگیری ابزار: تقویت عقل و خرد و تأمل خردورزانه

② استفاده از ظرفیت و توان آفرینی ایران و ایرانیان: اشتراکات

③ همیاری و همگرایی و تقویت مرجعیت جهان اسلام و فلسطین و ...

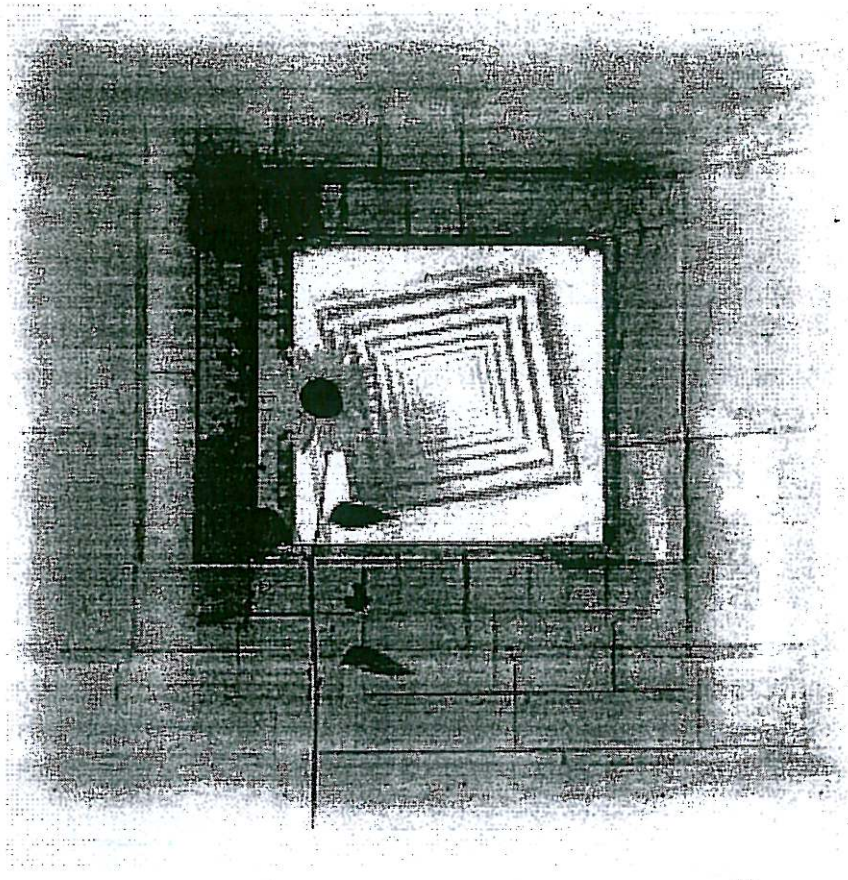

درس نهم
برنامه‌ای برای فردا

در درس قبل با معیارهای جامعه و تمدن متعالی اسلام آشنا شدیم و دانستیم که پیامبر اکرم ﷺ برای شکل گرفتن چنین جامعه‌ای تلاش کرد و مسلمانان را نیز به تلاش در این راه دعوت فرمود. جامعهٔ جهانی حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه نیز بر اساس همین معیارها پدید خواهد آمد.

اکنون با این سؤال روبرو هستیم که ،

هرکدام از ما چگونه برنامه‌ریزی کنیم که بتوانیم جامعهٔ خود را به معیارهای یک جامعهٔ متعالی اسلامی هرچه بیشتر نزدیک نماییم و زمینهٔ ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه و تشکیل جامعهٔ جهانی توحیدی را فراهم سازیم؟

(۱) وَ كَذٰلِكَ جَعَلْنٰاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدٰاءَ عَلَى النّٰاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا
بقره، ۱۴۳

و این چنین شما را قرار دادیم امتی میانه و اسوه تا بر مردم گواه باشید و رسول خدا بر شما گواه باشد .

(۲) وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللّٰهَ وَ رَسُولَهُ وَالَّذِينَ ءامَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ الْغالِبُونَ
مائده، ۵۶

هر کس ولیّ خود قرار دهد خدا و رسولش را و آنان که ایمان آورده‌اند حزب خدا پیروز خواهند بود.

(۳) وَ قالَ موسىٰ لِقَومِهِ اسْتَعِينُوا بِاللّٰهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلّٰهِ يُورِثُها مَنْ يَشاءُ مِن عِبادِهِ وَالْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ
اعراف، ۱۲۸

و موسی به قوم خود گفت از خدا یاری بجویید و شکیبا باشید که زمین، متعلق به خداست و آن را به هرکس از بندگانش بخواهد، می‌دهد و سرانجام [نیک] از آنِ تقواپیشگان است.

(۴) اُدْعُ إِلىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ

به راه پروردگارت دعوت کن

۹۰

بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ — با دانش استوار و اندرز نیکو

وَ جادِلْهُمْ بِالَّتی هِیَ اَحْسَنُ... — و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتراست، مجادله نما

نحل، ۱۲۵

دو تجربهٔ موفق

خوشبختانه، ما به‌عنوان ایرانی مسلمان، دو تجربهٔ بسیار موفق و زیبا را پشت سر داریم، دو تجربه‌ای که بار اصلی آن بر دوش استوار پدران و مادران ما، یعنی نوجوانان و جوانان دیروز بود: یکی برچیدن نظام شاهنشاهی، آفریدن انقلاب اسلامی و دیگری پیروزی در دفاع مقدس. این دو تجربه هم اعتقاد مردم جهان را دربارهٔ تأثیر ایمان به غیب در پیروزی‌های مادی و اثرات مثبت حکومت مبتنی بر دین مبین اسلام افزایش داد و هم آنان را نسبت به نظام ستم‌پیشهٔ جهانی آگاه‌تر کرد و برای رسیدن به معنویت و عدالت مشتاق‌تر و تشنه‌تر ساخت و رسیدن به این ارزش‌ها را خواست عمومی بسیاری از ملت‌ها قرار داد.

موقعیت کنونی و مسئولیت ما

اکنون در مرحله‌ای حساس از تاریخ سرزمین خود و جهان قرار داریم. در مسیر تکاملی این ملت، مسئولیت به ما منتقل شده است. پدران و مادران ما که آن تجربه‌های موفق را مدیریت کردند، منتظر و نگران تصمیم ما هستند تا ببینند در عصر جهانی شدن، نقش منحصر به فرد خود را چگونه به انجام خواهیم رساند و در جهت هدف بزرگی که در مقابل ماست، تا کجا پیش خواهیم رفت.

.....

در آیات ۱۴۳ سورهٔ بقره و ۵۶ سورهٔ مائده بیندیشید و پیام‌هایی را که مربوط به موقعیت و مسئولیت ویژهٔ ما مسلمانان در جهان است، استخراج کنید.

۱ – جامعهٔ واقعی اسلامی آن جامعه‌ای است که بتواند در عصر خود اسوه باشد و راه معتدل و میانهٔ زندگی را به دیگر جامعه‌ها نشان دهد.

۲– .....

۳– .....

.....

برنامه ریزی

شاید در نگاهی ابتدایی به این هدف بزرگ (تلاش برای جامعه و تمدن آرمانی اسلام) و مقایسهٔ آنها با توان و قابلیت‌های موجود، کسانی باشند که چنین طرحی را یک بلندپروازی بپندارند و رسیدن به آن اهداف را دور از دسترس تلقی کنند. امّا این یک تلقی ظاهری و سطحی‌نگر از توانمندی ذاتی انسان، مردم هوشمند جامعه و جوانان و نوجوانان پاک‌اندیش ما و ناشی از عدم آشنایی با آموزه‌های بیدارکننده و حیات‌بخش اسلام می‌باشد. البته می‌دانیم که این مسئولیت بزرگ و حساس، نیازمند برنامه‌ای است که ما را به آن سطح لازم از توانمندی ارتقا دهد و قدرت لازم برای ایفای نقش در جهان کنونی را به ما ببخشد. علاوه بر این، کسی که آرمانی به این عظمت و بزرگی را برمی‌گزیند، هزینهٔ آن را هم می‌پردازد و رنج‌ها و مشکلاتش را تحمل می‌کند. ما به این حقیقت معتقدیم که :

«حجم تحمل زحمت‌ها و رنج‌ها و فداکاری‌ها و جان‌نثاری‌ها و محرومیت‌ها، مناسب حجم بزرگی مقصود و ارزشمندی و علوّ رتبهٔ آن است.[1]»

با توجه به اهمیت این اقدام بزرگ، برنامه‌هایی را در چهار حوزه پیشنهاد می‌کنیم. این برنامه‌ها را بررسی کنید و برای عمل کردن به آنها بکوشید.

حوزهٔ اوّل : تقویت توانایی‌های فردی

اوّلین قدم آن است که هریک از ما خود را برای ایفای چنین نقش مهمی آماده کنیم و توانمندی لازم را به‌دست آوریم. برای رسیدن به این آمادگی، برنامه‌های زیر پیشنهاد می‌گردد :

۱ــ تلاش برای کسب آگاهی دقیق از تمدن اسلامی و تمدن جدید: اجرای هر طرحی برای فردا، بدون آگاهی از موفقیت‌ها و دستاوردهای دیروز میسر نیست. گذشته، دربردارندهٔ تجربه‌های فراوان است که عوامل پیروزی‌ها و شکست‌ها را به ما نشان می‌دهد و بصیرت و روشن‌بینی ما را بالا می‌برد.

شناخت دنیای جدید نیز جهت درک درست واقعیت‌ها و انتخاب روش‌های مؤثر، ضروری و لازم است.

پس هریک از ما باید برنامه‌ای برای آشنایی دقیق با تمدن بزرگ اسلامی و شرایط جهانی که در آن زندگی می‌کنیم، تنظیم کنیم.

۲ــ تقویت ایمان و اراده: مشارکت در این اقدام بزرگ نیازمند اعتقاد راسخ به دین، عزّت نفس، توکّل و اعتماد به خداوند، شجاعت، پایداری، عزم و ارادهٔ قوی، و طهارت نفسانی است.

۱ــ وصیت‌نامهٔ امام خمینی رحمة‌الله علیه

با تفکر در آیهٔ ۱۲۸ اعراف به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

۱ – عاقبت نیک از آنِ چه کسانی است؟

۲ – این عاقبت نیکو در چه صورتی به انسان می‌رسد؟

حوزهٔ دوم: تحکیم بنیان خانواده

مواظبت و حراست از بنیان خانواده مانع گسترش بسیاری از مشکلات اخلاقی و فرهنگی می‌شود که هم‌اکنون تمدن جدید بدان گرفتار شده است. بنابراین لازم است راه‌های حراست از بنیان خانواده را بیابیم و در جامعه تبلیغ کنیم.

* با دوستان و همکلاسی‌های خود مشورت کنید و راه‌های تقویت بنیان خانواده را پیدا نمایید. همچنین ببینید چه عواملی سبب سست شدن بنیان خانواده می‌گردد.

حوزهٔ سوم: تقویت بنیان‌های جامعه

حضور فعال در جهان و تأثیرگذاری بر آن، با اقدامات فردی فراکنده میسر نیست. هریک از ما، علاوه بر خودسازی فردی و به فعلیت رساندن قابلیت‌ها و استعدادهای خود، لازم است بکوشد جامعهٔ خود را به شاخص‌های تمدن متعالی اسلام نزدیک کند و به جامعه‌ای اسوه و نمونه برای دیگران تبدیل نماید. برای رسیدن به این هدف، اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:

۱ــ همراه کردن دیگران با خود: در قدم اوّل شایسته است بکوشیم این رسالت بزرگ و متعالی را برای دوستان، نزدیکان و افراد جامعهٔ خود تبیین کنیم تا آنان نیز به این مسئولیت آگاه شوند و یار و پشتیبان آن گردند.

مسلماً هدف‌های سه‌گانهٔ مطرح شده، از بزرگ‌ترین «خیرها» در جهان امروز می‌باشند، که شایسته است دیگر مردم جامعه را به آنها دعوت کنیم و با خود همراه نماییم.

۲ــ تلاش برای پیشگام شدن در علم و فناوری: پیشرفت علمی، پایه‌های استقلال یک ملت

پیشرفت علمی ← تقویت پایه‌های استقلال یک ملت

جامع الشتات بنیانیان

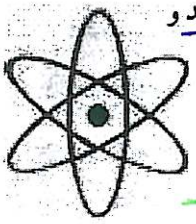

را تقویت می‌کند و مانع تسلط بیگانگان می‌شود. هریک از ما باید بکوشیم با همت بلند و پشتکار فراوان، استعداد خود را به‌کار بگیریم تا به مرتبه‌ای از قدرت علمی برسیم که توجه دیگر ملت‌ها را به سوی خود جلب کنیم.

مقام معظم رهبری در این باره این‌گونه تذکر می‌دهند: «باید علم را که مایهٔ اقتدار ملی است، همهٔ جدی بگیرند و دنبال کنند. کشوری که مردم آن از علم بی‌بهره باشند، هرگز به حقوق خود دست نخواهد یافت. نمی‌شود علم را از دیگران گدایی کرد. علم، درون‌جوش و درون‌زاست. باید استعدادهای یک ملت به‌کار افتد تا یک ملت به معنای حقیقی کلمه، عالم بشود[1].»

پیشرفت‌های اخیر دانشمندان جوان کشور ما، در رشته‌های مختلف علمی، مانند پزشکی و سلول‌های بنیادی، فناوری نانو و هسته‌ای، صنایع نفت، پتروشیمی و سدسازی قدم‌های اولیه‌ای است که باید با همّت بلندتر و عزم قوی‌تر ادامه یابد و همهٔ عرصه‌های دانش را بپیماید.

۳ــ استحکام بخشیدن به نظام اسلامی: استحکام و اقتدار نظام حکومتی یک کشور مهم‌ترین عامل برای حضور کارآمد در میان افکار عمومی جهان است. یک کشور ضعیف، به‌طور طبیعی منزوی می‌شود و همراه و همدلی در دنیا نمی‌یابد. پس شایسته است نظام اسلامی خود را به‌مرتبه‌ای از پیشرفت و تعالی برسانیم که ملت‌های دیگر به‌طور عینی و ملموس ثمرهٔ اندیشه‌ها و آرمان‌های ما را ببینند. استحکام پایه‌های اقتصادی و تلاش برای کاهش فقر، توسعهٔ عدالت در همهٔ ابعاد، تقویت اتحاد ملّی، انسجام اسلامی و مشارکت عمومی و عمل به وظیفهٔ مقدس امر به معروف و نهی از منکر، از مهم‌ترین عوامل استحکام نظام اسلامی است.

۴ــ تقویت عزت نفس عمومی: ملتی که به توانایی خود ایمان و باور دارد و عبارت «ما می‌توانیم» را، نه‌صرفاً در لفظ، که در «عمل» بیان می‌کند، قله‌های افتخار را به سرعت فتح خواهد کرد. ایمان و باور به اینکه «ما می‌توانیم» زنده‌کنندهٔ تمدن اسلامی و بزرگ‌ترین نیروی محرکه، برای پیمودن راه و گذر از گردنه‌های سخت آن است. آن خودباوری که پیامبر گرامی اسلام در یاران اندک خود به‌وجود آورد، سبب شد در شهر کوچک مدینه امتی تربیت شود که برای اصلاح جهان قیام کند و از همان ابتدا برای آزادی ستم‌دیدگان جهان و گسترش توحید در تمام دنیا برنامه‌ریزی نماید.

۱ــ سخنرانی در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی (ره)، خرداد ماه ۱۳۸۵

صبح یکی از روزهایی که مسلمانان به حفر خندق در اطراف مدینه مشغول بودند، تا مانع ورود مشرکان مکه شوند و بتوانند با جمعیت اندک خود در مقابل آنها بایستند، به سنگ بزرگی برخوردند. شکستن و بیرون آوردن آن سنگ مشکل بود. گروهی از یاران پیامبر جمع شده بودند و تلاش می‌کردند با استفاده از ابزار آن روز و زور بازوی خود، سنگ را بشکنند و آن را بیرون آورند، امّا موفقیتی به‌دست نیامد.

جابربن عبدالله نزد پیامبر آمد و از ایشان کمک خواست. پیامبر خدا ﷺ نزد آنان آمد، نگاهی به سنگ بزرگ انداخت، سپس به‌سوی آب رفت و وضو گرفت و جرعه‌ای از آن را نوشید. اعتماد و آرامش در رفتار وی تجلی داشت. با اطمینان کلنگ را در دست گرفت، آن را بالا برد و با بانگ تکبیر فرود آورد. آن‌چنان محکم کوبید که غرشی برخاست و جرقه‌ای چون شهاب از سنگ برآمد؛ با ضربهٔ دوم، برق دیگری درخشید و با ضربهٔ سوم، برق سوم. با این سه ضربهٔ پیاپی، سنگ سخت از هم پاشید و تکه‌تکه شد.

رسول خدا ﷺ از میان خندق رو به یاران کرد و فرمود: «خدای متعال با برق نخستین، کشور یمن را برای من گشود و با برق دومین، شام و مغرب زمین را و با برق سوم مشرق زمین را برای من فتح کرد[1]». ایشان خودباوری و توکل به خداوند را این‌گونه در یاران خود تقویت می‌نمود.

حوزهٔ چهارم: حضور مؤثر و فعال در جامعهٔ جهانی

پیام اسلام، پیامی برای فطرت انسان‌هاست؛ هر انسان حقیقت‌طلب و روشن‌ضمیری که جویای حقیقت باشد، در مواجههٔ با این پیام، جذب آن می‌شود و تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد. آنچه اهمیت دارد، انتخاب روش‌های درست برای انتقال این پیام است. به همین منظور، برنامه‌های زیر را پیشنهاد می‌کنیم:

۱ــ تأکید بر محتوای عقلانی و خردمندانهٔ دین: میان یک پیام و روش تبلیغ آن باید تناسب منطقی و معقول برقرار باشد؛ از این‌رو حق را نمی‌توان با روش‌های نادرست به دیگران رساند. خداوند، در قرآن کریم روش‌های تبلیغی مناسب را به پیامبر گرامی‌اش آموزش داده است.

۱ــ سلام بر خورشید، سید علی‌اکبر حسینی، ج ۴، ص ۲۴۲

در آیهٔ ۱۲۵ سورهٔ نحل بیندیشید و روش‌هایی را که برای گفت‌وگو با مردم و رساندن پیام الهی پیشنهاد می‌کند، استخراج نمایید.

روش اول: .....

روش دوم: .....

روش سوم: .....

.....

لازمهٔ به‌کارگیری این روش‌ها، تقویت عقل و خرد و تأمل خردمندانه در اسلام است؛ به‌طوری که بتوانیم معقول و خردمندانه از دین الهی دفاع کنیم و پاسخگوی پرسش‌های جویندگان حقیقت باشیم.

۲ــ استفاده از بهترین و کارآمدترین ابزارها برای رساندن پیام: امروزه ابزارهای رساندن پیام بسیار متنوع و گسترده است. این ابزارها، به همان میزان که می‌توانند در استخدام حق قرار گیرند، می‌توانند حامل پیام‌های باطل باشند و به گمراهی مردم کمک کنند.

شبکهٔ جهانی اطلاع‌رسانی (اینترنت) بهترین شاهد این مدعاست. در این میدان، که شاید سخت‌ترین هماوردی حق و باطل در جریان است، مشاهده می‌کنید که چگونه باطل‌پیشگان به تمام اصول و موازین اخلاقی و انسانی حمله می‌کنند و هیچ حدّ و مرز اخلاقی را رعایت نمی‌نمایند.

.....

*۱- امروزه چه ابزارهایی برای رساندن پیام حق و گفت‌وگو با دیگر مردمان وجود دارد که می‌توان از آنها کمک گرفت؟

۲- دشمنان حق چگونه از این ابزارها سوء استفاده می‌کنند؟ و راه مبارزه با آنها چیست؟

.....

۳ــ مبارزه با ستمگران و تقویت فرهنگ جهاد و شهادت و صبر: می‌دانیم که یکی از رسالت‌های اصلی انبیا، مبارزه با ظلم و برقراری عدل در روابط جهانی و گسترش حق و حقیقت بوده است. هر چند که بسیاری از مردم با شنیدن سخن حق دلشان نرم می‌شود و پذیرای حق و حقیقت و عدالت می‌باشند، اما باید هوشیار باشیم که همواره گروهی از اهل باطل هستند که نه‌تنها زیر بار حق و حقیقت نمی‌روند،

بلکه سد راه حق‌جویی و حق‌پرستی می‌باشند و گسترش عدالت، منافع آنها را بر هم می‌زند و تا همه را تابع خط و مشی خود نکنند و یوغ اسارت بر گردن دیگران نیفکنند، آرام نمی‌گیرند.

امام خمینی ـ رحمة الله علیه ـ می‌فرمایند:

«نکتهٔ مهمی که همهٔ ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم، این است که دشمنان ما و جهان‌خواران تا کی و تا کجا ما را تحمل می‌کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند. به یقین، آنان مرزی جز عدول از همهٔ هویت‌ها و ارزش‌های معنوی و الهی‌مان نمی‌شناسند. به‌گفتهٔ قرآن‌کریم [دشمنان] هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما برنمی‌دارند مگر اینکه شما را از دین‌تان برگردانند[1]. ما چه بخواهیم و چه نخواهیم صهیونیست‌ها و آمریکا و شوروی در تعقیبمان خواهند بود تا هویت دینی و شرافت مکتبی‌مان را لکه‌دار نمایند.»[2]

بدین ترتیب، اگر واقع‌بینانه نگاه کنیم، درمی‌یابیم که دعوت به حق و عدالت را نباید منحصر به صحبت و شعار کرد، بلکه برای تحقق سخن حق باید قیام نمود و موانع حق و حق‌پرستی را در کل جهان زدود و این میسر نمی‌شود مگر با جهاد و آمادگی برای شهادت در راه خدا، که همان راه حق و حقیقت است و تحمل همهٔ سختی‌های این راه.

امام خمینی «ره» در این باره در پیام برائت از مشرکین در حج سال ۱۳۶۶ فرمودند:

«... تجربه انقلاب اسلامی در ایران، با خون‌بهای هزاران شهید و مجروح و خراب شدن منزل‌ها و به آتش کشیده شدن خرمن‌های کشاورزان و کشته شدن تعداد بسیاری در بمب‌گذاری‌ها و اسیر شدن فرزندان انقلاب و اسلام به‌دست دژخیمان بعث عراق و هزاران گونه تهدید و فشار اقتصادی و جانی به‌دست آمده است. ملت ایران تجربهٔ پیروزی بر کفر جهانی را در خراب شدن منازل خود بر سر کودکان در خواب، به‌دست آورده و با فداکاری و مجاهدت، انقلاب و کشور خود را بیمه نموده است، و ما به تمام جهان تجربه‌هایمان را صادر می‌کنیم و نتیجهٔ دفاع و مبارزه با ستمگران را بدون کوچک‌ترین چشم‌داشتی، به مبارزان راه حق انتقال می‌دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه‌ها، جز شکوفه‌های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت‌های در بند نیست.

۱ـ سوره بقره، آیه ۲۱۷

۲ـ صحیفهٔ نور، ج ۲۰، ص ۲۳۷

... من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهان‌خواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همهٔ دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست؛ یا همه آزاد می‌شویم و یا به آزادی بزرگ‌تری که شهادت است می‌رسیم و همان‌گونه که در تنهایی و غربت و بدون کمک و رضایت احدی از کشورها و سازمان‌ها و تشکیلات جهانی، انقلاب را به پیروزی رساندیم، و همان‌گونه که در جنگ نیز، مظلومانه‌تر از انقلاب، جنگیدیم و بدون کمک حتی یک کشور خارجی متجاوزان را شکست دادیم، به یاری خدا باقیماندهٔ راه پر نشیب و فراز را با اتکاء به خدا، تنها خواهیم پیمود و به وظیفه خود عمل خواهیم کرد: یا دست یکدیگر را در شادی پیروزی جهان اسلام در کل گیتی می‌فشاریم و یا همه به حیات ابدی و شهادت روی می‌آوریم و از مرگ شرافتمندانه استقبال می‌کنیم ولی در هر حال پیروزی با ماست و دعا را هم فراموش نمی‌کنیم...».[1]

نمونهٔ بارز حق‌ستیزی و زورگویی در عرصه جهانی، اقدامات صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی است. فجایع و ظلم‌هایی که امروزه در فلسطین رخ می‌دهد، بر کسی پوشیده نیست و تاکنون سازمان‌های بین‌المللی ده‌ها قطعنامه در محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی صادر کرده‌اند؛ اما آیا این قطعنامه‌ها توانسته‌اند در رویه‌های ظالمانهٔ این رژیم غاصب اندک تأثیری داشته باشد؟ آیا در مقابل یک جاه‌طلب قدرتمند می‌توان به مذاکره و نصیحت اکتفا کرد؟

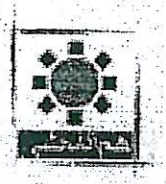

* برخی می‌گویند راه‌حل معضل فلسطین را باید در پشت میزهای مذاکره و رایزنی‌های سیاسی جست‌وجو کرد و انتفاضهٔ مردم فلسطین تنها بر حجم مشکلات می‌افزاید. در گفت‌وگو با دوستان خود، این دیدگاه را نقد و بررسی کنید.

بنابراین، با شناخت دقیق فرصت‌ها، مردم دنیا را باید نسبت به شرایط سخت و ظالمانه‌ای که در آن قرار گرفته‌ایم، آگاه کنیم و با زنده کردن روحیهٔ جهاد و مبارزه، به تقویت جبههٔ عدالت‌خواهان بپردازیم. با اقتدا به امام خمینی ـ رحمة‌الله علیه ـ عزت و کرامت ذاتی انسان‌ها را بدان‌ها یادآوری کنیم، روحیهٔ خودباختگی و ترس را از ملت‌ها بزداییم و آنها را به سوی استقامت و مبارزه‌ای معقول و عزتمند هدایت کنیم.

۱ـ صحیفهٔ نور، ج ۲۰، ص ۱۱۸

درس دهم

زندگی در دنیای امروز

۱ـ احکامی که در این درس آمده، گرچه عموماً مشترک میان مراجع بزرگوار تقلید است، اما مشخصاً از فتاوی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، استخراج شده است. از آن‌جا که ممکن است در برخی از موارد جزیی، تفاوت فتوا وجود داشته باشد، مقلدان سایر مراجع معظم در موارد اختلافی، به رسالهٔ مرجع تقلید خود مراجعه نمایند.

نکته: تقلید در اصول دین حرام است و تقلید در فروع دین جایز است

عمل به احکام و راهنمایی خداوند، در دنیای پیچیدهٔ امروز، تنها شیوهٔ مطمئن زندگی و روش قابل اعتماد در مواجهه با مسأله‌هاست. در دنیایی که برترین معیارها و ارزش‌ها و مقدس‌ترین حقیقت‌ها تخریب می‌شوند، بسیاری از باطل‌ها را حق و حق‌ها را باطل جلوه می‌دهند، سهل‌انگاری در عمل و بی‌توجهی به احکام خداوند، قرار دادن خود بر لبهٔ پرتگاهی است که سقوط به وادی‌های هولناک گمراهی و سرگردانی را در پی خواهد داشت. خداوند همین خطر را به ما هشدار می‌دهد و می‌فرماید:

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيانَهُ	آیا آن کس که بنیاد [کار] خود را
عَلىٰ تَقْوىٰ مِنَ اللّٰهِ وَ رِضْوانٍ	بر پایهٔ تقوا و خشنودی خدا نهاده
خَيْرٌ	بهتر است
أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيانَهُ	یا کسی که بنای خود را پی‌ریزی کرده
عَلىٰ شَفا جُرُفٍ هارٍ	بر لب پرتگاهی مشرف به سقوط
فَانْهارَ بِهِ فِي نارِ جَهَنَّمَ	و با آن در آتش دوزخ فرو می‌افتد؟
وَاللّٰهُ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّالِمِينَ	و خداوند گروه بیدادگران را هدایت نمی‌کند.

توبه، ۱۰۹

چرا برخی این راه یقینی را نادیده می‌گیرند و به این در و آن در می‌زنند و فرصت‌های زندگی را از دست می‌دهند؟

قبل از بیان برخی از احکام ضروری، توجه به دو نکته لازم است:

۱ــ هریک از احکام و دستورات خداوند، دارای علت خاصی است. اگر خداوند مهربان ما را به انجام کاری فرمان داده، حتماً آن کار به نفع ما بوده است. و اگر از کاری منع کرده حتماً آن کار به ضرر ماست، گرچه ما از انجام آن خیلی خوشمان نیاید. قرآن کریم می‌فرماید: «چه بسیار چیزهایی که شما آنها را خوش نمی‌دارید، درحالی که برای شما خوب است و خداوند به آنها فرمان داده و چه بسیار چیزهایی که دوست می‌دارید و آنها برای شما بد است و خداوند آنها را منع فرموده است. زیرا خداست که بر هر چیزی آگاه است ولی شما این گونه نیستید.»[1]

۲ــ ممکن است ما انسان‌ها علت برخی از احکام را درک نکنیم، به‌خصوص وقتی که ببینیم

۱ــ بقره، ۲۱۶

۱۰۵

برخی از جوامع امروزی برخلاف آن احکام عمل می‌کنند. در این قبیل موارد باید به عقل و خرد خود مراجعه و توجه کنیم که علم ما نسبت به علم و حکمت خداوند، بسیار ناچیز است و بنای زندگی بر پایهٔ علم خداوند است که خوشبختی و سعادت را به ارمغان می‌آورد.

برخی از احکام زندگی در دنیای امروز

الف) ورزش و بازی

۱ــ بازی، ورزش و بازی‌های ورزشی[1] که برای نشاط، سلامتی و تقویت جسم و روح انجام می‌شود، اگر به قصد آمادگی بیشتر برای انجام وظایف الهی باشد، مستحب است و پاداش اخروی دارد.

۲ــ کسانی که برای تقویت رابطهٔ صمیمانه میان خویشان و همسایگان و سلامت اخلاقی افراد خانواده در بازی‌ها و ورزش‌های دسته‌جمعی پیش‌قدم می‌شوند، از پاداش اخروی بهره‌مند خواهند شد.

۳ــ شرط‌بندی، از امور زیان‌آور روحی و اجتماعی است و انجام آنها، حتی در بازی‌ها و ورزش‌های معمولی، حرام می‌باشد.

۴ــ قمار حرام است و بازی با وسایل و ابزارهایی که در جامعه به‌عنوان ابزار قمار شناخته شده‌اند، اگرچه به قصد قمار نباشد، حرام است. شرکت در مجالس قمار نیز حرام می‌باشد. یکی از دلایل حرمت می‌تواند این باشد که زشتی قمار در اذهان باقی بماند و زمینهٔ پیدایش قمار در جامعه فراهم نشود.[2]

۵ــ دادن جایزه توسط سازمان‌ها، نهادها و افراد به ورزشکاران جایز است و اگر کسانی این جوایز را به این نیّت بدهند که افراد جامعه به ورزش و بازی‌های مفید رو آورند و سلامتی جسم و جان خود را افزایش دهند، کار نیکی کرده‌اند و از پاداش اخروی برخوردار خواهند بود.

۶ــ اگر ورزش و بازی‌های ورزشی برای دور شدن افراد جامعه از فساد و بی‌بندوباری‌های دنیای کنونی ضرورت یابد، فراهم کردن امکانات آن واجب کفایی[3] است.

۱ــ بازی مجموعه فعالیت‌هایی است که برای نشاط و تفریح انجام می‌شود. ورزش مجموعهٔ حرکاتی است که برای سلامتی جسمانی و تقویت اندام‌هاست. بازی‌های ورزشی، آن دسته از بازی‌هایی هستند که هم سبب نشاط و فرح می‌شود و هم به تقویت اندام‌ها کمک می‌کند، مانند فوتبال، والیبال، دو و میدانی و بسیاری از بازی‌های محلی.

۲ــ رسالهٔ اجوبة‌الاستفتائات، ص ۲۴۵ تا ۲۴۷

۳ــ واجب کفایی، عملی است که بر همه واجب است و اگر کسانی در حدّ کفایت به آن اقدام کنند، از دوش دیگران برداشته می‌شود.

۷ـ بازی با ابزار قمار از طریق کامپیوتر، مانند بازی با همان ابزار است و حرام می‌باشد.[۱]

ب) فرهنگ و ارتباطات[۲]

۱ـ تولید فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، مستند علمی، تاریخی و اجتماعی که به نیّت اعتلای فرهنگ اسلامی و تربیت دینی باشد، مستحب است و در شرایط ضروری، واجب کفایی است.

۲ـ تولید سایت‌ها در شبکهٔ اینترنت به منظور اشاعهٔ فرهنگ و معارف اسلامی و مقابله با اندیشه‌های کفرآمیز و ابتذال اخلاقی، مستحب است و افرادی که توانایی علمی، فنی و مالی آن را دارند، باید به تولید آن مبادرت ورزند.

۳ـ تولید، توزیع و تبلیغ، فیلم‌ها، لوح‌های فشرده، نوارهای کاست، مجلات، روزنامه‌ها، کتاب‌ها و انواع آثار هنری به منظور گسترش فرهنگ و معارف اسلامی و مبارزه با تهاجم فرهنگی و ابتذال اخلاقی، از مصادیق مهم عمل صالح و از واجبات کفایی و دارای پاداش اخروی بزرگ است.

۴ـ تولید، توزیع و تبلیغ، فیلم‌ها، لوح‌های فشرده و سایر رسانه‌ها که دربردارندهٔ تصاویر یا متونی که موجب انحراف و فساد می‌شوند و یا دربردارندهٔ موسیقی مطرب و مناسب با مجالس لهو و گناه باشند، از گناهان بزرگ شمرده می‌شود و خرید و فروش آنها حرام است. همچنین، تماشا کردن و گوش دادن به آنها نیز حرام است.

۵ـ ابزارهای دریافت شبکه‌های ماهواره‌ای و رسانهٔ اینترنت، از این جهت که صرفاً وسیله‌ای برای دریافت برنامه‌های مختلف تلویزیونی و ارتباط هستند، که هم برنامه‌های حلال دارند و هم حرام، حکم ابزار مشترک را دارند. بنابراین، خرید و فروش و نگهداری آن برای امور حرام، حرام و برای امور حلال، جایز است. ولی چون این ابزار زمینهٔ دریافت برنامه‌های حرام را برای خود و اطرافیان خود کاملاً فراهم می‌کند و گاهی نگهداری آن مفاسد دیگری را نیز دربر دارد، خرید و نگهداری آنها حرام است؛ مگر برای کسی که به خودش مطمئن است که استفادهٔ حرام نمی‌کند و نگهداری آن در خانه، مفسده‌ای را به‌دنبال ندارد.

البته در این قبیل موارد، قوانین دولت جمهوری اسلامی ایران که مصالح کلی جامعه را در نظر

۱ـ رسالهٔ اجوبةالاستفتائات، ص ۲۴۵ تا ۲۴۷

۲ـ رسالهٔ اجوبةالاستفتائات، ص ۲۵۹ تا ۲۶۶

دارد، اولویت دارد و لازم‌الاجرا است.[1]

۶ــ موسیقی لهوی و مطرب که مناسب با مجالس عیش و نوش باشد، حرام محسوب می‌شود و فرقی نمی‌کند که موسیقی کلاسیک باشد یا غیرکلاسیک. این‌گونه موسیقی‌ها به سبب ویژگی‌هایی که دارند، انسان را از خداوند متعال و فضائل اخلاقی دور نموده و به سمت بی‌بندوباری و گناه سوق می‌دهند.

۷ــ به‌کارگیری آلات موسیقی برای نواختن موسیقی غیرلهوی، اگر برای اجرای سرودهای انقلابی و یا برای اجرای برنامه‌های فرهنگی مفید باشد، اشکال ندارد، به شرط این‌که مستلزم مفاسد دیگری نباشد.

۸ــ شرکت در جشن‌های شادی، مانند جشن عروسی، درصورتی که مستلزم گوش‌دادن به غنا و موسیقی مطرب و یا هر عمل حرام دیگری نباشد، اشکال ندارد؛ همچنین فیلم‌برداری مردان از مجالس مردان و زنان از مجالس زنان جایز است اما فیلم‌برداری مردان از زنانی که رعایت حجاب کامل را نمی‌کنند، حرام است.

۹ــ اگر مؤلف یا ناشر یا تولیدکنندهٔ فیلم، نوار و لوح فشرده قید کرده باشد که چاپ یا تکثیر آن، بدون اجازهٔ صاحبش ممنوع است، لازم است حقوق صاحبان آن مراعات شود.

ج) روابط با بیگانگان

۱ــ اگر خرید کالاهای وارداتی از کشورهای غیراسلامی و استفاده از آنها باعث تقویت دولت‌های کافر و استعمارگر که دشمن اسلام و مسلمین هستند، شود و یا قدرت مالی آنها را برای هجوم به سرزمین‌های اسلامی یا مسلمین در سراسر عالم، تقویت نماید، واجب است که مسلمانان از خرید و به‌کارگیری و استفاده از آنها اجتناب کنند.[2]

۲ــ هر نوع تجارتی که به نفع دولت غاصب صهیونیستی که دشمن اسلام و مسلمین است، تمام شود، حرام است. وارد کردن و ترویج کالاهای آنان که از ساخت و فروش آن سود می‌برند، حرام است. اگر این قبیل کالا در فروشگاه‌های کشورهای اسلامی باشد، خرید آنها بر مسلمانان حرام است.[3]

۱ــ خوب است توجه کنیم که حکومت اسلامی همان‌گونه که در قبال بهداشت جسمانی جامعه مسئول است و صرفاً به توصیه‌های بهداشتی بسنده نمی‌کند بلکه چون ممکن است برخی از روی ناآگاهی یا برای سوءاستفاده، خوراکی‌های فاسد در جامعه توزیع کنند، قوانین الزام‌آوری برای حفظ بهداشت جامعه تصویب و با متخلفان برخورد قانونی می‌کند، در قبال بهداشت روح و روان جامعه نیز مسئول است و نمی‌تواند به توصیه‌های اخلاقی بسنده کند. در همین راستا، با توجه به این‌که متأسفانه اغلب کاربردهای ماهواره در راستای مسائل مفسدة‌آمیز می‌باشد و افراد جامعه به‌دلیل غفلت یا سایر عوامل به این نوع استفاده‌ها اقدام می‌کنند، مجلس شورای اسلامی در مصوبه‌ای در ۱۳۷۳/۱۱/۲۳، ورود، توزیع و استفاده از تجهیزات دریافت ماهواره را ممنوع کرد و فقط اجازه داد برخی از سازمان‌ها با کسب مجوز رسمی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، حق استفاده از تجهیزات مذکور را داشته باشند.

۲ و ۳ــ رسالهٔ اجوبة‌الاستفتائات، رهبر معظم انقلاب اسلامی، ص ۳۰۰ و ۳۰۱

۳ــ خرید و پوشیدن لباس‌هایی که توسط دولت‌های استعماری تولید شده‌اند، اگر مستلزم ترویج فرهنگ غیراسلامی دشمن باشد و باعث تقویت اقتصاد آنان برای استعمار و استثمار سرزمین‌های اسلامی شود، یا منجر به وارد شدن ضرر اقتصادی به دولت اسلامی گردد، حرام است.[1]

۴ــ معمولاً مدهایی که در غرب پیدا می‌شود، دربردارندهٔ پیامی منفی یا ترویج‌دهندهٔ یک گروه غیراخلاقی است. به‌طورکلی، تقلید از مدهایی که شبیه شدن به دشمنان اسلام و ترویج فرهنگ آنها را به‌دنبال دارد، حرام است.

۱ــ رسالهٔ اجوبةالاستفتائات، رهبر معظم انقلاب اسلامی، ص ۲۰۷